

UTL AT DOWNSVIEW




D 39 10 05 03 13 004 2
RANGE BAY SHLF POS ITEM C

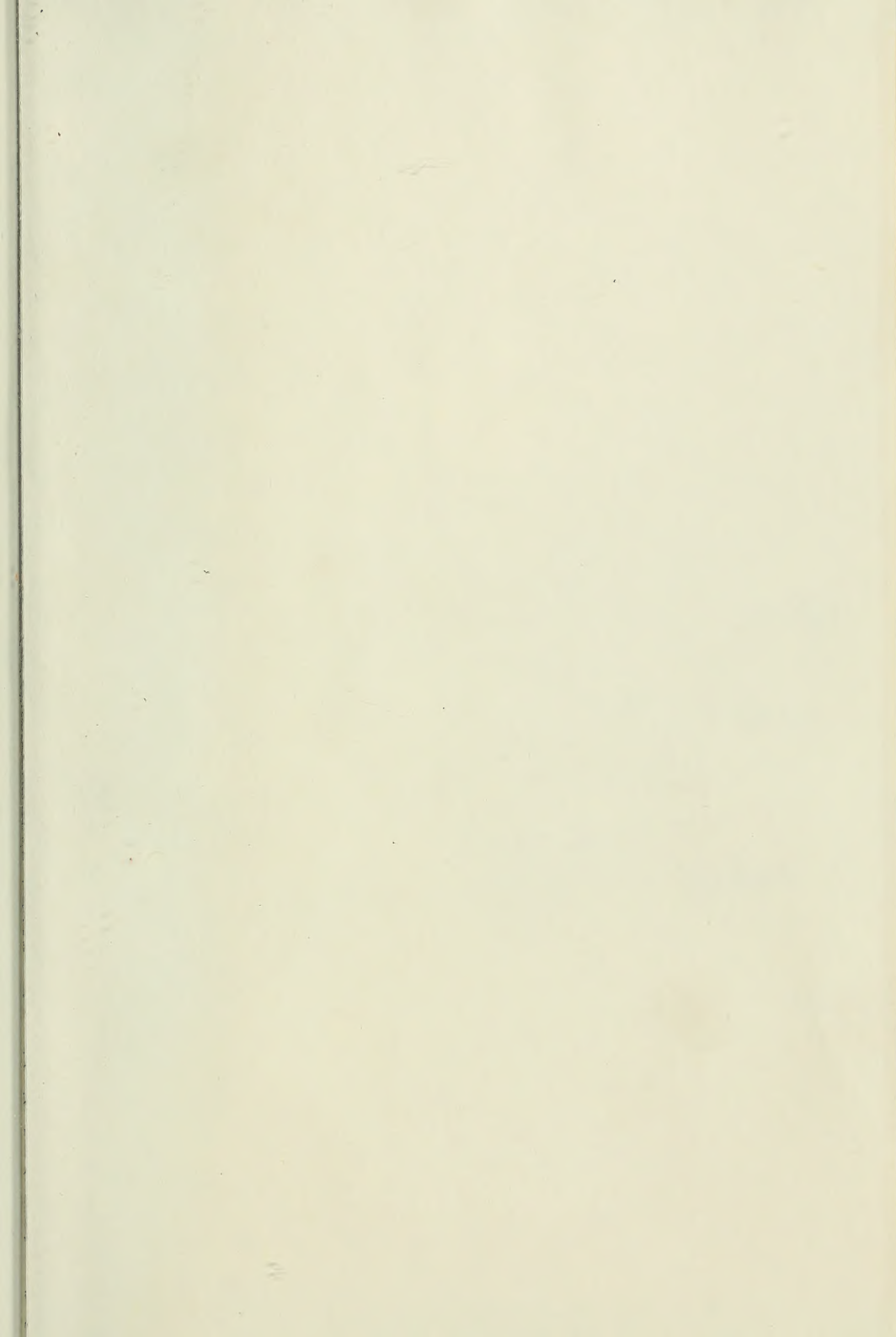
PLEASE DO NOT REMOVE
CARDS OR SLIPS FROM THIS POCKET

UNIVERSITY OF TORONTO LIBRARY

K Cevdet, Ahmet
 Mecelle-'i ahkām-i
C4242M4 'adliye
1883



Digitized by the Internet Archive
in 2010 with funding from
University of Toronto



2734

SF/18

0



Cevdet, Ahmet, Paşa

مجلهٔ احکام عدلیه

Mecelle-i ahkâm-ı adliye

استامبول

اشبو مجله عدلیه ناظری و مجله جمعیت جلیله سی رئیس
دولتو احمد جودت پاشا حضرتلرینک ترتیب و تنسیق
و معارف نظارت جلیله سی رخصت رسمیه سیله بو دفعه
(مطبعه عثمانیه ده) طبع اولمشدر .

دین

۱۳۰۰

K

C42

188

مجله جمعيتندن تنظيم اولنان مضبوطه نك صورتى	۲
(مقدمه ايكي مقاله يى حاويدر)	
مقاله اولى • علم فقهك تعريف و تقسيمى	۲۰
« ثانى • قواعد فقهيه بيانده در	۲۲
(كتاب البيوع بر مقدمه ايله يدى بابدر)	
مقدمه • بيوعه متعلق اصطلاحات فقهيه	۳۹
باب اول • عقد بيعه متعلق مسائل بش فصلدر	۵۰
فصل اول • ركن بيع حقهنده در	۵۰
« ثانى • قبولك ايجابه • موافق اولسنه لزومى	۵۳
« ثالث • مجلس بيع حقهنده در	۵۶
« رابع • شرطله بيع حقهنده در	۵۸
« خامس • اقاله بيع حقهنده در	۵۹
باب ثانى • بيعه متعلق مسائل بيانده درت فصلدر	۶۱
فصل اول • مبيعك شروط و اوصافى حقهنده	۶۱
« ثانى • بيعى جائز اولوب اولميان شيلر حقهنده	۶۲
« ثالث • مبيعك كيفيت بيعنه متعلق مواد بيانده	۶۵
« رابع • صراحت ذ كر اولقسز ين بيعده داخل اولوب اولميان شيلر بيانده	۷۲
« ثمنه متعلق مسائل بيانده ايكي فصلدر	۷۵



۷۵ فصل اول • ثمنك او صافي و احوالنه مترتب مواد
 ۷۷ « ثاني • و عده ايله صايش حقه اولان مواد
 ۷۹ باب رابع • بعد العقد ثمن و ثمنه تصرفه
 متعلق مسائل بيانده اولوب ايكي

فصلدر

۷۹ فصل اول • بعد العقد وقبل القبض بايعك ثمنه
 و مشتريك مبيعه حقي

تصرفلري

۷۹ فصل ثاني • ثمن و مبيعك تزيد و تنزيلي بيانده
 ۸۳ باب خامس • تسليم و تسلمه متعلق مسائل التي فصلدر
 ۸۳ فصل اول • تسليم و تسلمك حقيقت و كيفيتي بيانده
 ۸۷ « ثاني • مبيعك حقي حيسنه دائر مواد
 ۸۸ « ثالث • مكان تسليم حقه
 ۸۹ « رابع • تسليم و وثني و لوازم تماميتي بيانده
 ۹۰ « خامس • هلاك مبيعه مترتب اولان مواد
 ۹۱ « سادس • سوم شرا و سوم نظر حقه
 ۹۳ باب سادس • خيارات بيانده اولوب يدي فصلدر
 ۹۳ فصل اول • خيار شرط حقه در
 ۹۵ « ثاني • خيار وصف
 ۹۶ « ثالث • خيار نقد
 ۹۷ « رابع • خيار تعيين

»	خيار رؤيت	» خامس	۹۸
»	خيار عيب	» سادس	۱۰۲
»	غبن و تغرير	» سابع	۱۰۹
	مبيعك انواع و احكامي بيانده التي	باب سابع	۱۱۱
	فصلدر		

	بيعك انواعي	فصل اول	۱۱۱
	انواع بيوعك احكامي	» ثاني	۱۱۲
	سلم حقهده در	» ثالث	۱۱۵
	استصناع بياندهدر	» رابع	۱۱۶
	بيع مريضك احكامي	» خامس	۱۱۸
	بيع الوفا حقهده در	» سادس	۱۲۰

(كتاب الاجارات بر مقدمه ايله سكر بادر)

	اجارهيه متعلق اصطلاحات فقهيه	مقدمه	۱۲۴
	ضوابط عموميه بياندهدر	باب اول	۱۲۷
	عقد اجارهيه متعلق درت فصلدر	» ثاني	۱۳۲
	ركن اجارهيه دائر مسائل	فصل اول	۱۳۲
	اجاره نك شرايط انعقاد و نفاذي حقهده	» ثاني	۱۳۵
	صحت اجاره نك شرايطي حقهده	» ثالث	۱۳۶
	اجاره نك بطلان و فسادي حقهده	» رابع	۱۳۸
	اجرته متعلق مسائل بيانده اوچ فصلدر	باب ثالث	۱۴۰

- ۱۴۰ فصل اول • بدل اجاره حقننده در
- ۱۴۱ « ثانی • اجرتك سبب لزومنه و اجرتك اجرتنه
- کیفیت استحقاقنه متعلق مسائل
- ۱۴۶ فصل ثالث • اجرت ایچون اجیرك مستأجر فیهی
- خپس ایدوب ایده مامسی حقننده در
- ۱۴۷ باب رابع • مدت اجاره یه متعلق مسائل
- ۱۵۰ باب خامس • خیارات حقننده اولوب اوچ فصلدر
- ۱۵۰ فصل اول • خیاری شرط حقننده
- ۱۵۴ « ثانی • خیاری رویت حقننده
- ۱۵۵ « ثالث • خیاری عیب حقننده
- ۱۵۹ باب سادس • مأجورك انواع و احکامی بیننده
- اولوب درت فصلدر
- ۱۵۹ فصل اول • اجاره عقاره متعلق مسائل
- ۱۶۲ « ثانی • اجاره عروض حقننده
- ۱۶۳ « ثالث • اجاره حیوان حقننده
- ۱۷۰ « رابع • اجاره آدمی حقننده
- ۱۷۵ باب سابع • بعد العقد آجر و مستأجرك وظیفه
- و صلاحیتلرینه دائر اولوب اوچ
- فصلدر
- ۱۷۵ فصل اول • تسلیم مأجور حقننده در
- ۱۷۷ « ثانی • ماقدینك مأجورده تصرفلرینه دائر

- ١٧٨ » ثالث • رد و اعاده مأجوره متعلق مواد
 ١٨٠ باب ثامن • ضمانات بيانده اولوب اوج فصلدر
 ١٨٠ فصل اول • ضمان منفعت حقه
 ١٨٢ » ثاني • مستأجر ك ضمانی حقه
 ١٨٥ » ثالث • اجير ك ضمانی حقه

(كتاب الكفاله بر مقدمه ايله اوج بابتدر)

- ١٩٠ مقدمه • كفالتہ دائر اصطلاحات فقہیہ
 ١٩٢ باب اول • عقد كفالت حقه اولوب ایکی
 فصلدر
 ١٩٢ فصل اول • ركن كفالتہ دائر در
 ١٩٣ » ثاني • شرائط كفالتہ متعلقدر
 ١٩٦ باب ثاني • كفالتك احكامی حقه اولوب
 اوج فصلدر
 ١٩٦ فصل اول • كفالت منجزه و معلقه و مضافه نك حكمی
 ٢٠٠ » ثاني • كفالت بالنفسك حكمی
 ٢٠٠ » ثالث • كفالت بالملاك احكامی
 ٢٠٦ باب ثالث • كفالتدن برأت حقه اوج فصلدر
 ٢٠٦ فصل اول • بعض ضوابط عمومیه بیانده
 ٢٠٧ » ثاني • كفالت بالنفسدن برأت حقه
 ٢٠٨ » ثالث • كفالت بالمالدين برأت حقه

(کتاب الحواله بر مقدمه ایله ایکی بانددر)

صیغه

- ۲۱۲ مقدمه • حواله به دائر اصطلاحات قتهیه
۲۱۳ باب اول • عقد حواله بیاننده اولوب ایکی
فصلدر
۲۱۳ فصل اول • وکن حواله بیاننده در
۲۱۴ » ثانی • شرائط حواله بیاننده
۲۱۶ باب ثانی • احکام حواله بیاننده در

(کتاب الرهن بر مقدمه ایله درت بانددر)

- ۲۲۲ مقدمه • رهنه دائر اصطلاحات قتهیه
۲۲۳ باب اول • عقد رهنه دائر اولوب اوچ فصلدر
۲۲۳ فصل اول • رکن رهنه دائر مسائل بیاننده در
۲۲۴ » ثانی • انعقاد رهنک شرائطی حقهنده
۲۲۴ » ثالث • مرهونک زواید متصله سی و رهنندن
صکره واقع اولان تبدیل و زیاده
حقهنده در
۲۲۶ باب ثانی • راهن و مرتهنه متعلق بعض مسائل
۲۲۷ باب ثالث • مرهونه متعلق مسائل حقهنده ایکی
فصلدر
۲۲۷ فصل اول • مرهونک مؤنت و مصافی حقهنده
۲۲۸ » ثانی • رهن مستعار حقهنده

- ۲۲۹ باب رابع • رهنك احكامی بیانده درت فصلدر
 ۲۲۹ فصل اول • رهنك احكام عمومی بیانده
 ۲۳۳ » ثانی • راهن و مرتهنك رهنده تصرفری
 ۲۳۵ » ثالث • ید عدلده اولان رهنك احكامی
 ۲۳۶ » رابع • بیع رهن حقهده

(کتاب الامانات بر مقدمه ایله اویچ بابدر)

- ۲۴۰ مقدمه • اماناته متعلق اصطلاحات فقهیه
 ۲۴۱ باب اول • اماناته دائر بعض احكام عمومیه
 ۲۴۴ باب ثانی • ودیعه حقهده اولوب ایکی فصلدر
 ۲۴۴ فصل اول • عقد و شرط ایذاعه متعلق مسائل
 ۲۴۵ » ثانی • ودیعه نك احكامی و ضماناتی حقهده
 ۲۵۷ باب ثالث • عاریت حقهده اولوب ایکی فصلدر
 ۲۵۷ فصل اول • عقد و شرط اعاره یه متعلق مسائل
 ۲۵۹ » ثانی • عاریتك احكام و ضماناتی حقهده

(کتاب الهبه بر مقدمه ایله ایکی بابدر)

- ۲۷۰ مقدمه • هبه یه دائر اولان اصطلاحات فقهیه
 ۲۷۱ باب اول • عقد هبه یه متعلق مسائل ایکی فصلدر
 ۲۷۱ فصل اول • رکن و قبض هبه یه دائر مسائل
 ۲۷۵ » ثانی • شرائط هبه بیانده در

- ۲۷۷ باب ثانی • احکام هبه بیاننده اولوب ایکی فصلدر
 ۲۷۷ فصل اول • هبه دن رجوع حقنده
 ۲۸۱ « ثانی • هبه مریض حقنده در

(کتاب الغصب بر مقدمه ایله ایکی بادر)

- ۲۸۴ مقدمه • غصب و اتلافه دائر اصطلاحات فقهیه
 ۲۸۶ باب اول • غصب حقنده اولوب اوچ فصلدر
 ۲۸۶ فصل اول • غصبک احکامی بیاننده
 ۲۹۱ « ثانی • غصب عقاره متعلق بعض مسائل
 ۲۹۴ « ثالث • غاصب الغاصبک حکمی بیاننده
 ۲۹۵ باب ثانی • اتلاف بیاننده اولوب درت فصلدر
 ۲۹۵ فصل اول • مباشرة اتلاف حقنده
 ۲۹۸ « ثانی • تسبیحاً اتلاف بیاننده
 ۳۰۰ « ثالث • طریق عامده احداث اولنان شیره
 دائر

- ۳۰۲ « رابع • جنایات حیوان حقنده در
 (کتاب الحجر والا کراه والشفعه بر مقدمه ایله اوچ بادر)
 ۳۰۸ مقدمه • حجر و اکراه و شفعهیه متعلق
 اصطلاحات فقهیه
 ۳۱۱ باب اول • حجره متعلق مسائل بیاننده درت
 فصلدر

- ۳۱۱ فصل اول • صنوف واحكام محجور بن حقهده
- ۳۱۳ » ثانی • صغیر و مجنون و معتوهه دار مسائل
- ۳۲۰ » ثالث • سفیه محجور حقهده
- ۳۲۲ » رابع • مدیون محجور حقهده
- ۳۲۴ باب ثانی • اگراهه متعلق مسائل
- ۳۲۶ باب ثالث • شفعه حقهده اولوب درت فصلدر
- ۳۲۶ فصل اول • مراتب شفعه بیانده
- ۳۳۰ » ثانی • شرائط شفعه حقهده
- ۳۳۳ » ثالث • طلب شفعه یه دایر
- ۳۳۵ » رابع • حکم شفعه یه دایر

(کتاب شرکت بر مقدمه ایله سکنز بایدر)

- ۳۴۰ مقدمه • شرکت متعلق اصطلاحات فقهیه
- ۳۴۳ باب اول • شرکت دلاک بیانده اولوب اوچ فصلدر
- ۳۴۳ فصل اول • شرکت ملک تعریف و تقسیم
- ۳۴۶ » ثانی • اعیان مشتر که نک کیفیت تصرفنه دایر
- ۳۵۴ » ثالث • دیون مشتر که حقهده در
- ۳۶۲ باب ثانی • قسمت حقهده اولوب طقوز فصلدر
- ۳۶۲ فصل اول • قسمتک تعریف و تقسیم بیانده
- ۳۶۶ » ثانی • شرائط قسمت بیانده در

قسمت جمع	»	ثالث	»	۳۷۰
قسمت تفريق	»	رابع	»	۳۷۳
كيفية قسمت	»	خامس	»	۳۷۶
خيارات بيانده	»	سادس	»	۳۷۸
قسمت فسخ و اقاله سي حقنده	»	سابع	»	۳۸۰
احكام قسمت حقنده	»	ثامن	»	۳۸۱
مهائنه بيانده در	»	تاسع	»	۳۸۶
حيطان و جيرانه متعلق مسائل در	»	باب ثالث	»	۳۹۲

فصلدر

احكام املاكه دائر بعض قواعد	»	فصل اول	»	۳۹۲
معاملات جواريه بيانده در	»	ثاني	»	۳۹۴
طريقه حقنده در	»	ثالث	»	۴۰۱
حق مرور و مجرى و مسيله دائر	»	رابع	»	۴۰۴
شركت اباحه حقنده التي فصلدر	»	باب رابع	»	۴۰۸
مباح اولوب اوليان شيلر حقنده	»	فصل اول	»	۴۰۸
مباح اولان شيلرك استملاكي حقنده	»	ثاني	»	۴۱۱
مباح اولان شيلرك احكام عموميه سي	»	ثالث	»	۴۱۳
حق شرب و شفه بيانده در	»	رابع	»	۴۱۵
احياء موات حقنده در	»	خامس	»	۴۱۸
قبولر و ضولر و اشجارك حريمي	»	سادس	»	۴۲۱

- ۴۲۴ « سابع • احکام صیده متعلق اولان مسائل
- ۴۲۹ باب خامس • نفقات مشترکه بیاننده ایکی فصلدر
- ۴۲۹ فصل اول • اموال مشترکه نك تعمیرات و مصارفی
- ۴۳۴ « ثانی • نهر و مجر الرک کری و اصلاحی
- ۴۳۷ باب سادس • شرکت عقد بیاننده اولوب الی فصلدر
- ۴۳۷ فصل اول • شرکت عقدک تعریف و تقسیمی
- ۴۴۰ « ثانی • شرکت عقدک شرائط عمومیه سی
- ۴۴۱ « ثالث • شرکت اموالک شرائط مخصوصه سی
- ۴۴۴ « رابع • شرکت عقده متعلق ضوابط بیاننده
- ۴۴۸ « خامس • شرکت مفاوضه یه دائر در
- ۴۵۱ « سادس • شرکت عنان مباحثی حقنده
- ۴۶۷ باب سابع • مضاربه حقنده اولوب اوچ فصلدر
- ۴۶۷ فصل اول • مضاربه نك تعریف و تقسیمی
- ۴۶۸ « ثانی • مضاربه نك شروط طی حقنده
- ۴۷۰ « ثالث • مضاربه نك احکامی حقنده
- ۴۷۵ باب ثامن • مزارعه و مسافاة حقنده ایکی فصلدر
- ۴۷۵ فصل اول • مزارعه بیاننده در
- ۴۷۸ « ثانی • مسافات بیاننده در
- (کتاب الوکاله بر مقدمه ایله اوچ بابدر)
- ۴۸۲ مقدمه • وکالت حقنده اصطلاحات فقهیه
- ۴۸۳ باب اول • وکالتک رکن و تقسیمی حقنده در

- ۴۸۶ باب ثانی • شرط و کالت بیاننده در
 ۴۸۸ باب ثالث • و کالتک احکامی حقننده الی فصلدر
 ۴۸۸ فصل اول • و کالتک احوال عمومیه سی بیاننده
 ۴۹۲ « ثانی • شرایه و کالت حقننده در
 ۵۰۱ « ثالث • بیعه و کالت حقننده در
 ۵۰۴ « رابع • مأموره دائر اولان مسائل
 ۵۰۸ « خامس • خصومه و کالت حقننده در
 ۵۰۹ « سادس • عزل و کیله دائر مسائل بیاننده

(کتاب الصلح والابرا بر مقدمه ایله درت بادر)

- ۵۱۵ مقدمه • صلح و ابرایه دائر اصطلاحات فقهیه
 ۵۱۶ باب اول • عقد صلح و ابرا ایذنله دائر در
 ۵۲۰ « ثانی • مصالحه نك احوال و شروطی حقننده
 ۵۲۱ « ثالث • مصالحه عنده حقننده اولوب ایکی فصلدر
 ۵۲۱ فصل اول • صلح عن الاعیان حقننده در
 ۵۲۴ « ثانی • دیندن و حقوق سائر دین صلح حقننده
 ۵۲۵ باب رابع • احکام صلح و ابرا حقننده ایکی فصلدر
 ۵۲۵ فصل اول • احکام صلحه دائر اولان مسائل
 ۵۲۶ « ثانی • ابرایه دائر اولان مسائل

(کتاب الاقرار درت بادر)

- ۵۳۲ باب اول • اقرارک شرائطی بیاننده در

- ۵۳۶ » ثانی • اقرارک وجوه صحتی بیانندہ
- ۵۳۸ » ثالث • اقرارک احکامی حقندہ اوچ فصلدر
- ۵۳۸ فصل اول • احکام عمومیه بیانندہ در
- ۵۴۰ » ثانی • نفی ملک و نام مستعار بیانندہ
- ۵۴۳ » ثالث • اقرار مریض حقندہ در
- ۵۵۰ باب رابع • اقرار بالکتابہ بیانندہ در

(کتاب الدعوی بر مقدمہ ایله ایکی بابدر)

- ۵۵۶ مقدمہ • دعوی حقندہ اصطلاحات فقہیہ
- ۵۵۷ باب اول • دعوانک شروط و احکامی درت فصلدر
- ۵۵۷ فصل اول • دعوانک شروط صحتی
- ۵۶۳ » ثانی • دفع دعوی حقندہ
- ۵۶۵ » ثالث • خصم اولوب اولیانلر بیانندہ در
- ۵۷۲ » رابع • تناقض بیانندہ در
- ۵۸۰ باب ثانی • مرور زمان حقندہ در

(کتاب البینات بر مقدمہ ایله درت بابدر)

- ۵۹۰ مقدمہ • بعض اصطلاحات فقہیہ بیانندہ
- ۵۹۱ باب اول • شہادت حقندہ اولوب سکز فصلدر
- ۵۹۱ فصل اول • شہادتک تعریف و نصابی

- ۵۹۲ » ثانی • شهادتک کیفیت اداسی حقهده
- ۵۹۶ » ثالث • شهادتک شروط اساسیه می
- ۵۹۹ » رابع • شهادتک دعوایه موافقتی
- ۶۰۳ » خامس • شاهدلرک اختلافلری بیاننده
- ۶۰۵ » سادس • تزکیه و تکلیف شهود حقهده
- ۶۱۰ » سابع • شاهدلرک شهادتدن رجوعی حقهده
- ۶۱۲ » ثامن • تواتر حقهده در
- ۶۱۳ باب ثانی • حجج خطیه و قرینه قاطعه ایکی فصلدر
- ۶۱۳ فصل اول • حجج خطیه بیاننده در
- ۶۱۴ » ثانی • قرینه قاطعه بیاننده در
- ۶۱۴ باب ثالث • تکلیف بیاننده در
- ۶۱۹ باب رابع • ترجیح بینات و تحالفه دائر درت
فصلدر
- ۶۱۹ فصل اول • تنازع بالایدی بیاننده در
- ۶۲۱ » ثانی • ترجیح بینات حقهده در
- ۶۲۷ » ثالث • سوز کیمک اولدیغنه و تحکیم حاله دائر
- ۶۳۰ » رابع • تحالفه دائر در

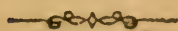
(کتاب القضا بر مقدمه ایله درت بادر)

- ۶۳۶ مقدمه • قضا حقهده اصطلاحات فقهیه
- ۶۳۸ باب اول • حکامه دائر اولوب درت فصلدر

۶۳۸	فصل اول	• حاکمک اوصافی بیانده
۶۳۸	» ثانی	• حاکمک آدابى بیانده
۶۴۰	» ثالث	• حاکمک وظائفى حقهنده
۶۴۵	» رابع	• صورت محاکمه یه دائر در
۶۴۸	باب ثانی	• حکمه دائر اولوب ایکی فصلدر
۶۴۸	فصل اول	• حکمک شروطی بیانده در
۶۵۰	» ثانی	• حکم غیابى بیانده در
۶۵۲	باب ثالث	• دعوانک بعد الحکم رؤیتی حقهنده
۶۵۳	باب رابع	• تحکیمه دائر مسائل بیانده در

❁ متفرقات ❁

۶۵۸	کتاب بینات حقهنده بعض وصایایى شامل مذکره
۶۶۱	بلا بینه مضمونیه عمل و حکم جائز اوله بیله جک صورتده سندات شرعیه نك تنظیمی حقهنده تعلیمات سنیه
۶۷۱	تعلیم اصول تحلیف



دین و دنیا
فصل اول
و اسماء
که در این کتاب

✽ مجله جمعیتندن تنظیم اولنان مضبوطه نك صورتیدر ✽

محاط علم عالی و کالت پناهییری بیورلدیغی اوزره
 علم فقہک امر دنیا به تعلق ایدن جهتی مناسکات
 و معاملات و عقود قسملرینه منقسم اولدیغی کبی ملل
 متدنه نك قوانین اساسیه سی دخی بو اوج قسمه تقسیم
 و معاملات قسمی قانون مدنی دیو توسیم اولنور فقط
 بو عصرلرده معاملات تجاریه پك زیاده توسیع ایلش
 اولدیغندن پولیچه و افلاس کبی پك چوق خصوصلرده
 قانون اصلیدن استثنا اولمش و بو مسائل استثنایه یی
 حاوی بشقه جه برده تجارت قانوننامه سی تنظیم قلمشدر که
 خصوصیات تجاریه ده معمول به اولوب جهات سائر ده
 یه قانون مدنی به مراجعت قلمشور مثلا بر محکمه تجارتده
 تجارت قانونی حکمنجه رؤیت اولنان بر دعوانك رهن
 و کفالت و وکالت کبی بعض خصوصیات متفرعه سنده
 قانون اصلی به مراجعت اولنسه یور جراثمدن نشأت
 ایدن حقوق عادیه دعوالرندن دخی بو منوال اوزره
 معامله ایدیلیور قانون مدنی به مقابل دولتعلیه ده
 قدیم و حادثا پك حقوق قوانین و نظامات یابلس در

و اگر چه بونلر کافه معاملاتک فصل و تسویه سنه کافی
 دکل ایسه ده علم فقهک معاملات قسمی بو خصوصه
 اولان احتیاجاته کافی و وافیدر و دعاوینک شرع و قانونه
 حواله سنجه بعض مشکلات کورلمکده ایسه ده تمیزده
 حقوق مجلسلری حکامک تحت ریاستلرنده بولنهرق
 امور شرعیه بی شرمارؤیت ابتدکاری کبی مجالس تمیزده
 نظاما رؤیت اولنسان مادهلر دخی انلرک معرفتیه فصل
 و بو مثالو مشکلاتلر حل اولنمقده در شو قدر که قوانین
 و نظامات ملکیه نک اصل و مرجعی علم فقه اولهرق
 نظاما رؤیت اولنسان موادک دخی نیجه خصوصات
 متفرعه سی مسائل فقهیه تطبیق ایله فصل و جسم اولنه
 کلوب مجالس تمیز اعضاسی ایسه مسائل فقهیه
 مطلع اولدقلمرندن کویا حاکم افندیلر قوانین و نظامات
 موضوعه نک خار یخنده اولهرق مرافعاتی استکاری
 قابله دوکه یورلر نظر بله باقوب برطاقم سوء ظننره ذهاب
 ایله کفتکوییه باعث اولیورلر .
 دوات علیه نک تجارت محکمه لرنده دخی تجارت
 قانوننامه همایونی دستور العمل اولوب دعوانک تجارت
 تعلق ایتمیان خصوصات متفرعه سنده عظیم مشکلات
 چکلمکده در شو یله که اورو یا قانونلرینه مراجعت

اولنسد چونکه بونلر با اراده سینه موضوع قوانین
اولدیندن محاکم دولتعلیه ده مدار حکم اوله مز شرعه
حواله اولدینده دخی محاکم شرعیه او مثلاً و خصوصات
متفرعه ده عرفیه بی اساسندن طومغه مجبور اولور
حالبو که ای محکمه بک اصول محاکمه سی اساساً مختلف
اولدیندن الطبع ایشده چتالاق پیدا اولدیغی جهتله
بو مثلاً خصوصاتده محاکم تجارتدن محاکم شرعیه یه
مراجعت اولدله میور محاکم تجارت اعضاسی کتب
فقهیه یه مراجعت ایتسون دینلورسه بو دخی قابل
دکدر زرافن فقهه انتساب خصوصنده انلر دخی
مجالس تمیز اعضاسیله هم حالدر .

علم فقه ایسه بر بحر بی پایان اولوب بوندن درر
مسائل لازمی استنباط ایله حل مسئله ایده بیلک خیلیدن
خیلی مهارت و ملکه یه موقر فدر علی الخصوص مذهب
حنفی اوزره طبقات متفاوته ده بک چوق مجتهدلر کلوب
اختلافات کتیره وقوعبولمش و فقه حنفی فقه شافعی
کی تنقیح ایله حروب بک متشعب و متشکت اولمشدر
ایشته بولجه اقوال مخالفیه ایچنده قول صحیحی تمیز
ایله حوائک اکا تطبیقنده عظیم مسرت واردر قالدیکه
بیلک اعضاسیله عرف و عاده مبتنی اولان مسائل

فقہیہ دخی تبدل ایدر مثلاً قدمای فقہا عندہ استرا
اولہ جق خانہ نک بر او طہ سنی کورمک کافیدر و متأخرین
عندہ ہر او طہ سنی کورمک لازمدر ہوایسہ عن دلیل
بر اختلاف اولمیوب بلکہ انشأت حقندہ عرف و عادتک
اختلافندن نشأت ایتشدر کہ مقدا خانہ لک ہر او طہ سی
بر طرز اوزرہ یا پیلہ کلدیکندین بر او طہ سنی کورمک
سارینی کورمکدن مغنی ایش مؤخرآ خانہ لک او طہ لری
مختلف یا بلیق عادت اولدیغندن ہر او طہ سنی کورمک
لازم کلمشدر حقیقت حالہ لازم اولان کیفیت ایسہ
مقصد شرایہ کورہ بر علم کافی حاصل ایتکدن عبارت
اولمسیلہ اصل قاعدہ شرعیہ تغیر ایتمیوب فقط ہونک
حوادثہ امر تطبیق تبدل احوال زمان ایلہ تبدل
ایدیور ہو مثلاًو اختلاف زمانی ایلہ اختلاف برہانی
بینی فرق و تمیز ایتک دخی خیلی دقتہ محتاجدر
مسائل فقہیہ بی احاطہ ایلہ غورینہ اطلاع ایسہ پک
کوچدر و برارالق مسائل فقہ حنفی بی جمع و احاطہ
ایتک اوزرہ عصرک فقہا و فضلاسی جمع ایدیلہ رک
تاتارخانہ و فتاوی جہانگیرہ کبی کتابلر تالیفہ ہمت
اولنش ایسہ دہ ینہ بالجملہ فروع فقہیہ و اختلافات
مذہبیہ حصر و احاطہ ایدیلہ مامشدر .

وفي الواقع كتب فتاوی حوادثك قواعد فقهیه
 تطبیقنه دائر و یرلش اولان فتواری حاوی مؤلفات
 دیمك اولوب حالبو كه بونجه عصرلردن برو سادات
 حنفیه طرفندن و یرلش اولان فتاوانك جمع واحاطه سی
 نقدر دشوار اولدیغی محتاج بیان دكلدر بناء علیه
 (ابن نجیم) بر طاقم قواعد و مسائل کلیه یی جمع ایدرك
 بونلك تحتنده فروع فقهی علی وجه الاحاطه درج ایلك
 یولنده بر كوزل چغرا اچش ایسه ده اندن صكره کی
 عصرلك عالم و فقیه یتشدرمك یولنده اولكی سماحتی
 كور یله مدیكندن انك اثرینه اقتفا ایله اچش اولدیغی
 چغری شاهراه ایدمبیله جك ذاتلر ظهور یله بو یولده
 بذل جهد ایللرینه مساعد اولماشدر و شمدی ایسه
 هر طرفده علوم شرعیه ده مهارتلو ذواته ندرت كلدیكندن
 محاكم نظامیه ده لدی الايجاب كتب فقهیه مراجعتله
 حل شبهه ایدمبیله جك اعضا بولندرمق شویله طورسون
 ممالك محروسه ده كائن بو قدر محاكم شرعیه ده كافی قضات
 بولمق مشكل اولمشر .

بناء علی ذلك اختلافاتدن عاری و بالکمز اقوال
 مختاره یی حاوی اولمق اوزره معاملات فقهده دائر سهیل
 المأخذ بر کتاب یا پلسه هر کس قولایلقله مطالعه ایدرك

معاملاتنی اکا تطبیق و بویله مضبوط بر کتاب اولدیغی
 حالده نائب افند یلره عظیم فائده سی اوله جنی کبی
 مجالس نظامیه اعضاسیله امر اداره ده بولنان مأمورین
 دخی بالمطالعہ مسائل شرعیہ انتساب ایله ندی الایجاب
 ایشلرینی و سعلری مرتبه شرع شریفه توفیق ایدر لر
 وهم محاکم شرعیه ده معتبر و مرعی و همدہ مجالس
 نظامیه ده حقوق دعوالری ایچون قانون وضعندن مستغنی
 اولور مطالعه سنه مبنی اوله بر اثر جلیک وجوده
 کلمی خلی وقتدنبرو ارزو اولنور بر کیفیت اولوب حتی
 بونک ایچون مجلس تنظیمات دائره سنده بر جمعیت علیه
 تشکیل ایدلمش و خلیجه مسائل یازلمش ایکن حیر فعله
 کله میوب بودخی (الامور مرهونه باوقاتها) حکمنجه
 تأسیسی اهم اولان بر چوق مواد خیریه کبی مضبوط
 اعصار اولان عصر محاسن حصر همایونه قالمشدر .
 موقیت جلیله حضرت پادشاهی ثمره فیض بهره سی
 اوله رق مشاهد اعین افتخار اولان بونجه آثار حسنه
 صره سنده بودخی حصوله کلمک اوزره علم ققهدن
 عصرک احتیاجاته کوره روزمره ظهوره کلان معاملاتک
 تطبیقنه کافی اوله بیله جک اوله بر اثر خیرک وجوده
 کتورلمسی امر اهمی عاجزلرینه حواله یسورلمش

اولدیغندن بر موجب ارادهٔ علیه دیوان احکام عدلیه
 دائرهٔ سنده بالا اجتماع فقهک معاملات قسمندن کثیر الوقوع
 و معاملات عصره کوره بدیهی الزوم اولان مواد
 حقه سادات حنفیه نک اقوال معتبره سی جمع ایدیلرک
 متعدد کتابلره تقسیم و (احکام عدلیه) اسمیله توسیم
 اولنق اوزره بر مجله ترتیبینه بالابتدار مقدمه سیله کتاب
 اولی ختام بولهرق بر نسخه سی ذات حقایق ایات
 حضرت فتوی پناهی یه و یرلدیکی کبی علم فقهدمه هارت
 و معلومات کافیه سی اولان دیکر بعض ذوات فخرامه
 دخی بر نسخه سی بالاعطا اولنان اخطارات اوزرینه
 تعدیلات لازمه اجرا اولندقدنصکره تبیض ایله حضور
 حقایق ظهور و کالت پناهی لرینه عرض اولندی بونک
 لسان عربی یه نقل و ترجمه سی دردست اولدیغی کبی
 دیکر کتابلر دخی جمع و تألیف اولنق اوزره در

بالمطالعه محاطعلم عالی بیور یلور که مقدمه نک ایکنجی
 مقاله سی (ابن نجیم) ایله انک مسلکنه سالک اولان
 فقهاک جمع ایلدکاری قواعد فقهیه اولوب حکام شرع
 بر نقل صریح بولدیجه یالکز بونلرله حکم ایده من لیکن
 مسائل فقهیه نک انضباطنه کلی فائده لری اولهرق
 ار باب مطالعه مسائلی ادله سیله ضبط ایتش اولورلر

و مأمورین سائریه هر خصوصه مرجع اوله یلور
 و بونرله بر آدم معاملاتنی مهما امکن شرعه توفیق
 و تقریب ایده یلور بناء علیه کتاب یا خود باب عنوانیه
 یازلیوب مقدمه یه درج اولنمشدر کتب فقیه ده
 اکثر یا مسائل ایله مبادی مخلوط اوله رق ذکر اولنمش
 ایسه ده بو مجله ده هر کتابه متعلق اولان اصطلاحات
 اول کتابک مقدمه سی اولق اوزره ذکر اولنه رق
 مسائل سازجه ترتیب اوزره یازیلوب فقط بومسائل
 اساسیه بی ایضاح ضمننده مثال اوله رق کتب فتاوا دن
 برخیلی مسائل درج و علاوه اولنمشدر .

فی زمانناجر یان ایدن اخذ و اعطا اکثر یا بعض
 شرائطه مربوط اولوب مذهب حنفیده ایسه صلب
 عقده درمیان اولنان انواع شرائطک اکثری بیعی
 مفسد اولدیغی جهتله کتاب البیوعک الهمم مجتبی
 (بیع بالشرط) فصلی اوله رق جمعیت عاجزانه مزجه
 پک چوق بحث و مناظره بی موجب اولدیغندن مباحثات
 جاریه نك خلاصه سی بوجه آتی ایراد اولنق مناسب
 کورلشددر .

(بیع بالشرط) حنفیده اکثر مجتهدینک اقوالی
 یکدیگره مخالفدر مذهب مالکیده مدت جزئیه ایچون

و مذهب حنبلیه علی الاطلاق بایع کندوسی ایچون
 مبیعه منفعت مخصوصه شرط ایده ییلور لیکن بایعه
 بوصلاحیت اولوبده مشتری طرفنده اولماماسی رأی
 و قیاسه مخالف کورینور امام اعظم رحمة الله علیه
 حضرت لیله هم عصر اولوبده مؤخرأ تباعی منقرض
 اولان مجتهد لردن (ابن ابی لیلی) ایله (ابن شبرمه)
 رحمة الله علیهما حضرتینی دخی بوخصوصه یکدیگره
 ضد تام اوله رق برر رأیده بولمشلدر شویله که
 ابن ابی لیلی عندنده علی العموم بیع و شرط فاسد و ابن
 شبرمه عندنده علی الاطلاق هم بیع جائز و همده شرط
 جائزدر .

مذهب ابن ابی لیلی (المسلمون عند شروطهم)
 حدیث شریفنه مابین کورینور ابن شبرمه مذهبی بو
 حدیث شریفه تمامیله موافق ایسه ده بایع و مشتری
 اجراسی جائز و قابل اولمیان شرطلر درمیان ایده ییلوب
 شرطه رعایت ایسه بقدرالامکان اولق فقها عندنده
 مسلماندن اولسئیله شرطه رعایت مسئله سی تخصیص
 واستثنا قبول ایدر برقاعده در بناء علی ذلک مذهب
 حنفیده بر طریق متوسط اتخاذ اولنه رق بیعک شرائطی
 (جائز) و (مفسد) و (لغو) دیو اوچ قسمه تقسیم

اولمشر شو و بله که عقد ببعك مقتضاستندن اولیوب
 یا خود مقتضای عقد ببعی تأیید ایتیمو بده احد طرفینه
 نافع اولان شرط مفسد و اکا معلق اولان بیع فاسد
 اولور و بر طرفه نفعی اولیمان شرطله بیع صحیح
 و شرط لغودر زرا بیع و شرادن مقصد تملیک و تملک
 خصوصی یعنی بلا مانع و مزاحم مشتریک مبیعه و بایعک
 ثمنه مالک اولسی کیفیتیدر حالبو که بر طرفه نافع اولان
 شرطک اجراسنی اول طرف طالب و طرف آخراندن
 هارب اوله رق منازعه یه مؤدی اوله بیلور بوضورتده
 ایسه عقد بیع تمام اولدیمش دیمک اولور فقط عرف
 و عادت منازعه بی قاطع اولدیغندن علی الاطلاق شرط
 متعارف ایله بیع تجویز اولمشر .

معاملات تجاریه بوجه مشروح ذاتا مستثنی
 برحالده اولوب اصنافک اکثر یسنده دخی برر معامله
 متعارفه تقرر ایتدیکنه و عرف طاری دخی معتبر
 اولدیغنه نظرا فسادی موضوع بحث اوله جق یا لکز
 برطاقم متفرق و مشتت الیش و یرش ایدنلرک خارج
 از عرف و عادت ایتدکری شرطلر قالوب بونلرک دخی
 چندان ذکر و بحث کوتورر یری اولدیغندن معاملات
 عصرک تیسیری ایچون مذهب حنفینک خارجنده

اوله رق ابن شبرمه مذهبنك اختیاری مناسب کورلیوب
سائر فصللرده اولدیغی کبی باب اولك دردنجی فصللنده
دخی مذهب حنفی اوزره بیعی مفسد اولیان شرطلرك
بیانیله اکتفا اولمشدر .

الحاصل بوجملهده مذهب حنفینك خارجنده
چیقلیوب مواد مندرجه سنك اکثری الحاله هذه
فتوا خانهده معتبرو معمول به اولدیغی جهتله بونلر
حقتده بحثه لزوم کورلمز فقط ینه فقهای حنفیه دن
بعض قول ائمه نك اقوال معتبره سی ناسه ارفق
ومصلحت عصره اوفق اولق حسسبیلله اختیار اولمش
ایدو کندن بونلرك مأخذ مقبوله واسباب موجهه سی
بروجه آتی بیان اولنور .

یوز طقسان یدنجی و ایکی یوز بشنجی ماده لر
موجبجه معدومك بیعی صحیح دکلدر حالبو که
کل وانکنار کبی شکوفه وسبزه ومیوه محصولاتی
مثلا حق الورود اوله رق بعض افرادی ظهور ایتمدن
دیگر بعض افرادی حصوله کلوب کچر اولدیغی
جهتله اکثریا بومثلولرك ظهور ایتمش و ایده جك
اولان محصولاتی طویدن اوله رق صاتلق عرف
وعادت اولمشدر و بومثللو محصولاتده موجوده تبعا

معدومك دخی برابر اوله رق طوپدن صاتلمنی (امام محمد بن حسن الشیبانی) رحمة الله علیه حضرت تلمی استحسانا تجوز بیورمش و (امام فضلی) و (شمس الأئمة الحلوانی) و (ابوبکر بن فضل) رحمة الله علیهم انك قولیه افتابتمش اولدقلرندن وناسی بومشلاو عرف وعادتلرندن کچورمک قابل اوله میوب حالبو که معاملات ناسی فساده نسبتدن ایسه مهما امکان صحته جمل ایتمک اولی اولدیغندن بوجمله ده دخی قول محمد بالتر جمیع ایکی یوز یدنجی ماده ا کا موافق اوله رق یازلمشدر

(صبره) مسئله سنده مثلا کیله سی شو قدر غروشه اولوق اوزره بر یغین بغدای صاتلدوقده (امام اعظم) رحمة الله علیه حضرت تلمینک عندنده یالکز بر کیله سی حقنده بیع صحیح اولور و امامین رحمة الله علیهما عندلرنده اول یغین تماما صاتلمش اوله رق قاچ کیله چیقارسه ا کا کوره شمئی و یرلک لازم کلوب معاملات ناسی تیسیر ایتمک حسیله صاحب هدایه کی نیجه فقها دخی بو خصوصده انلرک قولانی اختیار ایلش اولدقلرندن ایکی یوز یکرمنجی ماده اول منوال اوزره تحریر قلمشدر

امام اعظم حضرت تریک عندندہ خیاری شرطک
مدتی اوچ کوندن زیاده اوله میوب امامین عندندہ
ایسه هر قاج کون مقاوله اولنورسه جائز اولدیغنه
و بو خصوصده دخی انلرک قولى حال و مصلحتنه اوفق
کور لیدیکنه مبنی اختیار اولنهرق اوچیونجی مادهده
مدت مطلق اولهرق درج اولمشدر

خیار نقدده دخی بو اختلاف جاری اولوب بونده
مدتک اطلاق خصوصنده (امام محمد) علیه رحمة
الصمد حضرت لری منفرد ایسهده مصلحت ناسه اوفق
اولق حسیله انک قولى اختیار اولنهرق اوچیونز
اون اوچنجی مادهده دخی فلان وقتنه قدر دیو مدت
اطلاقی اوزره براغلمشدر

امام اعظم حضرت تریک عندندہ استصناعا
منعقد اولان بیعدن مستصنع رجوع ایده بیلور
ایسهده امام ابو یوسف رحمة الله علیه حضرت تریک
عندندہ مصنوع تعریفه موافق اولدیغی حالده
رجوع ایده من شمعی ایسه عالمده یک چوق کار کاهلر
یاپیلهرق بونجه توپلر و تفنکار و واپور لر مقاوله
و سپارش ایله یایدیریله کلوب استصناع کیفیتی
مصلح جسمیه جاریدن اولسیله مستصنعک عقد

استصناعی فسخنده مخیر اولسی نیجه مصالح جسمیه بی
 اخلاص ایله جکندن واستصناع خصوصی خلاف
 قیاس اولهرق عرف ناسه مبنی استحصانا مشروع
 اولان سله مقیس وعرفه مستند بر کیفیت اولدیغندن
 مصلحت عصره نظرا امام ابو یوسف قولنک اختیارینه
 لزوم کور یله رک اوچیز طقسان ایکنجی ماده اکاموافق
 اولهرق یازلمشدر .

مسائل مجتهد فیهاده امام المسلمین حضرتلری
 هر قنخی قول ایله عمل اولتمق اوزره امر ایدرسه
 موجبجه عمل اولتمق واجب اولدیغندن معروضات
 مبسوطه نزد حقایق وفدو کالتیناهیلمنده دخی قرین
 تصویب بیورلدیغی حالده مجله ملفوفه نک بالاسی
 خط همایون حضرت خلافتیناهی ایله توشیح
 بیورلق بابتده

فی ۱۸ ذی الحجه ۲۸۵ و فی ۱۰ مارت ۲۸۵

مفتش اوقاف همایون
سید خلیل

ناظر دیوان احکام عدلیه
احمد جودت

عن اعضاء دیوان
احکام عدلیه سید
احمد خلوصی

عن اعضاء
شواری دولت
سیف الدین

عن اعضاء شورای
دولت محمد
امین

عن اعضاء دیوان
احکام عدلیه سید
احمد حلیمی

عن اعضاء جمعیت
ابن عابدین زاده
علاء الدین

﴿ مجله احكام عدليه ﴾

(بر مقدمه ايله اون التي كتابي شاملدر)

- كتاب اول بيوع حقهده در
- » ثاني اجازات »
- » ثالث كفالت »
- » رابع حواله »
- » خامس رهن »
- » سادس امانات »
- » سابع هبه »
- » ثامن غصب »
- » تاسع حجز و اكراه و شفعه »
- » عاشر انواع شركت »
- » حادي عشر وكالت »
- » ثاني عشر صلح و ابرا »
- » ثالث عشر اقرار »
- » رابع عشر دعوى »
- » خامس عشر بينات و تحليف »
- » سادس عشر قضا »

❀ كتاب البيوع ❀

(اخطار)

اشبوو مجله ده مندرج مسائل اساسيه ساذجه بي
شرح وايضا ح ضمنده ايجاب و لزومنه كوره مثال
اوله رق كتب فتاوا دن اخذ و درج اولان مسائلك
تفر يقنه علامت اولق اوزره مسائل اساسيه اشبوو
بيوك و امثله و علاوات سائر ده كوچك حروفله ترتيب
و طبع ايتديرلدي .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

✽ صورت خط همايون ✽

و جبنجه عمل اولنه

(✽ مقدمه ✽)

(ايكي مقاله بي حاو يدنر)

(مقاله اولی)

(علم فتهك تعريف و تقسيمی بيانده در)

۱ ماده

علم فته مسائل شرعية عمليه بي بيلاکننر
مسائل فتهيه يا امر آخرته تعلق ايدر که احکام عباداندر
و يا خود امر دنيايه تعلق ايدر که مناسکات و معاملات
و عقوبات قسملرينه تقسيم اولنور . شويله که جناب حق
بونظام عالمک وقت مقدره دک بقاسنی اراده ايدوب بو
ايسه نوع انسانک بقاسنه و نوعک بقاسنی تناسل و توالد
الچيون ذکور و اناتک ازدواجنه منوطدر . و برده

نوعك بقاسی اشخاصك عدم انقطاعیله در . انسان
 ایسه اعتدال مزاجی حسیه بقاءه غذا و لباس و مسکنجه
 امور صناعیه به محتاج اولور بو دخی افرادی بیننده
 تعاون و اشتراك حصولنه توقف ایدر . الحاصل
 انسان مدتی الطبع اولدیغندن سائر حیوانات کبی
 منفردا یشایه میوب بسط بساط مدنیت ایله یکدیگره
 معاونت و مشارکته محتاجدر . حالبوکه هر شخص
 کندویه ملایم اولان شیئی طلب و مزاجم اولان شیئه
 غضب ایدر اولدیغندن بینلرنده عدل و نظامك خللدن
 محفوظ قالمسی ایچون كرك ازدواج و كرك مابه التمرن
 اولان تعاون و اشتراك خصوصلرنده بر طاقم قوانین
 مؤیده شرعییه به محتاج اولور که اولکیسی قتهك
 مناسکات قسمی و ایکنجیسی معاملات قسمیدر و امر
 تمدنک بو منوال اوزره پایدار اولسی ایچون احکام جزا
 ترتیبی لازم کلوب بو دخی قتهك عقوبات قسمیدر .
 اشبو معاملات قسمنك کثیر الوقوع اولان مسائلی
 کتب معتبره دن جمع ایله کتابلره و کتابلر بابلره و بابلر
 فصللاره تقسیم اولنمق اوزره بو مجله نك تالیفنه ایتدار
 اولنمشدر . ایشته محاکمه معمول به اوله جق مسائل
 فرعیه بر وجه آتی ابواب و فصولده ذکر اولنه جق

مسائلدر . انجق محققین فقها مسائل فقهیه بی بر طاقم
 قواعد کایه به ارجاع ایشدر در که هر بری نیجه مسائلی
 محیط و مشتمل اوله رق کتب فقهیه ده مسلماتدن اولوق
 اوزره بو مسائلک اثباتی ایچون دلیل اتخاذا اولنور .
 و اول امرده بو قواعدک تفهیمی مسائله استیناس حاصل
 ایدر و مسائلک ذهنلرده تقریرینه وسیله اولور .
 بناء علی ذلک طقساں طقوز قاعده فقهیه جمع ایله
 مقصوده شروعدن مقدم بر وجه آتی مقاله ثانیه اولوق
 اوزره ایراد اولنور . و اگرچه بونلردن بعضیسی
 منفردا اخذ اولند قدہ بعض مستثنیاتی بولنور ایسده
 یکدیگرینی تخصیص و تقیید ایتد کارندن من حیث المجموع
 کایت و عمومیتلرینه خلل کلز .

✽ مقاله ثانیه ✽

(قواعد فقهیه بیاننده در)

۲ ماده

بر ایشدن مقصد نه ایسه حکم اکا کوره در
 یعنی بر ایش اوزرینه ترتب ایده جک حکم اول ایشدن
 مقصد نه ایسه اکا کوره اولور

۳ ماده

عقودده اعتبار مقاصد و معانی یه در الفاظ و مبانی یه

د کادر

بناء علی ذلك (بیع بالوفا) ده رهن حکمی جریان ایدر

۴ ماده

شك ایله یقین زائل اولماز

۵ ماده

بر شیئک بولندیغی حال اوزره قلمسی اصلدر

۶ ماده

قدیم قدیمی اوزره ترک اولنور

۷ ماده

ضرر قدیم اونماز

۸ ماده

برائت ذمت اصلدر

بناء علی ذلك بر کیسه بر ینک مالنی تلف ایدو بده مقدارنده

اختلاف ایسه لر سوز متلفک اولوب مال صاحبی ادما

ایتدیکی زیاده نی اثباته محتاج اولور

۹ ماده

صفات عارضه ده اصل اولان عدمدر

مثلا (شرکت مضار به) ده کار اولوب اولدیغنده

اختلاف اولسه عدمی اصل اولدیغنه بناء سوز مضاربك
اولوب صاحب سرمایه کار اولدیغنی اثباته محتاج
اولور
۱۰ ماده

بر زمانه ثابت اولان شیک خلافتیه دلیل اولدیجه
بقاسیله حکم اولنور
بناء علی ذلک بر زمانه برشی بر کیسه نك ملکی اولدیغنی
ثابت اولسه ملکیتی ازاله ایدن بر حال اولدیجه ملکیتک
بقاسیله حکم اولنور
۱۱ ماده

بر امر حادثک اقرب اوقاته اضافتی اصلدر
یعنی حادث اولان بر ایشک سبب وزمان وقوعنده
اختلاف اولسه زمان بعیده نسبتی اثبات اولدیجه حاله
اقرب اولان زمانه نسبت اولنور
۱۲ ماده

کلامده اصل اولان معنای حقیقیدر
۱۳ ماده

تصریح مقابله سنده دلالتیه اعتبار یوقدر
۱۴ ماده

مورد نصدیه اجتهاده مساع یوقدر

۱۵ ماده

على خلاف القياس ثابت اولان شی سائرہ مقیس علیہ

اولماز

۱۶ ماده

اجتهاد بله اجتهاد نقض اولنماز

۱۷ ماده

مشقت تیسیری جلب ایدر

یعنی صعوبت سبب تسهیل اولور و طارلق وقتنده

وسعت کوسترملک لازم کاور

قرض وحواله و مجز کبی پک چوق احکام فقهیه بو اصله

متفرعدر و فقهانک احکام شرعیده کوستردکاری

رخص و تخفیفات هب بو قاعده دن استخراج اولنمشدر

۱۸ ماده

بر ایش ضیق اولدقده متسع اولور

یعنی بر ایشده مشقت کور یلنجده رخصت و وسعت

کوستریلور

۱۹ ماده

ضرر و مقابله بالضرر یوقدر

۲۰ ماده

ضرر ازاله اولنور

۲۱ ماده

ضرورتلر ممنوع اولان شیلری مباح قیلر

۲۲ ماده

ضرورتلر کندو مقدار لر نجه تقدیر اولنور

۲۳ ماده

بر عذر ایچون جائز اولان شی اول عذرک زوالیله باطل اولور

۲۴ ماده

مانع زائل اولدوقده ممنوع عودت ایدر

۲۵ ماده

بر ضرر کندو مثلیله ازاله اولنده ماز

۲۶ ماده

ضرر عامی دفع ایچون ضرر خاص اختیار اولنور

طیبیب جاهلی منع ایتمک بو اصلدن تفرع ایدر

۲۷ ماده

ضرر اشد ضرر اخف ایله ازاله اولنور

۲۸ ماده

ایکی فساد تعارض ایتد کده اخفی ارتکاب ایله اعظمک

چاره سنه باقیلور

۲۹ ماده

اهون شرین اختیار اولنور

۳۰ ماده

دفع مفاسد جلب منافعدن اولادر

۳۱ ماده

ضرر بقدر الامكان دفع اولنور

۳۲ ماده

حاجت عمومي اولسون خصوصي اولسون ضرورت
منزله سنه تنزیل اولنور

بيع بالوفانك تجویزی بوقبیلندیر که بخارا اهالیسنده بورج
تکثر ایتد کده کور یلان احتیاج اوزرینه بو معامله
مرعی الاجرا اولشدر

۳۳ ماده

اضطرار غیرک حقنی ابطال ایتمز

بناء علی ذلک بر آدم آج قالوبده برینک اگکنی بیسه بعده قیمتنی
و یرمی لازم کاور

۳۴ ماده

المسی ممنوع اولان شیئک و یرمی دخی ممنوع اولور

۳۵ ماده

ایشلمسی ممنوع اولان شیئک استیمسی دخی ممنوع اولور

۳۶ ماده

عادت محکمدر

یعنی حکم شرعی بی اثبات ایچون عرف و عادت حکم

قینور کرک عام اولسون و کرک خاص اولسون

۳۷ ماده

ناسک استعمالی بر جندر که انکله عمل واجب اولور

۳۸ ماده

عاده ممتنع اولان شی حقیقه ممتنع کبیدر

۳۹ ماده

از مالک تغیر یله احکامک تغیری انکار اولنه ماز

۴۰ ماده

عادتک دلالتیله معنای حقیقی ترک اولنور

۴۱ ماده

عات انجق مطرد یا خود غالب اولدقده معتبر اولور

۴۲ ماده

اعتبار غالب شایعه اولوب نادره دکلدر

۴۳ ماده

عرفا معروف اولان شی شرط قلمش کبیدر

۴۴ ماده

بین التجار معروف اولان شی بیلرنده مشروط کبیدر

۴۵ ماده

عرف ایله تعیین نص ایله تعیین کبیدر

۴۶ ماده

مانع و مقتضی تعارض ابتدا کده مانع تقدیم اول نور
بناء علی ذلک بر آدم بور جلیسی بدنده مرهون اولان
مالی اخره صاته ماز

۴۷ ماده

وجودده بر شیئه تابع اولان حکمده دخی اکا تابع اولور
بناء علی ذلک بر کبه حیوان صاتلقدده قارنده کی
یاوریسی دخی تبعا صاتلمش اولور

۴۸ ماده

تابع اولان شیئه آبروجه حکم ویریله من
مثلا بر حیوانک قارنده کی یاوریسی آبروجه صاتبله من

۴۹ ماده

بر شیئه مالک اولان کیمسه اول شیئک ضرور یاتندن
اولان شیئه دخی مالک اولور
مثلا بر خانه بی صاتون الان کیمسه اکا موصل اولان
طریقه دخی مالک اولور

۵۰ ماده

اصل ساقط اولدقدده فرع دخی ساقط اولور

۵۱ ماده

ساقط اولان شی عودت ایتمز

یعنی کیدن کیرو گلز

۵۴ ماده

برشی باطل اولدوقده آتک ضمننده کی شی دخی باطل

اولور

۵۳ ماده

اصلک ایفاسی قابل اولدیغی حالده بدلی ایفا اولنور

۵۴ ماده

بالذات تجویز اولنمیان شی بالتسع تجویز اولنه بیلور

مثلا مشتری مبیعی قبض ایچون بایعی توکیل ایتمسه جائز

اولماز اما اشترا ایلدیکی ذخیره یی اولچوب قویمق ایچون

بايعه چوالی ویروب او دخی ذخیره یی چواله وضع

ایدیجک ضمنا وتبعاً قبض بولنور

۵۵ ماده

ابتداء تجویز اولنمیان شی بقاء تجویز اولنه بیلور

مثلا حصه شایعه یی هبه ایتمک صحیح دکادر اما بر مال

موهوبک بر حصه شایعه سنه بر مستحق چیقوبده ضبط ایتمسه

هبه باطل اولوب حصه باقیه موهوب لهک مالی

اولور

۵۶ ماده

بقا ابتداءن اسهلدر

۵۷ ماده

تبرع انجق قبض ايله تمام اولور
مثلا بر آدم برينه برشيء هبه ايتسه قبل القبض هبه تمام اولماز

۵۸ ماده

رعیه یعنی تبعه اوزرینه تصرف مصلحتیه منوطدر

۵۹ ماده

ولایت خاصه ولایت عامه دن اقوادر
مثلا متولیء وقفك ولایتی قاضینك ولایتیند اقوادر

۶۰ ماده

کلامك اعمالی اهمالندن اولادر
یعنی بر کلامك بر معنایه حلی ممکن اولدقجه اهمال یعنی
معناسز اعتبار اولناملیدر

۶۱ ماده

معنای حقیقی متعذر اولدقده مجازه کیدیلور

۶۲ ماده

بر کلامك اعمالی ممکن اولماز ایسه اهمال اولنور
یعنی بر کلامك حقیقی و مجازی بر معنایه حلی ممکن اولماز
ایسه اولخالده سهمل یعنی معناسز بر اغیلور

۶۳ ماده

متجزی اولیان بر شینك بعضنی ذکر ایتك کلنی ذکر کبیدر

۶۴ ماده

مطلق اطلاق اوزره جاری اولور . ا کر نصایا خود
دلالة تقیید دلیلی بولتماز ایسه

۶۵ ماده

حاضرده کی وصف و لغو غایبه کی وصف معتبر در
مثلا بایع مجلس بیعده حاضر اولان بر قیر آتی صانه جق
اولدیغی حالده شو یاغز آتی شو قدر بیک غروشه صادم
دیسه ایجابی معتبر اولوب یاغز تعبیری لغو اولور اما
میدانده اولمیان بر قیر آتی یاغز دیو صائسه وصف معتبر
اولمغله بیع منعقد اولماز

۶۶ ماده

سؤال جوابده اعاده اولتمش عد اولنور
یعنی تصدیق اولنان بر سؤالده نه دینلمش ایسه مجیبانی
سولتمش حکمنده در

۶۷ ماده

سا کنه برسوز اسمناد اولتماز . لکن معرض حاجتده
سکوت بیاندر

یعنی سکوت ایدن کیمسه یه شوسوزی سولتمش اولدی
دینلمز لکن سویلیه جک یرده سکوت ایتمی اقرار و بیان
عد اولنور

۶۸ ماده

رشيتك امور باطنه ده دليلی اول شيتك مقامنه قائم او اور
يعنی حقیقتنه اطلاع متمسر اولان امور باطنه ده دليل
ظاهر یسی ایله حکم اولنور

۶۹ ماده

مکاتبه مخاطبه کیندر

۷۰ ماده

دلسترك اشارت معهوده سی لسان ایله بیان کیندر

۷۱ ماده

ترجانك قولى هر خصوصده قبول اولنور

۷۲ ماده

خطاسی ظاهر اولان ظنه اعتبار یوقدر

۷۳ ماده

سنده مستند اولان احتمال ایله حجت یوقدر

مثلا برکیمسه ورثه سندن برینه شو قندر غروش بورجی
اولدیغنی اقرار ایتدیکی تقدیرده اکر مرض موتده
ایسه دیگر ورثه تصدیق ایتدیجه بو اقراری حجت
دکلدر زیرا دیگر ورثه دن مال قاچرمق احتمالی مرض
موتده مستنددر اما حال صحیحنده ایسه اقراری معتبر اولور
واول حالده اولان احتمال مجرد برنوع توهم اولدیغندن
اقرارک حجتینه مانع اولماز

۷۴ ماده

توهمه اعتبار یوقدر

۷۵ ماده

برهان ایله ثابت اولان شی عیانا ثابت کبیدر

۷۶ ماده

بینه مدعی ایچون و یمین منکر اوزرینه در

۷۷ ماده

بینه خلاف ظاهری اثبات ایچون و یمین اصلی ایضا

ایچوندر

۷۸ ماده

بینه حجت متعدیه و اقرار حجت قاصره در

۷۹ ماده

کشی اقرار یله مؤاخذه اولنور

۸۰ ماده

تناقض ایله حجت قالماز لیکن متناقضک علیهنه اولان

حکمه خلل کلز

مثلا شاهددر شهادت لرندن رجوع ایله تناقض ایتد

کلرنده شهادت لری حجت اولماز لیکن اولکی شهادت لری

اوزرینه قاضی حکم ایتش ایسه بو حکم دخی بوزیله

میوب محکوم بهی شاهد لریک تضمین ایتسی لازم کلور

۸۱ ماده

اصل ثابت اولدیغی حالده فرعک ثابت اولدیغی واردر
مثلا بر کیمسه فلانک فلانه شوقدر غروش دینی واردر
بن دخی اکا ککفیلیم دیسه واصلیک انکاری اوزرینه
دائن ادا ایتسه مبلغ مزبوری کفیلک ویرمسی لازم کلور

۸۲ ماده

شرطک ثبوتی عندنده اکا معلق اولان شئیک ثبوتی لازم
اولور

۸۳ ماده

بقدر الامکان شرطه مراعات اولنمق لازم کلور

۸۴ ماده

وعدلر صورت تعلیق اکتسا ایله لازم اولور
مثلا سن بومالی فلان آدمه صات اکر اچقدسنی ویرمز
ایسه بن ویررم دیسه و مالی الان آچقه بی ویرمسه
بووعدی ایدن کیمسه نک آچقه بی ویرمسی لازم کلور

۸۵ ماده

برشئیک نفعی ضمانی مقابله سنده در
یعنی برشی تلف اولدیغی تقدیرده خساری کیمه حائد
ایسه انک ضماننده دیمک اولوب اول کیمسه نک بووجهله
ضمانی اول شی ایله انتفاعه مقابل اولور

مثلا خیار عیب ایله رد اولنان بر حیوانی مشتری
قوللانمش اولسندن طولایی بایع اجرت اله ماز زیر اقبل
الرد تلف اولیدی خساری مشتری به عائد اوله جق
ایندی

۸۶ ماده

اجرت ایله ضمان مجتمع اولماز

۷۸ ماده

مضرت منفعت مقابله سنده در

یعنی بر شیئک منفعتنه نائل اولان انک مضرتنه متحمل اولور

۸۸ ماده

کلفت نعمته ونعمت کالفته کوره در

۸۹ ماده

بر فعلک حکمی فاعلنه مضاف قلنور . ومجبر اولدقچه

مرینه مضاف قتماز

۹۰ ماده

مباشر یعنی بالذات فاعل ایله متسبب مجتمع اولدقده

حکم اول فاعله مضاف قلنور

مثلا بر ینک طریق عامده قازمش اولدیغی قوی به دیگرى

بر ینک حیواننی القایله اتلاف ایتسه اوضامن اولوب

قوی بی حفر ایدن کیسه به ضمان لازم کلز

۹۱ ماده

جواز شرعی ضمانه منافی اولور
مثلا بر آدمک کندو ملکنده قازمش اولدیغی قوی بی به
بر ینک حیوانی دوشوب تلف اولسه ضمان لازم کلز

۹۲ ماده

مباشر متعمد اولسه ده ضامن اولور

۹۳ ماده

متسبب متعمد اولدجه ضامن اولماز

۹۴ ماده

حیواناتک کندو لکندن اوله رق جنایت و مضرتی

هدردر

۹۵ ماده

غیرک ملکنده تصرفله امر ایتمک باطلدر

۹۶ ماده

بر کیمسه نک ملکنده انک اذنی اولقسزین آخر بر کیمسه نک

تصرف ایتمی جائز دکلدر

۹۷ ماده

بلا سبب مشروع بر ینک مالنی بر کیمسه نک اخذ اللمی

جائز اولماز

۹۸ ماده

برشیده سبب تملک تبدلی اول شیئک تبدلی مقامنه

قائمدر

۹۹ ماده

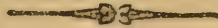
کیمکه برشییء وقتندن اول استبحال ایئر ایسه محرومیتله

معاتب اولور

۱۰۰ ماده

هرکیمکه کندو طرفندن تمام اولان شیء نقض ایتمکه سعی

ایاز ایسه سعیی مردود در



❖ کتاب اول ❖

(بیوع حقه‌ده اولوب بر مقدمه ایله یدی)

(بابہ منقسمدر)

❖ مقدمه ❖

(بیوعه متعلق اصطلاحات فقہیه بیاننده در)

۱۰۱ ماده

ایجاب . انشای تصرف ایچون ابتدا سو یلنیلان
سوزدر که تصرف انکله اثبات اولنور

۱۰۲ ماده

قبول . انشای تصرف ایچون ثابیا سو یلنیلان سوزدر که
انکله عقد تمام اولنور

۱۰۳ ماده

عقد . طرفینک بر خصوصی التزام و تعهد ایتمل یدر که
ایجاب و قبولک ارتباطندن عبارتدر

۱۰۴ ماده

انعقاد . ایجاب و قبولک متعلقنده اثری ظاهر اوله جق
وجهله یکدیگره بر وجه مشروع تعلقیدر

۱۰۵ ماده

بیع . مالی ماله دکشمکدر که منعقد یا خود غیر منعقد اولور

١٠٦ ماده

بيع منعقد • انعقاد بولان بيع ديمك اوله رق صحيح
وفاسد و نافذ و موقوفه تقسيم اول نور

١٠٧ ماده

بيع غير منعقد • بيع باطلدر

١٠٨ ماده

بيع صحيح • يعنى بيع جاز ذاتاً ووصفا مشروع اولان بيعدر

١٠٩ ماده

بيع فاسد • اصلاً صحيح اولو بده ووصفا صحيح اوليان

يعنى ذاتاً منعقد اولو بده بعض اوصاف خارجيه سى

اعتبار يله مشروع اوليان بيعدر (باب سابعه باق)

١١٠ ماده

بيع باطل • اصلاً صحيح اوليان بيعدر

١١١ ماده

بيع موقوف • غيرك حقى تعلق ايدن بيعدر بيع فضولى كجى

١١٢ ماده

فضولى • بغير اذن شرعى ديكر بر كيمسه نك حقنده

تصرف ايدن كيمسه در

١١٣ ماده

بيع نافذ • غيرك حقى تعلق ايتيان بيعدر كه لازم و غير

لازم قسملر ينه منقسم اولور

۱۱۴ ماده

بیع لازم . خیار اتدن عاری اولان بیع نافذدر

۱۱۵ ماده

بیع غیر لازم . کندوسنده خیار اتدن بریسی بولنان
بیع نافذدر

۱۱۶ ماده

خیار . مخیر لك دیمكدر تكیم باب مخصوصنده بیان
اولنه جقدر

۱۱۷ ماده

بیع بات . بیع قطعی دیمكدر

۱۱۸ ماده

بیع الوفا . بر کیمسه بر مالی آخره ثمنی رد ایتدکده کبرو
و یرمک اوزره شو قدر غروشه صاتمقدر که مشتری مبیع
ایله انتفاع ایلسنه نظرا بیع جائز حکمنده و طرفین بونی
فسخه مقتدر اولدقلری جهته بیع فاسد حکمنده و مشتری
مبیعی آخره صاته مدیغی جهته رهن حکمنده در

۱۱۹ ماده

بیع بالاستقلال . بابع بر مالی استیجار ایتک اوزره وفاء
بیع ایتکدر

۱۲۰ ماده

بیع • مبیع اعتبار یله دخی درت قسیمه تقسیم اولنور
 قسم اول • ثمن مقابله سنده دیکر مالی صاتمقدر که بیوعک
 الک مشهوری بو اولدیغندن بو کا (بیع) تسمیه اولنور
 قسم ثانی • صرف و قسم ثالث بیع مقایضه و قسم رابع سلمدر
 ۱۲۱ ماده

صرف • نقدی نقده بیع ایتمکدر که ترکیه آجه بوزمق
 تعبیر اولنور

۱۲۲ ماده

بیع مقایضه • عینی عینه یعنی غیر از نقدین مالی ماله مبادله
 ایتمکدر که لسان ترکیده طرانیه دنیلور

۱۲۳ ماده

سلم • مؤجلی مجمله صاتمق یعنی پشین پاره ایله ویره سی یه
 مال المقدر

۱۲۴ ماده

استصناع • برشی یا بمق آوزره اهل صنعت ایله عقد مقاوله
 ایتمکدر که یاپانه (صانع) و یایدیرانه (مستصنع)
 و یاپیلان شیئه (مصنوع) دنیلور

۱۲۵ ماده

ملك • انسانك مالك اولدیغی شیدر كرك اعیان اولسون
 و كرك منافع اولسون

۱۲۷ ماده

مال • طبع انسانی مائل اولو بده وقت حاجت ایچون
 ذخار اولنه بیلان شیر که منقوله و غیر منتوله شامل
 ولور

۱۲۸ ماده

مال متقوم • ایکی معنایه استعمال اولنور • بری
 نفعی مباح اولان شیر • دیکری مال محرز دیمکدر
 مثلا دکرده ایکن بالی غیر متقوم اولوب اصطیاد ایله
 حراز اولندقده مال متقوم اولور

۱۲۸ ماده

منقول • بر محلدن محل آخره نقلی ممکن اولان شیر
 که نقود و عروضه و حیوانات و مکملات و موزوناته
 شامل اولور

۱۲۹ ماده

غیر منقول • عقار دبیلان خانه و اراضی مثلاً محل
 آخره نقلی ممکن اولمیان شیر

۱۳۰ ماده

نقود • نقدک جمعی اولوب التون و کوشدن عبارتدر

۱۳۱ ماده

عروض • عرضک جمعی اولوب نقود و حیواناتدن

و مکيلات و موزوناتدن بشقه اولان متاع و قاش امشالی شيلردر

۱۳۲ ماده

مقدرات • کيل يا وزن يا صايي يا ذراع ايله مقدراری
تعيين اولنان شيلر اولوب مکيلات و موزونات و عددیات
و مذروعاته شامل اولور

۱۳۳ ماده

کيلي و مکيل • کيل ايله اولچيلان شی

۱۳۴ ماده

وزنی و موزون • طارتیلان شی

۱۳۵ ماده

عددی و معدود • صاییلان شی

۱۳۶ ماده

ذری و مذروع • ارشون ايله اولچیلان شی

۱۳۷ ماده

محدود • حدود و سنورلری قابل تعیین اولان عتار

۱۳۸ ماده

مشاع • حصص شایعه بی حاوی اولان شی

۱۳۹ ماده

حصه شایعه • مال مشترکک هر جزئه ساری و شامل
اولان سهمدر

۱۴۰ ماده

جنس • شامل اولدیغی افرادی باینده غرضجه تفاوت
فاحش اولیان شیر

۱۴۱ ماده

جزاف و مجازفه • کوتوری بازار دیمکدر

۱۴۲ ماده

حق مرور • آخرک ملکندن پچمک حقیدر

۱۴۳ ماده

حق شرب • بر نوردن نصیب معین معلومدر

۱۴۴ ماده

حق مسیل • بر خانهک خارجه صویر، وسیلی آقق

و طاملهلق حقیدر

۱۴۵ ماده

مثلی • چارشو و بازارده معتدبه یعنی بهانک اختلافی

موجب بر تفا و تسر مثلی بولنان شیر

۱۴۶ ماده

قیمی • چارشو و بازارده مثلی بولنمیان یاخود بولنور

سه ده فیئآتجه متفاوت اولان شیر

۱۴۷ ماده

عددیات متقاربه • آحاد و افرادی باینده قیمتجه تفاوت

اولیان معدوداتدر که هب مثلیاتندر

۱۴۸ ماده

عددیات متفاوتہ ، آحاد و افرادی بینندہ قیمتجہ تفاوت
بولنان معدوداتدر کہ ہب قیمتادن معدود اولور

۱۴۹ ماده

رکن البیع . یعنی مبيعك ماہیتی مالی مالہ دکشمکدن
عبارت اولوب آنجق بوکا دلالت ایتك حسییلہ ایجاب
و قبولہ دخی (رکن بیع) اطلاق اولنور

۱۵۰ ماده

محل البیع . مبیعدن عبارتدر

۱۵۱ ماده

بیع . صاتیلان شی کہ بیعدہ تعین ایدن عیندر و بیعدن
مقصود اصلی او در

زیرا انتفاع انجق اعیان ایله اولوب ثمن مبادلہ اموالہ
وسیلہ در

۱۵۲ ماده

ثمن . صاتیلان شیئك بهاسیدر کہ نعمتہ تعلق ایدن شیدر

۱۵۳ ماده

ثمن مسمی . طرفینك بالتراضی تسمید و تعیین ایتدنگری
ثمندر كرك قیمت حقیقیہ یه مطابق اولسون و كرك ناقص
یا زائد اولسون

۱۵۴ ماده

قیمت . بر مالک بهای حقیقتیست

۱۵۵ ماده

مثن . ثمن مقابلنده صاتلش شی

۱۵۶ ماده

تأجیل . دینی بر وقت معینه تعلیق و تأخیر ایتمکدر

۱۵۷ ماده

تقسیط . دینی متعدد و معین و قتلرده تأدیه ایتمک اوزره

تأجیل در

۱۵۸ ماده

دین . ذمته ثابت اولان شیدر

مثلا بر کیمسه نك ذمته شو قدر غروش بورجی و میدانده

موجود اولیان شو قدر غروش و میدانده موجود اولان

الجهه نك یا خود بر بیغین بغدایك قبل الافراز بر مقدار

معینی هب دین قبیلندندر

۱۵۹ ماده

عین . معین و مشخص اولان شیدر

مثلا بر خانه و بر آت و بر صندالیه و میدانده موجود بر

بیغین بغدای و بر مقدار آنچه هب اعیانندندر

۱۶۰ ماده

بایع • مال صاتاان،

۱۶۱ ماده

مشتري • صاتون الان

۱۶۲ ماده

متبايعان • بايع ايله مشـتريدر كه (عاقدین) دخي

دينور

۱۶۳ ماده

اقاله • عقد بيعي رفع و ازاله ايتمكدر

۱۶۴ ماده

تغزير • الداتمق

۱۶۵ ماده

غبن فاحش • عروضده نصف عشر و حيواناتده عشر

و عقارده خمس مقداري و ياندها زياده الداتمقدر

۱۶۶ ماده

قديم • اولدر كه اولني بيلور كسنه اوليه

(شرح)

عروض کلمه سی عقار و حیوانات و مکملات و موزوناته
مقابل اوله رق استعمال اولنور ایسه ده بعضاً دخی
یا لکز حیوان و عقاره مقابل اوله رق استعمال اولنور
مجله نک یوز التمش بشنجی ماده سنده مکملات و موزونات
مذکور اولدیغندن عروض بوراده مکملات و موزوناته
شامل اولور مجله جمعیتنده بو وجهله مطالعه اولمشدر

(جودت)

(باب اول)

(عقد بعه متعلق مسائل بیانده اونوب بش فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(رکن بیع حقه در)

۱۶۷ ماده

ایجاب و قبول ایله بیع منعقد اولور

۱۶۸ ماده

بعده ایجاب و قبول عرف و عادت بلده ده انشای بیع
ایچون مستعمل اولان لفظلر در که بونلرله بازارلق
کسیلوب لسانمزده خیرلشمق تعبیر اولنور

۱۶۹ ماده

ایجاب و قبول ایچون اکثر یا ماضی صیغه سی استعمال
اولنور

مثلا بایع شو متاعی سکا یوز غروشه صاتم و مشتری
دخی الدم و یاخود مشتری الدم وبعده بایع صاتم دیسه
بیع منعقد اولوب اولیکی صورتده (صاتم) لفظی
ایجاب و (الدم) لفظی قبول وایکنجی صورتده الدم

لفظی ایجاب و صاتم لفظی قبولدر و کذا بایع صاتم
 یرنده و یردم و یاخود تملیک ایتدم دیوب مشتری دخی
 الدم یرنده راضی اولدم و یاخود قبول ایلدم دیسه بیع
 منعقد اولور

۱۷۰ ماده

آلورم و صاتم کبی مضارع صیغه سیله حال مراد
 اولنورسه بیع منعقد اولور و اگر استقبال مراد اولنور
 سه منعقد اولماز

۱۷۱ ماده

آله جفم صاتم اجفم کبی وعد مجرد معناسنه اولان مستقبل
 صیغه سیله بیع منعقد اولماز

۱۷۲ ماده

صاتم و صاتم آل کبی امر صیغه سیله دخی بیع منعقد
 اولماز . فقط بطریق الاقتضا حاله دلالت ایدن امر ایله
 دخی بیع منعقد اولور

مثلا مشتری شو مالی بکا شو قدر غروشه صاتم دیوب
 بایع دخی صاتم دیسه بیع منعقد اولماز . اما بایع بو
 مالی شو قدر غروشه آل دیوب مشتری دخی آلام دیسه
 یاخود مشتری آلام دیوب بایع دخی آل و یاخود وار
 خیرینی کور دیسه بیع منعقد اولور

زیرا بو مقامده ال و یاخود وار خیرینی کور تعبیر لری
ایشته صاندم آل دیمکدر

۱۷۳ ماده

ایجاب و قبول شفاها اولدیغی کبی مکاتبه ایله دخی اولور

۱۷۴ ماده

دلسزک اشارت معروفه سیله بیع منعقد اولور

۱۷۵ ماده

ایجاب و قبولدن مقصد اصلی که تراضی طرفیندر بوکا

دلالت ایدن مبادله فعلیه ایله دخی بیع منعقد اولور .

• و بوکا بیع (تعاطی) دینلور .

مثلا بازار لقسنز و لاقر دیسنز مشتری اقچه بی و یروب

اتمکچی دخی اکا اتمکی و یرسه بیع منعقد اولور .

و کذا مشتری اقچه بی و یروب قارپوزی السه و بایم

سکوت ایتمسه ینه بیع منعقد اولور .

و كذلك مشتری بغدادی المق ایچون بغدادیچی به بش

انتون و یروب وشو بغدادی قاچه صاتیورسین دیوب

اودخی کیله سی بر التونه دیسی اوزر ینه مشتری سکوت

ایتد کدنص کره بغدادی ایستدکنده بایم یارین و یررم

دیسسه و بینلرنده ایجاب و قبول جریان ایتمسه بیع ینه

منعقد اولور . حتی فرداسی بغدادیک کیله سی بر بیچق

التونه چي قيسه بايع ينه برالتون في ايله و یرمکه مجبور
اولور . و بالعکس بغدادیک بهاسی تنزل ایتسه مشتری
بوندن طولایی اولکی فی ايله المقدن امتناع ایده من .
کذلک مشتری بولحمک شوراسندن بکا شو قدر غروشلق
طارت دیمسی اوزرینه قصاب دخی کسوب طارتسه
بیع منعقد اولوب مشتری المقدن امتناع ایده من .

۱۷۶ ماده

بعدالعقد ثمنک تبدیلی و یاخود تزیید و یا تنزیلی ايله تکرار
پازارلق اولندوقده عقد ثانی معتبردر .
مثلا برمالک یوز غروشه پازارلغی کسملد کدن صکره
بر یوزلک التونه یاخود یوز اون و یا طقسان غروشه
تکرار پازارلق اولندوقده عقد ثانی معتبردر .

(فصل ثانی)

(قبولک ایجاب موافق اولسنک لزومی بیاننده در)

۱۷۷ ماده

عاقیدن بری هر نه ايله نه بی ایجاب ایدر سه دیکری دخی
بعینهما انکله انی قبول ایتک لازمدر . یوقسه ثمنی
یاخود ثمنی تبعیض و تفریق ایتکه صلاحیتی یوقدر .

مثلا بايع مشتری به شو قاشی سکا یوز غروشه صاندم
دیدکه مشتری اولوجهله قبول ایدر سه تمام او قاشی
یوز غروشه آلور . یوقسه اول قاشی یاخود نصفی
اللی غروشه قبوللانهمز .

و کذا شو ایکی حیوانی اوچ بیک غروشه صاندم دیدکه
مشتری قبول ایدر سه ایکیسینی اوچ بیک غروشه الور
اما ایکیسندن برینی بیک بشیوز غروشه الهماز .
۱۷۸ ماده

قبولک ایجابہ ضمنا موافقتی کافیندر

مثلا بايع شومالی سکا یوز غروشه صاندم دیوب مشتری
دخی بیک بشیوز غروشه آلدیم دیسه بیع بیک غروش
اوزرینه منعقد اولور . انجق اول مجلسده بايع اول
زیاده بی قبول ایدر سه مشتری طرفندن زیاده قلمش
اولان بشیوز غروشک دخی اعطاسی لازم کلور .
وکذا مشتری شومالی بیک غروشه آلدیم دیوب بايع دخی
سکز یوز غروشه ویردم دیسه بیع منعقد اولوب ایکی
یوزک حط و تنزیلی لازم کلور .

۱۷۹ ماده

متبايعانندن بری متعدد شیرک بهارینی تفصیل ایتسه بیله
صفقه واحده ایله یعنی طو پدن اوله رق بیعی ایجاب

ایتدکده دیکری دخی اولوجهله قبول ایدرک مجموع
ثمن ایله مجموع مبیعی اله بیلور .

یوقسه صفتقه بی تفریق ایدرک ایچندن دیلدیکنی ذکر
اولنان بهاسیله قبول ایدوب المقده مخیر دکدر .

مثلا بایع شو ایکی حیوانی اوچ بیک غروشه صاتم
شو بیک غروشه و بوایکی بیک غروشه و یاخود هر بری
بیک بشر یوز غروشه در دیسه مشتری ایکسینی اوچ
بیک غروشه اله بیلور . یوقسه ایکسیندن دیلدیکنی
ذکر اولنان بهاسیله اله مز .

و کذا بایع شو اوچ طوپ قاشی یوز غروشه صاتم
دیوب مشتری دخی برطوپنی یوز غروشه یاخود ایکی
طوپنی ایکی یوز غروشه قبول ایتدم دیسه بیع منعقد اولماز
۱۸۰ ماده

متبايعاندى برى متعدد شيلرك بهالرىنى تفصيل و بشقه
بشقه بیعی ایجاب ایتدیکی صورتده دیکری دیلدیکنی
ثمن مسماسیله قبول ایتسه بیع منعقد اولور .

مثلا بايع متعدد مبيعك بهالرىنى تفصيل و تعیین ایله برابر
صاتم لفظنی دخی تکرار ایدرک شونی بیک غروشه
صاتم و بونی ایکی بیک غروشه صاتم دیرسه اول
حالده مشتری ایکسیندن برینی معین اولان بهاسیله
قبول ایدوب اله بیلور .

(فصل ثالث)

(مجلس بیع حقه‌ده در)

۱۸۱ ماده

مجلس بیع بازارلق ایچون اولان اجتماعدر

۱۸۲ ماده

مجلس بیعه بعدالایجاب نهایت مجلسه قدر طرفین مخیردر
 مثلا متبایعاندن بری مجلس بیعه بومالی شو قدر
 غروشه صاتم یاخود آ لدم دیو بیعی ایجاب ایلسه
 دیگری در عقب آ لدم یاخود صاتم دیمو بده بر مدت
 اراسی کچدکن صکره ینه اول مجلسده قبول ایلسه
 بیع منعقد اولوب هر نقدر مجلس اوزون اوزادی یه
 سورمش و ایجاب و قبولک ارسه سیخیلی اوزامش
 اولسه ده ضرر ویرمز

۱۸۳ ماده

بعدالایجاب قبل القبول احد طرفیندن اعراضه دلالت
 ایدر بر قول یاخود فعل بولنور ایسه ایجاب باطل
 اولوب قبوله محل قلماز

مثلا متبایعاندن بری صاتم یاخود آ لدم دیدکدنصکره
 ایکیسندن بریسی بشقه برایشله یاخود بر دیگر بحث

ومذا کره ایله مشغول اولسه ایجاب باطل اولوب
اندن صکره قبول ایله بیع منعقد اولماز

۱۸۴ ماده

متبایعاندن بری بیعی ایجاب ایدوب انجیق دیکرینک
قبولندن اول رجوع ایتسه ایجاب باطل اولوب اندن
صکره قبول ایله بیع منعقد اولماز .

مثلا بایع بومتاعی شووقدر غروشه صاتم دیوبده
مشرتی قبول ایتدم دیمدین رجوع ایتسه مشترینک
صکره دن قبول ایتدم دیمسیله بیع منعقد اولماز

۱۸۵ ماده

قبل القبول ایجابک تکراری ایجاب اولی ابطال ایدوب
ایجاب ثانییه اعتبار اولنور

مثلا بایع بومالی یوز غروشه صاتم دیدکدن صکره
هنوز مشرتی قبول ایتدم دیمدین دونوب یوز یکره
غروشه صاتم دیسه و مشرتی قبول ایتسه ایجاب
اوله اعتبار اولمیوب بیع یوز یکره غروش اوزینه
منعقد اولور

(فصل رابع)

(شرطله بیع حقه در)

۱۸۶ ماده

عقد بیعك مقتضاسندن اولان شرطله بیع صحیح و شرط
معتبر اولور

مثلا بایع قبض ثمن ایدنجیه دك مبیعی حبس ایتك
شرطیله صادقه بو شرط بیعه ضرر و یرمیوب بلکه
مقتضای عقدی بیاندر

۱۸۷ ماده

مقتضای عقدی تأیید ایدن شرطله بیع صحیح و شرط
معتبردر

مثلا فلان شیئی ترهین ایتك یا خود شو آدمی کفیل
و یرمك شرطیله برشی صاتمق صحیح و شرط معتبردر .
حتی مشتری بو شرطله رعایت ایتز ایسه بایع مبیعی
فسخ ایده پلور . زیرا بو شرطله مقتضای عقد
اولان تسلیم ثمنی تأیید ایلر

۱۸۸ ماده

متعارف یعنی عرف و عادت بلده جاری اولان شرطله

بیع دخی صحیح و شرط معتبر در

مثلا کورکی قاپلامق و کلیدی برینه میخلامق و یرتق
البسه بی یامه مق شرطیله صتامق صحیح اولوب بو
بو شرطه دخی بایعک رعایت ایتسی لازم کاور

۱۸۹ ماده

احد عاقدینه نفعی اولمیان شرطیله بیع صحیح اولوب
انجق شرط فاسددر

مثلا آخره صتامق یا خود مرعایه صالحو یرمک
شرطیله بر حیوانی صتامق صحیح اولوب فقط شرط
لغودر

(فصل خامس)

(اقاله بیع حقهنده در)

۱۹۰ ماده

عاقدین بعد العقد رضایله بیعی اقاله ایده بیلور لر

۱۹۱ ماده

بیع کبی (اقاله) دخی ایجاب و قبول ایله اولور
مثلا عاقدیندن بری بیعی اقاله یا خود فسخ ایتدم
و دیگرزی قبول ایتدم دیسه و یا خود بری بیعی اقاله
ایت و دیگرزی ایتدم دیسه اقاله صحیح یعنی بیع منفسخ اولور

۱۹۲ ماده

ایجاب و قبول مقامنه قائم اولان تعاطی صورتیه دخی

اقاله صحیح اولور

۱۹۳ ماده

بع کبی اقاله ده دخی اتحاد مجلس لازمدر

یعنی مجلس ایجاب بده قبول بولنمق لازم کلوب یوقسه عاقدیندن

بری بیعی اقاله ایتدم دیو پده دیکری اول مجلسده قبول

ایتدین مجلس بوزلسه یا خود احد طرفیندن اعراضه

دلالت ایدر بر شی صادر اولسه بعده دیکرینک قبولی

مفید اولماز

۱۹۴ ماده

حین اقاله ده بیع مشتری یدنده قائم و موجود اولمق شرطدر

بناء علیه بیع تلف اولمش ایسه اقاله صحیح اولماز

۱۹۵ ماده

مبیعک بعضیسی تلف اولسه باقیسنده اقاله جائزدر

مثلا بایع اکینیله برابر ملکی اولان ارضی صا تو بده

مشتری اکینی بچد کدنصکره اقاله ایلسه لر ارضده ثمنندن

حصه سیله اقاله صحیح اولور

۲۹۶ ماده

ثمنک تلف اولسی اقاله نک صحته مانع دکدر

(باب ثانی)

(مبیعه متعلق مسائل بیانده اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(مبیعك شروط و اوصافی حقتده در)

۱۹۷ ماده

مبیعك موجود اولسی لازمدر

۱۹۸ ماده

مبیعك تسلیمی ممکن و مقذور اولق لازمدر

۱۹۹ ماده

مبیعك مال متقوم اولسی لازمدر

۲۰۰ ماده

مبیعك مشتریك معلومی اولق لازمدر

۲۰۱ ماده

مبیعك معلومیتی سسارندن تمیز ایده جك حال ووصفی

بیان ایله حاصل اولور

مثلاشو قدر کیله قزله بغدادی . یا خود فلان و فلان حدود

ایله محدود اولان عرصه دیو صاتلسه مبیع معلوم و

بیع صحیح اولور

۲۰۲ ماده

مبيع مجلس بعهده حاضر ايسه اشارت حسيه كافيدر
مثلا بايع شو حيواني صاندم ديوب مشتري دخي كوره رك
قبول ايده جك بيع صحيح اولور

۲۰۳ ماده

مبيعك مشتري عنندنه معلوم اولسي كافي اولوب بشقه
صورتله تعريف و توصيفه حاجت يوقدر

۲۰۴ ماده

مبيع عقدده كي تعيين ايله تعيين ايدر
مثلا بايع اشارت حسيه ايله تعيين ايدرك شو ساعتی
صاندم ديوب مشتري دخي قبول ايتد كده بايعك اول
ساعتی عينا ويرمسی لازم كلور . يوقسه انی اليقويوبده
يرينه اول جنسدن ديكر بر ساعت ويره من

(فصل ثاني)

(بيعي جائز اولوب اولميان شيلر بياننده در)

۲۰۵ ماده

معدومك بيعي باطلدر

مثلا بر اغاجك هيچ بلور مامش اولان ميوه سني صاتمق

باطلدر

۲۰۶ ماده

کامل بلور مش اولان میوه بی اکه صالح اولسون
اولسون اغاجی اوزرنده ایکن صائمق صحیحدر

۲۰۷ ماده

افرادی متلاحق اولان یعنی بردن ظهور ایتیموده رفته
رفته ظهور ایده کلان میوه و شکوفه و پیراق و سبره نک
بر مقداری بلور مش اولدیغی حالده انلره تبعاً انلره برابر
هنوز بلور مامش اولنلری دخی طویدن صائمق صحیح اولور

۳۰۸ ماده

جنسی بیان اولنه رق صایتیلان شی بشقه جنسدن
چیقسه بیع باطل اولور
مثلاً بابع صرچه بی الماس دیو صاتسه باطلدر

۳۰۹ ماده

تسلیمی ممکن و مقدر اولمیان شی صائمق باطلدر
مثلاً در پایه باطوبده اخراجی ممکن اولمیان قایغک و
طوتوبده تسلیمی ممکن اولمیان بر فراری حیوانک بیعی
باطلدر

۲۱۰ ماده

بین الناس مال اولمیان شی صائمق یاخود انکله بر مال
صاتون آلمق باطلدر

مثلا لاشه بی و حر اولان بنی آدمی صاتمق و یاخود انلرک
مقابلنده بر مال اشترایتمک باطلدر

۲۱۱ ماده

مقوم اولمیان مالی صاتمق باطلدر

۲۱۲ ماده

مقوم اولمیان مال ایله بر مال صاتون المق فاسد در

۲۱۳ ماده

مجهولک بیعی فاسد در

مثلا بایع مشتری یه مالک اولدیغم کافه اشیا می سکا شو قدر

غروشه صاتمدم دیوب مشتری دخی الدم دیسه و لیکن

اشیا مشترینک معلومی اولسه بیع فاسد اولور

۲۱۴ ماده

بر ملک عقارک قبل الافراز بر حصه معلومه شایعه سنی

مثلا نصفنی یا ثلثنی یاخود عشرینی صاتمق صحیحدر

۲۱۵ ماده

بر کیسه حصه شایعه سنی شریکندن اذن المقسزین آخره

صاته بیلور

۲۱۶ ماده

ارضه تبعه حق مرورک و حق شربک و حق مسیلک

و قنواته تبعه صویک بیعی جائز در

(فصل ثالث)

(مبيعك کیفیت بیعنه متعلق مواد بیانده در)

۲۱۷ ماده

مکیلات و موزونات و عددیات و مزروعاتک کیل و وزن
و صایب و زراع ایله بیعی صحیح اولدیغی کبی جزافا
صائمق دخی صحیحدر

مثلا بابع بریغین بغدادی، و برطام صمانی و بریغین طوغله بی
و بردنک متاعی کوتوری صاتسه صحیح اولور

۲۱۸ ماده

حبوباتی برمعین قاب و اولچک ایله اولچوب و یاخود
برمعین طاش ایله طارتوب صاتسه هر نقدر اول قاب
و اولچکک نه مقدر ایدوکی و طاشک قایح قیه و درهم
اولدیغی معلوم دکلسه ده بیع صحیح اولور

۲۱۹ ماده

منفردا صاتلمسی جائز اولان شیئک مبیعدن استثناسی
دخی جائز اولور

مثلا بابع براغاجک میوه سندن شو قدر قیه سی کندوسنه قالمق
اوزره باقیسنی صاتسه صحیح اولور

۲۲۰ ماده

مقدراتك يالكز افراد واقسامنه بها تقدير ايدرك طويدن
صاتمق صحیح اولور

مثلا بريغين بغدابی و بر قايق او دونی و بر سوری قویونی و بر
پاستال چوقایی کیله سی یا چکیسی یا قیه سی و یا هر رأس
یا خود هر زراعی شو قدر غروشه اولق اوزره صاتمق
صحیح اولور

۲۲۱ ماده

محدود اولان عتارات ذراع و دونم ایله صاتمق یعنی کبی
تعین حدود ایله دخی صاتیلور

۲۲۲ ماده

عقد بیع نه مقدر اوزینه واقع اولور سه انجق اکا
اعتبار اولنور

۲۲۳ ماده

مکیلات و عددیات مقار به ایله تبعیضنده ضرر اولمیان
موزوناتدن بر مجموعک مقداری بیان اولته رق صاتمقده
کر کسه یالکز اول مجموعک ثنی ذکر اولنسون کرک
کیله سنک یا عدد و وزنک بهاسی بیان و تفصیل
اولنسون بیع صحیح اولور

فقط لدى التسليم تمام چيقارسه بيع لازم اولور .
 و ناقص چيقارسه مشتري بخير اولوب ديلرسه بيعي
 فسخ ايدر . و ديلرسه ظهور ايدن مقداري نمندن
 حصه سيله آلور . و زائد چيقارسه زياده سي بايعكدر
 مثلا بايع بر بيغن بغداديي ضو پدن اوله رق اللى كيله
 اولمق اوزره بش-سيوز غروشه ياخود اللى كيله اولمق
 اوزره هر كيله سنى اوزر غروشه صاتلده تمام كلورسه
 بيع لازم اولور و قرق بش كيله چيقارسه مشتري بخير
 اولوب استرسه بيعي فسخ ايدر استرسه قرق بش كيله بي
 درتيوز اللى غروشه آلور و اللى بش كيله چيقارسه
 فضله سي اولان بش كيله بايعكدر

و كذا بر كوفه بمورطه يوز عدد در ديو اللى غروشه
 ياخورد يوز عدد ديو دانه سي يكر ميشر پاره به صاتلده
 عند التسليم طقسان عدد چيقارسه مشتري بخير اولوب
 ديلرسه بيعي فسخ ايدر ديلرسه طقسان بمورطه بي قرق
 بش غروشه آلور و اكر يوز اون عدد چيقارسه
 فضله سي اولان بمورطه بايعكدر

كذلك بر فوجي ياغ يوز قيه اولمق اوزره صاتلده
 حكيمى منوال مشروح اوزره در

۲۲۴ ماده

تبعيضنده ضرر اولان موزوناتدن بر مجموعك مقداری
 بیان و یالکز اول مجموعك بهاسی ذکر اولنهرق
 صاتلدقده لدی التسلم ناقص چیقارسه مشتری مخیر
 اولوب دیلرسه بیعی فسح ایدر و دیلرسه چیقان مقداری
 مجموع ثمن مسما ایله الور و زائد کورسه زیاده سی
 مشتریك اولوب بایع مخیر اوله ماز

مثلاً بش قیراطدر دیو یکر می بیک غروشه صاتیلان بر
 الماس طاش درت بوچق قیراط چیقسه مشتری مخیر
 اولوب دیلرسه ترك ایدر و دیلرسه اول طاشی یکر می
 بیک غروشه الور و اکر بش بوچق قیراط چیقارسه
 اول طاش یکر می بیک غروشه مشتریك اولوب بونده
 بایع مخیر اوله ماز

۲۲۵ ماده

تبعيضنده ضرر اولان موزوناتدن بر مجموعك مقدار یله
 اقسام اجزاسنك بهاسی دخی بیان و تفصیل اولنهرق
 صاتلدقده لدی التسلم كرك ناقص چیقسون و كرك
 زائد چیقسون مشتری مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسح
 ایدر و دیلرسه چیقان مقداری اقسام و اجزا ایچون
 بیان اولنان بها حسابیله الور

مثلاً بش قیه در دیو هر قیه سی قرقر غروشه صاتیلان
 بر باقر منقال درت بوچق یاخود بش بوچق قیه چیقسه
 ایکی صورتده دخی مشتری مخیر اولوب دیلرسه ترك ایدر
 ودیلرسه اول منقال درت بوچق قیه ایسه یوز ساکسان
 غروشه و بش بوچق قیه ایسه ایکیوز یکرمی غروشه آاور
 ماده ۲۲۶

کرك عرصه اولسون و كرك امتعه و اشياى ساثره اولسون
 على العموم مذروعاتدن بر مجموعك مقدارى و يالكز اول
 مجموعك بهاسى بيان ياخود ذراعنك دخی بهاسى تفصيل
 اولنه رق صاتلدقده ایکی صورتده دخی حکمی تبعیضنده
 ضرر اولان موزوناتك حکمی کبیدر . فقط کرباس
 و چوقه مثللو قطع و تبعیضنده ضرر اولمیان امتعه و اشیا
 مکيلات حکمنده در

مثلاً یوز ارشون اولمق اوزره بیک غروشه صاتیلان بر
 عرصه طقسان بش ارشون چیقسه مشتری مخیر اولوب
 دیلرسه ترك ایدر و دیلرسه اول عرصه یی بیک غروشه
 الوروزاند چیقسه مشتری تماماً اول عرصه یی بیک غروشه
 آاور

و کذا برقات روبه لقی اولمق اوزره یا بلس اولان برطوب
 قاش ساکزارشوندر دیو درتیوز غروشه صاتلسه یدی

ارشون چیتدیغی تقدیرده مشتری مخیر اولوب دیلرسه
 ترک ایدر و دیلرسه درتیوز غروشه اول طوی اولور
 و طقوز ارشون چیتدیغی صورتده مشتری تماماً اول طوی
 درتیوز غروشه آلور

کذلک یوز ارشون اولوق اوزره هر ارشونی اوز غروشن
 دیو صائیلان بر عرصه طقسان بش یاخود یوز بش ارشون
 چیتدیغی تقدیرده مشتری مخیر اولوب ترک ایدر یاخود
 طقسان بش ارشون ایسه طقوز یوز الی غروشه و یوز
 بش ارشون ایسه بیک الی غروشه آلور

و کد ابرقات و بدلق اولوق اوزره یا پلش اولان برطوب قش
 سکز ارشوندر دیو ارشونی الیشر غروشه صائلسه یدی
 یاخود طقوز ارشون چیتدیغی صورتده مشتری مخیر اولوب
 ترک ایدر یاخود یدی ارشون ایسه اوچ یوز الی غروشه
 و طقوز ارشون ایسه درتیوز الی غروشه آلور

اما بر پستال چوقه یوز الی ذراع اولوق اوزره یدی بیک
 بش یوز غروشه دیو یا نود هر ذراعی الیشر غروشه دیو
 صائلدوره یوز قرق ذراع چیتسه مشتری مخیر اولوب
 دیلرسه یعنی فسح ایدر • و دیلرسه یوز قرق ذراعی یدی
 بیک غروشه آلور • و اگر زائد چیتساره زیاده سی
 بایع کدر

۲۲۷ ماده

عدد یات متفاوتده یالکز مجموعک مقدار بهاسی بیان
اولنهرق صاندقدده عند التسایم تمام کاورسه بیع صحیح
ولازم اولور . وناقص ویاخود زائد کاورسه ایکی
صورته دخی بیع فاسد اولور

مثلا الی رأس در دیو ایکی بیک بشیوز غروشه صاتیلان
برسوری قیون عند التسایم قرق بش یاخود الی بش
رأس چیقسه بیع فاسد اولور

۲۲۸ ماده

عدد یات متفاوتده مجموعک مقدار یله آحاد وافرادیکنک
بهاسی بیان وتفصیل اولنهرق صاندقدده عند التسایم
تمام کاورسه بیع لازم اولور . وناقص چیقارسه مشتری
مخیر اولوب دیلرسه ترک ایدر ویلرسه اولققداری
نمن مسمان حصیه سیله الور . وزائد کاورسه بیع فاسد
اولور

مثلا الی رأس در دیو هر بری الیشر غروشه صاتیلان
برسوری قویون قرق بش رأس چیقسه مشتری مخیر
اولوب دیلرسه ترک ایدر و دیلرسه قرق بش قویونی ایکی
بیک ایکیوز الی غروشه الور والی بش رأس چیقارسه
بیع فاسد اولور

۲۲۹ ماده

مواد آنفهدن مشرتنك مخبر اولديغى صورتلرده مشرتى
مبىعك ناقص اولديغى بيلهرك قبض ايتدكدن صكره مبىعك
فسخنده مخبر اوله ماز

(فصل رابع)

(صراحة ذكر اولتمقننن ببعده داخل اولوب)
(اولميان شيلر بياننده در)

۲۳۰ ماده

عرف بلدهده مبىعك شامل اولديغى هر شى من غير ذكر
ببعده داخل اولور
مثلا خانه ببعنده مطبخ و كيلارى و زيتونلك ببعنده زيتون
اچاچلرى من غير ذكر داخل اولور زيرا مطبخ و كيلار
خانهك مشتملاتنددر و زيتونلك برطاقم زيتون اچاچلرينى
حاوى اولان ارضه اطلاق اولنور يوقسه يالكز برارضه
زيتونلك تعبير اولتماز

۲۳۱ ماده

مبىعك جزئى حكمنده اولان يعنى غرض اشترايه نظرا
مبىعدن انفكاكى قابل اولميان شيلر من غير ذكر ببعده
داخل اولور

مثلا کلیدک بیعنده مفتاحی وسوتی ایچون انسان اینکک
بیعنده سوت امن یاورسی من غیر ذکر داخل اولورلر
۲۳۲ ماده

مبیعک توابع متصله مستقره سندن اولان شیرلر من غیر ذکر
بیعده تبعاً داخل اولور

مثلا برقوناغک بیعنده میخلانمش کلیدلر ویرلی طولاب
ومندر لکک کبی یرلی اولمق اوزره موضوع ومبئی اولان
شیرلر وحدودی داخلنده اولان باغچه سیه طریق عامه
یا خود حقیقما زقاغه موصل اولان یوللر و باغچه و عرصه
بیعنده مستقر اولمق اوزره مغروس اغاچلر بازارلقده
تصریح اولنسه دخی مبیعدن ایرلیوب برابر صماتمش
اولورلر

۲۳۳ ماده

اسم مبیعک مشتملاتندن یا خود مبیعک توابع متصله
مستقره سندن اولمیان ومبیعک جزئی حکمنده ویا انککه
برابر صماتلسی عرف وعادت اقتضاسندن بولنمیان شیرلر
حین بیعده ذکر اولمقدیجه بیعده داخل اولماز . فقط
عرف وعادت بلدهجه مبیعه تبعاً صماتیه کلان شیرلر من
غیر ذکر بیعده داخل اولور

مثلا خانه بیعنده یرلی اولمیان طولاب وقنه په وصندالیه

کبی یرلی اولیو بده قالدیرلسق اوزره موضوع اولان
 شیر و باغ و باغچه بیعنده لیمون و چیمچک صاقس-یلری و
 آخر محله نقل اولنمق اوزره دیکلمش اولان فدانلر و
 اراضی بیعنده اکین و اشجارلر بیعنده میوه بازارلقده
 ذکر و شرط اولنمقجه مبیع ایله برابر صاتمیش اولمازلر
 قسط برلکده صاتمیشی عرف و عادت اولان یرلرده بنک
 آتک کی و یوک بارکیرینک یولاری من غیر ذکر بیعده
 داخل اولور

۲۳۴ ماده

تبعاً بیعده داخل اولان شیئتک ثمندن حصه سی یوقدر
 مثلاً یوک بارکیرینک قبل القبض یولاری سرقت اولنسه
 ثمن مسمدان برشی تنزیل ایتمک لازم کلز

۲۳۵ ماده

حین بیعده علاوه اولنان بعض الفاضل عمومیدنک شاسل
 اولدیغی شیر بیعده داخل اولور
 مثلاً باع شو خانابی جمیع حقوقیله صاتمدم دیسه اول
 خانانک حق مروری و حق شربی و حق مسیلی بیعده
 داخل اولور

۲۳۶ ماده

بعد العقد و قبل القبض مبیعده حاصل اولان ثمره

و زیاده مشتری به عائد اولنور
 مثلا بر باغچه صاندل قدده قبل القبض حاصل اولان میوه
 و سبزه مشتری به عائد اولور
 كذلك صانتش اولان اینکک قبل القبض تولد ایدن
 یاورسی مشتری نیک مالیدر

(باب ثالث)

(ثمنه متعلق مسائل بیانده اولوب ایکی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(ثمنک اوصاف و احوالنه مترتب اولان مواد بیانده در)

۲۳۷ ماده

حین ببعده تسمیه ثمن لازمدر

بناء علیه مبیعک بهاسی ذکر اولنماز ایسه بیع فاسد اولور

۲۳۸ ماده

ثمنک معلوم اولماسی لازم در

۲۳۹ ماده

ثمنک معلومیته میدانده ایسه مشاهده ایله دکل ایسه

مقدار و وصفنی بیان ایله حاصل اولور

۲۴۰ ماده

متنوع التون تداول ایدن بلده ده نه درلوا التون اولدیغی

بیان اولتمسزین علی الاطلاق شو قدر التون دیو بازارلق

اولنمه بیع فاسد اولور، کومش سکه دخی بو کاقیناس اولنه
۲۴۱ ماده

غروش اوزرینه بازارلق اولندقدده مشتری رایج
اولان مسکو کاتک ممنوع اولمیان هر قنغی نوعندن استر
ایسه ویره بیلور
۲۴۲ ماده

ثمنک وصفی بیان اولنهرق بازارلق اولندیغی صورتده
عقد هر قنغی نوع نقد اوزرینه واقع اولمش ایسه اندن
ویرملک لازم کلور

مثلا مجیدیه التونی یاخود انکلیر ویا فرانسز التونی
ویاخود یکرملک مجیدیه ویانیرکلی ریال ویرملک اوزر، دیو
بازارلق اولندیغی صورتده هر نه درلو مسکو کات دینلش
ایسه اندن ویریلور
۲۴۳ ماده

عقدده کی تعیین ایله ثمن تعیین ایتمز
مثلا مشتری النده کی یوزلک التوننی کوستره رک شو التون
ایله بومالی اشترایتدم دیوب بایع دخی ویردم دیدکده
مشتری عینا اول التونی ویرمکه مجبور اولماز بلکه انی
الیقویوبده یرینه مثلی اولهرق بشقه بریوزلک التونی
ویره بیلور

۲۴۴ ماده

بر نوع مسکوکاتک یرینه اجزاسی دخی و یریله بیلور
 فقط بو خصوصده عرف، وعادت بلده یه اتباع اولنق لازم
 کلور

مثلا یکر میلک مجیدیه دیو بازارلق اولندیغی صورته
 یکر میلک یرینه اجزاسندن اولان اولنق و بشلک دخی
 و یریله بیلور اما الحاله هنده در سعادتده جاری اولان عرف
 و عادتده نظرا یکر میلک یرینه اجزاسندن اولان قرقلق
 و ایکیملک و یریله مز

(فصل ثانی)

(وعده ایله صائش حقیقده اولان مواد بیانده در)

۲۴۵ ماده

ثمنی تأجیل و تقسیط ایله بیع صحیح اولور

۲۴۶ ماده

ثمنک تأجیلنده و تقسیطنده مدت معلوم و معین اولق

لازم در

۲۴۷ ماده

شو قدر کون یا آی و یا سنه و یا خود روز قاسم کبی عاقدين
 عندنده معلوم و معین اولان بروقته قدر وعده ایله بازارلق
 اولنسه بیع صحیح اولور

۲۴۸ ماده

(یغمور یا غدیخی وقت) کی معین اولمیان بر مدت بیابله

بازارلق اولنسه بیع فاسد اولور

۲۴۹ ماده

ویره سییه بازارلق اولنوبده مدت تعیین اولنسه بر آیه

مصروف اولور

۲۵۰ ماده

ثمنک تأجیل و تقسیطنده مقاوله اولندان مدت مبیعت

تسلیمندن اعتبار اولنور

مثلا بر سنه وعده ایله صاتلمش اولان بر متاعی بایع بر

سنه توقیف ایتد کدنصکره مشتری یه تسلیم ایتسه حین

تسلیمندن اعتباراً بر سنه بکلمسی یعنی وقت بعدن تمام

ایکی سنه مرورنده مشترینک آنچه یی ویرمسی لازم کلور

۲۵۱ ماده

بیع مطلق پیشین اولوق اوزره منعقد اولور . فقط بیع

مطلق بر مدت معلومه ایله موقت و مقسط اولوق اوزره

عرف و عادت اولان یرده اول مدته مصروف اولور

مثلا پیشین یا ویره سییه لاقردیسی اولقسرن چارشردن

بری برشی السه آنچه سنی پیشین ویرمسی لازم کلور . فقط

آی یا هفته باشنده ثمنک تمامی یا خود بر مقدار معینی التمیق

عادت بلده ایسه اول عادته رعایت اولنور

(باب رابع)

(بعد العقد ثمن و مئتمنه تصرفه متعلق مسائل بیانده)

(اولوب ایکی فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(بعد العقد و قبل القبض بایعان مئتمنه و مشتریك میبده)

(حق تصرفلری بیانده در)

۲۵۲ ماده

بايع قبل القبض ثمن میبده تصرف ایده یلور

مثلا بر کیمسه صاتمیش اولدیغی مالک آقچه سنی بورجده

حواله ایده یلور

۲۵۳ ماده

مشتری قبل القبض میبعی عقار ایسه آخره صاته یلور

و اگر منقول ایسه صاته ماز

(فصل ثانی)

(بعد العقد ثمن و میبعك تزید و تنزیلی بیانده در)

۲۵۴ ماده

بايع بعد العقد میبعك مقدار بنی زیاده ایده یلور و مشتری

مجلس زیاده ده قبول ایدر ایسه اول زیاده بی طلبه حتی

اولوب بایعك نداستی مفید اولماز . اما اول مجلسدن

صکره مشتریك قبولی معتبر دکلدیر

مثلا يکرمی غروشه يکرمی عدد قارپوز بازارلق اولندقدن
صکره بايع بش دها ويردم ديوب مشستری دخی اول
مجلسده قبول ايدرايسه يکرمی غروشه يکرمی بش قارپوز
الور اما اول مجلسده قبول ايتيويده صکره دن قبول
ايده جک اولسه بايع اول زياده يی ويرمک اوزره اجبار
اولنه ماز

۲۵۵ ماده

مشتری بعد العقد ثمن مسمايی تزید ايده بيلور • و بايع
مجلس زياده ده قبول ايدر ايسه اول زياده يی طلبه حقی
اولوب مشترینک ندامتی مفید اولماز • اما اول مجلسدن
صکره بايعک قبولی معتبر دکلدن

مثلا بيک غروشه بر حیوان بازارلق اولندقدن صکره مشتری
ایکیوز غروش دها ضموز زياده ایتدم ديوب بايع دخی اول
مجلسده قبول ايدرسه اول حیوانی بيک ایکیوز غروشه
الور • اما بايع اول مجلسده قبول ايتيويده صکره دن
قبول ايده جک اولور ايسه مشتری فضله ويره جک
اولديغی ایکیوز غروشی ويرمکه اجبار اولنه ماز

۲۵۶ ماده

بايعک بعد العقد ثمن مسمادن بر مقدارینی حط و تنزیل
ایتمی صحیح و معتبر در

مثلا بر مال یوز غروشه یازارلق اولندقدن صکره بایع یکریمی
غروشنی تنزیل ایتدم دیسه اول مالک مقابلنده انجق
سکسان غروش الهیلور

۲۵۷ ماده

بعد العقد بایعك مقدار مبیعی و مشتریك ثمن مسمايی تزید
ایتمری و یا بایعك ثمن مسمادن تنزیلی اصل عقده ملتحق
اولور یعنی اصل عقد کویا اول تزید و یا تنزیل اوزرینه
واقع اولمش حکمنده طوتیلور

۲۵۸ ماده

بعد العقد بایع مبیعی تزید ایتدکده زیادهك ثمن مسمادن
حصه سی اولور

مثلا بایع اون غروشه صاتمیش اولدیغی سکز قارپوز
اوزرینه ایکی قارپوز ده یا زیاده و مشتری قبول ایتدیکی
صورتده اون غروشه تمام اون قارپوز صاتمیش اولوب
حتی قبل القبض بو ایکی قارپوز تلف اولسه بهارینک
ثمندن تنزیلیله سکز قارپوز ایچون بایع انجق سکز غروش
طلب ایده ییلور

کذلک بایع عرصه سنک بیک ذراعنی اون بیک غروشه
صاتدقدن صکره یوز ذراع دخی زیاده و مشتری قبول

ایتدیکی تقدیرده بر شفیع چیتسه اون بیک غروشه مجموعی
یعنی بیک یوز ذراعنی الهیلور
۲۵۹ ماده

بعد العقد مشتری ثمن مسما بی تزید ایتدکده ثمن مسما
ایله زیاده نیک مجموعی عاقدين حقنده تمام مبیعه مقابل اولور
مثلا اون بیک غروشه بر مالک عقار اشتر اولندقدن صکره
قبل القبض مشتری بشیوز غروش دها زیاده و بایع قبول
ایتدیکی صورتده اول عقارک بهاسی اون بیک بشیوز
غروش اولوب حتی بر مستحق چیقارق بعد اثبات
والحکم اول عقاری السه مشتری یا بعدن اون بیک بشیوز
غروش طلب وانفذ ایده یلور اما اول عقاره بر شفیع
چیتسه چونکه انک حتی اصل عقدده اسمیه اولنان ثمن
اوزرینه تعلق ایتمش اولدیغنه و صکره کی زیاده نیک عاقدينه
کوره اصل عقده التحاقی الیک حتی اسقاط ایده مبیه چکنه
مبنی اول عقاری شفیع اولان کیمسه اون بیک غروشه
الهیلور صکره دن زیاده اولنان بشیوز غروشی بایع اندن
طلب ایده من

۲۶۰ ماده

بعد العقد بایع ثمن مبعی حط و تنزیل ایتدکده مبیعک تمامی
ثمن مسماک باقیسنه مقابل اولور

مثلا بر ملك عقار اون بيك غروشه اشترا اولندقدنصكره
 بايع بيك غروشنى حط و تنزىل ايتديكى صورتده اول
 عقار طقوز بيك غروشه مقابل اولوب بناء عليه بر شفيع
 چيقسه انى طقوز بيك غروشه الهيلور
 ماده ۲۶۱

بايع قبل القبض ثمن مبيعك بجله منى حط ايده بيلور
 فقط اصل عقده ملحق اولماز

مثلا بايع بر ملك عقارى اون بيك غروشه صاندقدن
 صكره قبل القبض اول اچهدن كاملا واز كچسه شفيعى
 اول عقارى اون بيك غروشه الهيلور . بوقسه اچهدن
 الورم ديده من

(باب خامس)

(تسليم و تسلمه متعلق مسائل بيانده اولوب التى)

(فصلى حاويدر)

(فصل اول)

(تسليم و تسلمك حقيقت و كيفيتى بيانده در)

ماده ۲۶۲

بيعه قبض شرط دكادر . فقط بعد العقد اولو مشتري
 ثمنى بايعه و ثانيا بايع مبيعى مشتري به و بر مكه بور جلو اولور

۲۶۳ ماده

مبيعك تسليمی مشتريك بلا مانع مبيعی قبض ایدہ بیلہ جك
وجہلہ تسلنہ بايعك اذن ویرمسیلہ حاصل اولور

۲۶۴ ماده

مبيعك تسليمی حاصل اولدیغی کبی مشتری دخی آنی قبض
ایتمش اولور

۲۶۵ ماده

مبيعك اختلافیلہ کیفیت تسلیمی دخی مختلف اولور

۲۶۶ ماده

مشتری عرصہ و اراضینک ایچنہ بولندیغی و یاخود
برطرفدن کورر اولدیغی حالده قبضہ بايعك رخصت
ویرمسی تسلیمدر

۲۶۷ ماده

اوزرنده اكين اولان ارضك تسلیمندہ اوزرنده کی
اکینی بچوب یاخود حیوانه یدیروبده ارضی تخلیه ایتمکه
بايع مجبور اولور

۲۶۸ ماده

اوزرنده میوه اولان اغاجك تسلیمندہ میوه سنی دیوشروب
اغاجی تخلیه ایتمکه بايع مجبور اولور

ماده ۲۶۹

اغای اوزرنده اوله رق صاتلمش اولان میوه بی مشتری نیک
دیو شرمسند بابعك رخصت ویرمی تسلیمدر

ماده ۲۸۰

خانه و باغ کبی کلیدی عقارک ایچنده ایکن بابعك مشتری به
تسلیم ایتدم دیسی تسلیمدر و خارجنده ایکن مبیع اگر
مشتری در حال انی کلیدیه بیله جک مرتبه قریب ایسه
مجرد تسلیم ایتدم دیسی تسلیمدر . و اگر اول مرتبه
قریب دکل ایسه اورایه واروبده ایچنه کیره بیله جک قدر
وقت مرور بیله تسلیم تحقق ایدر

ماده ۲۷۱

کلیدی عقارک مفتاحنی ویرمک تسلیمدر

ماده ۲۷۲

حیوان باشندن یا قولاغندن و یا یولارندن طوتیلوب تسلیم
اولنور . فقط مشتری نیک کلفتسزجه تسلیمه قدرتی اولان
محلده ارائه سیله قبضنه رخصت اعطاسی دخی تسلیمدر

ماده ۲۷۳

مکیلات و موزونات مشتری نیک امر بیله کیل یا وزن
اولنهرق تهیه و اعطا ایلدیکی ظرف و قاب دروننه قونلق
تسلیمدر

۲۷۴ ماده

عروضك تسليمى مشتريك النه اعطاسيله ياخود يانه
قويق وياميدانده اولوبده بالارائه قبضنه رخصت ويرمك
ايله اولور

۲۷۵ ماده

انبار و صندوق کبی کلیدی بر محل ایچنده بولنان شیلر
طوپدن صائلدوقده مفتاحنک مشتري به اعطاسيله قبضنه
رخصت ويرمك تسليمدر

مثلا بر انبار بغدادی یاخود بر صندوق کتاب طوپدن
صائلدوقده مفتاحنک اعطاسی مبیعی تسلیم دیمکدر

۲۷۶ ماده

مشتري مبیعی قبض ایدر ایکن بابعک کوروبده منع
ایتماسی قبضنه رخصتدر

۲۷۷ ماده

بابعک اذنی اولقسنزین مشتريک ثمنی تأدیبه ایتمدین مبیعی
قبض ایتمسی معتبر دکلد

فقط مشتري بلا اذن قبض ایدوبده یدنده مبیعک تلف
اولور یاخود سقطنور ایسه قبض معتبر اولور

(فصل ثانی)

(مبیعك حق حبسنه دائر مواد بیانده در)

۲۷۸ ماده

پشین صاتشده مشتری ثمنی تماماتأدیه ایدنجده دك بابعك
مبیعی حبس و توقیف ایتك حق و اردر

۲۷۹ ماده

بايع اشـیای متعدده بی صفتقه واحده ایله صیاتدقه هر
برینك بشقه بشقه بهاسنی بیان ایتش اولسه بیله تماما
ثمنی قبض ایدنجده دك مجموع بیعی حبس ایده یلور

۲۸۰ ماده

مشـترینك رهن و كفیل و برمسى بابعك حق حبسنی
اسقاط ایده مز

۲۸۱ ماده

بايع ثمنی قبض ایتدین مبیعی تسلیم ایدر ایسه حق حبسنی
اسقاط ایتش اولور

بو صورتده ثمنی قبض ایدنجده دك توقیف ایتك اوزره
مبیعی استرداد ایده مز

۲۸۲ ماده

ثمن مبیعی المق اوزره بايع برکیسه بی مشتری اوزرینه
حواله ایدر ایسه حق حبسنی اسقاط ایتش اولور .

و بصورتده همان مبیعی مشتری به تسلیم ایتسی لازم کاور
 ماده ۲۸۳

ویرهسی به صانتشده بابعك حق حبسی اولیوب وعدهسی
 حلوننده ثمنی قبض ایتك اوزره همان مبیعی مشتری به
 تسلیم ایتسی لازم کاور

ماده ۲۸۴

بابع پشین اولیق اوزره صانتقدن صکره ثمن مبیعی
 تأجیل ایدر ایسه حق حبسی اسقاط ایتش اولور
 و وعدهسی حلوننده ثمنی قبض ایتك اوزره همان مبیعی
 تسلیم ایتسی لازم کاور

(فصل ثالث)

(مکان تسلیم حقننده در)

ماده ۲۸۵

عقد مطلق حین عقدده مبیع نزه ده ایسه اوراده تسلیمینی
 اقتضا ایدر

مثلا بر کیسه تکفور طاغنده کی بغدایینی استانبولده بر
 کیسه به صانتقدده اول بغدایی تکفور طاغنده تسلیم
 ایدر یوقسه استانبولده تسلیم ایتك اوزره اجبار اولنه ماز

ماده ۲۸۶

مبیعك نزه ده اولدیغی مشتریك معلومی اولیوبده

بعد العقد مطلع اولسه مخیر در . دیلرسه بیعی فسح ایدر
و دیلرسه حین عقده مبیع زه ده ایسه اوراده قبض ایلر
۲۸۷ ماده

بر محل معینده تسلیم اولنق شرطیله صاتلش اولان مالک
اوراده تسلیمی لازم کلور

(فصل رابع)

(تسلیمک مؤنتی یعنی کافتی و لوازم تمامیتی بیاننده در)

۲۸۸ ماده

ثمنه متعلق اولان مصارف مشتری به عاقد در
مثلا آنچه نك صایمه و طارتمه اجر تلی کبی مصارف
صرافیه مشتری طرفندن ویرلک لازم کلور

۲۸۹ ماده

مبیعک تسلیمنه متعلق مصرفلر بایعه عاقد در
مثلا کیله حی و قنطار حی اجر تلینی بایعک ویرمی لازم
کلور

۲۹۰ ماده

جز افا صاتیلان شیلرک مؤنتی مشتری به عاقد در
مثلا بر باغک اوزومی مجازفة صاتلده قده دیو شیرمی
مشترینک اوزرینه در

كذلك بر انبار بغدادی مجازفة صائلد قده انباردن اخراج
و نقلی مشتریك اوزرینه لازمدر
۲۹۱ ماده

اودون و کور کبی حیوان اوزرئده محجـ و لاصاتیش
اولان شیرلی مشتریك خانه سنه نقل ایتمک امرنده عرف
و عادت بلده نه ایسه اکا اتباع اولنور
۲۹۲ ماده

سند و حجت تحریری اجرتی مشتری اوزرینه لازمدر
فقط بایعك دخی محکمه ده بیعی تقریر و اشهاد ایلمسی لازم
کلور

(فصل خامس)

(هلاک میمه مرتب اولان مواد بیانده در)

۲۹۳ ماده

مبیع قبل القبض بایعك یدنده تلف اولسه مشتری حقیقده
بر شی ترتب ایتموب ضرری بایعه عائد اولور
۲۹۴ ماده

مبیع بعدالقبض تلف اولسه بایع حقیقده بر شی ترتب
ایتموب ضرری مشتری به عائد اولور
۲۹۵ ماده

مشتری مبیعی قبض ایتموب لکن ثمنی تأدیبه ایتمدین مفلسا

فوت اولسه باع مبیعی استرداد ایده میوب غرمایه داخل
اولور

۲۹۶ ماده

مشتري مبیعی قبض و ثمنی تأدیه ایتمدین مفلسا فوت اولسه
باع ثمنی مشتری ترکه سندن استیفا ایدنجه یه دک مبیعی
حبس ایده پیلور

بو صورتده حاکم مبیعی بیع ایدوب ثمنی وفا ایدر ایسه
بایعک اله جغنی تماما ایفا ایدر و فضله سی قالدیغنی تقدیرده
غرمایه ویرر و اکر بایعک اله جغندن ناقص ایسه اول
ثمنی باع تماما الدقدن صکره نقصاننی غرامة مشتری ترکه
سندن الور

۲۹۷ ماده

باع ثمنی قبض ایدوب لکن مبیعی مشتری یه تسلیم ایتمدین
مفلسا فوت اولسه مبیع باع یدنده امانت قالمش اولور
بو صورتده مشتری مبیعی اولوب سائر غرما مداخله ایده مز

(فصل سادس)

(سوم شرا و سوم نظر حقنده در)

۲۹۸ ماده

سوم شرا طریقیله یعنی تسمیه ثمن اولنه رق اشترایتمک

اوزره مشتريك قبض ايدوبده کوتوردیکی مال مشتری
 يندنه تلف و ضایع اولدوقده قییماتدن اولدیغی تقدیرده
 قیمتتی و مثلیاتدن اولدیغی تقدیرده مثلی بايعه ویرمسی
 لازم کلور . اما ثمن تسمیه اولنماش ایسه مشتری يندنه
 امانت حکمنده اولهرق بلا تعد تلف و ضایع اولدیغی
 حالده ضمان لازم کلز

مثلا بايع بو حیوانك بهاسی بیک غروشدر کوتور بکنور
 ایسهك آل دیوب مشتری دخی اولوجهله اشترا ایتک
 اوزره اولوب کوتورسه و خانه سنده حیوان تلف اولسه
 دکر بهاسنی بايعه ویرمسی لازم کلور . اما بهاسی بیان
 ایدلیهرک بايع کوتور بکنور ایسهك الورسون دیوب
 مشتری دخی بکنور ایسه بعده بازارغنی ایدوبده اشترا
 ایتک اوزره کوتوردکده يندنه بلا تعد تلف اولسه ضمان
 لازم کلز

۲۹۹ ماده

سوم نظر طریقيله یعنی کورمک یاخود کوسترمک اوزره
 قبض اولنان مال کرک بهاسی بیان اولنسون و کرک بیان
 اولنسون قابضک يندنه امانت اولهرق بلا تعد تلف
 و ضایع اولسه ضمان لازم کلز

(باب سادس)

(خيارات بيانده اولوب يدي فصلي حاويدر)

(فصل اول)

(خيار شرط بيانده در)

۳۰۰ ماده

بايع يا مشترى و يا خود ايکيسي بردن مدت معلومه
ايجنده بيعي فسخ ايتمک يا خود اجازت ايله انفاذ ايتمک
خصوصنده مخير اولوق اوزره بيعده شرط قيقق جائز در

۳۰۱ ماده

خيار شرط ايله مخير اولان ظرف مدت خيارنده يعني مخير
اولديغي مدت ظرفنده دليلرسه بيعي فسخ ايدر و دليلرسه
مخير اولور

۳۰۲ ماده

کرك فسخ و کرك اجازت قوللا اولديغي کبي فعلا دخی
اولور

۳۰۳ ماده

اجازت قوليه اجازت ويردم ياراضی اولدم کبي رضايه
و فسخ قولی فسخ ايتدم يا واز کچدم کبي عدم رضايه
دلالت ایدن سوزلر در

۳۰۴ ماده

اجازت فعلیه رضایه و فسخ فعلی عدم رضیه دلالت
ایدن فعلدر

۰. مثلا مشتری مخیر اولدیغی حالدده مدت خیارینده مبیعی
صاتلغه چیقارمق یاخود رهن و یا ایجار ایتمک کبی
تملکک لوازمندن اولان بروجهله تصرف ایتمی اجازت
فعلیه و بایع مخیر اولدیغی حالدده اولوجهله تصرف
ایتمی فسخ فعلیدر

۳۰۵ ماده

مخیر اولان کیمسه بیعی فسخ و یاخود انفاذ ایتدین مدت
خیار مرور ایدر ایسه بیع تمام او اور

۳۰۶ ماده

خیار شرط وارثه انتقال ایتمز

بو صورتده مخیر اولان کیمسه بایع ایسه وفاتبله مشتری
مبیعه مالک اولور ۰ و اگر مخیر مشتری ایسه وفاتنده
وارثی مخیر اولقسنزین مبیعه مالک اولور

۳۰۷ ماده

بایع و مشتری ایکیسی بردن مخیر اولدقلری تقدیرده هر
قنغیسی فسخ ایدر ایسه بیع منفسخ اولور ۰ و هر قنغیسی اجازت
ویرزسه یا لکزانک خیاری زائل اولوب دیگرکی مخیر قالور

۳۰۸ ماده

بالکز بايع مخير اولديغى صورتده مبيع كندى ملكندن
چيقيوب بته كندوسنك مالى عد اولنور . و مبيع
بعد القبض مشتري يدنده تلف اولسه ثمن مسمى لازم
كليوب مشتريك يوم قبضنده كي قيمتى ويرمى لازم كلور

۳۰۹ ماده

بالکز مشتري مخير اولديغى صورتده مبيع بايعك ملكندن
چيقيوب مشتريك مالى عد اولنور . و مبيع بعد القبض
مشتري يدنده تلف اولسه ثمن مسماك اعطاسى لازم كلور

(فصل ثانی)

(خيار و صف بيانده در)

۳۱۰ ماده

بايعك بروصف مر خوب ايله متصف اولوق اوزره ساتمش
اولديغى مال اول و صفدن عارى چيقسه مشتري مخير در .
ديلرسه بيعى فسخ ايدر و ديلرسه مجموع ثمن مسما ايله
بيعي قبول ايدر بوكا خيار و صف ديرلر
مثلا صاغيلور ديو ساتمش اولان براينك سوتدن كسالمش
اولديغى ظاهر اولسه مشتري مخير اولور
و كذا كچه وقتى قرمزى ياقوتدر ديو ساتيلان طاش صارى
ياقوت چيقسه مشتري مخير در

۳۱۱ ماده

خیار و صف و ارثه انتقال ایدر

یعنی خیار و صف ایله مخیر اولان مشتری وفات ایدیجک
 مبیعتک اول و صفدن عاری اولدیغی ظاهر اولدوقده وارثک
 دخی بیعی فسخ ایتکه صلاحیتی واردر

۳۱۲ ماده

خیار و صف ایله مخیر اولان مشتری مبیعه تملیکک لوازمندن
 اولان بروجله تصرف ایدر سه خیار ابطال ایتمش اولور

(فصل ثالث)

(خیار نقد حقه در)

۳۱۳ ماده

بایع و مشتری فلان وقته قدر تأدییه ثمن اولنمق و اولنه مزسه
 بیلنرنده بیع اولمق اوزره بازارلق ایتسه لر صحیح اولور
 بوکا خیار نقد دینلور

۳۱۴ ماده

مدت معینه ده مشتری ثمنی تأدییه ایده مز ایتسه خیار نقد
 ایله عقد اولنان بیع فاسد اولور

۳۱۵ ماده

خیار نقد ایله مخیر اولان مشتری مدت معینه ایتچنده
 وفات ایدر ایتسه بیع باطل اولور

(فصل رابع)

(خیار تعیین بیانده در)

۳۱۶ ماده

قیمتدن ایکی یاخود اوچ شیئک بشقه بشقه بهالری بیان
اولندهرق بونلردن مشتری دیلدیکنی المق یاخود بابع
دیلدیکنی ویرمک اوزره صاتمق صحیح اولور
بوکا خیار تعیین دینلور

۳۱۷ ماده

خیار تعیینده تعیین مدت لازمدر

۳۱۸ ماده

خیار تعیین ایله مخیر اولان کیسه مدت سعینه مرورنده
الدیغی شیئی تعیینده مجبور اولور

۳۱۹ ماده

خیار تعیین وارثه انتقال ایدر

مثلا اعلی و اوسط و ادنی اولمق اوزره بر جنسدن اوچ
طوپ قاشک اوچ یا درت کون ظرفنده مشتری قنغیسنی
اختیار ایدر ایسه المق اوزره بابع لاعلی تعیین برینی
صاتسه و مشتری دخی بو منوال اوزره قبول ایتمسه
بع منعقد اولور و مدت معینه مرورنده مشتری برینی

تعیین ایله ثمن مسماستی ویرمکه مجبور در . وقبل التعمین
وفات ایتسه وارثی دخی اولوجهله برینی تعیند مجبور
اولور .

(فصل خامس)

(خیاری رؤیت حقنده در)

ماده ۳۲۰

برکیمسه برمالی کورمدین اشترای ایتسه کورنجه یه دک مخیردر
کورددکه دیلرسه فسح ایدر و دیلرسه قبول ایدر
بوکا خیاری رؤیت دینلور

ماده ۳۲۱

خیاری رؤیت وارثه انتقال ایتمز

بناء علی ذلک مشتری المش اولدیغی مالی کورمدین وفات
ایتسه وارثی مخیر اولمقسزین اول ماله مالک اولور

ماده ۳۲۲

مالی کورمدین صاتان بایع ایچون خیاری رؤیت یوقدر
مثلا برکیمسه کندویه ارثا انتقال ایدن مالی کورمدین
صاتسه بیع بلاخیاری منعقد اولور

ماده ۳۲۳

خیاری رؤیت بخشنده رؤیت مبیعک اصل مقصدی
یلدیرن حال و محلنده واقف اولمقدن کنایه در

مثلا مشتری ایچی طیشی بردوزی به اولان سساده بز
 وقاشك طیشنی وچپچکلی وچبوقلی قاشك چپچکرینی
 وچبوقلرینی کوروب ودول ایچون النان قیونک ممهستی
 واتی ایچون النان قیونک ارقهستی یوقلایوب و ما کولات
 و مشروبانک چاشنیسینی طاتوبده بعده اشترا ایلسه خیار
 رؤیت یوقدر

۳۲۴ ماده

نمونه کوسه تیله رک صایلان شیلرک نمونهستی کورمک
 کفایت ایدر

۳۲۵ ماده

مبع نمونه دن دون جیقار ایسه مشتری مخیر اولوب
 دیلرسه قبول ایدر و دیلرسه رد ایدر

مثلا بغدادی ویاغ و بردوزی به یاپیش اولان بز وچوقه
 و امثالی معمولاتک نمونه سنه باقیله رق اشترا اولنوبده بعده
 نمونه دن اشاغی ظهور ایسه مشتری مخیر اولور

۳۲۶ ماده

خان و خانه کبی عقارانک اشتراسنده هر او طهستی کورمک
 لازمدر . فقط او طه لری یک نسق اولنلرک بر او طهستی
 کورمک کافیدر

۳۲۷ ماده

متفاوت شیلرک طوپدن اشتراسنده هر برینی بشقه بشقه
کورمک لازمدر

۳۲۸ ماده

مشتری متفاوت شیلرک بعضیسنی کوروبده بعضیسنی
کورمدین طوپدن اولهرق اشترا ایتسه و کورمدیکنی
کور دکه بکنمسه مخیر اولوب دیلرسه هپسنی بردن
قبول ایدر و دیلرسه هپسنی بردن رد ایدر . یوقسه
بکندیکنی الویده بکنمیکنی رد ایده مز

۳۲۹ ماده

اعمانک بیع و شرایی صحیح اولوب فقط و صفنی بیلدیکی
برمال اشترا ایتدکه مخیر اولور

مثلا و صفنی بیلدیکی برخانه اشترا ایلسه مخیر اولوب
و صفنی او کوندکه دیلرسه قبول ایدر و دیلرسه رد ایدر

۳۳۰ ماده

مبیع قبل الشرا اعمایه وصف و تعریف اولنوبده اشترا
ایلسه مخیر اوله ماز

۳۳۱ ماده

اعمانک یوقلامق ایله معلوم اولان شیلرده ایله طوتوب
یوقلامسیله و قوقلیه جق شیلرده قوقلامسیله و طاتیله جق
شیلرده طاتسیله مخیرلکی ساقط اولور

يعني بومثللو شيلرى يوقلايوب ووقلايويده بعده اشترى
ايلسه بيعى صحيح و لازم اولور .

۳۳۲ ماده

بركيسه شرا قصديله يعنى اليجى كوزيله كورمش
اولديغى مالى بىر مدت صكره اول مال اولديغى بيله رك
اشترى ايتسه خيار رۇيتى يوقدر . فقط اول مالده برتغير
حاصل اولمش ايسه اولوقت مخير اولور

۳۳۳ ماده

مبيعك اشتراسنه ياخود قبضنه وكيل اولان كيمسهنك
رۇيتى اصييك رۇيتى كيدر

۳۳۴ ماده

رسولك يعنى مجرد مبيعى الوب ككوندرمكه مأمورا
كوندر يلان آدمك رۇيتى مشتريك خيار رۇيتى
اسقاط اينلز

۳۳۵ ماده

مشتريك مبيعه تملكك لوازمندن اولان بروجمله
تصرف ايتتى خيار رۇيتى اسقاط ايدر

(فصل سادس)

(خيار عيب بيانده در)

ماده ۳۳۶

بيع مطلق مبيعك عيبدن سالم اولسنى اقتضا ايدر
يعنى عيو بدن برائتى شرط ايمكسزىن و صماغلام
و چوروك و قصورلى و قصورسز ديمكسزىن مال صاتمق
مالك صاغلم و عيبسز اولسنى ايجاب ايدر

ماده ۳۳۷

بيع مطلق ايله صاتيلان بر مالك عيب قديمى تين ايتدكده
مشتري مخيردر ديلرسه رد ايدر و ديلرسه ثمن مسما ايله
قبول ايلر . يوقسه مالى اليقويوبده عيبى ايجون بهاسنى
تقيص ايدهمز . ايشته بوكا خيار عيب ديلور

ماده ۳۳۸

عيب ديو اهل و اربابى بيننده مالك بهاسنه ايراث نقصان
ايدن قصوره ديرلر

ماده ۳۳۹

عيب قديم بايع ينده ايكن مبيعه موجود اولان قصوردر
ماده ۳۴۰

بعدا لبيع قبل القبض بايع ينده ايكن مبيعه حادث اولان
عيب موجب رد اولان عيب قديم حكمنده در

۳۴۱ ماده

بایع حین بعهده مبیعک بر عیننی بیان ایدرک مشتری اول
عیب ایله قبول ایتدکده اول عیب سببیه مخیر اوله ماز

۳۴۲ ماده

بایع بر مالی هر عیب دعواسندن ذمتی بری اولوق شرطیه
صائدقده مشتری ایچسون خیار عیب یوقدر

۳۴۳ ماده

مشتری بر مالی هر عیبیه مقبولدر دیو اشترا ایلسه ارتق
انده عیب دعواسنه صلاحیتی یوقدر

مثلا مشتری بر حیوانی کور طوپال چوروک چاریق
هرنه ایسه مقبولدر دیو صاتون ایسه ارتق عیب
قدیمی وار ایمش دیو زد ایده من

۳۴۴ ماده

مشتری مبیعک عیننه مطلع اولدقدن صکره انده تملکک
لوازمندن اولان بوجه ایله تصرف ایسه خیار عیبی
اسقاط ایتمش اولور

مثلا مشتری مبیعی عیب قدیمنه بعد الاطلاع بعه عرض
ایسه یعنی صاتیلقه چیقارسه عیب رضادیمک اوله رق
ارتق رد ایده من

۳۴۵ ماده

مبيعك مشترى عندنده بر عيبي حادث اولدقدن صكره
 عيب قديمى ميدانه چيقسه مشترينك بايعه رد اتمكه
 صلاحيتى اوليوب فقط نقصان ثمن ادعاسنه صلاحيتى
 واردر

مثلا مشترى صتون الديغى بر طوپ قاشى كسوب
 بچيدكدنصكره چوروك يا خود ياتقين اولوق مثللو بر عيب
 قديمه مطلع اولسه چونكى كسوب بچمسييله بر ايكي
 قصور دها پيدا اولديغندن رد ايده ميوب فقط عيب
 قديمندن طولايى نقصان ثمن الور

۳۴۶ ماده

نقصان ثمن بيغرض اهل وقوفك اخبارى ايله معلوم
 اولور

شويله كه مبيعك بر كره سالما و بر كره معيبا قيمتى تقويم
 و تقدير اولنوب بو ايكي قيمت بيننده كى تفاوت سالما
 اولان قيمتك قاچده برى ايسه ثمن مسمالك اول نسبتله
 نقصانى نقصان ثمن اعتبار اولنور

مثلا مشترى التمش غروشه الديغى بر طوپ قاشى كسوب
 بچيدكدنصكره عيب قديمه مطلع اولدقده اهل وقوف
 اول قاشك سالما قيمتى التمش و عيب قديمى ايله قيمتى

قرق بش غروش اولدیغنی اخبار ایتسه لر نقصان ثمن
اونش غروش اولغله مشتری نك انی طلب و دعوا ایتسه که
صلاحیتی وار در

و اکر اول مالک سالما قیمتی سکسان و معیبا قیمتی التمش
غروش اولدیغنی اخبار ایتسه لر اشبو ایکی قیمت بیننده کی
تفاوت که یکر می غروشدر سکسان غروشک ربعی اولغله
ثمن مسمانک ربعی اولان یکر می غروشی مشتری نك طلب
و دعوا یه صلاحیتی اولور

و اکر اول قاشک سالما قیمتی الی و معیبا قیمتی قرق
غروش اولدیغنی اخبار ایتسه لر ایکی قیمت بیننده تفاوت
اولان اون غروش الی غروشک خسی اولغله ثمن
مسمانک خسی اولان اون غروش نقصان ثمن اعتبار
اولور

۳۶۷ ماده

عیب حادث زائل اولسه عیب قدیم ینه ردی موجب
اولور

مثلا بر حیوان اشتر اولنوبده مشتری عندنده خسته
اولدقدن صکره عیب قدیمی میدانه چیقسه آنی بایعه رد
ایده میوب نقصان ثمن آکور فقط اول خسته بق زائل اولسه
مشتری عیب قدیمی ایله اول حیوانی بایعه رد ایدر

۳۴۸ ماده

بایع اگر مشتری عندننده بر عیب حادث اولدقدن صکره
عیب قدیمی میدانه چیتان مبیعی اول عیب حادث ایله
کیرو المغه راضی اولور ایسه مانع رد بولندیغی
تقدیرده مشتریك نقصان ثمن اداسنه صلاحیتی قالمیوب
یامبیعی بایعه رد یا خود تمام بهاسیله قبول ایتمکه مجبور اولور
حتی مشتری اول مالی عیب قدیمه مطلع اولدقدن صکره
آخره صاتسه ارتق نقصان ثمن اداسنه صلاحیتی قالماز
مثلا مشتری بر طوپ بز الوب کوملک کسدکدن صکره
چوروك ایدوکند مطلع اولدیغی حالده صاتسه بایعدن
نقصان ثمن ادعا ایده مز

زیرا بایع بن انی عیب حادث ایله یعنی کسملش اولدیغی
حالده الوردم دیه بیله جکندن مشتری انی صاتمسیله
حبس و امساله ایتمش اولور

۳۴۹ ماده

زیاده یعنی مبیعه مشتریك مالندن بر شیتك ضم و علاوه سی
مانع رد اولور

مثلا بزى دیکمک یا خود بویاتمق ایله مشتریك ایپلیکی
یا خود بویاسی بزه ضم اولنمق و کذا عرصه به مشتری
طرفندن اجاج دیکمک رده مانعدر

۳۵۰ ماده

مانع رد بولندیغی حالده بایع راضی اولسه دخی معیب اولان مبیعی کیر و الله میوب نقصان ثمن ویرمکه مجبور اولور

حتی مشتری اول مالی عیب قدیمنه مطلع اولدقدن صکره صاتسه بیله بایعدن نقصان ثمن الله بیلور

مثلا مشتری صاتون الدیغی برطوپ بزرن کوملک بیچدیروب دیکدیردکن صکره بزک چوروک اولدیغنه مطلع اولدقدن بایع راضی اولسه دخی استر زاد ایده میوب نقصان ثمن ویرمکه مجبور اولور و مشتری اول کوملکی صاتسه بیله بزک نقصان ثمننی بایعدن الور

زیرا بو صورتده مشتری نک مالی اولان ایپلکک بیعه علاوه والتحاقی مانع رد اولغله بایع بن انی بویله کسلس و دیکلمش اولدیغی حالده الوردم دیمکه صلاحیتی اولیه جغندن مشتری انی بیع ایله حبس و امساک ایتمش اولماز

۳۵۱ ماده

صفتیه واحده ایله اشترا اولنان شیرک بعضیسی معیب چیقدقدن قبل القبض ایسه مشتری مجموعنی رد ایدر یا خود ثمن مسما ایله قبول ایلیر یوقسه معیبی رد ایدوبده دیکری ایقویمغه صلاحیتی یوقدر . واکر بعد القبض

ایسه تفریقنده ضرر اولدیغی حالده یالکز معیب اولان
 ثمن مسما دن سالما حصه سیله رد ایدر و بایعک رضاسی
 اولدقچه ایکیسنی بردن رد ایده من . اما تفریقنده ضرر
 اولدیغی حالده مجموعنی بردن رد ایدر یا خود مجموعنی
 ثمن مسما ایله قبول ایلر

مثلا قرق غروشه النان ایکی فسدن بریسی قبل القبض
 قصورلی چیتسه ایکیسنی بردن رد ایده یلور . و اگر بعد
 انقبض بریسی قصورلی چیتسه یالکز انی سالما قیمتی قاچ
 غروش ایسه قرق غروشدن تنزیل ایله رد ایدر . فقط
 بر جفت ایاق قابی النوبده بعد انقبض برتکی قصورلی
 چیتسه ایکیسنی بردن رد ایله تماما آقچه سنی استرداد
 ایده یلور

۳۵۲ ماده

مکیلات و موزوناتن اوله رق بر شخص بر چنسدن اولق
 اوزره اشترا و قبض ایتش اولدیغی مقدار معینک بعضیسنی
 چوروك بولسه مخیر در دیلر سه جله سنی قبول ایدر
 و دیلر سه جله سنی رد ایدر

۳۵۳ ماده

بغدای و امشالی حبویات طیر اقلی چیتدیغی تقدیرده عاده
 قلیل عد اولنور سه بیع صحیح و لازم اولور و اگر

بین الناس عیب عد اولنور درجدهه ایسه مشتری
مخیر اولور

ماده ۳۵۴

یمورطه وجوز مقولهسی شیلرک بعضیسی فنا وچوروك
چیقهسه یوزده اوچ کبی عرفا وعاده استکشار اولنیه جق
درجهسی معفو اولور . واکر قصورلی چیقان یوزده
اون کبی چوق اولورسه معفو اولیوب مشتری جمله
میعی بایعه رد ایله تماما ثمنی کیرو الور

ماده ۳۵۵

میعی اکر اصلا منتفع به اولیه جق حالدده ظهور ایدر ایسه
بیع باطل اولوب مشتری تماما ثمنی استرداد ایلر
مثلا اشتر اولنان یمورطه اصلا ایشه یرامن صورته
بوزوق چیقهسه مشتری تماما آچقه سنی کیرو الور

(فصل سابع)

(غبن و تغیر بیاننده در)

ماده ۳۵۶

بیعه بلا تغیر غبن فاحش بولنسه مغبون اولان کیسه
بیعی فسخ ایده من
قط مال یتیمی بلا تغیر اولنسه دخی غبن فاحش ایله

بیع صحیح اولماز مال وقف و بیت المال دخی مال یتیم
حکمنده در

ماده ۳۵۷

متبایعاندن بری دیکرینی تغیر ایدوبده بیعه غبن فاحش
اولدیغنی تحقق ایتدکده مغبون اولان کیمسه بیعی فسخ
ایده بیلور

ماده ۳۵۸

غبن فاحش ایله مغبون اولان کیمسه نک و فائنده تغیر
دعوایی وارثه انتقال ایتمز

ماده ۳۵۹

تغیر اولنان مشتری بیعه غبن فاحش اولدیغنه مطلع
اولدقدن صکره مبیعه تملکک لوازمندن اولان بروجه
ایله تصرف ایدر ایسه ارتق حق فسخنی قالماز

ماده ۳۶۰

تغیر و غبن فاحش ایله اشترا اولنان مبیع تلف یا مستهلک
اولسه و یا خود اول مبیعه معیب اولدق و عرصه
اولوبده اوزرینه بنا یا بلیق کبی بر کیفیت حدوث ایتسه
مغبون اولان کیمسه نک بیعی فسخنه صلاحیتی قالماز

(باب سابع)

(بیعک انواع و احکامی بیاننده اولوب الی فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(بیعک انواعی بیاننده در)

۳۶۱ ماده

بیعک انعقادنده رکنی اهلندن یعنی ماقبل و میزدن صدور
ایتمک و حکمی قابل اولان محله مضایف اولوق شرطدر

۳۶۲ ماده

رکننده خلل اولان بیع مثلا مجنونک بیعی باطلدر

۳۶۳ ماده

بیعک حکمی قابل اولان محلی موجود و مقدور التسلیم
و مال متقوم اولان مباعدر

بناء علی ذلك معدومک و مقدور التسلیم و مال متقوم اولمیان

شیئک بیعی باطلدر

۳۶۴ ماده

انعقاد بیعک شرطی بولنوبده بعض او صاف خارجیه سی
اعتباریه مشروع اولمازسه مثلا بیع مجهول یا خود

تمنده خلل واقع اولور ایسه بیع فاسد اولور

۳۶۵ ماده

بيعك نافذ اولمسی ایچون بايع مبيعه مالك يا خود مال
صاحبك و كيلي يا وليسى يا وصيسى اولمق و غيرك حقي
اولماق شرطدر

۳۶۶ ماده

بيع فاسد عند القبض نافذ اولور
يعنى مشتريك مبيعه تصرفي جائز اولور

۳۶۷ ماده

خيار اتدن بريسي بولنور ايسه بيع لازم اولماز

۳۶۸ ماده

بيع فضولى و بيع مرهون كبي غيرك حقي تعلق ايدن بيع
اول غيرك اذنه موقوفا منعقد اولور

(فصل ثانى)

(انواع بيعك احكامى بيانده در)

۳۶۹ ماده

بيع منعقدك حكيمى ملكيتدر

يعنى مشتريك مبيعه و بايعك ثمنه مالك اولمسيدر

۳۷۰ ماده

بيع باطل اصلا حكيمى افاده ايتمز

بناء عليه بيع باطله مشتری بایعك اذنیله مبیعی قبض
ایتدکده مبيع مشتری عندنده امانت قبیلندن اوله رق
بلا تعد تلف اولسه مشتری یه ضمان لازم کلز
۳۷۱ ماده

بيع فاسد عند القبض حکمی افاده ایدر
یعنی مشتری بایعك اذنیله مبیعی قبض ایتدکده اکا مالک
اولور
بناء عليه بيع فاسد ایله اشترا اولنان مبيع مشتری عندنده
تلف اولسه ضمان لازم کلور . شوبله که مثلیاتدن ایسه
مثلی و قیامتدن ایسه یوم قبضنده کی قیمتینی مشتری نیک بایعه
ویرسی لازم اولور
۳۷۲ ماده

بيع فاسده عاقبتیندن هر برینک بیعی فسخ ایتدکه حق
وارد
فقط مبيع اگر مشتری یدنده تلف اولور ایسه یا خود
مشتری انی استهلاک و یا دیگره بیع صحیح ایله بیع یا به
کبی بر صورتله نندن چیقارر ایسه و یا خود مبيع خانه
اولوبده تعمیر اولنمی و یا عرضده اولوبده اجاج دیکلمک
کبی بر صورتله مشتری طرفندن مبیعه برشی علاوه
و یا خود بغدادی اولوبده طحی ایله اون ایدلمک کبی

مبیعك اسمی دكیشه جك صورتله تغییر ایدیلور ایسه حق
فسخ قالمز

۳۷۳ ماده

بیع فاسد فسخ اولندوقده اکر قبض ثمن اولنمش ایسه
بایع ثمنی رد ایدنجه یه دك مشتری نك مبیعی حبس ایتك

حق واردر

۳۷۴ ماده

بیع نافذ فی الحال حکمی افاده ایدر

۳۷۵ ماده

بیع نافذ لازمه متبایعاندن هیچ بریسی دونه من

۳۷۶ ماده

بیع غیر لازمه مخیر اولان کیمسه بیعی فسخ ایده یلور

۳۷۷ ماده

بیع موقوف عندالاجازه حکمی افاده ایدر

۳۷۸ ماده

بیع فضرلیده مالی صاحبی ویاوکیلی یاخود وایمی

یاخود وصیسی اجازت ویررایسه نافذ وویرمز ایسه

منفسخ اولور . فقط اجازتده بایع و مشتری و مجیر

ومبع قائم اولوق شرطدر بونلردن بریسی هلاک اولسه

اجازت جائز اولماز

۳۷۹ ماده

بيع مقايضه بدلينك ايکيسنده مبيع حکمده اولديغندن
 بونلرده مبيعك شرائطي معتبردره فقط تسليمجه منازعه
 وقوعنده متبايعان ايکيسي بردن تسليم وتسلم ايدرلر

(فصل ثالث،)

(سلم حقنده در)

۳۸۰ ماده

بيع کبي سلم دخي ايجاب وقبول ايله منعقد اولور
 مثلا مشتری بايعه يوز کيله بغدادی ایچون بيك غروش سلم
 ويردم ديوب اول دخي قبول ايتدکده (سلم) منعقد اولور

۳۸۱ ماده

سلم انجق مقداريني وصفتنی مثلا اعلالغنی یا ادنالغنی
 تعیین اینک قابل اولان شیلرده صحیح اولور

۳۸۲ ماده

مکيلات وموزونات ومذروعاتک مقداری کيل ووزن
 وذراع ايله تعیین اولنور

۳۸۳ ماده

اعدديات متقاربانک تعیین مقداری صایي ايله اولديغنی کبی
 کيل ووزن ايله دخي اولور

۳۸۴ ماده

طوغله و کرپج کبی عددیاتک قالببری معین و معلوم اولمق
لازمدر

۳۸۵ ماده

بز و چوقه امثالی ذرا هیاتک طول و عرضی و رقتی و نه دن
معمول و زره نک ایشی تعیین اولمق لازمدر

۳۸۶ ماده

سملک صحتمنده و مبیعک جنسی مثلا بغدادی و پرنج و خورما
دیو و نوعی مثلا یغمور ایله یاسقی ایله حاصل اولان دیو
و صفقی مثلا اعلا یا خود ادنا دیو تعیین و کرک مبیعک
و کرک ثمنک مقداری و مبیعک زمان و مکان تسلیمی بیان
اولمق شرطدر

۳۸۷ ماده

صحت سملک بقاسنده ثمنک مجلس عقدده تسلیمی شرطدر
و عاقدین قبل التسلیم افتراق ایدر لر ایسه عقد سلم منفسخ
اولور

(فصل رابع)

(استصناع بیاننده در)

۳۸۸ ماده

بر کیمسه اهل صنایعدن برینه بکا شو قدر غروشه شویله

یرشی یاب دیوب اودخی قبول ایتسه استصناعا بیع منعقد
اولور

مثلا مشتری پاپوشجی به ایاغنی کوستره رك فلان نوع
سختیاندن شو قدر غروشه بکا بر چفت پاپوش یاب دیوب
اودخی قبول ایتسه یاخود مرانقوز ایله طول و عرضنی
و اوصاف لازمه سنی بیان ایدرك بر قایق یاخود کمی
یا بمق اوزره بازارلق ایتسه استصناع منعقد اولور
کذلک طول و حجمی و سائر اوصاف لازمه سی بیان
اولنهرق هر بری شو قدر غروشه اولق اوزره بر
فایقه جی ایله شو قدر ایکنه لی تفنک یا بمق اوزره بازارلق
اولنسه استصناع منعقد اولور

۳۸۹ ماده

استصناعی متعامل اولان شیرده علی الاطلاق استصناع
صحیحدر . اما تعامل جاری اولمیان شیرده مدت بیان
اولنور ایسه سلم اولوب انده شرائط سلم معتبردر . و
اگر مدت بیان اولنمازسه ینه استصناع قبیلندن
اولور

۳۹۰ ماده

استصناعده مصنوعک مطلوبه موافق اوله جق و جهاه
توصیف و تعریفی لازمدر

۳۹۱ ماده

استصناعده پشین آنچه ویرمک لازم دکلدن

۳۹۲ ماده

استصناع منعقد اولدقدن صکره طرفین بازارلقدن
دونه مز • فقط مصنوع اکر تعریفه موافق اولمزسه
مستصنع بخیردر

(فصل خامس)

(بیع مریضک احکامی بیانده در)

۳۹۳ ماده

بر مریض مرض موتنده ایکن ورثه سندن بریسنه برشی
صاتسه دیکر وارثلرک اجازتنه موقوف اولوب مریضک
وفاتندن صکره اجازت ویردرلر ایسه نافذ اولور ویرمزلر
ایسه نافذ اولماز

۳۹۴ ماده

مرض موتنده ایکن مریض حین وفاتنده کندویه وارث
اولیان برینه ثمن مثلیله برشی صاتسه صحیح و معتبر
اولور • و اکر محایات یعنی ثمن مثلندن نقصان ایله بیع
و تسلیم ایتدکدن صکره فوت اولسه ثلث مالی محایاته
مساعدا اولدیغی تقدیرده بیع ینه صحیح و معتبر اولور

و ثلث مالی محایاته مساعد اولدیغی صورتده مقدار نقصانی
مشتری اکیله مجبور اولور . و اکیال ایتز ایسه ورثه
بیعی فسخ ایده بیلور

مثلا بیک بش یوز غروش قیمتلو بر خانه دن بشقه نسنه یه
مالک اولمیان مرض موتدن اول خانه منی وارثی اولمیان
بر کیسه یه بیک غروشه بیع تسلیم ایتدکن صکره فوت
اولسه محایات ایتش اولدیغی بشیوز غروش ثلث ماله
مساعد اولغله بیع صحیح و معتبر اولوب ورثه بو بیعی
فسخ ایده مز . و اکر مریض اول خانه نی بشیوز
غروشه بیع و تسلیم ایتش اولسه محایات ایتش اولدیغی
بیک غروش ثلث مالک ایکی قاتی اولغله ورثه مشتری یه
ثمنی مبیعک ثلثان قیمتنه ابلاغ ایت دیو تکلیف ایتدکننده
مشتری ناقص اولان بشیوز غروشی ویرر ایسه ورثه
بیعی فسخ ایده مز و اکر ویرمز ایسه بیعی فسخ ایله
خانه نی استرداد ایده بیلور

ماده ۳۹۵

ترکسی مستغرق دیون اولان کیسه مرض موتده مالی
ثمن مثلندن نقصان ایله صاتوبده فوت اولدیغی صورتده
داینلری مبیعک ثمن مثلنی مشتری یه اکیال ایتدیرر و
اکیال ایتزسه بیعی فسخ ایده بیلور

(فصل سادس)

(بیع الوفا حقهنده در)

ماده ۳۹۶

بیع وفاده با بیع ثمنی رد ایله مبیعی استرداد ایده بیلدیگی کبی
مشتري دخی مبیعی رد ایله ثمنی استرداد ایده بیلور

ماده ۳۹۷

بیع وفا ایله صاتیلان مبیعی کرک با یع و کرک مشتری
آخره صاته من

ماده ۳۹۸

مبیعک منافعهندن بر مقداری مشتری یه عائد اولمق اوزره
شرط قلنسه اول شرطه رعایت اولنور
مثلا وفاء صاتیلان باغک اوزومی با یع ایله مشتری بیننده
مناصفة تقسیم اولمق اوزره بالتراضی مقاوله ایتسه لر
اول مقاوله موجبجه عمل اولمق لازم کلور

ماده ۳۹۹

وفاء صاتیلان مالک قیمتی دینه مساوی اولدیغی حاده
مشتري یندنه تلف اولسه مقابلی اولان دین ساقط اولور

ماده ۴۰۰

وفاء صاتیلان مالک قیمتی دیندن ناقص اولدیغی حاده
مشتري یندنه تلف اولسه قیمتی مقدار دیندن ساقط اولور

و اوست طرفنی دخی مشتری بایعدن اخذ و استرداد
ایله

۴۰۱ ماده

وفاء صاتیلان مالک قیمتی دیندن زیاده اولدیغی حالده
مشتری یدنده تلف اولسه قیمتندن دین مقابلی اولان
مقداری ساقط اولور و تعدی و قوعبولش ایسه زیاده‌یی
دخی مشتری ضامن اولور و اگر بلا تعد تلف اولمش
اولسه اول زیاده‌یی مشتری‌نک اوده‌سی لازم کلر

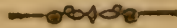
۴۰۲ ماده

بیع وفاده متبایعاندن بریسی فوت اولدقده حق فسخ
وارثه انتقال ایله

۴۰۳ ماده

مشتری اله جعنی استیفا ایتدیکجه وفاء اشترایتمش اولدیغی
ماله بایعک دیگر غریملری مداخله ایده‌مز

اراده سنینه تاریخخی فی ۸ محرم سنه ۲۸۶





— ❖ ❖ ❖ — كتاب الاجارات — ❖ ❖ ❖ —

✽ صورت خط همایون ✽

موجبجه عمل اولنه

— ✽ کتاب ثانی ✽ —

(اجارات حقننده اولوب بر مقدمه ایله سکز بابی شاملدر)

(مقدمه)

(اجاره یه متعلق اولان اصطلاحات بیاننده در)

۴۰۴ ماده

اجرت • کرا یعنی بدل منفعت و ایجار کرایه و یرمک
و استیجار کرا ایله طوتمق دیمکدر

۴۰۵ ماده

اجاره • لغت عربده اجرت معناسنه در فقط ایجار
معناسنده دخی استعمال اولنمشدر اصطلاح فقهداده
منفعت معلومه یی عوض معلوم مقابله سندن بیع ایتمک
دیمکدر

۴۰۶ ماده

اجاره لازمه • خیاری شرط و خیاری عیب و خیاری رؤیتدن

عاری اولان اجاره صحیحه در که طرفیندن برسی بلاعذر
 بونی فسخ ایدمهز
 ماده ۴۰۷

اجاره منجزه . وقت عقددن اعتبارا ایجاردر
 ماده ۴۰۸

اجاره مضافه . کله جک بر وقت معیندن اعتبارا
 ایجاردر

مثلا کله جک فلان آیک ابتدا معیندن اعتبارا بر خانه بوقدر
 مدت ایچون شو قدر غروشه ایجار اولنسه اجاره مضافه
 اوله رق منعقد اولور
 ماده ۴۰۹

آجر . اجاره یه ویرن کیسه در ضم میم ایله مکاری
 و کسر جیم ایله موجر دخی دینلور
 ماده ۴۱۰

مستأجر . کسر جیم ایله استیجار ایدن کیسه در
 ماده ۴۱۱

مأجور . کرایه ویریلان شیدر جیمیرک فتحیله موجر
 و مستأجر دخی دینلور
 ماده ۴۱۲

مستأجر فیه . اجیرک عقد اجاره ایله التزام ایلدیکی

عملی ایضا ایچون مستأجر طرفندن کند و سنه تسلیم
اولنان مالدر

البسه دیکمک اوزره درزی یه ویریلان قاش و نقل ایچون
حاله ویریلان حوله کبی

۴۱۳ ماده

اجیر • نفسنی کرایه ویرن کیسه در

۴۱۴ ماده

اجر مثل • بیغرض اهل و قوفک تقدیر ایتدکری اجر تدر

۴۱۵ ماده

اجر مسمی • حین عقدده ذکر و تعیین اولنان اجر تدر

۴۱۶ ماده

ضمان • برشیئک مثلیاتدن ایسه مثلنی و قیامتدن ایسه

قیمتینی ویرمکدر

۴۱۷ ماده

معد للاستغلال • کرایه ویرملک اوزره اعداد و تعیین

اولنمش شیدر که فی الاصل کرایه ویرملک اوزره یا بیلش

یا آلمش خان و خانه و حمام و دکان کبی عقارات ایله کرا

عربه سی و کرا بار کیری مثل و شیلر در

و برشیئک علی التوالی اویج سنه ایچا راولنمی معد

لاستغلال اولن یغند دلیلدر

و بر کیمسه تقسیم چون یا پدر مش اولدیغی بر شـ یئک معد
 للاستغلال اولدیغنی ناسه اخبار و اعلام ایله معد للاستغلال

اولور

۴۱۸ ماده

مسترضع • اجرت ایله سوت اناطوتان کیمسه در

۴۱۹ ماده

مه‌ایاه • تقسیم منافعدن عبارتدر

مثلا بر خانه ده مشترک اولان ایکی کیمسه بر سنه بری و دیگر
 سنه دیگری مناوبه انتفاع ایتک اوزره قرار و بر ملک کبی

(باب اول)

(ضوابط عمومیہ بیاننده در)

۴۲۰ ماده

اجاره ده معقود علیه منفعتدر

۴۲۱ ماده

معقود علیه اعتباریله اجاره ایکی نوعدر

نوع اول منافع اعیان اوزرینه وارد اولان عقد اجاره
 اولوب ایجار اولنان شیئه عین مأجور و عین مستأجر دخی

دینلور و اشبو نوع اول اوج قسمه تقسیم اولنور

قسم اول اجاره عقاردر • خانه و اراضی ایجاری کبی

قسم ثانی اجاره عروضدر . البسه و او انی اجاری کبی

قسم ثالث اجاره حیواندر

نوع ثانی عمل اوزرینه وارد اولان عقد اجاره اولوب
بوندن . آجوره اجیر دینلور اجرتله عمله و خدمه طوتمق
کبی

حرف و صنایع اصحابنی استیجار ایتک دخی بوقبیلندرکه
مثلا قاش درزیدن اولوق اوزره البسه کسدرمک
استصناع اولدیغی کبی درزی یه قاش و یرویده البسه
دیگدرمک دخی عمل اوزرینه اجاره دیمکدر

۴۲۲ ماده

اجیر ایکی قسمدر

قسم اول اجیر خاصدرکه یالکز مستأجره ایشمک اوزره

طوتیلان اجیردر . آیلقلی خدمتکار کبی

قسم ثانی اجیر مشترک . که مستأجردن بشقه سنه ایشلامک

شرطیله مقید اولمیان اجیردر

مثلا حال و دلال و درزی و ساعتچی و قویوچی و اسکله

قایقچیسی و کرا عربه چیسی و قریه چوبانی هب اجیر

مشترکدرکه بر شخصه مخصوص اولیوب هر کس ایچون

ایشلیه بیلورلر فقط بونلردن بری فلان وقت قدر یالکز

مستأجره ایشمک اوزره استیجار اولندوقده اول مدت

ظرفنده اجیر خاص اولور کذک بر جمال یا خود
 صربه حی یا قایقچی فلان محله قدر بشقه سنه ایشلیوب
 مستأجره مخصوص اولوق اوزره استیجار اولندقده
 اورایه وارنجیه قدر اجیر خاص اولور

۴۲۳ ماده

اجیر خاصک مستأجری بر شخص اولدیغی کبی شخص
 واحد حکمنده اولان متعدد شخصلر دخی اوله بیلور
 بناء علیه برقریه اهالیسی کندولرینه مخصوص اولوق
 اوزره عقد واحد ایله برچوبان استیجار ایتدکرنده اول
 چوبان اجیر خاص اولور اما کندولرندن بشقه سنک
 حیوانی دخی رعی ایلمنی تجویز ایتدکاری صورتده
 اول چوبان اجیر مشترک اولور .

۴۲۴ ماده

اجیر مشترک اجرتیه استحقاقی عمل ایله در

۴۲۵ ماده

اجیر خاصک اجرتیه استحقاقی مدت اجازده عمل ایچون
 حاضر بولنمسیله در یوقسه بالفعل ایلمسی شرط دکدر
 فقط عملدن امتناع ایدهمز وایدرسه اجرتیه مستحق

اولماز

۴۲۶ ماده

عقد اجاره ایله منفعت معینهیه مستحق اولان کیمسه عینا
اول منفعتی یامشلی یاخود مادوننی استیفا ایده بیلور .
اما مافوقنه تجاوز ایده من

مثلا تیمورجیلک ایشلمک اوزره استیجار اولنان دکانده
مستأجر مضرتده تیمورجیلکه مساوی یاخود اندن
اهون برصنعتی اجرا ایده بیلور و برکیمسه ساکن اولمق
اوزره استیجار ایلدیکی خانهده ساکن اولمیوبده اشیا
وضع ایده جک اولسه جائز اولور . اما عطارلق
ایتمک اوزره استیجار ایلدیکی دکانده تیمورجیلک ایشلییه من
۴۲۷ ماده

هرشی که مستعملینک اختلافیه مختلف اوله انده تقید
معتبردر

مثلا برکیمسه نك ركوبی ایچون استکرا اولنان آله
بشقه سی اركاب اولنه من

۴۲۸ ماده

هرشی که مستعملینک اختلافیه مختلف اولیه انده تقید
لغودر

مثلا برکیمسه نك سکناسی ایچون استیجار اولنان خانهده
بشقه سی اسکان اولنه بیلور

۴۲۹ ماده

كرك قابل تقسيم اولسون و كرك اولسون بر كيمسه
 حصه شايه سنی شريكنه ايجار ايدہ بيلور ايسه ده
 آخره ايجار ايدہ مز . فقط بعد المہایاہ نوبتی ايجار
 ايدہ بيلور

۴۳۰ ماده

شيوخ طاری عقد اجاره بی افساد ایتز
 مثلا بر كيمسه خانه سنی ايجار ایتد كدن صكره نصف
 حصه سی بر مستحق طرف نیدن ضبط اولنسه . باقی حصه
 شايه حقنده اجاره باقی قالور

۴۳۱ ماده

ایکی شريك بر لکنده اوله رقی مال . شترتی شخص آخره
 ايجار ايدہ بيلور لر

۴۳۲ ماده

بر شینی ایکی کشی به ايجار ایتك جائدر . وهر بری
 اجرتدن کندو حصه سنه عائد اولان مقداری و پروب
 یکدیگره کفیل اولدقجه برینك حصه سی دیگردن
 الله ماز

(باب ثانی)

(عقد اجاره یه متعلق مسائل بیاننده اولوب درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(رکن اجاره یه دائر اولان مسائل بیاننده در)

۴۳۳ ماده

بیع کبی اجاره دخی ایجاب و قبول ایله منعقد اولور

۴۳۴ ماده

اجاره ده ایجاب و قبول ایجار ایتدم و کرایه ویردم
و استیجار ایتدم و قبول ایتدم کبی عقد اجاره ایچون

مستعمل اولان سوزلردر

۴۳۵ ماده

اجاره دخی بیع کبی ماضی صیغه سیله منعقد اولوب مستقبل
صیغه سیله منعقد اولمازمثلا بری ایجار ایده حکم دیوب دیکری استیجار ایتدم
یا خود بری ایجار ایت دیوب دیکری ایجار ایتدم دیسه

ایکی صورتده دخی اجاره منعقد اولماز

۴۳۶ ماده

اجاره مشافهه ایله اولدیغی کبی مکاتبه ایله و دلسزک

اشارت معروفه سیله دخی منعقد اولور

۴۳۷ ماده

تعاطی طریقہ دخی اجارہ منعقد اولور
تہ کم شفاہا بازارلق اولنقسنین یولجی واپورینہ واسکلہ
قایقنہ وکرا بارکیرینہ بنک کبی کہ اجرت معلوم ایسہ اولقدر
ودکل ایسہ اجرت مثل اعطاسی لازم کاور

۴۳۸ ماده

اجارہ دہ سکوت رضا وقبول عبد اولنور
مثلا بر آدم شہریہ الی غروش کرا ایلہ بردکان استیجار
ایدوبدہ برقاچ ای ساکن اولدقدنصکرہ آی باشندہ آجر
اکر التمش غروشہ راضی اولور ایسہ ک اتور اولماز
ایسہ ک دکانی براق دیدکدہ مستأجراتی رد ایلہ التمش
غروشہ راضی اولم دیدکدنصکرہ دکاندہ مستمرا اتورسہ
کما فی السابق الی غروش کرا لازم اولور . واکر برشی
دیمیوب ودکاندن چیقیمیوبدہ مستمرا اتورمش ایسہ شہریہ
التمش غروش ویرمی لازم کاور

کذلک دکان صاحبی یوز غروشہ ومستأجر سکسان
غروشہ دیسہ وصاحبی مستأجری براغوب اولدخی دکاندہ
ساکن اولسہ سکسان غروش اجرت لازم اولور .
واکر طرفین سوزلرنده اصرار ایلدکاری حالده مستأجر
ساکن اولور ایسہ اجر مثل لازم کاور

۴۳۹ ماده

بعد العقد بدلك تبديل وياتزید وياتنزيلي ايله تکرار بازارلق
اولندقدده عقد ثاني معتبر در

۴۴۰ ماده

اجاره مضافه صحیح ووقتی حلولندن اول لازم اولور
بناء عليه احد عاقدین مجرد وقتی کلمدی دیواجاره بی فسخ
ایده من

۴۴۱ ماده

اجاره صحیح اوله رق منعقد اولدقدنصکره بشقه سی اجرتیه
نقدر ضم ایسه آجر مجرد بونک ایچون اجاره بی فسخ
ایده من

فقط وصی یا متولی یتیم یا وقفک عقالینی آجر مثلندن
نقصان ايله ایجار ایسه اجاره فاسد اولوب آجر مثلك
اکالی لازم کلور

۴۴۲ ماده

مستأجر ارث یا هبه کبی بر وجهله عین مأجوره مالک
اولیحق اجاره نک حکمی قالماز

۴۴۳ ماده

موجب عقدله اجراسنه مانع اولور بر عذر ظهور
ایتدکده اجاره منفسخ اولور

مثلا دو کون ایچون بر اشجی استیجار اولندقدده اح
 زوجین فوت اولسه اجاره منفسخ اولور
 و کذا دیشی اغریان کیمسه دیشنی چیقارمق اوزره شوقدر
 غروشه بردیشجی ایله مقاوله ایتشیکن اغری زائل
 اولیورسه اجاره منفسخ اولور
 کذاک مسترضعک وقاتیله اجاره منفسخ اولیبوب اما
 چوجعک یاخود سود انانک وقاتیله منفسخ اولور

(فصل ثانی)

(اجاره نك شرائط انعقاد و نفاذی حقنهدر)

۴۴۴ ماده

اجاره نك انعقادنده عاقدینك اهلیتی یعنی عاقل ممیز اولمیری
 شرطدر

۴۴۵ ماده

بیوعده اولدیغی کبی اجاره نك انعقادنده دخی ایجابك
 قبوله موافقتی و مجلس عقدك اتحادی شرطدر

۴۴۶ ماده

آجر ایجار ایده چکی شیئك متصرفی یاخود متصرفنك
 وکیللی یا ولیسی یا وصیسی اولمق لازمدر

۴۴۷ ماده

فضولینك ایجاری متصرفك اجازتنه و متصرفی صغیر

و یا مجنون ایسه اجر مثلیله ایجار اولندیغی صورتده
 و لیسنگ و یا و صیسنگ اجازته موقوفا منعقد اولور
 فقط اجازتک صحتده دت شیئک یعنی عاقدین و مالک
 و معقود علیهک و بدل اجاره عروضدن اولدیغی
 تقدیرده انک دخی قیام و بقاسی شرط اولوب بونلردن
 بریسی معدوم اولسه اجازت صحیح اولماز

(فصل ثالث)

(صحت اجاره نک شرائطی حقتده در)

۴۴۸ ماده

اجاره نک صحتده عاقدینک رضاسی شرطدر

۴۴۹ ماده

مأجورک تعیینی لازمدر

بناء علیه ایکی دکاندن بری تعیین و تحمیر ایدلمکسزین

ایجار اولنسه صحیح اولماز

۴۵۰ ماده

اجرت معلوم اولوق شرطدر

۴۵۱ ماده

اجارهده منفعت مانع منازعه اوله جق وجهه معلوم

اولوق شرطدر

۴۵۲ ماده

خانه و دکان و سوت انا امثالنده مدت اجاره نك بيانيله
منفعت معلوم اولور

۴۵۳ ماده

حيوان استيجار اولندوقده يوك يوكلمك ايچونميدر يوخسه
ركوب ايچونميدر و كيم بنه جكدور بوراسنك تعينني ياخود
ديلديكني اركاب اتمك اوزره تعميمي ايله برابر اجاره نك
مدتي ياخود مسافه سي دخي بيان اولنمق لازمدر

۴۵۴ ماده

اراضي استيجارنده تعين مدته برابر نه ايش ايچون
اولديغي بيان اولنمق وزراعت ايچون ايسه نه اكيه جكي
تعين و ياخود مستاجر هر نه ديلرسه اكمك اوزره ديو
تمميم قلمق دخي لازمدر

۴۵۵ ماده

اهل صنعتك استيجارنده منفعتك معلوميتي عملك بيانيله
يعني نه يابه جفني و نصل يابه جفني تعين ايله اولور
مثلا اثواب بو ياديله جق اولدوقده اثوابك بو ياجيه
ارائه سي ياخود غلظت و رقنك بيلديرلسي ورنك نك
بياني لازمدر

۴۵۶ ماده

اشیا نقلنده اشارتله و نقل اولنده جق محلك تعینیه منفعت

معلوم اولور

مثلا شویوکی فلان محله نقل ایده جکسک دینلده یوک

مشاهده و مسافه معلوم اولدیغی جهتله منفعت دخی

معلوم اولور

۴۵۷ ماده

منفعت مقدور الاستیفا اولوق شرطدر

بناء علیه برفراری حیوانک ایجاری صحیح اولماز

(فصل رابع)

(اجاره‌نک بطلان و فسادى حقدده در)

۴۵۸ ماده

انعتاد اجاره‌نک شرائطندن بری بولنمسه اجاره باطل

اولور

مثلا مجنونک وصی غیر ممیزک ایجار و استیجاری باطلدر .

فقط بعد الانعتاد آجر یا مستأجرک تجن ایتسیله اجاره

منفسخ اولماز

۴۵۹ ماده

اجاره باطلده استعمال ایله اجرت لازم اولماز

فقط مال وقف و یا مال یتیم ایسه استعمال ایله اجر مثل

لازم اولور

مجنون دخی یتیم حکمنده در

۴۶۰ ماده

انعقاد اجاره نك شرطی بولنوبده شرائط صحتدن بریسی

بولنسه اجاره فاسد اولور

۴۶۱ ماده

اجاره فاسده نافذدر . فقط اجاره فاسدهده آجر اولان

کیمسه اجر مثله مالک اولوب اجر مسمایه مالک اونماز

۴۶۲ ماده

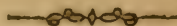
اجاره نك فسادی بعضا بدلك مجهول اولسندن و بعضا

دیگر شرائط صحتك بولنماسندن نشأت ایدر

اولکی صورتهه بالغه مابلغ اجر مثل لازم کلور .

ایکنجی صورتهه اجر مسمایه تجاوز ایتماک شرطیه

اجر مثل لازم کلور



(باب ثالث)

(اجرتہ متعلق مسائل بیانندہ اولوب اویج فصلی حاوید)

(فصل اول)

(بدل اجاره حقندہ در)

۴۶۳ ماده

بیعدہ ثمن اولغہ صالح اولان شیء اجارہ دہ بدل اولغہ
صالح اولدیغی کبی ثمن اولغہ صالح اولمیان شیلر دخی
بدل اجاره اوله یلور

مثلا بر حیوان مقابلندہ یا خود بر خانه نک سکیناسی
مقابلندہ بر بستان استیچار اولنه یلور

۴۶۴ ماده

بدل اجاره نقد ایسه ثمن مبیع کبی مقدارینی تعیین ایله
معلوم اولور

۴۶۵ ماده

بدل اجاره عروضدن یا خود مکیلات یا موزونات یا خود
عددیات متقار به دن اولدیغی حالده مقدار یله برابر
وصفنی دخی بیان ایتک لازم کلور

و نقل جل و مؤنته محتاج اولان شیلر ده هر نرده تسلیمی
شرط قلنور ایسه اوراده ایفا اولنق لازم کلور . و مکان

ایفا بیان اولدیغی تقدیرده مأجور اکر عقار ایسه اول
 عقارک اولدیغی محلهده و اکر عمل ایسه اجیرک عملی ایفا
 ایتدیگی یرده و اکر حوله ایسه اجرتک لازم اولدیغی
 مکانده ایفاسی لازم کلور
 اما حمل و مؤنتی اولیان شیرده دیلدیکی یرده اولور

(فصل ثانی)

(اجرتک سبب لزومنه و آجرتک کیفیت استحقاقنه)
 (دائر اولان مسائل بیانده در)

۴۶۶ ماده

عقد مطلق ایله اجرت لازم اولماز
 یعنی مجرد اجاره منعقد اولدیغی کبی همان بدل اجاره تک
 تسلیمی لازم کلز

۴۶۷ ماده

تعجیل ایله اجرت لازم اولور
 یعنی مستأجر بر وجه پیشین اجرتی تسلیم ایتمسه آجر
 ا کمالک اولوب بعده مستأجر انی استرداد ایده من

۴۶۸ ماده

شرط تعجیل ایله اجرت لازم اولور
 یعنی بدل اجاره تک بر وجه پیشین و برلسی شرط قلندوقده

عقد اجاره كرك منافع اعيان اوزرينه وارد اولسون و
 كرك عمل اوزرينه وارد اولسون هر حالده مستأجر ك
 اول اسرده بدل اجاره يي تسليم ايتمي لازم كلور
 و اولكي صورتده آجر اجرتي استيفا ايدنجيه دك مأجوري
 تسليمدن و ايكنجي صورتده اجير اجرتي استيفا ايدنجيه دك
 عملدن امتناع اينده بيلور

وايكی صورتده دخی آجر ك بر وجه پشین اجرتي مطالبه
 ايله مستأجر ايفادن امتناع ايدر ايسه فسخ اجاره يه
 حقي وار در

۴۶۹ ماده

استيفای منفعت ايله اجرت لازم اولور
 مثلا بر محله كتمك اوزره استيجار اولنان بار كيره ركوب
 ايله اورايه وارلدقده آجری اجرتيه مستحق اولور

۴۷۰ ماده

اجاره صحیحده استيفای منفعتيه اقتدار ايله دخی اجرت
 لازم اولور

مثلا بر كيمسه اجاره صحیحه ايله استيجار ايلديكي خانه يي
 قبض ايتدكدن صكره ساكن اولسه بيله اجرت ويرمسی
 لازم كلور

۴۷۱ ماده

اجاره فاسده استيفای منفعتہ اقتدار کافی اولیوب
حقیقۃ انتفاع بولند قبحه اجرت لازم اولماز

۴۷۲ ماده

من غیر عقد و بلا اذن بر کیمسه برینک مالی استعمال ایتدیکی
صورته معد للاستقلال ایسه اجر مثل لازم اولور
دکل ایسه لازم اولماز

فقط مال صاحبی اجرت مطالبه ایتدکن صکره استعمال
ایدر ایسه معد للاستقلال اولسه دخی اجرت اعطاسی
لازم کلور

زیرا بو حالده استعمال ایتسیله اجرتہ لازم اولمش
اولور

۴۷۳ ماده

اجرتک تعجیل و تأجیلی حقننده عاقین هر نه شرط
ایدر لر ایسه اکارایت اولنور

۴۷۴ ماده

تأجیل بدل شرط اولندیغی صورته ابتدا آجرتک
مأجوری تسلیم و اجیرک عملی ایفا ایلمسی لازم کلوب
اجرتک ایفاسی الحقیق مقاوله اولنسان وقت تأدیہ نک
انقضاسنده لازم اولور

۴۷۵ ماده

تعجیل و تأجیل شرطی اولمقسزین عقد اولسان اجاره
مطلقهده عقد اجاره كرك منافع اعیان اوزرینه اولسون
و كرك عمل اوزرینه اولسون هر حالده ابتدا آجرك
ماجوری تسلیم واجیرك عملی ایفا ایلمسی لازم كلور

۴۷۶ ماده

اجرت اكر شهریه یا خود سنویه كبی بروقت معین ایله
موقوف ایسه لزوم ایفاسی اول وقتك انقضاسندهدر
مثلا شهریه ایسه آيك تمامنده و سنویه ایسه سنه ختامنده
ایفا اولنق لازم كلور

۴۷۷ ماده

اجرتك لزومنده ماجورك تسلیمی شرطدر
یعنی كرا وقت تسلیمدن اعتبارا ایشر

بوصورته آجر قبل التسلیم مرور ایدن مدتك اجرتنی
اله من . و اكر قبل التسلیم مدت اجاره منقضی اولور
ایسه اجرتدن بر شیئه مستحق اولماز

۴۷۸ ماده

ماجور ایله انتفاع بالسكیه فوت اولدقده اجرت ساقط
اولور

مثلا جام تعمیره محتاج اولوبده تعمیری اثناسنده بر مدت

معطل قالسه اول مدتك اجرتدن حصه سی ساقط اولور .
 كذلك دكر منك صوبى كسيلوبده معطل قالسه صوبك
 انقطاعى وقتندن اعتبارا اجرت ساقط اولور . فقط
 مستأجر اون او كوتتمكدن غيرى بر صورته اول
 دكر منك اونندن انتفاع ايتدكده بدل اجاره دن اكا اصابت
 ايدن حصه يى ويرمى لازم كلور

۴۷۹ ماده

بر كيسه بردكان استيجار و قبض ايتشيكن بر مدت اخذ
 واعطايه كساد عارض اولغله صنعت ايشلمدى ودكان
 قبالو قالدی دیو اول مدتك كراسنى اعطادن امتناع
 ایده من

۴۸۰ ماده

مدت اوزرينه بر قايق استيجار اولنوبده اثنای راهده
 مدت منقضى اولسه ساخنه ياشنجيدهك اجاره ممتد اولور .
 و مستأجر فضله اولان مدتك اجر مثلنى ويرر

۴۸۱ ماده

بر كيسه خانه سنى ديكر كسنه يه مرمت ايتك و بلا اجرت
 ساكن اولوق اوزره ويرسه و اودخى كندو طرفندن
 مرمت ايدرك بر مدت ساكن اولسه عاريت قبيلندن
 اولغله مصارف تعميره اول كسنه يه عائد اولور .

و صاحب خانه دخی اندن اول مدت ایچون اجرت نامنه
برشی الهماز

(فصل ثالث)

(اجرت ایچون اجیرک مستأجر فیهی حبس)

(ایدوب ایده مامسی حقننده در)

۴۸۲ ماده

درزی و بویاچی و جامه شوی کبی عملنده اثر اولان اجیرک
ویره سی یه مقاوله اولنماش ایسه اجرت ایچون یدنده
مستأجر فیهی حبس ایتمکه صلاحیتی واردر . و بو
وجهله حبس ایدوبده یدنده اول مال تلف اولسه
ضامن اولماز فقط اجرت دخی الهماز

۴۸۳ ماده

جال و ملاح کبی عملندن اثر اولیان اجیرک اجرت ایچون
مستأجر فیهی حبس ایتمکه صلاحیتی یوقدر
بو حالده حبس ایدوبده یدنده اول مال تلف اولسه
ضامن اولور و مال صاحی بونده مخیر اولوب دیلرسه
محمول اولهرق قیمتنی تضمین ایتردر و اجرتنی ویررودیلرسه
غیر محمول اولهرق تضمین ایدیروب اجرت ویرمز

(باب رابع)

(مدت اجاره یه متعلق مسائل بیانده در)

۴۸۴ ماده

بر کیمسه کرک یوم کبی قصیر اولسون و کرک سنین کبی
طویل اولسون معلوم اولان مدت اوزرینه مال
و ملکینی آخره ایجار ایده بیلور

۴۸۵ ماده

مدت اجارنک ابتداسی حین عقدده تسمیه یعنی ذکر
و تعیین اولنان و قعدن اعتبار اولنور

۴۸۶ ماده

حین عقددن ابتدای مدت تسمیه اولنمزایسه وقت عقددن
اعتبار اولنور

۴۸۷ ماده

بر سنه لک اولق اوزره هر آیلغی شو قدر غروشه اوله رق
بر عقارک ایجاری جاړ اولدیغی کبی شهر به سی بیان
اولنمقسزین بر سنه لک اولق اوزره شو قدر غروشه
ایجاری دخی صحیح اولور

۴۸۸ ماده

ایک ابتداسنده ایکن اجاره کرک بر آیلق اولسون و کرک
زیاده اولسون شهریه اوله رق مقاوله اولنور ایسه

آیلق اولق اوزره منعقد اولور بوصوتده آی اوتوز
کوندن ناقص اولسه دخی تمام آیلق اعطاسی لازم کلور

۴۸۹ ماده

آیک برازی کچمشیکن بر آیلق اولق اوزره مقاوله
اولندیغی صورتده بر آی اوتوز کون اولق اوزره

اعتبار اولنور

۴۹۰ ماده

آیک برازی کچمشیکن شو قدر آیلق اولهرق مقاوله
اولنور ایسه اولکی ناقص آی اک صکره کی آیدن اوتوز

کون اولق اوزره اتمام اولنوب اجرتی یومیه حسابیله
ایضا اولنور واره یرده کی آیلر غره ایله حساب و اعتبار قیلنور

۴۹۱ ماده

آیک برازی کچمشیکن قاج آیلق اولدیغی بیسان
اولتمسزین هر آیلیغی شو قدر غروشه اولق اوزره مقاوله

اولندیغی صورتده ابتدا کی ناقص آی اوتوز کون اعتبار
اولنق لازم کله جکی کبی دیگر آیلر دخی اولوجهله

اونوزر کون اولق اوزره اعتبار اولنور

۴۹۲ ماده

آیک ابتدا سنده ایکن بر سنده لک اولهرق عقد اجاره

اولندقد سنده اون ایکی آی اولق اوزره اعتبار اولنور

۴۹۳ ماده

آيك بر ازی پكمشيكن اجاره بر سنه لك اوله رق عقد
اولندقدده بر آي ايامی اوله رق اعتبار اولنوب ديكر اون
بری غره اعتباريله حساب اولنور

۴۹۴ ماده

قاج آيلق اولديغی ذكر اولتمسزین هر آیلغی شو قدر
غروشه اولق اوزره بر عقار ایجار اولنسه عقد صحیح
اولور

فقط برنجی آی تمام اولدقدده ایکنجی و دها صکره کی
آیلرک برنجی کیچه سیله برنجی کوننده آجر و مستأجر دن
هر بری اجاره بی فسخ ایده بیلور . اما اولکی کیچه سیله
کونی پكد کدنصکره فسخ ایده مز

و اگر احد عاقدین بویله اثنای شهرده فسخ ایتدم دیسه
اول آيك نهایتنده منفسخ اولور

و اگر اثنای شهرده شهر آتی ابتدا سنندن اعتباراً فسخ
ایتدم دیسه شهر آتی حلولنده منفسخ اولور

و اگر ایکی یا زیاده آیلق پشین ویرلش ایسه هیچ بریسی
اول آیلرک اجاره سنی فسخ ایده مز

۴۹۵ ماده

برکیسه برکون ایشلک اوزره بر اجیر طوتدیغی صورتده

طلوع شمسیدن عصره قدر یاخود غروب شمسه قدر
ایشلمك خصوصنده عرف بلده نه ایسه اكا كوره عمل
اولنور

۴۹۶ ماده

بری مثلا اون کون ایشلمك اوزره بر دولکر استیجار
ایتسه عقد ولی ایدن کونلر اعتبار اولنور
و اکر یازین اون کون ایشلمك اوزره دیو استیجار ایتسه
قنغی آیک قاچنجی کونندن اعتباراً ایشلمیه جگنی بیان
ایتمدکجه صحیح اولماز

(باب خامس)

(خیارات حقنده اولوب اویج فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(خیاری شرط بیاننده در)

۴۹۷ ماده

بیعده اولدیغی کبی اجاره ده دخی خیاری شرط جاری
اوله رق احد طرفین یاخود ایکیمی بردن شو قدر کون
مخیر اولوق اوزره ایجار واستیجار جائز اولور

۴۹۸ ماده

مخیر اولان کیمسه مدت خیارینده دیلر سه اجاره بی فسخ
ایدرو دیلر سه مخیر اولور

۴۹۹ ماده

کرك فسخ كرك اجازت (۳۰۲) و (۳۰۳) و (۳۰۴)
ماده لرده بیان اولندیغی اوزره قول اولدیغی کبی فعلا
دخی اولور

بناء علیه آجر مخیر اولدیغی صورتده مأجورده تملک
لوازمندن اولان بروجمله تصرف ایتسی فسخ فعلیدر
و مستأجر مخیر اولدیغی صورتده مأجورده مستأجرینک
تصرفی کبی تصرف ایتسی اجازت فعلیه در

۵۰۰ ماده

مخیر اولان کیمسه اجاره بی فسخ یا خود انفاذ ایتدن مدت
خیار مرور ایدر سه خیاری ساقط اوله رق اجاره لازم اولور

۵۰۱ ماده

مدت خیار وقت عقددن اعتبار اولنور

۵۰۲ ماده

مدت اجاره نك ایتداسی خیاری ساقطی وقتندن معتبردر

۵۰۳ ماده

شوقدر ذراع یادونم اولوق اوزره استیجار اولنان یر زیاده

یا خود ناقص چقیسه اجاره صحیح اولور . و اجر مسمی
لازم کلور

فقط نقصان صورتندہ مستاجر مخیر اولوب دیلرسہ
اجاره بی قسخ ایدہ بیلور
۵۰۴ ماده

هر دونمی شو قدر غروشه اولوق اوزره بریر استیجار اولنسه
اجرتی دونم حسابیلہ ویرماک لازم کلور
۵۰۵ ماده

برایش فلان وقتہ قدر ایفا اولنقی اوزره اجرتی تعیین
اولنهرق عقد اجاره جائز و شرط معتبر اولور
مثلا بر کیمسه کسوبده کوملاک دیکمک و بوکون یتشدرمک
اوزره درزی یه بز ویرسه یا خود شو قدر کونده مکہ یه
یتشدرمک اوزره بر آدمدن دوه استکرا ایتسه اجاره
جائز اولور . و اجر شرطی ایفا ایدر ایسه اجر مسمی
الور و ایفا ایتز ایسه اجر مسہابی تجاوز ایتماک اوزره
اجر مثل الور

۵۰۶ ماده

عملده و عاملده و حل و مسافده و مکانده و زمانده ایکی
یا اوچ صورت اوزرینه اجرتک تردیدی صحیح اولور .

وهر قنغی صورت فعله چیقار ایسه اکا کوره اجرت
اعطاسی لازم کلور

مثلا کنه اردی دیکمک اوزره شو قدر و او بولغامه
دیکمک اوزره بو قدر غروشه بازارلق اولندقده قنغی
صورتده دیکیلور ایسه اکا کوره مقاوله اولنان اجرتک
اعطاسی لازم کلور

یا خود بردکانده عطارلق ایتک اوزره شو قدر و تیمور جیلک
ایشلک اوزره بو قدر غروشه مقاوله اولندقده مستأجر قنغی
عملی اجرا ایدر ایسه اکا کوره اجرت معینه سنی اعطا
ایدر

کذا بردابه به بغدادی یو کلمتک اوزره شو قدر و تیمور یو کلمتک
اوزره بو قدر غروشه استکرا اولندقده قنغی سنی یو کلدر
ایسه اکا کوره معین اولان اجرتی ویرر

یا خود مکاری شو حیوانی چورلی یه دک یوز و ادر نه یه دک
ایکی یوز و فلبه یه دک او چوز غروشه ایجار ایتدم دیدکده
مستأجر زه یه کیدر ایسه اوراسنک اجرتنی اعطا ایلر
و کذلک آجر شو خانه بی یوز و بو خانه بی ایک یوز غروشه
ایجار ایتدم دیوب مستأجر دخی قبول ایتدکنصکره هر
قنغیسنده ساکن اولور ایسه انک ایچون معین اولان اجرتی
ویرمی لازم کلور

کذاک برکیمسه برجه بی درزی یه بوکون دیکرسه الی
ویارین دیکرسه اوتوز غروش ویرمک اوزره بازارلق
ایتسه جائز و شرطلر معتبر اولور

(فصل ثانی)

(خیار رؤیت حتمده در)

۵۰۷ ماده

مستأجر ایچون خیار رؤیت واردر

۵۰۸ ماده

مأجورک رؤیتی منافعک رؤیتی کبیدر

۵۰۹ ماده

مستأجر کورمدن بر عهقاری استیجار ایتسه کوردکده

مخیر اولور

۵۱۰ ماده

برکیمسه مقدا کورمش اولدیغی برخانه بی استیجار ایتسه

انک ایچون خیار رؤیت یوقدر . مکرکه سکنایه مضر

اوله جق بر محلی منهدم اوله رق هیئت اولاسی تغیر ایتش

ایسه اولخالده مخیر اولور

۵۱۱ ماده

هر عمل که محلاک اختلافیه ذاتا مختلف اوله انده اجیرک

خیار رؤیتی واردر

مثلا برجه دیکمک اوزره درزی ایله بازارلق اولندیغی
صورتده درزی دیکه جکی چوقه یاشالی بی کوردکه
مخیر اولور

۵۱۲ ماده

هر عمل که محکمک اختلافیه مختلف اولیه انده خیار
رویت یوقدر

مثلا شو قدر قیه پموغک چکردکنی ایقلاق اوزره شو قدر
غروشه مقاوله اولندقدده اجیر پموغی کور مسه کندوسی
ایچون خیار رویت یوقدر

(فصل ثالث)

(خیار عیب حقننده در)

۵۱۳ ماده

بعده اولدیغی کبی اجاره ده دخی خیار عیب وارد

۵۱۴ ماده

اجاره ده خیاری موجب اولان عیب منافع مقصوده نك
بالکلیه فوت یا خود مختل اولسنه سبب اولان شیدر
مثلا خانه بتون بتون منهدم اولیق و دکرمنک صوی
کسلیک ایله منفعت مقصوده فوت اولدیغندن و خانه نك
چاتیسی چوکک یا خود ساکنایه مضر بر محل منهدم

اولمق وکرا بار کیرینک صرتی یاره لئمق منافع مقصوده بی
 اخلال ایلدیکندن بونلر اجاره ده خیاری موجب اولان
 عیوبنددر . اما خانه نك ایچروسنه یغمور و صغوق
 کیرمه جک صورتده صواسی دوکک و بار کیرک یله سی
 یاخود قویروغی کسملک کبی منافی اخلال ایتمیان قصورلر
 اجاره ده خیاری موجب اولماز

۵۱۵ ماده

منفعتک استیفاسندن مقدم مأجورده بر عیب حادث
 اولسه وقت عقدده موجود کبی در

۵۱۶ ماده

• مأجورده بر عیب حادث اولنقده مستأجر مخیر در
 دیلرسه عیبیه برابر استیفای منفعت ایلر بوصورتده
 اجرتی تماما ویرر و دیلرسه اجاره بی فسخ ایلر

۵۱۷ ماده

مستأجرک اجاره بی فسخندن مقدم آجر اکر عیب حادثی
 ازاله ایدر ایسه مستأجرک حق فسخی قلماز .
 و مستأجر بقیه مدته متصرف اولمق استدکده آجر دخی
 اکا مانع اوله ماز

۵۱۸ ماده

منافی اخلال ایدن عیب حادثک رفعندن مقدم مستأجر

اجاره بی فسخ ایدہ جک اولور ایسہ آجرک حضورندہ
 فسخ ایدہ بیلور • یوخسہ غیابندہ فسخ ایدہ من
 واکر آجرک غیابندہ یعنی اکا خبر ویر مکسزین فسخ
 ایدر ایسہ فسخی معتبر اولیوب کاکان ماجورک کراسی
 ایشلر

اما منافع مقصوده بالسکلیه فوت اولدیغی صورتده آجرک
 غیابندہ دخی فسخ ایدہ بیلور
 وکرک فسخ ایتسون وکرک فسخ ایتسون درتیوز یتمش
 سکرزنجی ماده ده بیان اولندیغی اوزره اجرت لازم
 اولماز

مثلا خانه ماجورک منافعی اخلال ایدر بر محلی منهدم
 اولسه مستأجر فسخ اجاره ایدہ بیلور • فقط آجرک
 حضورندہ فسخ ایتسی لازم کلور یوخسہ اکا خبر
 ویر مکسزین خانه دن چیقویورسه چیقمامش کبی اجرت
 ویرمی لازم کلور

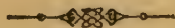
اما خانه بتون بتون منهدم اولدیغی صورتده آجرک
 حضورینه محتاج اولقسزین مستأجر فسخ اجاره
 ایدہ بیلور • وهر حالده اجرت لازم کلز
 ماده ۵۱۹

خاندهک بر او طه سی یا خود بر دیواری منهدم اولوبده

مستأجر فسخ اجاره اتمیه رك باقیسنده ساكن اولسه
 اجرتدن برشی ساقط اولماز
 ماده ۵۲۰

برکیمسه ایکی خانه بی بردن شو قدر غروشه استیجار
 ایدوبده بریسی منهدم اولسه ایکیسنی بردن ترك
 ایدوپیلور
 ماده ۵۲۱

شو قدر اوطله لی اولق اوزره استیجار اولنان خانه نك
 اوطله لی ناقص چیقسه مستأجر مخیردر دیلرسه فسخ
 اجاره ایدر و دیلرسه اجر مسمی ایله اجاره بی قبول ایلر
 اما اجاره بی ایفا ایدوبده اجرتدن بر مقدارینی تنقیص
 ایدر



(باب سادس)

(مأجورك انواع و احكامى بيانده اولوب درت)

(فصلى حاويدر)

(فصل اول)

(اجاره عقاره متعلق مسائل بيانده در)

ماده ۵۲۲

کیمک سکناسی ایچون اولدیغی بیان ایلدییه رک بر خانه
یا دکان استیجار اولنمه جائز اولور

ماده ۵۲۳

بر کیمسه خانه سنی یا دکانی ایچنده امتعه واشیاسی اولدیغی
حالده ایجار ایتسه اجاره صحیح اولوب آجر امتعه
واشیاسنی تخلیه ایله خانه بی تسلیمه مجبور اولور

ماده ۵۲۴

بر کیمسه نه اکه جکی تعین یا خود هر نه دیلر سه امک
اوزره دیو تعیم ایتیه رک بر ارضی استیجار ایتسه اجاره
فاسد اولور . فقط قبل الفسخ تعین ایدوبده آجر دخی
راضی اولور ایسه صحته منقلب اولور

ماده ۵۲۵

بر کیمسه دیلدیکنی امک اوزره استیجار ایلدیکی ارضده

صیفیه و شتایه اوله رق برسنه ایچنده مکررا زراعت

ایده بیلور

ماده ۵۲۶

زرعك ادر اكنندن مقدم مدت اجاره منقضى اولسه

زرعك ادر اكنهك مسـتأجر اجر مثلنی ویرهك ارض

اوزرنده اكنینی بقا ایده بیلور

ماده ۵۲۷

نه ایچون اولدیغنی بیان ایلمیهرك دكان و خانه استیجاری

صحیح اولوب کیفیت استعمالی عرف و عادهته مصروف اولور

ماده ۵۲۸

بر کیمسه نه ایچون اولدیغینی بیان ایتمیهرك استیجار ایلمدیکی

خانه ده کندوسی ساکن اوله بیلدیکی کبی بشقه سنی دخی

اسکان ایده بیلور • و ایچنه اشیا سنی وضع ایده بیلور •

و بنایه و هن و ضرر کتور میه جک هر نوع ایش ایتمایه

بیلور • اما بنایه و هن و ضرر کتور میه جک ایشی صاحبناک

رضاسی اولدیقه یاه ماز

حیوان باغله قی خصوصنده عرف و عادت بلده معتبر

و مرعیدر • دكانك حکمی دخی بو وجهله در

ماده ۵۲۹

منفعت مقصوده بی اخلال ایدن شیرلی یا قی آجره عائددر

مثلاً ذکر منک خر قنی آیقلامق صاحبک اوزرینسه در .
 كذلك خانه نک و صوبولارینک و کونشکالینک تعمیر و اصلاحی
 و سکنایه مخلی اولان شبلرک انشاسی و بنایه متعلق مسأله
 ایشلر هب صاحبی اوزرینسه لازمدر . و اگر صاحبی
 بونلری یا بقصدن امتناع ایدر ایسه مستأجر اول خانه دن
 چقیقه بیلور . مگر که استیجار ایتدیکی وقت اول خانه
 بو حال اوزره اولوبده آنی کورمش ایسه عیبه راضی
 اولمش دیمک اولسه یله صکره دن بونی بهانه ایدرک اول
 خانه دن چقیقه ماز . و اگر مستأجر بوشیلری کندی
 طرفندن یا پار ایسه تبرع قبیلندن اولوب مصرفنی آجردن
 طلب ایدهمز

۵۳۰ ماده

آجرك اذنیله مستأجرک اجرا ایتدیکی تعمیرات اکر
 طامک کر میدینی اقطاع مق کبی مأجورک اصلاحنه
 و خلال تطرقندن سیانته عائد ایسه مصرفنی آجردن المنق
 شرطی ذکر اولتماش ایسه یله مستأجر بوتعمیر انک
 مصرفنی آجردن الور . و اکر خانه نک فروونی تعمیر
 ایتک کبی مجرد مستأجرک منافعنه عائد ایسه اولیه بر شرط
 ذکر اولتمدقیجه مستأجر انک مصرفنی آجردن الهمز

ماده ۵۳۱

مستأجر بر عقار مأجورده بنا احداث ایلسه یا خود اناج
دیگسه اجاره نك انتضاسنده آجر مخیر اولور . دیلر سه
اول بنایی یا خود اناجی قلع ایتدیرر . و دیلر سه قیمتنی
از اولسون چوق اولسون ویروب ایبقا ایدر

ماده ۵۳۲

مدت اجاره ده ترا کم ایدن توز و طپراق و سو پرندینك
تطهیر و ازاله سی مستأجر اوزرینه در

ماده ۵۳۳

مستأجر مأجوری تخریب ایدر اولوبده آجر منعنه
مقدر اوله مسه حانکه مراجعتله اجاره بی فسخ
ایتدیردیلور

(فصل ثانی)

(اجاره عروض حقه در)

ماده ۵۳۴

مدت معلومه ایچون بدل معلوم مقابلنده البسه واسلحه
و چادر و امثالی منقولاتك اجاره سی جائز در

ماده ۵۳۵

بر کیمسه بر محله کیتك اوزره البسه استیجار ایتدکده اول

محلہ کیتو بدہ خانہ سنده کیسہ یا خود ہیچ کیسہ بہ
اجرتک اعطانی لازم کلوز

۵۳۶ مادہ

بر کیسہ کندو کیمک ایچون استیچار ایلدیکی البسہ
بشقه سنہ کیدیرہ من

۵۳۷ مادہ

حلیات البسہ کبندر

(فصل ثالث)

(اجارہ حیوان حقندہ در)

۵۳۸ مادہ

معین بر حیوانی استکرا ایلک صحیح اولدیغی کبی بر محل
معینہ قدر کوتورمک اوزره مکاری ایلہ مقاولہ ایتک دخی
صحیحدر

۵۳۹ مادہ

فلان محلہ قدر دیو بر معین دابہ استکرا اولدیغی صورتہ
ا کر دابہ یولده بیتاب اولوب قالور ایسہ مستأجر مخیر
اولور • دیلرسہ حیوان طور انجیمہ قدر بکار و دیلرسہ
اجارہ بی نقض ایلرو بو حالده اورایہ قدر اولان مسافه نک
اجر مسمان حصہ سی نہ ایسہ انی آجره ویر

۵۴۰ ماده

فلان محله شو قدر يوك كوتورمك اوزره بازارلق اولنديغي
 صورتده حيوان يولده يتاب اولوب قالور ايسه بشقه
 حيوانه تحمیل ايله يوكی اول محله قدر كوتورمكه مكارى
 مجبور اولور

۵۴۱ ماده

لاعلى التعمین بر حیوان استیجاری جائز اولماز . فقط
 بعد العتد تعین اولنوبده مستأجر دخی قبول ایئر ايسه
 جائز اولور

وبرده معتاد اولديغي اوزره لاعلى التعمین بر نوعدن
 بردابه استیجار اولندقدده جائز ومطلق معارفه مصروف
 اولور

مثلا عادت اولديغي اوزره مكارى ايله فلان محله قدر
 بر باركیر استیجار اولندقدده مكارى بروجه معتاد بر باركیر
 ايله اول كیمسه يی اورايه ایصال ایتكه بورجلی اولور
 ۵۴۲ ماده

اجارده سنجاق وولایت کبی بر قطعہ نك اسمیله حد مسافه یی
 تعین ایتك کافی دکلدر . مکر که اول قطعہ نك اسمی
 بر شهره اطلاق اولمق اوزره عرف اوله
 مثلا بوسنده دك یا خود عربستانه قدر دیو حیوان استکرا

ایلك صحیح اولیوب واریلہ جق شهر یاقصبہ یاقریہ نك
 تعیینی لازم کلور . فقط شام لفظی بر قطعہ نك اسمی
 اولدیغی حالده شهر دمشقہ اطلاق اولنق اوزره عرف
 اولدیغندن شامہ قدر دیو حیوان استکرا اولنسه صحیح
 اولور

۵۴۳ ماده

فلان محله قدر دیو بر حیوان استکرا اولنوبده اول محکم
 اسمی ایکی بلده یه اطلاق اولنور اولدیغی تقدیرده هر
 قنغیسنه کیدیلور ایسه اجر مثلی لازم کلور

مثلا استانبولدن چکمه یه دک بر حیوان استکرا اولنوب
 ده بیوک یا خود کوچک چکمه دیو تصریح قلمدیغی
 تقدیرده هر قنغیسنه کیدیلور ایسه انک مسافه سنه کوره
 اجر مثل ویرنک لازم اولور

۵۴۴ ماده

بر بلده یه دک بر حیوان استکرا اولندقدہ مستأجری اول
 بلده ده کی خانه سنه قدر کوتورمک لازم اولور

۵۴۵ ماده

بر محمل معینه دک حیوان استیجار ایدن کیسه مکارینک
 اذنی اولدقجه اول محلی تجاوز ایده مز . و تجاوز ایتدکده
 صاغ و سالم صاحبنه تسلیم ایدنجه دک اول حیوان

مستأجر ك ضمانده اولوب كرك ذهابنده و كرك ايا بنده
تلف اولسه ضمان لازم كلور

۵۴۶ ماده

بر محل معينه كيمك اوزره ديو دابه استتكر اولندوقده
مستأجر اول حيوان ايله بشقه محله كیده مزه و كیدوبنده
حيوان تلف اولسه ضامن اولور

مثلا تكفور طاغنه كيمك اوزره استيجار ايتديكي حيوان
ايله اسليه يه كیتسه و حيوان تلف اولسه ضمان لازم كلور

۵۴۷ ماده

بر محل معينه ديو حيوان استيجار اولنوبنده اورا يه كيدن
يولار متعدد اولسه مستأجر ناسك سلوك ايتديكي يوللردن
هر قنغيسيله استرسه كیده يولور

و حيوان صاحبي كیده جك يولي تعين ايتمشيكن مستأجر
بشقه يولدن كیدوبنده حيوان تلف اولديغي صورته
اكر بو يول حيوان صاحبنك تعين ايلش اولديغي يولدن
دها طولاشق يا صرب ايسه ضمان لازم كلور و اكر
مساوي يا خود دها اهون ايسه ضمان لازم كلز

۵۴۸ ماده

مستأجر شو قدر مدت اچون استيجار ايلديكي حيواني

اول مدتدن زیاده استعمال ایده مز وایدوبده یدنده حیوان
تلف اولسه ضمان اولور

۵۴۹ ماده

فلان آدم بئک اوزره دابه استکراسی صحیح اولدیغی کبی
دیلدیکنی بندیرمک اوزره تعمیماً استکراسی دخی صحیحدر
۵۵۰ ماده

رکوب ایچون استکرا اولنان حیوانه یوک بوکلدیله مز
و یوکلدیلوبده حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور
لکن بوخالده اجرت لازم اولماز . (۸۶) مادهیه باق
۵۵۱ ماده

فلان آدم بئک اوزره استکرا اولنان حیوانه بشقهسی
ارکاب اولنه ماز . و ارکاب اولوبده حیوان تلف
اولسه ضمان لازم کلور
۵۵۲ ماده

برکیمسه دیلدیکنی بندیرمک اوزره استکرا ایلدیکی دابهیه
دیلسه کندوسی راکب اولور و دیلرسه بشقهسی
ارکاب ایدر . فقط کک کندوسی بنسون و کک
بشقهسی بندرسون هرکیم راکب اولور ایسه مراد
تعین و تخصص ایدوب اندن صکره بشقهسی ارکاب
اولنه ماز

۵۵۳ ماده

رکوب ایچون بر حیوان استکرا اولنوبده کیمک بنه جکی
 تعیین و دیلدیکی بندرمک اوزره دیو تعمیم اولنسه اجاره
 قاسد اولور

فقط قبل الفسخ تعیین و بیان اولنور ایسه صحتیه منقلب
 اولور • و بوصورته دخی هرکیم تعیین ایدر ایسه
 اندن بشقه سی اول حیوانه ارکاب اولنده ماز
 ۵۵۴ ماده

یوک ایچون حیوان استکرا اولندقدنه سمر وایب و جوال
 حقدنه عرف بلده معتبر در
 ۵۵۵ ماده

یوکک مقداری بیان یا خود اشارتله تعیین ایدلیه رک حیوان
 استکرا اولندقدنه مقداری عرف و عادتیه محمول اولور
 ۵۵۶ ماده

مستأجر کرا حیوانی صاحبک اذنی اولسرتین ضرب
 ایدهماز و ضرب ایدوبده اندنناشی حیوان تلف اولسه
 ضامن اولور
 ۵۵۷ ماده

کرا حیوانی ضرب ایتمک اوزره صاحبی اذن ویردیکی
 صورتیه مستأجر انجق ضربی معناد اولان یرینه

اوره بیلور . وا کر ضربی معتاد اولان موضعدن بشقه
 رینه ضرب ایله مثلا صاغریسنه اوره جق برده باشنه
 اورمغله حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور
 ۵۵۸ ماده

یوک ایچون استکرا اولنان حیوانه باینیله بیلور
 ۵۵۹ ماده

یوک نوع و مقداری ذکر و بیان اولنهرق حیوان استیجار
 اولندقدمه مضرتده اکا مماثل یا- و داندن دهاهون اول قدر
 دیگر برنوع یوک دخی یوکدیلله بیلور . اما مضرتی
 دها زیاده اولان شی یوکدیلله مز

مثلا برکیسه بش کیله بغدادی یوکتمک اوزره استکرا ایلدیکی
 بار کیره کرک کندوسنک اولسون و کرک بشقه سنک اولسون
 وهر قنغی نوعندن اولورسه اولسون بش کیله بغدادی
 یوکده یلیدیکی کبی بش کیله ارپه دخی یوکده بیلور .
 اما بش کیله ارپه یوکتمک اوزره استکرا ایلدیکی
 حیوانه بش کیله بغدادی یوکده مز نته کیم یوز قیه پموق
 یوکتمک اوزره استکرا اولنان حیوانه یوز قیه تیمور
 یوکدیلله مدیکی کبی
 ۵۶۰ ماده

کرا حیوانندن یوکی ایندیرمک مکاری اوزرینه در

۵۶۱ ماده

مأجورك نفقه سی آجر اوزرینه در
مثلا استکرا اولنان بارکیرک علفی و صوارلمسی صاحبی
اوزرینه در فقط انک اذنی اولمقسزین مستأجر حیوانه یم
ویرایسه تبرعدر صکره صاحبندن اچچه سی الهماز

(فصل رابع)

(اجاره آدمی بیاننده در)

۵۶۲ ماده

خدمت یا اجرای صنعت ایچون باب ثانینک فصل ثالثنده
بیان اولندیغی اوزره مدت بیانیه یاخود دیگر صورتده
عملی تعیین ایله اجاره آدمی جائزدر

۵۶۳ ماده

اجرت مقوله ایدلیدرک بر شخص برکیمسه نک طلبی
اوزرینه اول کیمسه یم خدمت ایندکنده اجرت ایله خدمت
ایدر مقوله دن ایسه اجر مثل اولور . دکل ایسه
برشی الهماز

۵۶۴ ماده

برکیمسه بر شخصه مقدار بیان ایتیه رک فلان ایشی
کورسکا ا کرام ایدرم دیوب اودخی ایفای خدمت ایلمسه
اجر مثله مستحق اولور

۵۶۵ ماده

اجرت تسمیه او انقسمتین عمله استخدام اولندقدده کونده لکی
معلوم ایسه اجرت معلومه ودکل ایسه اجر مثلی
ویریلور . بوکا ممائل اصنافک معامله لری دخی
بو وجهله در

۵۶۶ ماده

قییاتدن لاعلی التعمین بر شی ویرمک اوزره اجیرایله عقد
اجاره اولندقدده اجر مثل لازم اولور
مثلا بر کیسه برینه کل بکا شو قدر کون خدمت ایت
سکا بر چفت اوکوز الیوریم دیسه اوکوز اعطاسی
لازم کلیوب اجر مثل لازم کلور . فقط عادت اولدیغی
اوزره البسه یا بلیق اوزره سوت انا استیجاری جائز
والبسه نك نصل اوله جغی وصف و تعریف اولندیغی
تقدیرده اوسط درجسی لازم اولور

۵۶۷ ماده

خدمه یه خارجدن ویرلمش اولان بخشش اجرتیه محسوب
ایدیله ماز

۵۶۸ ماده

بر علم یا صنعت تعلیمی ایچون استاد استیجار اولندقدده اگر
مدت بیان اولنور ایسه اجاره مدت اوزرینه منعقد اولور

حتی استاد تعلیمه حاضر و مهیا بولنمق ایله اجرتیه مستحق
 اولور شا کرد کرک تعلم ایتسون و کرک ایتسون
 و اگر مدت بیان اولنمز ایسه اجاره فاسد اولهرق منعقد
 اولور . بوصورتده شا کرد تعلم ایدرسه استاد اجرتیه
 مستحق اولور . والا اجرت الهماز
 ماده ۵۶۹

بر کیمسه مثلا اوغلنی صنعت او کرنمک ایچون اوسته یه
 و یروب احد هما آخره اجرت شرط ایتدکاری حالده
 چوجق صنعت او کرند کد نص کره یکدی کدین ایدر اجرت مطالبه
 ایتسه لر عرف و عادت بلده نه ایسه انکله عمل اولنور
 ماده ۵۷۰

بر قریه اهالیسی برخواجه یا خود امام یا مؤذن استیجار
 یدوب انلر دخی ایفای خدمت ایلسه لر اجرتلرینی اول
 قریه اهالیسندن الورلر
 ماده ۵۷۱

بالنفس عمل ایتک یعنی کندو ایشمک اوزره استیجار اولنان
 اجیر کندو یرنده بشته سنی قوللانه ماز
 مثلاً بر کیمسه بر جبهی شو قدر غروشه درزی کندو ایله
 دیکمک اوزره بازارلق ایتدکده درزی انی آخره
 دیکدیره میوب کندوسی دیکمک لازم کاور و آخره

دیگردیکی تقدیرده تلف اولسه ضامن اولور

ماده ۵۷۲

مطلق اولهرق مقاوله اولندیغی صورتده آجرکنندو یرنده

بشقهستی قوللانه ییلور

ماده ۵۷۳

مستأجرک اجیره بو ایشی یاپ دیمهسی اطلاقدر

مثلا برکیمسه درزی به بالذات یاخود کندوک دیو تقید

ایتمکسزین شو قدر غروشه بو جبهی دیک دیو بده

مقاوله ایتمکده درزی انی قلفه سنه یاخود دیکر بر

درزی به دیکدیرسه اجر مسمایه مستحق اولور . وبلا

تعد جبه تلف اولسه ضامن اولور

ماده ۵۷۴

عماک توابعندن اولوبده اجیر اوزرینه شرط قلمیمان هر نه

اولور ایسه اولسون بونده عرف و عادت بلده به اعتبار اولنور

ایپک درزینک اولمق اوزره عادت اولدیغی کی

ماده ۵۷۵

یوکی خانه به ادحال ایتمک حاله لازم اولوب اما محلنه

قویمق انک اوزرینه لازم دکدر

مثلا یوکی اوست قانه چیقارمق و ذخیره بی انباره

دوکک حالک بورجی دکدر

۵۷۶ ماده

اجیره بیك ویرمك مستأجره لازم اولماز . مكر كه عرف
بلده اوله

۵۷۷ ماده

بر دلال بر مالی كز درو بده صا ته مسد بعده صاحبی
صا تقدده اول دلال اجرت الهماز و دیگر بر دلال
صا تدیغی تقدیرده اجرت دلایه بی كاملا ایکنجی دلال
الوب اولکنیسی برشی الهماز

۵۷۸ ماده

بر کیسه مالی دلالة و پروپ شو قدر غروشه صا
دیدکده دلال اندن زیاده به صا تسه اول زیاده دخی مال
صاحبنك اولوب دلال اجرت دلایه سندن بشقه برشی
الهماز

بیعه دلال دلایه سنی الدقدنصکره بر مستحق چیتو بده
مبعی السه یا خود عیب ایله بیع رد اولنسه دلایه
استرداد اولندماز

۵۸۰ ماده

بر کیسه نك ترلا سنده کی اکینی بیچمك اوزره شو قدر
غروشه استیجار ایلش اولدیغی اورا قیلر اکینك بر
مقدارینی بیچدکاری حالدده طولو یا غمغه یا خود بشقه بر

قضا ظهوريله اكينك ماعداسى تلف اولسه اجر مسمادن
بيچدكلى اكينك حصه سنه اصابت ايدن مقدارى الهيلوب
باقيسى الهمازلر

۵۸۱ ماده

سوت انا خسته اولدوقده فسح اجاره ايدنه بيلديكى كجى
بويله خسته وكبه اولور ياخود چوجق انك مهنه سنى
الماز و ياسوتينى استفراغ ايلر ايسه مسترضع دخی فسح
اجاره ايدنه بيلور



(باب سابع)

(بعد العقد آجر و مستأجرک وظيفه و صلاحيتلرينه)

(دائر اولوب اوچ فصلنى حاويدر)

(فصل اول)

(تسليم مأجور حقنددر)

۵۸۲ ماده

مأجورک تسليمى مستأجره بلا مانع آنکله انتفاع
ايدنه بيله جک حالده آجرک اذن ورخصت ويرمسيدر

۵۸۳ ماده

مدت يا مسافه اوزرينه اجاره صحیحه عقد اولندوقده

مدتک انقضاسنه و مسافه نك ختامنه قدر مأجورك متصل
 و مستمراً يندنه طور مق اوزره مستأجره تسليمي لازمدر
 مثلاً بر كيمسه شو قدر مدت ايله يا خود فلان يره كيمتك
 اوزره بر عربه استيجار ايندكده اول مدت ظرفنده يا خود
 اورايه وارنجيدك اول عربه يي قوللانه ييلور و اوراده
 صاحبي اني الوبده كندو امورنده استعمال ايده من
 ۵۸۴ ماده

آجرك بر ملك عقاريني ايچنده كندو مالي اولديغي حالده
 ايچار ايتسه فارغا تسليم ايتدكجه كرا ايشلنز . مكر كه
 اول مالي دخي مستأجره صاتمش اوله
 ۵۸۵ ما ه

آجر خانه يي تسليم ايدوبده ايچنده كي اشياسني قويد يغي
 بر او طه يي تسليم ايتسه اول او طه نك بدل اجاره دن
 حصه سي مقداري ساقط اولور . و خانه نك باقيسنده
 دخي مستأجر مخيردر . و اكر آجر قبل الفسخ خانه يي
 تخليه و تسليم ايدرسه اجاره لازم اولور يعنى مستأجر ك
 حق فسخني ساقط اولور

(فصل ثانی)

(بعد العقد عاقدینک مأجورده تصریفلینه دائردر)

۵۸۶ ماده

مأجور عقار ایسه مسأجر انی قبل القبض آخره ایجار
ایده بیلور . و اگر منقول ایسه ایده من

۵۸۷ ماده

ناسک استعمال و انتفاعده متفاوت اولدیغی مأجوری
مستأجر بشقه سنه ایجار ایده بیلور

۵۸۸ ماده

اجاره فاسده ایله مستأجر اولان کیسه مأجوری
بعد القبض بشقه سنه اجاره صحیحه ایله ایجار ایسه
جائز اولور

۵۸۹ ماده

پر کیسه مالی مدت معلومه اوزرینه برینه اجاره لازمه ایله
ایجار ایتدکن صکره تکرار بشقه سنه اول مدتی ایجار
ایسه اجاره ثانیه نافذ و معتبر اولماز

۵۹۰ ماده

مستأجرک اذنی اولقسزین آجر مأجوری صاتسه
مستأجر حقتده بیع نافذ اولماز ایسه ده بایع ایله مشتری
بیننده نافذ اولور

حتى مدت اجاره‌نك انقضاسنده مشتري حقننده بيع لازم
 اوله‌رق المقدن امتناع ايده‌مز
 مكر كه مدت اجاره‌نك انقضاسندن مقدم مشتري بايعدن
 مبيعك تسليميني مطالبه ايدوبده تسليمي ممكن اولديغيني
 جهته قاضي عقد بيعي فسخ ايله واكلر مستأجر
 بيعي مجيز اولور ايسه هر برى حقننده بيع نافذ اولور
 لكن مستأجر ك بوجه پشين ويرمش اولديغيني بدل
 اجاره‌دن استيفا ايتديكي مقداري انه واصل اولدقجه
 مأجور انك النندن انه‌مز

واكر مستأجر بوني استيفا ايتدن مأجوري تسليم ايدر
 ايسه حق حبسني اسقاط ايتمش اولور

(فصل ثالث)

(رد و اعاده مأجوره متعلق مواد بياننده در)

۵۹۱ ماده

اجاره‌نك انقضاسندن صكره مستأجر مأجور اوزرندن
 رفع يدايتسي لازمدر

۵۹۲ ماده

اجاره‌نك انقضاسندن صكره مستأجر ارتق مأجوري
 استعمال ايده‌مز

۵۹۳ ماده

اجاره منقضى اولوبده آجر مالنى المق استمد كده مستأجر ك
دخى تسليم ايتمى لازمدر

۵۹۴ ماده

مأجورك رد و اعاده سى مستأجر ك اوزرينه لازم اوليوب
اجاره نك انقضا سنده مأجورك اخذى آجر اوزرينه در
مثلا بر خانه نك اجاره سى منقضى اولدقه صاحبي
واروب خانه سنى تسليم ايتك لازمدر .

كذلك فلان محله قدر بر حيوان استيجار اولندقه صاحبي
اول محله بولنوب حيواننى المق لازم كلور . و كلوب
المدبغى حالده مستأجر ك تعدى و تقصيرى اولقسزى
يدنده اول حيوان تلف اولسه ضامن اولماز

اما بر محل معيندن كيدوب كلك اوزره استيجار ايتمش
اولسه اول محله كوتورمى لازم كلور و اورايه
كوتورميه رك كندو خانه سنده كوتوروب طوتسه و حيوان
تلف اولسه ضامن اولور

۵۹۵ ماده

مأجورك رد و اعاده سى حل و مؤتته محتاج ايسه اجرت
نقليه سى آجر اوزرينه در

(باب ثامن)

(ضمانات پيائنده اولوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(ضمان منفعت حقنده در)

۵۹۶ ماده

برکیمسه بر مالی صاحبك اذنی اولقمسزین استعمال
ایتمش اولسه غصب قیلندن اوله رق منافعنی اوده مک
لازم کلز

فقط مال وقف یا مال صغیر ایسه هر حالده ومعد للاستغلال
ایسه تأویل ملک وعقد اولدیغنی حالده ضمان منفعت
یعنی اجر مثل لازم اولور

مثلا برکیمسه آخرک خانه سنده عقد اجاره ایتمکسزین
خود بخود بر مدت ساکن اولسه اجرت ویرمسی لازم
کلز . فقط اول خانه وقفک یا بر صغیرک مالی ایسه کرک
تأویل ملک وعقد بولنسون و کرک بولنسون هر حالده
ساکن اولدیغنی مدتک اجر مثلنی ویرمسی لازم کلور
کذلک کراخانه اولوبده تأویل ملک وعقد اولدیغنی
حالده بینه اجر مثل لازم اولور

وکذا برکیمسه صاحبك اذنی اولقمسزین برکرا بارکرینی

آلوده بر مدت قوللانسه اجر مثلنی ویرسی لازم کلور
۵۹۷ ماده

تأویل ملک ایله استعمال اولنان مال معدلاستغلال اولسه
دخی ضمان منفعت لازم کلز

مثلا بر مال مشترکی شریکارندن بریسی دیگر شریکنک
اذنی اولقسزین بر مدت مستقلا تصرف واستعمال ایلسه
ملکمدر دیو استعمال ایلمش اوله جغنی جهتهله معد
لاستغلال اولسه دخی دیگر شریکی حصه سنک اجر تنی اله ماز
۵۹۸ ماده

تأویل عقد ایله استعمال اولنان مال معدلاستغلال اولسه
دخی ضمان منفعت لازم کلز

مثلا بر کیمسه مشترکا مالک اولدیغنی دکانی شریکنک
اذنی اولقسزین برینه صاتمغله مشتری دخی بر مدت
تصرف ایدوب انجق دیگر شریکی بیعه اجازت
ویرمیه رک حصه سنی ضبط ایلمکده دکان هر
نقدر معدلاستغلال ایسه ده حصه سنک اجر تنی مطالبه
ایده من زبرا مشتری انی تأویل عقد ایله استعمال ایتمش
یعنی عقد بیع ایله متصرف دیو قوللانمش اولدیغنی جهتهله
ضمان منفعت لازم کلز

کذلک بر کیمسه بر دکرمنی ملکی اولق اوزره برینه بیع

وتسليم ايله مشترى بر مدت ضبط وتصرف ايتد كدن صكره
 بشقه بر كسنه اول دكر منه مستحق چيقوب بعد الاثبات
 والحكم مشترين السه مشترينك مدت مزبوره ده تصرفي
 ايچون اجرت نامنه برشي اله مز زيرا بونده دخی تاويل
 عقد واردر

۵۹۹ ماده

بر كيمسه بر صغيري وليسنك اذني اولقسزين استخدام
 ايلسه بالغ اولدوقده خدمتك اجر مثلني الور ۰ و صغیر
 فوت اولسه ورثه سی دخی اول مدتك اجر مثلني اول
 كيمسه دن اله پیلورلر

(فصل ثاني)

(مستأجرک ضمانی حقنده در)

۶۰۰ ماده

عقد اجاره كرك صحيح اولسون وكرك صحيح اولسون
 مستأجرينده مأجور اماندر

۶۰۱ ماده

مأجور اكر مستأجرينده تلف اولور ايسه مستأجرک
 تعديسی ياتقصیری ويا خود مأذونيتنه مخالفتي اولدوقه
 ضمان لازم كلز

۶۰۲ ماده

مستأجر ك تكديسي ايله مأجور تلف اولسه يا خود قيمته
نقصان كلسه مستأجره ضمان لازم كلور

مثلا مستأجر كرا حيواننى اوروب اولدرسه يا خود عنف
و شدت اوزره سورمكله حيوان تلف اولسه قيمتى ضامن
اولوز

۶۰۳ ماده

مستأجر ك خلاف معتاد حر كتى تكدى اولوب بوندن تولد
ايدن ضرر و خسارى ضامن اولور

مثلا استيجار ايتديكى البسه يى عادت ناسه مخالف اوله رق
استعمال ايدوبده فرسوده اولسه ضامن اولور

كذلك خانه مأجورده ناسك يا قديغى مرتبه زياده آتش
يا قسندن ناشى حريق ظهوريله خانه محترق اولسه ضامن
اولور

۶۰۴ ماده

مستأجر ك امر محافظه ده تقصيرى ايله مأجور تلف
اولسه يا خود قيمته نقصان كلسه ضمان لازم كلور

مثلا مستأجر كرا حيواننى باشى بوش بر محله صالحه يورمكله
ضايغ اولسه ضامن اولوز

۶۰۵ ماده -

مشروطك مافوقنه تجاوز ايله مستأجر ك كندو مأذونیتنه
مخالفتی ضمانی موجب اولور . اما مثلنه یاخورد مادونه
عدول ايله مخالفتی ضمانی ایجاب ایتمز

مثلا مستأجر شو قدر قیه یاغ یو کلمک اوزره استکرا
ایلدیکی حیوانه اولقدر قیه تیمور یو کلدوبده حیوان تلف
اولسه ضامن اولور

اما مضرتده یاغه مساوی یاخوددها خفیف برجنس حوله
یو کلدوبده حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلز

۶۰۶ ماده

اجاره نك انقضاسنده مأجور كی كان مستأجر بدنده
ودیعه كبی امانت قالور بناءً علیه اجاره منقضى
اولدقدنصكره مستأجر مأجوری استعمال ایدوبده تلف
اولسه ضامن اولور

كذلك اجاره نك انقضاسنده آجر مالى طلب ایدوبده
مستأجر ویرمیوب امساك ایتدكدنصكره اول مال تلف
اولسه ضمان لازم کلور

(فصل ثالث)

(اجيرك ضمانی حقننده در)

۶۰۷ ماده

اجيرك تعديسی يا خود تقصیری ايله مستأجر فيه تلف
اولسه ضامن اولور

۶۰۸ ماده

اجيرك تعديسی مستأجرڪ صراحةً يا دلالةً امرينه
مخالف عمل و حرکت ایتسيدر

مثلا برکیمسه اجير خاص اولان چوبانه شو حیوانلری
فلان محله رعی ایت آخریره کوتورمه دیمشیکن چوبان
اول محله رعی ایتدرك بشقه محله کوتوروب رعی ایتسه
تعدي ایتش اولور .

واوراده رعی ایدر ایکن حیوانلر تلف اولسه چوبانه
ضمان لازم کلور

کذلک برکیمسه درزی به بر قاش و یروب و بکا براوزون
انتاری چیقارسه کس دیوب درزی دخی چیقاردیه رک
کسدکده اوزون انتاری چیقیمسه اول کیمسه قاشی درزی به
تضمین ایتدیره بیلور

۶۰۹ ماده

اجيرك تقصيرى مستأجر فيهمك محافظه سنده بلا عذر قصور
ايتسيدر

مثلا سوريدن بر حيوان فرار ايتدكده چوبان مجرد تكاسل
وامهالندن ناشى واروب طوتمديغى جهتله حيوان ضايغ
اولسه چوبان تقصير ايتمش اوله جغندن ضمان اولور
اما انك ارقه سى صره كيتديكى تقديرده ديكر حيوانلرك
ضايغ اولوق احتمالى غالب اولديغى جهتله واروب
طوتمامش ايسه معذور اولمغله ضمان لازم كلز

۶۱۰ ماده

اجير خاص اميندر

حتى ينده بغير صنهه تلف اولان مالى ضمان اولماز
وكذا بلا تعد كندو عمليه تلف اولان مالى دخى ضمان
اولماز

۶۱۱ ماده

اجير مشترك كرك تعديسى ياتقصيرى اولسون وكرك
اولسون كندوسنك فعل و صناعندن تولد ايدن ضرر
وخسارى ضمان اولور

۲۸۶ فى ۶ ذى القعدة سنه

اراده سنه تاريخى

مفتش اوقاف همایون ناظر دیوان احکام عدلیه

السید خلیل اجد جودت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء شورای دولت

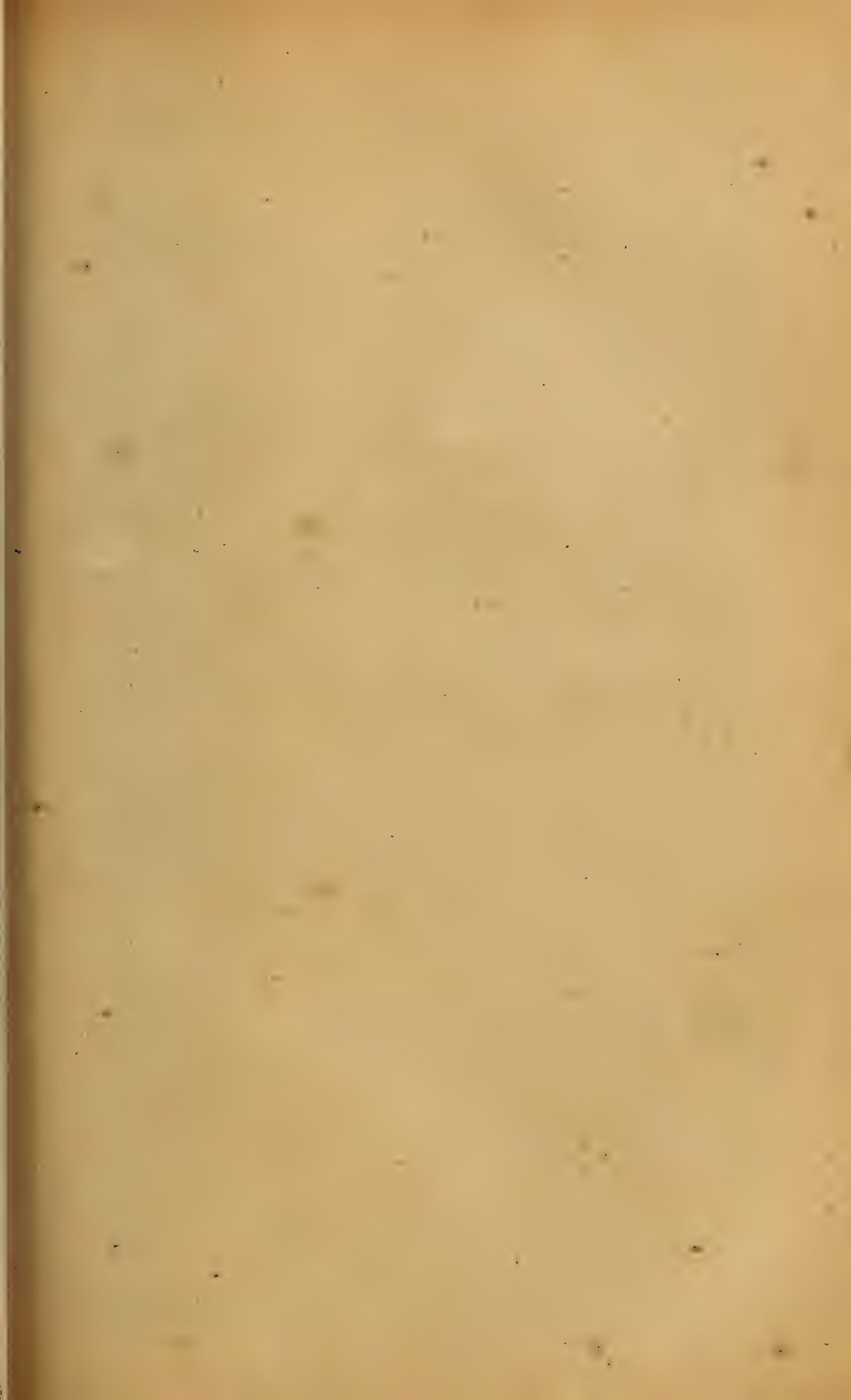
السید اجد خلوصی سیف الدین

عن اعضاء شورای دولت عن اعضاء دیوان احکام عدلیه

محمد امین السید اجد حلمی

عن اعضاء جمعیت ابن عابدین زاده

علاء الدین



— كِتَابُ الْكِفَالَةِ —

✽ صورت خط همايون ✽

(موجنبه عمل اولنه)

(كتاب ثالث)

(كفالت حقنده اولوب بر مقدمه ايله اوج بابي حاويدر)

(مقدمه)

(كفالته دائر اولان اصطلاحات فقهيه بياندهدر)

ماده ۶۱۲

كفالت • بر شيك مطالبه سي حقنده ذهتي ذمته ضم

ايتكدر

يعني بر كيسه ذاتني ديكر ك ذاتنه ضم ايدوب وانك

حقنده لازم كلان مطالبه يي كندو دخي التزام ايتكدر

ماده ۶۱۳

كفالت بالنفس • بر آدمك شخصنه كفيل اولمقدر

ماده ۶۱۴

كفالت بالمال • بر مالك اداسنه كفيل اولمقدر

ماده ۶۱۵

كفالت بالتسليم • بر مالك تسليمه كفيل اولمقدر

ماده ۶۱۶

كفالت بالدرك • مبيع بالاستحقاق ضبط اولنديغي

تقدیرده آنچه سنی ادا و تسلیمه یا خود بایعک نفسنه کفیل
اولمقدر

۶۱۷ ماده

کفالت منجزه . شرطه معلق وزمان مستقبله مضاف
اولیمان کفالتدر

۶۱۸ ماده

کفیل . کندو ذمتنی آخرک ذمتنه ضم ایدن یعنی
آخرک متعهد اولدیغی شیئه کندو دخی متعهد اولان
کیسه درکه اول آخره اصیل و مکفول عنه دنیلور

۶۱۹ ماده

مکفول له . کفالت خصوصنده طالب وداین اولان
کیسه در

۶۲۰ ماده

مکفول به . کفیلک تسلیمه یا اداسنه متعهد اولدیغی
شیدرکه کفالت بالنفسده مکفول عنه ایله مکفول به
برشیدر

(باب اول)

(عقد کفالت حقه‌ده اولوب ایکی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(رکن کفالت حقه‌ده در)

۶۲۱ ماده

یا لکز کفیلک ایجابیله کفالت منعقد و نافذ اولور . فقط
مکفول‌له دیلر سه رد ایده یلور . و مکفول‌له رد ایتدیجه
کفالت باقی قالور

بو صورتده مکفول لهک غیابنده برندن اله جفته بر کیمسه
کفیل اولوبده خبر کفالت کندویه و اصل اولدین
وفات ایتسه کفیل بو کفالتیه مطالبه و موآخذه اولنور

۶۲۲ ماده

کفیلک ایجابی یعنی الفاظ کفالت عرف و عادتده تعهد
و التزامه دلالت ایدن سوزلردر

مثلا کفیل اولدم یا خود کفیل و یا ضامنم دیسه کفالت
منعقد اولور

۶۲۳ ماده

وعد معلق ایله دخی کفالت اولور (۸۴) ماده یه باق
مثلا فلان آدم سنک الاجفکی ویرمز ایسه بن ویررم

دیسہ کفالت اولور و داین اله جفنی استیوبده مدیون
ویرسه کفیلدن مطالبه ایدر

۶۲۴ ماده

بو کوندن فلان وقتہ قدر کفیلیم دیدکده کفالت موقتہ
اوله رق منجزا منعقد اولور

۶۲۵ ماده

کفالت • مطابق اوله رق منعقد اولدیغی کبی تعجیل
و یا تا حیل قیدیه یعنی همان یا خود فلان وقتده ایفا اولنق
اوزره دیو مقید اوله رق دخی منعقد اولور

۶۲۶ ماده

کفیله کفیل اولق صحیحدر

۶۲۷ ماده

کفیلک تعددی جائز در

(فصل)

(شرائط کفالت بیانده در)

۶۲۸ ماده

کفالت انعقادنده کفیلک عاقل و بالغ اولسی شرطدر
بناء علیه مجنون و معتوه و صبینک کفالتی صحیح اولماز
وصبی ایکن کفیل اولوبده بعد البلوغ بو کفالتی مقرر
اولسه دخی انسکاه مؤاخذه اولنده ماز

۶۲۹ ماده

مكفول عنك عاقل و بالغ اولسى شرط دكلدر
بناء عليه مجنون و صبيك بورجنه كفالت صحیح اولور

۶۳۰ ماده

مكفول به نفس ايسه معلوم اولسى شرطدر . و مال
ايسه معلوم اولسى شرط دكلدر

بناء عليه فلان آدمك فلان آدمه اولان بورجنه كفيلم دیدكده
بورجك مقداری معلوم اولسه دخی كفالت صحیح اولور

۶۳۱ ماده

كفالت بالمالده مكفول به اصیل اوزرینه مضمون اولوق
یعنی اصیل اوزرینه ایفاسی لازم اولوق شرطدر

بناء عليه ثمن مبیعه و بدل اجاره یه و سائر دیون صحیح یه
كفالت صحیح اولور

كذلك مال مغبوبه كفالت صحیح اولوب لدی المطالبه
كفیل بونی عیناً یا بدلاً ایغایه مجبور اولور

و كذا سوم شرا طریقيله مقبوض اولان ماله ثمن تسمیه
اولتمش ايسه كفالت صحیحدر . اما قبل القبض مبیعك

عیننه كفالت صحیح اولماز زیرا عین مبیع بایع یدنده
تلف اولسه بیع منفسخ اوله جفندن بایع اوزرینه مضمون

اولیوب یا لکز ثمنی قبض ایتمش ايسه ردی لازم کاور

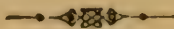
کذلک مرهون و مستعار و مأجور و امانات سائرہ اصیل
 اوزرینہ مضمون اولمدیغندن بونلرک عینلرینہ کفالت
 صحیح اولماز . فقط مکفول عنه بونلری اضاعه و استهلاک
 ایدر ایسه کفیل دیسه صحیح اولور . و برده کرک مبیعک
 و کرک بونلرک تسلیمه کفالت صحیح اولور . و لندی المطالبه
 برجهتله حق حبسلیری یوغیسه کفیل بونلری تسلیمه مجبور
 اولور . انجق کفالت بالنفسده مکفول بهک و قاتله
 کفیل بری اولدیغی کبی بونلر تلف اولدیغی تقدیرده دخی
 کفیله برشی لازم کلز

۶۳۲ ماده

عقوباتده نیابت جاری اولماز
 بناء علیه قصاصه و سائر عقوبات و مجاوزات شخصیه یه
 کفالت صحیح دکدر . اما جارح و قاتل اوزرینه لازم
 کلان ارش و دیته کفالت صحیحدر

۶۳۳ ماده

مکفول عنیهک یسارنی شرط اولمیوب مفلسه دخی کفالت
 صحیح اولور



(باب ثانی)

(کفالتک احکامی بیاننده اولوب اوج فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(کفالت منجزه و معلقه و مضافه تک حکمی بیاننده در)

ماده ۶۳۴

کفالتک حکمی مطالبه در

یعنی مکفول لهک کفیلدن مکفول بهی مطالبه یه حق
اولقدر

ماده ۶۳۵

کفالت منجزه دن دین اکر اصیل حقنده معجل ایسه
در حال و مؤجل ایسه مدت معینه سنک تمامنده کفیل
مطالب اولورمثلا برکسه برینک بورجنه کفیل اولدم دیدکده بورج
اگر معجل ایسه در حال مؤجل ایسه مدتی ختامنده
دائن اله جغنی کفیلدن مطالبه ایده ییلور

ماده ۶۳۶

اما بر شرطه معلق و زمان مستقبله مضاف اوله رق منعقد
اولان کفالتده شرط تحقق و زمان حلول ایتمدکجه کفیل
مطالب اولاز

مثلاً فلان آدم سنك الله جعكي ويرمز ايسه اداسنه كفيلم
 ديدكده كفالت مشروطا منعقد اولوب لدى المطالبه اول
 آدم بورجنى ويرمز ايسه كفيلمدن مطالبه اولنور بوخسه
 اصلين قبل المطالبه كفيلم مطالب اولماز

كذا فلان آدم سنك مالكي سرقت ايدر ايسه بن ضامنم
 ديسه كفالت صحيح واول آدمك سرقتى ثابت اولدوقده
 كفيلم مطالب اولور

و كذا مكفول له نه وقت مطالبه ايدر ايسه شو قدر كون
 مهلت ويرمك اوزره كفيلم اولسه مكفول لپك مطالبه
 ايتديكى وقتدن اعتباراً اول قدر كون مهلت ويريلوب
 ايام مذكوره نك مروردن صكره مكفول له هر نه وقت
 ايستر ايسه مطالبه ايدر وكفيلم تكرار او قدر كون
 استداسنه صلاحيتي اولماز

كذلك فلانده ثابت اوله جق الله جعكه ويا فلانده اقراض
 ايدجكك مبلغه يا خود فلانك سندن غصب ايدجكي
 شينه ويا خود فلانده صاته جعك مالك ثمنه كفيلم ديدكده
 كفيلم انجق بو احوالك تحقننده يعنى بورجك ثبوتى
 واقچه نك اقراضى وغصبك تحقنى ومالك بيع وتسليمى
 وقوعنده مطالب اولور

وكذا فلان كون احضار اتمك اوزره فلانك نفسنه

كفيلم دیدکده كفيل اول کوندن مقدم مکفول بهک
احضار به مطالب اولماز

ماده ۶۳۷

شرطک تحققتده وصف وقیدینک تحققی دخی لازمدر
مثلا فلان کیمسه نک اوزرینده حکم اوانور ایسه ادا سنه
کفیل دیدیکی صورتده اول کیمسه شوقدر غروش بورج
اقرار ایتمسه حکم حاکم لاحق اولمدیجه کفیلک آتی ادا
ایتمسی لازم کلز

ماده ۶۳۸

کفالت بالدرکده مبیعه مستحق چیققدده بالمحا که بایعک
ثمینی رد ایتمسه حکم اولمدیجه کفیل مواخذده اولنماز
ماده ۶۳۹

کفالت موقتده کفیل انجق مدت کفالت ظرفنده
مطالب اولور

مثلا بو کوندن برآیه قدر کفیل دیدکده کفیل انجق بو بر
آی ظرفنده مطالب اولوب اول آیک مرورنده کفالتدن

بری اولور

ماده ۶۴۰

کفالتک انعقادندن صکره کفیل کندوسنی کفالتدن
اخراج ایده من فقط کفالت معلقه ومضافده دینک ذمت

مديونه ترتبندن مقدم كفيل كندوسنى كفالتدن اخراج
ايدہ پيلور

مثلا بر كيمه بر آدمك نفسنه ياديننه منجزا كفيل اولدقدن
صكره كندوسنى كفالتدن اخراج ايدہ مديكى كبي فلانده
نه قدر اله جفك ثابت اولور ايسه ضامنم ديدكده دخي
كفالتدن دونه مز زيرا دينك ثبوتى هر نه قدر عقد
كفالتدن مؤخر ايسده دمت مديونه ترتبى عقد كفالتدن
مقدمدر . اما فلان آدمه نه صاتار ايسهك ياخود
صاته جفك مالك ثمننه كفيل ديديكى صورنده مكقول
لهك اول آدمه صاته جفكى مالك ثمننه ضامن اولور فقط
قبل البيع كندوسنى كفالتدن اخراج ايدہ پيلور . شوبله
كه بن كفالتدن واز كچدم سن اول آدمه مال صاته
ديدكدن صكره مكقول له اول آدمه برشي صاتار ايسه
كفيل انك ثمننه ضامن اولماز

۶۴۱ ماده

مغضوب يا مستعار اولان مالك رد و تسليم اولان اولان
كيمه مالى صاحبنه تسليم ايتدكده اجرت نفقه و غيره
و مستعيره رجوع ايدر يعنى اجرت نفقه و غيره
الور

(فصل ثانی)

(کفالت بالنفسک حکمی بیاننده در)

ماده ۶۴۲

کفالت بالنفسک حکمی مکتفول بهی احضار دن عبارت در
 شویله که قنغی وقت مکتفول بهک تسلیمینی شرط ایتش
 ایسه اولوقت مکتفوله طلب ایتدیگی کبی کفیلک انی
 احضار ایتسی لازم کلور احضار ایدر ایسه فبها واکر
 ایتز ایسه انی احضار ایتک اوزره جبر اولنور

(فصل ثالث)

(کفالت بالمالک احکامی بیاننده در)

ماده ۶۴۳

کفیل ضامن در

ماده ۶۴۴

طالب مطالبه ده مخیر در اله جغنی دیلر سه کفیلدن
 و دیلر سه اصیلدن مطالبه ایدر و برندن مطالبه سی
 دیکرندن مطالبه حقنی اسقاط ایتیموب برندن مطالبه
 ایتدکن صکره دیکرندن و یا خود معا ایدکیسندن دخی
 مطالبه ایده یلوز

ماده ۶۴۵

کفیل بالمال اولان کیسه نک کفالتی حسبیله ذمتنه لازم

کلان مبلغه دیگر بری کفیل اولسه داین اله جغنی کفیلارک
قنغیسندن استر ایسه مطالبه ایدر

۶۴۶ ماده

پر جهندن طولایی مشترکا مدیون اولان کیسه لر یکدیگره
کفیل اولسه لر هر بری دینک مجموعیله مطالب اولور

۶۴۷ ماده

بر دینک متعدد کفیلاری اولدیغی صورتده اگر بشقه
بشقه کفیل اولشتر ایسه هر بری مجموع دین ایله مطالب
اولور

واگر معا کفیل اولشتر ایسه هر بری دیندن حصه سی
مقداریله مطالب اولور فقط بونلر یکدیگرک ذمته لازم
کلان مبلغه دخی کفیل اولشتر ایسه اول حالده هر بری
مجموع دین ایله مطالب اولور

مثلا بر کیسه نک بیک غروش بور جنه بری کفیل اولدقدن
صکره دیگر بری دخی کذلک بیک غروشه کفیل اولسه
داین بو مبلغی کفیلارک هر قنغیسندن استر ایسه مطالبه
ایدر . اما اول ایکی کیسه بو بیک غروشه معا کفیل
اولسه لر هر بری بیک غروشک نصفیله مطالب اولور
مگر که یکدیگرک ذمته لازم کلان مبلغه دخی کفیل اولشتر
ایسه اول حالده هر بری بیک غروش ایله مطالب اولور

۶۴۸ ماده

کفالتده اصیلک بری اولسی شرط قنور ایسه حواله یه

منقلب اولور

۶۴۹ ماده

محیلک عدم برائی شرط یله حواله کفالتدر

بناء علیه برکیسه مدیونه سنده کی اله جغمی سن دخی

ضامن اولق اوزره فلانک اوزرینه حواله ایت دیسه

او دخی اولوجهله حواله ایتسه طالب اله جغنی هر

قغیسندن استرایسه الور

۶۵۰ ماده

بری نزدنده برکیسه نک امانت مالی اولدیغی حالده

اول مالدن ادا ایتک اوزره اول کیسه نک بورجنه

کفیل اولسه جائز اولور . و اول مالدن ایفا ایتک

اوزره کفیل اجبار اولنور . و اگر مال تلف

اولسه کفیله برشی لازم کیلر . فقط کفیل اولدقدن

صکره اول مالی صاحبنه رد ایتسه اول حالده کندو

ضامن اولور

۶۵۱ ماده

برکیسه برینی فلان وقتده احضار ایتک اوزره نفسنه

و اول وقت احضار ایتدیکی سدرده بورجنک ادا سنه

کفیل اولدقده وقت معینده احضار ایتمز ایسه کفیلک
اول دینی ویرمسی لازم کاور

و کفیل فوت اولدقده ورثه سی وقت معینه قدر مکفول
بهی تسلیم ایدر لر یا خود مکفول به جهت کفالتدن
طولانی نفسنی تسلیم ایلر ایسه کفیل طرفنه مالجه برشی
ترتیب ایتمز و اگر انلر مکفول بهی یا خود مکفول به نفسنی
تسلیم ایتمز ایسه کفیلک ترکه سندن مالک اداسی لازم کاور
و مکفول له فوت اولسه وارثی مطالبه ایدر

و کفیل وقت معینده مکفول بهی احضار ایدوبده
مکفول له تعیب و اختقنا ایسه انک طرفندن بروکیل
نصب ایله اکا تسلیم اولنمق اوزره مکفیل حاکمه
مراجعت ایلر

۶۵۲ ماده

کفالت مطلقده دین اگر اصیل اوزرینه معجل ایسه
کفیل حقمده دخی معجل و اصیل اوزرینه مؤجل ایسه
کفیل حقمده دخی مؤجل اوله رق ثابت اولور

۶۵۳ ماده

کفالت مقیده، تعجیل و تأجیل و صفلرینک هر قنفسله
قید اولنمش ایسه کفیل اکا کوره مطالب اولور

ماده ۶۵۴

بر مدت معلومه ایله مؤجل اولان دینه اول مدت ایله
مؤجل اوله رق کفالت صحیح اولدیغی کبی اندن
زیاده مدت ایله مؤجل اوله رق کفالت دخی صحیح
اولور

ماده ۶۵۵

داین اله جفنی اصیل حقنده تأجیل ایدر ایسه کرک
کفیل و کرک کفیل الکنفیل حقنده دخی تأجیل ایتیش
اولور

و کفیل اول حقنده تأجیلی کفیل تانی حقنده دخی تأجیل
اولور

اما کفیل حقنده تأجیلی اصیل حقنده تأجیل دکلدور

ماده ۶۵۶

مؤجلامدیون اولان کیمسه قبل حلول الاجل آخر
دیاره کیده جک اولوبده داینی حاکمه مراجعتله اندن کفیل
استدکده کفیل ویرمکه مجبور اولور

ماده ۶۵۷

بر کیمسه برینه بنم فلان کیمسه ایله اولان بورجه کفیل
اول دیوب و او دخی کفیل اولوبده کفالت حسبیلله
بورجی ادا ایندکدنصکره اصیله رجوع ایده جک

اولدوقده كنفيل اولديغي شئيئله رجوع ايدر مؤدايه
اعتبار اولتماز

ما بورجك بر مقدارى اوزرينه دين ايله مصالحه ايتديكى
تقديرده ويرديكى بدل صلح ايله رجوع ايدر يوخسه
مجموع دين ايله رجوع ايده من

مثلا مسكوكات خالصه يه كنفيل اولوبده مغشوش آقچه
ايلاه تأديه ايلسه اصلين مسكوكات خالصه الور وبالعكس
مغشوش سكه يه كنفيل اولوبده مسكوكات خالصه ايله
تأديه ايلسه اصلين مغشوش سكه الور كذلك شو قدر
غروشه كنفيل اولوبده صلحا بعض اشيا اعطاسيله تأديه
ييلسه اصلين كنفيل اولديغي مقدار آقچه نى الور
اما بيك غروشه كنفيل اولوبده صلحا بشيوز غروش ايله
تأديه ايلسه اصلين بشيوز غروش الور
ماده ۶۵۸

عقد معاوضه ضمنده بر كيمسه برينى الداتمش اولسه
ضررينه ضامن اولور

مثلا بر كيمسه بر عرصه اشترا ايدوبده اوزرينه بنا يادلاقدن
صكره مستحق چيقوبده ضبط اولنسه مشتري باعدن
عرصه نك قيمتى الدوقدن بشقه بنانك حين تسليمده كي
قيمتى دخى الور

تذک بر کیمسه اهل سو قه اشبو صغیر او غله مال صاتیکز
اکا تجارت ایچون اذن ویردم دیسه وبعده اول چوجق
بشقه سنک اولدیغی میدانه چیقسه اهل سوق اول چوجغه
صاتمش اولدیغی مالک آقچه سنی اول کیمسه دن مطالبه
ایدر

(باب ثالث)

(کفالتدن برائت حقنده اولوب اوچ فضلی حاویدر)

(فصل اول)

(بعض ضوابط عمومیہ بیانده در)

ماده ۶۵۹

مکفول به کرك اصیل و کرك کفیل طرفندن مکفول لهه
تسلیم و ایفا اولندقدده کفیل کفالتدن بری اولور

ماده ۶۶۰

مکفول له کفیلی ابرا ایتدم یا خود کفیل طرفنده حقم یو
قدر دیسه کفیل بری اولور

ماده ۶۶۱

کفیلک برائتندن اصیلک برائتی لازم کلز

ماده ۶۶۲

اصیلک برائتی کفیلک برائتی موجب اولور

(فصل ثانی)

(کفالت بالنفسدن برائت حقیقه در)

۶۶۳ ماده

کفیل مکفول بهی شهر و قصبه کی مخصوصه ممکن اولان
 یرده مکفول لهه تسلیم ایتدکده مکفول له کرک قبول
 ایتسون و کرک قبول ایتسون کفیل کفالتدن بری اولور
 فقط بر بلده معینهده تسلیمی شرط ایدیش ایسه بشقه

بلدهده تسلیم ایله کفالتدن بری اولماز

و مجلس حاکمهده تسلیم ایتک اوزره کفیل اولدوقده
 زقافده تسلیم ایله کفالتدن بری اولماز . فقط ضابط

حضورنده تسلیم ایسه بری اولور

۶۶۴ ماده

طالبک طلبی اوزرینه مکفول بهی مجرد تسلیم ایله کفیل
 کفالتدن بری اولور . اما طالبک طلبی اولتسزین
 تسلیم ایتدکده بحکم الکفاله تسلیم ایتدم دیمدیکه بری

اولماز

۶۶۵ ماده

فلان کون تسلیم ایتک اوزره کفیل اولوبده اول کوندن
 اول تسلیم ایتدکده مکفول له قبول ایتسه بیله کفیل
 کفالتدن بری اولور

ماده ۶۶۶

مكفول به فوت اولدقه كفيل كفالندن برى اولديغى
 كى كفيلك كفيلي وار ايسه او دخی برى اولور
 كذلك كفيل فوت اولسه كندو كفالندن برى اولديغى
 كى كفيلي وار ايسه او دخی برى اولور
 اما مكفول لهك وقتيله كفيل كفالندن برى اوليوب،
 وارثي مطالبه ايدر

(فصل ثالث)

(كفالنت بالمالدين برائت حقتده در)

ماده ۶۶۷

داين فوت اولونده مديون اكا منحصر وارث اولسه
 كفيل كفالندن برى اولور
 واكر داينك بشقه وارثي دخی وار ايسه كفيل يالكز
 مديونك حصه سندن برى اولوب ديكر وارثك حصه سندن
 برى اولماز

ماده ۶۶۸

كفيل يا خود اصيل بورجك بر مقدارى اوزرينه دائن
 ايله مصالحه ايتدكلرنده اكر اكي سنك يا اصيلك برائتي
 شرط ايدلمش يا خود هيچ بر شرط درمیان ايدلمش ايسه
 ايكي سي دخی برى اولور

واكر يالكز كفيلك برائتي شرط ايدلمش ايسه يالكز كفيل
 برى اولوب طالب دخي مخير اولور . ديگر ايسه مجموع
 ديني اصيلدن و ديگر سه بدل صلحي كفيلدن و باقيسني
 اصيلدن الور

۶۶۹ ماده

كفيل مكفول لهي برينك اوزرينه احاله ايدوب مكفول
 له و محال عليه دخي قبول ايتسه هم كفيل و همده مكفول
 عنه برى اولور

۶۷۰ ماده

كفيل بالمالك و فائده مال مكفول به تركه سندن مطالبه اولور
 ۶۷۱ ماده

ثمن مبيعه كفيل اولوبده بيع فسخ اولنسه يا خود مبيع
 بالاستحقاق ضبط و يا عياله رد قلنسه كفيل كفالتدن برى اولور
 ۶۷۲ ماده

مدت معلومه تمامه دك بر مال ايجار اولنوبده تسميه
 قلنان بدل اجاره سنه بر كيمسه كفيل اولدوقده مدت
 اجاره نك انقضا سنده اول كفالت دخي منتهى اولوب
 بعده اول مال اوزرينه مجدداً عقد اجاره اولنوقده اول
 كفالتك بوكا شمولى اولماز

۱۸ محرم سنه ۲۸۷

اراده سنه تاريخي

عن اعضاء شورای دولت ناظر دیوان احکام عدلیه
 سینف الدین اجد جودت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء دیوان احکام عدلیه
 السید اجد حلمی السید اجد خلوصی

عن اعضاء جمعیت ابن عابدین زاده عن اعضاء شورای دولت
 علاء الدین محمد امین

كتاب الحواله

✽ صورت خط همایون ✽

(موج‌بنجه عمل اولنه)

(کتاب رابع)

(حواله حقننده اولوب بر مقدمه ایله)

(ایکی بابی حاویدر)

(مقدمه)

(حواله‌یه دائر اولان اصطلاحات فقهیه بیاتنده در)

۶۷۳ ماده

حواله • دینی بر ذمتدن دیگر ذمته نقل ایتمکدر

۶۷۴ ماده

محیل • حواله ایدن کیمسه که میوندر

۶۷۵ ماده

محال‌به • دائن اولان کیمسه در

۶۷۶ ماده

محال علیه • کندو اوزرینه حواله‌یی قبول ایدن

کیمسه در

۶۷۷ ماده

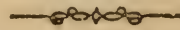
محال به • حواله اولنان مالدر

ماده ۶۷۸

حواله مقیده . محیلک محال علیه ذمئنده یا خود یدنده
اولان مالندن ویرمک اوزره دیو مقید اولان حواله در

ماده ۶۷۹

حواله مطلقه . محیلک محال علیه اولان مالندن
ویرمک اوزره دیو مقید اولیان حواله در



(باب اول)

عقد حواله بیاننده اولوب ایکی فصله منقسمدر (

(فصل اول)

(رکن حواله بیاننده در)

ماده ۶۸۰

محیل کندو دانئنه سنی فلانک اوزرینه حواله ایتدم
دیوب انلر دخی قبول ایتدکلرنده حواله منعقد اولور

ماده ۶۸۱

یا لکز محال له ابله محال علیه بیننده عقد حواله اولنه بیلور
مثلا برکیسه برینه بنم فلانده اولان شو قدر غروش
اله جفهی حواله سن اوزرینه ال دیوب او دخی قبول
ایتدم دیسه یا خود فلانده اولان شو قدر غروش

اله جعفی بنم اوزریمه حواله قبول ایت دیوب اودخی
ایتسه حواله صحیح اولور حتی محال علیه صکره نادم
اولسه ندامتی فائده ویرمز

۶۸۲ ماده

یالکز محیل ایله محال له بیننده اجرا اولنان حواله محال
علیه لدی الاعلام قبول ایتدکده صحیح وتمام اولور
مثلا برکیمسه دائنی آخر دیارده اولان برینک اوزرینه
حواله ایدوب داین دخی قبول ایتدکنصکره محال علیه
لدی الاعلام اودخی قبول ایتدیگی کبی حواله تمام اولور

۶۸۳ ماده

یالکز محیل ایله محال علیه بیننده اجرا اولنان حواله
محال لهک قبولنه موقوفا منعقد اولور
مثلا برکیمسه برینه بنم فلانه اولان دینمی حواله سن
اوزریکه آل دیوب اودخی قبول ایتسه موقوفا منعقد
اولوب محال له قبول ایتدکده حواله نافذ اولور

(فصل ثانی)

(شرائط حواله بیاننده در)

۶۸۴ ماده

انعقاد حواله ده محیل ایله محال لهک عاقل و محال علیه
عاقل بالغ اولسی شرطدر

بناء عليه صبي غير ميمرك برينه بوج حواله ايتسي و برندن
حواله المسى باطل اولديغي كبي صبي كرك ميمز اولسون
و كرك غير ميمز اولسون و كرك مأذون و كرك محجور اولسون
برندن كندو اوزرينه حواله قبول ايتسي باطلدر

۶۸۵ ماده

حواله لك نفاذنده محيل ايله محال لهك بالغ اولسي شرطدر
بناء عليه صبي ميمرك حواله سي و حواله المسى و ليسنك
اجازتنه موقوفا منعقد اولور و و ليسی اجازت و یرد كده
نافذ اولور

شو قدر كه حواله الديغي صورتده و ليسی اذن و یرسه
دخی محال عليهك محیلدن دهاملی یعنی غنی اولسی شرطدر
۶۸۶ ماده

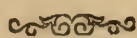
محال عليهك محيله مدیون اولسی شرط اولیوب محیلک
اندن الهجفی اولسه ده حواله سی صحیح اولور
۶۸۷ ماده

هر دین که ا کا کفالت صحیح اولیه حواله سی دخی صحیح اولماز
۶۸۸ ماده

هر دین که ا کا کفالت صحیح اوله حواله سی دخی صحیح
اولور . فقط محال بهك معلوم اولسی لازمدر . بناء
عليه دین مجهولك حواله سی صحیح اولماز

مثلا فلانده ثابت اوله جق اله جغكى حواله قبول ايتدم
ديسه حواله صحیح اولماز
ماده ٦٨٩

اصالة ذمة مترتب اولان ديون صحیحهدنك حواله سی
صحیح اولدینغی کبی جهت کفالت و حواله دن طولایبی
ذمه مترتب اولان دینك حواله سی دخی صحیح اولور



(باب ثانی)

(احکام حواله بیاننده در)

ماده ٦٩٠

حواله نك حکمی بودر که محیل بور جندن و کفیلی وار
ایسه کفالتدن بری اولور . و محال علیه دن اول بور جی
مطالبه ایتک حقی محال لهه ثابت اولور . و مرتهن
برینی راهن اوزرینه حواله ایتدکده ارتق رهنی حبس
و توقیفه صلاحیتی قلز

ماده ٦٩١

محیل مطلق اوله رق حواله ایتدکده اکر محال علیه ده
اله جغنی بوغیسه بعد الادا محال علیه محیله رجوع ایدر .
واکر اله جغنی وار ایسه بعد الادا دینیه تقاص اولور

۶۹۲ ماده

حواله مقیده ده محیلک محال بهدن طولایی حق مطالبه سی
 منقطع اولور . و محال علیه ارتق انی محیله ویره مز .
 و ویرسه ضامن اولور . و بعد الضمان محیله رجوع
 ایدر . و قبل الادا محیل دیونی ترک سنندن ازید اولدیغی
 حالده فوت اولسه سائر دائئری محال بهه مداخله
 ایده مز لر

۶۹۳ ماده

بایعک مشتری ذمتده ثمن مبیع اولان اله جفندن ویرمک
 اوزره دیو مقید اولان حوالده مبیع قبل التسلیم هلاک
 اولوبده ثمن ساقط اولسه یا خود مبیع خییار شرط یا خییار
 رؤیت و یا خییار عیب ایله رد اولنسه و یا خود اقاله
 بیع ایلسه حواله باطن اولماز و محال علیه بعد الادا
 محیله رجوع ایدر یعنی ویردیکنی محیلدن الور اما
 مستحق چیقوبده مبیع ضبط اولنغله محال علیه اول
 دیندن بری ایوکی تین ایتسه حواله باطل اولور

۶۹۴ ماده

محیلک محال علیه یدنده امانت اولان مبلغندن ویرمک
 اوزره دیو مقید اولان حوالده مستحق چیقوبده اول

۱۱۸
مال ضبط اولسه حواله باطل اولور و بورج محيله

عودت ايدر

ماده ۶۹۵

محيلك محال اليه ينده كي مبلغندن ويرلك اوزره ديو
مقيد اولان حواله ده اول مبلغ تلف اولديغي صورته
اكر مضمون دكل ايسه حواله باطل اولور و بورج
محيله عودت ايدر . واكر مضمون ايسه حواله باطل
اولماز

مثلا بر كيمسه نك ينده كي امانت آچقه سندن ويرلك
اوزره دائني اول كيمسه نك اوزرينه حواله ايتدكه قبل
الاخذ اول آچقه بلا تعد تلف اولسه حواله باطل اولور
و دائنك اله جغي محيله عودت ايدر . اما اول آچقه
مال مقصوب اولسه يا خود امانت اولوبده اول كيمسه نك
اتلافيله اوده سي لازم كاسه حواله باطل اولماز

ماده ۶۹۶

بر كيمسه كندوسنك بر معين مالي صاتوبده نمندن ادا
ايتك اوزره دائني برينك اوزرينه حواله واو دخی
اول شرطله حواله بي قبول ايتسه صحيح اولور و محال
عليه اول مالي صاتوبده نمندن ديني ادا ايتك اوزره
اجبار اولنور

۶۹۷ ماده

حواله مبهمه ده یعنی محال بهک تعجیل و تأجیلی بیان
اولنمیان حواله ده دین ا کر محیل اوزرینه معجل ایسه
حواله معجله اولوب محال علیهک انی همان تأدیسه سی
لازم کاور و ا کر دین مؤجل ایسه حواله مؤجله
اولوب و عده سی حلوننده اداسی لازم اولور

۶۹۸ ماده

محال علیه دینی ادا ایتمدن محیله رجوع ایده مز
ور رجوع ایده جک اولدقده محال به ایله رجوع ایدر
یعنی نه جنس آقچه حواله اولنمش ایسه محیلدن انی
الور

یوخسه مؤدا ایله رجوع ایده مز

مثلا کومش آقچه حواله اولنوبده التون و رسه محیلدن
کومش آقچه الوب التون مطالبه ایده مز . کذلک
بشته اموال و اشیا ایله تأدیسه حواله اولنمان
آقچه بی الور

۶۹۹ ماده

محال بهک اداسیله یادیکر برینک اوزرینه حواله سیله
یاخود محال لهک محال علیهی اراسیله محال علیه
دیندن بری اولدیغی کبی محال له محال بهی هبه یاخود

تصدق ایدوبده محال علیه دخی قبول ایتسه كذلك
دیندن بری اولور
۷۰۰ ماده

محال له فوت اولوبده محال علیه اکا وارث اولسه
حواله نك حکمی قالماز
اراده سنیه تاریخی فی ۲۵ صفر سنه ۲۸۸

عن اعضاء شورای دولت ناظر دیوان احکام عدلیه
سیف الدین احد جودت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء دیوان احکام عدلیه
السید احد حلی السید احد خلوصی

عن اعضاء جمعیت ابن بابدین زاده عن اعضاء شورای دولت
علاء الدین محمد امین

— ❦ — كتاب الرهين — ❦ —

✽ صورت خط همایون ✽

(موجب عمل اولنه)

(کتاب خامس)

(رهن حقنده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی شاملدر)

(مقدمه)

(رهنه دائر اولان اصطلاحات فقهیه بیاندنه در)

۷۰۱ ماده

رهن • بر مالی اندن استیفاسی ممکن اولان بر حق مقابلنده

محبوس و موقوف قیلمدر و اول مائه مرهون دینلدیکی

کبی رهن رهن دخی دینلور

۷۰۲ ماده

ارتهان • رهن المقدر

۷۰۳ ماده

راهن • رهن ویرن کیمسه در

۷۰۴ ماده

مرتهن • رهن الان کیمسه در

۷۰۵ ماده

عدل • راهن و مرتهنك امنیت ایدوبده رهنی تودیع

و تسلیم ایتدکاری کیمسه در

(باب اول)

(عقد رهنه دائر مسائل بیانده اولوب اویچ فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(رکن رهنه دائر اولان مسائل بیاندهدر)

۷۰۶ ماده

راهن و مرتهنك ايجاب و قبولی ایله رهن منعقد اولور .

فقط قبض بولمدقجه تمام لازم اولور

بناء علیه راهن قبل التسليم رهنه در رجوع ایده یلور

۷۰۷ ماده

رهنك ايجاب و قبولی راهن بوشیمی سکا دینم مقابیلنده

رهن ایتدم دیوب یاخود بو ما آله دیگر برسوز سویلیوب

مرتهن دخی قبول ایتدم و یاخود راضی اولدم دینك

کی رضایه دلالت ایدر برسوز سویلیکدر . و رهن لفظنك

سویلمسی شرط دکادر

مثلا بری شو قدر غروشه برشی اشترا ایله باعه برمال

ویزوبده پاره بی ویرنجیه قدر بونی الیقوی دیسه اول مالی

رهن ایتمش اولور

(فصل ثانی)

(انعقاد رهنك شرطری بیانده در)

ماده ۷۰۸

راهن و مرهونك عاقل اولسی شرطدر . اما بالغ اولسی
 شرط دكلدر . حتی صبی بمیرك رهن و ارتهانی جائزدر

ماده ۷۰۹

مرهونك صاتفه صالح برشی اولسی شرطدر
 بناء علیه وقت عقدده موجود و مال متقوم و مقذور

التسلیم اولسی لازمدر

ماده ۷۱۰

مرهونك مقابلی مال مضمون اولق شرطدر
 بناء علیه مال مغصوب ایچون رهن المق جائزدر . اما
 ضمانت اولان مال ایچون رهن المق صحیح اولماز

(فصل ثالث)

(مرهونك زوائد متصله سی و عقد رهندن صکره)

(واقع اولان تبدیل و زیاده حقدده در)

ماده ۷۱۱

بیعه بلاذکر داخل اولان مشتملات رهنده دخی داخل
 اولدیغی کبی بر عرصه رهن ایدلدکده اوزرندکی بالجمله

اشجار پله میوه سی و مغروسات و مزروعات سارهمی
صراحة ذکر اولتمسه پله داخل اولور

۷۱۲ ماده

رهنك رهن آخره تبدیلی جائزدر

مثلا برکیمسه شوقدر غروش دینی مقابلنده بر ساعت
رهن ایتد کدن صکره بر قلیح کتور و بده ساعتک یرینه
بون، ال دیسه و مرتین دخی ساعتی رد ایله قلیحی السه
اول مبلغ مقابلنده قلیح مرهون اولور

۷۱۳ ماده

بعدالعقد راهنك مرهونی تزیدی جائزدر

یعنی برشی رهن ایتد کدن صکره هنوز عقد باقی ایکن اکا
دیگر بر مالی دخی رهن اوله رق علاوه ایتسی صحیح
اولور و بوزیاده اصل عقده ملحق اولور یعنی اصل
عقد کویا بر ایکی مال اوزرینه وارد اولمش اولور
و بر ایکی مالک مجموعی حین زیاده ده قائم اولان دینه

مرهون اولور

۷۱۴ ماده

بر دین مقابلنده بر مال رهن ایدل کده ینه اول رهه
مقابل اولق اوزره نینک تزیدی صحیح اولور
مثلا برکیمسه بیک غروش دینی مقابلنده ایکی بیک

غرو شلق بر ساعت رهن ایتد کد نصکره ینہ اول رهنہ
مقابل اولمق اوزره دایندن بشیوز غروش دها السہ
اول ساعت بیک بشیوز غروشہ رهن اولمش اولور
۷۱۵ مادہ

مرهوندن متولد زیادہ اصل مرهون ایله برابر مرهون
اولور

(باب ثانی)

(رهن و مرتہنہ متعلق بعض مسائل بیانندہ در)

۷۱۶ مادہ

مرتن خود بخود عقد رهنی فسخ ایدہ بیلور
۷۱۷ مادہ .

مرتہنک رضاسی اولد قجہ رهن عقد رهنی فسخ ایدہ من
۷۱۸ مادہ

• رهن و مرتہن بالاتفاق عقد رهنی فسخ ایدہ بیلور
قط بعد الفسخ مرتہنک اول رهن مقابلندہ کی الاجفی
راهندن استیفا ایدنجیمہ دکین رهنی حبس و امساکہ
صلاحیتی وارد

۷۱۹ مادہ

مکفول عنہک کفیلہ رهن ویرمی جائزدر

۷۲۰ ماده

برمدیونك ایکی داینی • كرك بریله شریك اولسون كرك
اولسون كندوسندن بر رهن السهلر جاژ اولور • و بو
رهن ایکی دینك مجموعی مقابلنده مرهون اولور

۷۲۱ ماده

بری ایکی کیسه ده اولان الاجعی ایچون بر رهن
السہ جاژ اولور • بودخی ایکی الاجعك مجموعنه
مرهون اولور

(باب ثالث)

(مرهونه متعلق مسائل بیاننده اولوب ایکی فصله)

(منقسمدر)

(فصل اول)

(مرهونك مؤنت و مصارفی بیاننده در)

۷۲۲ ماده

رهنی مرتهن بالذات بحفظ ایدر یاخود عیسالی یاشریکی
ویاخود خدمتجیسی کی امینی اولان کیسه یه حفظ ایتدیرر

۷۲۳ ماده

برکراسی و بکجی اجرتی کی رهنك محفظه سی ایچون
اولان مصرف مرتنه عائددر

۷۲۴ ماده

رهنك حيوان ايسه علفي و چوبان اجرتي و عقار ايسه
 تعميري و سقي و تلقيحي و او تيرينك آبقلا نسي و خرقنك
 تطهيري كبي بقاسي و اصلاح منافع ايجون اولان مصرف
 راهنه عائددر

۷۲۵ ماده

راهن مرتهندن و بريسي ديكرينه عائد اولان مصرفي خود
 بخود ايفا ايتسه تبرعدر صكره مطالبه ايدهمز

(فصل ثاني)

(رهن مستعار حقهنده در)

۷۲۶ ماده

بركيسه ديكر ك مالني استعمار ايدوبده انك اذنيه رهن
 ايتك جائز اولور . و بوكا رهن مستعار ديلور

۷۲۷ ماده

مال صاحبك اذني مطلق ايسه مستعيراني هر وجهه
 رهن ايده ييلور

۷۲۸ ماده

مال صاحبي شو قدر غروش و ياشو جنس مال مقابلنده
 يا خود فلان آدمه و يا خود فلان بلدهده رهن ايدلك
 اوزره ديو مقيدا اذن و ير دكده مستعير دخي انجتيق انك
 قيد و شرطنه موافق اوله رق رهن ايده ييلور

(باب رابع)

(رهنك احكامى بيانده اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(رهنك احكام عمومیه سی بیانده در)

۷۲۹ ماده

رهنك حكمی فكنه قدر مرتهنك حق حبسى اولوق
وراهن فوت اولدوقده سائر غرماندن احق اوله رق راهنك
رهنندن استيفای دین ایده بيلمكدر

۷۳۰ ماده

رهن بورجك مطالبه سنه مانع اوليوب رهنی قبض
ایتدكدنصكره دخی مرتهنك راهندن الاجفنی مطالبه یه
صلاحیتی باقیدر

۷۳۱ ماده

دینك بر مقدارى ایفا اولندوقده اكا مقابل رهنك بر
مقدارینی رد ایتك لازم كلیوب بقیه دینی تماماً استيفا
ایدنجه یه دك مرتهنك مجموع رهنی حبس و امساك صلاحیتی
واردر . فقط ایکی شی رهن اولندوقده هر بری ایچون
دیندن بر مقدار تعیین اولنمش ایسه بریسی ایچون تعیین

اولنسان مقدار ادا اولندوقده رهن يالکز اني تخليص

ايدہ پيلور

مادہ ۷۳۲

رهن مستعاري تخليص ايله کندويه تسليم ايتک اوزره

صاحبک رهن مستعيري مؤاخذه به صلاحيتي وارد ر.

ومستعير فقري سبيله اداء ديندن عاجز اولديغي صورته

معير اول ديني کندو طرفدن ادا ايله مالني رهندن

تخليص ايدہ پيلور

مادہ ۷۳۳

رهن ومرتھنک وقاتيله رهن باطل اولماز

مادہ ۷۳۴

رهن فوت اولدوقده ورثه سي کبار ايسه انک مقامنه

قائم اولوب ترکه دن تأديه دين ايله رهنی تخليص ايتلری

لازم اولور

واکړ ورثه صغار ايسه ياخود کبار اولوبده فائب

يعني مدت سفر بعيد اولان برده ايسه وصيدي مرتھنک

اذنيه رهنی صاتوب شمندن تأديه دين ايلر

مادہ ۷۳۵

رهن مستعير کړک بر حيات بولنسون کړک فک رهندن

مقدم فوت اولسون رهن مستعارک مقابلي اولان بورج

ادا اولندیجه معیر اولان کیمسه مالنی مرتهدن الهمز

۷۳۶ ماده

راهن مستعیر اولان کیمسه مفلس مدیون اولدیغنی حالده فوت اولسه رهن مستعار مرتهدن یدنده علی حاله مرهون قالور فقط معیرک رضاسی اولدیجه صاتیلاز . و معیر رهنی بیع ایله تأدییه دین ایده جک اولدوقده ثمنی دینه وفا ایدرسه مرتهدنک رضاسنه باقمقمزین صاتیلور . و اگر رهنک ثمنی دینه وفا ایتمز ایسه مرتهدنک رضاسی اولدیجه صاتیلهمز

۷۳۷ ماده

معیر اگر دینی ترکه سندن ازید اولدیغنی حالده فوت اولسه راهنه بالنفس دیلنی تأدییه ایله رهن مستعاری تخلیص ورد ایتمک اوزره امر اولنور . و اگر فقری سببیه تأدییه دیندن عاجز اولورسه اول رهن مستعار علی حاله مرتهدن عنندنه مرهون قالور

فقط ورثه معیر بورجی ادا ایله انی تخلیص ایده بیلورلر . و معیرک دایتری رهنک بیعنی مطالبه ایتمکرنده ثمنی دینه وفا ایدر ایسه مرتهدنک رضاسنه باقمقمزین صاتیلور . و اگر وفا ایتمز ایسه مرتهدنک رضاسی اولدیجه صاتیلهمز

۲۳۲
۷۳۸ ماده

مرتهن فوت اولدوقده رهن انگ ورته سی عندنده مرهون
اوله رق قالور

۷۳۹ ماده

ایکی کیمسه یه اولان دینی ایچون بر رهن و برعش اولان
راهن برینه اولان دینی ادا ایتمه رهنک نصفنی استرداد
ایده میوب ایکی سنک دخی اله جغنی تماماً ایضا ایتمدیکه رهنی
تخلیصه صلاحیتی یوقدر

۷۴۰ ماده

ایکی مدیونندن بر رهن الماش اولان کیمسه ایکی سنده
اولان الاجغنی تماماً استیفا ایدنجه به دک رهنی امساک
ایده بیلور

۷۴۱ ماده

رهنی راهن اتلاف یا خود تعییب ایتدکده ضامن اولسی
لازم کادیکی کبی مرتهن اتلاف یا خود تعییب ایتدکده
دخی قیمتی مقداری دیندن ساقط اولور

۷۴۲ ماده

آخر بر کیمسه رهنی اتلاف ایتمه یوم اتلافنده کی قیمتی
ویرر و اول قیمت مرتهن عندنده رهن اولور

(فصل ثانی)

(راهن و مرتهنك رهنده تصرفی حقیقه در)

۷۴۳ ماده

راهن و مرتهندين برينك اذنی اولقسزین دیکرینك رهنی
بشقه بر کیمسه یه رهن ایتسی باطلدر

۷۴۴ ماده

مرتهنك اذنیله راهن رهنی دیکره رهن ایتسه رهن
اول باطل و رهن ثانی صحیح اولور

۷۴۵ ماده

راهنك اذنیله مرتهن رهنی رهن ایتسه رهن اول باطل
و رهن ثانی رهن مستعار قبیلندن اولهرق صحیح اولور

۷۴۶ ماده

راهنك رضاسی اولقسزین مرتهن رهنی صاندقده
راهن مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسخ ایلر دیلرسه اجازت
ایله تنفیذ ایلر

۷۴۷ ماده

مرتهنك رضاسی اولقسزین راهن رهنی صاندقده بیعی
نافذ اولماز و مرتهنك حق حبسنه خال کاز . فقط
بورج ایفا اولنورسه اول بیع نافذ اولور

و کذا مرتهن اول بیعه اجازت ویرسه نافذ اولوب رهن
دخی رهنیتدن چیقهرق بورج حالی اوزره قالور و مبیعک
ثنی مبيع مقامنده رهن اولور . و اگر مرتهن اجازت
ویرمز ایسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه رهنک فیکنه
قدر بکلو و دیلرسه حاکمه مراجعت ایله بیعی فسخ ایتدیرر
۷۴۸ ماده

راهن و مرتهنندن بری دیگر ینک اذنیله رهنی آخر
بر کیسه یه اعاره ایده بیلور و بعده هر بری انی رهنیده
اعاده ایده بیلور
۷۴۹ ماده

مرتهن رهنی راهنه اعاره ایده بیلور
بوصورتده راهن فوت اولسه مرتهن ینه رهنه راهنک
سائر داینلرندن اسحق اولور
۷۵۰ ماده

راهنک اذنی اولدقجه مرتهن رهنندن انتفاع ایده مز
اما راهنک اذن و اباحه سیله مرتهن رهنی قولانور
و میوه و سوت، کبی حاصلاتی الوز و بونلرک مقابلنده
دیندن برشی ساقط اولماز
۷۵۱ ماده

مرتهن بر محله کیدر اولدقده یول امین ایسه رهنی برابر
کتوره بیلور

(فصل ثالث)

(یدعدله اولان رهنک احکامی بیانده در)

۷۵۲ ماده

ید عدل • ید مرتهن کبیدر

یعنی راهن و مرتهن رهنی امنیت ایتدکری بر کیسه یه
تودیع ایتدک اوزره مقاوله ایدوب او دخی راضی
اوله رق قبض ایتسه رهن تمام و لازم اولور • و اول
کیسه مرتهن مقامنه قائم اولور

۷۵۳ ماده

حین عقدده رهنی مرتهن قبض ایتدک اوزره شرط
ایدلدکن صکره راهن و مرتهن بالاتفاق یدعدله وضع
ایتسه لر جائز اولور

۷۵۴ ماده

دین باقی ایکن عدل اولان کیسه راهن و مرتهندن
برینک رضاسی اولدقجه رهنی دیکرینه ویره مز و ویررسه
استرداد صلاحیتی واردر • و قبل الاسترداد رهن
تلف اولسه عدل انک قیمتی ضامن اولور

۷۵۵ ماده

عدل فوت اولسه تراضی طرفین ایله رهن بر بشقه عدله

تودیع اولنور . واکر ینلرنده اتفاق حاصل اوله من
ایسه حاکم رهنی بر یدعدله وضع ایدر
(فصل رابع)

(بیع رهن حقهده در)

ماده ۷۵۶

راهن و مرتهندن بریسی دیکرینک رضاسی اولدقجه
رهنی صانه من

ماده ۷۵۷

دینک وقت اداسی حلول ایدوبده راهن اداسندن امتناع
ایتدکده رهنی بیع ایله ادای دین ایتک اوزره حاکم
طرفندن راهنه امر اولنور . اکر اباوعناد ایدرایسه
حاکم رهنی بیع ایله دینی ادا ایدر

ماده ۷۵۸

راهن غائب اولوبده حیات و مماتی معلوم اولسه مرتهن
رهنی بیع ایله الهجغنی استیفای ایتک اوزره حاکم
مراجعت ایدر

ماده ۷۵۹

رهنک فسادندن خوف اولنور ایسه مرتهن انی اذن
حاکم صانه بیلور و ثمن کندو یدنده رهن اولور . واکر
حاکم اذنی اولقسزین صاتارسه ضامن اولور

کذلک رهن اولان باغ و بستانک میوه و سبزه سی یتشوبده
تلف اولسندن خوف اولنسه پیله رای حاکم ایله
صاتیله بیلور اما خود بخود مرتهن صاتسه ضامن اولور
۷۶۰ ماده

دینک وقت اداسی حلول ایتدکده رهنی صاتمق اوزره
راهن مرتهنی یا عدلی یا خود بشقه برینی توکیل ایتسه
صحیح اولور. وارنق راهن اول و کیلی و کالتدن عزل
ایده مز. و راهن و مرتهندن برینک و قاتیله دخی منعزل
اولماز

۷۶۱ ماده

رهنی بیعه و کیلی اولان کیمسه دینک وقت اداسی حلول
ایتدکده رهنی بیع ایله ثمنی مرتهنه تسایم ایدر. واکر
ابا ایدر ایسه رهنی صاتمق اوزره راهنه جبر اولنور.
اودخی ابا و عناد ایدرسه حاکم صاتار
واکر راهن یا خود ورته سی غائب بولنور ایسه رهنی
صاتمق اوزره و کیله جبر اولنور. و عناد ایدرسه
حاکم کندو صاتار

اراده سنیه تاریخی فی ۲۵ صفر سنه ۲۸۸

وکیل درس و عن اعضاء مجلس رئیس جمعیت مجله و عن اعضاء

تدقیقات شرعیه مجلس تدقیقات شرعیه

السید خلیل عمر خلوصی

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء شورای دولت

اجد خلوصی سیف الدین

عن اعضاء جمعیت مجله ابن عن اعضاء دیوان احکام عدلیه

بابدین زاده علاء الدین اجد حلمی

مدیر مکتب نواب السید عن اعضاء مجلس تدقیقات

یونس وهی شرعیه عیسی روحی

— كتاب الامانات —

✽ صورت خط همایون ✽

موجبیجه عمل اولنه

(کتاب سادس)

(امانات حقنده اولوب بر مقدمه ایله اویچ بابی مشتملدر)

(مقدمه)

(اماناته متعلق اصطلاحات فقهیه بیاننده در)

۷۶۲ ماده

امانت • امین اتخاذ اولنان کیسه نزدنده بولنان

شیدر

کرك و دیعه کبی عقد استحقاق ایله امانت ایدلسون

و کرك مأجور و مستعار کبی بر عقد ضمننده امانت اولسون

و کرك بر کونه عقد و قصد اولمقسزین بر کیسه نك بدینه

امانت یکسون • نته کیم روز کار ایله بر کیسه نك خانه سنه

قومشوسنك بر مالی دوشسه عقد اولدیغی جهتمله اول

مال خانه صاحبی نزدنده و دیعه اولمیوب فقط امانتدر

۷۶۳ ماده

و دیعه • حفظ ایچون بر کیسه یه ایداع اولنان مالدر

۷۶۴ ماده

ایداع • کندو مالک محافظه سنی دیکره احاله ایتمکدر

که احاله ایدن کیمسه یه دالت کسریله مودع و قبول ایدن
 کیمسه یه و دیع و دالت فتحیله مستودع دینلور
 ماده ۷۶۵

عاریت • مجانا یعنی بلا بدل منفعتی تملیک اولنان مال
 در که معار و مستعار دخی دینلور
 ماده ۷۶۶

اعاره • عاریت ویرمکدر که ویرن کیمسه یه معیر دینلور
 ماده ۷۶۷

استعاره • عاریت المقدر که الان کیمسه یه مستعیر دینلور

(باب اول)

(اماناته دائر بعض احکام عمومیه بیانده در)

ماده ۷۶۸

امانت مضمون لازم دکدر

یعنی امینک صنع و تقصیری اولتسزین تلف یا ضایع
 اولدیغی تقدیرده ضمان لازم کلز

ماده ۷۶۹

بر کیمسه یولده یا خود دیگر محله برشی بواوبده کندوسنه
 مال اولوق اوزره اخذ ایتسه خاصب حکمنده اولور
 بونک اوزرینه اول مال تلف یا ضایع اولدیغی حالده

۲۵۱
کند و سنک صنع و تقصیری اولسه بیلکه ضامن اولور .
اما صاحبنه و یرمک اوزره اولدیغی صورته اکر صاحبی
معلوم ایسه ینده صرف امانتدر صاحبنه تسلیم ایتسی
لازم کلور . و اکر صاحبی معلوم دکلسه لقطه در
که ملتقط اولان یعنی بولوب الان کیسه ینده امانتدر
۷۷۰ ماده

ملتقط بر لقطه بولدیغی اعلان ایتدیرر . و صاحبی ظهور
ایدنجه یه دک نزدنده امانت اولمق اوزره حفظ ایدر و بر
کیسه ظهور ایله کندو مالی اولدیغی اثبات ایدر ایسه
اکا تسلیم ایتسی لازم کلور
۷۷۱ ماده

بر کیسه نزدنده دیکرک مالی قضار ائلف اولدیغی صورته
اگر صاحبنک اذنی اولقسزین المش ایسه بهر حال
ضامن اولور . و اکر صاحبنک اذنیله المش ایسه
ینده امانت اولغیله ضامن اولماز . فقط سوم شرا
صورتنده ثمن تسمیه اولندیغی حالده ضمان لازم کلور
مثلا بر کیسه سرچه جی دکاندن خود بخود برکاسه
الوبده نندن دوشهرک قیرلسه ضامن اولور . و اکر
صاحبنک اذنیله الوبده نظر ایدر کن قضار ایره دوشوب
قیرلسه ضمان لازم کلر . و اول کاسه دیکر برطاقم

کاسه لر اوزرینه دوشه رک قیریلوب انلری دخی قیرسه
 بو کاسه لرک ضمانی لازم کلور انجق اول کاسه امانت
 اولمغله ینه انک ضمانی لازم کلز . اما بو کاسه قاج
 غروشه در دیوب دکانجی دخی شو قدر غروشه در ال
 دیدگدنصکره انه الویده یره دوشه رک قیرلسه ضامن اولور
 کذلک برکیمسه شربت ایچرکن شربتچینک بارداغی الندن
 دوشوبده قیرلسه عاریت قیلندن امانت اولمغله ضمان
 لازم کلز . فقط کندوسنک سوء استعمالندن ناشی دوشمش
 ایسه ضامن اولور

۷۷۲ ماده

دلالة اذن صراحة اذن کبدر . فقط صراحة نهی
 وار ایسه دلالته اعتبار اولنماز
 مثلا برکیمسه برینک اذنیله خانه سنه داخل اولدقه میدانده
 طوران قدح ایله صو ایچمه که دلالة مأذوندر . وصو
 ایچرکن قضارا یدندن قدح دوشوبده قیرلسه ضمان لازم
 کلز

فقط صاحب خانه اول قدحه طوقمه دیو نهی ایتیشکن
 انه الویده دوشه رک قیرلسه ضامن اولور

(باب ثانی)

(ودیعه حقیقه اولوب ایکی فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(عقد و شرط ایداعه متعلق مسائل بیاندهدر)

۷۷۳ ماده

صراحة یاخود دلالة ایجاب و قبول ایله ایداع منعقد

اولور

مثلا صاحب ودیعه شومالی سکا ایداع ایتدم یاخود امانت

ایلدم دیوب مستوع دخی قبول ایتدم دیسه صراحة

ایداع منعقد اولور

و کذا بر کیمسه خانه داخل اوله رق خانجی به حیوانمی

زهی به باغلیسه یم دید کده خانجی بریر کوسستروب اودخی

اورایه باغلیسه دلالة ایداع منعقد اولور

کذلاک بر کیمسه مالنی برد کانبجینک یانسه براغوب کیتسه

اودخی کوروت سکوت ایتسه اول مال اول دکان صاحبی

زندنه ودیعه اولور . واکر دکان صاحبی قبول ایتتم

دیهرک رد ایتسه ایداع منعقد اولماز

و کذلاک بر کیمسه مالنی ودیعه اولوق اوزره بر قاج کشینک

یانه براغوب کیتسه وانر دخی کوروب سکوت ایتسه لر
 اول مال جله سنک زنده و دیعه اولور فقط برر بر اول
 محلدن قالقوب کیتسه لر اک صکره قالان کیتسه حفظه
 تعین ایتکله اک زنده و دیعه اولمش اولور

۷۷۴ ماده

مودع ایله مستودعدن هر برینک هر نه وقت دیلر سه
 عقد ایداعی فسخه صلاحیتی واردر

۷۷۵ ماده

ودیعه نك وضع یده قابل و قبضه صالح اولسی شرطدر
 بناء علیه هواده کی قوشک ایداعی صحیح دکلدر

۷۷۶ ماده

مودع ایله مستودعک عاقل و میمز اولملری شرطدر
 بالغ اولملری شرط دکلدر

بناء علیه مجنونک و صبی غیر میزک ایداع و و دیعه بی
 قبول ایتلمی صحیح دکلدر اما مأذون اولان صبی میزک
 ایداعی و و دیعه بی قبول ایتلی صحیحدر

(فصل ثانی)

(و دیعه نك احکامی و ضماناتی بیانده در)

۷۷۷ ماده

ودیعه ید مستودعه امانتدر

بناء عليه مستودعك صنع و تعديسي و حفظه تقصيري
اولمقرين تلف يا ضايع اولسه ضمان لازم كلز . فقط
اجرتله حفظ ايجون ايداع اولمش ايسه ممكن التجرز
اولان برسيله تلف يا ضايع اولديغي صورته مضمون اولور
مثلا بر كيمسه نك يندن قضار اولديعه اولان ساعت دوشوبده
قيرلسه ضمان لازم كلز اما ساعتی چكنه سه يا خود الندن
برشی دوشوبده ساعت قيرلسه ضمان لازم كلور . كذلك
بر كيمسه مالني ديكره ايداع و حفظ ايجون اكا اجرت
اعطا ايتد كدن صكره اول مال سرقت اولمق كبي ممكن التجرز
اولان برسيدن ناشی ضايع اولسه مستوعه ضمان لازم

كلور

۷۷۸ ماده

مستودعك خدمتكارى يندن وديعه اوزرينه برشی
دوشوبده وديعه تلف اولسه خدمتكار ضامن اولور

۷۷۹ ماده

وديعه حقنده صاحبك راضی اولديغي شیی يامق

تعديلر

۷۸۰ ماده

مستودع وديعه بي كندو مالی كبی بالذات حفظ ايدر
يا خود امینی اولان كيمسه يه حفظ ايتديرر

وامینی عندئذ تعدی و تقصیر اولقسمین تلف یا ضایع
اولسه کرب مستودعه و کرب امینه ضمان لازم کلز
۷۸۱ ماده

مستودع کندو مانی زرده حفظ ایدر ایسه و دیعه بی
دخی اوراده حفظ ایده بیلور
۷۸۲ ماده

و دیعدنک امثالی وجهله محافظه سی لازمدر
بناء علیه نقود و مجوهرات مثلاً اموالی اخور و صمانلق
کی برلده طومق حفظده تقصیر اولغله بو حالده تلف
یا ضایع اولسه ضمان لازم کلور
۷۸۳ ماده

مستودع متعدد اولدوقدا کر و دیعه قابل قسمت دکاسه
برینک اذینله دیکری حفظ ایدر یا خود بالناوبه حفظ
ایدرلر

و بو حالده و دیعه بلا تعد و لا تقصیر تلف اولسه برینه
ضمان لازم کلز

و اگر و دیعه قابل قسمت ایسه مستودع لر آنی بیلرنده
سویا تقسیم ایله هر بری حصه سی حفظ ایدر
و بریسی حصه سی مودعک اذنی اولدوقجه مستودع
آخره ویره مز و پرونده آخرک بدنده ایکن بلا تعد و لا

۱۷۸
تقصیر تلف یا ضایع اولسه الانه ضمان لازم کلز . اما
ویرن کندو حصه سنی ضمان اولور
۷۸۶ ماده

عقد ایداعده ایراد اولنان شرط اگر ممکن الا جراومفید
اولور ایسه معتبر در دکل ایسه لغو در
مثلا مستودعك خانه سنده حفظ اولنمق شرطیله بر مال
ایداع اولنمشیکن حریق وقوعیله دیگر محله نقلنه مجبوریت
کلدکده اول شرطه اعتبار اولنماز و بوصورته و دیعه
دیگر محله نقل اولنوبده بلا تعد ولا تقصیر تلف یا ضایع
اولسه ضمان لازم کلز

و کذا مودع مستودعه و دیعه نك حفظنی امر ایدوبده
زوجه سنه یا اوغلمنه یا خود خدمتکارینه و یا خود کندو
طانی حفظ ایده کلان بر کیمسه یه ویرمکدن نهی ایتدکده
اگر اول کسنه یه ویرمکده مجبوریت و ارایسه نهی معتبر
اولماز . بوصورته مستودع و دیعه یی اول کسنه یه
ویروبده بلا تعد ولا تقصیر تلف یا ضایع اولسه ضمان
لازم کلز . و اگر مجبوریت یوق ایکن ویررسه ضمان
اولور

کذلک خانه نك فلان او طه سنده حفظ اولنمق شرط
اولنمشیکن مستودع انی اول خانه نك دیگر او طه سنده

حفظ ايتديكى صورتده اكر اول او طه لر امر محافظه ده
 مساوى ايسه لر اول شرطه اعتبار اول نماز
 و بو حالده وديعه تلف اولسه كذاك ضمان لازم كلز .
 اما او طه لك برى كار كير و ديكرى اخشاب اولق كبي
 بينلرنده تفاوت بولسه شرط معتبر اولوب مستودع انى
 مشروط اولان او طه ده حفظ ايتمكه مجبور اولور .
 و حفظده اول او طه نك مادونى اولان او طه يه قويوبده
 تلف اولسه ضامن اولور

۷۸۵ ماده

و ديعه نك صاحبي غائب اولوبده حيات و مماتى معلوم
 اولسه مستودع انى صاحبنك وقاتى تين ايدنجيه دك
 حفظ ايدر

فقط وديعه طور مغله بوزيله جق شيلردن اولديغى حالده
 حاكك اذنيه صاتوب ثمنى نزدنده امانت اوله رق حفظ
 ايديه ييلور . اما صا تمبوبده طور مغله بوزلسه ضمان
 لازم كلز

۷۸۶ ماده

آت و اينك كبي نفقه يه محتاج اولان و ديعه نك نفقه سى
 صاحبنه عاندر صاحبي غائب اولدقده مستودع اولان
 كيسه حاكه مراجعت ايدوب اودخى صاحب وديعه

حقیقته اصلاح و انفع اولان صورتک اجراسنی امر ایله
شویله که ودیعه نیک ایجاری ممکن ایسه مستودع انی رأی
حاکمه ایجار ایدوب اجرتدن انفاق ایدر یاخود ثمن
مثلیله صاتار و ایجاری ممکن دیکسه کذلک رأی حاکمه
همان یاخود اوچ گونه قدر کندو مالندن انفاق
ایتدکن صکره ثمن مثلیله صاتوب نهایت اوچ کونک
مصرفنی دخی صاحبندن ایستر . اما حاکم اذنی
اولقسزین مصرف ایدر ایسه مودعدن الهاماز

۷۸۷ ماده

مستودعک تعدی و یا تقصیری حالنده ودیعه تلف و یاخود
قیمته نقصان طاری اولسه ضامن لازمکلور
مثلا مستودع کندوسنده ودیعه اولان نقودی امورینه
صرف ایله استهلاک ایسه ضامن اولور . بوضورتده
زنده امانت اولان برکیسه نقودی اولوجهله صرف
ایدوبده بعد کندو مالندن یرینه قویقدن صکره تعدی
و تقصیر اولقسزین ضایع اولسه ضماندن قورتیله مز
و کذا مستودع یئنده ودیعه اولان حیوانه بلا اذن بنوبده
کیدر کن کرک فوق العاده سورمکله و کرک دیکر سببیه
و کرک بلا سبب تلف اولسه و یاخود اثنای راهده سرقت
اولسه مستودع اول حیوانی ضامن اولور

کذلك حريق وقوعنده مستودع وديعه يديكر محمله نقله
مقتدر ايكن نقل ايتيوبده محترق اولسه ضمان لازم كلور
۷۸۸ ماده

وديعه يي صاحبك اذني اولقسزين ديكر مال ايله
يكديكرندن تفريق اولنه ميه جق صورتده قارشدير مق تعديدر
بناء عليه مستودع كندوسنده وديعه اولان بر مقدار يوزلك
التونلري كندوسنك يوزلك التونلرله ياخود بر بشقه سنك
وديعه اولان يوزلك التونلرله بلا اذن قارشدير دقن
صكره ضمايع اولسه ياخود سرقت اولسه ضامن اولور .
وكذا مستودعدن بشقه بر كيسه مذكور التونلري اولوجهله
قارشدير سه اول كيسه ضامن اولور
۷۸۹ ماده

مستودع اكر وديعه يي صاحبك اذنيه ماده آتبه ده
بيان اولنديغي اوزره ديكر مال ايله قارشدير سه ياخود
كندوسنك صنعى المقسزين اينجى مال بر بريله كذلك
يكديكرندن تفريق اولنميه جق صورتده قارشيسه مثلا
بر صندوق دروننده وديعه اولان التون كيسه سى يرتيلوب
ايچنده كي التونلر ديكر التونلرله قارشيسه مجموعنده
مستودع ايله صاحب وديعه حصه لري مقدار نجه شريك
اولورلر . بو حالده بلا تعد ولا تقصير تلف و ضمايع اولسه
ضمان لازم كلز

۷۹۰ ماده

مستودع ودیعه‌ی بلا اذن آخره ایداع ایدہ مزہ ایدوبدہ
بعده تلف اولسہ ضامن اولور

واکر مستودع ثانینک تعدی یا تقصیری ایله تلف اولمش
ایسہ مودع دیلرسہ مستودع ثانی یہ تضمین ایتدیرر و دیلرسہ
مستودع اولہ تضمین ایتدیروب اودخی مستودع ثانی بی
رجوع ایدر

۷۹۱ ماده

مستودع ودیعه‌ی آخرکسنہ یہ ایداع ایدوبدہ مودع مجیز
اولسہ مستودع اول ارہدن چیقوب اول کسنہ مستودع
اولور

۷۹۲ ماده

مستودع ودیعه‌ی صاحبنک اذنیله استعمال ایدہ بیلدیکی
کبی آخره ایجار و اعاره ورهن دخی ایدہ بیلور
اما صاحبنک اذنی اولقسزین آخره ایجار یا اعاره و یارهن
ایدوبدہ و دیعه مستأجر یا مستعیر یا خود مرتہن یلندہ
تلف یا ضایع اولسہ یا خود قیمتنہ نقصان کسہ مستودعه
ضمان لازم کلور

۷۹۳ ماده

مستودع امانت افچہ بی بلا اذن آخره اقراض و تسلیم

ایدوبده صاحبی مجیز اولسه مستودع اول اقچه بی ضامن
اولور

کذلک کندوسنده ودیعه اولان اقچه ایله صاحبک آخره
اولان دینی ادا ایتدکده صاحبی راضی اولسه ضامن
اولور

۷۹۴ ماده

ودیعه بی صاحبی طلب ایتدکده کندوسنه رد و تسلیمی لازم
کلورورد تسلیم مؤنتی یعنی کافی و مصر فی مودعه مائد
اولور

و مودع طلب ایتدکده مستودع ویرمیوبده و دیعه تلف
یا ضایع اولسه ضامن اولور

قطت حین طلبده و دیعه اوزاق محلده بولمق کبی بر
عذر دن ناشی ویرمیوبده تلف یا ضایع اولمش ایسه اول
حالده ضمان لازم کلز

۷۹۵ ماده

مستودع و دیعه بی بالذات، یا خود امینی ایله رد و تسلیم
ایدر . و امینی ایله رد و ارسال ایتدیکی صورتده قبل
الوصول و دیعه بلا تعد و لاتقصیر تلف یا ضایع اولسه
ضمان لازم کلز

۷۹۶ ماده

ایکی کیسه مشترک مالربنی بر کیسه یه ایداع ایتدکن
صکره اول شریک کردن بریسی کل و بده آخرک غیه باند
حصه سنی مستودعدن طلب ایتدکده ودیعه اکر مثلیاتدن
ایسه مستودع انک حصه سنی کند و سنه ویرر . و اکر
قیمتدن ایسه ویرمز

۷۹۷ ماده

ودیعه بی تسئیده مکان ایداع معتبر در
مثلا استانبولده ایداع اولنان متاع ینه استانبولده تسلیم
اولنور ادرنه ده تسلیم ایتک اوزره مستودعه جبر
اولنه ماز

۷۹۸ ماده

ودیعه نك منافعى صاحبكدر
مثلا امانت اولان حیوانك یاوریسی و سوتی و یوکی
صاحبنه عائد اولور

۷۹۹ ماده

صاحب و دیعه غائب اولو بده اوزرینه نفقه سی واجب
اولان کیسه نك مراجعتی اوزرینه حاکم اول غائبک و دیعه
اولان آچه سندن اول کیسه یه نفقه تقدیر ایتدکده
مستودع کند و یندنه و دیعه اولان آچه دن اول

کیمسه نك نفقه سنه صرف ایتسه ضمان لازم کلز
 فقط حاکمک امری اولقسزین صرف ایدر ایتسه ضمان
 اولور

۸۰۰ ماده

مستودعه جنون عارض اولوبده صحو و افاقندن یأس
 کلدکده قبل الجنه اخذ ایتش اولدیغی و دیعه عیناً موجود
 اولسه صاحبی بر معتبر کفیل کوستره رک مجنونک مانندن
 تضمینه صلاحیتی واردر

فقط صکره کندویه افاقت کلوبده و دیعه بی صاحبنه
 رد ایتش یا خود بلا تعد و لاتقصیر و دیعه تلف یا ضایع
 اولمش ایدوکنی بیان ایدر ایتسه یمینیه تصدیق اولنه رق
 اخذ اولمش اولان اچقه سنی استرداد ایلر

۸۰۱ ماده

مستودع فوت اولدقده و دیعه عیناً ترکه سنده بولندیغی
 صورته وارثی یدنده دخی امانت اولمخله صاحبنه رد
 اولور

اما عیناً ترکه سنده بولندیغی صورته اکر مستودعک
 حال حیاتنده اول و دیعه بی صاحبنه رد ایتدم یا خود
 بلا تعد ضایع اولدی دیمک کبی بر صورته و دیعه نك حالی

بیان و تقریر ایلدیکنی وارثی اثبات ایدر ایسه ضمان
لازم کلز

کذلک وارث و دیعه یی بیلورز شریله ایدی بویله ایدی
دیو توصیف و تفسیر ایدرک مستودعک و فاتندن صکره
بلا تعد و لا تقصیر ضایع اولدیغنی بیان ایتسه یمینیه
تصدیق اولنهرق ضمان لازم کلز

و اکر مستودع و دیعه نك حالی بیان ایتماش ایسه مجهلا
فوت اولمش دیمک اولمسایله دیون سائره کبی ترکه سندن
استیفا اولنور

و کذا وارثک و دیعه یی توصیف و تفسیر ایتیه رک مجرد بز
و دیعه یی بیلورز ضایع اولدی دیمسی معتبر اولمیوب
اولوجهله ضایع اولدیغنی اثبات ایده مدیکی صورته
ترکه دن ضمان لازم کلور

۸۰۲ ماده

مودع فوت اولدقده و دیعه وارثه ویریلور . فقط ترکه
مستغرق بالدين ایسه حاکه مراجعت ایدیلور
وا کر حاکه مراجعت ایتکسزین مستودع آنی وارثه
ویروپ او دخی استهلاک ایتسه مستودع ضامن اولور

۸۰۳ ماده

و دیعه نك تضمینی لازم کلدکده مثلیاتدن ایسه مثلی

قیامت دن ایسه ضمانتی موجب اولان شئیك یوم و قیر عنده کی
قیمتی ویرمک لازم کلور

(باب ثالث)

(عاریت حقننده اولوب ایکی فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(عقد و شرط اعاره یه متعلق مسائل بیاننده در)

۸۰۴ ماده

اعاره ایجاب و قبول ایله و تعاطی ایله منعقد او اور
مثلا بر کیسه برینه شو مالی سکا اعاره ایتدم یا خود
عاریت ویردم دیوب او دخی قبول ایلدم دیسه یا خود بر
شیء سویلیه رك قبض ایتسه و یا خود بری دیگرینه شو
مالی بکا عاریت ویر دیوب او دخی ویرسه اعاره منعقد
اولور

۸۰۵ ماده

معیرك سکوتی قبول صائلاز
بناء علیه بر کیسه برندن برشی عاریت استیوبده صاحبی
سکوت ایلش اولدیعی حالده السه غاصب اولور

۸۰۶ ماده

معیر ایستدیکی وقت اعاره دن رجوع ایده یلور

۸۰۷ ماده

معبر و مستعیر دن هر قنغیسی فوت اولسه عقد اعاره
منفسخ اولور

۸۰۸ ماده

مستعارك انتفاعه صالح اولسی شرطدر
بناء علیه فراری حیوانك اعاره واستعاره سی صحیح دکلدر
۸۰۹ ماده

معبر و مستعیرك عاقل و ممیز اولمیری شرطدر . بالغ
اولمیری شرط دکلدر

بناء علیه مجنون ایله صبی غیر ممیزك اعاره و استعاره لری
جائز اولماز اما صبی مأذونك اعاره و استعاره سی جائز
اولور

۸۱۰ ماده

عاریتده قبض شرط اولوب قبل القبض حکمی یوقدر
۸۱۱ ماده

مستعارك تعیینی لازمدر

مثلا تعیین و تحبیر اولقسزین ایکی بار کیردن بری اعاره
اولسه صحیح اولیوب معبر هر قنغیسی اعاره ایده جک
ایسه تعیین ایتمی لازمدر فقط هر قنغیسی الور ایسهك
ال دیو مستعیری تحبیر ایسه اعاره صحیح اولور

(فصل ثانی)

(عاریتک احکام و ضماناتی بیاننده در)

۸۱۲ ماده

مستعیر بلا بدل عاریتک منفعته مالک اولور
 بناء علیه معیر بعدالاسعمال مستعیر دن اجرت طلب
 ایده مز

۸۱۳ ماده

عاریت مستعیر یدنده امانتدر • بلا تعد ولا تقصیر تلف
 یا ضایع اولسه یا خود قیمتنه نقصان کسه ضمان لازم
 کلز

مثلا عاریت آینه قضارا مستعیرک الندن دوشمکله یا خود
 آیانی قایوبده کندوسی آینه یه چار پمغله قیرلسه ضمان
 لازم کلز • كذلك عاریت کچه اوزرینه قضارا برشی
 دو کولمکله لیکه نو بده قیمتنه نقصان کسه ضمان لازم کلز

۸۱۴ ماده

مستعیرک برکونه تعدیسی یا تقصیری واقع اولدقده
 ارتق هر نه سببله اولور ایسه اولسون عاریت تلف
 اولسه یا خود قیمتنه نقصان کسه ضمان لازم کلور
 مثلا مستعیر ایکی کونده وارله جق محله عاریت حیوان

ایله بر کونده کیدو بده اول حیوان تلف اولسه یا خود
 ز بون اوله رق قیمتنه نقصان کسه ضمان لازم کلور
 و کذا بر محله قدر استعاره ایتدیکی حیوان ایله اول
 محله وارو بده دها ایلرویه تجاوز ایتدکنصکره حتف
 انقه حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور

کذاک بر کیسه بر کردانلق استعاره ایله بر صبینک بوینه
 طاقوب و یاننده کوزه دیکیمی اولدیغی حالده براغوبده
 سرقت اولندقده اکر صبی اوزرنده کی اشیایی حفظه
 قادر ایسه ضمان لازم کلر اما قادر دکل ایسه ضمان

لازم کلور

۸۱۵ ماده

مستعارک نفقه سی مستعیر اوزرینه در

بناء علیه مستعیر عاریت حیوانه علف و یرمیو بده تلف
 اولسه ضامن اولور

۸۱۶ ماده

اعاره مطلقه ده یعنی معیرک اعاره بی زمان و مکان و بر نوع
 انتفاع ایله تقید ایتدیکی صورتده عاریتی مستعیر دیلدیکی
 زمان و مکانده دیلدیکی وجهله استعمال ایدیلور . فقط
 عرف و عادت ایله تقید ایدر

مثلا بر کیسه بار کیرینی اولوجهله مطلق اوله رق اعاره

ایتد کده مستعیر اکا دیله دیکی وقت بنر و دیله دیکی محله کیدر .
 فقط عادت اوزره ایکی ساعتده کیدیله جگ محله بر ساعتده
 کیده مز

کذلک مطلق اوله رق اعاره اولنان بر خان او طده سنده
 مستعیر دیلر سه ساکن اولور و دیلر سه امتعه وضع ایدر .
 فقط عرف و عادتک خلافی اوله رق ایچنده تیمور جیلک
 ایده مز

۸۱۷ ماده

اعاره زمان و مکان ایله تقیید اولندقده قید معتبر اولوب
 مستعیر اکا مخالفت ایده مز

مثلا اوچ ساعت بنک اوزره استعاره اولنان حیواند درت
 ساعت بنیله مز و بر محله کیتک اوزره استعاره اولنان
 حیوان ایله بشقه محله کیدیله مز

۸۱۸ ماده

اعاره بر نوع انتفاع ایله تقیید اولندقده مستعیر مأذون
 اولدیغی انتفاعک مافوقنه تجاوز ایده مز . اما اکا
 مساوی یا اهون صورتده استعمال ایله مخالفت ایده بیلور
 مثلا بغدادی یوکلتک ایچون استعاره اولنان حیوانه تیمور
 یاخورد طاش یوکلدیله مز . اما بغدایه مساوی یاخورد
 اندن اخف بر یوک تحمیل اولنه بیلور . و کذا بنک ایچون

استعاره اولنان حیوانه یوک یوکدیلله مز • اما یوک ایچون
استعاره اولنان حیوانه بنیله بیلور

۸۱۹ ماده

معیرا کر منفعتی تعیین ایتمکسزین مطلق اوله رق اعاره
ایتمش ایسه مستعیرک انی اطلاق اوزره استعماله
صلاحیتی واردر

یعنی دیلرسه انی کندو استعمال ایدر و دیلرسه بشقه سنه
اعاره ایله استعمال ایتدیرر

عاریت کرک او طه کبی مستعملینک اختلافیله مختلف
اولمیان شیردن اولسون و کرک بنک آتی کبی مستعملینک
اختلافیله مختلف اولان شیردن اولسون

مثلا بر کیمسه او طه می سکا اعاره ایتدم دیدیکی صورتده
مستعیرانده دیلرسه کندو اقامت ایدر و دیلرسه بشقه سنی
اسکان ایدر

و کذا شو آتی سکا اعاره ایتدم دیدیکی صورتده مستعیر
دیلرسه اول آته کندو بنر و دیلرسه بشقه سنی بندیرر

۸۲۰ ماده

منفعتک تعیینی مستعملینک اختلافیله مختلف اولان شیرده
معتبردر • و مختلف اولمیان شیرده معتبر دکدر • فقط

معیرانی بشقه سنه ویرمه دیو نهی ایتمش ایسه مستعیر بهر
حال انی بشقه سنه استعمال ایتدیره مز

مثلا سنک رکوبک ایچون بو آتی سکا اعاده ایتدم دیدیکی
صورتده مستعیر اول آته اوشاغنی بندیره مز . اما سنک
اقامتک ایچون بو اوطه بی اعاره ایتدم دیدیکی صورتده
مستعیر کندو اقامت ایده بیلدیکی کبی بشقه سنی دخی اسکان
ایده بیلور . فقط بشقه سنی اسکان ایتمه دیمش ایسه ایده مز
۸۴۱ ماده

بر محل معینه دیو حیوان استعاره اولدوقده یولار متعدد
اولسه مستعیر عادت اوزره ناسک سلوک ایتدیکی یولاردن
هر قنغیسیمله دیلر سه کیده بیلور . اما معتاد اولمیان
یولدن کیدوبده حیوان تلف اولسه ضامن اولور
کذالك معیرک تعیین ایتدیکی یولک غیر ی بر یولدن
کیدوبده حیوان تلف اولدوقده اکر مستعیرک سلوک
ایتدیکی یول دها اوزاق یا غیر مأمون و یا خود خلاف
معتاد ایسه مستعیره ضامن لازم کلور
۸۴۲ ماده

بر کسنه بر قادیندن زوجنک ملکی اولان بر شیبی عاریت
ایستیوب و اودخی بلا اذن و یرویده اول شی شایع
اولدیغی صورتده اکر درون خانه ده و علی جری

العاده زوجته نك ينده بولنان اشيدان ايسه كرك اول
 قدينه و كرك مستعيره ضمان لازم كلز . دكل ايسه مثلا
 آت كبي قادينز ينده بولنيمان برشي ايسه زوج ديلرسه
 زوجته سنه و ديلرسه مستعيره تضمين ايتديرون

۸۲۳ ماده

معيرك اذني اولقسزین مستعير عاریتی آخره ايجار
 يا خود رهن ایده مز و بر بلده ده کی بورجنه رهن ایتک
 اوزره استعاره ایتدیکی مالی آخر بلده ده کی بورجنه رهن
 ایده مز . ایدوبده عاریت تلف یا ضایع اولسه ضمان

لازم کلور

۸۲۴ ماده

مستعير عاریتی آخره ایداع ایده بیلور . وید مستودعه
 بلا تعد و تقصیر تلف اولسه ضمان لازم کلز

مثلا بر محله کیدوب کلک اوزره استعاره ایتدیکی بار کیر
 ایله اورایه وارد قده بار کیر یوریلوب قالمقده اوراده برینه
 ایداع ایتدکن صکره بار کیر حتف انفه تلف اولسه ضمان
 لازم کلز

۸۲۵ ماده

معير عاریتی طلب ایتدکه مستعيرك هم ان رد و تسلیمی
 لازم کلور . و بلا عذر توقیف و تاخیر ایدوبده عاریت

تلف یا ضایع اولسه یا خود قیمتند نقصان کاسه ضامن
اولور

۸۲۶ ماده

نصا یادلالة موقت اولان عاریتک ختام مدتده معیره ردی
لازمدر . فقط مکث معتاد معفودر

مثلا فلان کون وقت عصره قدر استعمال اولنمق اوزره
استعاره اولنان حلیاتی اول وقتک حلوننده رد اعاده

لازمدر . کذلک فلانک دو کوننده قوللانمق اوزره
استعاره اولنان حلیاتی اول دو کونک ختامنده رد واعاده

لازمدر . فقط بونی رد واعاده ایچون معتاد اولان
مرتبه وقتک مروری معفودر

۸۲۷ ماده

بر ایش ایچون بر شی استعاره اولندقدده اول ایشک
خطامنده عاریت مستعیر یکنده ودیعه کی اولور . ارتق

انی استعمال ایده مز و مکث معتاددن زیاده توقیف
ایده مز ایدو بده تلف اولسه ضامن اولور

۸۲۸ ماده

ناریتی مستعیر بنفسه یا خود امینی ایله معیره رد ایدر .
امینی اولیان کسننه ایله رد ایدو بده قبل الوصول تلف

یا ضایع اولسه ضامن اولور

۸۲۹ ماده

مجوهرات کبی اشیای نفیسه دن اولان عاریتی معیرک
 کندوسنه تسلیم ایتک لازمدر
 اما سائر عاریتی عرف و عادتده تسلیم عد اولنان محله
 کوتورمک و یا معیرک خدمتکارینه و یرمک رد و تسلیمدر
 مثلا عاریت حیوانی معیرک آخورینه کوتورمک یا خود
 سائننه و یرمک تسلیمدر

۸۳۰ ماده

مستعیر یدنده اولان عاریتی رد ایده جک اولدقده مؤنتی
 یعنی کافتی و مصارف نقلیه سی کندو اوزرینه در
 ۸۳۱ ماده

ابنیه یا پمق و آغاج دیکمک ایچون یر استعاره ایتک
 صحیحدر . لکن معیردیلهدیکی وقت اعاره دن رجوع
 ایله بونلری قلع ایتدیره پلور . شو قدر که اعاره موقت
 ایسه ابنیه و اشجارک قلع اولندیغی زمانده کی مقلوعا
 قیمتی ایله انقضای مدته قدر طور مق اوزره قیمتی بیننده
 تفاوت نه ایسه معیرانی ضامن اولور

مثلا ابنیه و اشجار در حال قلع اولندیغی تقدیرده مقلوعا
 قیمتی اون ایکی التون و انقضای مدته قدر طور مق
 اوزره قیمتی یکرهی التون اولدیغی حالده معیردر حال

قلع ایتدیره جک اولور ایسه سکز التون ویرمی لازم
کلور

۸۳۲ ماده

کرك موقت و كرك غیر موقت اوله رق زرع ایچون
اعاره اولنان اراضی بی معیر وقت حصاددن مقدم اعاره
دن رجوع ایدوبده مستعیردن اترداد ایده من
اراده سنیه تاریخی فی ۲۴ ذی الحجہ سنه ۱۲۸۸

احمد جودت

عن اعضای مجلس تدقیقات

شرعیه عمر خلوسی

درس و کیلی

امین الفتوی

اللسید خلیل

السید خلیل

عن أعضاء جمعیت

عن اعضای دیوان احکام عدلیه

سیف الدین

احمد حلی

قسام عسکری

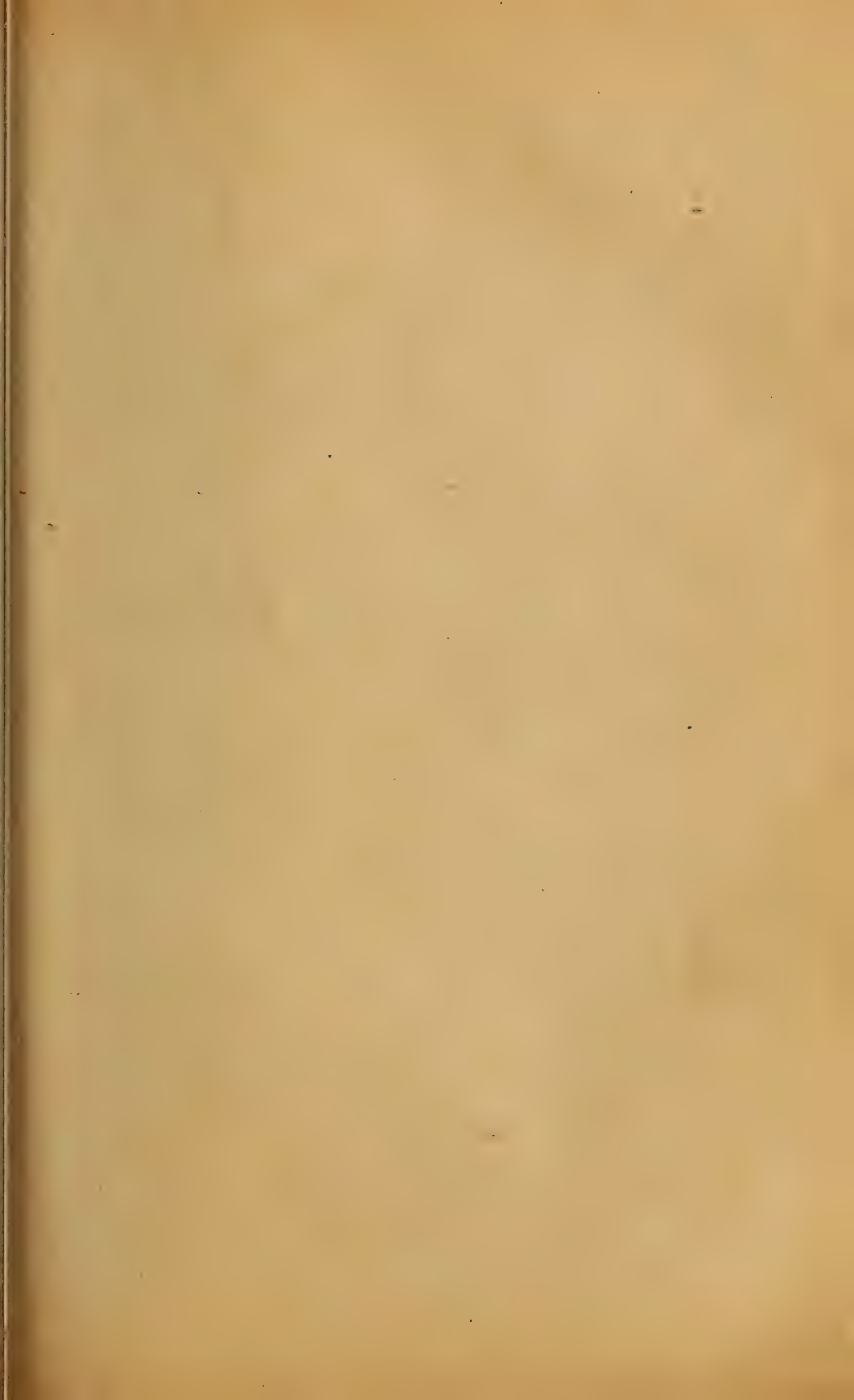
مدیر معلمخانه نواب

احمد خالد

یونس وهی

عن اعضای جمعیت

عبد اللطیف شکری



كتاب الهبة

۲۷۰
* صورت خط شمایون *

(موجبنجه عمل اولنه)

(کتاب سابع)

(هبه حقننده اولوب بر مقدمه ایله ایکی بابی مشتملدر)

(مقدمه)

(هبه یه دائر اولان اصطلاحات فقهیه بیاننده در)

ماده ۸۳۳

هبه . بلا عوض بر مالی آخره تملیک ایتمکدر که ایدن
کیسه یه و اهب و اول ماله موهوب وانی قبول ایدنه
موهوب له دینلور

اتهاب دخی هبه یی قبول دیمکدر

ماده ۸۳۴

هدیه . بر کیسه یه اکراما کتوریلان یا کوندریلان

مالدر

ماده ۸۳۵

صدقه . ثواب ایچون هبه اولنان مالدر

ماده ۸۳۶

اباحه . بر شیئی بلا عوض اکل و تناول ایتک اوزره

آخره اذن و رخصت ویرمکدر

(باب اول)

(عقد هبیه متعلق مسائل بیاننده اولرب ایکی)

(فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(رکن، و قبض هبیه دائر اولان مسائل بیاننده در)

۸۳۷ ماده

هبیه ایجاب و قبول ایله منعقد و قبض ایله تمام اولور

۸۳۸ ماده

هبیه ده ایجاب باغشلادم و هبیه ایتدم و اهدا ایلدم کی
مجانا بر مالی تملیک معناسنده مستعمل اولان سوزلر در
و زوجک زوجه سننه بر چفت کو په یاخود حلایاتدن
دیگر بر سننه و پرونده آل طاقن دیمه سی کی مجانا تمذیکه
دلالت ایدن تعبیرلر دخی هبیه یی ایجابدر

۸۳۹ ماده

تعاطی ایله دخی هبیه منعقد اولور

۸۴۰ ماده

هبیه ده و صدقه ده ارسال و قبض لفظا ایجاب و قبول

مقامنه قائم اولور

۲۷۱
۸۴۱ ماده

هبه ده قبض بعهده قبول کبیدر

بناء علیه واهبک ایجابی مثلا شو مالی سکا هبه ایتدم
دیمه سی اوزرینه موهوب له قبول ایتدم و یا خود اتهاب
ایلدیم دیمکترین مجلس هبه ده اول مالی قبض ایتسه هبه

تمام اولور

۸۴۲ ماده

قبضده واهبک صراحة یا خود دلالة اذنی لازمدر

۸۴۳ ماده

واهبک ایجابی دلالة قبضه اذندر . اما صراحة اذنی
موهوب اگر مجلس هبه ده حاضر ایتسه بومالی سکا هبه
ایتدم آل دیمک وا کر فائب عن المجلس ایتسه فلان مالی
سکا هبه ایتدم وار آل دیمک کبی امر صریحیدر

۸۴۴ ماده

واهب صراحة قبضه اذن ویردکده موهوب لهک انی
کریک مجلس هبه ده وکریک لعدالافتراق قبضی صحیحدر .
اما دلالة قبضه اذنی مجلس هبه ایله تقیید ایدوب بعد
الافتراق قبضی معتبر اولماز

مثلا شو مالی سکا هبه ایتدم دیو بده موهوب له دخی انی
اول مجلسده قبض ایدیویرسه صحیح اولور اما مجلس

هبه دن آیرا قدن صکره قبض ایتسه صحیح اولماز . کذلک
فلان محله کی مالی سکا هبه ایتدم دیوبده وار آل دیمامش
اواسه موهوب لهک کیدو بده انی قبض ایتسی صحیح اولماز
۸۴۵ ماده

مشتری بیعی بایعدن قبل التبض آخره هبه ایده بیلور
۸۴۶ ماده

برکسنه نک یدنده بولنان مالی صاحبی اکا هبه ایتدکده
موهوب لهک قبول ایتدم یا اتهاب ایلدم دیمسیله هبه تمام
اولوب مجددا تسلیم و قبضه محتاج دکادر
۸۴۷ ماده

برکیسه الاجفنی مدیونه هبه یا خود مدیونی اذن ابرا
ایلیوب اودخی رد ایتسه صحیح و دین همان ساقط
اولور

۸۴۸ ماده

برکیسه برینک ذمتنده اولان الاجفنی آخره هبه ایدوبده
وارال دو صراحة قبضه اذن ویرسه و موهوب له دخی
واروب قبض ایتسه هبه تمام اولور

۸۴۹ ماده

قبل القبض و اهب یا خود موهوب له فوت اولسه هبه
باطل اولور

۱۷۲
ماده ۸۵۰

بر کیمسه کبیر یعنی عاقل و بالغ اولان او غلنه برشی هبه
ایتدکده تسلیم و قبضی لازمدر

ماده ۸۵۱

صغیرک و صهیسی یا خود مریدیسی یعنی حجر و تریه سنده
بولندیخی کیمسه کرک یدنده بولنان و کرک دیکرک نزدنده
و دیعه اولان مالنی اول صغیره هبه ایتدکده مجرد
ایجاب ایله یعنی یالکز هبه ایتدم دیسیله اول صغیراکا
مالک اولوب قبضه محتاج دکادر

ماده ۸۵۲

بر طفله آخر کسینه برشی هبه ایتدکده ولیسنک یا خود
مریدیسنک قبضی ایله هبه تمام اولور

ماده ۸۵۳

صبی ممیزه برشی هبه اولندقدده ولیسی اولسه بیله
کندوسنک قبضیه هبه تمام اولور

ماده ۸۵۴

هبه مضافه صحیح دکادر

مثلا که جک ای باشندن اعتباراً شو مالی سکا هبه ایتدم
دیسه صحیح اولماز

۸۵۵ ماده

عوض شرطیله اولان هبه صحیح و شرط معتبر در
 مثلا برکسینه شو مقوله عوض ویرمک یاخود کندوسنک
 معلوم المقدار دینی ادا ایتمک شرطیله برینه برشی هبه
 ایتدکده موهوب له اول شرطه رعایت ایدر ایسه هبه
 لازم اولور ایتز ایسه واهب دخی هبه سندن رجوع
 ایده یلور کذلک برکیمسه اولنجه کندوسنی بسلمک شرطیله
 ملک عقارینی برینه هبه و تسلیم ایتدکده موهوب له
 شرط مذکور اوزره واهبی بسلمکه راضی ایکن واهب
 نادم اولو بده هبه سندن رجوع ایله اول عقارینی
 استرداد ایده من

(فصل ثانی)

(شرائط هبه بیانده در)

۸۵۶ ماده

موهوبک وقت هبه ده موجود اولسی شرطدر
 بناء علیه بر باغک حاصل اوله جق اوزومنی یاخود بر
 قصراغک طوغوراجق یاوریسنی هبه صحیح دکادر

۸۵۷ ماده

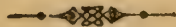
موهوب واهبک مالی اولق شرطدر

بناء عليه بر کیمسه بلا اذن بشقه سنك مالنی برینه هبه ایتسه
صحیح اولماز فقط هبه ایتدکن صکره صاحبی مجیز اولسه
صحیح اولور
ماده ۸۵۸

موهوبك معلوم و معین اولمی لازمدر
بناء علیه و اهب لاعلی التعین مالمدن برشی یاخود شوایی
آندن برینی هبه ایتدم دیسه صحیح اولماز . و بو ایکی آندن
قنخیسنی دیلر سهك سنك اولسون دیدیکی صورتده اگر
موهوب له مجلس هبه ده انلردن برینی تعیین ایلر سه صحیح
اولور اما مجلس هبه دن بعد المغارقه تعیینی مفید اولماز
ماده ۸۵۹

واهبك عاقل و بالغ اولمی شرطدر
بناء علیه صغیر و مجنون و معتوهك هبه سی صحیح دکدر .
اما بونلر هبه صحیحدر
ماده ۸۶۰

هبه ده و اهبك رضاسی لازمدر
بناء علیه جبر و اکراه ایله واقع اولان هبه صحیح دکدر



(باب ثانی)

(احکام هبه بیاننده اولوب ایکی فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(هبه دن رجوع حقیقه در)

۸۶۱ ماده

موهوب له قبض ایله موهوبه مالک اولور

۸۶۲ ماده

قبل القبض واهب خود بخود هبه دن رجوع ایده یلور

۸۶۳ ماده

واهبك بعد الايجاب موهوب لهی قبضدن نهی ایتمسی
رجوعدر

۸۶۴ ماده

واهب بعدالقبض موهوب لهك رضاسیله هبه وهدیه دن
رجوع ایده یلور . و موهوب له راضی اولمز ایسه حاکمه
مراجعت ایلر . حاکم دخی مواد آیه دن بیان اولنه جق
موانع رجوع یوغیسه هبه نی فسخ ایده یلور اما موانع
رجوعدن بری بولنسه فسخ ایده من

۸۶۵ ماده

بعد القبض واهب اکر موهوب لهك رضاسی یاخود

حاكم حكم وقضائى اولدن خود بخود موهوبى استرداد
 ايدرسه غاصب اولور وبوصورتده ينده موهوب تلف
 يا ضايع اولسه ضامن اولور

ماده ۸۶۶

بركيسه اصول وفروعنه يا برادر وهمشيره سنه يا بونلرك
 اولادينه يا خود پدر ومادرينك برادر وهمشيره سنه برشى
 هبه ايتدكن صكره رجوع ايده من

ماده ۸۶۷

زوج ايله زوجه دن برى يينلرنده زوجيت قائم ايكن يك
 ديكرينه برشى هبه تسليم ايتدكدن صكره ارتق اندن
 رجوع ايده من

ماده ۸۶۸

هبه يه عوض ويريلوبده واهبك دخى قبض ايتسى مانع
 رجوعدر

بناء عليه كرك موهوب له طرفندن وكرك ديكر بر كسنه
 جانندن واهبه هبه سنه عوض اولق اوزره برشى
 ويريلوبده اودخى قبض ايلسه اندن صكره هبه سندن
 رجوع ايده من

ماده ۸۶۹

مال موهوب ارض اولوبده موهوب له انك اوزرينه بنا

احداث یاخود آغاح غرس ایتمک و یاخود موهوب زبون حیوان اولوبده موهوب له یاننده سمرلتمک کی زیاده متصنه حاصل اولدوقده و یاخود بغدادی اولوبده اون ایتمک کی موهوبک اسمی دکشه جک صورتده تغییر اولدوقده هبه دن رجوع صحیح اولماز . اما زیاده منفصله مانع رجوع اولمز

بناء علیه بر کیمسه نك آخره هبه ایلدیکی قصراق حامل اولدوقده هبه دن رجوع ایده مز . اما طوغوردقن صکره رجوع ایده بیلور و بو صورتده یاوریمی موهوب لهه قالور

۸۷۰ ماده

موهوب له موهوبی بیع ایله یاخود هبه و تسلیم ایله ملکندن اخراج ایلسه و اهیک رجوعه صلاحیتی قالمز

۸۷۱ ماده

موهوب له ینده موهوب مستهلک اولسه رجوعه محل قالمز

۸۷۲ ماده

واهب و موهوب لهدن برینک وفاتی مانع رجوعدر بناء علیه موهوب له فوت اولسه و اهیب هبه دن رجوع

ایده مدیکی کبی و اهب فوت اولدقده دخی ورثه سی
موهوبی استرداد ایده مز

ماده ۸۷۳

داین اله جغنی مدیونه هبه ایتدکده آرتق اندن رجوع
ایده مز (۵۱) و (۸۴۸) ماده لره باق

ماده ۸۷۴

بعد القبض صدقه دن بروجهله رجوع اولنه مز

ماده ۸۷۵

بری برکیمسه یه مطعومانندن برشیییء اباحه ایتدکده اول
کسنه ا کرچه اول شیییء آلوبده آخره صاتمق یاخود هبه
ایتمک کبی لوازم تملکدن اولان بروجهله تصرف
ایده مز . فقط اول شیدن اکل و تناول ایده یلور .
وبعدده صاحبی انک قیمتی مطالبه ایده مز

مثلا برباغ صاحبینک اذن و اباحه سیله بری باغندن بر مقدار
اوزم یایسه باغ صاحبی اول اوزمک آقده سنی اله مز

ماده ۸۷۶

ختان یاخود زفاف دو کونلرنده کلان هدیه لری اصحابی
چو جق یا کلین و بابا و انالرندن هر قغیسنه دیو نیتور مشل
ایسه اول هدیه لر افکدر . و ا کر کیمک ایچون

کتور دکربنی بیان ایتیموب کندولزندن سؤال ایله تحقیق
دخی قابل اولمز ایسه اولخالده عرف و عادت بلده یه رعایت
اولور

(فصل ثانی)

(هبهٔ مریض حقیقه در)

۸۷۷ ماده

وارثی اولیمان کیسه مرض موتنده جمیع اموالی برینه
هبه و تسلیم ایسه صحیح اولور و بعد الوفاة ترکسنه امین
بیت المال مداخله ایدهمز

۸۷۸ ماده

زوجه سندن ماعدا وارثی اولیمان کیسه مرض موتنده
جمیع اموالی زوجه سنه و یا خود زوجندن ماعدا وارثی
اولیمان قادین جمیع اموالی مرض موتنده زوجنه هبه
و تسلیم ایسه صحیح اولور
و بعد الوفاة بونلردن برینک ترکسنه امین بیت المال مداخله
ایدهمز

۸۷۹ ماده

بر کیسه مرض موتنده ورثه سندن برینه برشی هبه
ایدوبده فوت اولدقه دیکر ورثه مجیز اولماز ایسه اول
هبه صحیح اولماز

اما ورثه سندن بشقه سنه هبه و تسلیم ایتدکده ثلث مالی

موهوبك تمامه مساعد ايسه صحيح اولور . مساعد
 اوليوبده ورثه دخي هبه يي مجيز اولماز ايسه مساعد
 اولديغي مقدارده هبه صحيح اولوب باقيسي موهوب له
 رده مجبوردر
 ۸۸۰ ماده

ترکسی مستغرق ديون اولان کيمسه مرض موتنده اموالني
 وارثنه يا خود بشقه سنه هبه و تسليم ايتدکن صکره فوت
 اولسه داینر هبه يي طوتمیوب اول اموالی قسمت غرمايه
 ادخال ایده پیلور

اراده سنیه تاریخی فی ۲۹ محرم سنه ۱۲۸۹

عن اعضاء مجلس تدقیقات شرعیه احمد جودت

عمر خلوصی

امین الفتوی

وکیل درس

السید خلیل

السید خلیل

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه

عن اعضاء جمعیت

السید احمد حلمی

سیف الدین

مدیر معلمخانه نواب

قسام عسکری

یونس وهبی

احمد خالد

عن اعضاء جمعیت

عبداللطیف شگری

— ❦ كتاب الغضب والانلاف ❦ —

✽ صورت خط همایون ✽

موجب‌بجه عمل اولنه

(کتاب ثامن)

(غصب و اطلاق حقننده اولوب بر مقدمه ایله)

(ایکی بابنه منقسمدر)

(مقدمه)

۸۸۱ ماده

غصب • بر کسه نك اذنی اولقسزین مالنی اخذ و ضبط
ایتمکدر که اخذ ایدن کسه یه غاصب و اول ماله مغصوب
و صاحبنه مغصوب منه دینلور

۸۸۲ ماده

قائمًا قیمت • ابنیه یا اشجارك بولندقلری یرده طور مق
اوزره قیمت‌لریدر که ارض بر کره ابنیه یا اشجار ایله
برابر و بر کره ابنیه یا اشجاردن خالی اولهرق تقویم
اولنوب ایکی قیمت بیننده کی تفاضل و تفاوت نه ایسه
ابنیه یا اشجارك قائمًا قیمتی دیمک اولور

۸۸۳ ماده

مبنیا قیمت • ابنیه نك قائمًا قیمتی دیمکدر

۸۸۴ ماده

مقلوعا قیمت . بعد القلع اینه انقاضنک و اشجار مقلوعه نك

قیمت یدر

۸۸۵ ماده

مستحق القلع اوله رف قیمت . مقلوعا قیمتدن اجرت قلع

لدی التمزیل باقی اولان قیمتدر

۸۸۶ ماده

نقصان ارض . بر یرك قبل الزراعه دیگری اولان

اجرتله بعد الزراعه دگری اولان اجرت بیننده کی فرق

و تفاوتدر

۸۸۷ ماده

مباشرة اتلاف . بر شیئی بالذات تلف ایتمکدر که

ایدن کیمسه یه فاعل مباشر دینلور

۸۸۸ ماده

تسبیا اتلاف . بر شیئك تلفنه سبب اولمقدر یعنی

بر شیده دیگر شیئه علی جری العاده تلفنه مفضی اولان

بر ایش احداث ایتمکدر که ایدن کیمسه یه متسبب دینلور

ته کیم بر معلق قندیلك ایینی کسمک قندیلك یره دوشوبده

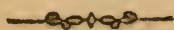
قیرلمسنه سبب مفضی اولمغله ایینی کسن کیمسه مباشرة

ایینی تلف ایتمش و تسبیا قندیلی قیرمش اولور

کذاک بر کیسه بر طولومی شق ایدو بده ایچنده کی یاغ
اقوب تلف اولسه اول کیسه مباشرة طولومی وتسببا
یاغی اذلاف ایتمش اولور

۸۸۹ ماده

تقدم . مضرت ملحوظه نك دفع و ازاله سیچون اولجه
تنبیه و توصیه ایتمکدر



(باب اول)

(غصب حقنده اولوب اوچ فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(غصبک احکامی بیاننده در)

۸۹۰ ماده

مال مقصوب عینا موجود ایسه مکان غصبده صاحبنه
رد و تسلیمی لازمدر . و صاحبی بشقه بلدهده غاصبه
تصادف ایدو بده مال مقصوب دخی یاننده اولدیغی
حالده صاحبی دیلرسه مالنی اوراده استرداد ایلر . اکر
مکان غصبده تسلیمی استر ایسه مؤنت ردی و مصارف
نقلیه سی غاصب اوزرینه در

۸۹۱ ماده

مال مغضوبی غاصب استهلاک ایتدکده ضمان اولمی
 لازم کلدیکی کبی کرک انک تعدیسیله و کرک بلا تعد تلف
 یا ضایع اولدیغی تقدبرده دخی ضمان اولور
 شو یله که قیمیاتدن ایسه زمان و مکان غصبده کی قیمتی
 و مثلیاتدن ایسه مثلنی ویرمی لازم کلور

۸۹۲ ماده

غاصب مکان غصبده عین مغضوبی صاحبنه رد و تسلیم
 ایتدکده ضماندن بری اولور

۸۹۳ ماده

غاصب عین مغضوبی صاحبی اخذ ایده بیله جک صورتده
 اوکنه وضع ایتدکده حقیقه قبض بولنمه بیله مغضوبی
 رد ایتش اولور

اما تلف اولان مغضوبک قیمتی صاحبینک اوکنه وضع
 ایسه حقیقه قبض بولنمدجه ضماندن بری اولاز

۸۹۴ ماده

عین مغضوبی غاصب بر محل محفوظده صاحبنه تسلیم ایسه
 قبول ایتمامکه حق وار در و غاصب بو صورتده ضماندن
 بری اولاز

۸۹۵ ماده

غاصب تلف اولان مال مغضوبک قیمتی صاحبنه کتورده

قبول ایتمه حاکمه مراجعت ایله قبولنی امر ایتدیرر
 ماده ۸۹۶

مغضوب منه صبی اولدیغی حالده غاصب ا کا مغضوبی
 رد ایتدکده صبی میز اولوبده مالی حفظه اهل ایسه
 ردی صحیح اولور دکل ایسه صحیح اولماز
 ماده ۸۹۷

مغضوبک میوه اولوبده غاصب عندنده قورومق کبی
 حالی تغیر ایلر ایسه صاحبی مخیردر دیلرسه مغضوبی
 عینا استرداد ایلر و دیلرسه تضمین ایتدیرر
 ماده ۲۹۸

غاصب اکر کندو مالندن بر شی زیاده سیله مغضوبک
 بعض اوصافی تغیر ایلر ایسه مغضوب منه مخیردر
 دیلرسه اول مغضوبی تضمین ایتدیرر و دیلرسه اول
 زیاده نک قیمتی و یروب عینا استرداد ایلر
 مثلا مغضوب اولان بزنی غاصب بویامش اولسه صاحبی
 مخیردر و دیلرسه بزینی تضمین ایتدیرر و دیلرسه بویانک
 بهاسنی و یروب عینا بزنی استرداد ایلر
 ماده ۸۹۹

غاصب اکر مال مغضوبی اسمی دکیسه جک صورتده

تغیر ایدر ایسه ضامن اولور و اول مال کندویه قالور
 مثلا مغضوب بغدادی اولوبده غاصب انی اون ایدر ایسه
 ضامن اولوب اون انک مالی اولور . ننه کیم بر کیمسه
 دیگرک بغدادینی غصب ایله کندو ترلاسنه زرع ایسه
 بغدادی ضامن اولوب محصول کندوسنک اولور

۹۰۰ ماده

بعد الغصب مغضوبک سعر و قیمتنی تناقص ایسه صاحبی
 انی المیوبده زمان غصبده کی قیمتنی مطالبه ایده من
 اما غاصبک استعمالیله مغضوبک قیمتنه نقصان کسه ضمان
 لازم کلور

مثلا بر کیمسه ننگ غصب ایلدیکی حیوان زبون اولسه انی
 صاحبنه رد ایتدکده نقصان قیمتنی دخی ضامن اولور
 كذلك بر کیمسه غصب ایلدیکی البسه بی یرتمغله قیمتنه نقصان
 کلدکده اکر نقصان یسیر ایسه یعنی مغضوبک ربع قیمتنه
 بالغ دکل ایسه غاصب انک نقصان قیمتنی ضامن اولور .
 و اکر نقصان فاحش ایسه یعنی مغضوبک ربع قیمتنه
 مساوی و یا خود ازید ایسه مغضوب منه مخیر در . دیلرسه
 نقصان قیمتنی تضمین ایتدیرر و دیلرسه اول مالی غاصبه
 ترک ایله تام قیمتنی الور

۲۹۰
۹۰۱ ماده

ازالہ تصرفہ غصبہ مساوی اولان حال و کیفیت حکما
غصب قبیلندن عد اولنور تہ کیم مستودع و دیعه بی انکار
ایتسه غاصب حکمنده اولور و اندن صکره یئنده و دیعه
بلا تعد تلف اولسه ضامن اولور

۹۰۲ ماده

برطاغ اوزرنده کی باغچه ایله الت طرفده کی دیگر بر باغچه
اوزرینه یقلوب دوشمک کبی بروجھله من غیر قصد
بر کیمسه نیک ملکی یئندن چیتسه قیمتجه اقلی اکثره تابع
اولور

یعنی قیمتی اکثر اولانک صاحبی قیمتی اقل اولانی ضامن
اوله زق اول یری تملک ایدر

مثلا طاغ ییقلمازدن مقدم اوست طرفنده کی باغچه نیک قیمتی
بش یوز و الت طرفنده کی باغچه نیک قیمتی بیک غروش
اولسه ایکنجیسنک صاحبی بش یوز غروش اولکینک
صاحبنه اعطا ایله اوراسنی ضبط ایلر

تہ کیم بر کیمسه نیک النده کی الی غروش لاق اینجوسی
دوشوبده دیگرک بش غروش قیمتلو طاووغنی انی یوتسه
اینجو صاحبی بش غروش ویروب طاووغنی الور
(۲۷) و (۲۸) و (۲۹) ماده لره باقی

۹۰۳ ماده

مغصوبك زوائدى صاحبكدر . و غاصب انى استهلاك
ايدرسه ضامن اولور

مثلا مغصوب اولان حيوانك غاصب ينده حاصل اولان
سوتى و ياوريسى و بر باغچدك يد غاصبه ايكن حصوله
كلان ميوهسى مغصوب منهك مالى اولغله غاصب بونلرى
استهلاك ايلرسه ضامن اولور

كذلك بر كيسه برينك قوائنى ايچنده كى آرسيله برابر غصب
ايتسه صاحبى آرسيله برابر قوائنى استرداد ايتد كده غاصب
يائنده ايكن حاصل اولان بالى دخی الور

۹۰۴ ماده

بر باغچه ده مكان اخذ ايدن آريلرك بالى باغچه صاحبك
اولوب، ديكر كسسه اول، بالى اخذ و استهلاك ايلسه ضامن
اولور

(فصل ثانى)

(غصب عقاره متعلق بعض مسائل بيانده در)

۹۰۵ ماده

مغصوب اكر عقار قبيلندن ايسه غاصب انى تغيير و تنقيص
ايتدرك صاحبنه رد ايتسى لازمدر

وغاصبك صنع وفعلى ايله اول عقارك قيمته نقصان كلسه
نقصان قيمتى ضامن اولور

مثلا بر كسنه غصب ايلديكى بر خانه نك بر يرينى هدم ايدوب
يا خود سكناسى سيبيله خراب اولوبده قيمته نقصان كلسه
مقدار نقصانى ضامن اولور . كذلك غاصبك خانه
مغصوبده يا قدغى آتشدن خانه محترق اولسه مبنيا قيمتى
ضامن اولور

۹۰۶ ماده

مغصوب ارض اولوبده غاصب آنك اوزرينه ابنیه انشا
يا خود اشجار غرس ايسه بونلرى قلع ايله ارضى رد
ايتك اوزره غاصبه امر اولنور

واكر ابنیه يا اشجارك قلعى ارضه مضر ايسه مغصوب
منه انلك مستحق القلع اوله رق قيمتيرينى اعطا ايله انلرى
دخى ضبط ايديه بيلور

فقط ابنیه يا اشجارك قيمتلى ارضك قيمتندن زياده
اولوبد سبب شرعى زعيمه انشا يا خود غرس اولمش
ايسه اول حالده ابنیه يا خود اشجارك صاحبي ارضك
قيمتنى اعطا ايله ارضى تملك ايدر

مثلا بر كيمسه پدرندن موروث اولان عرصه اوزرينه اول
عرصه نك قيمتندن زياده اچده صرفيله ابنیه انشا ايتدكن

صکره بری عرصه به مستحق چیقسه اول کیمسه عرصه نك
 قیمتنی و یروب عرصه بی ضبط ایله
 ماده ۹۰۷

بر کیمسه آخرک عرصه سنی غصب و زراعت ایلسه صاحبی
 عرصه سنی استرداد ایتدکده اول کسنه نك زراعتیله ترتب
 ایدن نقصان ارضی دخی تضمین ایتدیرر
 كذلك بر کسنه دیگر یله مشترک متصرف اولدیغی عرصه بی
 بلاذن مستقلا زراعت ایلسه شریکی عرصه دن حصه سنی
 الدقه اول کسنه نك زراعتیله ترتب ایدن نقصان ارضدن
 حصه سنی تضمین ایتدیرر

ماده ۹۰۸

بر کیمسه دیگرک ترلا سنی غصباً نطس ایتدکدن صکره صاحبی
 ترلابی الدقه اول کسنه نطس عملی مقابلنده اجرت
 مطالبه ایده من

ماده ۹۰۹

بر کسنه سو پرندی یا خود دیگر نسنه وضع ایله برینک
 عرصه سنی اشغال ایلسه قویدیغی شیبی رفع ایله عرصه بی
 تخلیه ایتمک اوزره کندویه جبر اولنور

(فصل ثالث)

(غاصب الغاصب حکمی بیانده در)

۹۱۰ ماده

غاصب الغاصب عین غاصب حکمده در
بناء علیه مال مقصوبی غاصبیدن شخص آخر غصب ایله
اتلاف ایلدیکی یا خود یئنده تلف اولدیغی تقدیرده
مقصوب منه دیلرسه غاصب اوله و دیلرسه غاصب ثانی به
تضمین ایتدیرر و دیلرسه قیمت مقصوبک بر مقدارینی اوله
و دیگر مقدارینی ثانی به تضمین ایتدیره بیلور
و غاصب اوله تضمین ایتدیردیکی تقدیرده اودخی غاصب
ثانی به رجوع ایدر اما ثانی به تضمین ایتدیردیکی تقدیرده
ثانی اوله رجوع ایده من

۹۱۱ ماده

غاصب الغاصب مال مقصوبی غاصب اوله رد ایتدکه
یا لکز کندوسی و مقصوب منه رد ایتدکه ایکیسی دخی
بری اولور

(باب ثانی)

(اتلاف بیاننده اولوب درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مباشرة اتلاف حقنده در)

۹۱۲ ماده

برکسنه دیکرک کرک کندوسنده وکرک امینی یدنده اولان
مالنی کرک قصداً وکرک من غیر قصد اتلاف ایتسه ضامن
اولور

اما غاصب یدنده کی مال، مقصوبی آخر کسنه اتلاف ایتسه
مقصوب منه مخیردر دیلرسه غاصبه تضمین ایتدیروب
او دخی متلفه رجوع ایدر و دیلرسه متلفه تضمین
ایتدیروب متلف بو صورتده غاصبه رجوع ایدهز

۹۱۳ ماده

برینک ایاغی قایوبده دوشهرک آخرک مالنی اتلاف ایتسه
ضامن اولور

۹۱۴ ماده

برکسنه کندو مالی نظیله دیکرک مالنی اتلاف ایتسه
ضامن اولور

۹۱۵ ماده

بر کسیسه دیکرک البسه سنی چکو بده یرتسه تمام قیمتی
ضامن اولور اما البسه یه تشبث ایدو بده صاحبی
چکمه بده یرتسه نصف قیمتی ضامن اولور

کذلک بر کسیسه دیکرک اتکی اوزرینه اوتوروبده صاحبی
بیله وک قالمغله البسه سی یرتسه او کسیسه البسه نک
نصف قیمتی ضامن اولور

۹۱۶ ماده

بر صبی دیکرک مالی اتلاف ایتسه کندو مالندن ضامن
لازم کاور مالی بوق ایتسه حال یسرینه انتظار اولنور
ولیسنه تضمین ایتدیرلز

۹۱۷ ماده

بر کسیسه دیکرک مالنه قیمتی بده بر کونه نقصان کتورسه
نقصان قیمتی ضامن اولور

۹۱۸ ماده

بر کسیسه دیکرک خانه ودکان شلاو عقارینی بغير حق هدم
ایتسه صاحبی مخیردر . دیلرسه انقاضی هدم ایدن
کیمیسه ترک ایدرک مبنیا قیمتی تضمین ایتدیرر و دیلرسه
اول عقارک مبنیا قیمتندن انقاضک قیمتی تنزیل و قیمت
باقه یی تضمین ایله برابر انقاضی دخی الیقور

فقط غاصب انى كالاول بنا ايدويرسه ضماندن برى
اولور

۹۱۹ ماده

بر محله حريق و قوعبولغله بر كيمسه بر خانه يى صاحبك
اذنى اولقسزىن يقوبده اوراده حريق منقطع اولدقده
اكر امر ولى الامر ايله يقمش ايسه ضمان لازم كلز
و اكر خود بخود يقمش ايسه ضمان اولور

۹۲۰ ماده

بر كيمسه آخرك باغچه سنده كى اشجاري بغير حق قطع
ايتدكه صاحبي مخير در . ديلرسه اول اشجارك قائماً
قيمتلرينى اخذ ايله اشجار مقطوعه يى قاطعه ترك ايدر .
و ديلرسه قائماً قيمتلرندن مقطوعاً قيمتلرينى بالتنزىل باقى
مباغ ايله برابر اشجار مقطوعه يى دخی اليقور

مثلاً اشجار قائم اوله رق باغچه نك قيمتى اون بيك وبلا
اشجار قيمتى بشييك و اشجار مقطوعه نك قيمتى ايكيك
غروشه اولسه صاحبي مخير در . ديلرسه اشجار
مقطوعه يى قاطعه ترك ايله بشييك غروش الور و ديلرسه
اوج بيك غروشله برابر اشجار مقطوعه يى دخی اليقور

۹۲۱ ماده

بر كيمسه مظلوم اولغله آخره ظلم ايتدكه صلاحيتى اوله ماز

مثلاً بری دیگرک مالنی اتلاف ایتمکله او دخی بالمقابله
 انک مالنی اتلاف ایتمسه ایکیمی دخی ضامن اولدیغی
 کبی بر قبیلهدن بری دیگر قبیلهدن بر شخصک مالنی اتلاف
 ایتمکله او دخی اولکی قبیلهدن دیگر برینک مالنی اتلاف
 ایلمسه هر بری تلف ایتمیکی مالی ضامن اولور . تکم
 بر کیسه الدانو بده آخردن بر قلب آچه السه آنی بشقه
 سنه سورمهکه صلاحیتی اوله ماز

(فصل ثانی)

(تسبیحاً اتلاف بیانده در)

۹۲۲ ماده

بر کیسه تسبیحاً برینک مالنی اتلاف یاخود قیمتنی تنقیص
 ایتمسه یعنی کندوسنک فعلی بر مالک تلفنه یاخود نقصان
 قیچته سبب مفضی اولسه ضامن اولور
 مثلاً بری دیگرکسندک اثوابنه صاریلوبده مجادله ایدرکن
 اول کسندک اوزرندن برشی دوشوب تلف اولسه
 یاخود سقطلانسه صاریلان کیسه ضامن اولور
 و کذا بر کیسه دیگرک ترلا و باغچه سنک صوبینی بغیر حق
 سد ایدوبده مزروعات و مغروساتی قوریوب تلف اولسه
 یاخود صوبینی طاشیرو بده دیگرک ترلاسنی صوباصدرق

مزروعاتی تلف اولسہ اول کیمسہ ضامن اولور
 كذلك بر کیمسہ دیگر یک اخورینک قپوسنی آچو بدہ
 ایچندہ کی حیوان فرار ایله ضایع اولسہ یاخود قفسنک
 قپوسنی آچو بدہ ایچندہ کی قوش اوچسہ ضامن اولور
 ۹۲۳ مادہ

برینک حیوانی بر کیمسہ دن اور کو بدہ فرار ایله ضایع
 اولسہ ضامن لازم کلز . اما اول کیمسہ حیوانی قصداً
 اور کتمش ایسہ ضامن اولور

و کذا بر صیاد آوہ تفنک آ تو بدہ سسندن دیگرک حیوانی
 اور کهرک فرار ابدراکن دوشوب تلف یاخود ایغنی سقط
 اولسہ ضامن اولماز اما حیوانی اور کتمک قصدیله تفنک
 اتمش ایسہ ضامن اولور (۹۳) مادہ یہ باق
 ۹۲۴ مادہ

تسبیک بر وجه بالا موجب ضمان اولسنده تعدی شرطدر
 یعنی متسبیک بر ضرری ضامن اولسی اول ضرره
 مفضی اولان فعلی حقسنز اولهرق ایشلمش اولسی ایله
 مشروطدر

مثلاً بر کیمسہ بلا اذن ولی الامر طریق عامده بر قوی
 قازو بدہ اورایه دیگرک حیوانی دوشهرک تلف اولسہ
 ضامن اولور . اما کندو ملکندہ قازمش اولدیغنی

قوی بی به دیکرک حیوانی دوشه رک تلف اولسه ضامن
اولماز

۹۲۵ ماده

بری بر شیک تلفنه سبب اولان بر ایش ایشلمش اولدیغی
حالده آره به بر فعل اختیاری حیلولت ایلسه یعنی بشقه
بر کیسه اول شیئی مباشرة اتلاف ایلسه اول فعل
اختیاری صاحبی اولان فاعل مباشر ضامن اولور
(۹) ماده به باق

(فصل ثالث)

(طریق عامده احداث اولنان شیره دائردر)

۹۲۶ ماده

هر کسک طریق عامده حق مروری وارددر . فقط بشرط
السلامه در

یعنی ممکن التحرز اولان حالاتده بشقه سنه ضرر ویر مامک
شرطیه مقید در . بناء علیه طریق عامده بر حالک
ارقه سنده کی یوکی دوشوبده بر ینک مالنی تلف ایلسه
حال ضامن اولور . تکیم تیمور حی دکاننده تیمور
دو کر کن قیغلم صیچرایوبده طریق عامده مرور ایدن
بر کیسه نک البسه سنی احراق ایلسه تیمور حی ضامن اولور

۹۲۷ ماده

اذن ولی الامر اولدقچه کسنه طریق عامده بیع و شرا
ایچون اوتوره ماز • وبلا اذن برشی وضع واحداث
ایده مز • وایدسه اندن تولد ایدن ضرر وزیانی ضامن
اولور

بناء علیه بر کیمسه طریق عام اوزره کرسته یاخود طاش
یغوبده اوزرینه دیکرک حیوانی باصوب سورچهرک
تلف اولسه اول کیمسه ضامن اولور • کذلک بر کیمسه
طریق نامه یاغ کبی بر قایغین نسنه دو کوبده دیکرک حیوانی
قایوب تلف اولسه اول کسنه ضامن اوور

۹۲۸ ماده

برینک دیواری یقلوبده دیکره بر ضرر ایراث ایتسه
ضمـان لازم کلز • فقط اولجه اول دیوار مائل انهدام
اولوبده اکا دیکر بر کیمسه دیواریکی هدم ایت دیو
تقدم وتنبیه ایدوبده دیواری هدم ایده جک قدر وقت
یکمش ایسه اول حاده ضمان لازم کلور •

شو قدر که اول کیمسه حق تقدم وتنبیه اصحابندن اولق
شرطدر

شو بله که اول دیور اکر قومشونک خانه سی اوزرینه
بیقلش ایسه تقدم ایدن کیمسه اول خانه ک ساکنندن

اولماید در خارجدن برینک تقدم و تنبیهی مفید اولماز .
 واکر طریق خاص اوزره ییقلش ایسه تقدم ایدن کیسه
 اول طریقده حق مروری اولان کساندن اولق لازمدر .
 واکر طریق عام اوزرینه ییقلش ایسه هرکیم اولور ایسه
 اولسون تقدمه حق واردر

(فصل رابع)

(جنایت حیوان حقنده در)

۹۲۹ ماده

بر حیوانک کندولکنندن اولهرق ایتدیکی ضرری صاحبی
 ضامن اولماز . (۹۴) ماده یه باق
 فقط بر حیوان بر کیسه نك مالنی استهلاک ایدرکن اول
 حیوانک صاحبی کورو بده منع ایتز ایسه ضامن اولور
 و برده ثور نطوح یعنی سوسکن اوکوز و کلب عقور یعنی
 طالایچی کلب کبی ضرری متعین بر حیوان اولو بده
 صاحبنه محله سی یا قریه سی اهانیسندن بری حیواننی
 ضبط ایت دیو تقدم ایتمشکن صاحبی صالیو پرو بده
 بر کیسه نك حیواننی یا دیگر مالنی تلف ایتسه صاحبی
 ضامن اولور

۹۳۰ ماده

بر کیسه کرک را کب اولسون و کرک اولسون کندو

ملکنده ایکن حیوانی اولک ایاغی یاخود باشی و یا قویروغی
ایله چار پهرق و یاخود ارقه ایاغیله دپه رک آخر کسنده
ضرر ایسه صاحبی ضامن اولماز
۹۳۱ ماده

بر کیمسه دیکرک ملکنده حیوانی اذخال ایتدکده صاحبک
اذنیله اذخال ایتمش ایسه کندو ملکنده بولتمش کبی
عد اولنه رق ماده آنفدهه بیان اولنان صورتلرده
حیوانک جنایتنی ضامن اولماز

واگر صاحبک اذنی اولقسزین اذخال ایتمش ایسه
کرک را کب اولسون و کرک قالد یعنی یدیحی یا سائق
یعنی سوریحی اولسون و کرک حیوانک یانده بولتمسون
هر حالده اول حیوانک ایتدیکی ضرر و زیانی ضامن
اولور

اما حیوان بوشانو بده کندولکنندن اوله رق برینک
ملکنده دخول ایله بر ضرر ایسه صاحبی ضامن اولماز
۹۳۲ ماده

هر کسک طریق عامده حیوانیله دخی مروره حق
واردر

بناء علیه بر کیمسه طریق عامده حیواننه را کب اولوب
کیدرکن ممکن النحرز اولمیان ضرر و زیانی ضامن اولماز

مثلاً حیوانک ایاغندن توز و چامور صیچرا یو بده دیکرک
 البسه سنی لکه دار ایلسه یاخود ارقه ایاغیله دپوب و یا
 قو یروغیله چار پو بده بر ضرر ایسه ضمان لازم کلز .
 اما معصومه سندن یا اوک ایاغیله یاخود باشیله چار پم سندن
 وقوعه کلان ضرر و زیانی را کب اولان کیمسه ضمان
 اولور

۹۳۳ ماده

طریق عامده قائد و سائق دخی را کب کبدر
 یعنی انلر دخی آنجق را کبک ضمان اولدیغی ضرری
 ضمان اولور

۹۳۴ ماده

بر کیمسه نک طریق عامده حیوانی طور دیر مغه یاخود باغلامغه
 خقی یوقدر

بناء علیه بر کیمسه طریق عامده حیوانی طور دیر سه یاخود
 باغلامه کرک اوک و یا ارقه ایاغیله دپسون و کرک سائر
 صورته ضرر ایسون اول کیمسه هر حالده اول حیوانک
 جنایتی ضمان اولور . اما آت بازاری و کرا بار کیرلرینک
 طور دیغی تحللر کبی حیوان طور مغه اعداد و تعیین اولمش
 اولان یرلر مستشادر

۹۳۵ ماده

بر کیمسه حیوانی باشی بوش طریق عامه صالحیورسه اول
حیوانک ایتدیکی ضرزی ضامن اولور

۹۳۶ ماده

بر کیمسه نك را کب اولدیغی حیوان اولک یاخود ارقه
ایغیله کندو ملککنده و کرک سار محله بر شینک اوزرینه
باصوبده تلف ایتسه را کب اولان کیمسه اول شیئی
مباشرة اتلاف ایتمش عد اولنه رق هر حالده ضامن

اولور

۹۳۷ ماده

آت کم آلبوبده را کبی باشنی ضبط ایده میهرک بر ضرر
ایتسه ضمان لازم کلز

۹۳۸ ماده

بر کیمسه کندو ملککنده حیوانی باغلامش اولدیغی حالده
دیگر بری کلو بده بلا اذن اورایه حیوانی باغلا دیغی
صورتده صاحب ملکک حیوانی آنی دپوب تلف ایتسه
ضمان لازم کلز . و اگر اول حیوان صاحب ملکک
حیوانی تلف ایتسه صاحبی ضامن اولور

۹۳۹ ماده

بر محله حیوان باغلامغه حقی اولان ایکی کسنه

حيوانلرينى باغلا دقسلرنده حيوانلرك بى ديكرينى تلف
ايتسه ضمان لازم كلز
مثلا بر خانه ده مشترك اولان ايكي كشي حيوانلرينى بر
محلله باغلا يوبده برينك حيوانى ديكرينك حيواننى تلف
ايتسه ضمان لازم كلز
۹۴۰ ماده

ايكي كشي كندولرينك حيوان باغلامفه حقي اوليان برده
حيوانلرينى باغلا يوبده اول باغلايانك حيوانى ديكرلك
حيواننى تلف ايتسه ضمان لازم كلز. و صكره باغلايانك
حيوانى اولكيناك حيواننى تلف ايتسه ضمان لازم كلور
اراده سنه ناربخى فى ۲۳ ربيع الاخر سنه ۱۲۸۹

اجد جودت

عمر خلوصى

وكيل درس

امين القتوى

السيد خليل

السيد خليل

عن اعضاء ديوان احكام عدليه قاضى دار الخلافه العليه

سيف الدين

اجد حملى

قسام عسكرى

مدير معلمخانه نواب

اجد خالد

السيد يونس وهبى

عن اعضاء جمعيت

عبد اللطيف شكرى

— ❦ كتاب الحجج والاكراه والشفعه ❦ —

❖ صورت خط همایون ❖

(موج‌بنجه عمل اولنه)

(کتاب تاسع)

(حجر واکراه وشفعه بیاننده اولوب بر مقدمه ایله)

(اوج بابی حاویدر)

(مقدمه)

(حجر واکراه وشفعه به متعلق اصطلاحات فقیهه)

۹۴۱ ماده

حجر . بر شخص مخصوصی تصرف قوایسندن منظر که
بعد الحجر اول شخصه محجور دنیلور

۹۴۲ ماده

اذن . جری فك ایتک وحق منعی اسقاط ایلیکدر که
اذن وریلان شخصه مأذون دنیلور

۹۴۳ ماده

صغیر غیر ممیز . بیع وشرایی فهم ایتیمان یعنی ملکیتی بیعک
سالب و شرانک جالب اولدیغنی بیلیان واونده بش
الدائق کبی غبن فاحش اولدیغنی ظاهر اولان برغبنی
غبن یسیردن تمیز و تفریق ایلیان چو جوق اولوب بونلری
تمیز ایدن چو جغه صغیر ممیز دنیلور

۹۴۴ ماده

مجنون ایکی قسمدر . بری مجنون مطبقدر که جنونی جمیع
اوقاتی مستوعب اولان کیمسه در . دیکری مجنون غیر
مطبقدر که گاه مجنون اولوب گاه افاقت بولان کیمسه در

۹۴۵ ماده

معتوه . اول مختل الشعور اولان کیمسه در که فهمی قلیل
وسوزی مشوش و تدبیری فاسد اولور

۹۴۶ ماده

سفیه . مالی پیهوده بره صرف ایله و مصارفنده تبذیر
واسراف ایله اضاعه و اتلاف ایدن کیمسه در
ایله و ساده دل اولوق حسبیله کار و تمتع یولنی بیله میوبده
اخذ و اعطاسنده الدانه کلان کیمسه لر دخی سفیه

حد اولنور

۹۴۷ ماده

رشید . مالی محافظه خصوصنده تقید ایدرک سفیه
و تبذیردن توقی ایدن کیمسه در

۹۴۸ ماده

اکراه . بر کسنه بی اخافه ایله رضاسی اولمق سزین بر
ایش ایشلمک اوزره بغیر حق اجبار ایتکدر که اول
کسنه بیه رانک قحیحله مکره و اجبار ایدن کیمسه بیه مجبر

و اول ايشه مكره عليه و خوفى موجب اولان شيئه مكره به
دينلور.

۹۴۹ ماده

اكرهه ايكي قسمدر . قسم اول اكرهه مجبدر كه اتلاف
نفس يا قطع عضو يا خود بوناردن برينه مؤدى اولور
ضرب شديد ايله اولان اكرههدر . قسم ثانى اكرهه غير
مجببدر كه يالكز غم والمى موجب اولور ضرب و حبس
كبي شيلره اولان اكرههدر

۹۵۰ ماده

شفعه . بر ملك مشترايى مشتري به هر قاچه مال اولديسه
اول مقدار ايله تملك ايتكدر

۹۵۱ ماده

شفيع . حق شفعهسى اولان كيسهدر

۹۵۲ ماده

مشفوع . حق شفعهك تعلق ايلديكى عتار در

۹۵۳ ماده

مشفوع به . شفيعك مابه الشفعه اولان ملكيدر

۹۵۴ ماده

خليط . صو حصهسى و يول حصهسى كبي حقوق
ملكده مشارك ديمكدر

۹۵۵ ماده

شرب خاص . اشخاص محدودیه مخصوص اولان ماء
جاریده کی حق شربدر اما عمومک منتفع اولدیغی
نهرلردن صوملق شرب خاص قبیلندن دکادر

۹۵۶ ماده

طریق خاص . چقیماز زقاق دیمکدر

(باب اول)

(حجره متعلق مسائل بیاننده اولوب درت فصله متقسمدر)

(فصل اول)

(صنوف و احکام محجورین بیاننده در)

۹۵۷ ماده

صغیر و مجنون و معتوه ذاتا محجورلر در

۹۵۸ ماده

سفیه اولان کیمسه حاکم طرفندن حجر اولندیلور

۹۵۹ ماده

مدیون دخی غرمانک طلبیه حاکم طرفندن حجر اولاندیلور

۹۶۰ ماده

مواد آنفصده ذکر اولنان محجورینک بیع و شراکی

متصرفات قولیه لری معتبر اولمز ایسه ده کندو فعلارندن
 نشئت ایدن ضرر و زبانی ضامن اولور لر
 مثلا بر چوجق غیر ممیز اولسه بیله برینک مالنی اطلاق
 ایتدکده ضمان لازم کلور
 ماده ۹۶۱

سغیه و مدیون حاکم طرفندن حجر اولندقده سببی ناسه
 بیان ایله اشهاد و اعلان اولنور
 ماده ۹۶۲

حاکم طرفندن حجری مراد اولنان کیسه نیک حضوری
 شرط اولیوب غیاباً دخی حجری صحیح اولور
 فقط خبر جریک اول کیسه یه وصولی شرطدر . حجر
 اولندیغی خبری کندوسنه واصل اولدقجه منجر
 اولیوب اولوقته قدر واقع اولان عتود و اقراری معتبر
 اولور

ماده ۹۶۳
 فاسق اولان کسسه مالنی تبذیر و اسراف ایتدکجه مجرد
 فسق سببیه حجر اولندهز
 ماده ۹۶۴

طیب جاهل کبی عمومه مضرتی اولان بعض کسان دخی
 حجر اولنور

فقط بونده حجر دن مراد اجرای عملدن منع دیمکدر
بوخسه تصرفات قولیه دن منع معناسنه دکدر

۹۶۵ ماده

بر کیمسه بر چارشوده صنعت یا تجارت اجرا ایدو بده
اول صنعت یا تجارت اربابی بزم کار و کسبزه نخل کلپور
دیو اول کیمسه بی صنعت و یا تجارتی اجرا دن حجر و
منع ایتدیره مز لر

(فصل ثانی)

(صغیر و مجنون و معتوهه متعلق مسائل بیانده در)

۹۶۶ ماده

صغیر غیر میمرک و لیس اذن ویرسه بیله انک تصرفات
قولیه سی اصلا صحیح اولمز

۹۶۷ ماده

صغیر میمرک قبول هبه و هدیه کبی حقه نفع محض
اولان تصرفی و لیسنک اذن و اجازتی اولسه بیله معتبر در
و آخره برشی هبه ایتک کبی حقه نفع محض اولان
تصرفی و لیسنک اذن و اجازتی اولسه بیله معتبر
اولماز

اما ذاتاً نفع ایله ضرر بیننده دائر اولان عقود

وليسنك اجازته موقوفاً منعقد اولور . وليسى دخی
اجازت وبروب ویرمامکده مجیر در . شویله که صفیر
حقیقه فائده لو کوررسه مجیر اولور کورمز ایسه
مجیر اولماز

مثلا بر صفیر مجیر بلا اذن بر مال صائمه ولو که دیکرندن
زیاده ثمن ایله صائمش اولسه ییله بیعک نفاذی ولیسنک
اجازته موقوفاً در . زیرا عقد بیع ذاتاً بیع ایله ضرر
بیننده متردد اولان عقوددندر

۹۶۸ ماده

صفیر مجیری تجربه ایچون مالنک بر مقدارینی ولیسی
کندوسنه تسلیم ایله اخذ واعطایه اذن ویره یلور .
ورشدی تحقیق ایدر ایسه باقی اموالی دخی کندوسنه دفع
وتسلیم ایلر

۹۶۹ ماده

رج قصده اولندیقنه دلالت ایسن عقد مکرر لر اخذ
واعطایه اذندر

مثلا بر صفیره ولیسنک الیش ویرش ایت یاخود فلان
جنس مالی آل صات دیمسی اخذ واعطایه اذن دیمکدر .
اما وار چارشودن فلان شیئی آل یاخود فلان شیئی
صاتیور دیمسی کبی یالکز بر عقدک اجراسنی امر ایتیمی

اخذ واعطایه اذن دیمک اولیوب بلکه عرف و عادت
اوزره اول صغیری توکیلا استخدام قبلندن عد
اولنور

۹۷۰ ماده

ولیک اذنی زمان و مکان و برنوع اخذ واعطایه تقید
و تخصص ایتمز

مثلا برکون یا خود بر آی ایچون اذن ویرسه صغیر میر علی
الاطلاق مأذون اولوب، ولیسی انی حجر ایتمدیکه مؤیدا
مأذون قالور

و کذا فلان چارشوده الیش ویرش ایت دیسه هر یرده
اخذ واعطایه مأذون اولور نذلک فلان جنس مالی آل
صات دیسه هر جنس اموالی الوب صاته بیلور
۹۷۱ ماده

اذن صراحة اولدیغی کبی دلالة دخی اولور
مثلا بر صغیر میرنی ولیسی الیش ویرش ایدرکن کوردکه
سکوت ایندوبده منع ایتمسه دلالة اذندر
۹۷۲ ماده

بر صغیره ولیسی طرفندن اذن ویرادکه تحت اذنده
داخل اولان خصوصاتده بالغ منزله سنده اولور . و بیع
واجاره کبی عقود معتبر اولور

۹۷۳ ماده

بر صغیره اذن ویرمش اولان ولیسی بعده آنی حجر ایله
 اول اذنی ابطال ایده یلور . فقط نوجهله اذن ویرمش
 ایسه ینه اول وجهله حجر ایتمسی شرطدر
 مثلاً بر صغیره ولیسی اخذ واعطا ایچون اذن عام ویروبده
 چارشومی خلقتک معلومی اولدقن صکره آنی حجر ایده جک
 اولدقده حجری دخی اولوجهله عام اولوبده اول چارشو
 خلقتک اکثریسنک معلومی اولوق شرطدر یو خسه کندو
 خانه سنده ایکی اوچ کشینک محضر نده حجر ایتمسی صحیح
 اولماز

۹۷۴ ماده

صغیرک بوبابده ولیسی اولا باباسی ثانیاً باباسی فوت اولمش
 ایسه وصی مختاری یعنی باباسنک حال حیاتنده اختیار
 ونصب ایتمش اولدیغی وصی ثالثاً وصی مختار دخی
 وفات ایدرسه انک حال حیاتنده نصب ایلدیکی وصی
 رابعاً جد صحیحی یعنی صغیرک باباسنک باباسی یاخود
 باباسنک باباسنک باباسی خامساً اشبو جدک حال حیاتنده
 اختیار ونصب ایلمش اولدیغی وصی سادساً اولی وصینک
 نصب ایلدیکی وصی سابغاً حاکم یاخود وصی منصوبی
 یعنی حاکمک نصب ایلدیکی وصی در

اما قرینداش و عموجه و سائر اقربانک وصی اولدقلمری
 حالده اذن و یرملری جائز اولماز
 ماده ۹۷۵

حاکم بر صغیر میزند تصرفنده منفعت کوردیکی حالده
 اذن مقدم اولان ولی اذندن امتناع ایتمسه حاکم بو
 خصوصده اول صغیره اذن و یره پیلور و دیگر ولیسی
 ارتقانی حجر ایده من
 ماده ۹۷۶

بر صغیری مأذون ایدن ولی فوت اولدقده و یرمش اولدیغی
 اذن باطل اولور . فقط حاکمک اذنی و فاتیله یاخود
 عزلیله باطل اولماز
 ماده ۹۷۷

بر حاکمک مأذون ایتدیک صغیری ینه اول حاکم یاخود
 خلفی حجر ایده پیلور . یوشمسه بابامی یاخود دیگر
 ولیسی حاکمک وفاتی یاخود عزلی اوزر ینه آنی حجر
 ایده من
 ماده ۹۷۸

معتوه اولان کیمسه صغیر میزند حکمنده در
 ماده ۹۷۹

مجنون مطبق صغیر غیر میزند حکمنده در

۹۸۰ ماده

مجنون غیر مطبق حال افاقته اولان تصرفاتی عاقلک
تصرفی کبیدر

۹۸۱ ماده

بر چوجق بالغ اولدوقده مالنک کندوسنه اعطاسی
خصوصنده استعجال اولنمیوب تانی ایله تجربه اولنمیدر
رشید اولدیغی تحقق ایدر ایسه اول وقت اموالی
کندوسنه و یریلور

۹۸۲ ماده

بر چوجق غیر رشید اوله رق بالغ اولور ایسه رشدی
تحقق ایتدیجکه مالی کندوسنه و یرلیوب کافی السابق
تصرفدن منع اولنور

۹۸۳ ماده

بر صغیرک رشدی ثابت اولدین اموالی وصیسی طرفندن
کندوسنه و یریلو بده اول صغیرک یدنده ضایع اولسه
یا خود صغیراتلاف ایتسه وصی ضامن اولور

۹۸۴ ماده

بر صغیرک بلوغی اوزرینه مالی کندوسنه و یریلو بده
بعده سفیه اولدیغی تحقق ایتسه حاکم طرفندن حجر
اولنور

۹۸۵ ماده

حد بلوغ احتلام و احبال (یعنی کبه ابلک) و حیض
و خبل (یعنی کبه اولق) ایله ثابت اولور

۹۸۶ ماده

سن بلوغک مبدئی ارککده تام اون ایکی وقیزده تام
طقوز و منتھاسی ایکیسندہ دخی تام اون بش یاشر
و بر ارکک اون ایکی و بر قیز طقوز یاشرنی تکمیل
ایدو بدہ بالغ اولسه بالغ اولنجیدک مرهق و مرهقه
دینلور

۹۸۷ ماده

منتھای سن بلوغه وارمشیکن کندوسندہ آثار بلوغ
ظاهر اولمیان کیمسه حکما بالغ عد اولور

۹۸۸ ماده

مبدأ سن بلوغه وارمیان بر چوجق بانم دیو دعوی
ایلسه قبول اولتماز

۹۸۹ ماده

بر مرهق یاخود مرهقه حضور حاکمه بالغ اولدیغنی
اقرار ایتدکده جته سنک بلوغه تحملی اولماق حسدیله
ظاهر حال کندوسنی مکذب اولور ایسه بو اقراری
تصدیق اولتماز و اگر جته سنک بلوغه تحملی اولوبدہ

ظاهر حال کندوسنی تکذیب ایتمز ایسه تصدیق اولنور
 و عقود و اقراری نافذ و معتبر اولور . و بر مدت
 صکره بن اولوقت یعنی حین اقرارده بالغ دکل ایدم دیو
 بعد الاقرار واقع اولان تصرفات قولیه سنی فسخ ایتمک
 ایستمه اکا التفات و اعتبار اولنماز

(فصل ثالث)

(سفیه محجور حقنده در)

۹۹۰ ماده

سفیه محجور معاً لایته صغیر ممیز کبدر . فقط سفیهک
 و ایسی آجق حاکدر . انک اوزرنده اب وجدینک
 و وصیلرینک حق ولایتی یوقدر

۹۹۱ ماده

سفیهک بعد الحجر معاً لایته تصرفات قولیه سی صحیح
 اولماز ایسه ده قبل الحجر تصرفاتی سائر ناسک تصرفاتی
 کبدر

۹۹۲ ماده

سفیه محجورک کرک کندو و کرک نفقه سی اوزرینه لازم
 اولنر کندوسنک مالندن انفاق اولنورلر

۹۹۳ ماده

سفیه محجور برمانی صاتسه نافذ اولماز ایسه ده حاکم
منفعت کورر ایسه اجازت ویرر

۴۹۹ ماده

سفیه محجورک آخره دین اقراری مطلقاً صحیح اولماز . یعنی
کک و وقت مجرده موجود و کک بعد الحجر حادث
اولان اموالی حقنده اقرارینک تأثیری اولماز

۹۹۵ ماده

سفیه محجور اوزرنده اولان حقوق ناس کندوسنک
مالندن تأدیه اولنور

۹۹۶ ماده

سفیه محجور آقچه استقراض ایدوبده کندو نفقه سنه
صرف ایتدکده اکر قدر معروف اوله رق صرف ایتمش
ایسه حاکم اول آقچه بی انک مالندن تأدیه ایلر .
واکر فضله صرف ایتمش ایسه حاکم نفقه سی مقدارینی
محسوب ایدوب فضله سنی ابطال ایلر

۹۹۷ ماده

سفیه محجور کسب صلاح ایتدکده حاکم طرفندن ججرفک
اولنور

(فصل رابع)

(مدیون محجور حقیقده در)

۹۹۸ ماده

مدیونك قدرتی وار ایکن دینك اداسنده بماطله ایلدیکی
 نزد حاکمه ظاهر اولوبده دأشتری دخی مالی صاتیله رق
 دینك تأدییه سنی حاکدن طلب ایتدکارنده حاکم آنی حجر
 ایدر

و کندوسی مالی صاتوبده دینی ایفادن امتناع ایتدیکی
 تقدیرده حاکم انك مالی صاتوب دینی تأدییه ایلر
 شویله که مدیون حقیقده بیعی اهون اولاندن بدأ ایله صکره
 ده بو ترتیب اوزره اهونی تقدیم ایدرک ابتدا نقودندن
 باشلا یوب وفا ایتمز ایسه عروضنی و عروضی دخی وفا
 ایتمز ایسه عقارینی صاتار

۹۹۹ ماده

مدیون مفلس یعنی دیونی مالسه مساوی یاخود ازید
 اولوبده غرماسی تجارتله مالنك ضایع اولمسندن و یاخود
 مالی قاچر مسندن و یا آخرک اوزرینه کچور مسندن خوف
 ایله حاکمه مراجعت ایدرک مالنده تصرفدن یاخود
 آخره بوج اقرارندن حجر اولنمسنی طلب ایتدکارنده
 حاکم اول کیسه بی حجر ایدر • و اموالنی صاتوب ائماننی

بین الغرما تقسیم ایله . فقط کندوسنه بر یا ایکی قات
البسه ترك اولنور

شو قدر که اول مديونك قمتلو البسه سی اولوبده مادونی
ایله اکتفا قابل اولور ایسه اول البسه دخی صاتیلوب
ثمندن کندوسنه برقات اوجوز البسه النهرق باقیسی
غرمایه و بریلور كذلك برقوناغی اولوبده مادونی اكا
كفايت ايدر ایسه اول قوناق صاتیلوب ثمندن
حالنه مناسب برمسكن النور و باقیسی غرمایه اعطا اولنور
ماده ۱۰۰۰

مديون مفلسك مدت محجوریتنده كرك كندو و كرك
اوزینه نفقه سی لازم اولان كسنه لر کندوسنك مالندن
انفاق اولنور.

ماده ۱۰۰۱

دين ایچون حجر انجق مديونك وقت حجرده موجود
اولان مالنه تأثیر ايدر اما بعد الحجر انه كچن مالنه تأثیر
اولماز

ماده ۱۰۰۲

هبه و صدقه و ثمن مثلندن نقصاننه مال صاتمق كبی
هرنه که غرمانك حقنی ابطاله مؤدی اوله حجر انده مؤثر
اولور

بناء عليه مديون مفلسك حقوق غرمایه مضر اولان
 عقودی و سائر تصرفات و تبرعاتی وقت مجردة موجود
 اولان اموالی حقیقده معتبر اولماز . اما بعد الحجر
 اکتساب ایلدیکی اموالی حقیقده معتبر اولور . و بشقه سنه
 بوج اقرار ایتدکده وقت مجردة موجود اولان اموالی
 حقیقده معتبر اولماز . اما بعد زوال الحجر معتبر اولور
 و اولوقت ادا ایتک اوزره مديون قالور و برده بعد الحجر
 مال قازانور ایسه اندن و یرملک اوزره اقراری نافذ اولور

(باب ثانی)

(اکر اهه متعلق مسائل بیانده در)

ماده ۱۰۰۳

مجبرك تهديدیني ایقاعه مقتدر اولسی شرطدر
 بناء عليه تهديدیني ایقاع و اجرایه مقتدر اولمیان کیسه نك
 اکر اههی معتبر اولماز

ماده ۱۰۰۴

مکره بهك وقوعنده مکرهك قورقسی یعنی مکره علیهی
 ایشلمدیکی تقدیرده مجبرك مکره بهی اجرا ایده جکسه کند و سنجه
 ظن غالب حاصل اولسی شرطدر

۱۰۰۵ ماده

مکره اگر مکره علیهی مجبرک یا خود آدمتک حضورنده
ایشلر ایسه اکراه معتبر اولور . اما مجبرک یا خود آدمتک
غیابنده ایشلر ایسه اکراهک زوالندن صکره طوعا ایشلش
اوله جنی جهتله بوا اکراه معتبر اولماز
مثلا بر کیسه دیکره مالی صائمق اوزره اکراه ایدوبده
مکره انک غیابنده طرفندن برآدمی دخی اولدیغی حالده
واروب مالی صائسه اکراه معتبر اولیوب بیعی صحیح
ومعتبر اولور

۱۰۰۶ ماده

اکراه معتبر ایله وقوعبولان بیع وشر اوایجار و هبه
و فراغ و عن مال صلح و اقرار و ابراء و تأجیل دین
واسقاط شفعه معتبر اولمازه کرک اکراه ملجی اولسون
و کرک اکراه غیر ملجی اولسون . فقط مکره بعدزوال
الا کراه مجیز اولورسه اول حالده معتبر اولور

۱۰۰۷ ماده

اکراه ملجی بروجه بالا تصرف قولیده معتبر اولدیغی
کبی تصرفات فعلیه ده دخی معتبر اولور . اما اکراه
غیر ملجی یالکز تصرفات قولیده معتبر اولوب تصرفات
فعلیه ده معتبر اولماز بناء علیه بر کیسه دیکره فلانک

مالنی اتلاف ایت یوخسه سنی قتل ایدرم یا خود بر عضوکی
 کسرم دیو بده مکره دخی اتلاف ایتسه اکراه معتبر
 اولوب ضمان انجق مجره لازم کلور . اما فلانک مالنی
 اتلاف ایت یوخسه سنی ضرب یا حبس ایدرم دیو بده
 او دخی اتلاف ایتسه اکراه معتبر اولیوب ضمان انجق
 متلفه لازم کلور

(باب ثالث)

(شفعه بیاننده اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(مراتب شفعه بیاننده در)

۱۰۰۸ ماده

اسباب شفعه اوچدر . اولکیسی نفس میعهده مشارک
 اولمقدر . نه کیم ایکی کیسه نک بر عقارده شایعا
 اشتراکری کبی
 ایکنجیسی حق میعهده خلیط اولمقدر . نه کیم حق شرب
 خاص و طریق خاصده اشتراک کبی
 مثلا حق شرب خاصده اشتراکری اولان باغچه لردن
 بر یسی صاندلقدده دیگر باغچدر اصحابی شب شفیع اولورلر
 کرک جار ملاصق اولسونلر و کرک اولسونلر

کذاک قپوسی طریق خاصه آچیلان یرخانه صاتلدقده
 اول طریق خاصه قپوسی اولان دیکر خانه لر اصحابنک
 کافه سی شفیع اولور کرک جار ملاصق اولسونلر و کرک
 اولسونلر . اما عمومک منتفع اولدیغی بر نهر دن صو
 آلان یاخود قپوسی طریق عامه آچیلان خانه لردن بری
 صاتلدقده اول نهر دن صو آلان یاخود اول طریق عامه
 قپوسی اولان دیکر خانه لر اصحابنک حق شفعه سی یوقدر
 اوچنجیسی مبیعه جار علاصق اولمقدر

۱۰۰۹ ماده

حق شفعه اولان نفس مبیعه مشارک اولان کیمسه نک
 ثانیاً حق مبیعه خلیط اولانک ثالثاً جار ملاصق کدر .
 و برنجی طالب ایکن دیکر لرینک و ایکنجیسی طالب ایکن
 اوچنجینک حق شفعه سی یوقدر

۱۰۱۰ ماده

نفس مبیعه مشارک اولدیغی یاخود اولوبده حق شفعه
 سنلن واز یکدیگی حالدده حق مبیعه خلیطی وار ایسه
 حق شفعه آنکدر

حق مبیعه خلیطی دخی یوقیسه یاخود اولوبده
 حقندن واز یکر ایسه اول حالدده جار ملاصق شفیع
 اولور

مثلا بر کیمسه مستقلا ملکی اولان عقارینی صادقه یا خود
 بر مشترک عقارده کی خصه شایعه سنی صاتو بده مشارکی
 حق شفعه سندن واز یکدکده اگر اول عقارک حق
 شرب خاصنده یا خود طریق خاصنده خلیطی وار ایسه
 حق شفعه آنکدر یوق ایسه یا خود اولوبده حقندن
 یکر سه اول حالده حق شفعه جار ملاصقکدر
 ماده ۱۰۱۱

بر بنانک فوقانیسی یعنی اوست قاتی بر ینک و تحتانیسی
 یعنی الت قاتی دیکر ینک ملکی اولدیغی صورته یکدیگره
 جار ملاصق عد اولتور
 ماده ۱۰۱۲

بر خانه نک دیوارنده مشارک اولان کیمسه اول خانه ده
 مشارک حکمنده در . اما دیوارده مشارک اولیو بده
 فقط کندو خانه سنک کیرشلی قوشوسنک دیواری
 اوزرینه تمتد اولدیغی صورته جار ملاصق عد اولتور
 مجرد اول دیوار اوزرینه کیرشلی ینک او جلینی قویمق
 حق اولغله شریک و خلیط عد اولنه ماز
 ماده ۱۰۱۳

متعدد شفیعمر اولدیغی حالده عدد رؤسه اعتبار اولتور
 مقدار سهامه یعنی حصدر ینک مقدارینه اعتبار اولنماز

مثلاً بر خانه‌نک نصف حصه سی بر کیمسه‌نک و ثلث ایله
سدس حصه لری دیگر ایکی کشینک اولدیغی حالده نصف
حصه صاحبی حصه سنی آخره صاتدقده دیگر لری شفعه ایله
طالب اولسه لر بالمناصفه یینلرنده تقسیم اولنور . یوخسه
ثلث حصه صاحبی حصه سنه کوره زیاده حصه اله‌ماز

۱۰۱۴ ماده

ایکی صنف خلیطرا اجتماع ایتدکده اخصی اعماک اوزرینه
تقدیم اولنور

مثلاً بر نهر صغیردن آچیلان خرقده حق شربی اولان
یری ملک بر باغچه حق شریله بیله صاتلدقده اول
خرقده حق شربی اولنور حق شفعه ده مقدم و مر جحدور .
اما اول نهرده حق شربی اولان یری ملک بر باغچه حق
شر بیله بیله صاتلدقده کرک اول نهرده و کرک خرقده
حق شربی اولنور هب شفیع اولور لر . ته کیم بر
چیمماز زقاقدن منشعب دیگر بر چیمماز زقاغه قپوسی
اچیلان بر ملک خانه صاتلدقده انجق بوشعبه یه قپوسی
اولان خانه لر اصحابی شفیع اولور . اما اول چیمماز
زقاقده قپوسی اولان بر خانه صاتلدقده کرک اول زقاقده
و کرک شعبه سنده حق مروری اولنور هب شفیع اولور لر

۱۰۱۵ ماده

حق شرب خاصی اولان بر باغچه صاحبی حق شربنی
صاتیوبده یالکز اول باغچه بی صاتسه حق شربنده خلیط
اولنر شفیع اوله ماز

طریق خاص دخی بوکا قیاس اولنه

۱۰۱۶ ماده

حق شرب حق طریقہ مقدمدر

بناء علیه بر باغچه صاتیوبده بر کیسه انک حق شرب
خاصنده و دیگر بری طریق خاصنده خلیط اولسه حق
شرب صاحبی حق طریق صاحبی اوزرینه ترجیح و تقدیم
اولنور

(فصل ثانی)

(شرائط شفعه بیانده در)

۱۰۱۷ ماده

مشفوعک ملک عقار اولسی شرطدر
بناء علیه سفینه ده و سایر منقولاتده و وقف عقارده و اراضی
امیریه ده شفعه جاری اولماز

۱۰۱۸ ماده

مشفوع بیک دخی ملک اولسی شرطدر

بناء عليه بر ملك عقار صائلدقه اتصاننده بولنان وقف
عقار ك متوليسى يا خود متصرفى شفيع اوله ماز

۱۰۱۹ ماده

وقف ير يا خود اراضى اميريه اوزرنده كى ملك اشجار
وابنيه منقول حكمنده اوله رق بونلرده شفعه جارى
اولماز

۱۰۲۰ ماده

بر ملك عرصه اوزرنده كى اشجار وابنيه ايله برابر صائلدقه
يره تبعاً اشجار وابنيه ده دخى شفعه جارى اولور . اما
يالكر اشجار وابنيه صائلدغى صورتده شفعه جارى اولماز

۱۰۲۱ ماده

شفعه انجق عقد بيع ايله ثابت اولور

۱۰۲۲ ماده

هبه بشرط العوض بيع حكمنده در

بناء عليه بر كيمسه ملك خانه سنى بشرط العوض آخره هبه
وتسليم ايتسه جار ملاصقى شفيع اولور

۱۰۲۳ ماده

بلاعوض هبه وميراث ووصيت كى بلا بدل آخره تملك
اولنان عقارده شفعه جارى اولماز

۱۰۲۴ ماده

شفيعك واقع اولان عقد بيعه صراحة يا خود دلالة
رضاسى اولماق شرطدر

مثلا عقد بيعى ايشتمد كده يك اعلا ديسه حق شفعهسى
ساقط اولوب اندن صكره طلب شفعه ايده مز • وكذا
بيك عقد اولنديغنى ايشتمد كدن صكره عقار مشفوعى مشتريدن
اشترا يا خود استيجار ايتك ايستسه حق شفعهسى ساقط
اولور • كذلك بر كسـنهـنك بايعه وكيل اولوبده
صـانـديغى عقارده حق شفعهسى اولهـماز (۱۰۰)

ماده يه باق

۱۰۲۵ ماده

بدلك معلوم المقدار مال اولسى شرطدر
بناء عليه مال اولميان بدل ايله تمليك اولنان عقارده شفعه
جارى اولماز

مثلا بر حرام استيجار ايله اجرت ديو ويريلان ملك خانهده
شفعه جريان ايتمز زيرا بونده خانهك بدلى مال اولميوب
منافع قبيلندن اولان اجرتدر • كذلك بدل مهر اولهـرق
ويريلان ملك عقارده شفعه جارى اولماز

۱۰۲۶ ماده

بايعك مبيعدن ملكى زائل اولق شرطدر

بناء علیه بیع قاسده بایعك حق استردادی ساقط اولدجه
 شفعه جاری اولماز و بیع بشرط الخیارده اکر مخیر یالکز
 مشتری ایسه شفعه جاری اولور . و اکر بایع مخیر ایسه
 حق خیاری ساقط اولدجه شفعه جاری اولماز . اما
 خیارعیب ایله خیاریت شفعه نك ثبوتنه مانع دکدر
 ماده ۱۰۲۷

تقسیم عقارده شفعه جاری اولماز
 مثلاً بر مشترک خانه مشارکری بیننده تقسیم اولندقده
 جار ملاصق شفیعی اوله ماز

(فصل ثالث)

(طلب شفعه بیاننده در)

ماده ۱۰۲۸

شفعهده اوچ طلب لازمدر که طلب مواثبه و طلب تقریر
 و اشهاد و طلب خصومت و تملکدر

ماده ۱۰۲۹

شفیعك عقد بیعی طویدیغی مجلسده درحال بن مبعك
 شفیعیم یاخود بالشفعه طلب ایدرم دیمك کبی طلب
 شفعهیه دلالت ایدر بر سوز سویلمسی لازمدر . بوکا
 طلب مواثبه دینلور

۱۰۳۰ ماده

طلب مواثبه دن صکره شفیعک طلب تقریر و اشهاد ایتسی
لازمدر

شویله که ایکی کشی حضورنده اوله رق مبیعک یاننده بو
عقاری فلان کیمسه اشترا ایتش یا خود مشتری نیک یاننده سن
فلان عقاری اشترا ایتش سین و یا خود مبیع هنوز بابع
یاندنه ایسه انک یاننده سن فلان عقار کی فلانده صاتمیش سین
بن ایسه شو جهته انک شفیعیم و طلب شفعه ایتش یدم
شمدی دخی طلب ایدرم شاهد اولکز دیملیدر

وا کر شفیع اوزاق محله بولنوبده بالذات بو وجهله
طلب تقریر و اشهاد ایده مزسه برینی توکیل ایدر . وکیل
بوله ماز ایسه مکتوب کوندرر

۱۰۳۱ ماده

طلب تقریر و اشهاد دن صکره شفیعک حضور حا کده طلب
و دعوی ایتسی لازمدر . ایشته بوکا طلب خصومت
و تملک دینلور

۱۰۳۲ ماده

شفیع اکر طلب مواثبه بی تأخیر ایدر ایسه مثلا عقد بیعی
طویدیغی کبی اول مجلسده طلب شفعه ایتیبوده بشقه ایش
ایله یا خود آخر صده دایر بر بحث ایله مشغول اولمق کبی

اعراضه دلالت ایدر بر حالده بولنور ایسه یاخود طلب
شفعه ایتمدین اول مجلسدن قالمار ایسه حق شفعه سی

ساقط اولور

ماده ۱۰۳۳

شفیع اکر طلب تقریر و اشهادی ولوکه مکتوب ایله
اولسون اجرا ایده جک قدر وقت کچوبده تأخیر ایدر سه
حق شفعه ساقط اولور

ماده ۱۰۳۴

طلب تقریر و اشهاددن صکره شفیع اکر اخر دیار ده
بولنق کبی بر عذر شرعیسی یوق ایکن طلب خصومتی
برآی تأخیر ایدر سه حق شفعه سی ساقط اولور

ماده ۱۰۳۵

مجبورینک حق شفعه سنی و ایسی طلب ایدر . و بر
صغیرک حق شفعه سنی و ایسی طلب ایتمز ایسه بعد البلوغ
کندونک طلب شفعه یه صلاحیتی قالماز

(فصل رابع)

(حکم شفعه بیانده در)

ماده ۱۰۳۶

مشرینک بالتراضی تسلیمیه یاخود حاکم حکمیله شفیع
اولان کیسه شفوعه مالک اولور

۱۰۳۷ ماده

برملکی شفعه ایله المق ابتدا اشترأ منزله سنه در
بناء علیه خیار رؤیت و خیار عیب ایله رد کبی ابتدا
اشترأ ایله ثابت اولان حکم لر شفعه ایله دخی ثابت اولور

۱۰۳۸ ماده

طلب مواثیه و طلب تقریر دنصکره مشترینک بالتراضی
تسلیمی یا خود حاکم حکمی ایله شفیع هنوز مشفوعه
مالک اولدن فوت اولسه حق شفعه ورثه سنه انتقال ایتمز

۱۰۳۹ ماده

شفیع ایکی طلبدن صکره هنوز بوجه مشروح مشفوعه
مالک اولدن مشفوع بهی صاتلسه حق شفعه سی ساقطا اولور

۱۰۴۰ ماده

شفیع بوجه مشروح هنوز مشفوعه مالک اولدن مالک
مشفوعک اتصالنده دیگر برمالک عقار صاتلسه بوایکنجی
عقاره شفیع اوله من

۱۰۴۱ ماده

شفعه تجزی قبول ایتمز
بناء علی ذلک عقار مشفوعک بر مقدارینی ترک ایله دیگر
بر مقدارینی المغه شفیعک حتی بو قدر

۱۰۴۲ ماده

شفعدان بعضیسی حصه سنی بعضیسنه هبه ایده من
ایدرسه حق شفعه سنی اسقاط ایتش اولور

۱۰۴۳ ماده

شفیعلردن بریسی حاکم حکمندن مقدم حقی اسقاط
ایلسه دیگر شفیع عقار مشفوعی تماما الیهیلور و اگر
حاکم حکمندن صکره شفیعلردن بریسی حقی اسقاط
ایلسه شفیع دیگر انک حقی الهماز

۱۰۴۴ ماده

مشتری بناء مشفوعی بویاتمق کبی مالندن بر شی زیاده
ایلسه شفیع مخیردر دیلرسه ترک ایدر دیلرسه بنانک
ثمنیه برابر اول زیاده نك دخی قیمتنی و یروب مشفوعی
الور

و مشتری عقار مشفوع اوزرینه ابنیه یامش یاخود آتاج
غرس ایتش ایسه مشفوع مخیر اولوب دیلرسه ترک ایدر
و دیلرسه عقار مشفوعک ثمنیه برابر ابنیه نك یاخود
اشجارک قیمتنی و یروب مشفوعی الور یوخسه ابنیه یاخود
اشجاری قلع ایتک اوزره مشتری به جبر ایده من

اراده سنیه تاریخی فی ۱۶ ربیع الآخر سنه ۱۲۹۰

احمد جودت

امين الفتوى

السيد خليل

قاضى دار الخلافة العلية

عن اعضاء ديوان احكام عدليه

سيف الدين

احمد خلوصى

عن اعضاء ديوان احكام

عن اعضاء مجلس تدقيقات

عدليه احمد حلى

شرعية احمد خالد

— ❦ كتاب الشركة ❦ —

✽ صورت، خط همایون ✽

(موج‌بجه عمل اولنه)

(کتاب هاشم)

(انواع شرکاته دائر اولوب بر مقدمه ایله سگزابی)

(حاویدر)

(مقدمه)

(بعض اصطلاحات فقیه بیانده در)

۱۰۴۵ ماده

شرکت . فی الاصل بردن زیاده کیمسه لره بر شینک

اختصاصی وانلرک اول شی ایله امتیازی در

فقط اویله بر اختصاصه سبب اولان عقد شرکت معناسنده

دخی عرف واصطلاح اوله رق مستعملدر

بناء علیه مطلقا شرکت ایکی قسمه تقسیم اولنور . بری

شرکت ملکرکه اشترا و اتماب کبی اسباب تملکدن بریله

حاصل اولور . دیکری شرکت عقد در که شریکر

بینده ایجاب و قبول ایله حاصل اولور ایکسینک دخی

تفصیلاتی باب مخصوصلرنده کلور

بونلردن بشقه برده شرکت اباحه واردرکه مباح اولان

یعنی صوتی کی فی الاصل کمنہنک ملکی اولیان شیلری
 اخذ و احراز ایله تملکله صلاحیتده عامه نیک متشارک
 اولسیدر

۱۰۴۶ ماده

قسمت . تقسیم دیمکدر . تعریف و تفصیلی باب مخصوصنده
 کلور

۱۰۴۷ ماده

حادث . دیوان و تختہ پرده و چیت دیمکدر . جمعی حیطان
 کلور

۱۰۴۸ ماده

ماره . عامه و زننده طریق عامدن مرور و عبور ایدنلردن
 ۱۰۴۹ ماده

قنسات . قافک فتحیله یرده صوت اجرا ایده جک کول
 و کار یزدر . جمعی قنوات کلور

۱۰۵۰ ماده

مسنات . میم مضومه و سین مفتوحه و نون مشدده ایله
 سنور و صوت بندی و صوت خرقلرینک کنارلری دیمکدر .
 جمعی مسنیات کلور

۱۰۵۱ ماده

احیا . اعمار دیمکدر که اراضی بی زراعتہ صالح قیلقدن

۱۰۵۲ ماده

تجیر . اراضی به بشقه کسسه وضع یدایتمامک ایچون
اطرافنه طاش و سائر نسنه وضع ایتمکدر

۱۰۵۳ ماده

انفاق . مالی خرج و صرف ایتمکدر

۱۰۵۴ ماده

نفقه . حوایجه و تعیشه صرف اولنه جق آقچه وزاد
و ذخیره مقوله سیدر

۱۰۵۵ ماده

تقبل . برایشی تعهد . التزام ایتمکدر

۱۰۵۶ ماده

مفاوضین . عقد شرکت . مفاوضه ایدنلردر

۱۰۵۷ ماده

رأس المال . سرمایه دیمکدر

۱۰۵۸ ماده

ربح . فائده و کار دیمکدر

۱۰۵۹ ماده

ایضاع . بر کیمسه نك کاری تماما کندوسنه عائد اولوق
اوزره دیگر کسسه به سرمایه و بر سیدر که سرمایه به بضاعه
و ویرن کسسه به بضاع و الان کسسه به مستبضع دینلور

(باب اول)

(شرکت ملك بياننده اولوب اوچ فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(شرکت ملك تعريف و تقسیمی بياننده در)

۱۰۶۰ ماده

شرکت ملك . اسباب تملكدن اولان اشترا و اتهاپ و قبول وصیت و توارث کبی بر سببله یا خود خلط و اختلاط اموال ایله یعنی مالاری یکدیگره قابل تمیز و تفریق اولیه جق صورتده فارشدیرمق و یا خود مالاری اول صورتده یکدیگره قارشیق ایله بر شینک بردن زیاده کیسه در بیننده مشـترک یعنی اول شینک انلره مخصوص اولمایدیر

مثلا ایکی کیسه بر مال اشترا یا خود بری انلره هبه یا وصیت ایله و بده انلر دخی قبول ایسه و یا خود بر مال ایکی کشی یه موروث اولسه اول مال انلرک بیننده مشترک اولور وانلر اول مالده حصه دار و متشارك و هر بری انده دیکرینه مشارک اولورلر

کذلک ایکی کیسه ذخیره لرینی بر برینه قارشیرسه یا خود چو مالاری دنلرک کبی بوجهله ایکیسنک ذخیره لری بر برینه

قارشده اشبو مخلوط یا مختلط ذخیره ایکیمی بیننده مال

مشترک اولور

۱۰۶۱ ماده

بر کیمسه بر التونی دیکرک اول جنسدن اولان ایکی

التونیه قاریشوبده تمیزنی قابل اولدیغی حالده ایکیمی

ضایع اولسه قالان بر التون ایکیمی بیننده ثلث و ثلثان

نسبتیه مشترک اولوب ثلثانی ایکی التون صاحبک و

ثلثی بر التون صاحبک اولور

۱۰۶۲ ماده

شرکت ملک . اختیاری و جبری قسملریته تقسیم اولور

۱۰۶۳ ماده

شرکت اختیاریه . مشارکک فعلری ایله حاصل

اولان اشتراکدر

نته کیم بر وجه بالا اشترا و اتیاب و قبول و صیت ایله خلط

اموال صورتلرنده حاصل اولان اشتراک کبی

۱۰۶۴ ماده

شرکت جبرییه . مشارکک فعلری ایله اولیبوب بشته

سبب ایله حاصل اولان اشتراکدر

نته کیم توارث و اختلاط مالین صورتلرنده حاصل اولان

اشتراک کبی

۱۰۶۵ ماده

معدد ودیملرک ودیعه بی حفظده اشتراکری شرکت
 اختیاریه قبیلندندر . اما روزگار اسوبده برکسینه ننگ
 جامه سنی برمشترک خانه یه اتسه اول خانه صاحبترینک
 اول جامه بی حفظده اشتراکری شرکت جبریه قبیلندن
 اولور

۱۰۶۶ ماده

شرکت ملک . شرکت عین و شرکت دین قسمیینه دخی
 تقسیم اولنور

۱۰۶۷ ماده

شرکت عین . معین و موجود اولان مالدده اشتراکدر
 ایکی کشینک برقیونده یاخود رسوری قیونده شایعا
 اشتراکری کبی

۱۰۶۸ ماده

شرکت دین . الهجقه اشتراکدر
 ایکی کشینک برکسینه ذمتده الهجقری اولان شوقدر
 غروشه اشتراکری کبی

(فصل ثانی)

(اعیان مشترکہ نك کیفیت تصرفی بیانده در)

مادہ ۱۰۶۹

بر مملکده مستقلا صاحبی اولان کیمسه نصل کہ کیف مایشاء
تصرف ایدرسه ملک مشترکہ دخی صاحببری بالاتفاق
اولوجهله تصرف ایدرلو

مادہ ۱۰۷۰

بر مشترک خانده صاحببری بر لکده اوله رق ساکن
اوله بیلور . فقط بریمی اول خانہ یه اجنبی آدم ادخال
ایده جک اولورسه دیگرکی مانع اوله بیلور

مادہ ۱۰۷۱

بر ملک مشترکہ حصه دارلردن بری دیگر نك اذنیله
مستقلا تصرف ایده بیلور فقط اول حصه داره مضر
اوله جق وجهله تصرفی جائز اولماز

مادہ ۱۰۷۲

حصه دارلردن بری آخره حصه کی بکاصات ویاخود
بنم حصه می اشترا ایت دیو جبر ایده من فقط بینلرنده
مشترک اولان ملک اگر قابل قسمت اولوبده مشارکی دخی
غائب دکل ایسه تقسیم وقابل قسمت دکل ایسه مه ایبآه
ایتدیره بیلور . نه کیم تفصیلاتی باب ثانیده کاور

۱۰۷۳ ماده

شرکت ملك ايله مشترك اولان اموالك حاصلاتى
صاحبلىرى بيشنده حصه لرينه كوره تقسيم اولتور
بناء عليه بر مشترك حيوانك سوتندن يا خود يا وريلىردن
مشاركتك برينه حصه سندن فضله بر شى شرط ايدلسه
صحيح اولماز

۱۰۷۴ ماده

ياوريلر ملكيتده انالرينه تابعدر

مثلا برينك اتى ديكرك قيصراغنى اشمه حاصل اولان
ياوريسى قيصراق صاحبكدر . كذلك برينك اركك
و ديكرك ديشى كو كرجنلى اولسه بونلردن حاصل
اولان ياوريلر ديشى كو كرجين صاحبلىرىنگدر
۱۰۷۵ ماده

شرکت ملكده متشاركلردن هر برى ديكرى حصه سنده
اجنيدر . بريسى ديكرك و كيلي دكلدر
بناء عليه برينك اذنى اولدقجه ديكرى انك حصه سنده
تصرف ايدمه . فقط مشترك خانه سکناده و دخول
و خروج كى توابع سکنادن اولان احوالده صاحبلىردن
هر برينك على وجه الكمال ملك مخصوصى اولمق اوزره
اعتبار اولتور

مثلا بر مشـترك بار كيرى صاحبـلرندن برى ديكرينك اذنى
اولقسزىن اعاره و يا اجاره ايدوبده بار كير مسـتعير و يا
مستأجر يندده تلف اولسه ديكرى اكا حصه سنى تضمين
ايتـديره بيلور . كذلك برىمى بلا اذن مشـترك بار كيره
بنوب يا خود يوك يوكـلـدوبده كيدر كن بار كير تلف اولسه
ديكرينك حصه سنى ضامن اولور . وكذا بر مدت
استعمال ايله بار كير زبون اولوبده قيمته نقصان كلسه
ديكره نقصان قيمتدن حصه سنى ضامن اولور . اما
مشترك خانه ده صاحبـلرندن برى ديكرندن اذن المقسزىن
بر مدت ساكن اولسه كندى ملكـكنده ساكن اولمش
ديمك اولور . بوجهته مشاركنك حصه سى ايچون
اجرت ويرمى لازم اولماز . وقضارا خانه محـترق
اولسه ضمان دخی لازم كلز

ماده ۱۰۷۶

مشـترك اراضى يى صاحبـلرندن برى زراعت اتمكـه
ديكرينك نادت بلده اوزره حاصلاتدن ثلث ياربع كـبى
بر حصه المغه صلاحيتى يوقدر

فقط زراعتيله ارضه نقصان كلش ايسه نقصان قيمتدن
حصه سنى زراعت ايدن مشاركنه تضمين ايتـديره بيلور

۱۰۷۷ ماده

مال مشترکی صاحبزندان بری آخره ایجار ایله اجرتنی
اخذ ایتدکده دیگرینک حصه سنی اکار د و اعطا ایدر

۱۰۷۸ ماده

حصه دارلردن بری غائب اولدیغنی صورتده اکر مواد
آیهده بیان اولنه جغنی وجهله دلالة رضاسی بولنور ایسه
حاضر اولان کندی حصه سی قدر ملک مشترکدن انتفاع
ایده بیلور

۱۰۷۹ ماده

حاضرک غایبه مضر اولیه جق وجهله ملک مشترکدن
انتفاعنه غایبک رضاسی وار عد اولنور

۱۰۸۰ ماده

مستعملینک استعمالیه مختلف اولان ملک مشترکدن انتفاعه
غایبک دلالة رضاسی بولنه ماز

بناء علیه مشترک البسه صاحبزندان بری دیگرک غیابنده
تابس ایده من

و کذا بریسی دیگرینک غیابنده بیلرنده مشترک اولان
بار کیره بنده من

اما بولک طاشمیق و چفت سورمک کبی مستعملینک اختلافیه
مختلف اولیمان ایشرده حصه سی قدر استعمال ایده بیلور

نته کیم متشار کردن بری غائب اولدقده دیکری بیلنرنده
بالاشترک اجیر اولان خدمتکاری کون آشوری استخدام

ایده بیلور

۱۰۸۱ ماده

خانه ده سکنی مستعملینک اختلافیه مختلف دکدر

بناء علیه مناصفة مشترک اولان خانه صاحب لردن بریسی
غائب اولسه دیکری التی آی ترک ایتک کبی بروجه له انتفاع

ایده بیلور

شو قدر که دائره سی خلقی غلبه لک ایسه مستعملینک
استعمالیه مختلف قبیلندن اولور و بونده غائبک دلالة

رضایی بولنماز

۱۰۸۲ ماده

حاضر و غائبک خانه مشترکده حصه لری یکدیگردن مفرز
ایسه حاضر اولان کیمسه غائبک حصه سننده ساکن

اوله ماز لکن بوش طور مغله خراب اولسنندن خوف
اولنور ایسه حاکم اول حصه مفرزه بی ایجار ایله اجرتی

غائب ایچون حفظ و توقیف ایلر

۱۰۸۳ ماده

مهایاة انجق بعد الخصومه جاری و معتبر اولور

بناء علیه بر مشترک خانه ده صاحب لردن بریسی نیکرینک

حصه سی ایچون اجرت ویر مکسزین بر مدت مستقلا ساکن اولدقده دیکری یا اول مدت ایچون بنم حصه مک اجرتنی ویر . و یا خود بن اولقدر مدت ساکن اولورم دیه میوب انجق دیرسه خانه قابل قسمت اولدیغی تقدیرده تقسیم و دیرسه اندن صکره معتبر اولق اوزره مه ایأه ایتدیرر

فقط مشترک خانه صاحب لرندن بری غائب اولوبده دیکری ماده آنفدهه بیان اولندیغی اوزره بر مدت انده ساکن اولسه غائب دخی کلدکده او قدر مدت انده ساکن اوله بیلور

ماده ۱۰۸۴

خانه مشترکی صاحب لرندن حاضر اولان کیسه ایجار و اجرتدن کندی حصه سنی الوب غائب حصه سنی حفظ و توقیف ایتسه جائز اولور . و غائب کلدکده حصه سنی اندن الور

ماده ۱۰۸۵

مشترک اراضی صاحب لرندن بری غائب اولدقده زراعتک نقصان ارضی موجب اولیوب ارضه نافع اوله جغی معلوم اولور ایسه حاضر اولان مشارکی اول اراضینک تمامی زراعت ایده بیلور . و نقدر مدت زراعت ایدرسه

غائب دخی کلدکده اول قدر اراضی بی زراعت ایلر
 واکر زراعتک نقصان ارضی موجب وترکی نافع وارضک
 قوتلشمسنی مؤدی اوله جنی معلوم اولورسه اول اراضینک
 زراعتنه غائبک دلالة اذنی بولتماز . بناءعلیه حاضر اولان
 مشارکی اول اراضیدن یالکز کنندی حصه سی مقدارینی
 مثلا مناصفة . مشترک ایسه نصفنی زراعت ایلر . وسنه
 آتیده تکرار زراعت ایده جک اولورسه ینه اول نصفنی
 زراعت ایدوب یوخسه بر سنه بر طرفنی و دیگر سنه
 دیگر طرفنی زراعت ایده مز واکر اول اراضینک
 تمامی زراعت ایدرسه غائب کلدکده ! کالنقصان ارضدن
 حصه سنی تضمین ایتدیره بیلور

تفصیلات سابقه حاضرک حاکمه مراجعت ایتمدیکی تقدیرده
 در . اما حاکمه مراجعت ایتمکده هر حالده عشریا خراج
 اراضی ضایع اولماق ایچون اول اراضینک تمامی
 زراعت ایتمک اوزره حاکم اکاذن ویرر . و بوتقدیرجه
 غائب کلدکده نقصان ارض دعواسی ایده مز

ماده ۱۰۸۶

مشترک باغ صاحب لرنندن بری غائب اولدقده دیگرکی باغک
 اوزرنده قائم اولوب میوه حصوله کلدکده کنندی
 حصه سنی اخذ و استهلاک ایدر

غائب حصه سنی دخی صاتوب ثمنی توفیف ایده بیلور .
 فقط غائب کلدکده مخیردر . دیلرسه اول بیعی مجیز اولور
 وموقوف اولان ثمنی الور . ودیلرسه مجیز اولیوب
 حصه سنی اکا تضمین ایتدیرر

۱۰۸۷ ماده

مشارک کردن برینک حصه سی دیکرینک یدنده ودیعه
 حکمنده در

بناه علیه بریسی خود بخود مال مشترکی آخره ایداع ایدوبده
 اول مال تلف اولسه مشارکنک حصه سنی ضامن اولور
 (۷۹۰) ماده یه باق

۱۰۸۸ ماده

حصه دارلردن بری حصه سنی دیلرسه مشارکنه صاتار .
 ودیلرسه مشارکندن اذن المقسزین آخر کسنه یه دخی
 صاته بیلور (۲۱۵) ماده یه باق

فقط فصل اولده بیان اولنسان خلط واختلاط اموال
 صورتلرنده بری مشارکنک اذنی اولدجه مخلوط
 یا مختلط اولان مال مشترکده کی حصه سنی بشقه کسنه یه
 صاته مز

۱۰۸۹ ماده

موروث اولان اراضیده ورثه دن بعضیمی مشترک اولان

تخمی دیکر لرینک یا خود صغیر ایسه لر و صیلرینک اذنیله
اکسه حاصلاتی جله سنک یئینده مشترک اولور
واکر ایچلرندن بریسی کندی تخمی اکسه حاصلاتی
انکدر . فقط زراعتیله ترتب ایدن نقصان ارضدن سائر
ورثه نك حصه سنی ضامن اولور

(۹۰۷) ماده یه باق

۱۰۹۰ ماده

ورثه دن بری دیکر لرینک اذنی اولقسزین قبل القسیمه
ترکه دن بر مقدار پاره اخذ و اعمال ایسه ضرری کند و سونه
حائذ اولدیغی کبی کار ایتمیکی صورتده دخی ورثه اندن
حصه الهماز

(فصل ثالث)

(دیون مشترکه بیانده در)

۱۰۹۱ ماده

ایکی یا زیاده کیسه لرك برکسنه ذمتده اولان الاجقلمری
سبب واحددن ناشی ایسه ایکیسی یئینده شرکت ملک
ایله مشترک بر دین اولور . واکر سبب منحد اولماز ایسه
دین دخی مشترک اولماز . نته کیم مواد آتیه دن متضح
و مستبان اولور

۱۰۹۲ ماده

متوفانك اعيان متروكهسى وارثلىرى بىننده حصه لىنه كوره
مشترك اولديغى كېي آخرك ذمتنده اولان اله جغنى دىخى
كذلك وارثلىرى بىننده حصه لىنه كوره مشترك اولور

۱۰۹۳ ماده

مال مشتركى اتلاف ايدن كىسنه نك ضمانا دىنى اولان مبلغ
اول مالك صاحبلرى بىننده مشترك اولور

۱۰۹۴ ماده

ايكى كىشى بىننده مشترك اولان شوقدر غروشى بر كىسنه يه
اقراض ايتسه لر مستقرضك اشبو دىنى اول ايكى كىشى
بىننده مشترك اولور

اما ايكى كىشى بر كىسنه يه بشقه بشقه آچقه اقراض ايتسه لر
هر برى بشقه بشقه اله جقلو اولوب مستقرضك بودىلرى
ايكىسى بىننده مشترك اولماز

۱۰۹۵ ماده

صفتة واحده ايله بر مال مشترك صاتيلوبنده صاحبلرىندن
هيچ برى نك حصهسى حين بيعده ذكرو تسميه اولنمسه
بوندن طولايى مشترى ذمتنده اولان اله جقلرى دىن
مشترك اولور

واكر حين بيعده هر برى نك ثمن مبيعه اولان حصه سنك

مقداری یا خود نوعی تسمیه و تعیین قلنسسه مثلا برینک
 حصه سی شو قدر و دیگرینک حصه سی بو قدر غروش
 یا خود برینک حصه سی مسکوکات خالصه و دیگرینک
 حصه سی مسکوکات مغشوشه دیو حصه لری تفریق و
 تمیز اولنسه با یعلر ثمن مبیعه متشارک اولیوب هر بری
 بشقه بشقه الاجقلو اولور

کذلک بریسی حصه شایعه سنی برکسنه یه صاتمقدنصره
 دیگرى دخی حصه شایعه سنی ابروجه اوله رق ینه اول
 کسنه یه صاتم ثمن مبیعه متشارک اولیوب هر بری
 بشقه بشقه الاجقلو اولور

۱۰۹۶ ماده

ایکی کشی برمالی صفقه واحده ایله برکسنه یه صاتمهلر
 مثلاً برینک برآتی و دیگرینک برقصراغی اولوبده ایکیسی
 برلکده اوله رق شو قدر غروش بیع ایتمهلر مبلغ مزبور
 با یعلر بیننده مشترک براله جق اولور

واگر هر بری کندو حیواننه شو قدر غروش دیو تسمیه
 ثمن ایلسه هر بری بشقه بشقه الاجقلو اولوب حیوانلرک
 مجموع اثمانی دین ایله مشترک اولمازه کذلک ایکی کشی
 برکسنه یه بشقه بشقه بر مال صاتمهلر مبیعلرک اثمانی

دين مشترك اوليوب هر برى بشقه بشقه الاجقلو
اولور

ماده ۱۰۹۷

ايكى كشى كفالترى حسييله بر كسنه نك بورجنى تآديه
ايتد كلرنده اكر بينلرنده مشترك اولان مالدن و بر مشلر
ايسه مكفول عنده اولان الاجقلى دين مشترك اولور
ماده ۱۰۹۸

بر كيسه شو قدر غروش دينى ادا ايتك اوزره اينى
كشى به امر ايدوبده انلر دخی تآديه ايتد كلرنده اكر
بينلرنده كى مال مشتركدن و بر مشلر ايسه اول كيسه ده
اولان الاجقلى بر دين مشترك اولور
واكرويرد كلرى آچه بينلرنده مشترك اوليوبده هر برينك
حصه سى حقيقه متميز ايسه مجرد بر لكده ادا ايتش اولملىه
اول كيسه ده اولان الاجقلى دين مشترك اولماز
ماده ۱۰۹۹

دين مشترك دكل ايسه دانلرندن هر برى اله جغنى مديوندن
بشقه بشقه طلب واستيفا ايلر و هر برى سى هر نه قبض
ايدرسه كندى اله جغنه محسوب ايدر و دان ديكر اندن
حصه الهماز

۱۱۰۰ ماده

دین مشترک ایسه داتلردن هر بری کندی حصه سنی
مدیوندن طلب ایده پیلور و بریمک غیابنده داتن دیگر حاکمه
مراجعت ایله حصه سنی مدیوندن طلب ایتدکده و یرمسی
ایچون حاکم طرفندن امر اولنور

۱۱۰۱ ماده

دین مشترکدن داتلرک بری هر نه قبض ایدرسه دیگر ایله
ینلرنده مشترک اولور . و مشارکی اندن حصه سنی
الور . قابض انی یالکز کندی حصه سنه محسوب ایده من
۱۱۰۲ ماده

داتلردن بری دین مشترکدن حصه سنی الوبدیه صرف
و استهلاک ایسه مشارکی اکا حصه سنی تضمین ایتدیره پیلور
مثلا ایکی کشی بیننده مناصفه مشترک اولان بیک غروش
اله جقدن بریسی حصه سی اولان بش یوز غروشی مدیوندن
اخذ و قبض ایله صرف و استهلاک ایسه مشارکی اولان
داتن دیگر اکا ایکی یوز الی غروشی تضمین ایتدیره پیلور
و بو حالده مدیونک ذمتنده قالان بش یوز غروش ینه
ایکیسی بیننده مشترک اولور

۱۱۰۳ ماده

داتن مشارکاردن بری دین مشترکدن برشی قبض ایتموب

فقط حصه سنه بدل مديوندين بر متاع اشترا ايلسه دائن
ديكر اول متاعده مشارك اولماز فقط متاعك ثمنندن كندى
حصه سنى اكا تضمين ايتديره بيلور . و اكر اشتراك اوزره
اتفاق ايدر لسه او متاع بيلرنده مشترك اولور
۱۱۰۴ ماده

دائن مشاركردن برى دين مشتركده كى حقتندن مثلا
شو قدر طوپ بز اوزرينه مديون ايله صلح اوله رق او
قدر طوپ بزى قبض ايتسه بخير اولور . ديلر سه الديغى
بزلردن مشاركنك حصه سنه اصابت ايدن مقدارى
اكا تسليم ايدر . و ديلر سه واز چكمش اولديغى
حقتندن مشاركنك حصه سنه اصابت ايدن مقدار مبلغى
اكا ويرز

۱۱۰۵ ماده

دائردن برى بوجه بالا كرك دين مشتركدان بر مقدارينى
يا تمامنى قبض ايتسون و كرك كندى حصه سنه بدل مال
اشترا ايلسون و كرك اله جنى مقابله نده بر مال اوزرينه
مديون ايله صلح اولسون دائن ديكر هر صورتده بخير
اولور . ديلر سه مشاركنك بو معامله سنى مجيز اولور .
و مواد آنفده ده بيان اولنديغى اوزره حصه سنى اندن
الور . و ديلر سه مجيز اوليوب حصه سنى مديوندين استر

وا کر میبونده اله جغی باتارسه دائن قابضه رجوع ایدر .
مقدما مجیز اولماسی مانع رجوع اولماز

۱۱۰۶ ماده

دائردن بری دین مشترکده اولان حصه سنی میبوندن
الو بده یدنده قضارا تلف اولسه مشارکنک بو مقبوضده
اولان حصه سنی ضامن اولماز . فقط کندوسی حصه سنی
استیفا ایتیش اولور . میبونده قلان اله جق دخی مشارکنه
عائد اولور

۱۱۰۷ ماده

دائردن بری دین مشترکده کی حصه سنه بدل میبونی
اجرت ایله استخدام ایلسه دیگری اجرتدن کندی
حصه سنه اصابت ایدن مقداری اکا تضمین ایتیره بیلور

۱۱۰۸ ماده

دائن مشارککردن بری کندی حصه سی ایچون میبوندن
رهنی الو بده یدنده رهن تلف اولسه مشارکی اندن
حصه سنه دوشن مقداری تضمین ایتیره بیلور
مقار مناصفة مشترک اولان دیک مقداری بیک غروش
اولوبده دائردن بری کندی حصه سی ایچون بشیوز
غروشلق بر رهن السه و یدنده بو رهن تلف اولسه
دین مشترکک نصفی ساقط اوله جغندن دائن دیگر کندی

حصه سنه عاٹھ اولان ايکيوز الی غروشی اكا تضمین
ایتدیره بیلور .

۱۱۰۹ ماده

دائتلردن بری دین مشترکده کی حصه سی ایچون مدیوندن
کفیل الدیغی و یاخود حصه سنی بر کسنه اوزرینه
حواله ایتدیردیکی صورتده کفیلدن یاخود محال علیهدن
اخذ و قبض ایلدیکی مبلغده دائن دیکر اكا مشارک
اولور

۱۱۱۰ ماده

دائتلردن بری دین مشترکده کی حصه سنی مدیونه هبه
یاخود مدیونک ذمتنی اندن ابرا ایلسه هبه سی یا ابراسی
صحیح اولور . و بوندن طولایی مشارکنک حصه سنی
ضامن اولماز

۱۱۱۱ ماده

بر دین مشترکده متشارک اولان دائتلردن بری مدیونک
مالنی اتلاف ایدوبده ضمانانا انک الاجفنه تقاص اولسه
مشارکی اندن حصه سنی الیهیلور

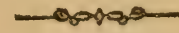
فقط دین مشترکک ثبوتندن مقدم اولان بر سبيله دائتلردن
برینک مدیونه دینی اولوبده دین مشترکده کی حصه سبيله
تقاص اولسه مشارکی اكا حصه سنی تضمین ایتدیره من

ماده ۱۱۱۲

دائـلردن بری دیکرینک اذنی اولقسزین دین مشترکی
تأجیل و تأخیر ایده مز
(لاحقہ)

ماده ۱۱۱۳

بر کیمسه ایکی کشی یه بر مال صاتسه هر برندن حصده سنی
بشقه بشقه مطالبه ایدر مشتریلر یكدیکره کفیل اولدجه
بر ینک بورجی دیکرندن مطالبه اولنه ماز



(باب ثانی)

(قسمت بیانده اولوب طقوز فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(قسمتک تعریف و تقسیم حقه در)

ماده ۱۱۱۴

قسمت . حصه شایعه بی تعیین ایتمکدر
یعنی کیل و وزن و ذراع کبی بر مقیاس ایله حصه لری
یکدیکردن تمیز و افراز ایلمکدر

ماده ۱۱۱۵

قسمت ایکی وجهله اولور . شو یله که یا اعیان مشترکه

یعنی متعدد و مشترك شیلر قسمله بولندهك هر فردنده شایع اولان حصه لر برر قسمنده جمع ایدلش اولور . اوچ کشی بیننده مشترك اولان او توز قیونی اوزر اوزر اوچه تقسیم کبی بوکا قسمت جمع دینلور . یاخود برعین مشترك تقسیم اولنوب هر جزئنده شایع اولان حصه لر برر قسمنده تعین ایدر . بر عرصه نك ایکی به تقسیمی کبی . بوکا قسمت تفریق و قسمت فرد دینلور

۱۱۱۶ ماده

قسمت بر جهته افراز و بر جهته مبادله در
مثلا ایکی کیمسه بیننده مناصفةً مشترك اولان بر کیله بغدادیک هر حبه سنده هر برینك نصف حصه سی اولدیغی حالده مجموعی قسمت جمع قبیلندن اوله رق ایکی قسمه تقسیم ایله بر قسمی برینه و دیگر قسمی دیگر بنه ویرلدکده هر بری کندوسنك نصف حصه سی افراز و نصف دیگرینی آخرک نصف حصه سیله مبادله ایتش اولور
کذلک ایکی کشی بیننده مناصفةً مشترك اولان بر عرصه نك هر جزئنده هر برینك نصف حصه سی اولدیغی حالده قسمت تفریق ایله ایکی به تقسیم اوله رق هر برینه برر قسمی ویرلدکده هر بری کندو نصف حصه سی افراز و نصف دیگرینی آخرک نصف حصه سیله مبادله ایتش اولور

۱۱۱۷ ماده

مثلیاتده افراز جهتی راجحدر

بناء علیه مثلیات مشترکده متشارك اولنلردن هربری
 دیگرینک غیابنده وانک اذنی اولقسزین کندی حصه سنی
 اخذ ایده بیلور . فقط غائبک حصه سی کندوسنه تسلیم
 اولند قجه قسمت تمام اولماز . و قبل التسیم غائبک حصه سی
 تلف اولسه مشارکنک قبض ایلمش اولدیغی حصه بیئلرنده
 مشترک اولور

۱۱۱۸ ماده

قیمیاتده مبادلہ جهتی راجحدر . مبادلہ ایسه تراضی
 یاخود حکم قاضی ایله اوله بیلور

بناء علیه مثلیاتدن اولیمان اعیان مشترکده متشارك اولنلردن
 بریسی آخرک غیابنده وانک اذنی اولقسزین کندی حصه سنی
 اخذ ایده من

۱۱۱۹ ماده

مکیلات و موزونات ایله جوز و یورطه کبی عددیات
 متقاربه هب مثلیاتدر فقط ال ایشی اولان او انی کبی
 اختلاف صنعت حسبیه مختلف و متفاوت اولان موزونات
 قیمیدر

ورده ارپه ایله قاریشقی بغدادی کبی خلاف جنسمیله یکدیگردن

تمیز و تفریق اولنه میه جق صورتده مخلوط اولان مثلی
قیمتنددر

ذرعیات دخی قیدر فقط برجنس چوقه و فابریقه
معمولاتی اولان بزرگی افرادی بیننده تفاوت اولیوبده
ذراعی شو قدر غروشه دیو صاتیلان ذرعیات مثیدر
حیوانات ایله قاون و قارپوز کی افرادی بیننده قیمتجه
تفاوت بولسان عددیات متفاوته قیمتنددر

یازمه کتابلر قیمی و باصمه کتابلر مثیدر
۱۱۲۰ ماده

قسمت جمع ایله قسمت تفریقندن هربری ایکی نوعه تقسیم
اولنور . نوع اول قسمت رضا . و نوع ثانی قسمت
قضادر

۱۱۲۱ ماده

قسمت رضا . متقاسمینک یعنی ملک مشترک صاحبلرنک
رضالریله اجرا اولنان قسمتدر که بالتراضی بیلنلرنده تقسیم
ایدرلر یا خود جمله سنک رضالریله حاکم تقسیم ایدر

۱۱۲۲ ماده

قسمت قضا . مقسوم له اولنلردن یعنی ملک مشترک
صاحبلردن بعضیسینک طلبی اوزرینه قاضینک جبراً حکماً
تقسیمیدر

(فصل ثانی)

(شرائط قسمت بیانده در)

ماده ۱۱۴۳

مقسومك عين اولسى شرطدر . بناء عليه دين مشترك
 قبل القبض تقسیمی صحیح اولماز
 مثلا متوفانك متعدد كسندلر ذمتنده اله جفی اولوبده
 فلانده اولان اله جفی فلان وارثك وفلانده اولان اله جفی
 فلان وارثك اولق اوزره تقسیم اولنسه صحیح اولماز .
 بو صورتده وارثلردن بری نه تحصیل ایدرسسه وارث
 دیگر اكا مشارك اولور (باب اولك فصل ثالثه باقی)

ماده ۱۱۴۴

حصه لر تمیز و افراز اولنمدقچه قسمت صحیح اولماز
 مثلا مشترك بریغین بغدادی صاحبلردن بری دیگرینه سن
 یغنك شو طرفنی ال بو طرفنی بنم اولسون دیسه تقسیم
 اولنمش اولماز

ماده ۱۱۴۵

مقسوم حین قسمتمده مشاركلك ملكی اولق شرطدر
 بناء عليه بعد القسمه مقسومك مجموعنه بری مستحق چقیسه
 قسمت باطل اولور

و کذا مقسومك نصف وثلث کبی بر جزء شایعنه مستحق
چقیسه قسمت باطل اولوب مقسومك تکرار تقسیمی
لازم کلور

کذاک بر حصه نك مجموعنه مستحق چقیسه قسمت باطل
اولوب حصه باقیه حصه دار لر بیننده مشترک اولور
وا کر یالکز بر حصه نك بر مقدار معینده یا خود بر جزء شایعنه
مستحق چقیسه اول حصه صاحبی مخیر در .

دیلسه قسمتی فسخ ایدر . و دیلسه فسخ ایتیموب مقدار
نقصانیه دیگر حصه داره رجوع ایدر

مثلا یوز آلتش ارشون بر عرصه مناصفة ایکی به تقسیم
اولندقدن صکره بر حصه نك نصفنه بری مستحق چقیسه
اول حصه صاحبی دیلسه قسمتی فسخ ایدر و دیلسه
حصه سنک ربعیله مشارکنه رجوع ایدر یعنی انک حصه سنک
یکرمی ارشون محلی اولور و هر حصه نك بر مقدار معینده
مستحق چقیدیغی تقدیرده اکر مساوات اوزره ایسه قسمت
فسخ اولتماز . و اکر بریککی از و بریککی چوق ایسه
انجق مقدار زیاده به اعتبار اولور . و یالکز برینک
حصه سنک بر مقدار معینده مستحق چقیمش کبی اولور
و زیاده کیمک حصه سنه اصابت ایتش ایسه بوجه بالا

مخیر اولوب دیلر سه قسمتی فسخ ایدر . و دیلر سه
مقدار نقصانیه مشار کنه رجوع ایلر .

۱۱۲۶ ماده

قسمت فضولی . قولاً یا خود فعلاً اجازته موقوف اولور
مثلاً بری مال مشترکی خود بخود تقسیم ایتسه جائز و نافذ
اولماز . فقط صاحببری پک اعلا دیو قولاً اجازت و یرسه
یا خود حصه مفزهر لنده تصرف املاک ایله یعنی بیع و
ایجار کبی تملکک لواز مندن اولان بر وجهله تصرف
ایتسدر قسمت صحیح و نافذ اولور

۱۱۲۷ ماده

قسمتک عادلانه اولسی یعنی حصه لر استحقاق لرینه کوره
تعديل اولنهرق بریسنده نقصان فاحش اولماسی لازمدر
بناء علیه قسمته غبن فاحش دعواسی استماع اولنور .
فقط متسوم له اولنلر استیفای حق ایلدکلرینی اقرار
ایتدکنصکره غبن فاحش دعواسی ایدر لر سه استماع
اولنماز

۱۱۲۸ ماده

قسمت رضاده متقاسمیدن هر برینک رضاسی شرطدر
بناء علیه بریسی غائب اولسه قسمت رضا صحیح اولماز .
و ایچلرنده صغیر وار ایتسه و ایلمی یا خود و صیدی انک

مقامه قائم اولور . واکر و لیسى یاخود وصیسی یوق
ایسه حاکم امرینه موقوف اولور و حاکم طرفندن بر
وصی نصب اولنه رق انک معرقیله تقسیم اولنور
۱۱۲۹ ماده

قسمت قضاده طلب شرطدر . حصه دارلرک بر یسی
طرفندن اولسون طلب واقع اولدجه حاکم طرفندن
جبراً قسمت صحیح اولماز
۱۱۳۰ ماده

حصه دارلردن بعضیسی قسمت استیو بده بعضیسی امتناع
ایتدیکی تقدیرده فصل ثالث و فصل رابعده بیان اولنه جفی
وجهله مال مشترک اگر قابل قسمت ایسه حاکم آنی
جبراً تقسیم ایلر . دکل ایسه تقسیم ائمز
۱۱۳۱ ماده

قابل قست . تقسیمه صالح اولان مال مشترکدر .
شویله که اول مالدن مقصود اولان منفعت قسمت ایله
قوت اولیه

(فصل ثالث)

(قسمت جمع بیانده در)

ماده ۱۱۳۲

متحد الجنس اولان اعیان مشترکه ده قسمت قضا جاری
اولور

یعنی مشارک کردن یا لکز بعضیسنک طلبی اوزینه حاکم
انلری حکما تقسیم ایلر . کرک مثلیاتدن اولسون و کرک
قیمیاتدن اولسون

ماده ۱۱۳۳

متحد الجنس اولان مثلیاتک افرادی بیننده فرقی و تفاوت
اولدیغندن قسمتی مشارک کردن هیچ برینه مضر اولدقدن
بشقه هر بری حقنی المش و هر برینک تمامیت ملکی
حصوله کلمش اولور

ته تیم ایکی کشی بیننده مشترک اولان بر مقدار بغدادی
حصه لینه کوره تقسیم اولندقده هر بری حقنی استیفا
ایدرک حصه سینه اصابت ایدن بغدایه مستقلاً مالک
اولور . شو قدر درهم النون کلچیه و بو قدر قیه
کوش یا باقر و یا تیمور کلچیه و برجنسدن اولان شو قدر
باستال چرکه و بو قدر طوپ بز و شو قدر عددیمورطه
دخی بو قیلدن در

۱۱۳۴ ماده

متحد الجنس اولان قيميائك افرادى بيننده فرق و تفاوت وار ايسه ده پك جرئى اولق حسييله يوق حكمنده اولديغندن بونلر دخی بروجده بالا قابل قسمت عداو لشمدر مثلا ايكي كشي بيننده مشترك اولان بشيوز قيون حصده لرينه كوره ايكي به تقسيم اولندوقده هر برى حقنى عينيله الماش كبي اولور .

شو قدر يوز دوه و بو قدر يوز اينك دخی بو قبيلدندر

۱۱۳۵ ماده

اجناس مختلفه ده يعنى مختلف الجنس اولان اعيان مشتركده قسمت قضا جارى اولماز . كرك مثلياندا اولسون و كرك قيمياندن اولسون يعنى مشاركردن يالديز برينك طلبى اوزرينه حاكم انلرى جبراً قسمت جمع ايله تقسيم ايده مز

مثلا حصه دارلردن برينه شو قدر كيله بغدادى و اكا مقابل ديكرينه بو قدر كيله ار په يا خود برينه شو قدر قيون و اكا مقابل ديكرينه بو قدر دوه يا اينك و برينه بر قليج و ديكرينه برا كر طاقى و برينه بر قوناق و ديكرينه بردكان يا بر چفتلك اعطاسيله قسمت قضا جائز اولماز .

اما کنديلری راضی اولدقلری طالده وجه مشروح
اوزره قسمت رضا جائز اولور
ماده ۱۱۳۶

اختلاف صنعت حسیله مختلف اولان اوانی ولوکه بر
جنس معدن مصنوع اولسه بيله مختلف الجنس عد
اولنور
ماده ۱۱۳۷

جلیات و بیوک اینجو و جواهر دخی مختلف الجنس اولان
اعیاندر

اما افرادی بینده قیمته تفاوت اولیان اوفق اینجولر
و صایی طاشی دنیلان خرده الماسر کبی جواهر صغیره
متحد الجنس عد اولنور
ماده ۱۱۳۸

متعدد قوناقلر و دکانلر و چفتلکار دخی مختلف الجنس
اولوب قسمت جمع ایله تقسیم اولنمازلر
مثلا متعدد قوناقلردن بری مشارکلردن برینه و دیگری
دیگرینه اعطا ایله قسمت قضا جائز اولوب بونلرک هر بری
بروجه آتی قسمت تفریق ایله تقسیم اولنه بیلور

(فصل رابع)

(قسمت تفریق بیانده در)

۱۱۳۹ ماده

بر عین مشترک تفریق و تبعیضی صاحبان بردن هیچ برینه
مضر دکل ایسه قابل قسمتدر

مثلا بر عرصه تقسیم اولندقده هر قسمده ابنیه یا پیاور .
واغاج دیکیلور . و قیو قازیلور . بوجهتله هر صده دن
مقصود اولان منفعت باقی اولور

کنک برقوناغک سلاملق و حرم دائره لری بشقه بشقه
بر منزل اوللق اوزره تفریق تقسیم اولندقده قوناقدن
مقصود اولان سکنی منفعتی فوت اولماز . و مشارکاردن
هربری مستقلاً بر منزل صاحبی اولور

بناء علیه کرک عرصه ده و کرک قوناقده قسمت قضا جاری
اولور

یعنی صاحبان بردن بری قسمت ایستیوبده دیکری امتناع
ایلسه خاکم انلری جبراً تقسیم ایلر

۱۱۴۰ ماده

بر عین مشترک تفریق و تبعیضی صاحبان بردن برینه نافع
و دیکرینه مضر یعنی منفعت مقصوده سنی فوت اولوبده

نفعی اولان کیسه قسمت ایسترایسه کذلک حاکم آنی
حکماً تقسیم ایلر

مثلاً مشترک بر خانه ده مشارک اولنلردن برینک حصه سی
از اولوبده بعدالتقسیم انده سکنی ایله انتفاع اولنه میه جق
اولدیغی حالده حصه سی چوق اولان مشارکی قسمت
ایسترایسه حاکم انی قضاء تقسیم ایلر

۱۱۴۱ ماده

تفریق و تبعیضی صاحبیلرندن هر برینه مضر اولان برهین
مشترکده قسمت قضا جاری اولماز

مثلاً بر دکرمن تقسیم اولنسه ارتق دکرمن اوله رق استعمال
اولنده مز بوجهتله منفعت مقصوده فوت اولور . بناء علیه
مشارکلرندن یا لکز برینک طلبی اوزرینه حاکم آنی تقسیم
ایده مز . اما بالتراضی تقسیم اولنور . جام وقوی
وقنات و کچوک او طه و ایکی خانه ارسنده کی حائط دخی
بویله در . بر حیوان ایله بر عربه و بر اکر و برجبه و بر
یوزک طاشی کی یارمغه و قیرمغه محتاج اولان عروض
دخی بوقبیلندندر که هیچ برنده قسمت قضا جاری اولماز

۱۱۴۲ ماده

بر مشترک کتباک تقسیم اوراقی جائز اولدیغی کی متعدد

جلد لره منقسم اولان بر کتابک جلد بجلد تقسیمی دخی جائز
اولماز

۱۱۴۳ ماده

ایکی یا خود زیاده کیمسه لر بیننده مشترک اولوبده بشقه سنک
اصلا دخوله حتی اولیان طریقک بری قسمتنی ایستیوبده
دیگری امتناع ایتدیکی تقدیرده نظر اولنور . ا کر
بعدا القسمه هر برینه برر طریق قاله جق اولور ایسه تقسیم
اولنور

والا قسمته جبر اولماز . مکرکه هر برینک بشقه بشقه
طریق و منفذی اوله . اول حالده ینسه تقسیم اولنور
۱۱۴۴ ماده

مسئل مشترک دخی طریق مشترک کبیرکه بری قسمت
ایستیوبده دیگری امتناع ایتدیکی تقدیرده ا کر بعد القسمه
هر برینه صوینی آقیده جق قدر بر قالورسه یا خود مسئل
اتخاذ ایده جک بشقه بری وار ایسه تقسیم اولنور . والا
تقسیم اولماز

۱۱۴۵ ماده

بر کیمسه حق مروری باقی اولوق اوزره ملکی اولان طریق
صاته بیلدیکی کبی ایکی کشی بیننده مشترک اولان بر عقارک
تقسیمده طریق مشترک رقبه سی یعنی ملکیتی برنده قالمق

و دیگرینک یالکز حق مروری اولق اوزره قسمت دخی

جائز اولور

ماده ۱۱۴۶

برخانفک تقسیمده ایکی حصه اره سندکی حائط حصه دارلر

بینده مشترک اوله رق براغلق جائز اولدیغی کبی یالکز

برینک ملکی اولق اوزره قسمت دخی جائز اولور

(فصل خامس)

(کیفیت قسمت بیاننده در)

ماده ۱۱۴۷

مال مشترک اگر مایلاتدن ایسه کیل ایله و موزوناتدن

ایسه وزن ایله و عددیاتدن ایسه عدد ایله و ذرعیاتدن

ایسه ذراع ایله تقسیم اولنور

ماده ۱۱۴۸

عرصه و اراضی ذرعیاتدن اولدقلرینه مبنی ذراع ایله

تقسیم اولنور

اما اوزرلرنده کی اشجار و ابویه تقدیر قیمت ایله تقسیم

قلنورلر

ماده ۱۱۴۹

برقوناغک تقسیمده بر حصه نک ابیه سی دیگر حصه نک

ابنیه مننه نسبتله دهها قیمتلو اولدیغی تقدیرده ممکن
ایسه دیگر حصه یه عرصه دن قیمتجه اكا معادل
اوله جق قدر فضله یر و یریلور دکل ایسه اكا مقابل
نقود علاوه ایدیلور

۱۱۵۰ ماده

ایکی کشتی بینهده مشترک برخانه نك فوقانیسی برینه
وتختانیسی دیگرینه اعطا اولنمق اوزره قسمتی مراد
اولندقده کرک فوقانی و کرک تختانی تقویم اولنهرق قیمت
اعتبار یله تقسیم اولنور

۱۱۵۱ ماده

برقوناق تقسیم اولنهرق اولدقده قسام اولان کیمسه
ابتدائی کاغد اوزرنده تصویر و عرصه سنی ذراع ایله
مساحه و ابنیه سنی تقویم و صاحب لرنک حصه لرنه کوره
تسویه و تعدیل و ممکن ایسه هر حصه یی یکدیگره تعلق
قلماسق اوزره حق طریق و شرب و مسیلی ایله افراز
و برنجی و ایکنجی و اوچنجی دیو تلقیب ایتلی و بعده
قرعه چکملیدر . برنجی ابتدا اسمی چیقانک و ایکنجی
ثانیا اسمی چیقانک و اوچنجی ثالثا اسمی چیقانک اولور .
زباده حصه وار ایسه ینه بو ترتیب اوزره یورر

۱۱۵۲ ماده

تکالیف امریه اگر بحفاظت نفوذ ایچون ایسه عدد
رؤس اوزرینه تقسیم اولنوب نسوان و صبیان دقت
توزیعہ ادخال اولنماز . واکر محافظت املک ایچون
ایسه مقدار ملک اوزرینه تقسیم اولنور
زیرا (۸۷) ماده ده مذکور اولدیغی اوزره غرامت
غنیمته کوره در

(فصل سادس)

(خیارات بیانده در)

۱۱۵۳ ماده

بیعه اولدیغی کبی اجناس مختلفه نك تقسیمده دخی خیار
شرط و خیار رؤیت و خیار عیب وار در
مثلا حصه دارلردن بری شو قدر کیله بغدادی واکا مقابل
دیگری بو قدر کیله ار په یاخود بری شو قدر قیون و
اکا مقابل دیگری بو قدر اینک آلمق اوزره مال مشترکی
بالتراصی بیلنرنده تقسیم ایتدکلرنده اکر بریسی شو قدر
کون مخیر اولمق اوزره شرط ایلمش اولسه اول مدت
ظرفنده دیلرسه قسمتی قبول و دیلرسه فسخ ایدر واکر
بریسی هنوز مال مقسومی کور مامش ایسه کوردکنده

كذلك مخیر اولور واکر بریسنک حصه سی عییلو چقیسه
دیلسه قبول و دیلسه رد ایلر

۱۱۵۴ ماده

متحد الجنس اولان قییماتک تقسیمده دخی خیار شرط
و رؤیت و عیب وار در

مثلا مشترک اولان یوزقیون صاحبلی پیننده حصه لرینه
کوره تقسیم اولندوقده اکر بریسی شو قدر کون مخیر
اولیق اوزره شرط ایلمش اولسه اول مدت ظرفنده
قسمتی قبول ایلوب ایتمکه مخیر اولور . واکر هنوز
قیونلری کورماش ایسه کوردکده كذلك مخیر اولور .
واکر بریسنک حصه سنه اصابت ایدن قیونلرک عیب
قدیمی ظهور ایسه كذلك مخیر اولوب دیلسه قبول
و دیلسه رد ایلر

۱۱۵۵ ماده

متحد الجنس اولان مثلیاتک تقسیمده خیار شرط و رؤیت
اولیوب فقط خیار عیب واردر

مثلا ایکی کشی پیننده مشترک اولان بریغین بغدادی تقسیم
اولندوقده شو قدر کون مخیر اولیق شرطی معتبر اولماز .
و بری بغدادی کورماش ایسه کوردکده مخیر اولماز .
اما برینه یغینک اوست طرفندن و دیگرینه الت طرفندن

ویریلوبده الت طرفی چورک چیقسه صاحبی مخیر اولوب
دیلسه قبول و دیلسه رد ایدر

(فصل سابع)

(قسمتک فسخ و اقاله سی بیانده در)

ماده ۱۱۵۶

قرعه لر کاملا چکلدکده قسمت تمام اولور

ماده ۱۱۵۷

قسمت تمام اولدوقده ارتق اندن رجوع اولنه ماز

ماده ۱۱۵۸

اثنای قسمتده مثلا قرعه لرک چونغی چیقوبده یالکز بری

قالمش اولدیغی حالده حصه دارلردن بری رجوع اید، چک

اولسه باقیلور ۱۰ کر قسمت رضا ایسه رجوع ایده یلور .

وا کر قسمت قضا ایسه رجوع ایده، مز

ماده ۱۱۵۹

بعد القسمه حصه دارلر کندی رضا الیه قسمتی فسخ

واقاله ایدرک مقسومی کافی السابق بینلرنده مشترک ایده یلور لر

ماده ۱۱۶۰

قسمتده غبن فاحش اولدیغی تبین ایدر ایسه فسخ اولنهرق

تکرار قسمت عادلله ایله تقسیم اولنور

۱۱۶۱ ماده

ترکه نك تقسیمیدن صکره میتک دینی ظهور ایتسه قسمت
فسخ اولنور

مکرکه ورثه دینی ایفا یاخود دائرله جققرندن انلری
ابرا ایدرله ویاخود میتک مقسومدن بشقه مالی اولوبده
بورج انکله ایفا اولنور ایتسه اول حالده قسمت فسخ
اولتماز

(فصل ثامن)

(احکام قسمت بیانده در)

۱۱۶۲ ماده

حصه دارلردن هر بری بعدالقسمة کندی حصه سنه
مستقلا مالک اولور . برینک حصه سنده ارتق دیکرینک
علاقه سی قالماز . و باب ثالثه بیان اولنه جغی و جهله
هر بریسی کندی حصه سنده کیف مایشاء تصرف ایدر
حتی ایکی کشی بیننده مشترک بر خانه تقسیم اولنوبده
برینک حصه سنه ابنیه و دیکرینک حصه سنه عرصه
خالیه اصابت ایتدیکی صورتده عرصه صاحبی اول
عرصه ده قوی قازار و کاریر یاپار و ابنیه انشا ایدوب
دیلدیکی قنر یوکسک چیقار ابنیه صاحبینک هواسنی
یاخود کونشی سد ایتسه بیله مانع اوله ماز

۱۱۶۳ ماده

اراضی تقسیمده اشجار و چفتک تقسیمده اشجار ایله
ابنیه من غیر ذکر داخل اولور . یعنی اشجار و ابنیه
کیمک حصه سنده بولنور ایسه انک اولور . حین تقسیمده
ذکر و تصریح یا خود جمیع حقوقیله و یا جمیع مرافقیله
دینک کبی بر تعبیر عمومی ایله ادخاله حاجت یوقدر

۱۱۶۴ ماده

کریک اراضی و کریک چفتک تقسیمده اکین و میوه ذکر
و تصریح اولنمدجه داخل اولمیوب انلر کماکان مشترک
اوله رق قالور . حین تقسیمده کریک جمیع حق و قیله کبی
بر تعبیر عمومی ایراد اولنسون و کریک اولنسون

۱۱۶۵ ماده

مقسومک اراضی مجاوره ده اولان حق طریق و مسیلی
هر حالده داخل قسمت اولور . یعنی کیمک حصه سنده
واقع اولور سه انک حقوقندن اولور . حین قسمته
کریک جمیع بحقوقیله دینسون و کریک دینسون

۱۱۶۶ ماده

حین قسمته بر حصه نک دیگر حصه ده طریق یا خود
مسیلی اولسی شرط ای دیلور سه اول شرطه رعایت
ایدیلور

۱۱۶۷ ماده

بر حصه نك ديكر حصه ده طريق اولوبده حين قسمتده
 ابقاسى شرط ايدلماش ايسه بشقه طرفه صرف
 و تحويلى قابل اولديغى تقدرده صرف و تحويل اولنور .
 حين قسمتده كرك جميع حقوقيله دنلسون و كرك دنلسون
 اما طريقك بشته طرفه صرف و تحويلى قابل اولديغى
 تقدرده باقيلور . اكر حين قسمتده جميع حقوقيله دنلمش
 ايسه طريق داخل قسمت اوله رق حالى اوزره ابقا
 اولنور . و اكر جميع حقوقيله كى بر تعبير عمومى علاوه
 ارلنماش ايسه قسمت فسخ اولنور

بو خصوصده مسيل دخی عينيله طريق كيدر

۱۱۶۸ ماده

ايكى كشى بيننده مشترك بر خانه ده ديكر كسنه نك طريق
 اولوبده خانه صاحبلرى اول خانه يى تقسيم ايده جك
 اولدقلىنده طريق صاحبي مانع اوله ماز . فقط انلر
 دخی خانه يى تقسيم ايتدكلرنده طريق حالى اوزره ترك
 ايدرلر

واوچى بالاتفاق خانه ايله برابر طريق دخی صاندقلىرى
 تقدرده اكر طريق اوچنك بيننده مشترك ايسه ثمن اوچنك
 بيننده تقسيم اولنور

واکر طریقک رقبه سی قوناق صاحبزینک اولوبده اول
 کسنه ننگ یالکز حق مروری وار ایسه هر بری حقی
 الور

شویله که عرصه بر کره حق مرور ایله وبر کره حق
 مرورسز تقویم اولنوب ایکی قسمت بینده کی فضله
 حق مرور صاحبزینک اولور . و باقیسی خانه صاحبزینه
 مائد اولور

مسیل دخی طریق کبیدر . یعنی بر مشترک خانه ده دیگر
 کسنه ننگ حق مسیلی اولسه اول خانه صاحبزین خانه یی
 تقسیم ایدوب مسیلی حالی اوزره ترک ایدر لر
 ماده ۱۱۶۹

بر قوناغک حوالیسنده دیگر کسنه ننگ منزلی اولوبده منزل
 صاحبی اول حولیدن مرور ایدر اولدیغی حالده قوناق
 صاحبزین قوناغی تقسیم ایده جک اولدقلرنده منزل صاحبی
 مانع اوله ماز

فقط انلر قوناغی تقسیم ایدکلرنده منزلک قپوسی عرضنده
 اکا بر یول ترک ایدر لر
 ماده ۱۱۷۰

ایکی به تقسیم اولنان بر قوناغک ایکی قسمی ارسنده بر
 حائط اولوبده بر قسمک دیگر حائطنک اوزرنده کی کیر شرک

اوجلری اول حائط مشترك اوزرنده بولندیغی صورتده
اگر حین قسمته اول کیرشترك رفعی شرط ایدلمش ایسه
رفع اولنور . والا رفع اولتماز

ایکی قسم ارسنده کی حائط بر حصه دارک و اوجلری اول
حائط اوزرینه بندیرلمش اولان کیرشتر دیگر حصه دارک
ملکی اولق اوزره تقسیم اولندیغی صورتده دخی حکم
ینه بو وجهله در

۱۱۷۱ ماده

بر قسمده واقع اولان اناج-لرک دالیری دیگر قسمک
اوزرینه صارقش اولدیغی صورتده دخی اگر حین
قسمته قطعی شرط ایدلمش ایسه اول دالیر

کسدریله مز

۱۱۷۲ ماده

بر طریق خاصده حق مروری اولان بر مشترک خانه
تقسیم اولندوقده حصه دارلردن هر بری اول طریق قپو
و پنجره آچه بیلور . سائر اصحاب طریق اکا مانع
اوله ماز

۱۱۷۳ ماده

قابل قسمت اولان بر ملک مشترکده حصه دارلردن بری
کندوسیمچون دیگر حصه دارک اذنی اولقسمن بر بنا

یابد قد نص کره دیگر حصه دار قسمت طلب ایتد کده تقسیم
اول نور

اول بنا بانسنگ حصه سنه اصابت ایدرسه فها . واکر
دیگر حصه دارك حصه سنه اصابت ایدرسه بو حصه دار
اول بنایی هدم و رفع ایتدیره بیلور

(فصل تاسع)

(مهائیه بیاننده در)

۱۱۷۴ ماده

مهائیه . قسمت منافعدن عبارتدر

۱۱۷۵ ماده

مثلیاتده مهائیه جاری اولماز

مهائیه اول قیمیاتده جاری اولور که عینلری باقی اوله رق

انلرله انتفاع ممکن اوله

۱۱۷۶ ماده

مهائیه ایکی نوعدر . نوع اول زمانا مهائیه در

ته کیم ایکی کشی بیننده مش-ترک اراضی بی بر سنه بری

و دیگر سنه دیگر زراعت ایتک و بر مشترک قوناق

صاحب لرندن هر بری بالماوبه اول قوناقده برر سنه

اوتور مق اوزره مهائیه لری کبی

نوع ثانی مکانا مهائیه در

نه کیم ایکی کشی بینده مشترک اولان اراضینک یاریسنی
بری و دیگر یاریسنی دیگری زراعت ایتک و مشترک
قوناغک بر طرفنده بری و دیگر طرفنده دیگری یاخود
اوست قاتنده بری و الت قاتنده دیگری و مشترک ایکی
خانهک بریسنده بری و دیگرنده دیگری اوتوروق اوزره
مهایاه لری کبی

۱۱۷۷ ماده

بر مشترک حیوانی صاحب لری بالمنابیه قوللانق اوزره
مهاییه جائز اولدیغی کبی ایکی مشترک حیواندن برینی
بری و دیگرینی قوللانق اوزره مهائیه دخی
جائز اولور

۱۱۷۸ ماده

زمانا مهائیه بر نوع مبادله در
شویله که بر حصه دارک کندو نو بتنده کی حصه منفعتی
دیگر حصه دارک نو بتنده کی حصه منفعتیه مبادله ایدلس
اولور . بوجهتله زمانا مهائیه اجاره حکمنده در
بناء علی ذلک زمانا مهائیه ده شو قدر کون یاخود شو
قدر آی کبی بر مدت ذکر و تعیین اولنق لازمدر

۱۱۷۹ ماده

مکانا مهائیه بر نوع اقرار در

شویله که ایکی حصه دارك مثلا بر مشترك قوناقدہ اولان
منفعتلری شایع یعنی اول قوناغك هر جزئه شامل ایکن
مهائیه ایله برینك منفعتی اول قوناغك برقطعه سنده
و دیگرینك منفعتی دیگر قطعه سنده جمع ایلمش اولور
بناء علی ذلک مکانا مهائیه ده ذکر و تعیین مدت لازم
دکدر

۱۱۸۰ ماده

زمانا مهائیه ده بدایت ایچون یعنی حصه دارلردن
قنغیسی اول انتفاع ایتمك ایچون قرعه چکله دیکی کبی
مکانا مهائیه ده دخی قرعه ایله تعیین محل اولنماید

۱۱۸۱ ماده

مشترك و متعدد شیلرك صاحب لرندن بری مهائیه استیوبده
دیگری امتناع ایتمکده اگر اول عین مشترک متفق المنفعه
ایسه لر مهائیه ده جبر اولنور و اگر مختلف المنفعه ایسه لر
جبر اولنماز

مثلا ایکی مشترك خانه دن برنده بری و دیگرنده دیگری
ساکن اولق و ایکی مشترك حیواندن برینی بری
و دیگرینی دیگری قوللانق اوزره بری مهائیه استیوبده

دیگری امتناع ایلسه مهائیه جبر اولنور . اما بری
 خانه ده ساکن اولو بده دیگری جامی ایجار اینک یا خود
 بری خانه ده ساکن اولو بده دیگری اراضی بی زراعت
 اینک اوزره بالتراضی مهائیه جائز ایسه ده بری امتناع
 ایلسه مهائیه یه جبر اولنماز

۱۱۸۲ ماده

قابل قسمت اولان مال مشترک صاحب لرندن بری قسمت
 و دیگری مهائیه ایستسه قسمت ادغامی قبول اولنور
 و هیچ بریسی قسمت طلبنده اولدیغی حالده بری مهائیه
 استیو بده دیگری امتناع ایلسه مهائیه جبر اولنور

۱۱۸۳ ماده

قابل قسمت اولمیان برعین مشترک صاحب لرندن بری مهائیه
 استیو بده دیگری امتناع ایلسه مهائیه یه جبر اولنور

۱۱۸۴ ماده

سفینه و دکرمن و قهوه خانه و خان و حمام بی عمومک
 اجرتله منتفع اولدیغی عقارات مشترک اهلنه ایجار ایله
 اجرتی حصه دار لر بیننده حصه لرینه کوره تقسیم اولنور
 و اگر حصه دار لردن بری حصه سنی ایجار دن امتناع ایدر
 سه مهائیه یه جبر اولنور . فقط برینک نو بونده غله سی

یعنی کراسی زیاده اولورسه اول زیاده حصه دارلر بینه
تقسیم اولور

۱۱۸۵ ماده

حصه دارلردن هر بری زمانا مه‌ایئه دن صکره کندو
نو بنده عقار مشترکی و مکانا مه‌ایئه دن صکره کندو
حصه سنه اصابت ایدن قطع‌ه نی بالذات استعمال
ایده بیلدیکی کبی آخره ایجار ایله کندوسچون اجرتنی اخذ

ایده بیلور

۱۱۸۶ ماده

ابتدا منافع اوزرینه مه‌ایئه اولندقدن صکره حصه دارلر
کندو نو بتلرینی ایجار ایدوبده برینک نوبنده غله زیاده
اولسه دیگر حصه دار اول زیاده ده مشارک اولماز
اما ابتدا استغلال ایتک اوزره مثلا بر مش-ترك خانه‌نک
کراسنی بر آی بری و بر آی دیگرلی المق اوزره مه‌ایئه
ایتمه لر فضله‌سی مشترک اولور

فقط ایکی خانه دن برینک غله‌سنی بری و دیگرینک غله‌سنی
دیگری المق اوزره مه‌ایئه ایتدکارنده بر خانه‌نک غله‌سی
زیاده اولسه دیگر حصه دار اکا مشارک اولماز

۱۱۸۷ ماده

اعیان اوزرینه مه‌ایئه جائز اولماز

مثلاً مشترک اشجار میوه‌لری و مشترک حیوانلرک سوتی
و یوکی اعیاندن اولمغله اشجار مشترکه دن بر مقدار ینک
میوه‌سنی مشارک‌لردن بری و دیگر مقدار ینک میوه‌سنی
دیگری و دیوشرمک و مشترک قیونلرک برسوریسنک
سوتینی و یوکنی بری و دیگر برسوریسنک سوتینی و یوکنی
دیگری آلمق اوزره مهائیه صحیح اولماز

۱۱۸۸ ماده

حصه‌دارلر بالتراضی ینلرنده مهائیه ایتدکلرنده بعده
یا لکز بریسی آنی فسخ ایده‌یلور ایسه ده بری کندی
نوبتی آخره ایجار ایتش ایسه مدت اجاره منقضی
اولدجه دیگری مهائیه بی فسخ ایده‌مز

۱۱۸۹ ماده

حکم حاکم ایله اجرا اولنان مهائیه بی حصه‌دارلردن
یا لکز بری فسخ ایده‌مز ایسه ده هپسی بالتراضی فسخ
ایده ییلور

۱۱۹۰ ماده

حصه‌دارلردن بری حصه‌سنی صامق یا خود تقسیم ایتک
مراد ایتدکده مهائیه بی فسخ ایده‌یلور
اما مجرد مال مشترکی اسکی حالنه اعاده ایتک اوزره

بلا سبب مهائیه بی فسخ ایدہ جک اولسہ حاکم اکا

مساعده ایتمز

۱۱۹۱ ماده

حصه دارزدن برینک یاخود هپسنک وقتیلہ مهائیه

باطل اولماز

(باب ثالث)

(حیطان و جیرانه متعلق مسائل بیانده اولوب)

(درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(احکام املا که دائر بعض قواعد بیانده در)

۱۱۹۲ ماده

هرکس ملکنده ککیف مایشاء تصرف ایدر • فقط

بشقه سنک حق تعلق ایدرسه مالکی ملکنده استقلال

اوزره تصرفدن منع ایدر

مثلا فوقانیسی برینک و تحتانیسی دیکرک ملکی اولان

ابنیده فوقانی صاحبک تحتانیده حق قراری و تحتانی

صاحبک فوقانیده حق ستمقی یعنی کونشدن و باغوردن

تستر و تحفظ حق اولمغله بریسی دیکرک اذنی اولدجه اکا

مضر اوله بیله جک برشی یاپه ماز و کندو بناسنی بقه ماز

۱۱۹۳ ماده

فوقانی ایله تحت-اینک زقاق قپوسی بر اولدیغی حالده
ایکیسنک صاحبلی اول قپویی مشترک استعمال ایدر لر .
احد هما آخری دخول و خروجدن منع ایده مز

۱۱۹۴ ماده

کیم که بریره مالک اولورسه مافوقنه و ماتحتنه دخی مالک
اولور

یعنی ملیکی اولان عرصه ده ایستدیکی اینیه بی یایمق و دیلدیکی
قدر چیقماق وزمین حفریله مخزن یایمق و دیلدیکی قدر
درین قویی قازمق کی تصرفاته مقتدر اولور

۱۱۹۵ ماده

کسنه خانه سنده احداث ایلدیکی او طه سنک سچ-باغنی
قومشوسنک خانه سی اوزرینه اوزاده ماز . اوزادرسه
اول خانه اوزرینه کلان مقداری قطع اولنور

۱۱۹۶ ماده

بر کیسه نک باغچه سنده کی اغاجک دالری قومشوسنک
خانه سی یاخود باغچه سی اوزرینه اوزامش اولسه
اول دالری باغلابوده کیروچکدیر مک یاخود کسدیر مک
ایله کندو هواسنی تفریغ ایتدیر مکه قومشوسنک صلاحیتی
واردر

اما اجاج کولکه سی قومشوسنک باغچه سنده کی مزروعاته
مضر در دیو اجاج کسپله مز

۱۱۹۷ ماده

هیچ کیمسه ملکنده تصرفدن منع اولنه ماز • مکرکه
آخره ضرر فاحشی اوله • اول حالده منع اولنه یلور •
نته کیم فصل ثانیده تفصیل اولنور

(فصل ثانی)

(معاملات جواریه حقنده در)

۱۱۹۸ ماده

هرکس کندی ملکی اولان حائط اوزرینه دیلدیکی قدر
چیقار واستدیکی شیئی یاپار ضرر فاحشی اولدجه
قومشوسی مانع اوله ماز

۱۱۹۹ ماده

بنایه ضرر ویرن یعنی بنایه وهن کتورن وانهدامنه
سبب اولان یاخود حوایج اصلیه بی یعنی سکنی کبی
بنادن مقصود اولان منفعت اصلیه بی منع ایدن شیلر
ضرر فاحشدر

۱۲۰۰ ماده

ضرر فاحش بأی وجه کان دفع ایتدیریلور

مثلا بر خانه نك اتصاليانده تيمور جي دكاني يا خود دكر من
 ياپيلوبده تيمور ضربندن يادكر منك دورانندن اول خانه نك
 بناسنه وهن كلك يا خود فرون احداث ايله توتونك
 كثرندن ويابزر خانه احداث ايله رايحه كرده سندن اول
 خانه ده اوتوريله ميه جق مرتبه صاحبي مآذی اولق
 ضرر فاحش اولغله بوضررلر بأی وجه كان دفع وازاله
 ايتديريلور

وكذا بر كيمسه ديكر ك خانه سنه متصل عرصه سنده خرق
 احداث ايدرك دكر منه صو اجرا ايتكله خانه نك ديوارينه
 وهن كلسه يا خود بر كيمسه قومشوسنك ديوارينك ديني
 مزيله اتخاذه و سپورندي القسا ايتكله ديوار چوريسه
 ديوارك صاحبي ضرريني دفع ايتدير

كذلك برينك خانه سي قربنده ديكر ك احداث ايلديكي
 خرمك توزي كلكله اول خانه ده طوريله ميه جق مرتبه
 صاحبي مآذی اولسه ضرري دفع ايتديريلور

ته تيمرينك خرمن يري قربنده ديكر ي بر مرتقع بنا احداث
 ايله خرمك روزكاريني سد ايلسه ضرر فاحش اولغله
 رفع ايتديريلور كذلك بر كيمسه بزازلر چارشوسنده آشجبي
 دكاني احداث ايدوبده توتوني قومشوسنك امتعه سنه
 اصابت ايله ضرر فاحشي اولسه دفع ايتديريلور

و كذلك بر کیمسه نك خانه سنده کی کارین یاریلو بدده قومشوسنک
 خانه سنه جریان ایتمله ضرر فاحش اولسه قومشوسنک
 دعواسی اوزرینه اول کارینک تعمیر واصلاحی لازم کلور
 ۹۲۰۱ ماده

برخانه نك هواسنی یاخود نظارتنی کسمک ویاخود کونشک
 دخولنی منع ایتک کبی حوایج اصلیه دن اولیان منافعہ
 مانع اولمق ضرر فاحش دکلدر

فقط ضیایی بالسکلیه سد ایتک ضرر فاحشدر

بناء علیه بر کیمسه بر بنا احداث ایله قومشوسنک بر پنجره لی
 اولان او طه سنک پنجره سنی سد ایدوبده یازی او قونه میه جق
 مرتبه قرانلق اولسه ضرر فاحش اولمغله دفع ایتدیریلور .
 قیوسندن ضیا السون دینیله مز . زیرا او طه سنک
 قیوسی صوغوقدن واسباب سائر دن ناشی قیامغه محتاج
 اولور

وا کر او طه نك ایکی پنجره سی اولوبده بریسی بروجه
 بالا بنا احداثیله سد ایدمش اولسه ضرر فاحش عد
 اولتماز

۱۲۰۲ ماده

مطح و قوی باشی و خانه نك حولیسی کبی مقر نسوان
 اولان محلا کورنمی ضرر فاحش عد اولنور

بناء علی ذلك برکسنه نك خانه سنده احداث ایلدیکی
 پنجره سندن یاخود مجدداً انشا ایلدیکی بنانک پنجره سندن
 جار ملا صقنک یاخود زقاق آشوری خانه سی اولان
 برکیمسه نك مقر نسوان اولان محلی کورینور اولسه
 بوضرک رفعیله امر اولنور . اول کسنه دخی نسوان
 کورنیه چک صورته دیوار یاخود تخته پرده یاپوب اول
 ضرری دفع ایتکه مجبور اولور . اما بهر حال پنجره سی
 سد ایتک اوزره جبر اولنه ماز

تسه کیم چیتدن معمول برحاطک ارالغندن قومشونک
 مقر نسوان اولان محلی کورینور اولسه اول ارالقلمی
 سد ایتک اوزره حاطک صاحبنه امر اولور . اما
 یقوبده دیوار یا بمق اوزره جبر اولنه ماز

(۲۲) ماده یه باق

۱۲۰۳ ماده

برینک انسان بریندن بوکسک یرده پنجره سی اولوبده
 احتمالکه نردبان وضعیله قومشوسنک مقر نسوان اولان
 محلنه نظر ایلر دیو قومشوسی اول پنجره بی سد ایتدیره مز
 (۷۴) ماده یه باق

۱۲۰۴ ماده

باغچه مقر نسوان عد اولتماز

بناء عليه بر كيمسه نك خانه سندن قومشوسنك مقر نسوان
اولان محلی كورنموب فقط باغچه سی كورنمكله قومشوسی
مجرد ارالقهده نسوان باغچه یه چیقدهده خانه كدن كورنمكله
باغچه مه اولان نظارتکی كس دیه مز

۱۲۰۵ ماده

بر كيمسه باغچه سنده کی میوه اغاجنه چیقدهده قومشوسنك
مقر نسوان اولان محلی كورینور اولسه كسنه
اغاجك اوزرینه چیقدهده اولدقهده نسوان تستر ایتك
ایچون اخبار ایتك لازمدر . اخبار ایتدیکی تقدیرده
حاکم انی بلا اخبار اول اغاجه چیقدهده منع ایدر

۱۲۰۶ ماده

ایکی كشی بیلنرنده مشترك اولان قوناغی تقسیم ایتدكلرنده
برینك حصه سنه اصابت ایدن محلدن دیکرینك مقر نسوان
اولان محلی كورینور اولسه مشترك بیلنرنده برستره اتخاذا
ایتملی ایچون امر اولنور

۱۲۰۷ ماده

بر كيمسه مشروع اوله رق ملكنده تصرف ایتكده ایكن
بشقه سی انك یاننده بنا احدائيله كندوسی متضرر اولسه
ضررینی انجق كندو دفع ایتك لازم كالور
مثلا برخانه نك قدیمی پنجره لرندن دیکر كسنه نك محدث

خانه سنک مقر نسوان اولان محلی کورینور اولسه محدث
 خانه صاحبی مضرتنی کندو دفع ایتمک لازم کلور .
 عتیق خانه صاحبندن ادعایه صلاحیتی یوقدر . نته کیم
 برکسه تیمورجی دکانه متصل عرصه سنده بر خانه احداث
 ایلسه تیمور ضربندن خانه مه ضرر فاحش ترتب ای دیور
 دیو دکانی تعطیل ایتدیره مز . و کذا اسکیدن خرمن یری
 اولان بر محاکم قربنده بری خانه احداث ایتدکده خرمنک
 توزی خانهم اوزرینه کلیور دیو خرمن صاحبنه بوراده
 خرمن دوکده دیه مز

۱۲۰۸ ماده

بر منزلک قدیمی یعنی عتیق پنجره لردن قومشوسونک
 عرصه خالیه سی کورینور کن منزل محترق اولدقده اولا
 قومشوسی اول عرصه ده خانه احداث ایتدکن صکره
 اول منزلی دخی صاحبی وضع قدیمی اوزوه بنا ایدهرک
 آپدیغی پنجره لردن اول محدث خانه نک مقر نسوان
 اولان محلی کورینور اولسه بو مضرتی خانه صاحبی
 کندو دفع ایتمک لازم کلور . صاحب منزله نظارتکی
 کس دیو جبر ایده مز

۱۲۰۹ ماده

بر کیمسه نک خانه سنده احداث ایلدیکی پنجره لرا ابله

قومشوسنك مقرنسوان اولان مواضعی بیننده قومشوسنك
 بر یو كسك او طه سی اولمغله مقرنسوان اولان محلی اول
 پنجره لردن كور نیز ایكن قومشوسی اول او طه بی هدم
 ایتمكله اول پنجره لردن قومشوسنك مقرنسوان اولان محلی
 كورینور اولسه قومشوسی مجرد پنجره له محدث ایدی
 انكچون نظارتکی كس باخود پنجره لری سدایت دیه میوب
 مضرتنی كندو دفع ایتمك لازم كلور

۱۲۱۰ ماده .

حائط مشترکی صاحب لردن بری دیگر ینك اذنی اولمغجه
 ترفیع ایده مز و اوزرینه كوشك و سائره یابه مز . كرك
 آخره مضر اولسون و كرك اولسون

فقط بریسی عرصه سی اوزرینه او طه بنا ایتمك اوزره
 کیرش وضع ایده جك یعنی کیرش لرك او جلرینی اول حائط
 اوزرینه بندیره جك اولسه مشارکی اكا مانع اوله ماز .
 لکن اون قدر کیرش وضع ایده جك ایسه مشارکنك
 دخی اولقدر کیرش وضعنه حتی اوله جغندن حائط نقدر
 کیرش وضعنه متحمل ایسه انجق نصفی قدر کیرش
 وضع ایده بیلوب زیاده یه تجاوز ایده مز
 واکر اول حائط اوزرنده فی الاصل ایکی سنك دخی

مساوات اوزره کیرشلیری اولدیغی حالده بری کنندی
 کیرشلیرنی تزیید ایده جک اولسه منع ایده بیلور
 ۱۲۱۱ ماده

حائط مشترک صاحب لرندن بری اول حائط اوزرنده کی
 کیرشلیک محللرینی صاغه صوله و اشاغیدن یوقارویه
 دکشدره مز . اما کیرشلیک اوچلری یوکسکده ایکن
 ایندیرو بده حائطک دها اشاغیسنه وضع ایده بیلور
 ۱۲۱۲ ماده

برکیمسه نک صو قویسی قورنده قومشوسی برککینف
 یا کاریز یاپوبده اول قویینک صوینی افساد ایلسه
 ضرری دفع ایتدیره بیلور . و بر وجهله دفع ضرری
 قابل اولماز ایسه اوکینف یا کاریز قیاتدیریلور
 کذاک برصویولنک یاننده برینک یاپدیغی کاریزک چرکابی
 صویه واصل اوله رق ضرر فاحشی اولوبده قیاتمدن
 غیری صورتله دفع ضرری قابل اولسه اول کاریز
 قیاتدیریلور

(فصل ثالث)

(طریققر حقننده در)

۱۲۱۳ ماده

بر طریققک ایکی طرفنده خانه سی اولان کیمسه برندن

دیگرینه کوپری انشا ایده جک اولسه منع اولنور • اما
انشا ایتد کدن صکره اکر ماره یه ضرری یوق ایسه
هدم اولنماز

فقط بویله طریق عام اوزره یاپیش اولان کوپریلر ده
وشهنیشینلرده حق قرار اولماز • بناء علی ذلک
بروجه بالا طریق عام اوزره انشا اولنان کوپری نهدم
اولدقن صکره صاحبی بنالیده جک اولسه ینه منع اوله ییلور
۱۲۱۴ ماده

طریق عام اوزرنده الحقی چیقندیلر وشهنیشینلر کبی ماره یه
ضرر فاحشی اولان شیرقدیم اولسه بیلر رفع ایتدیریلور
(۷) ماده یه باق

۱۲۱۵ ماده

برکیمسه خانه سنی تعمیر ایده جک اولدقده ماره یه ضرر
ویرمامک شرطیله طریقک برطرفنده سریعا چامور یاپوب
بناسنه صرف ایده ییلور

۱۲۱۶ ماده

لدی الحاجه امر سلطانی ایله برکسدنک ملکی قیمیله
التوب طریقه الحاق اولنه ییلور • فقط تأدییه ثمن
اولنمدجه ملکی یدندن اننه ماز (۲۵۱) و (۲۶۲)
ماده لره باق

۱۲۱۷ ماده

ماره به مضرتی اولدیغی حالده بر کسننه طریقك فضله
اولان یرینی ثمن مثلیله جانب میریدن الوب خانه سننه
الحاق ایده ییلور

۱۲۱۸ ماده

طریق عامه کیم اولور ایسه اولسون مجدد قپو
آچه ییلور

۱۲۱۹ ماده

طریق خاصده حق مروری اولمیان کسننه مجددا قپو
آچه ماز

۱۲۲۰ ماده

طریق خاص انده حق مروری اولنلرک ملک مشترکاری
کبیدر

بناء علیه طریق خاص اصحابندن بریسی سائرینک اذنی
اولدقجه کرک مضر اولسون و کرک اولسون اول طریقده
برشی احداث ایده مز

۱۲۲۱ ماده

طریق خاص اصحابندن بری سائر اصحاب طریقك اذنی
اولدقجه مجددا بنا ایلدیگی خانه سننک طامله سنی اول
طریقده اقیده ماز

۱۲۲۲ ماده

بر کیمسه طریق خاصده اولان قپوسنی سد ایتمکه حق
مروری ساقط اولماز

بناء علیه صکره کندوسی و خانه سنی صاتسه مشتریسی
تکرار قپوسنی آچه بیلور

۱۲۲۳ ماده

طریق عامدن مرورایدننک کثرت ازدحامدن ناشی طریق
خاصه دخول ایتمکه حقلمی واردر

بناء علیه بر طریق خاص اصحابی بینلرنده بالاتقانی اول
طریق خاصی صاتسه مازلر • و بینلرنده تقسیم ایده مازلر •
واغزینی سد ایلیمه مازلر

(فصل رابع)

(حق مرور و مجری و مسیل بیاننده در)

۱۲۲۴ ماده

حق مرورده و حق مجراده و حق مسیلده قدمه اعتبار
اولنور

یعنی بونلر قدیمدن اوله کلدیکی وجه اوزره ترک وابقا
اولنورلر

زیرا (۶) ماده حکمنجه قدیم اولان شی حالی اوزره

ابقا اولنور . و خلافته دليل اولدجه تغير اولنماز
 اما شرعه مخالف اولان قديمه اعتبار يوقدر . يعنى
 فى الاصل نامشروع اوله رق ياپلش اولان شى قديم
 اولسه ده اكا اعتبار اولنميوب ضرر فاحشى وار ايسه
 ازاله اولنور (٢٧) ماده يه باق

مثلا بر خانه نك چركابى از قديم طريق عامه جارى اوله كلسه
 و ماره يه ضررى اولسه قديمه اعتبار اولنميوب ضررى
 دفع ايتديريلور

١٢٢٥ ماده

برينك عرصه سندن ديكر كسنه نك حق مرورى اولديغى
 حالده عرصه صاحبي آنى مرور و عبور دن منع ايده مز
 ١٢٢٦ ماده

ميجك اباحه سندن رجوعه صلاحيتى وارد در . و بر ضرر
 اذن و رضا ايله لازم اولماز

بناء على ذلك بر كسنه ديكر ك عرصه سندن حق مرورى
 اولديغى حالده مجرد صاحبينك اذنيه بر مدت مرور
 ايتد كدن صكره صاحبي ديلرسه انى مرور دن منع
 ايده بيلور

١٢٢٧ ماده

برينك عرصه سندن بر عمر معينده حق مرورى اولان

كسسه نك اذنيه صاحب عرصه اول مر اوزرينه بنا
احداث ايلسه اول كسسه نك حق مرورى ساقط اولوب
صاحب عرصه ايله ارتق مخصوصه حقي قالماز

(۵۱) ماده يه باق

۱۲۲۸ ماده

برينك عرصه سندن ديكر كسسه نك خرقى يا خود صو
يولى بحق جارى اوله كاوركن عرصه صاحبي فيما بعد
اجرا ايتدريمم ديو منع ايده من

و بونلر اصلاح و تعميره محتاج اولدوقده ممكن ايسه
صاحبي مجرايه دخول ايله بونلرى اصلاح و تعمير ايدر
اما اول عرصه يه كيرمديكه تعميرلرى ممكن اولديغي
حاله صاحبي عرصه سنده كيرمكه اذن و رمز ايسه
حاكم طرفندن كندوسنه يا عرصه كه كيرمك اوزره اذن
وير يا خود سن تعمير ايت ديو بجر اولنور

۱۲۲۹ ماده

بر خانه نك يا غور صورى از قديم قومشونك خانه سنده
آققده اولديغي حالده قومشوسى بوندن صكره اقمم ديو
منع ايده من

۱۲۳۰ ماده

بر طريقده اولان خانه لك طامله لرى از قديم اول طريقه

منصب و اورادن الت طرفنده واقع بر عرصه ایچندن
جاری اوله کاورکن عرصه صاحبی عرصه سنده کی مسیل
قدیمی سد ایده من . سد ایدرسه حاکم طرفندن سدی
رفع ایله وضع قدیمه ارجاع اولنور

ماده ۱۲۳۱

کسنه محمدا او طه سنک طاحله سنی آخرک خانه سنه

اقیده ماز

ماده ۱۲۳۲

بر خانه ده حق مسیلی اولان کاریزی خانه صاحبی یاخود
صاتار ایسه مشتریسی کافی السابق المقدن منع ایده من

ماده ۱۲۳۳

بر خانه دن بحق جاری اولان کاریز طولوب یاخود
یاریلوبده خانه صاحبنه ضرر فاحش اولسه کاریزک
صاحبی بوضرری دفعه مجبور اولور

(باب رابع)

(شرکت اباحه بیانده اولوب یدی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مباح اولوب اولمیان شیر بیانده در)

ماده ۱۲۳۴

صو و اوت و آتش مباحدر . ناس بو اوج شیده
شرکادر

ماده ۱۲۳۵

یرالتنده جریان ایدن صور کیمسه نك ملکی دکلدر

ماده ۱۲۳۶

بر شخص مخصوصک سعی و عملی ایله استنباط اولتمش
اولیوبده ناسک انتفاع ایده کلدیکی قویلر بین الناس
مشترک و مباح اولان شیردندر

ماده ۱۲۳۷

دکزر و بیوک کولر مباحدر

ماده ۱۲۳۸

ملوک اولمیان انهار عامه که مقاصده یعنی بر جاعتک ملکی
اولان مجرزه داخل اولمیان نهرلردر . بونلر دخی
مباحدر

نیل و فرات و طونه و طونجه کبی

ماده ۱۲۳۹

انهار مملوکه یعنی بروجہ مشروح مقاسمہ داخل اولان
نهرلر ایکی نوعدر

نوع اول اول نهرلردر که صوی بیئ الشرکا متفرق
و منقسم اولور فقط انلرک اراضیسندہ تماماً محو اولیوب
بقیہ سی عامدیہ مباح اولان مفازہ لرہ یعنی قیرلرہ جریان
ایلر

بوقبیلدن اولان نهرلر من وجہ عام اولدیغندن بونلرہ
دخی نهر عام دینلور بونلرہ دخی شفعہ جاری اولماز
نوع ثانی نهر خاصدرکہ صوی اشخاص معدودہ نك
اراضیسندہ متفرق و منقسم اولور . و اراضیلرینک نہایتنہ
و ارنجہ محو اولوب بر مفازہ یہ منفذی اولماز . ایشتہ
شفعہ انجق بونوعده جاری اولور

ماده ۱۲۴۰

برکیمسہ نك اراضیسندہ نهرک کتوردیکی چامور انک
ملکیدر . دیگر کسندہ اکا تعرض ایدہ من

ماده ۱۲۴۱

صاحبسنر یرلرہ خدایی نابت اولان اولتر مباح اولدیغی

کبی بر کیمسه نك ملكنده سببیتی اولقسزین خدایی نابت
اولان اولتر دخی مباحدر

اما بو خصوصده اول کیمسه نك تسبی اراسه شویله که
اراضیسی سقی ایتسه یاخود اطرافنه خندق چو یرمک
کبی بروجهله نبات ایچون اعداد و تهیه ایلسه اول
اراضیده حاصل اولان نباتات کندوسنک مالی اولور .
آخر کسنه انلردن برشی الهمز . الو بده استهلاك ایدرسه
ضامن اولور

۱۲۴۲ ماده

اوت . ساقی اولیمان نباتات اولوب اشجاره شامل
اولماز

منتار دخی اوت حکمنده در

۱۲۴۳ ماده

جبال مباحده یعنی کسنه نك ید تملکنه کچماش اولان
طاغلرده کی خدایی نابت اغاجلر مباحدر

۱۲۴۴ ماده

بر کیمسه نك ملكنده خدایی نابت اولان اغاجلر کندوسنک
ملکیدر . انک اذنی اولدجه بشقه سی انلری احتطاب
ایده هنز . ایدرسه ضامن اولور

۱۲۴۵ ماده

بر کیمسه بر اغاجی آشیلهسه آشی قلندن سورن فلیر لر
کندوسنک ملکی اولدیغی کبی میوه لری دخی انک
اولور

۱۲۴۶ ماده

بر کیمسه نک نفسیچون اکدیکی تخمک هر در لو حاصلاتی
کندی مالیدر کسنه طرفندن تعرض اولنه ماز

۱۲۴۷ ماده

آو مباحدر

(فصل ثانی)

(مباح اولان شیرک کیفیت استملاکی بیانده در)

۱۲۴۸ ماده

اسباب تملک اوچدر . برنجیسی بیع و هبه کبی ملکی
بر مالکدن دیگر مالکده ناقلدر . ایکنجیسی ارث کبی
بر کسنه نک دیگره خلف اولسیدر . اوچنجیسی مالکی
اولمیان بر مباح شیئی اله کچور مکدر . بودخی یا حقیقیدر
که اول شیئه حقیقه وضع ید ایلکدر یا خود حکمیدر که
یاغور صوبی بر کدیر مک ایچون بر قاب قویمق و آو ایچون
طوزاق قورمق کبی سببنی تهیه ایله اولور

۱۳۴۹ ماده

هر کیم که مباح اولان شیئی احرار از ایترسه اکا مستقلا
مالک اولور

مثلا بر کیمسه نك دستی یا خود فوجی کبی بر قاب ایله بر
نهر دن الدیغی صواول قاب ایچنده محرز و محفوظ اولمغله
اول کیمسه نك مالی اولور . بشقه سنك اندن انتفاعه
صلاحیتی یوقدر . و صاحب نك اذنی اولمقسزین بشقه سی
اخذ و استهلاك ایدر سه ضامن اولور

۱۳۵۰ ماده

احرازك قصده مقرون اولسی لازمدر

بناء علیه بر کیمسه یاغور صوی المق قصدیله بر محله
بر قاب قویدقده اول قاب ایچنده طویلانان یاغور
صوی اول کیمسه نك مالی اولور . كذلك صو بر کدر مک
ایچون انشا اولنان حوض و صهر یجده کی صو صاحب نك
مالیدر . اما بر کیمسه نك بغیر قصد بر محله وضع ایتدیکی
قاب دروننده بر یکن یاغور صوی کندوسنك مالی اولماز .
بشقه بر کسنه آنی اخذ ایله استملاک ایده بیلور (۲)

ماده یه باق

۱۳۵۱ ماده

صوی احرار زده ارقه سی منقطع اولمق شرطدر

بناء عليه ایچندن صوصیران قوییده کی صومحررز اولماز .
صاحبی اباحسه ایتمکسزین دیگر ککسنه اویله بر قوییده
صیروبده مجتمع اولان صوی اخیذواستهلاک ایلسه ضمان
لازم کلز

وکذا صوی متتابع الوزود اولان یعنی بر طرفدن نقدر
صو چیقارسه دیگر طرفندن او قدر صو کیرن حوضلرده کی
صومحررز دکلدر

۱۲۵۲ ماده

خدایی نابت اولتر طویلامغله و بیچوب دمت ایتمکله احراز
اولنیش اولور

۱۲۵۳ ماده

جبال مباحده خدایی نابت اولان اغاجلری کیم اولورسه
اولسون احتطاب ایده بیلور . و مجرد احتطاب ایله
یعنی طویلامغله انلره مالک اولور . باغلاقی شرط دکلدر

(فصل ثالث)

(مباح اولان شیرک احکام عمومی سی بیانده در)

۱۲۵۴ ماده

مباح ایله هر کس انتفاع ایده بیلور . فقط سائر ضرر
ویرمامک ایله مشروطدر

۱۲۵۵ ماده

مباح اولان شییء اخذ و احراز ایتمکدن بر کیمسه آخر
کیمسه بی منع ایده مز

۱۲۵۶ ماده

صاحبسز یرلرده خدایی نابت اولان اوتلری هر کس
حیواننه یدیره بیلور و انلردن استدیگی قدر اخذ و احراز
ایده بیلور

۱۲۵۷ ماده

بر کیمسه نك ملكنده کندوسنك تسبی اولقسزین خدایی
نابت اولان اوتلر دخی مباح ایسه ده صاحبی کنندی
ملکنه آخری دخولدن متع ایده بیلور

۱۲۵۸ ماده

بر کیمسه نك جبال مباحه دن طوپلایو بده اوراده بر اقدیغی
اودونلری بشقه سی اخذ ایلسه اول کیمسه استرداد
ایده بیلور

۱۲۵۹ ماده

جبال مباحه ده و صاحبسز وادیلرده و مرعالرده کی
صاحبسز آغاجلرک میوه لرینی کیم اولورسه اولسون
دیوشیره بیلور

۱۲۶۰ ماده

بر کیمسه برینی قیردن اودون طویلامق یاخود آوطوتمق
 ایچون استجاره ایتسه اول اجیرک طویلا دیغی اودون
 و یا طو تدیغی آو مستأجرک اولور

۱۲۶۱ ماده

بر کیمسه کندی ملکنده آتش یا قسه ساثر بنی ملکنده
 دخول ایله انتفاعدن منع ایده ییلور
 اما کسنه ننگ ملکلی اولمیان صحرا ده بری آتش یا قسه ساثر
 ناس انکله انتفاع ایده ییلور . شویله که انکله ایصینه ییلور
 و ضیاسنده برشی دیکه ییلور . و اندن قندیلنی یا قه ییلور
 آتشک صاحبی مانع اوله ماز . فقط صاحبینک اذنی
 اولدجه کسنه اول آتشدن بر قور اله مز

(فصل رابع)

(حق شرب و شفه بیاننده در)

۱۲۶۲ ماده

شرب . اکین و حیوان صولامق ایچون صو ایله
 انتفاع ایتک نو بتیدر

۱۲۶۳ ماده

حق شفه . صو ایچمک حتی دیمکدر

۱۲۶۴ ماده

هر کس هوا و ضیا ایله انتفاع ایلدیکی کبی دکزلر و بیوک
کولار ایله دخی انتفاع ایده ییلور

۱۲۶۵ ماده

مملوک اولیان نهر لردن هر کس اراضیسنی سقی ایده ییلور .
واراضیسنی سقی ایتمک و دکرمین انشا ایتمک اوزره
جدول و خرق آچه ییلور . فقط سائره مضرتی اولماق
شرطدر

بناء علیه صوبی طاشیرو بده خلقه ضرر ویرسه یا خود
نهرک صوبی بتون بتون کسلسه و یا خود قایقلرک سیرینه
مانع اولسه منع اولنور

۱۲۶۶ ماده

محرز اولیان صوده جمله انسان و حیوانلرک حق شفہ سی
واردر

۱۲۶۷ ماده

انهار مملوکدنک یعنی مجاریء مملوکیه داخل اولان صولرک
حق شربی اصحابنکدر ، سائرینک انلرده حق شفہ سی
واردر

بناء علی ذلک بر جاعته مخصوص اولان نهردن یا خود
برینک خر قندن یا قناتندن یا خود قویسندن بلا اذن

بشقه سی اراضی سنی سقی ایده مز • فقط حق شفه سی
 اولق حسببله صو ایچه بیلور • و حیوانلرینک کثرتی
 حسببله نهرک یاخرقک و یاخود قناتک تخریبندن خوف
 اولتماز ایسه حیوانلرینی دخی کتوروب صولایه بیلور •
 و برده دستی و فوجی ایله صو الوب خانه سنه و باغچه سنه
 کتوره بیلور

۱۲۶۸ ماده

برکیمسه نك ملیکی دروننده صویب متابع اولور و اولان
 برحوض یاخود برقویب و یاخود برنهر اولدیغی حالده
 صو ایچمک استیسان کسنه ملاکنه دخرلدن منع
 ایده بیلور

لکن قربنده بشقه ایچه جک مباح صو بولتماز ایسه
 ملك صاحبی یا اول کیمسه یه صو چیقارمغه و یاخود
 کیر و بده صوالمسی ایچون رخصت و یرمکه مجبوردر •
 و صو چیقارمدیغی تقدیرده اول کسنه نك کیر و بده صو
 المغه حق واردر • فقط بشرط السلامه در • یعنی
 حوضک یا قویبنک و یاخود نهرک کنارینی بوزمق کبی
 بر ضرر ایتماسی شرطدر

۱۲۶۹ ماده

بر نهر مشتمل کرده حصه دار اولان کیمسه دیکر لک اذنی

اولدجه اندن ديگر برنهر يعني جدول ويا خرق آچاماز .
 و قدیم نوبتی تبدیل ایلیمه من . و کندی نوبتی اول
 نهر دن حق شربی اولیان دیگر اراضیسنه سوق ایدمه من
 و بوشیلر دیکر حصه داران رضا و برسه لر بعده کندولری
 یاخود وارثلری رجوع ایدمه یلورلر

(فصل خامس)

(احياء موات حقه در)

۱۲۷۰ ماده

اراضی موات . اول یرلر در که کسنه نك ملکی و بر
 قصبه و قریه نك مرعای یا محتطبی یعنی بالطلدغی اولدیغی
 حالده اقصای عمران دن بعید اوله

یعنی قصبه یا قریه نك الك کسنارنده کی خانه لر دن جهیر
 الصوت اولان کیمسه نك صداسی استماع اولنیمه

۱۲۷۱ ماده

عمرانه قریب اولان یرلر اهالییه مرعی و خرمن یری
 و محتطب اواسق اوزره ترك اولنور . و بو یرلره
 اراضی متروکه دینلور

۱۲۷۲ ماده

بر کیمسه اذن سلطانی ایله اراضی موات دن بر یری احیا
 و اعمار ایلمه اکا مالک اولور

واگر سلطان یا خود و کیلی بر کیمسه یه بر یردن مجرد
انتفاع ایدوبده تملک ایتماک اوزره احیاسنه اذن و یرسه
اول کیمسه مأذون اولدیغی وجهله اول یرده تصرف
ایدر . اما اول یره مالک اولماز

۱۲۷۳ ماده

بر کیمسه بر قطعه اراضینک بر مقدارینی احیا ایدوبده
باقیسینی ترک ایتسه احیا ایتدیکی محلاره مالک اولوب
باقیسی انک اولماز

فقط احیا ایلدیکی اراضینک اورتیه سنده بر مقدار محلی
خالی قالسه اول محل دخی انک اولور

۱۲۷۴ ماده

بر کیمسه اراضی موآدن بر یری احیا ایتدکن صکره
دیگر کسنهلر دخی کلوب درت طرفنده کی بر لری احیا
ایتسه لر اول کیمسنه نیک یولی انک صکره احیا ایدهنک
اراضیسنده تعین ایدر . یعنی انک یولی اورادن اولور

۱۲۷۵ ماده

تخم اکسک و فدان دیکسک ارضی احیا اولدیغی کی
نطاس اینک یاسقی ایتک یاخود سقی ایچون خرق و جدول
ایچق دخی احیا در

ماده ۱۲۷۶

بر کیمسه اراضی مواتدن بر یرک اطرافنه دیوار چکسه
یاخود سیل صویندن محافظه ایده جک قدر اطرافنی
یوکسلدوبده مسنات یاپسه اول یری احیا ایتش اولور

ماده ۱۲۷۷

طاش یاخود دیکن و یا قوری اغاج داللی وضع ایدرک
اراضینک جوانب اربعه سنی احاطه ایتک یاخود
اراضینک او تلینی آیقلاق و یاخود ایچنده کی دیکنلری
یاقق و یاخود قوی قازمق اول اراضی بی احیا دیمک
اولیوب انجق تکجیر در

ماده ۱۲۷۸

بر کیمسه اراضی مواتده اولان او تلی یا دیکنلری بیچوب
و اراضینک اطرافنه وضع ایله اوزر لرینه طوپراق دخی
وضع ایدوب انجق سیل صوینه مانع اوله جق وجهله
مسناتی اتمام ایتسه اول اراضی بی احیا ایتش اولیوب
فقط تکجیر ایتش اولور

ماده ۱۲۷۹

بر کیمسه اراضی مواتدن بر محلی تکجیر ایتسه اوچ سنه
مدت اول یره سائرندن احق اولور . اوچ سنه به قدر

نحیا ایتز ایسه حتی قالمز . واحیا ایتک اوزره بشقه

سنه ویریله بیلور

ماده ۱۲۸۰

برکیمسنگ اذن سلطانی ایله اراضی مواتده قازدیغی

قوی کسندوسنگ ملکیدر

(فصل سادس)

(اراضی مواتده اذن سلطانی ایله حفر اولمان قویملرک)

(واجرا اولمان صولرک و غیرس اولمان اغاجلرک)

(حریمی بیاننده در)

ماده ۱۲۸۱

قویینک حریمی یعنی حولیسنگ حقوقی هر طرفدن

قرقر ارشوندر

ماده ۱۲۸۲

کوزلرک یعنی بریردن چیقاریلوبده صوی بر یوزنده

جاری اولان منبجملرک حریمی هر طرفدن بشر یوز

ارشوندر

ماده ۱۲۸۳

هر وقت آیقلاغغه محتاج اولمان نهر کبیرک ایکی طرفدن

حریمی نهرک نصفی قدر در که ایکی طرفده کی حریملرینک

مقداری نهرک عرضنه مساوی اولور

۱۲۸۴ ماده

هر وقت آيقلانمغه محتاج اولان نهر صغيرك يعنى خر قلك
 وجدولارك و برده يرالتنده كى قناتك حرىملى آيقلانمغه
 وقت طاشلر ينى و چامورلر ينى طرح والقا ايچون لزومى
 قدر ير در

۱۲۸۵ ماده

صويى ير يوزنده جارى اولان قناتك حرىمى كوزلر كى
 هر طرفدن بشر يوز آرشوندر

۱۲۸۶ ماده

قويىلر كى حرىمى صاحبلىرىنك ملكيدىر . بشقه سى انده
 بر وجهله تصرف ايده مز . و بر كيسه ديكرينك حرىمنده
 قويى قازسه قياتير يلور
 منبعلىرك و نهرلك و قنواتك حرىملى دخى بو وجه
 اوزره در

۱۲۸۷ ماده

بر قويىنك حرىمى قربنده ديكرى اذن سىلمطانى ايله بر
 قويى حنر ايتسه سائر جهتلردن بو قويىنك دخى قرقر
 آرشون حرىمى اولور . اما اولكى قويىنك جهتمده
 انك حرىمنه تجاوز ايده مز

۱۲۸۸ ماده

برقوینک حریمی خارچنده برکسنه قویی قازوبده اولکی
 قوینک صویی بو قیویه کیتسه برشیدی لازم کلز
 نته کیم برکسنه دیکرک دکانی یاننده دکان آچوبده اولکی
 دکانک اخذ واعطاسی کاسد اولسه ایکنجی دکان سـد
 اولنده مز

۱۲۸۹ ماده

اراضی موآده اذن سلطانی ایله غرس اولنان اغاجک
 حریمی هر طرفدن بشر آرشوندر . بو مسافه دروننده
 بشقه سی اغاج غرس ایده مز
 ۱۲۹۰ ماده

دیکرک عرصه سی ایچنده جریان ایدن خرقرک ایکی
 طرفدن صویی طوته جـق قدر ککنارلری خرق
 صاحبکدر

وایکی طرفدن ککنارلری مرتفع ایسه بو مرتفع یرلردخی
 کذلک خرق صاحبکدر

و اگر ککنارلری مرتفع اولیوبده اوزرلرنده کرک عرصه
 صاحبک و کرک خرق صاحبک مغروس اغاجلری اولق
 کبی برینک ذی الید اولدیغنه دائر بر دلیل دخی بولمز
 ایسه اول حالده بو یرلر عرصه صاحبکدر . فقط خرق

صاحبی دخی خرقنی ایقلایه جغی وقت چامورینی ایکی طرفه طرح و القا ایتمه حقی وار در

ماده ۱۲۹۱

بر کیمسه نك كندی ملککنده حفر ایلدیکی قویفنگ حریمی بو قدر . قومشوسوی دخی ایك یاننده و کندی ملککنده دیگر بر قویی حفر ایده بیلور . و اول کیمسه بنم قویفنگ صوبینی جذب ایدر دیو قومشوسنك قویی حفر ایتسنه مائع اوله مز

(فصل سابع)

(احکام صیده دائر اولان مسائل بیاننده در)

ماده ۱۲۹۲

کرك مزراق و تفنگ کبی آلات جارحه ایله و کرك آغ و طوزلق کبی شیرله و کرك معلم کلب کبی آزیلی حیوانلر و معلم طوغان کبی یرتیجی قوشلر ایله او طوتمق جائزدر

ماده ۱۲۹۳

صید یعنی آوانساندن متوحش اولان یبانی حیواندر

ماده ۱۲۹۴

حیوانات اهلیه صید اولندیغی کبی انسان ایله مانوس اولان یبانی حیوانلر دخی صید اولتماز

بناء علی ذلك امثالی دلائلیه بیانی اولدیغی معلوم اولان
 کوکرجین یاخود ایاغنده زیل اولان طوغان بویننده
 طاسمه بولنان کیك طوتلسه لقطه قیلندن اولوب صاحبی
 ظهورنده ویرمک اوزره طوتان کیسه نك انی اعلان
 ایتمی لازم کلور

۱۱۹۵ ماده

صیدک انساندن ممتنع اولسی یعنی ایاقترله یاخود قنادلریله
 صاوشوب قورتیله بیله جک حالدده بولنمی لازمدر
 قاچوب قورتیله میه جق حاله دوچار اولسه مثلا برکیك
 برقویی به دوشسه حال صیدیتدن چیقشمش اولور

۱۲۹۶ ماده

کیم که برآوی حال صیدیتدن چیقارارسه انی طوتمش
 اولور

۱۲۹۷ ماده

او طوتانکدر
 مثلا برکیسه برآوه آتوبده انی قاچوب قورتیله میه جق
 صورتده جرح ایلسه اکا مالک اولور . اما خفیفجه
 یعنی قاچوب قوتیله بیله جک صورتده جرح ایتمکده اکا
 مالک اولوب دیکر کسنه انی اورمغله یاخود دیکر
 صورتده طوتسه اکا مالک اولور

و کذا بر کیمسه بر آوی اوروب دوشور دکدنصکره اول
 آو قالقوبده قچارکن دیکر کیمسه انی اخذ ایله استملاک
 ایده بیلور

ماده ۱۲۹۸

ایکی صیادک قورشونلری بردن بر آوه اصابت ایلمسه
 اول آو ایکیمی بیننده مناصفة مشترک اولور

ماده ۱۲۹۹

ایکی کیمسه کلب معلمین صالیویروبده ایکیمی بر آوه
 اصابت ایتمسه اول آو صاحببری بیننده کذلک مشترک
 اولور. واکر هربری برر آو طوتسه هر برینک طوتدیغی
 آو صاحبنک اولور

کذلک ایکی کیمسه کلب معلمینی صالیویروبده بری آوی
 دوشورمش و دیکری اولدرمش اولدیغی صورتده اگر
 اولکیسینک کلبی انی قاچوب قورتیلمیه جق حاله کتورمش
 ایسه اول آو انکدر

ماده ۱۳۰۰

بر کیمسه نک خر قنده یاجدولنده اولامقسنزین طوتیلمه ماز
 اولان بالقلری دیکر کیمسه صید ایله استملاک ایده بیلور

ماده ۱۳۰۱

بر کیمسه صو کنارنده صیدماهی ایچون بریر تهیه ایدرک

اورایه بر چوق بالق کلوبده صو از الهرق اول بالقلر
اوله مغه محتاج اولق سزین طوتیله بیلور اولسه اول بالقلر
اول کیمسه نک اولور

اما اول محله صویک کثرتندن ناشی بالقلرک طوتلمسی
اوله مغه محتاج اولسه بوبالقلر اول کیمسه نک اولمیوب دیگر
کسنه انتری صید ایله استملاک ایده بیلور
۱۳۰۲ ماده

بر کیمسه نک خانه سنه بر آو کیرونده انی طوتمق ایچون قپوسنی
سد ایلسه اکا مالک اولور

اما قپوسنی سد ایله احراز ایتمدن اکامالک اولمیوب دیگر
بر کسنه اول آوی طوتیورسه اکا مالک اولور
۱۳۰۳ ماده

بر کیمسه صید ایچون بر محله آغ و طوزاق کبی برشی وضع
ایدوبده بر آو طوتلسه اول کیمسه نک مالی اولور
فقط بر کیمسه آغنی قوریمق ایچون بر محله سرونده اکا
بر آو طوتیلیورسه انک مالی اولماز

نه کیم بر کیمسه نک اراضیسنده کی چقوره دوشن آوی
دیگر کسنه اخذ ایله استملاک ایده بیلور . اما اول اراضی
صاحبی اول چقوری صید ایچون حفر ایتمش ایسه اول
آوه سائرندن احق اولور (۱۲۵۰) ماده یه باق

۱۳۰۴ ماده

بریبانی حیوان بر کیمسه نك باغچه سنده بووه یاغله
 و بیور طله مغله انك مالی اولماز . دیگر بر کیمسه انك
 بیور طله لرینی یا خود یا وزیرینی اخذ ایدوبورسه باغچه
 صاحبی استرداد ایده مز

فقط اول کیمسه باغچه سنی یبانی حیوان کلوبده بیور طلامق
 و یاور یلامق ایچون تهیسه ایتمش ایسه کلوب بیور طلایان و
 یاور یلیان حیوانلرک بیور طله لری و یاور یلری کندوسنك اولور

۱۳۰۵ ماده

بر کیمسه نك باغچه سنده مکان انخماز ایدن آر یلرک یا بدیغی
 بال اول باغچه نك منافعدن معدود اوله رق اول کیمسه نك
 مالیدر . کسنه اكا تعرض ایده مز . یالکزی بیت الماله
 عشرینی و یرمسی لازم کاور

۱۳۰۶ ماده

بر کیمسه نك قواننده مجتمع بولن ان آر یلر مال محرز عد
 اولنور . بونلرک بالی دخی اول کیمسه نك مالیدر

۱۳۰۷ ماده

برینك قوانندن چیقان اوغل آریسی دیگرک خانه سنده
 قونوبده خانه صاحبی اخذ ایلسه قوان صاحبی انی
 استرداد ایده یلور

(باب خامس)

(نفقات مشتركه پيائنده اولوب ايكي فصلي حاويدر)

(فصل اول)

(اموال مشتركه نك تعميراتي وديكر بعض مصارفاتي)

(پيائنده در)

۱۳۰۸ ماده

بر ملك مشترك تعمير و ترميمه محتاج اولدوقده صاحبلى
حصه لرينه كوره بالا شتراك تعمير ايدرلر

۱۳۰۹ ماده

حصه دارلردن برى ديكرينك اذنيه كندى مالندن قدر
معروف پاره صرف ايدرلر ملك مشتركى تعمير ايتسه
مشاركنه حصه سيله رجوع ايدر

يعنى مصرفدن مشاركنك حصه سنه هر نه اصابت ايدر سه
انى اندن الور

۱۳۱۰ ماده

محتاج تعمير اولان ملك مشترك صاحبلى نندن برى غائب
اولوبده ديكرى انى تعمير ايتك ايتدكده حاكمدن اذن
الور

و حاكمك اذنى غائب اولان حصه دارك اذنى مقامده قائم
اولور

یعنی حاضر اولان حصه دار اذن حاکمه اول ملک
مشرکي تعمیر ایتدکده غائب اولان مشارکندن اذن المش
حکمنده اولهرق مصرفدن حصه سیله اکار جوع ایدر

۱۳۱۱ ماده

بر کیمسه مشارکندن و حاکم کن استینان ایتکسزین ملک
مشرکي خود بخود تعمیر ایلسه متبرع اولور

یعنی مصرفدن مشارکنک حصه سنه اصابت ایدن مقداری
اندن آله ماز اول ملک مشترک کرک قابل قسمت اولسون
و کرک اولسون

۱۳۱۲ ماده

بر کیمسه قابل قسمت اولان ملک مشترک کنی تعمیر ایتک
ایستیوبده مشارکي استناع ایتشیکن خود بخود تعمیر ایلسه
متبرع اولور

یعنی مشارکنه حصه سیله رجوع ایده من

واکر اول کیمسه مشارکنک بوجهله امتناعی اوزرینه
حاکمه مراجعت ایتسه (۲۵) ماده یه مبنی تعمیره جبر
اولنه ماز • فقط جبرا تقسیم اولنه بیلور • وبعد القسمه
اول کیمسه کنایه حصه سنده ایستدیکنی یا پار

۱۳۱۳ ماده

دکرمن و حاکم کبی قابل قسمت اولیمان بر ملک مشترک

تعمیرہ محتاج اولغلہ صاحبزندن بری تعمیر ایتک استیوبده
 مشارکی امتناع ایتسه حاکمک اذنیله کنندی طرفندن قدر
 معروف پاره صرف ایدرک تعمیر ایلر . و مصارف
 تعمیر یه دن مشارکنک حصه سنه اصابت ایدن مقدار پاره
 کندوسنک اندن اله جغنی اولور . و اول ملک مشترکی
 ایجار ایله اجر تندن اشبو اله جغنی استیفا ایده یلور
 و اگر حاکمکن استیدان ایتکسزین تعمیر ایتش ایسه نقدر
 صرف ایتدیکنه باقلیوب انجق بنانک وقت تعمیر ده کی
 قیمتندن مشارکنک حصه سنه اصابت ایدن مقداری
 روجه مشروح استیفا ایده یلور

۱۳۱۴ ماده

بویله دکرمن و حاکم کی قابل قسمت اولیان ملک مشترک
 بالکلیه منهدم اولوبده عرصه صرفه قالدیغی حالده
 صاحبزندن بری بنا ایتک ایستیوبده دیکری امتناع
 ایسه بنایه جبر اولغیوب عرصه سی تقسیم اولور

۱۳۱۵ ماده

فوقانیسی برینک و تحتانیسی دیکرک ملکی اولان ابنیه
 منهدم یا محترق اولسه هر بری کافی السابق ابنیه سی
 یایار . احد هما آخره مانع اوله ماز

و فوقانی صاحبی تحتانی صاحبنه سن ابنیه کی یاب که
 اوزرینه بنده ابنیه می یابیم دیوبده تحتانی صاحبی امتناع
 ایتمکله فوقانی صاحبی حاکم دن اذن الهرق تحتانی
 و فوقانی ابنیه بی انشا ایتمکله تحتانی صاحبی حصه
 مصرفی و برنجیه دک انی تحتانیده تصرفدن منع ایدر
 ماده ۱۳۱۶

ایکی قومشو بیننده کی حائط مشترک اوزرینه طرفینک
 کوشک و کیرش او جلی کبی حوله لری اولدیغی حالده
 حائط منهدم اولوبده برینک امتناعی اوزرینه دیکری
 بنا ایلسه مشارکی مصرفنک نصیفی تأدییه ایتمکله دک
 انی اول حائط اوزرینه حوله وضعندن منع ایدر
 ماده ۱۳۱۷

ایکی خانه بیننده دیوار منهدم اولوبده برندن دیکرینک
 متر نسوان اولان محلی کورینور اولدیغی جهتمله برینک
 صاحبی مشترک دیواری بنا ایتمک استدیکی حالده دیکرینک
 صاحبی امتناع ایلسه بنایه جبر اولماز . فقط تحتندن
 یا خود سائر نیندن بالاشترک بیلنلده بر ستره اتخاذ
 ایتملی ایچون حاکم طرفندن جبر اولنور
 ماده ۱۳۱۸

ایکی قومشوسی بیننده مشترک اولان دیواره و هن کلر بنده

سقوطندن خوف اولمغله بری نقضنی ایستدیکی حالده
دیگری امتناع ایله بالاشترک نقض وهدم ایتمک اوزره
جبر اولنور

۱۳۱۹ ماده

ایکی صغیر یاخود ایکی وقف بیلنده مشترک اولان بر عمار
تعمیره محتاج اولوبده حالی اوزره ابقامی مضر اولدیغی
حالده ایکی وصیدن یاخود ایکی متولیدن بری تعمیر ایتمک
ایستیوبده دیگری امتناع ایله تعمیره جبر اولنور

مثلا ایکی صغیرک خانه لری بیلنده بر مشترک دیوار اولوبده
سقوطندن خوف اولنورق برینک وصیسی تعمیر ایتمک
ایستدیکی حالده دیگرینک وصیسی ابا ایله جانب حاکدن
براین آدم ارسال ایله نظر اولنور. فی الواقع دیوارک
حالی اوزره ترکی تقدیرنده صغیرلر حقتنده ضرر اوله جغی
معلوم اولورسه ابا ایدن وصی دیگر وصی ایله مشترکا
مال صغیردن اول دیواری تعمیر ایتمک اوزره جبر اولنور
کذلک ایکی وقف بیلنده مشترک اولان بر خانه تعمیر محتاج
اولوبده متولیددن بری تعمیر ایتمک ایستدیکی حالده
دیگری امتناع ایله مال وقفدن تعمیر ایتمک اوزره حاکم
طرفندن جبر اولنور

۱۳۲۰ ماده

ایکی کشی بینده مشترک بر حیوان اولوبده بریسی آنی
بسلیکن ابا ایتمکه دیگر کی حاکمه مراجعت ایسه حاکم
ابا ایدن حصه داره یا حصه کی صسات و یا خود مشترک
حیوانی بسله دیو امر ایدر

(فصل ثانی)

(نهر و مجر الرک کری و اصلاحی حقنه در)

۱۳۲۱ ماده

ملوک اولیان نهرک کری و اصلاحی یعنی آیقلا نسی بیت
المال اوزرینه در و اکر بیت المالك وسعتی یوق ایسه
انی آیقلامق اوزره ناسه جبر اولنور

۱۳۲۲ ماده

ملوک اولان نهر مشترک آیقلا نسی اصحابی یعنی حق
شربی اولنور اوزرینه در . حق شفه اصحابی مؤنت
کری و اصلاحده تشریک اولنده ماز

۱۳۲۳ ماده

حق شرب اصحابندن بعضیلری نهر مشترکی تطهیر ایتمک
ایستیوبده بعضیلری ابا ایتمدیکی صورته نظر اولنور
اگر نهر عام ایسه ابا ایدن کیمسه سائر لریله بالاشترک
ایقلامق اوزره جبر اولنور (۲۶) ماده یه باق

واگر نهر خاص ایسه آیقلاق ایستیانلر حاکمک اذنیله
اول نهری آیقلا یوب امتناع ایدن کیسه مصرفدن
حصه سنه اصابت ایدن مقداری ایفا ایدنجه دک انی اول
نهر ایله انتفاعدن منع ایدرلر

۱۳۲۴ ماده

حق شرب اصحابنک کافه سی نهر مشترکی آیقلامقدن
امتناع ایتدکلری صورتده کنلک نهر عام ایسه آیقلاق
اوزره کندولرینه جبر اولنور و اگر نهر خاص ایسه جبر
اولنماز

۱۳۲۵ ماده

کرك مملوك اولمیان و كرك مملوك اولان نهر عامک کنارنده
برکیسه نك یری اولوبده صو ایچمک ونهری اصلاح
ایتمک کی احتیاجات ایچون بشقه یول اولدیغی حالده
عامه اول یردن مرور ایده یلور . صاحبی مانع
اولنماز

۱۳۲۶ ماده

نهر مشترکک مؤنت کری و اصلاحی یوقارودن باشلار .
و ابتدا جمله حصه دارلر بونده متشارك اولورلر . واک
اوست طرفده کی حصه دارک اراضیسندن کچلد کده

او خلاص اولور و هکذا اشاغیسنه قدر اینر . زیرا
غرامت غنیمته کوره در (۸۷) ماده یه باق

مثلا اون کشی بینده مشترک اولان بر نهر آیقلا نه جق
اولدقده اک اوست طرفنده کی حصه دارک نهایت
اراضیسنه قدر اولان قطعده سنک مصار فی جمله سنک
اوزرینه و اندن صکره طقوزی اوزرینه و ایکنجیسنک
اراضیسی دخی کچلد کده سکزی اوزرینه تقسیم ایدیلور .
صکره ده بوسیاق اوزره کیدیلور و اک اشاغیده کی
حصه دار جمله سنک مصرفنده مشارک اوله رق اک صکره
کندو حصه سنی یالکز یاپار بوجه تله اک یوقاروده کی
حصه دارک مصرفی جمله سنندن آز و اک اشاغیده کی
حصه دارک مصرفی جمله سنندن زیاده اولور

ماده ۱۳۲۷

کاریز مشترکی آیقلامق مؤنتی اشاغیدن باشلار
شویله که اک اشاغیده کی حصه دارک عرصه سنده کی حصه
کاریزک مصرفنده جمله سی حصه دار اولور لر و اندن
یوقارو چیقلدقده اول حصه دار خلاص اولور و هکذا
برر برر خلاص اوله رق اک یوقاروده کی حصه دار کندی
حصه سنی یالکزجه یاپار بوجه تله اک اشاغیده کی

حصه دارك مصرفی چله سندن از واك يوقاروده كي
حصه دار مصرفی چله سندن زیاده اولور

۱۳۲۸ ماده

طریق خاصك تعمیری دخی کاریزکی اشاغیدن باشلار .
واغزی یعنی مدخلی اشافی منتهماسی یوقارو عد و اعتبار
اولور . واغزنده بولنان حصه دار یالکز کندی
حصه سنه عائد اولان مصارف تعمیریه ده مشارك اولور
و منتهماسنده اولان حصه دار هر برینك حصه مصارفنده
مشارك اولدقدن بشقه کندی حصه سنی یالکز کندی
یا پار



(باب سادس)

(شرکت عقد بیاننده اولوب التی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(شرکت عقدك تعریف و تقسیم بیاننده در)

۱۳۲۹ ماده

شرکت عقد . ایکی یا زیاده کیسه لر بیننده سرمایه
وفائده سی مشترک اولمق اوزره عقد شرکتدن عبارتدر

۱۳۳۰ ماده

شرکت عقدك رکنی لفظا یا خود معنی ایجاب و قبولدر

مثلاً بر کیمسه دیگر کیمسه به شو قدر غروش سرمایه ایله
 اخذ و اعطا ایتک اوزره سنکله شریک اولدم دیوبده
 دیگری دخی قبول ایتدم دیسه لفظاً ایجاب و قبول ایله
 شرکت منعقد اولور . و اگر بریسی دیگرینه بیک
 غروش ویروب و بونک اوزرینه سنده بیک غروش قوی
 و مال اشترایت دیوبده دیگری دخی انک دیدیکی کبی
 یاپسه معنی قبول ایتش اولمغله شرکت منعقد اولور

۱۳۳۱ ماده

شرکت عقد . ایکی قسیمه تقسیم اولنور . شو یله که
 شریکار اگر بینلرنده مساوات تامه اولمق شرطیله عقد
 شرکت ایدرک سرمایه شرکت اوله ییله جک ماللرینی
 شرکتته ادخال ایتدکاری حالده مقدار سرمایه لری
 و ر بحدن حصه لری متساوی اولورسه شرکت مفاوضه
 اولور

نته کیم بر کیمسه وفات ایدوبده اوغلاری پدردن قالان
 مجموع اموالی سرمایه اتخاذا ایدرک هر درلو مال آلوب
 صاتمق و ر بحی بینلرنده مساوات اوزره عقد شرکت
 مفاوضه ایده یلور فقط بویله مساوات تامه اوزره شرکتک
 وقوعی نادر اولور

واکر مساوات تامہ شرط ایڈلکسزین عقد شرکت
ایدرلر ایسہ شرکت عنان اولور

۱۳۳۲ مادہ

شرکت کرک مفاوضہ و کرک عنان اولسون یا شرکت
اموال و یا شرکت اعمال و یا خود شرکت و جوہدر
شویله کہ شریکارا کر اورتہیہ سرمایہ اولق اوزرہ
بر مقدار مال قویوبده بر لکده یا خود آرو آرو و یا خود
مطلقا اخذ و اعطا ایتک و حاصل اوله جق ربھی
بینلرنده تقسیم ایتک اوزرہ عقد شرکت ایدرلر ایسہ
شرکت اموال اولور

واکر عمللرینی سرمایہ ایدوبده آخردن ایش تقبل یعنی
تعهد و التزام ایدرک حاصل اوله جق کسبی یعنی اجرتی
بینلرنده تقسیم ایتک اوزرہ عقد شرکت ایدرلر ایسہ
شرکت اعمال اولور ، بوکا شرکت ابدان و شرکت
صنایع و شرکت تقبل دخی دنیلور ، نته کیم ایکی درزینک
یا خود بر درزی ایله بر بو یاچینک شریک اولملری کبی
واکر سرمایہ لری اولدیغی حالده کندی اعتبار لریله
ویرہسی یه مال آلوب صاتہرق حاصل اوله جق ربھی
بینلرنده تقسیم ایتک اوزرہ عقد شرکت ایدرلر ایسہ
شرکت و جوہ اولور

(فصل ثانی)

(شرکت عقدك شرائط عمومیه سی بیانده در)

ماده ۱۳۳۳

شرکت عقدك هر قسمی وکالتی متضمندر
شویله که شریک کردن هر بری تصرفده یعنی الوب
صائمقدمه و آخردن اجرته ایش تقبل ایتکده دیکر بنک
وکیلدر

بناء علی ذلك وکالتده عقل و تمیز شرط اولدیغی کبی
علی العموم شرکته دخی شریکک عاقل و تمیز اولماری
شرطدر

ماده ۱۳۳۴

شرکت مفاوضه کفالتی دخی متضمندر
بناء علیه مفاوضک کفالتده اهلیتاری دخی شرطدر

ماده ۱۳۳۵

شرکت عنان یا لکز وکالتی متضمن اولوب کفالتی متضمن
دکدر

بناء علیه حین عقدنده کفالت ذکر اولمدیغی صورتده
شریککریکدییکرک کفیلی دکدر • بوجهتله صبی مأذون
دخی عقد شرکت عنان ایده یلور

اما شرکت عنانك حين عقدنده كفالت ذكر اولنديغي
تقديرده شريكك يكديكرك كغيلي اولور
ماده ۱۳۳۶

شريكك بيننده ربحك نه وجهاه تقسيم اولنه جعي بيان
اولنقى شرطدر • مبهم ومجهول قالمورسه شركت فاسد
اولور
ماده ۱۳۳۷

شريكك بيننده تقسيم اولنه جق ربحك حصه لري نصف
وثلت وربع كبي جزء شايع اولق شرطدر • شريككردن
برينه ربجدن مقطوعا شو قدر غروش ويرلك اوزره
مقاوله اولنسه شركت باطل اولور

(فصل ثالث)

(شركت اموالك شرائط مخصوصه سي بياننده در)
ماده ۱۳۳۸

سرمايه نك نقود قبيلندن اولسي شرطدر
ماده ۱۳۳۹

رايح اولان باقر سكه عرفا نقوددن معدود در
ماده ۱۳۴۰

مسكوك اوليان التون وكومش ايله معامله بين الناس

عرف و عادت ایسه بونلر دخی نقود حکمنده اولورلر .
 دکل ایسه عروض حکمنده درلر
 ماده ۱۳۴۱

سرمایه ننگ عین اولسی شرطدر . دین یعنی ذمم ناسده
 اولان اله جق سرمایه شرکت اوله ماز
 مثلا ایکی کیمسه آخر کیمسنه ذمتنده اولان اله جق لرینی
 سرمایه اتخاذا ایدوبده انک اوزرینه عقد شرکت
 ایده مزلر . و برینک سرمایه سی عین و دیگرینک سرمایه سی
 دین اولسه ینه شرکت صحیح اولماز
 ماده ۱۳۴۲

عروض و عقار کی نقوددن معدود اولمیان اموال
 اوزرینه عقد شرکت صحیح اولماز یعنی بونلر سرمایه
 شرکت اوله ماز

مکرکه ایکی کیمسه بویله نقود قبیلندن اولمیان مال لرینی
 سرمایه شرکت ایتک استداکارنده هر بری مالنک نصفنی
 دیگرینه صانوبده اشتراک لری حاصل اولدقدن صکره
 بو مال مشترک لری اوزرینه عقد شرکت ایده بیلورلر
 نته کیم ایکی کیمسه مثل یاتدن اولان بر نوع مال لرینی مثلا
 برر مقدار بغداد لرینی بکدیگرینه قارشدیرو بده بیلنرنده
 شرکت ملک حاصل اولدقدن صکره اشبو ماز

مخلوطی سرمایه اتخاذ ابدرك انك اوزرينه عقد شرکت
ایده بیلور

ماده ۱۳۴۳

برینک بارگیری و دیگرینک اگر طاقی اولوبده بونلری
ایجار ایله حاصل اولان اجرتی بینلرنده تقسیم اتمک
اوزره شریک اولسهلر شرکت فاسد اولوب اجرت
حاصله بارگیری صاحبنه عائد اولور . و اگر طاقی
بارگیری و دخیل و تابع اولغله صاحبی اجرتدن حصه دار
اوله میوب انجق اکرینک اجر مثلنی الور

ماده ۱۳۴۴

برینک دابه سی اوزرینه دیگریمی امتعه سنی تحمیل ایله
کز دیروب صاتمق و ربجی بینلرنده مشترک اولمق اوزره
شریک اولسهلر شرکت فاسد اولوب حاصل اولان کار
امتعه صاحبنک اولور . دابه صاحبی دخی دابه سنک
اجر مثلنی الور

دکان دخی دابه کبیرکه بری دیگرک دکانده امتعه سنی
صناتوبده ربجی بینلرنده مشترک اولمق اوزره شریک
اولسهلر شرکت فاسد اولوب امتعه نک ربجی صاحبنه
عائد اولور . دکان صاحبی دخی دکانک اجر مثلنی
الور

(فصل رابع)

(شرکت عقده متعلق بعض ضوابط حقه در)

ماده ۱۳۴۵

عمل تقویم ایله مقوم اولور . یعنی ایش تعین قیمت ایله
قیمتتور . و بر شخصک عملی دیگر شخصک عملده نسبتله
دها قیمتلو اوله یلور

مثلا شرکت عنان ایله شریک اولان ایکی کیمسه نك
سرمایه لری متساوی و ایکسینک دخی عمل ایتمی مشروط
اولدیغی حالده برینه ربحدن فضله حصه اعطاسی شرط
قیلنسه جائز اولور . زیرا بریسی اخذ و اعطاسی دها
ماهر و عملی ازید و انفع اوله یلور

ماده ۱۳۴۶

ضمان عمل بر نوع عمل در

بناعلیه بر کیمسه دکانه ارباب صنایعدن برینی قویوب
و تقبل و تعهد ایلدیکی ایشلری اکا کوردیرونده حاصل
اوله جق کسبی یعنی اجرتی بندلرنده مناصفة تقسیم
ایتمک اوزره عقد شرکت صنایع ایتسه ل جائز اولور .
و دکان صاحبک نصف حصه به استحقاقی انجق عملی
ضامن و متهد اولمسایله در شو قدر که بونک ضمنده
دکانک منفعتنه دخی نائل اولور

۱۳۴۷ ماده

ربحه استحقاق بعضاً مال یا عمل ایله اولدیغی کبی بعضاً
 دخی (۸۵) ماده حکمنجه ضمان ایله اولور
 نته کیم مضاربه ده ربحه رب المال مالیه و مضارب عملیه
 مستحق اولور و ار باب صنایعدن بری یانه برشا کرد
 الویده تقبل و تعهد ایلدیکی ایشلری نصف اجرتله
 اکا کوردیرسه جائز اولور و کسبک یعنی ایش صاحب لرندن
 انان اجرتک نصفنه اول شا کرد عملیه مستحق اولدیغی
 کبی استاد دخی عملی ضامن و متعهد اولمسيله نصف
 دیکرینه مستحق اولور

۱۳۴۸ ماده

سالف الذکر امور ثلثه دن یعنی مال و عمل و ضماندن
 بریسی بولتماز ایسه ربحه استحقاق یوقدر
 مثلاً بر کیمسه دیکرینه سن مالکله تجارت ایتده ربحی
 بینمده مشترک اولسون دیسه شرکتی ایجاب الیز ۰ و
 بوصورته حاصل اولان ربحدن حصه الهماز

۱۳۴۹ ماده

ربحه استحقاق انجق عقد شرکنده ایراد اولنان شرطه
 کوره در ۰ اجرا اولنان ایسه کوره دکلد

بناء عليه عمل ايتسى مشروط اولان شريك عمل ايتسه
بيله عمل ايتش كبي عد اولنور

مثلا شركت صحیحه ايله شريك اولان ايكي كيمسه نك
ايكيسي دخي عمل ايتك اوزره شرط ايداش اولديغي
حاله يالکز بريسي عمل ايدوبده ديکري بعذر يا خود
بغير عذر عمل ايتسه بيله يکديکرك و کيلي اولديغندن
شريک نك عمل ايتسيله کندوسي دخي عمل ايتش كبي عد
اولنورق کار بينلرنده شرط ايتدکاری وجهله تقسيم
اولنور

ماده ۱۳۵۰

شريكار يکديکرك امينيدر

هر برينك ينده مال شركت وديعه حکمنده در . بلا تعد
ولا تقصير بريسنك ينده مال شركت تلف اولسه
شريک نك حصه سني ضامن اولماز

ماده ۱۳۵۱

شركت اموالده سرمايه شريكار بيننده متساويا يا خود
متفاضلا مشترك اولور
اما برندن سرمايه ديکرنندن عامل اولديغي صورتده اگر
ربحي بينلرنده مشترك اولمق اوزره مقاوله اولسه
مضاربه اولور . نته کيم باب مخصوصنده کاور

واکر ربحی تماما عاملنه عائد اوله جق ایسه قرض اولور
 واکر ربحک تماما سرمایه صاحبنه عائد اولسی شرط
 ایدیلورسه اول سرمایه عاملک یئنده بضاعه و عامل
 مستبضع اولور

مستبضع ایسه و کیلی متبرع حکمنده اولدیغندن کار و
 زیان تماما مال صاحبنه عائد اولور
 ماده ۱۳۵۲

شریکاردن بری فوت یا خود جنون مطبق ایله مجنون
 اولسه شرکت منسوخ اولور

فقط شریکار اوچ یاز یاده اولدیغنی صورتده شرکتک
 انفساخنی یا لکز فوت یا مجنون اولان حقننده اولوب
 دیگر لک یئنده شرکت باقی قالور
 ماده ۱۳۵۳

شریکاردن برینک فسخیه شرکت منسوخ اولور
 فقط انک فسخنی دیگرک بیلمسی شرطدر . برینک فسخ
 ایدیکدی دیگرینک معلومی اولدیجه شرکت منسوخ اولماز
 ماده ۱۳۵۴

شریکار فسخ شرکت ایدوبده نقود موجوده برینک
 و ذمده اولان اله جق دیگرینک اولق اوزره اقسام
 ایسه لر قسمت صحیح اولماز

بوصورتده نقود موجوده دن بری نه قبض ایتمسه دیکری
 ا کا مشارک اولور . ذمده کی اله جق دخی بینلرنده
 مشترک قالور (۱۱۲۳) ماده یه باق

۱۳۵۵ ماده

شریکلردن بری مال شرکتدن بر مقدارینی الوبده اعمال
 ایدرکن مجهلا فوت اولسه ترکه سنندن شریکنک حصه سی
 استیفا اولنور (۸۰۱) ماده یه باق

(فصل خامس)

(شرکت مفاوضه بیاننده در)

۱۳۵۶ ماده

فصل ثانیده بیان اولندیغی اوزره مفاوضلر یکدیگرک
 کفیلیدر

بناء علیه برینک اقراری کندی حقنده فصل نافذ اولورسه
 شریکی حقنده دخی اویله جه نافذ اولور

وبری دین اقرار ایتدکده مقرله هر قنغیسندن ایسترایسه

مطالبه ایدر و بیع و شرا و اجاره کبی شرکت جاری اولان

معاملاتدن طولایی مفاوضلردن برینه هر نه درلو بورج

ترتب ایدر ایسه دیکرینه دخی لازم اولور

وبرینک صاندیغی شی عیبله دیکرینه رد اولنه بیلدیکی

کبی برینک اشترا ایلدیکی شیئی دیکری عیبله رد
ایده بیلور

ماده ۱۳۵۷

مفاوضلدن برینک کندویه واهل وعیالنه الدیغی
مأ کولات و البسه و سائر حوائج ضروریه کندوسنکدر
شریکنک انده حتی یوقدر

فقط بایع بونلرک ثمنی دخی بحسب الکفاله شریکندن
مطالبه ایده بیلور

ماده ۱۲۵۸

شرکت اموالده مفاوضلرک مقدار سرمایه لری وربحدن
حصه لری متساوی اولوق شرط اولدیغی کبی برینک
سرمایه شرکندن فضلنه سرمایه شرکت اوله بیله جک
مالی یعنی نقودی یاخود نقود حکمنده اولان اموالی
اولماق شرطدر

امابرینک سرمایه شرکندن فضلنه سرمایه شرکت
اولیه جق مالی یعنی عروض یا عتقاری یاخود آخر
کمننه ذمتنده اله جغی اولسه مفاوضه به ضرر
ویرمز

ماده ۱۳۵۹

شرکت اعمالده شریکلرک هربری نصل ایش اولورسه

اولسون تقبل والتزام ایدہ بیلک و علی السویہ علی ضامن
و متعهد و قائمہ و ضرر دہ و تساوی و برینہ شرکت سببیلہ
نہ ترتب ایدرسہ دیکری ا کا کفیل اولق اوزرہ عقد
شرکت ایدر لرسہ مفاوضہ اولور

بوصورتہ ہر قنغیسندن اولورسہ اولسون اجیرو دکان
اجرتی مطالبہ اولنہ بیلور

و انلردن آخر برکسنہ بر متاع دعوی ایدوبدہ بریسی
اقرار ایتدکده دیکری انکار ایتسہ بیلہ انک اقراری
نافذ اولور

۱۳۶۰ مادہ

ایکی کیمسہ ویرہسی یہ مال الوب صاتمق و مال مشترا
و ثمن و ربحی بیلنرنده مناصفة مشترک و ہر بری دیکرینہ
کفیل اولق اوزرہ عقد شرکت ایتسہ ل شرکت
و جوہک مفاوضہ سی اولور

۱۳۶۱ مادہ

عقد مفاوضہ دہ مفاوضہ لفظی سو یلتمک یا خود
مفاوضہ نک جمیع شرائطی تعداد اولتمق شرطدر
علی الاطلاق عقد شرکت اولنورسہ عنان
اولور

۱۳۶۲ ماده

بر وجه بالا بو فصلده مذکور اولان شرطلردن بریسی
بولنسه، مفاوضه عنانه منقلب اولور

مثلا شرکت اموالده مفاوضلردن برینک یدینه ارت ایله
یا هبه طریقیله بر مال یکدکده اکر نقود کبی سرماییه
شرکت اوله یاه جک مال ایسه، مفاوضه عنانه منقلب
اولور. • اما عروض و عقار کبی سرماییه شرکت
اولیان مال ایسه مفاوضه یه ضرر ویرمز

۱۳۶۳ ماده

شرکت عنانک صحتی ایچون هر نه که شرط ایسه
مفاوضه نک صحتی ایچون دخی شرطدر

۱۳۶۴ ماده

شرکت عنان ایله شریک اولانلر تصریحه هر نه یاه یلمور
ایسه مفاوضلر دخی انی یاه یلمور

(فصل سادس)

(شرکت عنان حقنده اولوب اوچ مجتبی حاویدر)

(مجتبی اول)

(شرکت امواله دائر اولان مسائل بیانده در)

۱۳۶۵ ماده

شرکت عنان ایله شریک اولنلرک سرماییه لری متساوی

اولیق شرط دکادر • برینک سرمایه سی دیکرینک
 سرمایه سندن دها زیاده اوله پیلور • وهر بریسی بالجمله
 نقدلرینی سرمایه به ادخال ایتکه مجبور اولیوب مالرینک
 مجموعی یا خود برر مقداری اوزرینه عقد شرکت اید پیلور •
 بوجهتله سرمایه لرندن فضله سرمایه شرکت اوله بیله جک
 ماللری مثلا نقدلری اوله پیلور

ماده ۱۳۶۶

عموم تجارت اوزرینه عقد شرکت جائز اولدیغی کبی
 خاصه برنوع تجارت اوزرینه مثلا ذخیره تجارتمی اوزرینه
 دخی عقد شرکت اولنه پیلور

ماده ۱۳۶۷

شرکت صحیحده ربجک نوجهتله تقسیمی شرط ایدیلور
 ایسه هر حالده اول شرطه رعایت اولنور

ماده ۱۳۶۸

شرکت فاسدهده ربج و فائده سرمایه لرک مقدارینه کوره
 تقسیم اولنور • شریکلردن برینه فضله شرط ایدلش
 ایسه اکا اعتبار اولنماز

ماده ۱۳۶۹

بلا تعد ولا تقصیر وقوعه کلان ضرر وزیان هر حالده

سرمایه لرك مقدارينه كوره منقسم اولور . ديكر وجهله
شرط ايدلسه اكا اعتبار اولماز
۱۳۷۰ ماده

سرمایه لرك متساوی و كرك متفاضل اولسون
شريكار كاری بيلرنده سرمايه لرينك مقدارينه كوره
تقسيم ايتك اوزره شرط ايتسه ل صحیح اولور . و كار
بيلرنده شرط ايتدكاری وجهله سرمايه لرينك مقدارينه
كوره تقسیم اولنور . كرك ايكي سنك دخی عمل ایتمی
شرط اولسون و كرك يالكز برينك عمل ایتمی شرط
قيلنسون . شو قدر وار كه يالكز برينك عمل ایتمی
مشروط اولديغی تقدیرده انك ينده ديكر ك سرمايه سی
بضاعه حكمنده اولور

۱۳۷۱ ماده

شريكار سرمايه لری متساوی اولديغی حالده برينه
ربحدن فضلده حصه مثلاً ربحك ثلثانی شرط ايدلسه
ايكي سنك دخی عمل ایتمی مشروط اولديغی تقدیرده
شرکت صحیح و شرط معتبر اولور

(۱۳۴۵) ماده يه باق

اما يالكز برينك عمل ایتمی مشروط اولديغی تقدیرده
نظر اولنور . عمل اكر ربحدن حصه سی زياده اولان

شريك اوزرينه شرط ايدلش ايسه كذلك شركت صحیح و شرط مع تبر اولور . و اول شريك ماليله سرمايه سنك ربحنه و عمليه فضله سنه مستحق اولور فقط انك يندنه شريكك سرمايه سي مال مضاربه حكمنده اوله رق مضاربه به شبيه بر شركت اولور

و عمل اكر ر بحدن حصه سي آز اولان شريك اوزرينه شرط ايدلش ايسه جائز اوليوب ربح بينلرنده سرمايه لر ينك مقدارينه كوره تقسيم اولنور

زيرا ربح اكر شرط ايتدكاري وجهله تقسيم اولنسه عامال اوليان شريكك الهجعي فضليه مال و عمل و ضماندن برشي مقابل اولماز ربحه استحقاق ايسه انجق بوامور ثلثه دن بريله در (۱۳۴۷) و (۱۳۴۸) ماده لر هباق
ماده ۱۳۷۲

شريكك سرمايه لر متفاضل مثلا برينك سرمايه سي يوز بيك و ديكرينك سرمايه سي يوز الی بيك غروش اولديغي حالده ربحك بينلرنده مساوات اوزره تقسيبي شرط اولنسه سرمايه سي آز اولان كيمسه نك سرمايه سنه نسبتله ر بحدن فضله حصه المسي شرط ايدلش ديمك اوله چغندن شريكك سرمايه لر متساوي اولديغي حالده برينه ر بحدن فضله شرط ايدلش كبي اولور

بناء عليه ابكى سنك يا خود ر بحدن حصه سى زياده يعنى
 سرمايه سى از اولان شريكك عمل ايتسى شرط ايدلمش
 ايسه شركت صحيح و شرط معتبر اولور . و اكر
 يالكز ر بحدن حصه سى از يعنى سرمايه سى چوق
 اولان شريكك عمل ايتسى شرط ايدلمش ايسه جائز
 اوليوب كار بينلرنده سرمايه لرى مقدار ينه كوره تقسيم
 اولنور

۱۳۷۳ ماده

شريكك هر برى مال شركتى كرك پشين پاره ايله و كرك
 ويره سى يه اوله رق از و چوق بها ايله صاته بيلور

۱۳۷۴ ماده

شريككردن قنغيسى اولور ايسه اولسون يندنه شركتك
 سرمايه سى اولديغى حالده پشين پاره ايله و ويره سى يه
 مال اشترا ايدنه بيلور

فقط غبن فاحش ايله مال اشترا ايدر ايسه الديغى مال
 كندوسنك اولوب شركتك اولماز

۱۳۷۵ ماده

شريككردن برى يندنه شركتك سرمايه سى اولمديغى
 حالده شركت ايچون مال اشترا ايدنه مز . ايدرسه
 اول مال كندوسنك اولور

ماده ۱۳۷۶

شریکاردن بری تجارتلری جنسندن اولیان برشیء کندو
پارہ سیلہ اشترای ایتدکده اول مال کندوسنک اولوب
شریکی اندن حصہ مند اولماز

اما بریسنک یندنہ شرکتک سرمایہ سی وار ایکن
تجارتلری جنسندن اولان برمالی کندوی پارہ سیلہ اشترای
ایتسه بیلہ شرکتک اولور

مثلا قاشجیلیق ایتک اوزره عقد شرکت ایدن ایکی کسنہ دن
بری کندو پارہ سیلہ برآت السہ کندوسنک اولوب شریکی
اول آتہ حصہ دار اولماز . اما برقاش السہ شرکتک
اولور و آلور ایکن بن قاشی کندم ایچون الیورم شریکمک
بونده حصہ سی یوقدر دیوا اشهاد ایتسه بیلہ مفید اولیوب
اول قاش شریکیلہ بینرنده مشترک اولور

ماده ۱۳۷۷

حقوق عقد انجق عاقده عائددر

بناء علیہ شریکاردن برینک اشترای ایلدیکی مالی قبض ایلہ
ثمنی تأدیہ ایتک یا لکزانک اوزرینه لازم اولور . بو
جهتله برینک اشترای ایلدیکی مالک ثمنی انجق اندن مطالبه
اولنوب شریکندن مطالبه اولنده ماز . و کذا شریکاردن
برینک صاندیغی مالک ثمنی قبض ایتک انجق آنک

حقیق در بوجهتله مشتری ثمنی دیگرینه و برسه یالکز
 ثمنی قابض اولان شریکک حصه سندن بری اولوب
 عاقد اولان شریکک حصه سندن بری اولماز .
 وینه بوجهتله عاقد اولان شریکک صاندیغی مالک ثمنی
 قبضه آخر برکیسه بی توکیل ایتسه شریکی انی عزل
 ایده مز . اما بیع و شرا و اجاره ایچون شریکلردن
 برینک توکیل ایتدیکنی دیگر شریکی عزل ایده بیلور
 ماده ۱۳۷۸

عیب ایله رد دخی حقوق عقددن اولمغله شریکلردن
 برینک اشترا ایلدیکی مالی دیگری عیب ایله رد ایده مز .
 و برینک صاندیغی مال عیب ایله دیگرینه رد
 اولنه ماز

ماده ۱۳۷۹

شریکلردن هربری مال شرکتی ایداع و ابضاع ایده بیلور .
 و مضاربه یه ویره بیلور . و عقد اجاره ایده بیلوب
 مثلا مال شرکتی حفظ ایچون دکان و اجیر استیجار
 ایده بیلور

اما شریکنک اذنی اولمغجه مال شرکتی کندو مالیه
 خلط و آخر کسنه ایله عقد شرکت ایده مز . ایدوبده

مال شرکت ضایع اولسه شریکنک حصه سنی ضامن

اولور

۱۳۸۰ ماده

شریکردن بری دیگرینک اذنی اولدجه مال شرکتدن آخر
کسنه یه اقراض ایده ماز اما شرکت ایچون استقراض
ایده بیلور • وبری هر نقدر آقچه استقراض ایدرایسه
بالاشترک شریکنک دخی بورجی اولور

۱۳۸۱ ماده

شریکردن بری امور شرکت ایچون آخر دیاره کیتدکده
مصرفنی مال شرکتدن اولور

۱۳۸۲ ماده

شریکردن هر بری دیگرینه رأیکله عمل ایت یاخود
دیلدیکیکی یاپ دیهرک شرکت ایشنی یکدیگرک رأینه
نفویض ایتسه هر بری توابع تجارتدن اولان ایشلمری
یاپه بیلور

شویله که مال شرکتی رهن شرکت ایچون ارتهان
و مال شرکت ایله سفر و مال شرکتی کندنی مالیه خلط
و آخر کسنه ایله عقد شرکت ایده بیلور

اما مالی اتلاف و بغیر عوض تملیک خصوصلمری
شریکنک اذن صریحی اولدجه یاپه مز

مثلاً شریکنک اذن صریحی اولدجه مال شرکتدن
کسنه یه اقراض و هبه ایده من

۱۳۸۳ ماده

شریکاردن بری دیگرینی مال شرکته آخر دیاره کیتسه
یاخود ویره سی به مال صاتمه دیونهی ایتمش یکن دیگری
دکلی و بده آخر دیاره کیتسه یاخود ویره سی به مال
صاتسه واقع اولان ضرردن شریکنک حصه سی

ضامن اولور

۱۳۸۴ ماده

شرکت عنانک معامله لرنده شریکاردن برینک بورج
اقرار ایتسی دیگرینه سرایت ایتز

شویله که اول دینک انجق کندو عقد و معامله سی ایله
اولدیغنی اقرار ایتش ایسه تمامی کندوسنک ایفا ایتسی
لازم کلور

واکر شریکیله برلکده اجرا ایلدیکی معامله دن طولایی
بر بورج اولدیغنی اقرار ایتش ایسه نصفنی ادا ایتسی
لازم اولور

واکر انجق شریکنک اجرا ایلدیکی بر معامله دن طولایی
بورج اولدیغنی اقرار ایتش ایسه برشی لازم کلر

(مبحث ثانی)

(شرکت اعماله دائر اولان مسائل بیانده در)

ماده ۱۳۸۵

شرکت اعمال ایش تقبل ایتمک اوزره عقد شرکتمدن
عبارتدر

شویله که اجیر مشترک مستأجرین طرفندن طلب
وتکلیف اولنان عملک ایفاسنی تقبل یعنی تعهد والتزام
ایتمک اوزره عقد شرکت ایدرله . ضمان عملده
کرك متساوی وکرك متفاضل اولسونلر . یعنی
کرك علی علی التساوی متعهد وضامن اولمق
شرطیله عقد شرکت ایلسونلر وکرك عملک مثلاثلثنی
برسی اوزرینه وثلثانی دیکری اوزرینه شرط
ایلسونلر

ماده ۱۳۸۶

شریکاردن هربری ایش تقبل وتعهد ایده بیلور
بری تقبل ایده دیکری عمل ایتمک دخی جائز اولور
وشرکت صنایع ایله شریک اولان ایکی درزینک بری
متاعی قبول ایله کسوب بیچمک ودیکری دیکمک دخی
جائزدر

۱۳۸۷ ماده

ایش تقبل ایتمکده شریکار یکدیگرک و کیلیدر
 بوجهتله برینک تقبل ایلدیکی ایشک ایفاسی هم کندوسنه
 و همده شریکنه لازم کلور

بناء علی ذلک ضمان عملده شرکت اعمالک عنانی مفاوضه
 حکمنده در که شریکردن برینک تقبل ایلدیکی ایشک
 ایفاسنی مستأجر هر قنغیسندن ایستر ایسه مطالبه ایدر
 و شریکردن هر بریسی اول ایشی ایفایی مجبور اولور
 بریسی بو ایشی شریکم تقبل ایش بن قارشیم دیه من

۱۳۸۸ ماده

اقتضای بدل خصوصنده دخی شرکت اعمالک عنانی
 مفاوضه حکمنده در

یعنی شریکردن هر بری مستأجر دن تمام اجرتی مطالبه
 ایده یلور مستأجر دخی هر قنغیسنه ویرسه بری اولور

۱۳۸۹ ماده

شریکردن بری تقبل ایلدیکی ایشی بالذات ایفایه مجبور
 دکادر ۰ دیرسه کندوسی یاپار و دیرسه شریکنه یا خود
 دیگر برینه یاپدیرر

فقط مستأجر اکر بالذات انک عمل ایتسنی شرط

ایدرسه اول حالده ککندوسنک یامسی لازم کاور

(۵۷۱) ماده باق

۱۳۹۰ ماده

شریکار کسبی شرط ایتدکاری وجهله تقسیم ایدرلر
یعنی مساویا تقسیم ایتک اوزره شرط ایتشلر ایسه مساوات
اوزره تقسیم ایدرلر . واکر متفاضلا مثلا ثلث وثلثان
وجهله تقسیم ایتک اوزره شرط ایتشلر ایسه ایکیلی برلی
اوله رق تقسیم ایدرلر

۱۳۹۱ ماده

عملده تساوی وکسبده تفاضل شرط ایدلسه جائز
اولور

مثلا شریکار متساویا عمل ایتک وکسبی ایکیلی برلی اوله رق
تقسیم ایتک اوزره شرط ایتسلر جائز اولور . زیرا
بریسی صنعتده دها ماهر و عمل دها ایی اوله ییلور

۱۳۹۲ ماده

شریکار ضمان عمل ایله اجرته مستحق اولورلر
بناء علیه بری مریض اولوق یا بر طرفه کیتک ویاخود
بوش طوروق کبی بر وجهله ایشلیوبده یالکز شریکی
ایشلسه حاصل اولان کسب و اجرت ینه شرط ایتدکاری
وجهله تقسیم اولور

۱۳۹۳ ماده

شریکردن برینک صنعيله مستأجر فیه تلف یاسقط اولسه
 دیگر شریکیله بالاشترک ضامن اولورلر
 و مستأجر مالنی قنغیسنه ایسترایسه تضمین ایتدیرر .
 و بوزیان شریکار بیلنده مقدار ضمانه کوره تقسیم اولنور
 مثلاً ایشی مناصفة تقبل و تعهد ایتک شرطیله عقد شرکت
 ایتشلر ایسه زیان دخی یاری یاری به تقسیم اولنور .
 واکر ثلث و ثلثان وجهله عمل تقبل و تعهد ایتک اوزره
 عقد شرکت ایتشلر ایسه زیان دخی ایکیلی برلی اوله رق
 تقسیم اولنور

۱۳۹۴ ماده

تقبلده و عملده مشارک اولق اوزره حاللرک عقد شرکت
 ایتسی صحیحدر

۱۳۹۵ ماده

دکان برینک و آلات و ادوات دیگرینک اوله رق ایکی
 کشی تقبل عمل ایتک اوزره عقد شرکت ایتسلر صحیح
 اولور

۱۳۹۶ ماده

برندن دکان و دیگرندن عمل اولق اوزره ایکی کشی عقد
 شرکت صنایع ایتسلر صحیح اولور (۱۳۴۶) ماده به باق

۱۳۹۷ ماده

برينك بر استرى و ديكرينك بر دوهسى اولوبده انلرله
 چوله نقلنى متساويا تقبل و تعهد ايتك اوزره عقد
 شركت اعمال ايتسه لر صحيح اولور . و حاصل اولان
 كسب و اجرت بينلرنده مناصفة تقسيم اولنور . دوه
 يوكنك زياده اولسنه باقلماز . زيرا شركت اعمالده
 شريكار ضمان عمل ايله بدله مستحق اولورلر

اماتقبل عمل اوزرينه عقد شركت اولنميو بده استر و دوهسى
 عينا ايجار ايتك و حاصل اولان اجرتى بينلرنده تقسيم
 ايتك اوزره شريك اولسه لر شركت فاسد اولوب
 استر و دوه دن قنغيسى ايجار اولنور ايسه اجرتى صاحبنه
 عائد اولور . فقط ديكرى تحمىل و نقلده اكا اعانه ايتمش
 ايسه غملىك اجر مثلى الرر

۱۳۹۸ ماده

بر كيمسه كندوسنك عيالنده بولنان او غمليه بر لكده اوله رق
 اجراى صنعت ايلسه كسبك كافهسى اول كيمسه نك اولور
 و اوغلى معين صاييلور

نته كيم بر كيمسه اغاج غرس ايدر كن عيالنده اولان اوغلى
 اكا اعانه ايتسه اغاج اول كيمسه نك اولوب اوغلى اكا
 مشارك اولماز

(مبحث ثالث)

(شرکت وجوهه دار اولان مسائل بیانده در)

۱۳۹۹ ماده

شریکرک مال مشتری علی التماوی حصه دار اولمری
شرط دکادر

مثلا الدقلمی مال بینلرنده نصفیت اوزره اوله بیلدیکی
کبی ایکیلی برلی اولوق دخی جائز اولور
۱۴۰۰ ماده

شرکت وجوهده ربجه استحقاق انجق ضمان ایله در
۱۴۰۱ ماده

مال مشتری انک ضمان ثمنی شریکرک مال مشتری کی حصه لینه
کوره در

۱۴۰۲ ماده

شریکردن هر برینک مال مشتری حصه سی نقدر ایسه
ربجدن حصه سی دخی او قدر اولور
واکر برینه مال مشتری کی حصه سندن فضله شرط
ایدلسه شرط لغو اولور

وربح بینلرنده مال مشتری کی حصه لینه کوره تقسیم اولنور
مثلا الدقلمی اشیانک بینلرنده یاری یه اولسنی شرط

اید رلر ایسه ریح دخی یاری یاری یه اولور
 واکر ایکیلی برلی اولوق اوزره شرط ایدرلرسه ریح دخی
 ایکیلی برلی اولور
 اما الدقلری اشیانک نصفیت اوزره اولسی مشروط
 اولدیغی حالده ربحک ثلث وثلشان وجهله تقسیمنی شرط
 ایتسدر بوشرطه اعتبار اولمویوب ریح بیلنرنده مناصفة
 تقسیم اولنور

۱۴۰۳ ماده

ضرر و زیان هر حالده شریک‌ک مال مشتری‌کده کی حصه لینه
 کوره تقسیم اولنور . عقد شرایه کرک برلکده مباشرت
 ایتسونلر و کرک یالکیز بریسی مباشرت ایلسون
 مثلا شرکت وجوه ایله شریک اولان ایکی کیسه اخذ
 واعطالرنده متضرر اولدقلری صورتده اکر مال مشتری
 بیلنرنده نصفیت اوزره اولوق شرطیله عقد شرکت ایتشلر
 ایسه ضرر و زیان دخی مساوات اوزره تقسیم اولنور .
 واکر مال مشتری‌کده ثلث وثلشان وجهله حصه دار اولوق
 شرطیله عقد شرکت ایتشلر ایسه ضرر و زیان دخی ایکیلی
 برلی اوله رق تقسیم اولنور . ضرر ایتدکاری مالی
 کرک برلکده صاتون ایلسونلر و کرک بریسی شرکت ایچون
 صاتون المش اولسون

(باب سابع)

(مضاربه حقه‌ده اولوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مضاربه نك تعريف و تقسیمي بیاننده در)

۱۴۰۴ ماده

مضاربه • بر طرفدن سرمایه و دیگر طرفدن سعی و عمل
اولمق اوزره بر نوع شرکتدر • سرمایه صاحبنده
رب المال و عامله مضارب دینلور

۱۴۰۵ ماده

مضاربه نك ركنی ایجاب و قبولدر

مثلا رب المال مضاربه شو سرمایه بی آل ربھی بینزده
یاری یاری یه یاخود ایکیلی برلی تقسیم اولمق اوزره
مضاربه سعی و عمل ایت دیسه یاخود شو پاره لری آل
و سرمایه ایت ربھی بینزده شو نسبت اوزره مشترک
اولسون دیمک کبی مضاربه معناسنی افاده ایدر بر سوز
سویلسه و مضارب دخی قبول ایلسه مضاربه منعقد اولور

۱۴۰۶ ماده

مضاربه ایکی قسمدر • بری مضاربهء مطلقه • و دیگری
مضاربهء مقیده در

۱۴۰۷ ماده

مضار بهء مطلقه • زمان و مکان و برنوع تجارت، ایله
 و بايع و مشترى يى تعيينله مقيد اولميان مضار به در •
 و بونلردن بريله تقيد اولنورسه مضار بهء مقيده اولور
 مثلا فلان وقت يا فلان يرده يا خود فلان جنس مال آل،
 صات و يا خود فلان كيسه لر ایله يا فلان بلده اهالیسیله
 آلس و يرش ایت دیسه مضار بهء مقیده اولور

(فصل ثانی)

(مضار به نك شروطی بیانده در)

۱۴۰۸ ماده

رب المالك توكيله و مضار بك و كالته اهلیتلی شرطدر

۱۴۰۹ ماده

رأس المالك سرمایهء شرکت اوله یله جك مال اولمی
 شرطدر • (باب شرکت عقدك فصلی ثالثه باق)
 بناء على ذلك عروض و عقار ایله ذم ناسده اولان
 آله جق مضار بهده رأس المال اوله ماز

فقط رب المال اكر عروضدن برشی و یرو بده بونی صات
 و ثمنیه مضار بهء عمل ایت دیسه و مضارب دخی قبول
 و قبض ایدرك اول مالی صاتوب و بدلی اولان نقودی

سرمایه ایدو بده آتش ویرش ایلسه مضار به صحیح
اولور

کذلت فلانک ذمتنده آله جـ غم اولان شو قدر غروشی
قبض ایتده مضار به یولنده قوللان دیسه و اودخی قبول
ایتسه صحیح اولور

۱۴۱۰ ماده

سرمایه نك مضار به تسلیم اولنسی شرطدر

۱۴۱۱ ماده

شرکت عقدکی مضار به ده دخی رأس المالك معلوم
اولنسی و عاقدینک ر بحدن حصه لری نصف و ثلث کی
بر جزء شایع اوله رق تعیین اید لسی شرطدر

فقط علی الاطلاق شرکت تعبیر اولنسه مثلا ربخی بینزده
مشترک اولسون دینلسه مساواته مصروف اولور
و رب المال ایله مضارب بیننده ربج یاری یاری به تقسیم
اولنور

۱۴۱۲ ماده

بالاده مذکور اولان شرطلردن بری بولنسه مثلا عاقدینک
حصه لری جزء شایع اوله رق معین اولیوبده برینه ر بحدن
شو قدر غروش ویرلک اوزره قطع و تعیین اولنسه
مضار به فاسد اولور

(فصل ثالث)

(مضاربه نك احكامی بیانده در)

۱۴۱۳ ماده

مضارب امیندر . انك یدنده سرمایه و دیعه حکمنده در
و سرمایه ده تصرف ایتسی جهتله رب المالك و کیلیدر .
و کار ایدرسه انده شريك اولور

۱۴۱۴ ماده

مضارب بهء مطلقه ده مضارب مجرد عقد مضارب به ایله
مضارب به نك لوازم و تفرعاتندن اولان ایشلری یا پیغه
مأذون اولور

شویله که اولا صاتوب کار ایتک ایچون مال اشترا
ایده بیلور . فقط غبن فاحش ایله مال اشترا ایدرسه
کندوسی ایچون المش اولور . مضاربه حسابنه داخل
اولماز

ثانیاً كرك پشین پاره ایله و كرك ویره سی به اوله رق
آز و چوق بهما ایله مال صاته بیلور . فقط بین التجار
عرف و عادت اولدیغی مرتبه مهلت ویره بیلور یوخسه
بین التجار معروف اولمیان اوزون مدت ایله مال صاته ماز
ثالثاً صاتدیغی مالک ثمنی حواله قبول ایده بیلور

رابعاً آخر کسنتی بی بیع و شرایه و کیل ایدہ پیلور
 خامساً مال مضار بہی ایداع و ابضاع و رهن و ارتھان
 و ایجار و استیجار ایدہ پیلور
 سادساً آلس و یرش ایتک اوزرہ آخر بلدہ یہ
 کیدہ پیلور

۱۴۱۵ مادہ

مضار بہء مطلقہ دہ مال مضار بہی مضارب کندی مالیلہ
 قارشدر مغہ و مضار بہیہ و یر مکہ مجرد عقد مضاربہ ایلہ
 مأذون اولماز

فقط مضار بلرک مال مضار بہی کندی مالاری ایلہ
 قارشدر ملری عادت اولان بلدہ دہ ایسہ مضاربہء مطلقہ دہ
 مضارب ا کا دخی مأذون اولور

۱۴۱۶ مادہ

ا کر مضار بہء مطلقہ دہ رب المال مضار بہ رأیکہ عمل
 ایت دیهرک مضاربہ امورینی انک رأیتہ تقویض ایش
 ایسہ مضارب ہر حالہ مال مضارب بہی کندی مالیلہ
 قارشدر مغہ و مضاربہ یہ و یر مکہ مأذون اولور

اما مال مضار بہ دن ہبہ و اقراض ایتکہ و سرمایہ دن
 زیادہ بوج التہ کیر مکہ بوضورتہ دخی مأذون

اولیوب بونلرک اجراسی رب المالك اذن صریحنه
موقوفدر

۱۴۱۷ ماده

مضارب کندی مالیه مال مضارب به بی قارشدردیغی
صورتده حاصل اولان ربیحی سرمایه لک مقدارینه کوره
تقسیم ایدر

یعنی کندی سرمایه سنک فائده سنی کندوسی آ اور و مال
مضارب به نک فائده سی رب المال ایله بینلرنده شرط ایتدکاری
وجهله تقسیم اولنور

۱۴۱۸ ماده

رب المالك اذنیله مضاربك سرمایه دن زیاده اوله رق
و یره سی به الدیغی مال ایکیسی بیننده شرکت وجوه ایله
مشترک اولور

۱۴۱۹ ماده

مضارب اکر مضارب به ایشیه بولندیغی بلده دن بشقه
یره کیدرسه قدر معروف مصرفنی مال مضارب به دن آ اور

۱۴۲۰ ماده

مضارب به مقیده ده رب المالك قید و شرطی نه ایسه
مضاربك اکارعایت اتمسی لازمدر

۱۴۲۱ ماده

مضارب اگر مأذونیتك خارجنه چیقار و شرطه مخالفت
ایدر ایسه غاصب اولور و بوحالده ایتدیکی آتش و یرشك
کار و ضرری کندوسنه عائد اولور . و مال مضاربه
تلف اولورسه ضامن اولور

۱۴۲۲ ماده

رب المال اگر مال مضاربه ایله فلان محله کیمه یاخود
ویرهسی به مال صاتمه دیو نهی ایتمشیکن مضارب اکا
مخالفت ایدرک مال مضاربه ایله اول محله کیدوبده
مال مضاربه تلف اولسه یاخود ویرهسی به مال صاتوبده
پارهسی باتسه مضارب ضامن اولور

۱۴۲۳ ماده

رب المال مضاربه بی بروقت معین ایله توقیت ایتدکده اول
وقتک یکمسیله مضاربه منفسخ اولور

۱۴۲۴ ماده

رب المال مضاربه بی عزل ایتدکده عزلی اکا بیلدیرمسی لازم
کلور

مضارب کندوسنک عزله واقف اولنجیه دک واقع اولان
تصرفاتی معتبر اولور
وعزله واقف اولدقدن صکره انده کی نقودده تصرف

ایده مز اما النده نقوددن بشقه مال بولنورسه انی صاتوب
نقده تبدیل ایده بیلور

۱۴۲۵ ماده

مضارب انجق عملی مقابلہ سندہ ربجہ مستحق اولور
عمل ایسہ انجق عقد ایله متقوم اولور . بناء علیہ عقد
مضاربہ دہ مضاربہ نہ مقدار شرط ایڈلمش ایسہ اکاکوره
ربجدن حصہ آلور

۱۴۲۶ ماده

رب المالك ربجہ استحقاقی مالی ایله در
بناء علیہ مضاربہ فاسدہ دہ ربجک مجموعی اکا عائد
اولور . ومضارب انک اجیری منزله سندہ اولوب
اجر مثل آلور . فقط حین عقده شرط ایڈکری
مقداری تجاوز ایده مز . ورمح یوق ایسہ اجر مثله دخی
مستحق اولماز

۱۴۲۷ ماده

مال مضاربہ دن بر مقدار ی تلف اولسه اول امرده ربجدن
محسوب اولنوب رأس الماله سرایت ایڈیرلمز
واکر ربجک مقدارینی تجاوز ایڈوبده رأس الماله سرایت
ایدرسه مضارب انی ضامن اولماز . مضاربہ کرک صحیح
اولسون وکرک فاسد اولسون

۱۴۲۸ ماده

ضرر و زیان هر حالده رب الماله عائد اولور . و مضارب
ایله بینلرنده مشترک اولسی شرط ای دیلورسه اول شرطه
اعتبار اولتماز

۱۴۲۹ ماده

رب المال یا مضارب فوت یا خود جنون مطبق ایله مجنون
اولسه مضاربه منفسخ اولور

۱۴۳۰ ماده

مضارب مجهلا فوت اولسه ترکه سندن ضمان لازم کلور
(۸۰۱) و (۱۳۵۵) ماده لره باق

(باب ثامن)

(مزارعه و مسافات بیاننده اولوب ایکی فصله)

(منقسمدر)

(فصل اول)

(مزارعه بیاننده در)

۱۴۳۱ ماده

مزارعه . بر طرفدن اراضی و دیگر طرفدن عمل یعنی
زراعت اوله رق حاصلات بینلرنده تقسیم اولنمق اوزره
برنوع شرکتدر

۱۴۳۲ ماده

مزارعه نك ركنی ایجاب و قبولدر
 شویله که اراضی صاحبی عامله یعنی چفتجی به بویری
 حاصلاتدن شو قدر حصه اولمق اوزره سکا مزارعه
 وجهله ویردم دیوبده چفتجی دخی قبول ایتدم یا راضی
 اولدم دیسه یا خود رضاسنه دلالت ایدر برسوزسویلسه
 ویا خود چفتجی یر صاحبنه بن سنک یرکده مزارعه
 وجهله عمل ایدیم دیوبده اودخی راضی اولسه مزارعه
 منعقد اولور

۱۴۳۳ ماده

مزارعه ده ماقدینک ناقل اولسی شرطدر • بالغ اولسی
 شرطدکلدر • بناء علیه صبی مأذون دخی عقد مزارعه
 ایده یلور

۱۴۳۴ ماده

زرعک یعنی نه اکیله جکینک تسینی یا خود چفتجی هر نه
 دیلرسه اکنک اوزره تعمیمی شرطدر

۱۴۳۵ ماده

حین عقده چفتجینک حاصلاتدن اولمق اوزره حصه سی
 نصف وثلث کبی جزء شایع اوله رق تعیین اولمق
 شرطدر

واگر حصه سی تعیین اول نماز یا خود حاصلاتدن بشقه
 برشی و برلك اوزره تعیین قیلنور و یا خود حاصلاتدن
 شو قدر کیله دیو قطع اولنور ایسه مزارعه صحیح
 اولماز

۱۴۳۶ ماده

یرك زرعہ صالح اولسی و چقجی به تسلیم ایدلسی شرطدر
 ۱۴۳۷ ماده

بالاده مذکور اولان شرطلردن بری بولنماز ایسه مزارعه
 فاسد اولور

۱۴۳۸ ماده

مزارعه صحیحده عاقدین فصل شرط ایتدیله ایسه
 حاصلاتی بینلرنده اولوجهله تقسیم ایدرله

۱۴۳۹ ماده

مزارعه فاسده حاصلات کاملاتخم صاحبك اولور
 دیگرى بر صاحبی ایسه یرینك اجرتنی آلور . واکر
 چقجی ایسه اجر مثل آلور

۱۴۴۰ ماده

ا کین یشیل ایکن بر صاحبی فوت اولسه ا کین یتشجیه
 قدر چقجی ایسنه دوام ایدر . متوفانك وارثلری ا کا
 مانع اوله ماز

واگر چفتجی فوت اولسه کندوسنک وارثی انک مقامنه
 قائم اولوب دیلر سه اکین یتشجیه دکین زراعت ایشنه
 دوام ایلر . یر صاحبی اکا مانع اوله ماز

(فصل ثانی)

(مساقات بیاننده در)

۱۴۴۱ ماده

مساقات . بر طرفدن اشجار و دیگر طرفدن تربیه اولوق
 و حاصل اولان میوه بینلرنده تقسیم اولوق اوزره بر نوع
 شرکتدر

۱۴۴۲ ماده

مساقاتک رکنی ایجاب و قبولدر

شویله که اشجار صاحبی میوه سندن شو قدر حصه
 اولوق اوزره مساقات وجهیله شو اشجاری سکا و یردم
 دیوب عامل یعنی اول اشجاری تربیه ایده جک اولان
 کیمسه دخی قبول ایتمسه مساقات منعقد اولور

۱۴۴۳ ماده

عاقدینک عاقل اولسی شرطدر . بالغ اولسی شرط
 دکلدر

۱۴۴۴ ماده

مزارعه ده اولدیغی کبی عقد مساقانده دخی عاقدینک

حصه لری نصف وثلث کبی جزء شایع اوله رق تعیین

اولنق شرطدر

ماده ۱۴۴۵

اشجارک عامله تسلیمی شرطدر

ماده ۱۴۴۶

مساقت صحیحده عاقدین پینلرنده شرط ایتدک لری وجهله

میوه بی تقسیم ایدر لر

ماده ۱۴۴۷

مساقت فاسدهده حاصل اولان میوه تماماً اشجار صاحبک

اولور • عامل دخی اجر مثل آلور

ماده ۱۴۴۸

میوه خام ایکن اشجار صاحبی فوت اولسه میوه یتشمنجیه

قدر عامل ایشنه دوام ایدر • متوفانک وارث لری اکا

مانع اوله ماز

وا کر عامل فوت اولسه وارثی انک مقامنه قائم اولوب

دیلسه ایشنه دوام ایدر • اشجار صاحبی اکا مانع

اوله ماز

اراده سنیه تاریخی فی ۱۶ جادی الاخره سنه ۱۲۹۱

ناظر معارف عمومیه

امین الفتوی

احمد جودت

السید خلیل

قاضی دار الخلافة العلیه

مفتی دارشورای عسکری

سابقا سیف الدین

احمد خلوصی

عن اعضای دیوان احکام

عن أعضاء مجلس تدقیقات

عدلیه احمد حلی

شرعیه احمد خالد

— ❖ كتاب الوكالة ❖ —

✽ صورت خط همایون ✽

(موجب پنجه عمل اولنه)

(کتاب حادی عشر)

(وکالت حقننده اولوب بر مقدمه ایله اوج بابی مشتملدر)

(مقدمه)

(بعض اصطلاحات فقهیه بیاننده در)

۱۴۴۹ ماده

وکالت . بر کیمسه ایشنی بشقه سنه تفویض ایتک و اول

ایشده انی کندو پرینه اقامه ایتکدر

اول کیمسه به موکل و پرینه اقامه ایلدیکی کسنده به وکیل

و اول ایشه موکل به دینلور

۱۴۵۰ ماده

رسالت . بر کیمسه تصرفده دخلی اولمق سزین بر کسنده نک

سوزینی دیگره تبلیغ ایتکدر

اول کیمسه به رسول و اول کسنده به مرسل و دیگرینه

مرسل ایله دینلور

(باب اول)

(وکالتک رکن و تقییمی بیاننده در)

۱۴۵۱ ماده

توکیلک رکنی ایجاب و قبولدر

شویله که موکل شو خصوصه سنی وکیل ایتدم دیو بدو
 وکیل دخی قبول ایتدم دیسه یاخود قبولی مشعر بشقه
 برسوز سویلسه وکالت منعقد اولور اذلاک وکیل برشی
 سونیلو بدو اول خصوصک اجراسنه تشبث ایلسه دلالة
 وکالتی قبولی ایتمش اولغله تصرفی صحیح اولور

اما بعدالایجاب وکیل رد ایتسه ایجابک حکمی قلماز

بناء علیه موکل بو خصوصه سنی وکیل ایتدم دیو بدو
 وکیل اوله جق کسننه قبول ایتدم دیو رد ایلدکنصکره
 موکل بهک اجراسنه مباشرت ایلسه تصرفی صحیح اولماز

۱۴۵۲ ماده

اذن و اجازت توکیلدر

۱۴۵۳ ماده

اجازت لاحقه وکالت سابقه حکمنده در

مثلا برکیمسه فضولی آخرک مالنی صاندقدن صکره مال
 صاحبنه خبرو ووروب اودخی مجیز اولسه اولجه انی وکیل
 ایتمش کبی اولور

۱۶۵۶ ماده

رسالت وکالت قبیلندن دکلد

مثلا بر کیمسه یه صراف آچه اقراض ایده جک اولوبده
 او دخی آچه بی کتورمک اوزره خدمتکارینی کوندرسه
 خدمتکار اول کسنه نک رسولیدر یوخسه استقراضه و کیلی
 دکلد

کذک بر کیمسه نک بر آت اشترا ایتک اوزره جانبازه
 کوندردیکی شخص اول جانبازه فلان کیمسه سندن فلان
 آتی صاتون المی ایستبور دیمسی اوزرینه جانباز دخی
 شو قدر غروشه اولمق اوزره بو آتی اکا صاتم وار اکا
 سو یله و آتی تسلیم ایله دیهرک اول شخصه و یروب او
 دخی منوال مشروح اوزره اول کیمسه یه اتی تسلیم و او
 دخی همان قبول ایتدکده اول کیمسه ایله جانباز بیننده
 بیع منعقد اوله رق اول شخص ارده مجرد بر رسول
 و واسطه اولور • یوخسه و کیلی اولماز

و کذک بر کیمسه قصابه بنم بازاره کیدوب کلان فلان
 خدمتکاریمه بنم ایچون یومیه شو قدر قیه ات و پر
 دیوب او دخی بو وجهله ویرسه اول خدمتکار افندیسنک
 رسولی اولور و کیلی دیمک اولماز

۱۴۵۵ ماده

امر بعضا وکالت و بعضا رسالت قبیلندن اولور
 مثلا بر کیمسه نك امر یله خدمتکاری بر تاجردن مال اشترا
 ایلدکده اول کیمسه نك شرایه وکیلی اولور
 اما اول کیمسه بر تاجر ایله بازارلق ایدوبده مالی الوب
 کتورمک اوزره خدمتکارینی کوندرسه افندیسنک رسولی
 دیمک اولوب یوخسه وکیلی اولماز

۱۴۵۶ ماده

رکن توکیل بعضا مطلق اولور
 یعنی بر شرطه معلق یا بروقته مضاف یا خود بر قید ایله
 مقید اولماز و بعضا شرطه معلق اولور
 مثلا فلان تاجر بورایه کلور ایسه بنم شو آتمی صاتمق
 اوزره سنی وکیل ایتدم دیوبده اودخی قبول ایتسه وکالت
 اول تاجرک کلسنه معلق اوله رق منعقد اولور . و اول
 تاجر کلور ایسه وکیل دخی اول مالی صاته ییلور .
 والا صاته ماز

و بعضا بروقته مضاف اولور

مثلا نیسان آینده بنم حیوانلریمی صاتمغه سنی وکیل ایتدم
 دیوبده اودخی قبول ایتسه شهر نیسان حلولنده وکیل

او اوب همان اولوقت یا خود اندن صکره اول حیوانلری
 بالوکاله صاته بیلور اما نیتساندن اول صاته ماز
 و بعضا بر قید ایله مقید اولور
 مثلا شوساعتمی بیک غروشه صاتمغه سنی وکیل ایتدم
 دیسه وکیلک وکالتی انی بیک غروشدن اشافی به صاتماق
 ایله مقید اولور

(باب ثانی)

(شرط وکالت بیانده در)

۱۴۵۷ ماده

موکلک موکل به اولان ایشی یا پیغمه مقتدر اولمی
 شرطدر

بناء علیه صبی غیر ممیز ایله مجنونک توکیلی صحیح
 اولماز

وصبی ممیز حقیقده هبه و صدقه کبی ضرر محض اولان
 ایشلرده ولیسی اذن ویرسه بیله آخری توکیل ایده مز •
 و قبول هبه و صدقه کبی حقیقده نفع محض اولان ایشلرده
 ولیسنک اذنی اولسه بیله آخری توکیل ایده بیلور •
 اما بیع و شرا کبی نفع ایله ضرر بیننده دائر و متردد اولان
 تصرفاتده اگر اخذ و اعطایه مأذون ایسه بشقه سنی

دخی توکیل ایده بیلور • دکل ایسه توکیل و لیسنک
اجازته موقوفا منعقد اولور

ماده ۱۴۵۸

وکیلک عاقل و ممیز اولسی شرطدر • بالغ اولسی شرط
دکدر

بناء علیه صبیء ممیز مأذون اولسه بیله وکیل اوله بیلور •
فقط حقوق عقدا کا عائد اولیوب موکلنه عائد اولور

ماده ۱۴۵۹

برکیمسه بالذات یاپه بیله چکی خصوصلرده و معاملاتیه دائر
اولان هر حقک ایفا و استیفاسنده بشقه سنی توکیل ایده
بیلور

مثلا برکیمسه بیع و شرا و ایجار و استیجار و رهن و ارتهان
و ایداع و استیداع و هبه و اتهاپ و صلح و ابراء و اقرار
و دعوی و طلب شفعه و قسمت و ایفا و استیفای دیونه
و قبض ماله دیگر برکیمسینی توکیل ایسه جائز اولور
فقط موکل بهک معلوم اولسی لازمدر

(باب ثالث)

(وکالتک احکامی بیانده اولوب التی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(وکالتک احکام عمومی بیانده در)

۱۴۶۰ ماده

هبه و اعاره و رهن و ایداع و اقراض و شرکت و مضاربه ده
و عن انکار صلحه و کیلک عقدی موکلنه مضاف
قیلمسی لازمدر . موکلنه مضاف قیلماز ایسه صحیح
اولماز

۱۴۶۱ ماده

بیع و شرا و اجاره ده و عن اقرار صلحه و کیلک عقدی
موکلنه مضاف قیلمسی شرط دکلدرد . موکلنه مضاف
قیلمیوبده نفسنه اضافت ایله اکتفا ایتمسی دخی صحیح
اولور . و ایکی صورتده دخی ملکیت انجق موکلنه
ثابت اولور

فقط عقد اگر موکله مضاف قیلنماز ایسه حقوق عقد
ماقده یعنی و کیله عائد اولور . و اگر موکله مضاف
قیلمنور ایسه حقوق عقد دخی موکله عائد اولور .
و بو صورتده و کیل رسول کبی اولور

مثلا وکیل بالبيع عقدی موکلنه مضاف قیلوبده نفسنه
 اضافت ایله اکتفا ایدرک موکلنک برمانی صاندقده مبیعی
 مشتری به تسلیم ایتکه مجبور اولور و ثمنی مشتریدن طلب
 و قبض ایده یلور و مال مشتریله بر مستحق چیقوبده بعد
 الحکم ضبط اولنسه مشتری وکیل بالبیعه رجوع ایدر .
 یعنی ویردیکی ثمنی اندن ایستر

و وکیل بالشرا عقدی بو وجهله موکلنه مضاف قیلوسزین
 اشترا ایلدیکی مالی قبض ایدر و مال مشتری ایتکه ثمنی
 موکلندن السه بیله کندی مالندن بایعه و یرمک اوزره
 جبر اولور . و مال مشتریله عیب قدیم ظهور ایتسه رد
 ایچون وکیلک مخاصمه به حق اولور . اما وکیل اکر
 عقدی موکلنه مضاف قیلش ایسه مثلا فلانک طرفندن
 بالو کاله صاتم یاخود فلان ایچون الدم زیهرک عقد
 بیع ایلش اولسه اولخالده آنفا بیان اولسان حقوق عقد
 هپ موکله عائد اولور . و بو صورتده وکیل رسول
 حکمنده قالور

۱۴۶۲ ماده

رسالته حقوق عقد مرسله عائد اولور . رسوله اصلا
 تعلق ایتمز

۱۴۶۳ ماده

بیع و شرا و ایفا و استیفای دینه و قبض عینه و کیل اولان
 کیسه نك جهت و کالتدن طولایی مقبوضی اولان مال
 کندی یدنده و دیعه حکمنده در • بلا تعد و لاتقصیر تلف
 اولسه ضمان لازم کلز

جهت رسالتدن طولایی رسولک یدنده کی مال دخی کذلک
 و دیعه حکمنده در

۱۴۶۴ ماده

مدیون بورجنی داتنه کوندرو بده قبل الوصول رسول
 یدنده تلف اولدیغی صورتده اکر مدیونک رسولی ایسه
 مدیونک مالندن تلف اولور و اکر داتنک رسولی ایسه
 داتنک مالندن تلف اولوب مدیون بورجندن بری
 اولور

۱۴۶۵ ماده

برکیسه ایکی کشی بی بردن توکیل ایسه و کیل اولدقلری
 خصوصده یالکز بریسی تصرف یعنی ایفای و کالت
 ایده من

فقط خصوصته یا خود رد و دیعه یه و یا خود قضاء دینه
 و کیل ایسه لر یالکز بریسی ایفای و کالت ایده بیلور
 اما برکیسه بی بر خصوصده و کیل ایته کدنصکره دیکرینی

دخی رأساً او ایشه وکیل ایتدینکی صورتده هر قنغیسی
ایفای وکالت ایتسه جائز اولور

۱۴۶۶ ماده

بر کیمسه وکیل اولدیغی خصوصده بشقه سنی توکیل
ایده من

مکرکه موکل ا کا اذن و برمش و یا خود رأیکله عمل ایت
دیمش اوله اول حالده وکیل بشقه سنی توکیل
ایده بیلور

و بو وجهله وکیلک توکیل ایتدینکی کیمسه موکلک و کیلی
اولور . یوخسه اول وکیلک و کیلی اولماز . حتی
وکیل اولک عزلیله یا خود و فایله وکیل ثانی منعزل
اولماز

۱۴۶۷ ماده

ا کر وکالتده اجرت شرط ایدیلوبده وکیل دخی ایفای
وکالت ایلر ایشه اجرتیه مستحق اولور . و اکر شرط
ایدیلوبده وکیل دخی اجرت ایله خدمت ایدر مقوله دن
دکل ایشه متبرع اولوب اجرت ایستیه من

(فصل ثانی)

(شرایه وکالت بیاننده در)

۱۴۶۸ ماده

(۱۴۵۹) ماده نك فقره آخره سی حکمنجه وکالتك
ایفاسی قابل اوله جق مرتبه موکل بهک معلوم اولمی
لازمدر

شویله که موکل اش ترا ایتدیره جکی شیئک جنسنی بیان
ایتملیدر و جنسک تحتنده اگر انواع متغایره وار ایسه
یا لکز جنسک یانی کافی اولمیوب نوعنی یا خود بهاسنی
دخی بیان ایتک لازم کلور

واگر انه جق شیئک جنسنی بیان اولنماز ایسه یا خود
جنسنی بیان اولنوب انجق تحتنده انواع متغایره اولدیغنی
حالده نوعنی یا بهاسنی تعیین قلمناز ایسه وکالت صحیح
اولماز مکرکه وکالت عامه ایله توکیل ایتمش اوله

مثلا برکیمسه بکا برآت آل دیو دیکرینی توکیل ایتسه
وکالت صحیح اولور و برکیمسه ائوابلق قاش آلمق
اوزره برینی توکیل ایده جک اولدوقده جنسنی یعنی
چتاریمی المق ایستریوخسه بشقه جنس قاشمی ایستر
بوراسنی بیان ایله برابر شام یا هند قاشی دیو نوعنی

یاخود طوپی شو قدر غرو شلق دیو بهاسنی بیان ایتسی
 لازمدر • جنسنی بیان ایتیبوده یالکز بکا بردابه ال
 یاخود قاش آل دیسه و یاخود مثلا چتاری آل دیوبده
 نوعنی یا بهاسنی بیان ایتسه وکالت صحیح اولماز فقط
 بکا برقات روبالق قاش یاخود چتاری آل هر قنخی جنس
 و یا نوعدن اولورسه اولسون سنک رایکه مفوضدر
 دیسه وکالت عامه اولوب وکیل قنخی جنس و نوعدن
 ایسترایسه الهیلور

۱۴۶۹ ماده

اصلک یا متصدک و یاخود صنعتک اختلافیه جنس دخی
 مختلف اولور

مثلا پاموق بزیه کتسان بزنی اصلار ینک اختلافی سببیه
 مختلف الجنسدر لر و قیونک یوکی ایله دریمی اختلاف
 مقصد حسبیه مختلف الجنسدر زیرا دریدن مقصد طلوم
 یایمق اولوب یوک المقدن مقصد ایسه ایلیک یاپوب کایم
 طوقومق کبی اکا مغایر اولان خصوصلردر • و شار
 کوی کچه سبیه عشاق کچه سی هب یو کدن معمول اولدقاری
 حالده اختلاف صنعت حسبیه مختلف الجنسدر لر

۱۴۷۰ ماده

وکیل اگر جنسده مخالفت ایدرسه یعنی موکل فلان

جذبیدن برشی آل دیو بده و کیل بشقه بر جنسیدن بر مال
 آلسه هر نه قدر الدیغی شی دها فائده لو اولسه بیله
 موکل حقننده نافذ اولماز یعنی وکیلک الدیغی مال کندو
 اوزرنده قالب موکل ایچون انمش اولماز

۱۴۷۱ ماده

موکل قوج آل دیو بده و کیل دیشی قیون السه موکل
 حقننده نافذ اولمیوب النان قیون وکیلک اولور

۱۴۷۲ ماده

موکل بکا فلان عرصه بی آل دیو بده اول عرصه اوزرینه
 ابنیه یاپسه اندن صکره وکیل انی بالوکاله الهماز . اما
 قلان خانه بی آل دیو بده اول خانه صیوادلسه یاخود
 اکا بر دیوار علاوه ایدلسه بو حالدیه وکیل انی بالوکاله

الهیلور

۱۴۷۳ ماده

موکل سوت آل دیو بده نه سوتی اولدیغنی تصریح
 ایتمسه بلده ده معروف اولان سوته شمول اولور

۱۴۷۴ ماده

موکل پرنج آل دیسه وکیل اولان کیسه چارشوده
 صاتیلان هر نوع پرنجیدن الهیلور

۱۴۷۵ ماده

بر کیمسه بر خانه المق ایچون دیکرینی توکیل ایده جک
اولدقده محله سنی و بهاسنی بیان ایتلیدر . بیان ایتمز
ایسه وکالت صحیح اولماز

۱۴۷۶ ماده

بر کیمسه بر نک اینجو یاخود بر قرمری یا قوت طاشی المق
اوزره برینی توکیل ایده جک اولدقده بهاسی قاچ غروشه
قدر اوله جغنی بیان ایتسی لازمدر . ایتمز ایسه وکالت
صحیح اولماز

۱۴۱۷ ماده

مقدراتده موکل بهک مقداری یاخود ثمنی بیان اولنق
لازمدر

مثلا بغدادی المق ایچون برینی توکیل ایتدکده قاچ کیله
اوله جغنی سوئلسی یاخود شو قدر غروشلق بغدادی دیو
مقدار ثمنی بیان ایتسی لازم کاور . بیان ایتمز ایسه
وکالت صحیح اولماز

۱۴۷۸ ماده

موکل بهک وصفی بیان اولنق لازم دکادر
مثلا اعلی یا اوسط یا ادنی دیو وصفنک بیانی لازم کمز

شو قدر که موکل بهک و صفی موکلک حالنه موافق اولمق
لازمدر

مثلا بر بار کیر کیرا جیسی کندوسنه بر بار کیر المق اوزره
برینی توکیل ایتدکده وکیل کیدو بده یکر می بیک غروشلق
بر عرب آتی آله من الزور ایسه شراسی موکل حقننده
نافذ اولماز یعنی اول آت موکل ایچون النمش اولیوب
وکیلک اوزرنده قالور

۱۴۷۹ ماده

وکالت بر قید ایله تقیید اولندقده وکیل اکا مخالفت
ایده من ایدر ایسه شراسی موکل حقننده نافذ اولیوب
الدیغی مال کندو اوزرنده قالور
قطط موکل حقننده دها فائده لو بر صورتد مخالفت ایدر سه
معنا مخالفت اولنمز

مثلا بر کیسه فلان خانینی بنم ایچون اونبیک غروشه آل
دیدکده وکیل دها زیاده اشترا ایسه موکل حقننده نافذ
اولیوب اول خانه کندوسنک اوزرنده قالور اما اونبیک
غروشدن اشاغی ایسه موکل ایچون النمش اولور
کذلک ویره سی به آل دیوبده وکیل پیشین اچجه ایله الهه
اول مال وکیلک اوزرنده قالور اما پیشین اچجه ایله آل
دیوبده ویره سی به الهه موکل ایچون النمش اولور

۱۴۸۰ ماده

بر کیمسه اشتراسنه وکیل اولدیغی شیئک نصفی اشترا
ایتدیکی صورتده اکر اول شیئک تبعیضنده ضرر وار
ایسه شراسی موکل حقنده نافذ اولماز یوق ایسه نافذ
اولور

مثلا برطوپقاش آل دیوبده وکیل یارم طوپ السه موکل
حقنده نافذ اولمیوب اول مال وکیلک اوزرنده قالور اما
التي کيله بغدادی آل دیوبده وکیل اوچ کيله السه موکل
ایچون النمش اولور

۱۴۸۱ ماده

موکل بکا برجهه لک چوقه آل دیوبده وکیلک الیدیغی
چوقه دن جبهه چیمسه شراسی موکل حقنده نافذ اولمیوب
اول چوقه وکیلک اوزرنده قالور

۱۴۸۲ ماده

بر شیئک بهامی بیان اولنمقیزین اشتراسنه وکیل اولان
کسنه اول شیئی قیمت مثلیه سیله آله بیلدیکی کبی غبن یسیر
ایله دخی آله ییلور

قطعات و املاک کبی سعر و قیمتی معین اولان شیلرده
غبن یسیر دخی معنو اولماز

اما غبن فاحش ایله آلورسه هر حالده شراسی موکل

حقننده نافذ اولمیوب اول مال ککندوسنک اوزرنده

قالور

۱۴۸۳ ماده

علی الاطلاق اشترا نقود ایله اشترا به مصروف اولور
بوصورتده بر شیئک اشترا سنه وکیل اولان کیمسه انی بر
مالی ایله ترانیه ایتسه موکل حقننده نافذ اولمیوب اولشی
وکیلک اوزرنده قالور

۱۴۸۴ ماده

بر موسم معینده لزومی اولان شیئی المق ایچون بر کیمسه
دیگرینی توکیل ایتسه اول موسم مصروف اولور
مثلا بر کیمسه بر بهار موسمده شالی جبه المق ایچون
برینی توکیل ایتسه او یازین قولالایق اوزره جبه المسی
ایچون توکیل ایتش اولور موسم کچر کدن صکره یا خود
که جاک سنه نیک بهارنده السنه موکل حقننده نافذ اولمیوب
وکیلک الدیغی جبه کندی اوزرنده قالور

۱۴۸۵ ماده

بر معین شیئک اشترا سنه وکیل اولان کیمسه اول شیئی
کندوسی ایچون اشترا ایدمز و اشترا ایدرکن بن بونی
کندم ایچون الدم دیسه پیله کندوسنک اولمیوب
مرکاک اولور

مکرکه موکک تعیین ایتدیکی بهادن زیاده و تعیین بها
ایتدیکی صورتده غبن فاحش ایله اولورسه اول وقت
مال و کیلک اولور

و برده موکل حاضر اولدیغی حالده وکیل بن بونی کندم
ایچون الدم دیرسه اول مال و کیلک اولور

۱۴۸۶ ماده

برکیمسه بکا فلانک آتی آل دیوبده وکیل لا ونع رشنی
سویلکمنزین کیدوب اول آتی اشتر ایتدیکی تقدیرده
اگر آلورکن موکل ایچون آلام دیرسه موکک اولور
واگر کندم ایچون الدم دیرسه کندوسنک اولور

اما یالکز الدم دیوبده کیمک ایچون الدیغنی سویلکمشیکن
صکره دن موکل ایچون الدم دیدیکی صورتده اگر آت
تلف یاخود بر عیب حادث اولدن دیمش ایسه تصدیق
اولنور . و اگر آت تلف یاخود بر عیب حادث اولدقن
صکره دیمش ایسه تصدیق اولنماز

۱۴۸۷ ماده

رشنی الموق اوزره برکیمسه بی ایکی کشی بشته بشته
توکیل ایتدیکی صورتده وکیل اول مالی الورکن قنغیسی
ایچون قصدومراد ایتمش ایسه اول مال امک اولور

۱۴۸۸ ماده

وکیل بالشرا کندی مالی موکل ایچون صاتسه صحیح اولماز

۱۴۸۹ ماده

وکیلی الدیغی مالی هنوز موکله تسلیم ایتدن عیبینه
مطلع اولسه انی کندولکنندن اولهرق رد ایده یلور
اما موکله تسلیم ایتدکندن صکره انک امر وتوکیلی
اولقسزین رد ایده مز

۱۴۹۰ ماده

وکیل اکر مالی مؤجل اولهرق اشترا ایلسه موکل حتمده
دخی مؤجل اولوب وکیل انک ثمنی پشین اولهرق طلب
ایده مز

اما وکیل پشین پاره ایله اشترا ایتدکننصکره بایع ثمنی
تاجیل ایتسه وکیل ثمنی موکلدن بوجه پشین طلب
ایده یلور

۱۴۹۱ ماده

وکیل بالشرا ثمنی کندی مالندن و یرو بده مبیعی قبض
ایتسه موکله رجوع ایده یلور یعنی ویردیگی ثمنی اندن
اله یلور ۰ و مال مشترا انک ثمنی هنوز بایعه ویرمامش
اولسه بیله موکلندن ثمنی طلب و موکل انی ادا ایدنجیه دک
مالی حبس و توقیف ایده یلور

۱۴۹۲ ماده

وکیل بالشرا یئنده مال مشترا قضاوا تلف یا ضایع
اولسه موکلک مالندن تلف اولور و ثمندن برشی ساقط
اولماز

فقط وکیل انی استیفای ثمن ایچون حبس ایدوبده
اول حالده تلف یا ضایع اولسه ثمننی و کیلک ویرمی
لازمکلور

۱۴۹۳ ماده

وکیل بالشرا موکلک اذنی اولدنیجه عقد بیعی اقاله
ایده من

(فصل ثالث)

(بیعه وکالت حقننده در)

۱۴۹۴ ماده

علی الاطلاق بیعه وکیل اولان کیسه موکلنک مالنی
ازه چوغه یعنی مناسب کوردیکی بها ایله صانه بیلور

۱۴۹۵ ماده

موکل اکر تعیین ثمن ایتمش ایسه یعنی شو قدر غروشه
صات دیمش ایسه وکیل اندن نقصانه صانه ماز
• صاتار ایسه بیعی موکلنک اجازتنه موقو فامعقد اولور

و خود بخود نقصانته صاتوبده مالی مشتری به تسلیم
ایتدکده موکل ا کا اول مالی تضمین ایتدیره بیلور
ماده ۱۴۹۶

وکیل بالبيع موکک مالی کندوسی ایچون ايسه صحیح
اولماز
ماده ۱۴۹۷

وکیل بالبيع کندو لهنده شهادتلی جائز اولیا نلره موکک
مانی صاته من مکرکه دکرندن زیاده صاتار ايسه
بیعی صحیح اولور

ورده موکل اگر دیلدیکک کیمسه یه صات دیو وکالت
عابه ایله توکیل ایتش ايسه اول حالده وکیلک انلره دخی
ثمن مثلله صاتمسی جائز اولور
ماده ۱۴۹۸

علی الاطلاق بیعه وکیل اولان کیمسه موکک مالی
پشین اقچه ایله یاخود اول مال حقننده بین النجار معروف
اولان مدت ایله ویره سی یه صاته بیلور . اما عرف
وعادته مخالف برمدت طویلله ایله صاته من
ورده صراحة یاخود دلالة بروجده پشین صاتمغه وکیل
اولسه ویره سی یه صاته من

مثلا موکل بو مالی بروجده پشین صات یاخود شو مالی

صاته بورجی ویردسه و کیل انی ویرهسی به صاته من
 ماده ۱۴۹۹

بر مالک تبعیضنده ضرر وار ایسه و کیل انک نصفنی
 صاته من یوق ایسه صاته ییلور
 ماده ۱۵۰۰

وکیل ویرهسی به صاتدیغنی مالک ثمنی مقابانده رهن
 یا کفیل الهیلور . فقط رهن تلف یا کفیل مفلس اولسه
 وکیل ضامن اولماز
 ماده ۱۵۰۱

موکل رهن ایله یا کفیل ایله صات دیدکده وکیل
 بلا رهن و بلا کفیل صاته من
 ماده ۱۵۰۲

وکیل بالبع صاتدیغنی مالک ثمنی مشتریدن المدیغنی
 حالده کندی مالندن موکله ادا ایتک اوزره جبه
 اولماز
 ماده ۱۵۰۳

ثمن مبعی قبض ایتک و کیلک حق اولسه دخی موکل
 قبض ایدویورسه صحیح اولور
 ماده ۱۵۰۴

وکیل اگر اجرتسز ایسه صاتدیغنی مالک ثمنی

استیفا و تحصیل مجبور دکلر فقط کند و رضاسیله تحصیل
ایتمیکی تقدیرده موکلنی قبض و تحصیل ثمنه توکیل ایتمسی
لازم کلور

اما دلال و سمسار کبی اجرت ایله بیعه وکیل اولان کیمسه
مبیعهک ثمننی استیفا و تحصیل مجبوردر
۱۵۵ ماده

وکیل بالبع خود بخود بیعی اقاله ایده بیلور
فقط بو اقاله موکل حقننده نافذ اولیوب وکیلک موکله
ثمننی ویرمسی لازم کلور

(فصل رابع)

(مأموره دائر اولان مسائلی بیاننده در)

۱۵۶ ماده

بر کیمسه یر شخصه یاخود میری به اولان دیننی ادا ایتمک
اوزره دیگر کیمسه به امر ایذوبده اودخی کندنی مالندن
ایفا ایتمسه صکره آمره رجوع ایدر آمر کرک رجوعی
شرط ایلسون و کرک شرط ایتمسون

یعنی کرک صکره بندن المق اوزره بورجی ویر یاخود
سن ویرده صکره بن سکا ویره یم دیمک کبی بر تعبیر ایله
مأمورک کندوسنه رجوع ایتمسنی شرط ایلسون و کرک
یالکز بورجی ویردیمش اولسون

ماده ۱۵۰۷

کندی مالندن مسکوکات مغشوشه ایله ایله ایفای دینه
 مأمور اولان کیسه دائئه مسکوکات خالصه ویرسه آمر دن
 مسکوکات مغشوشه الور . و مسکوکات خالصه ایله
 ایفای دینه مأمور اولان کیسه مسکوکات مغشوشه
 ایله اداء دین ایتسه آمر دن مسکوکات مغشوشه الور
 اما بر دینک اداسنه مأمور اولان کیسه دائئه کندی
 مالنی صا تو بده آمرک دینه تقاص ایتسه دینک مقداری
 نه ایسه آمر دن انی آلور . و کندی مالنی دائئه دکرندن
 زیاده صاتمش اولسه بیله امر مدیون اول زیاده بی
 دینندن تنزیل ایتدیره من

ماده ۱۵۰۸

بر کیسه کندوسی یا خود اهل و عیالی ایچون مصرف
 ایتک اوزره آخر کسنه یه امر ایتد کدنصکره مصرفنی
 بن ویره م رجوعی شرط ایتسه بیله اول کسنه قدر
 معروف مصرفنی آمر دن الور

کذلک خانه می یادر دیو امر ایدوبده مأمور دخی
 یادر دیغنی صورته رجوعی شرط ایتامش اولسه بیله
 صرف ایتدیکی قدر معروف مبلغی آمر دن الور

۱۵۰۹ ماده

بر کیمسه فلانه اودونج اچقه یاخود بخشش و یاخود صدقه
ویر صکره بن سکا ویرهیم دیو آخر کسنه یه امر ایدوبده
اودخی ویره صکره آمره رجوع ایدر

اما صکره بن سکا ویرهیم یاخود صکره بندن آل دیمک
کبی رس-وز ایله رجوعی شرط ایتمکسزین یالکز ویر
دیدیکی صورتده مأمور اکا رجوع ایده من . شو قدر
وارکه مأمور اکر آمرک عیالنده بولمق یاخود شریکی
اولق کبی بروجهله بوشللو خصوصلرده آمره رجوعی
عرف و عادت ایسه رجوعی شرط ایتماش اولدیغی
صورتده دخی رجوع ایلر . (۳۶) ماده یه باق

۱۵۱۰ ماده

بر کسنه نك امری انجق کندی ملکی حقنده جاری اولور
مثلا بر کیمسه شو مالی دکره آت دیوبده مأمور دخی انی
بشقه سنک مالی اولدیغی بیلهرک آتسه صاحبی او مالی
اتانه تضمین ایتدیرر مجبر اولدجه آمره برشی لازم کلز

۱۵۱۱ ماده

بر کیمسه بنم شو قدر غروش دینی سن کندی مالندن
ادا ایت دیو آخر کسنه یه امر ایدوب اودخی وعد

ایتد کدنصکره ادادن امتناع ایسه مجرد وعد ایتش
اولسینه اول کسنه ادای دینه جبر اولتماز
ماده ۱۵۱۲

آمرک مأمورده الاجفی یاخود امانت ایچه سی اولو بده
اندن دیننی ادا ایتک اوزره امر ایسه مأمور ادای
دینه جبر اولنور

اما آمر فلان مالی صماتده دیننی ادا ایت دیدیکی
صورتده مأمور اکر وکیل متبرع ایسه بیله جبر اولتماز
واکر وکیل بالاجره ایسه اول مالی بیع ایله آمر دیننی
ادا ایتک اوزره جبر اولنور

ماده ۱۵۱۳

بر کیمسه فلان دائمه ویر دیو آخر کسنده بر مقدار ایچه
ویردیکی صورتده آمرک بشقه دانلری اندن حصه المغه
صلاحتیلری اولیوب مأمور اول ایچه بی انجیق آمرک
امر ایتدیکی دانسه ویرر

ماده ۱۵۱۴

بر کیمسه بورجینی تادیه ایتک اوزره بشقه سنه بر مقدار
ایچه ویروبده مأمور هنوز اول مبلغی دانسه اعطا
یا ارسال و ایصال ایتدن آمرک فوت اولدیغی معلوم

اولسه اول اچقه آمرک ترکه سنه رحمت ایدر • ودائک
ترکيه مراجعتی لازم کاور

۱۵۱۵ ماده

برکیمسه دائنده ویرمک اوزره آخر کسنه یه بر مقدار اچقه
ویروب انجق دائنده کی سندیمه ظهريه ایتدیجه ویانخود
علم و خبر المدقه اچقه بی تسنیم ایتمه دیونهی ایتمشیکن
مأمور ظهريه ایتدیر مکسنین علم و خبر المقسنین اچقه بی
دائنه ویروب بعدد دائن انی انکار ایتسه و قبضی اثبات
اولنه میوبده تکرار اول پاره بی آمردن السه آمرانی
مأموره تضمین ایتدیرر

(فصل خامس)

(خصوصته یعنی مرافعه یه وکالت حقننده در)

۱۵۱۶ ماده

مدعی ومدعا علیه دن هر بری دیلاریکنی خصوصته توکیل
ایده ییلور دیکرینک رضاسی شرط دکلد

۱۵۱۷ ماده

خصوصته وکیل اولان کیمسه نک موکلی علیه نه اقراری
اگر حضور حاکمه ایسه معتبر اولور • حضور حاکمه
دکل ایسه معتبر اولماز • وکندوسی وکالتدن منعزل اولور

۱۵۱۸ ماده

بر کیمسه آخری خصومه تو کیل اید و بده کنندی علیه
اقراری استنا ایلسه جائز اولور

بوصورته موکک علیه و کیل اقراری صحیح اولماز
(۱۴۵۶) ماده نك فقره اخیره سنه باق

و بوبله اقراره مأذون دکل ایکن حضور حاکمه اقرار
ایتدیکی صورتده و کالتدن منعزل اولور

۱۵۱۹ ماده

خصومه و کالت قبضه و کالتی مستلزم اولماز
بناء علیه دعوی و کیلی قبضه دخی و کیل دکل ایسه
محکوم به اولان مالک بالو کاله قبضه صلاحیتی اولماز

۱۵۲۰ ماده

قبضه و کالت خصومه و کالتی مستلزم اولماز

(فصل سادس)

(عزل و کیله دائر اولان مسائل بیاننده در)

۱۵۲۱ ماده

موکل و کیلانی و کالتدن عزل ایده یلور

فقط غیرک حقی تعلق ایش ایسه عزل ایده مز

نته کیم بر مدیون مالی رهن اید و بده حین عقد رهنده

یا خود صکره دن دینک و عاده سی حلولنده رهنی صائمق
 اوزره برینی توکیل ایتدیگی صورتده مرتهنک رضاسی
 اولدقجه موکل راهن او وکیلی عزل ایده من
 كذلك مدعینک طلبی اوزرینه مدعی علیه برینی خصومتہ
 توکیل ایتدکده مدعینک غیابنده انی عزل ایده من
 ۱۵۲۲ ماده

وکیل کندینی وکالتدن عزل ایده بیلور
 فقط بر وجه بالا غیرک حقی تعلق ایتش ایسه عزل
 ایده میوب ایفی وکالتده مجبور اولور
 ۱۵۲۳ ماده

موکل وکیلینی عزل ایتدکده وکیلله خبر عزلی واصل
 اولنجیه دک وکالتی اوزرینه قالور • واولوقته قدر
 تصرفی صحیح اولور
 ۱۵۲۴ ماده

وکیل کندوسنی عزل ایتدکده عزلی موکله بیلدیرمسی
 لازم کالور و عزلی موکلت معلومی اولنجیه دک وکالت
 کندی عهده سنده قالور
 ۱۵۲۵ ماده

مدیونک غیابنده قبض دینه وکیل اولان کیمسه بی موکلی
 عزل ایده بیلور اما دائن انی مدیونک حضورنده توکیل

ایتمش ایسه مدیونک علمی لاحق اولدقجه عزلی صحیح اولماز
 بو صورتده مدیون انک عزلی او کر نمکدن ا کا دینی اعطا
 ایتمسه دیندن بری اولور

۱۵۲۶ ماده

موکل بهک ختامیله وکالت نهایت بولور وکیل دخی
 بالطبع وکالتدن منعزل اولور

۱۵۲۷ ماده

موکلک وفاتیه وکیل منعزل اولور

فقط غیرک حقی تمایق ایتمش ایسه منعزل اولماز

(۷۶۰) مادهیه باق

۱۵۲۸ ماده

موکلک وفاتیه وکیلک وکیلی دخی منعزل اولور

(۱۴۶۶) مادهیه باق

۱۵۲۹ ماده

وکالت موروث اولماز

یعنی وکیل فوت اولدقده وکالتک حکمی قلماز . و بو

جهته وکیلک وارثی انک مقامنه قائم اولماز

۱۵۳۰ ماده

موکلک یا خود وکیلک تجنن ایتمیله وکالت باطل اولور

اراده سنیه تاریخی فی ۲۰ جمادی الاولی سنه ۱۲۹۱

امین الفتوی
معاون ریاست شورای دولت

السید خلیل

اجد جودت

رئیس دائرة محاکمات
قاضی دارالخلافه العلیه

سیف الدین

اجد خلوصی

عن اعضای دیوان احکام عدلیه

اجد حملی

— ❦ كتاب الصلح والابرا ❦ —

✽ صورت خط ۵ مایون ✽

(موجبجه عمل اولنه)

(کتاب ثانی عشر)

(صلح را برا حقننده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی)

(مشتملدر)

(مقدمه)

(بعض اصطلاحات فقهمیه بیانده در)

۱۵۳۱ ماده

صلح . بالتراضی نزاعی رفع ایدن بر عقد در که ایجاب

و قبول ایله منعقد اولور

۱۵۳۲ ماده

مصالح . عقد صلح ایدن کسنه در

۱۵۳۳ ماده

مصالح علیه . بدل صلح دیمکدر

۱۵۳۴ ماده

مصالح عنه . مدعی به اولان شیدر

۱۵۳۵ ماده

صلح . اوج قسم در . قسم اول عن اقرار صلحدر که

مدعی علیه اقراری اوزرینه واقع اولان صلحدر .

قسم ثانی عن انکار صلحدر که مدعی علیه انکاری
 اوزرینه واقع اولان صلحدر . قسم ثالث عن سکوت
 صلحدر که مدعی علیه اقرار و انکار ایتیوب سکوتی
 اوزرینه واقع اولان صلحدر

ماده ۱۵۳۶

ابرا . ایکی قسم اولوب بری ابراء استسقاط و دیگری
 ابراء استیفا در . ابراء استسقاط . برکیمسه دیگر کسنه ده
 اولان حقیقت تمامی استسقاط یا خود بر مقدارینی حط و تنزیل
 ایله اول کسنه بی بری قیلمتدر . اشته بو کتاب صلحده
 موضوع بحث اولان ابرا بو در

ابراء استیفا برکیمسه دیگر کسنه دن حقیقی قبض و استیفا
 ایلمش اولدیغنی اعتراف ایتمکدن عبارت اولهرق بر نوع
 اقرار در

ماده ۱۵۳۷

ابراء خاص . بر خانه یا خود بر چفتلک و یا خود بر جهتن
 مولایی اله جق دعوائی کی بر خصوصه متعلق دعوا دن
 برکسنه بی ابرا ایتمکدر

ماده ۱۵۳۸

ابراء عام . کافه دعاویدن برکسنه بی ابرا ایتمکدر

(باب اول عقد صلح و ابرا ایدنلر حقتده در)

ماده ۱۵۳۹

مصالحك عاقل اولسی شرطدر . بالغ اولسی شرط
دكلدر .

بناء علیه مجنون و متوه ایله صبی غیر ممیزك صلحی اصلا
صحیح اولماز . وصبی مأذونك صلحنده ضرر بین یوق
ایسه صحیح اولور . شویله برکیمسه صبی مأذوندن
برشی دعوی ایدوبده او دخی اقرار ایتدیگی صورتده
عن اقرار صلحی صحیح اولور

وصبی مأذون اله جفنی امهال و تأجیل اتمك اوزره
عقد صلح ایدوبیلور . و اله جفنگ بر مقدار ی اوزرینه
صلح اولدوقده ا کرینه سی وار ایسه صلحی صحیح اولماز .
وا کرینه سی اولیوبده خصمنك یمین ایدوبدی دخی
معلوم اولور ایسه صلحی صحیح اولور . و آخر کسنه دن
بر مال دعوی ایدوبده مقدار قیمتی اوزرینه صلح اولسه
صحیح اولور . فقط اولمالك قیمتدن نقصان فاحش
اوزرینه صلح اولسه صحیح اولماز

ماده ۱۵۴۰

بر صبینك دعوا سندن ولیسی صلح اولدوقده ا کر صبی به

ضرر بین یوق ایسه صحیح اولور . واکر ضرر بین
وار ایسه صحیح اولماز

بناء علیه بر کیمسه بر صیدن شو قدر غروش دعوی ایدوبده
صیینک پاره سندن ویرمک اوزره پدری صلح اولدوقده
اکر مدعینک بینه سی وار ایسه صلح صحیح اولور واکر
مدعینک بینه سی یوق ایسه صلح صحیح اولماز .
وصیینک آخر کسنه ذمتده اله جنجی اولوبده پدری انک
بر مقصدارینی حط و تنزیل ایله صلح اولدوقده اکر بینه سی
وار ایسه صحیح اولماز واکر بینه سی اولوبده خصمنک
یمین ایده جکی دخی معلوم اولور ایسه اول حالده صلح
صحیح اولور و صیینک اله جنجی قیمتنده بر مال اوزرینه
و ایسی صلح اولسه صحیح اولور . فقط غبن فاحش بولنور
ایسه صلحی اولماز

۱۵۴۱ ماده

علی الاطلاق صبی ایله مجنون و معتوهک ابراسی صحیح
اولماز

۱۵۴۲ ماده

خصوصته وکالت صلحه وکالتی مستلزم اولماز
بناء علیه بر کیمسه آخر کسنه بی دعوا سنده وکیل ایدوبده
اودخی بلا اذن اول دعوادن صلح اولسه صحیح اولماز

۱۵۴۳ ماده

بر کیسه کندی دعوا سندن صلح اولق اوزره دیکرینی
توکیل ایدوبده اودخی بالوکاله صلح اولدقده مصالح
علیه موکل اوزرینه لازم کلور وکیل انکله مؤاخذه
و مطالب اولماز

مکرکه وکیل مصالح علیه ضامن اوله اول حالده وکیل
کفالتی حسیه مؤاخذه اولنور

وبرده وکیل عن اقرار برمالدن مال اوزرینه صلح اولوبده
صلحی نفسنه مضاف قیلار ایسه اولوقت وکیل
مؤاخذه اولنور • یعنی بدل صلح اندن النور اودخی
موکله رجوع ایلر

مثلا وکیل بالوکاله شو قدر غروش اوزرینه صلح
اولدقده اول مبلغی موکلک ویرمی لازم کلور وکیل اندن
مسؤل اولماز

فقط سن شو قدر غروش اوزرینه صلح اول بن کفیل دیمش
ایسه اول حالده بو اچه وکیلدن النور اودخی موکلنه
رجوع ایلر • وبرده عن اقرار مالندن مال اوزرینه صلح
واقع اولوبده وکیل سن فلانک دعوا سندن بنله صلح
اول دهرک عقد صلح ایش ایسه بیع حکمنده اولدیغی

جهتله بوصولته دخی بدل صلح و کیلدن النور او دخی
 موکنه رجوع ایدر
 ماده ۱۵۴۴

ایکی کشی بیننده اولان دعواندن آخر بر کسنه فضولی
 اوله رق یعنی بلا امر صلح اولدقده ~~اگر~~ بدل صلحه
 ضامن اولور ایسه یاخود بنم فلان مالم اوزرینه دیو بدل
 صلحی کندی مالنه مضاف قیلار ایسه ویخود شو مبلغ
 یاخود شو ساعت اوزرینه دیو میدانده اولان نقوده
 یا عروضا اشارت ایدر ایسه یاخود ضامن اولیوب
 و کندی مالنه اضافه یا اشارت دخی ایتیموده علی الاطلاق
 شو قدر غروش اوزرینه صلح اولدم دیر و اول مقدار
 مبلغی تسلیم ایدر ایسه اشبو درت صورتده دخی صلح
 صحیح و اول کسنه متبرع اولور

واگر دردنجی صورتده بدل صلحی تسلیم ایتز ایسه
 مدعی علیهک اجازته موقوف اولوب اگر مجیز اولور
 ایسه صلح صحیح و بدل صلح مدعی علیه اوزرینه لازم
 اولور. و ~~اگر~~ مجیز اولماز ایسه صلح باطل اولور
 و دعوی حالی اوزره قالور

(باب ثانی)

(مصالح علیه ایله مصالح عنهنك بعض احوال)

(وشروطی بیاننده در)

۱۵۴۵ ماده

مصالح علیه اکر عین ایسه مبیع حکمنده و اکر دین
ایسه ثمن حکمنده اولور بناء علیه ببعده مبیع یا خود
ثمن اولغه صالح اولان شیء صلحده بدل صلح اولغه دخی
صالح اولور

۱۵۴۶ ماده

مصالح علیه مصالحك مال و ملکی اولق شرطدر
بناء علیه مصالح شقه کسنه نك مالی بدل صلح اوله رق
ویرسه صلحی صحیح اولماز

۱۵۴۷ ماده

کرك مصالح علیه و کرك مصالح عنه قبض و تسلیمه محتاج
ایسه معلوم اولسی لازم . و اکر قبض و تسلیمه محتاج
دیکل ایسه معلوم اولسی شرط دکلد
مثلا بر کیمسه دیکر کسنه نك یدنده بولنان بر خانه دن و اول
کسنه دخی انك یدنده بولنان باغچه دن بر حق دعوی
ایدوبده ایکیمی دخی تعیین مدعا ایتیمکسزین دعوا لرندن

واز چمك اوزره صلح اولسدر صحیح اولور . كذلك
برکیمسه دیکرک یدنده کی خانه ده برحق دعوی ایدوبده
تعین مدعا ایتکسزین مدعی علیه اکا بر بدل معلوم ویرمک
واو دخی ترک دعوی ایتک اوزره صلح اولسدر صحیح
اولور . اما مدعی مدعی علیه بدل ویرمک واو دخی
اکا حقنی تسلیم ایتک اوزره صلح اولسدر صحیح اولماز

(باب ثالث)

(مصالح عنه حقنده اولوب ایکی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(صلح عن الاعیان حقنده در)

ماده ۱۶۴۸

برمال معین دعواسندن عن اقرار صلح اکر مال اوزرینه
واقع اولور ایسه بیع حکمنده در
بونده خیاب عیب و خیاب رؤیت و خیاب شرط جاری
اولدیغی کبی کرک مصالح عنه و کرک مصالح علیه عقار
اولدیغی تقدیرده شفعه دعواسی دخی جاری اولور .
ومصالح عنهنک کلیدی یاخود بعضیسی بالاستحقاق ضبط
اولسسه مدعی علیه ویرمش اولدیغی بدل صلحک

اولمقدار بینی یعنی کایسنی یاخود بعضیسنی کیر و آلور .
 واکر بدل صلح کایسی یاخود بعضیسی بالاستحقاق
 ضبط اولسه مدعی مدعی علیه مدعی صلح عنهک اول
 مقدارینی یعنی کایسنی یاخود بعضیسنی ایست

مثلا بر کیمسه دیکرندن بر خانه دعوی ایدوب او دخی
 اول خانه انک اولدیغنی اقرار ایله برار شو قدر غروش
 بدل ویرمک اوزره صلح اولسه مدعی اول خانه بی
 مدعی علیه صائمش کبی اولور . و بونده بر وجه بالا
 بیعک احکامی جاری اولور

ماده ۱۵۴۹

مال دعوا سندن عن اقرار صلح اکر منفعت اوزرینه
 واقع اولور ایسه اجاره حکمنده در . بونده دخی
 اجاره احکامی جاری اولور

مثلا بر کیمسه بر باغچه دعوا سندن شو قدر مدت مدعی
 علیه خانه سنده اوتور مق اوزره صلح اولسه باغچه
 مقابلنده اول خانه بی او قدر مدت ایله استیجار ایتیش
 اولور

ماده ۱۵۵۰

عن انکار یاخود عن سکوت صلح اولق مدعی حقنده

معاوضه و مدعی علیه حقیقه میزند خلاص ایله قطع
منازعه در

بناء علی ذلك مصالح علیه اولان عقارده شفعه جریان
ایدر اما مصالح عنده اولان عقارده شفعه جریان ایتمز
و مصالح عنده کایسی یاخود بعضیسی بالاستحقاق ضبط
اولنسه مدعی بدل صلح اول مقدارینی یعنی کایسی
یاخود بعضیسی مدعی علیه رد ایدر و مستحق ایله
خصوصته باشلار و بدل صلح کایسی یاخود بعضیسی
بالاستحقاق ضبط اولنسه مدعی اول مقدارده دعواسنه
رجوع ایلر

ماده ۱۵۵۱

بر کیمسه بر مال معین مثلا بر باغچه دعوی ایدوبده بر
مقداری اوزرینه صلح اوله رق باقیسنک دعواسندن مدعی
علیهی ابرا ایتسه حقیق بر مقدارینی المش و باقیسنک
دعواسندن و از کچمش یعنی باقیسنک کی دعوی حقیقی
اسقاط ایش اولور

(فصل ثانی)

(دیندن یعنی اله جقندن و حقوق سائره دن صلح اولوق)

(بیاننده در)

ماده ۱۵۵۲

بر کیسه آخر کسندہ ذمتندہ کی اله جقنک بر مقداری اوزرینه
 صلح اولسه اله جقنک بعضیسی استیفا ایله باقیسی اسقاط
 یعنی باقیسندن اول کسندہ یی ابرایش اولور

ماده ۱۵۵۳

بر کیسه مجمل اولان هر درلو اله جقنی تأجیل واهمال
 ایتمک اوزره صلح اولسه کندوسنک حق تعجیلنی اسقاط
 ایش اولور

ماده ۱۵۵۴

بر کیسه مسکوکات خالصه اولان اله جقنی مسکوکات
 مغشوشه اوله رق الموق اوز، صلح اولسه اله جقنک سکه
 خالصه اولوق حقنی اسقاط ایش اولور

ماده ۱۵۵۵

حق شرب و شفعه و حق مرور کبی حقوق دعوالرنده
 یمنندن قور تلمق ایچون بدل و پرونده صلح اولوق دخی

صحیحدر

(باب رابع)

(احکام صلح و ابرا بیانده اولوب ایکی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(احکام صلحه دائر اولان مسائل بیانده در)

۱۵۵۶ ماده

صلح تمام اولدوقده یالکز طرفیندن بری اندن دونه من .
ومدعی صلحه بدل صلحه مالک اولور . وارتق دعواده
حقی قالماز . ومدعی علیه دخی بدل صلحی اندن استرداد
ایده من

۱۵۵۷ ماده

طرفیندن بری فوت اولسه وارتقیری دخی انک صلحی
فسخ ایده من

۱۵۵۸ ماده

صلح اکر معاوضه حکمنده ایسه طرفین انی کیندو
رضایله فسخ واقاله ایده یلورلر . واکر معاوضه
معتاسنه اولیوبده بعض حقوق اسقاطی متضمن ایسه
اصلا نقض وفسخی صحیح اولماز . (۵۱) ماده یه باق

۱۵۵۹ ماده

عیندن خلاص ایچون بدل ویرمک اوزره عقد صلح

اولدنده مدعی حق خصوصتی اسقاط ایلش اولور .
 وارتق مدعی علیه تحلیف اولندماز
 ماده ۱۵۶۰

بدل صلح هنوز مدعی به تسلیم اولندن کلیسی یاخود
 بعضیسی تلف اولدیغی صورته اسکر تعیین ایله متعین
 اولان شیردن ایسه بالاستحقاق ضبط اولنش حکمنده
 اولور

یعنی عن اقرار واقع اولان صلحده مدعی مصالح عنهک
 کیسی یاخود بعضیسی مدعی علیهدن ایسترو عن انکار
 یاخود عن سکوت واقع اولان صلحده مدعی
 دعواسنده رجوع ایلر . (۱۵۴۸) و (۱۵۵۰)
 ماده لره باق . و اسکر بدل صلح دین ایسه یعنی
 شوقدرغروش کبی تعیین ایله متعین اولمیان شیردن ایسه
 صلحه خمال کلیوب تلف اولان مقدارک مثلی مدعی علیه
 طرفندن مدعی به ویرلک لازم کلور

(فصل ثانی)

(احکام ابرایه دائر اولان مسائل بیاننده در)

ماده ۱۵۶۱

برکیسه فلان ایله دعوی و نزاعم یوقدر و فلانده حقم

یوقدر وفلاں ایله اولان دعوا مدن فارغ اولدم یا خود
وازلچکدم و فلانده حقم قالمدی و فلان دن تماما حقیقی الدم
دیشه انی ابرا ایتمش اولور

۱۵۶۲ ماده

برکیمسه دیکرینی برحقندن ابرا ایتدکده اول حقیقی ساقط
اولور . ارتق انی دعوی ایده مز (۵۱) ماده یه باق

۱۵۶۳ ماده

ابرا نك مابعدینه شمولى اولماز

یعنی برکیمسه دیکر کسندن یی ابرا ایتدکده ابرادن مقدم
اولان حقوقی ساقط اولور . یوخسه ابرادن صکره
حادث اولان حقیقی دعوی ایده بیلور

۱۵۶۴ ماده

برکیمسه دیکرینی برخصوصه متعلق دعوا دن ابرا ایتسه
ابراء خاص اولوب بیده اول خصوصه متعلق دعوا سی
مسموع اولماز اما بشقه خصوصه متعلق حقیقی دعوی
ایده بیلور

مثلا برکیمسه برحانه دعوا سندن خصمنی ابرا ایاسه ارتق
اول خانه یه متعلق دعوا سی مسموع اولماز . اما چفتلاک
وسائر نسنه یه متعلق دعوا سی استماع اولنور

۱۵۶۵ ماده

بر کیمسه فلانی کافه دعاویدن بری قیلدم یاخود انده
اصلا حقم بو قدر دیسه ابراء عام اولوب ارتق ابرادن
مقدم اولان هیچ بر حق دعوی ایده مز . حتی کفالتدن
طولایی بر حق دعوی ایته سه سموع اولماز

شویله که اول ابرادن مقدم سن فلان کسنده یه کفیل
اولمشیدک دیو دعوی ایته سه استماع اولندیغی کبی آخر
بر شخصدن سن بنم ابرا ایتش اولدیغیم کیمسه یه قبل ابرا
کفیل اولمشیدک دیو دعوی ایده مز . (۶۶۲) ماده یه
باق

۱۵۶۶ ماده

بر کیمسه مال صا توب و ثمنی قبض ایدوبده مبیعه متعلق
کافه دعاویدن مشتری بی ابرا ایتدیگی کبی مشتری دخی
انی ثمن مذکورہ متعلق کافه دعاویدن ابرا ایتش و بو
وجهله نینلرنده سند تعاطی ایدلمش ایکن مبیع بالاستحقاق
ضبط اولنسه ابرانک تأثیری اولیوب مشتری و یرمش
اولدیغی ثمنی بایعدن استرداد ایلر . (۵۲) ماده یه باق

۱۵۶۷ ماده

ابرا اولنان کسنلر معین و معلوم اولق لازمدر
بناء علیه بر کیمسه جمله مدیونلریمی ابرا ایتدم یاخود هیچ

کیمسه ده حقم بوق دیسه ابراسی صحیح اولماز . اما
 فلان محله اهالیسی ابرا ایتدم دیوب اول محله اهالیسی
 دخی معین و معدود کساندن تبارت ایسه لر ابرا صحیح
 اولور

۱۵۶۸ ماده

ابرا قبوله توقف ایتمز . فقط رد ایله مردود اولور
 شویله که برکسنه دیگر کسنه بی ابرا ایتدکه اول کسنه نك
 قبولی شرط دکادر . فقط او مجلسده ابرایی قبول ایتمز
 دیورد ایلسه اول ابرا مردود اولور . یعنی حکمی
 قالماز

لکن ابرایی قبول ایتدکن صکره رد ایسه ابرا مردود
 اولماز

ورده محاله محال علیه یا خود اله جقلو کفیلی ابرا
 ایدوبده محال علیه یا خود کفیل انی رد ایسه ابرا مردود
 اولماز

۱۵۶۹ ماده

وفات ایدن کسنه بی دیندن ابرا ایتمز صحیح اولور

۱۵۷۰ ماده

بر کیمسه مرض موته ورته سنندن برینی دینندن ابرا ایسه

صحیح و نافذ اولماز اما وارثی اولمیان کسمنه بی دینندن
ابرا ایتسه ثلث مالندن معتبر اولور

۲۵۷۱ ماده

ترکسی مستغرق دیون اولان کسمنه مرض موتنده کندی
مدیونلرندن برینی دینندن ابرا ایتسه صحیح و نافذ اولماز

اراده سنیه تاریخی فی ۶ شوال سنه ۱۲۹۱

شیف الدین المسید خلیل احمد جودت

احمد حلمی احمد خلوصی

— ❖ — كتاب الاقرار — ❖ —

✽ صورت خط همایون ✽

(موج‌بجه عمل اولنه)

(کتاب ثالث عشر)

(اقرار حقنده اولوب درت بابی مشتملدر)

(باب اول)

(اقرارك شرائطی بیاننده در)

۱۵۷۲ ماده

اقرار . بر کیمسه دیگر کسنه نك کند و سنده اولان حقنی
خبر و بر مکدر اول کیمسه به مقر و اول کسنه به مقرله و اول
حقه مقر به دینلور

۱۵۷۳ ماده

مقرک عاقل بالغ اولسی شرطدر
بناء علیه صغیر و صغیره و مجنون و مجنوننه و معتوه و معتوه نك
اقراری صحیح دکدر . و بونلرک علیه نه ولی و وصیلرینک
اقراری دخی صحیح اولاز . فقط صغیر ممیز مأذون کند و سنک
مأذونیتی صحیح اولان خصوص صلرده بالغ حکمنده در

۱۵۷۴ ماده

مقرلهک عاقل اولسی شرط دکدر

بناء عليه بر كيمسه بر صغير غير مميز ايچون مال اقرار ايلسه
 صحيح اولور واول مالي ويرمسي لازم كلور
 ماده ۱۵۷۵

اقرارده مقرر رضاسي شرطدر
 بناء عليه جبروا كراه ايله واقع اولان اقرار صحيح اولماز
 (۱۰۰۶) ماده يه باق
 ماده ۱۵۷۶

مقرر محجور اولماسي شرطدر
 كتاب جرك ايكنجى و اوچنجى و در دنجى فصللرينه باق
 ماده ۱۵۷۷

ظاهر حالك اقراري تكذيب ايتماسي شرطدر . بناء
 عليه جته سنك بلوغه تحملى اولميان بر صغير اكر بالغ
 اولدم ديو اقرار ايلسه صحيح و معتبر اولماز
 ماده ۱۵۷۸

مقر لهك جهالت فاحشه ايله مجهول اولماسي شرطدر .
 اما جهالت يسيره اقرارك صحته مانع اولماز
 مثلا بر كيمسه ينده كي مال معينه اشارت ايله بومال بر
 آدمكدر ديو اقرار ايلسه يا خود بومال فلان بلنده
 اهالي سندن برينكدر ديو اقرار ايدوبده اول بلده اهالي سي
 معدود اولسه اول كيمسه نك اقراري صحيح اولماز اما

بو مال شو ایکی کشیدن برینکدر دیسه یاخود فلان محله
 اهالیسنندن برینکدر دیوبده اول محله اهالیسی قوم محصور
 اولسه اقراری صحیح اولور . و بروجه بالا کیسه بو مال
 شو ایکی کشیدن برینکدر دیدیکی صورتده اکر اول ایکی
 کشی اتفاق ایدرلر ایسه اول مالی مقردن اله بیلورلر و
 بعد الاخذ اول ماله بالاشترک مالک اولورلر . و اکر
 اختلاف ایدرلر ایسه هربری اول مال کندوسنک اولدیغنه
 مقرک یمین ایتسنی طلب ایده بیلورلر و مقرک ایکیسنک یمینندن
 دخی نکول ایدرسه اول مال کذلک اول ایکی کشی
 ییننده مشترک اولور . و اکر یالکز برینک یمینندن نکول
 ایدرسه اول مال مستقلا یمینندن نکول ایتدیکی کشینک
 اولور ایکیسنه دخی یمین ایدرسه مقر انلرک دعواسنندن
 بری اولوب مقربه اولان مال کندوی یینده قالور

(باب ثانی)

(اقرارک وجود صحقی بیاننده در)

۱۵۷۹ ماده

معلومی اقرار صحیح اولدیغی کی معلومی اقرار دخی
 فقط بیع و اجاره کی مع الجهاله صحیح

اولیان عقودده مقر بهک مجهول اولسی اقرارک صحتنه
مانعدر

نته کیم بر کیمسه بنده فلان کسنه نک امانتی واردر یاخود
بن فلان آدمک مالنی غصب یا سرقت ایلدم دیسه اقراری
صحیح اولوب اول امانت مجهوله یی یاخود مال معصوب
یا مسروقی بیان و تعیین ایتک اوزره کندوسنه جبر
اولنور اما بن فلان کسنه یه برشی صاتم یاخود اندن
برشی استیجار ایتدم دیسه صحیح اولماز و اول صاتیغک
و یا استیجار ایتدیگک ندر دیو بیان ایتک اوزره جبر
اولماز

۱۵۸۰ ماده

اقرار متر لهک قبولنه توافق ایتمز . ققط انک ردبله
مردود اولوب حکمی قالماز . و مقرله مقر بهک یا لکز
بر مقدارینی رد ایلسه انجق اول مقدارده اقرارک حکمی
قالمیوب رد ایتدیگی مقدارده اقراری صحیح اولور

۱۵۸۱ ماده

مقر ایله مقرله مقر بهک سسیندن اختلاف ایتسه لر بو
اختلافلی اقرارک صحتنه مانع اولماز
مثلا بر کیمسه جهت قرضدن طولایی بیک غروش دعوی
ایدوب مدعی علیه ایسه ثمن مبیع اوله رق بیک غروش

اقرار ایلسه بو وجهله اختلا فلی اقرارک صحته مانع
اولماز

ماده ۱۵۸۲

بر مالدن صلحه طالب اولمق اول مالی اقرار دیمک اولور
اما بر مالک دعواسندن صلحه طالب اولمق اول مالی
اقرار دیمک اولماز

شویله که بر کیمسه دیگر کسنه یه زشتکده بیک غروش
الاجق حقم اولغله و بر دیدکده اول کسنه مبلغ مز بوردن
یدی یوز غروشه صلح اولهلم دیو صلحه طالب اولسه
مطلوب اولان بیک غروشی اقرار ایتش اولور . اما
شویله غروش دعواسندن صلح اولهلم دیو مجرد دفع
منازعه ایچون صلحه طالب اولسه مبلغ مز بوری اقرار
ایتش اولماز

ماده ۱۵۸۳

بر کیمسه نک ینده کی مالی دیگر کسنه نک شرایه یا استیجاره
و یا استعاره یه طائب اولسی یا خود بو مالی بکا هبه ایت
و یا ودیعه اولهرق ویر دیمسی و یا خود اول کسنه اکا
بو مالی ودیعه اولهرق ال دیو بده انک دخی قبول ایتسی
اول مال کندوسنک اولدیغنی اقرار در

ماده ۱۵۸۴

شرطه تعلیق اولنان اقرار باطلدن . فقط عرف ناسده
 حلول اجله صالح اولان بر زمانه تعلیق اولنور ایسه
 دین مؤجلی اقراره حمل اولنور
 مثلا بر کیمسه دیگر کسنه یه بن فلان محله وار رسم یا خود
 فلان مصلحتی در عهده ایدرسم سکا شو قدر غروش دیندر
 دیسه اشبو اقراری باطل اولوب مبلغ مز بورک تأدیسه سی
 لازم کلز . اما فلان آیک ایتداسی یا خود روز قاسم
 کورسه سکا شو قدر غروش دیندر دیسه دین مؤجلی
 اقراره حمل اولنور و اولوقتک حلوننده مبلغ مز بورک
 تأدیسه سی لازم کلور (۴۰) ماده یه باق

ماده ۱۵۸۵

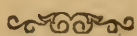
مشاعی اقرار صحیحدر

شو یله که بر کیمسه یننده اولان بر ملک عقارک نصف و
 ثلث کبی بر حصه شایعه سنی دیگر کسنه یه اقرار و او
 دخی تصدیق ایتدکدنصکره قبل الافراز والتسلیم مقروقات
 اینسه مقر بهک شیوعی اشبو اقرارک صحتنه مانع اولماز

ماده ۱۵۸۶

دلسزک اشارت معهوده سیله اقراری معتبردر . اما مناطق
 اولان کسنه نک اشارتیه اولان اقراری معتبر دکادر

مثلا بر کیمسه ناطق اولان کسه نه یه فلانک سنده شو قدر
غروش حقی وارمیدر دیدکده اول کسه نه باشنی اکسیله
اول حقی اقرار ایتمش اولماز



(باب ثالث)

(اقرارک احکامی بیانده اولوب اوچ فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(احکام عمومی بیانده در)

۱۵۸۷ ماده

یتمش طقه-وزنجی ماده موجبجه کشی اقرارایله الزام
اولنور انجق حاکم حکمیله تکذیب اولنورسه اقراری
حکمنز قالور

شویله که بر کیمسه نک صاتون الو بده یدنده بولنان بر شیئه آخر
کسه نه مستحق چیقهرق انی ادعا ایتسی اوزرینه
لدی الحاکمه اول کسه نه بوشی فلانک مالی ایدی بکا
صاتی دیمش اولدیغی حالده اول کسه نه دعواسنی
اثبات و حاکم دخی حکم ایتدکده مشتمری بایعه رجوع
ایله ثمن مبیعی اندن استرداد ایله واکرچه حین محاکمه ده
اول شی بایعک مالی ایدوکنی اقرارایله مستحقک دعواسنی
انکار ایله ایدسه ده حاکم حکمیله تکذیب اولنمش

ایدوکندن اقرارینک حکمی قالدیغنی جهته مانع رجوع
اوله ماز

۱۵۸۸ ماده

حقوق عبادده اقراردن رجوع صحیح اولماز
شو یله که برکیسه فلان کسنه یه شو قدر غروش دینم
وار در دیدکده صکره اقرارمدن رجوع ایتدم دیسنه
اعتبار اولنمیوب اقرار یله الزام اولنور
۱۵۸۹ ماده

برکیسه وقوعبولان اقرارنده کاذب اولدیغنی ادعا ایتسه
مقرله انک کاذب دکل ایدوکنه تحلیف اولنور
مثلا برکیسه فلاندن شو قدر غروش استقراض ایتدم
دیو برقطعه سند ویردکن صکره واقعا او قدر غروش
استقراض ایتدم دیو سند ویردم ایسه ده هنوز مبلغ
مزبوری اندن المدم دیسه انک بو اقرارنده کاذب
اولدیغنه مقرله تحلیف اولنور

۱۵۹۰ ماده

برکیسه دیگر کسنه یه ذمتمده شو قدر غروش الاجنک
واردر دیو اقرار ایتدکده اول کسنه دخی اول الهجق
بنم دکلدر فلان شخصکدر دیو اقرار و او شخص دخی
انی تصدیق ایلسه اول الهجق ایکنجی مقرله او اور

لکن حق قبضی اولکی مقرلهک اولور . یعنی ایکنجی
مقرله انی مدیوندن مطالبه ایسه اکا ادا ایتک اوزره
مدیوند جبر اولتماز . شو قدر که مدیون کندی رضاسیله
اول دینی ایکنجی مقرلهه اعطا ایدرسه ذمتی بری
اولوب اولکی مقرله انی تکرار مدیوندن مطالبه
ایده من

(فصل ثانی)

(نفی ملک و نام مستعار بیانده در)

۱۵۹۱ ماده

مقر اکر اقرارنده مقرهیی نفسنه مضاف قیلارسه
انی مقرلهه هبه ایتش اولوب تسلیم و قبض اولنمدرجه
تمام اولماز و اکر نفسنه مضاف قیلمازسه مقره قبل
الاقرار مقرلهک ملکی اولدیغنی اقرار ایله نفی ملک ایتش
اولور

مثلا برکیمسه یدمده اولان کافه اموال و اشیا فلان کسنه
نکدر بنم اصلا علاقهم یوقدر دیسه اول وقت یدنده
موجود اولان جمیع اموال و اشیا سن اول کسنه یه هبه
ایتش اولوب تسلیم و قبض لازم کلور و اکر اوزریمه
لابس اولدیغم اثوابدن ما عدا بکا نسبت اولن ان کافه
اموال و اشیا فلان کسنه نکدر بنم اصلا علاقهم یوقدر

دیسہ اولوقت لابس اولدیغی اثوابدن ماعدا کندوسنه
نسبت اولنان یعنی انکدر دینلان کافه اموال واشیایی
اول کسـنـه یه اقرار ایله نفی ملک ایتمش اولور فقط بو
اقرارندن صکره بعض اشیا به مالک اولسه اشبو اقراری
اول اشیا به شامل اولماز

کذاک شو دکام ایچنده اولان جمیع اموال واشیام فلان
کبیر اوغلمکدر بنم علاقهم یوقدر دیسه اولوقت دکان
مذکور ایچنده موجود اولان جمیع اموال واشیاسنی اول
بیوک اوغلنه هبه ایتمش اولوب تسلیم لازم کاور

واکر شو دکام ایچنده اولان جمیع اموال واشیام فلان
کبیر اوغلمکدر بنم علاقهم یوقدر دیسه اولوقت دکان
مذکور ایچنده موجود اولان جمیع اموال واشیایی اول
بیوک اوغلنه اقرار ایله نفی ملک ایتمش اولور فقط اندن
صکره اول دکانه بعض اشیا قویسه بو اقراری اول اشیا به
شامل اولماز

وکذاک برکیمسه فلان یرده کی دکام زوجهمکدر دیسه
هبه قبیلندن اولوب تسلیم لازم کاور واکر بکانسبت
اولنان فلان دکان زوجهمکدر دیسه قبل الاقرار اول
دکان زوجهمسـنک اولوب کندوسـنک ملکی اولدیغی
اقرار ایتمش اولور

۱۵۹۲ ماده

بر کیمسه باسند یدنده اولان بر ملک دکان حقنده بو دکان
 فلان کسنه نکدر بنم علاقه م یوقدر وسندنده محرر اسمم
 مستعاردر دیوب یاخود باسند آخردن صاتون الدیغی
 بر ملک دکان ایچون بودکانی فلان کسنه ایچون المشدم
 ثمن اولهرق ویردیگم ایچه دخی انک مالندندر وسندنده
 اسمم مستعار اولهرق قید اولنمشدر دیسه اول دکان نفس
 الامرده اول کسنه نك ملکلی اولدیغنی اقرار ایتمش اولور

۱۵۹۳ ماده

بر کیمسه باسند فلان کسنه ذمتنده اولان شوقدر غروش
 اله جق هر تقدر سندده بنم نامه محرر ایسه ده مبلغ مزبور
 فلان کسنه نکدر سندده اسمم مستعاردر دیسه مبلغ مزبور
 نفس الامرده اول کچنه نك حقی اولدیغنی اقرار ایتمش اولور

۱۵۹۴ ماده

بر کیمسه حال صحتمده ایکن بروجه بالا اقرار ایله نفی ملک
 ایتمش اولسه یاخود اسمنک مستعار اولدیغنی اقرار ایتسه
 اقراری معتبر اولوب حال حیاتنده کندوسی و وفاتندن
 صکره ورتهسی بو اقرار ایله الزام اولنور . اما مرض
 موتنده ایکن اول وجهله اقرار ایتسه حکمی فصل آتیده
 مستبان اولور

(فصل ثالث)

(اقرار مریض بیانده)

ماده ۱۵۹۵

مرض موت اول خسته لکدر که اکثر یا آنده اولوم قور قوسی
اولدیغی حالده خسته ذکور دن ایسه خانه سی خار چنده
واناشدن ایسه خانه سی داخلنده اولان مصالحنی کور مکدن
عاجز اولوب بو حال اوزره برسینه مرور ایتمدن وفات
ایلیه کرک صاحب فراش اولسون و کرک اولسون
واکر مریضک مرضی متمد اولوبده دائما بر حال اوزره
برسنه پکر ایسه اول مریضک مرضی مشد و حالی متغیر
اولدجه صحیح حکمنده اولوب تصرفاتی صحیح
تصرفاتی کبیر

اما مرضی مشد و حالی متغیر اولوبده برسینه کچمه دن
وقات ایدرسه وقت تغیر دن اعتبارا وفاتنه دک اولان حالی
مرض موت عد اولنور

ماده ۱۵۹۶

فیج وارثی اولمیان کشینک یا خود زوجه سندن بشته
وارثی اولمیان آدمک و یا خود زوجندن بشته وارثی
اولمیان قادینک مرض موتده اقراری بر نوع وصیت
اوله رق معتبر اولور

بناء عليه وارثي اوليان كشي مرض موتنده جميع اموالني
 بر كسنه يه اقرار ايله نفى ملك ايتسه صحيح اولوب وفاتندن
 صكره تركه سنه امين بيت المال طرفندن مداخله اولنه ماز
 كذلك زوجة سندن بشقه وارثي اوليان كيمسه مرض
 موتنده جميع اموالني زوجة سنه يا خود زوجندن بشقه
 وارثي اوليان قادين جميع اموالني زوجنه اقرار ايله نفى
 ملك ايتسه صحيح اولوب بعد الوفات بونلردن بريسنىك
 تركه سنه امين بيت المال طرفندن مداخله اولنه ماز

ماده ۱۵۹۷

بر كيمسه مريض ايكن ورثه سندن برينه مال اقرار ايدوبده
 بعده اول مرضدن افاقت بولسه بواقاراري معتبر
 اولور

ماده ۱۵۹۸

بر كيمسه مرض موتنده وارثلردن برينه بر عين يا خود دين
 اقرار ايتدكدن صكره فوت اولسه ديكر وارثلك
 اجازته موقوفدر انلر مجيز اولورسه انك اقراراري دخي
 معتبر اولور . واكر انلر مجيز اولماز ايسه انك اقراراري
 دخي معتبر اولماز

شوقدر واركه مقرر حياتنده ديكر وارثلراني تصديق

ایتمشدر ایسه و فاندن صکره انظر بو تصدیق لرندن رجوع
ایده میوب اول اقرار معتبر اولور .

و برده وارثه امانت اقراری هر حالده صحیحدر .
شویله که بر کیسه کندوسنک پروار شده اولان امانتی
قبض ایتمش یا خود وارثک کندوسنده اولان امانت
معلومهستی استهلاک ایلمش ایدوکتی مرض موتنده اقرار
ایسه صحیح اولور

مثلا فلان او غلمده و دیعه اولان ماللی اخذ و قبض ایتمشدر
دیو اقرار ایسه صحیح و معتبر اولور و کذا فلان کیسه ده
اولان اله جغمی فلان او غلم بالوکاله اخذ ایدوب بکا
تسلیم ایتمشدر دیسه اقراری معتبر اولور . کذلک فلان
او غلم بنده و دیعه یا خود عاریت اولان بشییک غرو شلق
الماس یوزوکتی صاتوب ثمننی کنندی اموریمه صرف
و استهلاک ایتمشدر دیسه اقراری معتبر اولوب اول
یوزوکت قیمتی ترکه دن تضمین اولتمق لازم کاور

۱۵۹۹ ماده

بو محشده وارثدن مراد مریضک وقت وفاتنده وارث
بولان کیسه در

شو قدر وارکه وارث دکل ایکن صکره دن بر سبب حادث

ایله مقرر وقت و فائده حاصل اولان وراثت اقرارک
صحتنه مانع اولماز

نه کیم بر کیمسه مرض موتنده بر اجنبی قالدینه مال اقرار
ایدوبده بعده انی تزوج ایتدکن صکره فوت اولسه
اقراری نافذ اولور

اما وراثتی بویله بر سبب حادث ایله حاصل اولیوبده سبب
قدیم ایله اولور ایسه اقراری ینه نافذ اولماز

مثلا اوغلی اولان بر کیمسه لابوین قرداشلرندن برینه مال
اقرار ایدوبده اوغلیک و فائتدن صکره کندوسی و فائت
ایتسه مقرنه ایلک قرداشی بولندیغی جهتله وارث
اوله جفغندن اول اقرار نافذ اولماز

۱۶۰۰ ماده

مريضک مرض موتنده ایکن زمان صحتنه اسناد ایله
اقراری زمان مرضندکی اقراری حکمنده در

بناء علیه مرض موتنده ایکن وارثنده اله جغی اولان
شوقدر غروشی زمان صحتنده استیفایطش ایدوکنی
اقرار ایتسه دیگر وارثلر مجیز اولدجه نافذ اولماز

کذلک حال صحتنده ایکن فلان مالنی ورثه سندن فلانه
هبه و تسلیم ایلش ایدوکنی مرض موتنده اقرار ایتسه

ہبہ سی بینہ ایلہ ثابت یا خود دیگر وارثی انی مجیر
اولدقہ اقراری نافذ اولماز
۱۶۰۱ مادہ

مریضک مرض موتندہ اجنبی بہ یعنی کندوسسنہ وارث
اولیاں کیسہ بہ کرک عین و کرک دین اقراری جمع اموالی
محیط اواسہ بیلہ صحیح اولور
شو قدر وارکہ مقربہ مقربہ ہنوز بیع یا ہبہ اولمش یا خود
اخر دن ارثا انتقال ایلش اولق کبی برسبیلہ وقت اقرارده
انک ملکی اولدیغی چوق کیسہ لک معلومی اولہرق
کندو اقرارندہ کاذبایدو کی ظاہر اولورسہ اول حالده
نظر اولنور . اکر بو اقراری مذاکرہ وصیت اٹاسندہ
دکل ایسہ ہبہ دیمک اولہرق تسلیم لازم کلور . واکر
مذاکرہ وصیت اٹاسندہ ایسہ وصیت معناسنہ محمول
اولور و کرک ہبہ اولسون و کرک وصیت اولسون انجق
ثلث مانندن معتبر اولور

۱۶۰۲ مادہ

دیون صحت دیون مرض اوزرینہ مقدمدر
یعنی ترکہ سی غریم اولان کیسہ نک حال صحتمندہ ذمتہ
تعلق ایدن دیونی مرض موتندہ کی اقراریلہ ذمتہ تعلق
ایدن دیونی اوزرینہ تقدیم قلمنور . شویلہ کہ مریضک

ترک شدن اولاد یون صحت استیفا قلبوب بعده فضله
قالور ایسه دیون مرض تأدیه اولنور

فقط مریضك مرض موتنده اسباب معروفه ایله یعنی
اقرار دن بشقه ناسك مشاهد و معلومی اولان شرا
و استقراض و اتلاف مال كبی سببلرله ذمتنه تعلق ایدن
دینلری دیون صحت حکمنده در

مقر به اعیاندن برشی اولدیغی صورته دخی حکمی بو
منوال اوزره در

یعنی بر کیمسه مرض موتنده اجنبی به هر نه درلوشی اقرار
ایتسه دیون صحتی یا خود بوجه بالا اسباب معروفه ایله
لازم کله رك دیون صحت حکمنده اولان دیونی تأدیه
اولنمدیقه مقرله مقر بهه مستحق اولماز

۱۶۰۳ ماده

بر کیمسه کندوسنك بر اجنبی کسنه دن اولان اله جغنی
استیفا ایش اولدیغی مرض موتنده اقرار ایتدکده
نظر اولنور . اکر بو اله جغنی کندوسنك حال مرضنده
ایکن اول کسنه نك ذمتنه تعلق ایش ایسه بو اقراری
صحیح اولور . فقط غرماء صحت حقنده نافذ اولماز
واکر و اله جغنی کندوسنك حال صحتنده ایکن اول

کسسه لك ذمته تعلق ايتش ايسه هر حالده صحيح اولور .
 كرك ديون صحت اولسون و كرك اولسون
 مثلا بر مريضك حال مرضنده ايكن بر مال صائد قدن
 صكره ثمنى قبض ايتش اولديغنى اقرار ايتسه صحيح
 اولور ايتسه ده غرماء صحت وار ايسه انلر بو اقرارى
 طوتمامغه قادر اولورلر . و اكر حال صحتنده ايكن بر مال
 صائد قدن صكره ثمنى قبض ايتش اولديغنى مرض موتنده
 اقرار ايتسه هر حالده صحيح اولوب غرماء صحت اولسه
 دخى انلر بو اقرارى طوتميز ديه مزلر

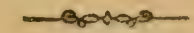
ماده ۱۶۰۴

كسسه مرض موتنده دائرنندن بر ينك دينى ادا ايله سائر
 دائرينك حقوقنى ابطال ايدمه
 فقط مريض ايكن استقراض ايلديكى پاره يى واشترا
 ايلديكى مالك ثمنى ادا ايدمه بيلور

ماده ۱۶۰۵

بو مجتهده كفالت بالمال دين اصلى حكمنده در
 بناء عليه بر كسسه مرض موتنده وارثك بورجنه يا خود
 اله جفته كفيل اولسه نافذ اولماز . و اجنبى يه كفيل
 اولدقده ثلث مالندن معتبر اولور . اما حال صحتنده

ایکن اجنبی به کفیل اولدیغنی مرض موتسده اقرار
ایتدکده مجموع مالندن معتبر اولور . شو قدر که دیون
صحت وار ایسه تقدیم اولنور



(باب رابع)

(اقرار بالکتابه بیاننده در)

ماده ۱۶۰۶

کتابتله یعنی یازو ایله اقرار لسان ایله اقرار کبیدر
(۶۹) ماده یه باق

ماده ۱۶۰۷

بر کسندنک کندو اقرارینی یازمق اوزره آخره امر
ایتمسی حکما اقرار در

بناء علیه فلان کیمسه یه شو قدر غروش بورجم اولدیغنه
دائر برسند یازدیو کاتبه امر ایدرک یازدیرو بده امضا
ایلش یاخود مهرلش اولدیغنی سند کندو خط دستتيله
اولان سند کی اقرار بالکتابه قیبلنددر

ماده ۱۶۰۸

تجارک ممتد به اولان دفترلرنده کی قیودی دخی اقرار
بالکتابه قیبلنددر

مثلاً بر تاجر بر کمندیه شو قدر غروش بوری اولدیغنی
کندو دفترینه قید ایش اولسه اول کمندیه اول قدر
بورج اقرار ایش اولوب لاری الحاجه اقرار شفاهیسی
کبی معتبر و مرعی اولور

ماده ۱۶۰۹

بر کیسه کندوسی یازوب یاخود بر کاتبه یازدیرو بده
ممضا یاخود مختوم اولهرق آخره ویرمش اولدیغنی دین
سندی اسکر مرسوم ایسه یعنی رسم وعاده موافق
اولهرق یازمش ایسه اقرار بالکتابه اولوب تقریر
شفاهیسی کبی معتبر و مرعی اولور

بر معتاد ویریه کلان وصولار یعنی مقبوض علم و خبر لری
دخی بو قبیلندر

ماده ۱۶۱۰

بر کیسه بر وجه بالا مرسوم اولهرق یازوب یاخود
یازدیرو بده ممضا یاخود مختوم اولهرق ویرمش اولدیغنی
دین سندی کندوسنک اولدیغنی معترف ایکن حاوی
اولدیغنی بوری انکار ایسه انکارینه اعتبار اولمیوب
اول بوری ایفا ایلمی لازم کاور

اما سند کندوسنک اولدیغنی انکار ایشدیکی تقدیرده

اگر خط و یا ختمی مشهور و متعارف ایسه انکارینه اعتبار
 اولمئیوب اول سند ایله عمل اولنور
 و اگر خط و ختمی مشهور و متعارف دکل ایسه استکتاب
 اولنورق اهل خبریه ~~کوس~~ تریلور انلر ایکیسیده
 بر شخصک یازوسیدر دیوخبیر ویررلر ایسه دین مذکوری
 ویرمک اوزره اول کیمسه یه امر اولنور
 الحاصل سند اگر شائبه تزویر و شبهه تصنیعدن بری
 اولور ایسه انکه عمل اولنور

اما شبهه دن بری اولدیغنی تقدیرده مدیون اول سند
 کندی سندی اولدیغنی انکار ایلدیکی کبی اصل دینی
 دخی منکر ایسه دینی اولمیوب سند دخی کندوسنک
 اولدیغنه مدعینک طلبیه تحلیف اولنور
 ماده ۱۶۱۱

بر وجه بالا بر کیمسه مرسوم اولهرق دین سندی
 ویردکن صکره قوت اولسه وارثلری او سند متوفانک
 اولدیغنی معترف اولدقلری حالده اول دینی ترکه
 متوفادن ایضا ایللری لازم کاور
 اما اول سند متوفانک اولدیغنی انکار ایتدکاری تقدیرده
 اگر متوفانک خط و ختمی مشهور و متعارف ایسه اول
 سند ایله عمل اولنور

۱۶۱۴ ماده

وفات ایدن بر کیسه نك ترکه سندن نقود ایله مملو بر کیسه
 ظهور ایدوب اوزرند، بو کیسه فزان کسنه نك مالیدر
 بنم یدمه امانتدر دیو متوفانك خطیله محرر بر یافته
 بولنسه اول کسنه اول کیسه بی ترکه متوفان اخذ ایدر
 دیگر وجهله اثباته محتاج اولماز

اراده سنیه تاریخی فی ۹ جادی الاولى سنه ۱۲۹۱

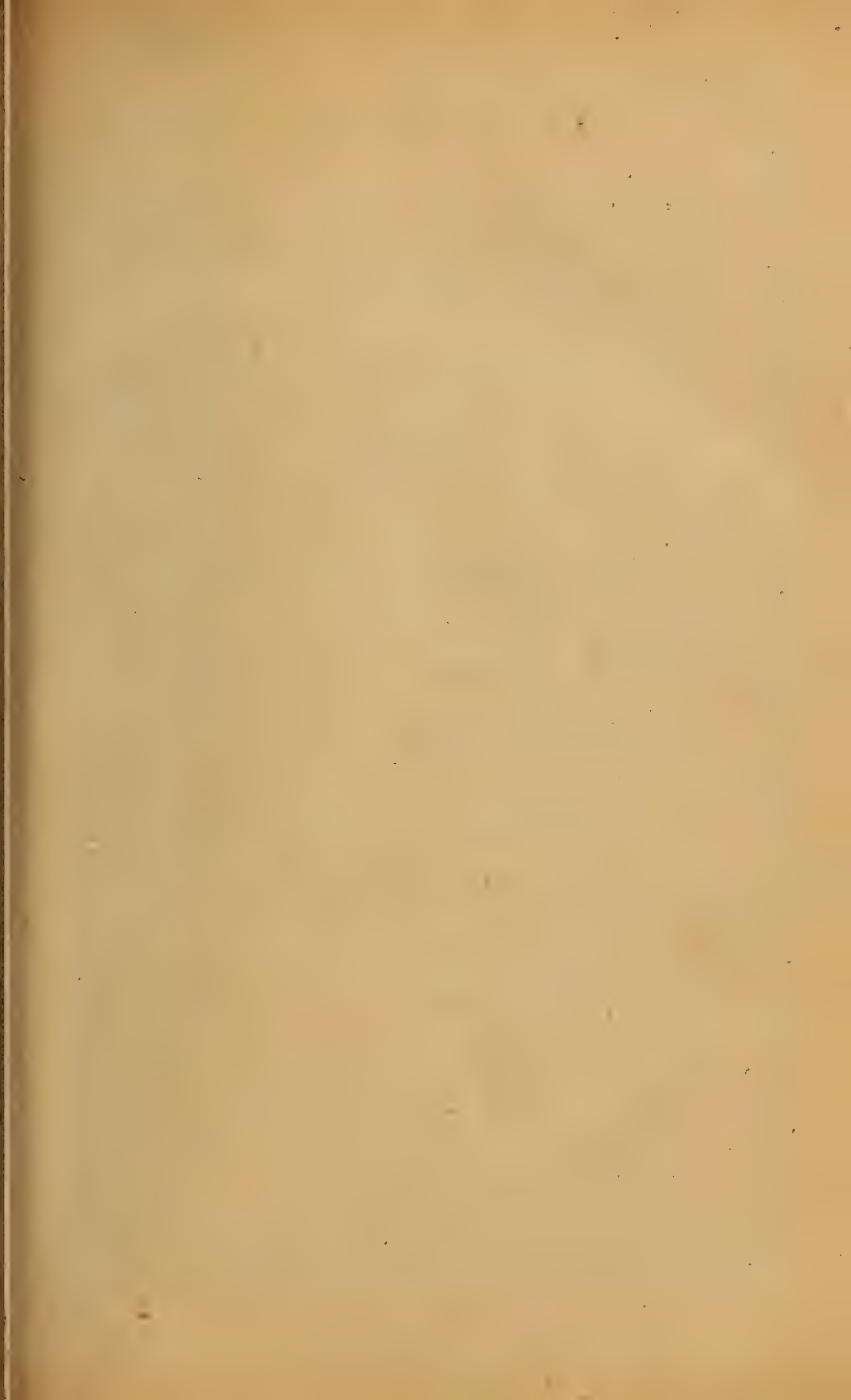
عن اعضاء شورای دولت امین القتوی ناظر عدلیه
 سیف الدین السید خلیل احمد جودت

رئیس ثانی محکمه تمیز عن اعضاء مجلس تدقیقات
 السید احمد حللی شرعیه السید احمد خلوصی

رئیس المسودین عن اعضاء مجلس تدقیقات
 عمر حللی شرعیه احمد خالد

اعلامات ممیزی معاونی

عبد الستار



— ❦ كتاب الدعوى ❦ —

✽ صورت خط همایون ✽

(موج‌بجه عمل اولنه)

(کتاب رابع عشر)

(دعوی حقننده اولوب بر مقدمه ایله ایکی بابی مشتملدر)

(مقدمه)

(بعض اصطلاحات فقهیه بیاننده در)

ماده ۱۶۱۳

دعوی • بر کیسه دیگر کسنه دن حضور حاکمه حقنی
طلب ایتکدر

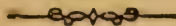
اول کیسه یه مدعی و اول کسنه یه مدعا علیه دینلور

ماده ۱۶۱۴

مدعا • مدعینک دعوی ایلدیکی شیر که مدعا به دخی
دینلور

ماده ۱۶۱۵

تناقض • مدعیدن کندی دعوا سنه مناقض یعنی دعوا سنک
بطلانی • وجب برسوز سبقت ایلش اولقدر



(باب اول)

(دعوانك شروط و احكامنه و دفع دعوايه دائر اولوب)

(درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(دعوانك شروط صحتی بیانده در)

۱۶۱۶ ماده

مدعی و مدعا علیهک عاقل اولمیری شرطدر
مجنونک وصبی غیر ممیزک دعوازی صحیح دکدر .
قط و لیلری و وصیلری بالولایه و بالوصایه انلرک یرینه
مدعی و مدعی علیه اولورلر

۱۶۱۷ ماده

مدعا علیهک معلوم اولسی شرطدر
بناء علیه مدعی فلان قریه اها لیسندن لاعلی التعین برنده
یا خود برقاچنده شو قدر غروش اله جغ وار دیسه صحیح
اولماز مدعی علیهی تعیین ائلك لازم کلور

۱۶۱۸ ماده

حین دعوا ده خصمک حضوری شرطدر . و مدعا علیه
محکمهیه کلکدن و وکیل کوندر مکدن امتناع ایتدیگی
تقدیرده اولنه جق معامله کتاب قضاده بیان قلنه جقدر

۱۶۱۹ ماده

مدعا بهك معلوم اولسي شرطدر . مجهول اولور ايسه

دعوى صحيح اولماز

۱۶۲۰ ماده

مدعا بهك معلوميتى اشارت ايله يا خود وصف و تعريف

ايله در

شويله كه عين منقول اولديغى تقديرده مجلس محكمه ده

حاضر ايسه اكا اشارت كافيدر . و حاضر دكل ايسه

وصف و تعريف و قيمتى بيان ايله معلوم اولور و عقار

اولديغى تقديرده حدودينك بيانيله تعيين اولور .

و دين ايسه جنس و نوع و وصف و مقدارى بيان

اولمق لازم كلور . نه ~~ك~~كم مواد آيه دن متضح

اولور

۱۶۲۱ ماده

مدعا به عين منقول اولديغى حالده حاضر بالمجلس ايسه

مدعى اكا ايله اشارت ايدرك اشته بو بئدر بو آدم اكا

بغير حق وضع يد ايدور اليو برلسنى طلب ايدرم ديو

دعوى ايدر و اكر حاضر بالمجلس اوليوب انجق

مصر فسر جلب و احضارى ممكن ايسه دعوا ده

و شهادت و يا خود يمينه اكا بو بله جه اشارت اولمق

اوزره مجلس حکمه کتوریکور . واکر مصرفسز
احضاری ممکن دکل ایسه مدعی انی تعریف و قیمتنی
بیان ایلر

فقط غصب ورهن دعوارنده قیمتک بیانی لازم کلز
مثلا بر زمرد یوزکی غصب ایتدی دیسه و قیمتنی بیان
ایتمه وحتی قیمتنی بیلم دیسه بیله دعواسی صحیح اولور
۱۶۲۲ ماده

مدعا به اکر جنس نوع ووصفلی مختلف اعیان ایسه
جمله سنک مجموع قیمتنی ذکر ایتک کافی اولور . هر برینک
بشقه بشقه قیمتلرینی تعیین ایتک لازم کلز
۱۶۲۳ ماده

مدعا به عقار ایسه حین دعوی و شهادتده بلده سی
و قریه سی و یا محله سی و زقاقی و حدود اربعه سی یا خود
ثلثه سی و حدودینک صاحبلی وار ایسه انلرک و بابا
و دده لرینک اسم لری ذکر اولنق لازمدر فقط مشهور
و معروف اولان آدمک یا لکر اسم و شهرتی ذکر ایتک
کافیدر . بابا و دده سنک اسم لری ذکره حاجت یوقدر
کذلک اول عقار اکر شهرت سی محدوددن مستغنی
ایسه کرک دعواده و کرک شهادتده حدودینک بیانی
شرط دکلدر

و برده مدعی اگر شو سندده حدودی محرر اولان
 عقار بنم ملکهدر دیو دعوی ایدر ایسه صحیح اولور
 ماده ۱۶۲۴

مدعی حدودک بیاننده اصابت ایدو بده عقارک مقدار
 ذراع و یا دونمنی اکسک یا زیاده سویلسه دعواسنک
 صحته مانع اولماز
 ماده ۱۶۲۵

عقارک ثمنی دعواده حدودینک بیانی شرط دکدر
 ماده ۱۶۲۶

مدعابه دین ایسه مدعی انک جنس ونوع ووصف
 و مقدارینی بیان ایلسی لازمدر

مثلا التون و کومش دیو جنسینی و عثمانلی سکه سی یا خود
 انگلیز سکه سی دیو نوعنی و سکه خالصه یا خود سکه
 مغشوشه دیو وصفنی ونه مقدار اولدیغنی بیان ایلسی
 لازمدر . فقط علی الاطلاق شو قدر غروش دیو ادعا
 ایتمسه دعواسی صحیح و عرف بلده جه معهود اولان
 غروشه مصروف اولور . و ایکی درلو غروش متعارف
 اولدیغنی حالده برینک رواج و اعتباری دها زیاده اولسه
 ادناسنه صرف اولنور . نه کیم شو قدر عدد بشاک دیو

دعوی ایتسه فی زماننا مسکوکات مغشوشه دن اولان
قره بشلکه مصروف اولور

ماده ۱۶۲۷

مدعا به عین اولدیغی تقدیرده سبب ملکیت بیان اولتمق
لازم کلیوب بلکه بومال بندر دیو ملک مطلق دعواسی
صحیح اولور

امادین اولدیغی تقدیرده سبب وجهتی یعنی ثمن مبیعه میدر
یوخسه اجر تمیدر و یا خود آخر جهتمدن طولایی بر
بور جدر الحاصل نه جهتمدن طولایی دین اولدیغی
سؤال اولور

ماده ۱۶۲۸

اقرار حکمی مقربک ظهوریدر یوخسه بدایه حدوشی
دکدر . بوجهته اقرار سبب ملک اوله ماز . بناء علیه
مدعی مجرد مدعا علیه اقرارینی سبب طوتهرق اندن
برشی دعوی ایتسه استماع اولماز

مثلا مدعی بومال بندر وانک ذی الیدی اولان شو آدم
دخی بنم اولدیغی اقرار ایتشیدی دیو دعوی ایتسه استماع
اولور اما بومال بندر زبرا انک ذی الیدی اولان شو
آدم بنم اولدیغی اقرار ایتشیدی دیو دعوی ایتسه استماع
اولماز . كذلك مدعی جهت قرضدن طولایی شو

آدمه بوقدر غروش اله جفم واردر حق کندوسی دخی
 بوجهتدن طولایی او قدر غروش بورجی اولدیغنی اقرار
 ایتشیدی دیو دعوی ایتسه مسموع اولور اما شول آدم
 بکاجهت قرضدن طولایی بوقدر غروش بورجی اولدیغنی
 اقرار ایتش اولدیغنی ایچون انده بوقدر غروش حقم
 واردر ایسترم دیو دعوی ایتسه مسموع اولماز

۱۶۲۹ ماده

مدعا بهک محتمل الثبوت اولسی شرطدر

بناء علیه عقلاً یا عادة وجودی محال اولان شیء ادعا
 صحیح اولماز

مثلاً بر کیمسه کندوسندن سنأ بیوک یا خود نسبی معروف
 اولان کسنه حقنده بوبنم او غلدر دیو ادعا ایتسه دعواسی
 صحیح دکلدر

۱۶۳۰ ماده

دعویاتک ثبوتی تقدیرنده مدعا علیه برشی ایله محکوم
 و ملزم اولسی شرطدر

مثلاً بر کیمسه دیگر کسنه یه برشی اعاره ایتدکده دیگر بر
 شخص چقوبده بن انک متعلقه ایتدنه نم بکا اعاره ایتسون
 دیو دعوی ایتسه صحیح اولماز کذلک بر کیمسه دیگر
 کسنه بی بر خصوصه توکیل ایتدکده دیگر بر شخص

چيقوبده بن انك قومشوسى يم انك و كالتنه دهـا مناسيم
 ديو دعوى ايتسه صحیح اولماز . زیرا هر كس مالنى
 ديلديكنه اعاره و ديلديكنى امورينه تو كـيل
 اينه بيله چكندن بو دعوالر ثايت اولديغى تقديرده مدعا
 عليه حقنده هيچ بر حاكم ترتب ايتمز .

(فصل ثانى)

(دفع دعوى حقنددر)

۱۶۳۱ ماده

دفع . مدعا عليه طرفندن مدعينك دعواسنى دفع ايديه چك
 بر دعوى درمیان اولتمقده در
 مثلاً بر كيمسه جهت قرضدن طولايى شو قدر غروش دعوى
 ايتدكده مدعا عليه بن انى ادا ايتمشـيدم يا خود سن بنى
 اندن ابرا ايتمشـيدك و يا خود بز صلح اولمش ايدك يا خود
 بو مبلغ قرض دكلدر بلكه سـكا صـاـتمش اولديغم فلان
 مالك ثمنيدرو يا خود فلان كسنه ده اله جغم اولان اولمقدار
 غروشى سـكا حواله ايتمكـله سن دخی بكا اول مبلغى
 و برمشيدك ديسه مدعينك دعواسنى دفع ايتمش اولور
 كذا بر كيمسه ديكر كسنه دن فلاك ذمتنده اله جغم اولان
 شو قدر غروشه سن كفيل اولمشك ديو دعوى ايتدكده

اول کسینه ما، یونک مبلغ مزبوری ادا ایلش ایدوکنی ادا
ایسه مدعینک دعواسنی دفع ایتش اولور
و کذا بر کیمسه دیگر کسینه نک یدنده بولنان برمالی بندر
دیودعوی ایتدکده اول کسینه اکا بوندن مقدم فلان
آدم اول مالی بندن دعوی ایتدکده سن انک دعواسنه
شهادت ایتشیدک دیو ادا ایلسه مدعینک دعواسنی دفع
ایلش اولور

کذلک بر کیمسه بر متوفانک ترکه سندن شو قدر غروش اله جق
دعوی و وارثک انکاری اوزرینه بو دعواسنی اثبات
ایتدکنصکره متوفانک حال حیاتنده اول دینی ادا ایلش
اولدیغنی وارثی ادا ایلسه مدعینک دعواسنی دفع ایتش
اولور

۱۶۳۲ ماده

دفع دعوی ایدن کیمسه دفعنی اثبات ایتدکده مدعینک
دعواسی مندفع اولور و اثبات ایده مدعیکی تقدیرده انک
طلبیه اصل مدعی تحلیف اولنور

مدعی یمندن نکول ایدر ایسه مدعا علیک دفعی ثابت
اولور و اکر مدعی یمن ایدر ایسه کندوسنک اصل
دعواسی عودت ایدر

۱۶۳۳ ماده

بر کیمسه دیگر کسه نه دن شو قدر غروش اله جق دعوی
ایدوبده مدعی علیه دخی بن سنی بومبلغ ایله فلاک
اوزرینه حواله ایدوب هر بریکز دخی حواله بی قبول
ایتمش ایدیگز دیو ادما و بونی محال علیه دخی حاضر
اولدیغی حالده اثبات ایلسه مدعی بی دفع ایله مطالبه سندن
خلاص اولور . واکر محال علیه حاضر دکل ایسه
انک حضورینه قدر موقوفا مدعی بی دفع ایش اولور

(فصل ثالث)

(خصم اولوب اولمانلر بیاننده دیر)

۱۶۳۴ ماده

بر کیمسه برشی دعوی ایتدکده اکر مدعا علیه اقراری
تقدیرنده انک اقراری اوزرینه بر حکم ترتب ایدر ایسه
انکار یله دعواده و اقامه بینده خصم اولور
واکر مدعا علیه اقراری تقدیرنده بر حکم ترتب ایتمز
ایسه انکار یله خصم اولماز

مثلا اصنافدن بری کلوبده بر ذاتن سنک رس-ولک
فلان بندن شو مالی الدی ثمنی ویر دیو دعوا ایتدکده
اول ذات اقرار ایسه ثمن مبیعی دفع و تسلیمه مجبور

اولدیغی جهته له انکار ایتدیکی صورتده دخی مدعی به
 خصم اولور اول حالده مدعینک دعواسی و بینه سی
 استماع اولنور . اما مدعی سنک شرایه و کیلک اولان
 کسنه الدی دیو دعوی ایتدکده مدعی علیه اقرار ایتسه
 ثمن مبیعی مدعی به دفع و تسلیمه مجبور اولمادیغی جهته له
 انکار ایتدیکی صورتده مدعی به خصم اولماز
 اول حالده مدعینک دعواسی استماع اولنماز
 ولی و وصی و متولی بوقاعده دن مستثا در . شویله که
 برکیمسه مال یتیمی یا خود مال وقفی ملکدر دیو دعوی
 ایتدکده و کیلینک یا صینک یا خود متولینک اقرارلری نافذ
 اولمادیغندن اوزرینه بر حکم ترتب ایتمز . اما انکارلری
 صحیح اولوب انک اوزرینه مدعینک دعوی و بینه سی
 استماع اولنور شو قدر وار که ولی و وصی و متولیدن
 صادر اولان بر عقد اوزرینه دعوی اولندیغی حالده
 اقرارلری دخی معتبر اولور
 مثلا مسوغ شرعی به بناء بر صغیرک مالنی و ایسی صا توبده
 اکا دائر مشتری طرفندن بر دعوی و قوعبواسه ولینک
 اقرارنی معتبر اولور
 ۱۶۳۵ ماده
 دعوی عینده خصم انجق ذی الیددر

مثلاً بر کسیسه دیگر کسیسه نك آتني غضب ايله آخر بر
 شخصه بيع و تسليم ايدو بده اول، کسیسه آتني استرداد
 ايتك استدكده انجق ذی الیددن دعوی ايدر اما او
 آتک قیمتی تضمین ایتدیرمك استدكده غاصبدن دعوی
 ايدر

۱۶۳۶ ماده

بر کسیسه مال مشتری مستحق چیقو بده آنی دعوی
 ایتدكده نظر اولنور

اگر مشتری اول مالی قبض ایتمش ایسه حین دعوی
 و شهادتده خصم یالکز مشتریدر بابعك حضوری شرط
 دکلدیر . و اگر مشتری اول مالی هنوز باعدن قبض
 ایتماش ایسه مشتری مالک و بابع ذی الید اولمق حسابله
 حین دعوی و شهادتده ایکیسنگ دخی حضوری لازمدر
 ۱۶۳۷ ماده

ودیعه یی و دیعه دن و مستعار یی مستعیردن و ما جوری
 مستأجر دن و مرهونی مرتهدن دعوی وقتنده و دیع ايله
 مودعك و مستعیر ايله معیرك و مستأجر ايله موجرك
 و مرتهن ايله راهنك برلكده حاضر بولنماری شرطدر
 فقط و دیعه و یا مستعار و یا ما جور و یا خود مرهون
 غضب اولسه یالکز و دیع و مستعیر و مستأجر و مرتهن

انلری غاصبدن دعوی ایدہ پیلور مالکک حضوری
لازم کلز و بونلر حاضر اولد بجه یالکز مالک آنلری
دعوی ایدہ مر

ماده ۱۶۳۸

ودیع مشتری به خصم اولماز

شویله که برکسنه دیگر کسنهک یئنده اولان خانه ایچون
بن بو خانه بی فلان شخصدن شو قدر غروشه صاتون
آلدم انی بکا تسلیم ایت دیو دعوی ایتدکه اول کسنه
بو خانه بی بکا اول شخص ایداع و تسلیم ایتدی دیسه
مدعینک خصومتی مندفع اولور اول شخصک ایداعنی اثباته
حاجت یوقدر . فقط مدعی دخی فی الواقع اول شخص
بو خانه بی سکا ایداع ایتشیدی لکن صکره بکا صاتدی
وسندن قبض و تسلمه بنی توکیل ایتدی دیوبده اول
شخصک بیع و توکیلنی اثبات ایدرسه اول خانه بی
ودیعندن اخذ ایدو

ماده ۱۶۳۹

ودیع مودعک دائننه خصم اولماز

بناء علیه دائن مودعه اولان اله جغنی و دیعک مواجهه
سئنده اثبات ایدو بده انده کی و دیعه دن استیفای دین
ایدہ مر . فقط (۷۹۹) ماده ده بیان اولندیغی اوزره

غائبك اوزرينه نفقهسى واجب اولان كشي نفقهسى
غائبك امانت آچه سمندن الموق اوزره وديعدن دعوى
ايدة بيلور

ماده ۱۶۴۰

دائنه مديونك مديونى خصم اولماز
بناء عليه بر كيمسه متوفاده اولان اله جغنى متوفاك مديونى
مواجهه سنده اثبات ايدو بده اندن استيفا ايدة من

ماده ۱۶۴۱

بايعه مشتريك مشتريسى خصم اولماز
مثلا بر كيمسه بر مالى ديكر كسنه يه بيع و او دخى آنى قبض
ايله آخر شخصه بيع و تسليم ايتدكدن صكره (مشتري
اول اول مالى ثمننى ادا ايتكسز ين قبض ايتشيدى انك
ثمننى وير ياخود ثمنك استيفاسنه قدر حبس ايتك اوزره
آنى بكا وير) ديوبايك مشتريء ثايندن دعواسى استماع
اولتماز

ماده ۱۶۴۲

متوفاك لهنه و عليهنه اولان دعوا ده يالكز ورثه دن
بريسى خصم اوله بيلور

فقط تركه دن بر عيني دعوا ده اول عين ورثه دن كيمك

یئنده ابدہ خصم او در . ذی الید اولیان وارث خصم
اولہماز

مثلا متوفانک بر کسنہدہ اولان الہ جغنی ورثہ دن یالکز
بری دعوی ایدہ ییلور و بعد اثبوت اول الہ جغنی مجموعی
جملہ ورثہ ایچون حکم اولنور . فقط مدعی اولان
وارث اندن یالکز کندی حصہ سنی قبض ایدر سائر
ورثہ نیک حصہ سنی قبض ایدہ مز

کذلک بر کیمسہ ترثہ دن دین دعوی ایدہ جک اولدقده
ورثہ دن یالکز بر یسنک حضورندہ دعوی ایدہ ییلور .

کریک اول وارث یئندہ ترکہ دن مال بولمسون و کریک
بولمسون . و بویلہ یالکز بر وارثک حضورندہ دعوی

دین ایدو بدہ اول وارث دخی دینی اقرار ایتدیکی تقدیردہ
دیندن آنک حصہ سنہ نقدر اصابت ایدرسہ یالکز اول

مقداری و یرمک اوزرہ امر اولنور وانک اقراری سائر
ورثہ یہ سرایت ایتمز . و اکر اقرار ایتسوبدہ مدعی

یالکز اول وارثک حضورندہ دعوی سنی اثبات ایدرسہ
جملہ ورثہ علیهنہ حکم اولنور . و مدعی اولو جهلہ

محکوم بہ اولان دینی ترکہ دن الہ جق اولدقده سائر ورثہ
مدعی یہ اول دینی تکرار بزم حضور مزدہ اثبات ایت

دیہ منزل فقط مدعی نیک دعوی سنی دفعہ صلاحیتلری وار

در . اما قبل القسمه متوفانك تركه سندن اولان و فقط
 ورثه دن برينك ينده بولنسان بر آتی بر کيسه بنم مالم
 اولوب متوفايه ايداع ايتمشيدم دیو دعوی ایده جک
 اولدقده خصم انجق ذوالید اولان وارث در . دیگر
 ورثه دن دعوی ایتسه استماع اولماز . و ذی الیددن دعوی
 ایدوبده انک اقرار یله حکم اولنوز ایسه سائر ورثه یه سرایت
 ایتماز انک اقراری انجق کندی حصه سی مقدار نجه نافذ اولوب
 انک اول آتده اولان حصه سی مدعینک اولمق اوزره حکم
 اولنور و اگر ذی الید اولان وارث انکار ایدوبده مدعی
 دعوا سنی اثبات ایدرسه مجموع ورثه علیه نه حکم
 اولنور . (۷۸) ماده یه باق

۱۶۴۳ ماده

ارشدن غیری بر سبب ملک ایله بر قاچ کیمسه بینه
 مشترک اولان بر عینی دعوا ده شرکادن بری دیگرک
 حصه سنده مدعی یه خصم اولدمن

مثلا شراطر یقیله بر قاچ کیمسه بینه مشترک بر خانهدی
 بر کیمسه شرکادن یا لکز بری حضورنده ملکدر دیو
 دعوی و اثبات ایدوبده حکم اولنسه حکم انجق حاضر
 اولان شریکک حصه سنده مقصور اولوب سائرینه سرایت
 ایتماز

۱۶۴۴ ماده

طریق عام کبی منافی عمومہ عائد اولان یرلرک دعواسنده
 عامه دن یالکز بریسی مدعی اولوب انک دعواسی
 استماع ایله مدعا علیه اوزرینه حکم اولنه ییلور

۱۶۴۵ ماده

اهالیلری قوم غیر محصور اولان ایکی قریه بیننده نهر
 و مرعی کبی منافی مشترک اولان شیلر دعواسنده طرفیندن
 بعضیلرینک حضوری کافیدر . اما اهالیلری قوم
 محصور اولدیغی صورتده بعضیلرینک حضوری کافی
 اولیوب جمله سنک یا خود طرفلرندن وکیللرینک حضوری
 لازمدر

۱۶۴۶ ماده

یوز نفر دن زیاده اولان قریه اهالیسی قوم غیر محصور
 عدا اولنور

(فصل رابع)

(تناقض پیدائنده در)

۱۶۴۷ ماده

تناقض ملکیت دعواسنده مانع اولور
 مثلا بر کیمسه بر مال استشرا ایدوبده یعنی صاتون المق

استبویده بعده اول مال قبل الاشتهار اکتدوسنک ملکی
ایدوکنی دعوی ایسه مسموع اولماز . و کذا فلان کسنده
هیج بر حقم یوقدر دیدکدن صکره اول کسنده دن برشی
دعوی ایسه مسموع اولماز

کذلک بر کیمسه دیگر کسنده دن فلان آدمه ویرمک اوزره
سکا شو قدر غروش ویرمشیدم سن اکا ویرمیوب یدکده
قالغله کتور اول مبلغی ویر دیو دعوی ایتدکده مدعا
علیه انکار ایتدکله مدعی اقامه یننه ایتدکده صکره مدعا
علیه دونوبده کرچک اول آدمه ویرمک اوزره بکا او قدر
غروش ویرمشیدک لکن بن اول مبلغی اکتا تسلیم ایلدم
دیو دفع دعوی ایده جک اولسه مسموع اولماز

و کذلک بر کیمسه دیگرک یننده او دن بر دکانی ملکمدر
دیو دعوی ایتدکده ذوالیدکرچک اول دکان سنک ملکک
ایدی لکن فلان تارینخده سن انی بکا بیع ایتدکده دیو
دعوی ومدعی اصلا بیلمزده بیع و شرا جریان ایتدی دیو
کایسا انکار ایتدکله ذی الید دعواسنی اثبات ایتدکدن
صکره مدعی دونوب فی الحقیقه اول دکانی اول نارینخده
سکا بیع ایتدک ایدم لکن بیع وفا یا خود شو مقوله شرط
ایله عقد اولمشیدی دیو دعوی ایسه استماع اولتماز

۱۶۴۸ ماده

بر کیمسه بر مالی دیگر کسنه نك اولدیغنی اقرار ایتدکن
صکره بندر دیو دعوی ایتسه صحیح اولدیغنی کبی آخرک
طرفندن بالوکاله یا بالوصایه دعوی ایتسی دخی صحیح
اولماز

۱۶۴۹ ماده

بر کیمسه دیگر کسنه بی جمیع دعوادن ابرا ایتدکن
صکره کندوسی ایچون اندن بر مال دعوی ایتسه صحیح
اولماز . اما بشقه سی ایچون بالوکاله یا خود بالوصایه
دعوی ایدیلور

۱۶۵۰ ماده

بر کیمسه بر مالی آخر کسنه ایچون دعوی ایتدکن
صکره کندوسی ایچون دعوی ایتسه صحیح اولماز .
اما کندوسی ایچون دعوی ایتدکن صکره بالوکاله
آخر کسنه ایچون دعوی ایده بیلور زرا دعوی و کیلی
بعضا ملکی نفسنه مضاف قیلار اما بر کسنه عند الخصومه
کندو ملکی بشقه سنه مضاف قیلماز

۱۶۵۱ ماده

حق و احد ایکی کشیدن ابرو ابرو استیفا اولنه مدیغنی

کبی جهت و احده دن طولایی حق واحد ایکی کشیدن
ادعا دخی اولنه ماز
ماده ۱۶۵۲

نصل که متکلم و احدک دعواسنده تناقض بولنور
ایسه وکیل و موکل و وارث و مورث کبی متکلم
واحد حکمنده اولان ایکی کسنه نك کلا بولنده دخی
تناقض تحقق ایدر . شویله که بر خصوص حقننده
موکلدن سبق ایدن دعوایه منافی و کیلی بر دعوی در میان
ایتسه صحیح اولماز
ماده ۱۶۵۳

خصمک تصدیقیله تناقض مرتفع اولور
مثلا بر کیمسه جهت قرضدن اوله رق دیگر کسنه دن شو
قدر غروش اله جق دعوی ایتدکن صکره مبلغ مزبورک
جهت کفالتدن اولدیغنی دعوی ایدوبده مدعی علیه
دخی بونی تصدیق ایلسه ناقض مرتفع اولور
ماده ۱۶۵۴

حاکمک تکذیبیله دخی تناقض مرتفع اولور
مثلا بر کیمسه دیگر کسنه نك بدناه اولان مالی بندر دیو
دعوی ایدوب مدعی علیه دخی اول مال فلانک ایدی
بن اندن صاتون الدم دیو انکار ایتکله مدعی اقامه بینه

ایدو بده حکم اولنسه محکوم علیه اول مالک ثمنیه بایعنه
رجوع ایدر و اگرچه ابتدا اول مال بایعک ایدو کنی
اقرار ایتسیله صکره کی رجوعی بیننده تناقض وار ایسه
ده حاکم حکمیله بواقاراری تکذیب اولندیغندن تناقض
مرتفعدر

ماده ۱۶۵۵

محل خنا اولو بده مدعینک معذرتی ظاهر اولور ایسه
تناقض معفو اولور

مثلا برکیمسه برخانه بی استیجار ایتدکنصکره بن صغیر
ایکن پدرم بوخانه بی بنم ایچون اشترا ایش حین استیجارده
خبرم یوق ایدی دیو موجردن ادعا و بو یولده بر قطعه
سند ابراز ایلسه دعوانسی مسموع اولور

کذلک برکیمسه برخانه بی استیجار ایتدکنصکره و قتیله
اول خانه کندوسنه پدردن ارثا انتقال ایش ایدوکنه
واقف اولوبده موجردن ادعا ایلسه دعوانسی استماع قلنور
ماده ۱۶۵۶

تقسیم ترکیه ایتدار مقسومک مشترک اولدیغنی اقرار در
بناء علیه بعدالتقسیم مقسومی بنمدر دیو دعوی ایتک
تناقضدر

مثلا تركه نك تقسيمند نكره ورثه دن بر يسي اعيان
 مقسوم و مه دن بر يني بن متوفادن صاتون المشيدم يا خود
 متوفى انى حال صحته بكا هبه و تسليم ايتشيدى ديو ادما
 ايتسه مسموع اولماز فقط بن صنير ايكن متوفى اول مالى
 بكا ويرمش وقت تقسيمه بيليوردم دير ايسه معذور و
 دعواسى مسموع اولور

۱۶۵۷ ماده

متناقض كور ينان ايكي كلامك توفيق ممكن اولوبده مدعى
 دخى توفيق ايدر ايسه تناقض مرتفع اولور
 مثلا بر خانه ده مستأجر اولديغنى اقرار ايتش ايكن بو خانه
 بندر ديو دعوى ايتسه استماع اولماز . اما مستأجر
 ايدم صكره صاحبذن صاتون الدم ديو توفيق ايلسه
 دعواسى استماع اولنور

كذلك بر كيسه جهت قرضدن معلوم المقدار غروش
 دعوى ايدوبده مدعا عليه دخى بن سندن بر شى الدم
 و سنكاه ببنزده هيچ بر معامله جارى اولماشدر يا خود
 بن سنى اصلا طابيم ديو بده مدعى اقاله يينه ايتد كدن
 صكره مدعا عليه بن اول مبلغى ايضا ايتشيدم يا خرد سن
 بنى اندن ارا ايتشيدم ديو ادما ايلسه تناقض اولغله
 دعواسى استماع اولنماز . اما مدعيك دعواى

مشروحه سی اوزرینه مدعا علیه سکا هیچ بورجم یو قدر
 دیو بده مدعی اقامه بینه ایتد کدنصکره مدعا علیه اوت
 سکا او قدر بورجم وار ایدی لکن بن انی سکا نأدیه
 ایتشیدم یاخود سن بنی اندن ابرا ایتشیدک دیو دعوی
 واثبات ایلسه مدعی بی دفعه ایدیلور

وکنلک بر کیمسه دیگر کسنه دن سنده شویله برودیعهم
 وار ایدی ویر دیو دعوی ایتد کده مدعا علیه سن بکا
 اصلا برشی ایداع ایتدک دیو انکار ایدوبده مدعی
 اقامه بینه ایتد کدنصکره مدعا علیه بن انی سکا ردوتسلیم
 ایتشیدم دیو دفعه ایده جک اولور سه بو دفعی سموع
 اولیوب و دیعه ایلک ینده موجود ایسه مدعی انی عینا
 الور وسته لک ایسه قیمتنی تضمین ایتدیرر اما مدعینک
 دعوی مشروحه سی اوزرینه مدعا علیه بنده سنک اوله
 و دیعه ک یو قدر دیو انکار ایدوبده مدعی اقامه بینه
 ایتد کدنصکره مدعا علیه اوت اوله برودیعک وار ایدی
 لکن بن انی سکا ردوتسلیم ایتشیدم دیو ادعا ایسه دعواسی
 سموع اولور

۱۶۵۸ ماده

بر کیمسه بر عقدک باناً و صحیحا کندوسدن صادر اولدیغنی
 اقرار ایدهرک بو اقراری سنده ربط اولدوقدن صکره

دو نوبده اول عقدك و فاء و يا خود قاسدا منعقد اولديغنى
 ادعا ايلسه دعواسى مسموع اولماز
 (۱۰۰) ماده يه باق

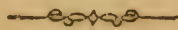
مثلا بر كيمسه ملك منزلنى بر كسنه يه ثمن معلوم مقابلنده
 بيع و تسليم ايتد كدنصكره حضور حاكه واروب بن
 شو حدود ايله محدود اولان منزلنى شو قدر غروش
 مقابلنده فلان كسنه يه بيع بات صحیح ايله صاتم ديو
 اقرار ايدوبده بو اقرارى سنده ربط اولندقدنصكره
 دو نوبده بيع مزبورى وفا طريقيله يا خود شو مقوله
 شرط مفسد ايله عقد اولمشيدى ديو ادعا ايلسه دعواسى
 مسموع اولماز

كذلك بر كيمسه ديكر كسنه ايله اولان دعواسندن صلح
 اوله رق حضور حاكه واروبده اول صلحك صحیح
 عقد اولنديغنى اقرار ايدرك بو اقرارى سنده ربط
 اولندقدنصكره دو نوبده صلح مزبورى شو مقوله شرط
 مفسد ايله اولمشيدى ديو ادعا ايلسه دعواسى مسموع
 اولماز

۱۶۵۹ ماده

بر كيمسه بر مالى ملكهدر ديو ديكر كسنه حضورنده آخره
 بيع و تسليم ايتد كده اول كسنه كوروبده بلا عذر

سکوت ایشیکن صکره دن اول مال بندر یاخود آنده
 حصدم واردر دیو دعوی ایتسه نظر اولنور . اکر
 اول کسنه یا بک اقرار بدن یاخود زوج و زوجه دن
 بریسی ایتسه اشبو دعواسی مطلقا استماع اولنماز . و اکر
 اجان بدن ایتسه اول وجهله یا لکز مجلس بیعه بولنمی
 دعواسنک استماعنه مانع اولیوب انجق مجلس بیعه
 حاضر اولدقد نیشقه مشترینک بر مدت اول ملکده اینیه
 یا بقی یاخود یقیمق و یاخود اغاج دیکمک کبی تصرف
 دلاک ایله تصرفنی کور و بده بلا عذر سکوت ایتدکن
 صکره بر وجه بالا بنیم ملکده یاخود آنده حصدم وار
 در دیو دعوی ایتسه کذلک استماع اولنماز



(باب ثانی)

(مرور زمان حقنده در)

۱۶۶۰ ماده

دین و ودیعه و ملک عقار و میراث و عقارات موقوفه ده
 مقاطعه یاخود اجار تین ایله تصرف و مشروطه تولیت
 و غله دعوالری کبی اصل وقفه و عمومه عائد اولمیان
 دعوالر اون بش سنه ترک اولندقدن صکره استماع اولنماز

۱۶۶۱ ماده

اصل وقف حقیقه متولی و مرتزقه کد دعوالری اوتوز
القی سنه یه قدر استماع اولنور
اما اوتوز القی سنه مرور ایتد کدنصکره ارتق استماع
اولنماز

مثلا بر کیسه اوتوز القی سنه بر عقاره ملکیت اوزره
متصرف اولد کدنصکره بروققک متولینسی اول عقاره بنم
وققمک مستغلاتنددر دیو دعوی ایتسه استماع اولنماز

۱۶۶۲ ماده

طریق خاص و مسیل و حق شرب دعوالری اکر ملک
عقارده ایتسه اون بش سنه مرور ایتد کدن صکره
استماع اولنماز و اکر عقارات موقوفهده ایتسه متولینک
انلری اوتوز القی سنه یه قدر دعوا به صلاحیتی وارد
اون سنه مرورندن صکره اراضی میریه دعوالری
استماع اولنمدیغی کبی اراضی میریه ده کی طریق خاص
و مسیل و حق شرب دعوالری دخی اون سنه ترک
اولند کدنصکره استماع اولنماز

۱۶۶۳ ماده

بو باده معتبر یعنی دعواک استماعنه مانع اولان مرور
زمان انجق بلا عذر واقع اولان مرور زماندر

یو خسه مدعینک و صیدی بولنسون بولنسون بولنسون صغیر
یا مجنون یا معتوه اولسی یا خود مدت سفر اولان اخر
دیارده بولنسی و یا خود خصمنک متغلبه دن اولسی کبی
اعذار شرعیه دن بویله مرور ایدن زمانه اعتبار اولنماز
بناء علیه مرور زمانک مبدئی عذرک زوال و اندفاعی
تاریخندن اعتبار اولنور

مثلا بر کیمسه ننگ حال صغیر نده کچن زمانه اعتبار اولنمیوب
مرور زمان انجق حد بلوغه و اصل اولدیغی تاریخندن
معتبر در

کذلک بر کیمسه ننگ متغلبه دن بویله دعواسی اولوبده
خصمنک تغلبی ممتد اوله رق دعوی ایدمه مدیکندن مرور
زمان بولنسه اول دعوانک استماعنه مانع اولماز . مرور
زمان انجق تغلبک زوالی تاریخندن معتبر در

ماده ۱۶۶۴

مدت سفر سیر معتدل ایله اوچ کونلک یعنی اون سگز
ساعتلک مسافه در

ماده ۱۶۶۵

بیلنرنده مدت سفر اولان ایکی بلده ساکنلرندن بریسی
بر قاق سنده بر کوره بر بلده ده بر لاشوب یکدیگر بویله
محاکمه لری قابل ایکن بر برندن برشی دعوی ایتمه رک

بووجهله مرور زمان بولندقدن صکره مدت مرور دن
مقدم تاریخ ایله برینک دیکرندن دعواسی استماع اولنماز
۱۶۶۶ ماده

برکیمسه بر خصوصی حضور حالکده دیکر کسنه دن
برقاج سننده بر کره دعوی ایلوب انجق فصل دعوی
ایلمیه رک بووجهله اون بش سنه مرور ایسه دعوانک
استماعنه مانع اولماز . اما حضور حالکده اولسان ادعا
ومطالبه مرور زمانی دفع ایده من

بناء علیه بر کیمسه بر خصوصی مجلس حاکم غیری
پرلده ادعا ومطالبه ایدرک بووجهله مرور زمان بولسه
مدعینک دعواسی استماع اولنماز
۱۶۶۷ ماده

مرور زمان مدعی مدعا بهی ادمایه صلاحیت کلدیکی
تاریخدن اعتبار اولنور

بناء علیه دین مؤجلی دعواده مرور زمان انجق حلول
اجلدن معتبر اولور . زیرا قبل حلول الاجل مدعینک
اول دینی دعوی ومطالبه به صلاحیتی یوقدر

مثلا برکیمسه دیکر کسنه دن بوندن اون بش سنه مقدم ثمنی
اویچ سنه مؤجل اولوق اوزره سکا بیع ایلمدیکم فلان شی
شمندن سننده شو قدر غروش اله جفم واردر دیو دعوی

ایلسه استماع اولنور • زیرا حملول اجلدن اعتبارا
انجق اون ایکی سنه کچمش اولور

کذلک بطننا بعد بطن اولاده مشروط وقفه دائر بطن
ثانیه بولنان اولادک دعوالرنده مرور زمان انجق بطن
اولک انقراضی تاریخندن معتبردر • زیرا بطن اول
موجود ایکن بطن ثانینک دعوایه صلاحیتی یوقدر

و ذلک مهر مؤجل دعواسنده مرور زمانک مبدائی وقت
طلاقدن یاخود احد زوجینک وفائی تاریخندن اعتبار
اولنور • زیرا مهر مؤجل یاطلاق یاخود وفات ایله
معجل اولنور

۱۶۶۸ ماده

مفلس اولان کسینده دن الهجق دعواسنده مرور زمان
انجق افلاسک زوالی تاریخندن معتبردر

مثلا اون بش سنه دنبرو مقادیا مفلس اولوب هنوز کسب
یسار ایلدیکی متحقق اولان بر کیسه دن دیگر کسینده
اون بش سنه مقدم ذمتکده فلان جهتدن شوقدر غروش
اله جقم واریدی اول تاریخندنبرو مفلس اولدیغک جهته
دعوی ایدهدم شمدی اداء دینه اقتدارک اولغله دعوی
ایدرم دیسه استماع اولنور

۱۶۶۹ ماده

بر کیمسه بر دعوایی بوجه بالا بلا عذر ترك ایدرک مرور
 زمان بولنسه اول دعوی حیاتنده کندوسندن استماع
 اولندیغی کبی وفاتنده وارشدن دخی استماع اولتماز

۱۶۷۰ ماده

بر دعوایی برمدت مورث و برمدت وارث ترك ایدوبده
 ایکی مدتک مجموعی مرور زمان حدینه بالغ اولورسه
 ارتق استماع اولتماز

۱۶۷۱ ماده

بایع ایله مشتری و واهب ایله موهوبله مورث ایله وارث
 کبیدر

مثلا بر کیمسه بر عرصه یه اون بش سنه متصرف او اوب
 اول عرصه نك اتصالده خانه سی اولان کسنه بومدته
 سکوت ایتدکن صکره اول خانه یی آخره بیع ایتدکده
 مشتری اول عرصه اشبو اشترا ایتدیکم خانه نك طریق
 خاصینر دیو دعوی ایلسه مسموع اولتماز

کذلاک برمدت بایع و برمدت مشتری سکوت ایدوبده ایکی
 مدتک مجموعی مرور زمان حدینه بالغ اولسه مشتری نك
 دعوایی استماع اولتماز

۱۶۷۲ ماده

متوفاتك ديكرنده اولان بر مالي دعواده ورثه سندن
بعضيلري حقتده مرور زمان بولنش. يكن ديكر بعضيلسي
حقتده صغر كبي بر عذر ايله مرور زمان بولنديغنه ميني
اول مالي دعوي و اثبات ايتد كده مدعا بده اولان
حصه سي كندوسنه حكم اولنور و بوحكم سار و ورثه يه
سرايت ايتمز

۱۶۷۳ ماده

بر كيسه بر عقارده مستأجر اولديغني مقر ايكن اون بش
سنه دن زياده زمان مرور ايتكله اكا مالك اوله ماز
اما انكار ايدوبده مالك دخي اول عقار بنم ملكدر شو
قدر سنه مقدم سكا ايجار ايتشيدم دائما اجرتني قبض ايدرم
ديو دعوي ايتد كده نظر اولنور

اكر ايجاري بين الناس معروف ايسه دعواسي استماع
اولنور . دكل ايسه استماع اولنماز

۱۶۷۴ ماده

تقادم زمان ايله حق ساقط اولماز
بناء عليه مرور زمان بولنان بر دعواده مدعا عليه حضور
حاكمده مدعينك دعواسي وجهله حالا كندوسنده حق
اولديغني صراحة اقرار و اعتراف ايدوبورر ايسه مرور

زمانه اعتبار اولنمىوب مدعا عليه اقرارى موجبجه
حکم اولنور

امامدعى عليه حضور حاکمه اقرار اتمیوبده مدعى انک
دیگر محله اقرار اتمش اولدیغنی دعوی ایدرسه مدعینک
اصل دعواسی استماع اولنمدیغنی کبی اقرار دعواسی
دخی استماع اولنماز

قط دعوی اولنان اقرار مقدا مدعى عليه معروف
اولان خط ویاختمی حاوی برسندده ربط اولنوبده اول
سندک تاریخندن وقت دعوايه قدر مرور زمان مدتی
بولنماش ایسه اوصورتده اقرار دعواسی استماع اولنور
ماده ۱۶۷۵

طریق عام ونهر ومرعی کبی منافعى عمومه عائد اولان
یرلک دعواسنده مرور زمانه اعتبار اولنماز
مثلا بر قریه یه مخصوص اولان مرعایى برکیمسه بلا نزاع
الی سنه ضبط وتصرف ایتدکدنصکره قریه سی اهالیسی
اول مرعایى اندن دعوی ایتسه لر استماع اولنور

اراده سنیه تاریخی فی ۹ جادی الاخری سنه ۱۲۹۳

عن اعضاء شوراي دولت امين الفتوى ناظر عدليه
 سيف الدين السيد خليل احمد جودت

رئيس ثانی محکمه تمیز
 السيد احمد حلمی
 عن اعضاء مجلس تدقیقات
 شرعیه السيد احمد خلوصی

رئيس المسودین
 عمر حلمی
 عن اعضاء مجلس تدقیقات
 شرعیه احمد خالد

اعلامات میزنی معاونی

عبد الستار

— ❧ كتاب البيّنات والتحليف ❧ —

✽ صورت خط همایون ✽

(موجبنجه عمل اولنه)

(کتاب خامس عشر)

(بینات و تحلیف حقنده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی)

(شتملدر)

(مقدمه)

(بعض اصطلاحات قهیهه بیاننده در)

۱۶۷۶ ماده

بینه • حجت قویه دیمکدر

۱۶۷۷ ماده

تواتر • کذب اوزره اتفاقلری عقلا جائز اولمیان جماعتک

خبریدر

۱۶۷۸ ماده

ملک مطلق • ارث و شرا کچی اسباب ملکدن بر یله

مقید اولمیان مالکیتدر • و بویله بر سبب ایله مقید اولان

ملکیتیه دخی ملک بسبب دینیلور

۱۶۷۹ ماده

ذی الید • بر عینه بالفعل وضع ید ابدن یا خود تصرف

ملاک ایله تصرفی ثابت اولان کیمیه در

۱۶۸۰ ماده

خارج • بوجه بالا وضع بد و تصرف بد بری اولان
کیمسه در

۱۶۸۱ ماده

تحلیف • احدی خصمینه باین ویرمکدر

۱۶۸۲ ماده

تحالف • خصمندن ایکیمسه دخی باین ویرمکدر

۱۶۸۳ ماده

تحکیم حال • یعنی حال حاضری حکم قبلیق استحباب
قبیلندندر

استحباب دخی عدمی مظنون اولیان بر امر محقق
بقاسیله حکم ایتمکدر که ابقاء ما کان علی ما کان دیمک
اولور

(باب اول)

(شهادت حقیقه اولوب سکز فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(شهادتک تعریف و نصابی بیاننده در)

۱۶۸۴ ماده

شهادت • بر کیمسدنک آخر کیمسه ده اولان حقنی اثبات

ایچون حضور ساجده و خصمینک مواجهه لرنده شهادت
لفظیله یعنی شهادت ایدرم دیو خبر ویرم کدر
اشبو مخبره شاهد و اول کیسه یه مشهود له و اول کسنه یه
مشهود علیه و اول حقه مشهود به دینیلور
۱۶۸۵ ماده

حقوق عبادده شهادتک نصیبی ایکی ار یاخود بر ار ایله
ایکی خانوندن . فقط ار ککارک اطلاعی مکن اولیان
یرلرده یالکیز خانونلرک مال حقنده شهادتلی قبول
اولنور

۱۶۸۶ ماده

دلسزک و اعمانک شهادتلی مقبول دکدر

(فصل ثانی)

(شهادتک کیفیت اداسی بیاننده در)

۱۶۸۷ ماده

مجلس محاکمه نک خارجنده اولان شهادت معتبر دکدر

۱۶۸۸ ماده

شاهدلرک مشهود بهی بالذات معاینه ایتش اولوبده
اولوجهله شهادت ایلمسی لازمدر . سماع ایله یعنی ناسدن
ایشتمد دیو شهادت ایلمسی جائز اولماز

فقط بر محلك و قف يا خود بر كس نه ك فوت اولديغنه
ثقه دن ايشتم ديو شهادت ايتسه يعنى بو كا شهادت
ايدرم زيرا ثقه دن بويله ايشتم ديسه شهادتى مقبول
اولور

و ولايت و موت و نسب خصوصلمرنده وجه شهادتى
بويله تفسير ايليه رك يعنى ايشتمه سوزيني سويليه رك سماع
ايله شهادت ايلسى جائزدر

مثلا فلان آدم فلان تاريخده بوبلدهده والى يا خود حاكم
ايدى و فلان آدم فلان وقت فوت اولدى و فلان كيسه
فلانك اوغليدر بويله بيلورم ديوبده ايشتم ديميدرك
صورت قطعيله شهادت ايتديكى صورتده هر نقدر
بو خصوصلمرى معاينه ايتماش اولسه و سنى انلرى معاينه به
مساعدا اولسه بيله شهادتى قبول اولنور . و برده ناسدن
ايشتم ديميو بده بلكه بز بو خصوصى معاينه ايتماك
اما بيمزده بويله مشتهر در بويله بيلورز ديه رك شهادت
ايتسه هر صورتده جائز اولور

۱۶۸۹ ماده

شاهد اكر شهادت ايدرم ديميو بده يالكاز فلان خصوصى
بويله بيلورم يا خود خبر و بررم ديمش اولسه اداء
شهادت ايتش اولماز . فقط انك اوزرينده حاكم اكا

بویله شهادت ایدر میسن دیوسؤال ایدو بده او دخی اوت
 بویله شهادت ایدرم دیدکده ایفای شهادت ایتمش اولور
 واکرچه اهل خـبره نك اخباری کبی مجرد تحقیق
 و اشته تکشاف حال ایچـون واقع اولان افاداده شهادت
 لفظی شرط دکادر انجق بونلر شهادت شرعیه اولیوب
 مجرد اخبار قبیلندندر

ماده ۱۶۹۰

مشهودله و مشهود علیه و مشهود به حاضر ایسه لر شاهد
 شهادت ایدرکن اوچنه دخی اشارت ایدر وانک بووجهله
 اشارتی کفایت ایدر • مشهودله ایله مشهود علیهک بابا
 و دده لر ینک اسملرینی ذکر ایلمسی لازم کلر

اما غائب اولان موککله یاخود متوفایه دائر اولان
 شهادتده شاهد انلرک بابا و دده لر ینک اسملرینی ذکر ایتمک
 لازمدر • فقط مشهور و معروف اولان برکیمسه ایسه
 شاهد انک یالکز اسم و شهرتی ذکر ایتمک کافیدر زیرا
 مقصد اصلی انی سائرندن تمیز ایده جک وجهله تعریفدر
 ماده ۱۶۹۱

عقاره دائر اولان شهادتده حدودنک بیانی لازمدر •
 فقط شاهد اکر مشهود به اولان عقارک حدودینی ذکر

ایتموبده محلنده تعیین و ارائه ایده بیله جکنی بیان ایلر ایسه
 محلنه کیدیلوب ارائه ایتدیریلور
 ماده ۱۶۹۲

(۱۶۲۳) ماده ده بیان اولندیغی اوزره مدعی سندنده کی
 حدوده استناد ایله دعوی ایتدیگی تقدیرده شاهدلر
 دخی بو سندده حدودی محرر اولان عقار انک ملکیدر
 دیو شهادت ایتسه لر صحیح اولور
 ماده ۱۶۹۳

برکیمسه مورثک دیگر کسنه ذمتنده شو قدر غروش
 اله جغی اولدیغی دعوی ایتدکده شاهدلر اکر متوفانک
 اول کسنه ده اول مقدار اله جغی اولدیغنه شهادت
 ایتسه لر کفایت ایدر ورثه سنه موروث اولشدر دیو
 تصریح حاجت یوقدر

دین برینه عین ادما اولندیغی صورتده یعنی اول کسنه
 یدنده مورثک برمال معینی بولندیغی ادما اولندقدده دخی
 حکم ینه بو وجهله در
 ماده ۱۶۹۴

برکیمسه ترکدن شو قدر غروش اله جق دعوی ایتدکده
 شاهدلر اکر متوفانک اول کیمسه به او قدر زینی اولدیغنه
 شهادت ایتسه لر کفایت ایدر وفاتنه قدر ذمتنه باقی ایدی

دیو تصریحہ حاجت یوقدر • دین یرینه عین ادعا
اولدیغی صورتده یعنی اول کیمسه متوفانک یدنده
کندوسنک بر مال معینی اولدیغنی دعوی ایتدکده دخی
حال بومنوال اوزره در

۱۶۹۵ ماده

بر کیمسه دیگر کسنه دن اله جقی دعوی ایتدکده شاهدلر
اگر اول کیمسه نك مدعی به اول مقدار دینی اولدیغنه
شهادت ایتسلر کفایت ایدر • فقط خصمی حالا دینک
بقاسندن سؤال ایدو بده شاهدلر حالا بقاسنی بیلیر دیسه لر
شهادت لری رد اولنور

(فصل ثالث)

(شهادتک شروط اساسیه می بیانده در)

۱۶۹۶ ماده

حقوق ناسه شهادتده سبق دعوی شرطدر

۱۶۹۷ ماده

محسوسک خلافتده اقامه اولنان یننه مقبول اولماز
مثلا بر کیمسه نك بر حیات ویا بر خانه نك معهور اولدیغنی
مشاهد ایکن اول کسنه نك و فات ایلدیکنه یا خود اول
خانه نك خراب اولدیغنه یننه اقامه اولنسه مقبول و معتبر
اولماز

۱۶۹۸ ماده

متواترک خلافه اقامه اولنان بینه قبول اولماز

۱۶۹۹ ماده

بینه برحق اظهار ایچون مشروع قلمشدر • بناء علیه
فلان کیمسه اوایشی ایشلمدی و فلان شی فلان کسنه نك
دکدر و فلانک فلانه بورجی یوقدر کبی نفی صرفه
شهادت قبول اولماز • فقط نفی متواتر بینه سی مقبولدر
مثلا بر کیمسه فلان کیمسه یه فلان وقت فلان محمله شو
قدر غروش اقراض ایتدم دیوجھت فرضدن اول مقدار
غروش دعوی ایدوب حالبوکه اول کسنه نك اولوقت
اوراده اولمیوبده بشقه محمله بولندیغی تواترا اثبات
اولنسه اشبو تواتر بینه سی مقبول اولوب مدعینک
دعواسی مسموع اولماز

۱۷۰۰ ماده

شهادتده دفع مغرم وجر مغنم یعنی دفع مضرت و جلب
منفعت داعیه سی اولماقی شرطدر

بناء علیه اصلک فرعه و فرعک اصله یعنی ابا و اجداد
وامهات و جداتک اولاد و احفادی لهترینه و اولاد
و احفادک ابا و اجدادی و امهات و جداتی لهترینه و هکذا
احد زوجینک دیکری لهنه شهادتتری مقبول اولماز •

اما بونلردن ماعدا اقر بانك يك ديكرى لهسنه شهادتلى
 مقبول اولور كذلك بر كيمسه نك اتفـاقيله تعيش ايدن
 آدمـنك و اجير خاصنك كندو لهسنه شهادتلى مقبول
 اولماز . اما قپو يولداش لرينك يكديكرى لهنه شهادتلى
 مقبول اولور و كذلك شريكرك مال شر كتمده يكديكرى
 لهسنه شهادتلى و كفيل بالمال اولان كيمسه نك اصيل
 طرفندن مكفول بهك ادا اولنديغنه شهادتى مقبول اولماز
 اما سائر خصوصلرده يكديكره شهادتلى مقبول اولور
 ماده ۱۷۰۱

دوسنك دوسته شهادتى مقبولدر . فقط بيلنلرنده كى
 دوستلق يكديكرك مالنده تصرف ايمه مرتبه سنه وارر
 ايسه اول حالده يكديكرك لهسنه شهادتلى مقبول اولماز
 ماده ۱۷۰۲

شاهد ايله مشهود عليه بيننده عداوت دنيويه اولماق
 شرطدر . عداوت دنيويه عرف ايله بيلنور
 ماده ۱۷۰۳

بر كيمسه هم مدعى وهم شاهد اوله ماز
 بناء عليه وصينك يتيمه ووكيلك مؤكده شهادتلى صحيح
 اولماز

۱۷۰۴ ماده

بر کیمسه نك كندو فعلنه شهادتی معتبر دکلدر
بناء علیه وکیلرک و دلالیرک بزبیر ایتمشیدک دیو کندو
فعلرینه شهادتلی معتبر اولماز

کذلک بر بلده حاکی انفصا ائندن صکره قبل الانفصال
کندوسندن صدور ایتمش اولان حکمه شهادت ایلسه
صحیح اولماز اما قبل الانفصال بر کیمسه نك کندی حضورنده
واقع اولان اقرارینه بعد الانفصال شهادت ایلسه معتبر
اولور

۱۷۰۵ ماده

شاهدک عادل اولمی شرطدر
عادل حسنانی سیئاته غالب اولان کیمسه در
بناء علیه رقاص و مسخره کبی ناموس و مروتی محل حال
و حرکتلی اعتیاد ایدن اشخاصک و کذب ایله معروف
اولان کسانک شهادتلی مقبول اولماز

(فصل رابع)

(شهادتک دعوایه موافقتی بیاننده در)

۱۷۰۶ ماده

شهادت اگر دعوایه موافق ایسه قبول اولور . دکل

ایسه قبول اولماز . فقط لفظه اعتبار اولیوب معنی موافقت کافیدر

مثلا مدعا به و دیعه اولوبده شاهدلر مدعا علیهمک ایداعی اقرار ایلدیکنه شهادت ایتسدر یا خود مدعا به غضب اولوبده شاهدلر مدعا علیهمک غصبی اقرار ایلدیکنه شهادت ایتسدر مقبول اولور .

کذلک مدیون اداء دین ایلدیکنی دعوی ایدوبده شاهدلر ایشک مدیونی ابرا ایلدیکنه شهادت ایتسدر مقبول اولور

۱۷۰۷ ماده

شهادتک دعوا به موافقتی یا اکا تمامیه مطابقتی و یا خود مشهود بهک مدعا بهدن اقل اولسی صورتیدر

مثلا مدعی بومال ایکی سنه دنبرو بنم ملکمدنر دیو دعوی ایدوبده شاهدلر دخی ایکی سنه دنبرو ملکی اولدیغنه شهادت ایتدکاری صورتده شهادتتری مقبول اولدیغنی کی برسنه دنبرو ملکی اولدیغنه شهادت ایتدکاری صورتده شهادتتری قبول قیلنور

کذلک مدعی بیک غروش دعوی ایدوبده شاهدلر بشیوزه شهادت ایتدکاری صورتده بشیوز غروش حقهده شهادتتری قبول اولنور

۱۷۰۸ ماده

مدعا به اقل اولوبده شاهدلر اکثره شهادت ايلسه مدعي مقبول اولماز

مگر که شهادت ايله دعوی بیننده کی اختلاف ذاتاً قابل توفیق اولوبده مدعی دخی انلرک بینی توفیق ایلیده اولخالده شهادت قبول قیلنور

مثلا مدعی بومال ایکی سنه دنبرو بنم ملکمدر دیو دعوی ایدو بده شاهدلر اوچ سنه دنبرو ملکی اولدیغنه شهادت ایلسه لر قبول قیلماز . کذلک مدعی بشیوز غروش دعوی ایدو بده شاهدلر بیک غروشه شهادت ایتسه لر قبول اولتماز اما مدعی بنم آنده اله جغم فی الواقع بیک غروش ایدی لکن بشیوز بینی استیفا ایتشیدم شاهدلر اوراسنی بیلمزلر دیو دعوی ايله شهادتک بینی توفیق ایلسه شاهدلر بیک شهادتی قبول اولنور

۱۷۰۹ ماده

مدعی مثلا شو باغ بنم ملکمدر دیو ملک مطلق دعواسی ایدو بده شاهدلر مدعی بو باغی فلانندن صامتون الدی دیو ملک مقیده شهادت ایتسه لر قبول اولنور شویله که شاهدلر اولوجهله ملک مقیده شهادت ایتدکارنده حاکم سنده بوسبيله می ملک دعواسی ایدو بوسین بوخسه

آخر سبيله هي ديو مدعين سوآل ايدر مدعي اكر اوت
 بنده بوسبيله دعوى ايدر م دير ايسه حاكم اول شاهدرك
 شهادتني قبول ايدر واكر سبب آخرله دعوى ايدر م
 ياخود بن بوسبيله دعوى ايتم دير ايسه حاكم اول
 شاهدرك شهادتني رد ايلر

ماده ۱۷۱۰

مدعي مثلا بر باغده ملك مقيد دعواسي ايتديكي صورتده
 نظر اولنور اكر بايعني ذكر ايتيهرك صاتون الدم
 ياخود مبهم اوله رق بر ادمن صاتون الدم دير ايسه
 ملك مطلق دعواسي حكمنده اولغله شاهدلر بو باغ
 انك ملكيدر ديو ملك مطلقه شهادت ايتسه لر قبول
 اولنور

اما فلان آدمن صاتون الدم ديو بايعني تصریح ايدوبده
 شاهدلر ملك مطلقه شهادت ايتسه لر شهادتلى قبول
 اولنماز

چونكه ملك مطلق ثابت اولسه عن اصل وقوعى ثابت
 اولوب زوائدينه مثلا باغك مقدا حصوله كمش اولان
 ميوهلرينه دخی مدعينك مالك اولسى لازم كلور ملك
 مقيد ايسه انجق سيبينك مثلا عقد بيع وشرانك تاريخ

وقوعندن اعتباراً نابت اولور بوجهتله ملك مطلق ملك
مقيده نسبتله اكثر اولور و بصورتده شاهدلر اكثره
شهادت ايتمش اولورلر

۱۷۱۱ ماده

شهادت اكر دينك سبينده دعوايه مخالف اولور ايسه
مقبول اولماز

مثلا مدعى ثمن مبيع اولوق اوزره بيك غروش الهجق
دعوى ايدوبده شاهدلر ايدما عليهك جهت قرضدن
طولاي اولمقدار ديني اولديغنه شهادت ايتسهلر مقبول
اولماز . كذلك مدعى بوملك بكا پدرمدن موروثدر ديو
دعوى ايدوبده شاهدلر اناسندن موروث اولديغنه
شهادت ايتسهلر مقبول اولماز

(فصل خامس)

(شاهدلك اختلافلى بيانده در)

۱۷۱۲ ماده

شاهدلر مشهود بده اختلاف ايتسهلر شهادتلى مقبول
اولماز

مثلا شاهدلك برى بيك غروشلق التون وديكرى بيك
غروشلق سيم مجديه ديو شهادت ايتسهلر شهادتلى
قبول اولماز

شاهدلك مشهود بهه متعلق اولان برشیده اختلافری
 مشهود بهه اختلافی موجب اولور ایسه شهادتلی
 قبول اولماز و موجب اولماز ایسه قبول اولنور
 بناء علیه غصب و ایفای دین کبی صرف فعلدن عبارت
 اولان خصوصلرده شاهدلك بری بر زمان معینده و یا مکان
 معینده فعله و دیگری زمان آخرده یا مکان آخرده فعله
 شهادت ایسهلر بو اختلافری مشهود بهه اختلافی موجب
 اولمغله شهادتلی قبول اولماز

اما قول قبیلندن اولان بیع و شرا و اجاره و کفالت
 و حواله و هبه و رهن و دین و قرض و ابرا و وصیت
 خصوصلرنده شاهدلك زمان و مکانده اختلافری مشهود
 بهه اختلافی موجب اولمغله شهادتلینک قبولنه مانع
 اولماز

مثلا بر کیمسه بورجنی ادا ایتمش اولدیغنی دعوی ایدو بهه
 شاهدلك بری خانه سنده و دیگری دکانده ادا ایتمش
 اولدیغنه شهادت ایتسهلر شهادتلی قبول اولماز . اما
 بر کیمسه دیگر کسنه نك یدنده اولان بر مال ایچون سن
 بو مالی بکا شو قدر غروشه صاتممش ایدک انی بکا تسلیم
 ایت دیو دعوی ایتدکده شاهدلك بریسی فلان خانه ده

ودیکری فلان دکانده صانمش اولدیغنه شهادت ایتسه لر
 شهادتلی قبول اولنور . زیرا فعل تکرار واعاده
 اولنه ماز . اما قول تکرار واعاده اولنه بیلور
 ماده ۱۷۱۴

شاهد لر مال مغصوبک رنکنده یا خود ارکک و یا دیشی
 اولسنده اختلاف ایتسه لر شهادتلی قبول اولنماز
 مثلا مغصوب اولان حیوان حقمده شاهدلرک بری قیر
 آت ودیکری یاغز یا آل آت و یا خود بری آت ودیکری
 قصراق دیو شهادت ایتسه لر شهادتلی قبول اولنماز
 ماده ۱۷۱۵

دعوی عقدده شاهد لر بدلاک مقدارنده اختلاف ایتسه لر
 شهادتلی قبول اولنماز
 مثلا شاهدلرک بری برمالک بشیوز غروشه ودیکری اوچ
 یوز غروشه صاناندیغنه شهادت ایتسه لر شهادتلی قبول
 اولنماز

(فصل سادس)

(تزکیه شهود حقمده در)

ماده ۱۷۱۶

شاهد لر شهادت ایتدکنده حاکم مشهود علیهدن نه دیرسین
 بونلر شهادتلینده صادقیدرلر بوخسه دکلیدرلر دیو سؤال

ایدر . مشهود علیه اگر شاهد بر بوشهادت نرند صا دق در لر
یا خود بوشهادت نرند عادل در لر دیر ایسه مدعا بهی اقرار
ایتمش اولور واقرار یله حکم اولور . و اگر یونر شاهد
زور در لر یا خود بونر عادل آدم لر در لکن بو خصوصه
خطا ایده یور لر یا خود واقعه بی اونو تمش لر دیر ایسه و یا خود
یا لکز بونر عادل آدم لر در دیمکله برابر مدعا بهی انکار
ایسه حاکم حکم ایتموب شاهد لری سرا و علنا تزکیه ایله
عادل اولوب اولدق لرینی تحقیق ایلر
۱۷۱۷ ماده

شاهد لر کرک سرا و کرک علنا منسوب اولدق لری جانبدن
یعنی طلبه علوم دن ایسه ساکن اولدق لری مدرسه مدرسی
ایله معتمد اهالیسندن و عسکریدن ایسه طاہوری ضابطان
و کاتب لرندن و کتبه دن ایسه قلمی ضابطان و خلف اسندن
و تجاردن ایسه تجارک معتبرانندن و اصناف دن ایسه
کتخداسیله اونجه اوسته لرندن و صنوف ساثره دن ایسه
محلله و یا قریه لرینک موثوق و مؤتمن اهالیسندن تزکیه
اولنور

۱۷۱۸ ماده

سرا تزکیه اصطلاح فقہاده مستوره تعبیر اولنور ورقه
ایله اجرا اولنور

شویله که حاکم اول ورقه به مدعی و مدعی علیه اسملرینی
 و مدعا به ایله شهودک اسم و شهرت و صنعتلرینی و اشکال
 و محللرینی و بابا و دده لرینک اسملرینی و معروف ایسه دلر
 یالکزامم و شهرتلرینی تحریر و الحاصل شاهدلری سائرندن
 تمیز ایله جک و جهله تعریف و بیان و برظرف دروننه
 وضع ایله اوزرینی مهرلدکن صکره مزکی انتخاب
 اولنان کسنه لره ارسال ایدر مزکیلر دخی مستوره بی
 فتح و قرائت ایدوب ایچنده اسملری محرر اولان شاهدلر
 عادل ایسه دلر اسملری تحته عدل و مقبول الشهاده دیو تحریر
 و عادل دکالر ایسه عادل دکالر دیو تحریر و امضا ایلیه رک
 مستوره بی کتورن آدمی و آخر کسنه بی مضمونه واقف
 ایتمکسزین ظرف اوزرینی مهرلیوب حاکمه اعاده ایدر
 ماده ۱۷۱۹

مستوره ده مزکیلر طرفندن شاهدلر حقیقده عادل و مقبول
 الشهاده دیو یازلیوبده عادل دکالر یاخود حاللرینی بیلیر
 و یا مجهول الاحوال و یاخود الله بیلور کبی صراحة
 یاخود دلالة جرحی افاده ایدر بر سوز یازلمش اولور
 و یاخود هیچ بر شی یازمقسنزین مستوره محتوما حاکمه
 اعاده اولنور ایسه حاکم اول شاهدلرک شهادتی قبول
 اتمز

بوصورتده حاکم طرفندن مدعییه سنک شاهدلرک جرح
اولندی دینلیوب انجق بشقه شاهدلرک وارایسه کتور
دینلور

واکر مستورهده عادل و مقبول الشهاده درلر دیو یازلمش
ایسه مرتبه ثانیهده اوله رق علنا تزکیهیه ایتدار اولنور
۱۷۲۰ ماده

علنا تزکیه بووجهله اجرا اولنور که مزکیلر حضور
حاکم جلب ایله مترافعان حاضر اولدقلری حالده
شاهدلر تزکیه اولنور و یا خود مترافعان برابر اولدقلری
حالده شاهدلر تزکیه نایبته ترفیقا مزکیلرک یانلرینه
کوندریله رک محملارنده علنا تزکیه اولنورلر
۱۷۲۱ ماده

سرا تزکیهده برمزکی کافی ایسهده احتیاطه رعایه لااقل
ایکی اولملیدر
۱۷۲۲ ماده

تزکیه علنیه شهادت قبیلندن اولوب شهادتک شرط
ونصابی بونده دخی معتبردر . شو قدر وار که مزکیلرک
شهادت لفظنی ذکر ایتلمی لازم دکدر
۱۷۲۳ ماده

بر حاکمک عندنده بر خصوص ضمننده عدالتی ثابت

اولان شاهدلرينه اول حاكمك حضورنده ديك بر خصوصه
شهادت ايتدكارنده اكر اردهنى التى آى چكماش ايسه
حاكم تكرر انلرى تزكيه ايله مشغول اولماز . و اكر
التى آى چكماش ايسه حاكم تكرر انلرى تزكيه ايلر
ماده ۱۷۲۴

كرك قبل التزكيه وكرك بعد التزكيه مشهود عليه دفع
مغرم ياخود جر مغرم كى شهادتك قبولنه مانع اولور
برى اسناديله شاهدلره طعن ايدر ايسه حاكم اندن بدينه
طلب ايلر . و مشهود عليه بونى بالبينه اثبات ايلديكى
تقديرده حاكم اول شاهدلك شهادتلرينى رد ايدر و اثبات
ايله مديكى تقديرده حاكم اكر شاهدلرى تزكيه ايتماش
ايسه تزكيه ايلر . و اكر تزكيه ايتش ايسه شهادتلرى
موجبجه حاكم ايدر
ماده ۱۷۲۵

مز كيلردن بعضيسى شاهدلرى جرح و بعضيسى تعديل ايلسه
جرح طرفى مرجح اوله رق حاكم انلك شهادتلىله حاكم ايتمز
ماده ۱۷۲۶

معاملاتده شاهدلر بعد اداء الشهاده فوت و ياخود غائب
اولسدلر حاكم انلرى تزكيه ايدرك شهادتلىله حاكم
ايله ييلور

(تذييب)

(تحليف شهود حقننده در)

ماده ۱۷۲۷

مشهود اليه قبل الحكم شاهد له شهادت نده كاذب
اولد قرينه يمين وير ديو حاكمه الحاح ايدو بده شهادت ك
يمين ايله تقويته دخي لزوم كورلديكي تقديرده حاكم
او شاهد له يمين ايتديره بيلور . و حاكم شاهد له يمين
ايدرسه كز شهادت كزي قبول ايدرم والا ايتيم ديه بيلور

(فصل سابع)

(شاهد لك شهادتن رجوعى حقننده در)

ماده ۱۷۲۸

شاهد لك بعد اداء الشهاده وقبل الحكم حضور حاكمه
شهادت نندن رجوع ايتسه لر شهادت لرى كان لم يكن
حكمنده اولور و كندولرى تعذير اولنور لر

ماده ۱۷۲۹

شاهد لك بعد الحكم حضور حاكمه شهادت نندن رجوع
ايتسه لر حاكم حكمنه نقض اولنمى وب محكوم به
شاهد له تضمين ايتدير بيلور (۸۰) ماده يه باق

۱۷۳۰ ماده

شاهدلك بعضیسی بروجده بالا شهادتندن رجوع ایتدكده
اكر باقیسی نصاب شهادته بالغ ایسه رجوع ایدندن
ضمان لازم کلمز فقط تعزیر اولنور . واکر باقیسی نصاب
شهادته بالغ دكسه محكوم بهك نصفی رجوع ایدن برکشی
اولدیغی تقدیرده مستقلا اكا و بردن زیاده اولدقنری
تقدیرده بالاشترک سو یا انلره تضمین ایتدیریلور

۱۷۳۱ ماده

رجوعك شرطی حضور حاکمه اولقدر . شاهدلك
بشقه محله رجوعنه اعتبار یوقدر
بناء علی ذلک مشهود علیه شاهدلك بشقه محله
شهادتلرندن رجوع ایتدکاربینی دعوی ایسه مسموع اولماز
وشاهد برحاکك حضورنده شهادت ایتدکدنصکره دیگر
حاکك حضورنده شهادتندن رجوع ایسه رجوعی
معتبر اولور

(فصل ثامن)

(تواتر حقیقه در)

ماده ۱۷۳۲

کثرت شهوده اعتبار یوقدر
یعنی طرفیندن برینک طرف آخره نسبتله شاهدلری زیاده
اولغله انک ترجیح اولنمسی لازم کلز . مکرکه شاهدلرینک
کثرتی درجه تواتره بالغ اوله

ماده ۱۷۳۳

تواتر علم یقین افاده ایدر
بناء علیه بالاده بیان اولندیغی اوزره تواترک خلافته بینه
اقامه اولنه ماز

ماده ۱۷۳۴

تواترده لفظ شهادت شرط اولدیغی کبی عدالت دخی
ارانماز . بناء علیه مخبرلرک تزکیه سنه حاجت کورنمز

ماده ۱۷۳۵

تواترده مخبرلرک عدد معینی یوقدر . انجق عقل انلرک
کذب اوزره اتفاقلرینی تجویز ایتیه جک مرتبه برجم
غفیر اولملری لازمدر

(باب ثانی)

(حجج خطیه وقرینه قاطعه بیاننده اولوب ایکی)

(فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(حجج خطیه بیاننده در)

۱۷۳۶ ماده

بالکز خط و ختم ایله عمل اولتماز . فقط شبهه تزویر
وتصنیعدن سالم ایسه معمول به یعنی مدار حکم اولور
بشقه وجهله ثبوته حاجت قالماز

۱۷۳۷ ماده

برات سلطانی و قیود دفتر خاقانی تزویردن امین اولمغله
معلول بهدر

۱۷۳۸ ماده

کتاب قضاده بیان اولنه جنجی وجهله حیلله وفساددن
سالم اوله جق صورتده طوتیلان سبجلات محاکم ایله دخی
عمل اولنور

۱۷۳۹ ماده

مجرد و ققیه ایله عمل اولتماز . اما بوجه بالا موثوق
و معتمد به اولان سبجل محکمه ده مقید ایسه اول حالده
معمول به اولور

(فصل ثانی)

(قرینه قاطعه بیاننده در)

۱۷۴۰ ماده

اسباب حکمیدن بریسی دخی قرینه قاطعه ددر

۱۷۴۱ ماده

قرینه قاطعه حدیقینه بالغ اولان اماره در

مثلا بر کسینه النده قانه بولا شمش بچاق اولدیغی حالده

خوف وتلاش ایله بر خالی خانه دن چیقدیغی کبی در عقب

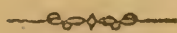
او خانه یه کیریلوبده هنوز بوغاز لانش بر شخص کورلسه

اول کسینه بو شخصک قانلی اولدیغنه اشتباه اولنماز .

شاید که اول شخص کندو کندوسنی اولدرمش اولوق

کبی صرف احتمالات و همیشه التفات قلمناز . (۷۴)

ماده یه باق



(باب ثالث)

(تحلیف بیاننده در)

۱۷۴۲ ماده

اسباب حکمیدن بری دخی یمین یا خود یمیندن نکولدر

شویله که مدعی دعواسنی اثباتدن اظهار عجز ایلمدیکی

تقدیرده انک طلبیله مدعا علیه یمین ویریلور

فقط بر کیمسه دیگر کسسه دن سن فلانک و کیلیسین دیو
 دعوی ایدوبده اول کسسه انکار ایتدیکی صورته
 کندوسنه یمین ویرلمک لازم گلز

کذلک ایکی کشینک هربری بر کسسه نك یدنده کی مالی اندن
 اشترا ایتدم دیو دعوی ایدوبده اول کسسه برینه صاندیغنی
 اقرار ایله دیگرینک دعواسنی انکار ایتدیکی صورته
 کندویه یمین توجه ایتز

بو خصوصده استیجار و ارتهان و اتهاب دخی اشترا
 کبدر

۱۷۴۳ ماده

خصمندن بری تحلیف اولنده جق اولدیغنی حالده والله
 و یاخود بالله دیو الله تعالی حضرتلرینک اسمنه قسم
 ایتدیریلور

۱۷۴۴ ماده

یمین انجیق حاکمک یاخود نایبک حضورنده اولور .
 بشقه کسسه حضورنده اولان یمیندن نکوله اعتبار
 یوقدر

۱۷۴۵ ماده

تحلیفده نیابت جاری اولور . اما یمینده نیابت جاری
 اولماز

بناء عليه دعوى و كيلارى خصمه يمىن ويرديره بيلور .
 اما موكلارينه يمىن توجه ايتدكده بالذات انلوك يمىن ايتمى
 لازم كلور و كيلارينه يمىن ايتديريله من

۱۷۴۶ ماده

يمىن انجق خصمك طلبى اوزرينه ويريلور . فقط درت
 رده بلا طلب حا كم طرفندن يمىن ويريلور

اولا بر كيمسه تركه دن برحق دعوى و اثبات ايتدكده
 حا كم مدعى يه بو حقى متوفادن بروجله استيفا ايتديكنه
 و ايتدرمديكنه و انى ابرا و بشقه سنك اوزرينه حواله
 ايتديكنه و بشقه كسنه طرفندن ايفا اولنديغنه و بو حقك
 مقابلنده متوفانك رهنى اولنديغنه يمىن ويرر اشته بو كا
 يمىن استظهار دينور

ثانياً بر كيمسه بر ماله مستحق چيقوبنده دعواسنى اثبات
 ايتدكده اول مالى كسنه يه صاتمماش و هبه ايتماش
 و الحاصل بروجله ملكندن چيقار مامش ايدوكنه حا كم
 طرفندن يمىن ويريلور

ثالثاً مشترى ميبعى عيبنه بناء رد ايدو حك اولدقده
 عيبنه مطلع اولدقدن صكره قولاي خود (۳۴۴) ماده ده
 بيان اولنديغنى اوزره ملاكك تصرفى كى تصرف ايله

دلالت عینه راضی اولماش ایدوکنده حاکم طرفندن یمین
ویریلور

رابعاً حاکم طرفندن شفعه ایله حکم اولنه جق اولدوقده
شفعه شفعه بی ابطال یعنی حق شفعه سنی بروجهله اسقاط
ایتماش اولدیغنه یمین ویریلور

۱۷۴۷ ماده

خصمک طلبی اوزرینه هنوز حاکم طرفندن یمین تکلیف
اولنمدین مدعا علیه یمین ایدویورسه معتبر اولیوب تکرار
حاکم طرفندن تکلیف اولنمق لازم کلور

۱۷۴۸ ماده

برکیسه کندو فعلنه دار یمین ایده جک اولدوقده شاته
یمین ویریلور یعنی بوشی بویله در یاخود دکدر دیو قطعیا
یمین ایتدیریلور

اما دیگر کیسه نک فعلی حقتنده یمین ایده جک اولدوقده
عدم علمه یمین ویریلور یعنی اول شیبی بیلمدیکنه یمین
ایتدیریلور

۱۷۴۹ ماده

یمین یاسبیه یاخود حاصله اولور
شویله که بر خصوصک واقع اولوب اولدیغنه یمین ایتمک

سببه یمیندر و بر خصوصك حالا باقی اولوب اولدیغنه
 یمین ایتك حاصله یمیندر

مثلا بیع و شرا دعواسنده عقد بیعك اصلا وقوع
 بولدیغنه یمین ایتك سببه یمیندر . اما عقدك حالا باقی
 اولوب اولدیغنه یمین ایتك حاصله یمیندر

۱۷۵۰ ماده

مختلف دعوالر مجتمیع اولدوقده بر یمین کفایت ایدر هر
 برینه بشقه بشقه یمین و یرمك لازم کلز

۱۷۵۱ ماده

معاملاته دائر اولان دعوالرده کندویه یمین توجه ایدن
 کیسه یه یمین تکلیف اولنوبده یمین ایتم دیو صراحة
 یاخود بلاعذر سکوت ایله دلالة یمیندن نکول ایتسه حاکم
 انك نکول ایله حکم ایدر . و بعدالحکم یمین ایده چك
 اولسه اكا التفتات اولنمیوب حاکم حکمی حالی اوزره
 قالور

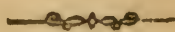
۱۷۵۲ ماده

داسزك اشارت معهوده سیله یمینی و یمیندن نکولی
 معتبردر

(لاحقہ)

۱۷۵۳ مادہ

مدعی هیچ شاهد یوقدر دیدکدن صکره شاهد
کتوره جک اولسه یاخود فلان وفلانن بشقه شاهد
یوقدر دیدکدن صکره آخر شاهد وار دیسه قبول
اولتماز



(باب رابع)

(ترجیح بینات و تحالفه دائر اولوب درت فصلی)

(مشتملدر)

(فصل اول)

(تنازع بالایدی بیاننده در)

۱۷۵۴ مادہ

منازع فیه اولان عقارده ذی الیدلک بینه ایله اثبات
اولنق لازمدر . طرفینک تصادقی یعنی مدعینک
دعواسی اوزرینه مدعا علیہک دخی اقرار ایلمسی ایله مدعا
علیهک ذی الید اولدیغنه حکم اولنه ماز
فقط مدعی اول عقاری بن سندن اشترا ایتمشیدم یاخود
سن انی بدن غضب ایتمشیدک دیودعوا ایتدیکی صورتده

مدعا علیہک ذی الید اولدیغنی بینہ ایله اثباتہ حاجت
یوقدر

و برده منقول هر کیمک بدنده ایسه ذی الید اودر بروجه
بالابینه ایله اثباتہ حاجت یوقدر • و بونده طرفینک
تصادقی کافیدر

۱۷۵۵ ماده

ایکی کیمسه بر عقارده نزاع ایدوب هربری اول عقاره
ذی الید اولدیغنه بینہ طلب اولنور
ایکیسی بردن ذی الید اولدقلرینه اقامه بینہ ایتدکری
تقدیرده ایکیسنک دخی مشترکا ذی الید اولدقلری ثابت
اولور

واکر بری وضع یدینی اثباتدن اظهار عجز ایدوبده
دیگری واضع الید اولدیغنه اقامه بینہ ایدرسه انک ذی
الید اولدیغنه حکم اولنوب اوبری خارج عد اولنور
و خصمیندن هیچ بریسی ذی الید اولدیغنی اثبات ایدمه
ایسه هر برینه آخرک طایبله خصمینک اول عقارده ذی الید
اولدیغنه یمین و یریلور • ایکیمی دخی یمیندن نکول
ایدرسه بالاشتراک اول عقارده ذی الید اولدقلری ثابت
اولور • واکر بری یمیندن نکول ایدوبده دیگری یمین

ایدر ایسه یمین ایدن کیمسه اول عقاره مستقلا واضع
اید اولق اوزره حکم اولنوب دیکری خارج عدا اولنور .
واکر هر بری یمین ایدرسه هیچ بریسنگ ذی اید
اولدیغنه حکم اولنوب حقیقت حال ظاهر اولنجه یه دک
مدعا به اولان عقار توقیف اولنور

(فصل ثانی)

(ترجیح بینات حقنده در)

ماده ۱۷۵۶

ایکی کشی بر مالده علی الاشترک متصرف یعنی ایکیمی
دخی ذی اید ایکن بری بالاستقلال و دیکری بالاستترک
ملکمه در دیو دعوی ایتدکده استقلال بینه سی اولادر
یعنی ایکیمی دخی اقامه بینه ایده جک اولدققرنده دعوی
استقلال ایده نک بینه سی دعوی اشترک ایده نک بینه سی
اوزرینه ترجیح اولنور واکر ایکیمی دخی استقلال
دعواسی ایدوبده اقامه بینه ایتسه لر اول عقار مشترک انلره
حکم اولنور . واکر بری اثباتدن عاجز اولوبده دیکری
اثبات ایلسه اول عقار مستقلا نک ملک اولق اوزره
حکم ایدیلور

۲۲۲
ماده ۱۷۵۷

تاریخ بیان اولنمیان ملک مطلق دعواسنده خارجک

بینه سی اولادر

مثلا بر کیمسه دیگر کسنه نک یدنده اولان خانه ایچون بو

خانه بنم ملکمدر بو آدم اکا بغیر حق وضع بد ایدیور

الیورلمسی مطلوبدر دیو دعوی و ذی الیددخی بو خانه

بنم ملکمدر بو جهته له بحق وضع بد ایدرم دیو دعوی

ایتدکده خارج اولان کیمسه نک بینه سی ترجیح واستماع

قلنور

ماده ۱۷۵۸

شراکی تکرری قابل بر سببله مقید اولان و تاریخ بیان

اولنمیان ملکیت دعواری ملک مطلق دعوایی حکمنده

اولوب بونلرده دخی خارجک بینه سی ذی الیدک بینه سی

اوزرینه ترجیح اولنور

فقط ایکیسی دخی بر شخصدن تلیق ملک ایتمش اولدقلرینی

ادعا ایتدکاری صورتده ذی الید بینه سی ترجیح قلنور

مثلا بر کیمسه دیگر کسنه نک یدنده اولان بر دکان ایچون

بو دکانی بن ولی اغادن اشترا ایتدم بو جهته بنم ملکم

ایکن بو آدم بغیر حق وضع بد ایدیور دیو دعوی و ذی

الید دخی بن انی بکرافتیدن اشترا ایتدم یاخود پدرمدن

موروثدر بوجهتله وضع يد ایدرم دیو دعوی ایتدکده
خارجك بینه سی ترجیح واستماع اولنور . اما ذی الید
بو دکانی ولی اغادن بن اشتر ایتدم دیسه اول حالده
انك بینه سی خارجك بینه سی اوزرینه ترجیح قلنور
۱۷۵۹ ماده

تساج كبی تکرری قابل اولیان برسپبله مقید ملکیت
دعوالزنده ذی الید بینه سی اولادر
مثلا خارج و ذی الید برطایده نزاع ایدوبده هر بری اول
طایك کندو قسراغندن طوغمه مالی اولدیغنی دعوا
ایتدکارنده ذی الیدك بینه سی ترجیح اولنور
۱۷۶۰ ماده

ملك مورخ دعواسنده تاریخی مقدم اولانك بینه سی
اولادر

مثلا برکیمسه دیگر کسنه نك یننده اولان عرصه ایچون
بن بو عرصه یی بر سنه مقدم فلان شخصدن اشتر ایتدم
دیو دعوی و ذی الید دخی بو عرصه بش سنه مقدم
وفات ایدن پدرمدن بکا موروثدر دیو دعوی ایتدکده
ذی الیدك بینه سی ترجیح اولنور . واکر التی آی
مقدم وفات ایدن پدرمدن موروثدر دیمش اولسه اول
حالده خارجك بینه سی ترجیح قلنور . كذلك خصمینك

هر بری مدعا بهی بشقه بشقه شخصلردن اشترا ایتش
 اولدقلرینی ادعا وایکیسیده بایعئرینک تاریخ تملکرینی بیان
 ایتسه لر قنغیسینک بایعئرینک تاریخ تملکی مقدم ایسه انک
 بینهسی ترجیح اولنور

۱۷۶۱ ماده

تاج دعواسنده تاریخه اعتبار اولیوب بروجده بالا
 ذی الید بینهسی ترجیح اولنور

انجق مدعا بهک سنی ذی الیدک تاریخه توافقی ایتدیکی
 صورتده اکر خارجک تاریخه توافقی ایدرسه خارجک
 بینهسی ترجیح اولنور . واکر سنی ایکیسنه دخی مخالف
 اولور یاخود معلوم اولماز ایسه اول حالده ایکیسنک
 بینهلری متها تر یعنی متساقط اولهرق مدعا به ذی الیدک
 یدنده ترك وابقا قلنور

۱۷۶۲ ماده

زیاده بینهسی اولادر

مثلا بایع و مشتری ثمنک یا مبیعک مقدارنده اختلاف ایتسه لر
 زیاده دعوی ایدهنک بینهسی ترجیح اولنور

۱۷۶۳ ماده

تملیک بینهسی عاریت بینهسی اوزرینه ترجیح اولنور
 مثلا برکیسه دیگر کسنه نک یدنده کی مالی عاریت ویرمشیدم

دیو کبر و الموق ایستوبده اول کسمنه دخی سن اول مالی
بکا بیع یا هبه ایتمشیدک دیسه بیع یا هبه بینه سی ترجیح
قیلنور

۱۷۶۴ ماده

بیع بینه سی هبه ورهن و اجاره بینه لری اوزرینه و اجاره
بینی سی رهن بینه سی اوزرینه ترجیح اولنور
مثلا بر کیسه دیگر کسمنه یه فلان مالی سکا صاتمشدیم ثمنی
ویر دیو دعوی ایدوبده اول کسمنه دخی سن انی بکا هبه
و تسلیم ایتمشیدک دیو دعوی ایتدکده بیع بینه سی ترجیح
قیلنور

۱۷۶۵ ماده

عاریته اطلاق بینه سی اولادر

مثلا بر عاریت آت مستعیر بدنده تلف اولوبده معیر بن انی
سکا درت کون قوللانق اوزره اعاره ایتمشیدم سن ایسه
درت کون مرورنده آتی بکا تسلیم ایتیوب بشنجی کون
بدنده هلاک اولمغله قیمتی ضامن اول دیو دعوی و مستعیر
دخی سن او یله درت کونه دک دیو تقید ایتیوب علی
الاطلاق قوللانق اوزره بکا اول آتی اعاره ایتمشیدک دیو
دعوی ایتدکده مستعیر ک بینه سی ترجیح و استماع اولنور

۱۷۶۶ ماده

صحت بینہ سی مرض موت بینہ سی اوزرینہ ترجیح اولنور
 مثلا برکیمسہ برمالی ورثہ سندن برینہ ہبہ ایدو بدہ
 وفات ایتدکدہ دیگر ورثہ انی مرض موتندہ ہبہ ایش
 اولدیغنی وموہوب له دخی حال صحتندہ ہبہ ایش
 ایدوکنی ادعا ایتدکدہ موہوب له ک بینہ سی ترجیح
 قلنور

۱۷۶۷ ماده

عقل بینہ سی جنون و یاغته بینہ سی اوزرینہ ترجیح
 اولنور

۱۷۶۸ ماده

حدوث ایله قدم بینہ سی جمع اولدوقدہ حدوث بینہ سی
 ترجیح اولنور

مثلا برکیمسہ ک ملکندہ دیگر کسنہ ک مسیلی اولو بدہ
 حادثہ یا خود قدیمردیو بینلرنده اختلاف واقع اوله رق
 صاحب خانہ انک حدوثنی ادعا ایله رفعنی طلب و
 صاحب مسیلی دخی انک قدمنی ادعا ایتدکدہ صاحب
 خانہ ک بینہ سی ترجیح قلنور

۱۷۶۹ ماده

راجع طرفی اقامہ بینہ دن اظهار عجز ایتدیکی صورته

مرجوح طرفدن بینه ایستنیلور اثبات ایدرسه فیه
ایده مدیکی صورتده کندوسنه یمین ایتدیریلور
۱۷۷۰ ماده

بروجه بالا راجح طرفی اثباتدن اظهار عجز ایتدیکله
مرجوح طرفی اقامه بینه ایدو بده موجبله حکم اولندقدن
صکره راجح طرفی اقامه بینه ایتدیک استدیکی تقدیرده
ارتق اکا التفات اولتماز

(فصل ثالث)

(سوز کیم اولدیغنه و تحکیم حاله دائر در)

۱۷۷۱ ماده

زوج ایله زوجه ساکن اولدقلری خانه دروننده کی اشیاده
اختلاف ایتدکلی صورتده نظر اولنور . تفنک و قلمج
کبی یالکز زوجه صالح اولان یا خود اوانی و مفروشات
کبی ایکیسنه ده صالح اولان شیرده زوجه نك بینه سی
ترجیح اولنور . و ایکیسیده اثباتدن عاجز اولدقلری
صورتده سوز مع الیمین زوجکدر . یعنی اول اشیا
زوجه سنک اولدیغنه یمین ایدرسه کندوسنک اولدیغنه
حکم اولنور

اما یالکز نسایه صالح اولان البسه و حلیات کبی شیرده

زوجك بینه سی ترجیح قلنور • وایکیسیده اثباتدن عاجز
اولدقلری تقدیرده سوز مع الیمین زوجه نکدر • مکر که
بری دیکره صالح اولان شیلرک صانع و بایعی اونورسه
هر حالده سوز مع الیمین انک در

مثلا کوپه نسایه مخصوص حلیاتدن اولوب انجق زوج
قیوجی اولدیغی صورتده سوز مع الیمین آنک اولور
۱۷۷۲ ماده

احد زوجینک وفاتنده ورثه مورثک مقامنه قائم اولور
فقط طرفین برمنوال محرر اثباتدن عاجز اولدقلری تقدیرده
ایکیسنه دخی صالح اولان شیلرده سوز مع الیمین حیاتنده
اولاننکدر • وایکیسنی بردن وفات ایتدکاری صورتده
ایکیسنه صالح شیلرده سوز مع الیمین زوجک
ورثه سنکدر

۱۷۷۳ ماده

واهب هبه دن رجوع ایتک استیوبده موهوب له دخی
موهوبک تلف اولدیغی دعوی ایتدکده سوز بلا الیمین
موهوب له کدر

۱۷۷۴ ماده

امین اولان کیمسه برائت ذمتی حقیقده یمینله تصدیق
اولنور

نته کیم مودع ودیعه بی دعوی ایدوبده ودیعه دخی بن انی
سکا رد ایتدم دیدکده سوز مع الیمین ودیعه کدر . فقط
یمیندن خلاص ایچون اقامه بینه ایده جک اولورسه
بینه سی استماع قلنور

۱۷۶۵ ماده

مختلف دیونی اولان کسنه دائننه بر مقدار شی ویردکن
صکره قنغی دینه محسوباً ویرمش اولدیغنی دعوی
ایدرسه سوز انکدر

۱۷۷۶ ماده

بردکره نیک مدت اجاره سی متقاضی اولدقندن صکره
مستأجر مدت اجاره اثناسنده صویک انقطاعی حسبیه
اول مدتک اجریدن حصه سنی تنزیل ایتک ایستیه رک
موجرایله بینلرنده اختلاف واقع اولوبده بینه دخی
اولدیغنی تقدیرده نظر اولنور

اگر اختلافی مدت انقطاع مقدارنده ایسه مثلاً
مستأجر اون کون وموچر انجق بش کون انقطاعی
دعوی ایسه سوز مع الیمین مستأجر کدر

واگر اختلافی اصل انقطاعده ایسه یعنی موجر
صویک انقطاعی کلیاً انکار ایسه حال حاضر تحکیم
اولنور . یعنی حکم قلنور . شویله که اگر صووقت

دعوی و خصوصتده جاری ایسه سوز مع الیمین موجر کدر
واکر اولوقت منقطع ایسه سوز مع الیمین مستأجر کدر
ماده ۱۷۷۷

بر کیمسه نك خانه سنه اقان صو یولی حقنده حادثدر یاخود
قدیمدر دیو اختلاف اولنویده صاحب خانه مسیلک
حادث اولدیغنی ادما ایله رفه نی ایستدیکی و طرفینک
بینه لری اولدیغنی صورتده نظر اولنور

اگر وقت خصوصتده اول مسیلدن صو جریان ایدر
یاخود اولجه جریان معلوم اولور ایسه حالی اوزره
ابقا اولنور . و سوز مع الیمین صاحب مسیلک اولور .
یعنی مسیلک حادث اولدیغنه یمین ایتدیریلور
واکر وقت خصوصتده صو جریان ایتمز و یا اندن اولجه
جریان معلوم اولماز ایسه سوز مع الیمین صاحب خانه نك
اولور

(فصل رابع)

(تحالفه دائر در)

ماده ۱۷۷۸

بایع و مشتری ثمنک یا مبیعک و یا ایکسینک دخی مقدارنده
یا وصفنده و یا جنسنده اختلاف ایتدکری صورتده

هر قنغیسی اقامه بینہ ایلر ایسه انک لهنه حکم اولنور
واکری ایکیسی دخی اقامه بینہ ایدر لر ایسه زیاده بی
اثبات ایده نک لهسنه حکم اولنور

وایکسی دخی اثباتدن عاجز اولور لر ایسه انلره یا بریکز
او بریکزک دعواسنه راضی اولور یا خود بیعی فسح
ایلر دینیلور . و بونک اوزرینه بریسی دیگرینک
دعواسنه راضی اولماز ایسه حاکم انلرک هر برینه
دیگرینک دعواسی اوزرینه یمین و برر و ابتدا مشرتیدن
بدأ ایلر هر قنغیسی یمیندن نکول ایدر ایسه آخرک
دعواسی ثابت اولور و اکر ایکیسی دخی یمین ایدر سه
حاکم اول بیعی فسح ایدر

ماده ۱۷۷۹

مستأجر هنوز مأجورده تصرف ایتمدین اجرتک
مقدارنده موجر ایله اختلاف ایتمدکده مثلا مستأجر
اجرت اون التوندنر و موجر اون بش التوندنر دیو دعوی
ایتمدکاری تقدیرده قنغیسی اقامه بینہ ایدر ایسه قبول
اولنور

وایکسی بردن اقامه بینہ ایدر لر ایسه موجرک بینه سیله
حکم اولنور و اکر ایکیسی دخی اثباتدن عاجز اولور لر
ایسه ایکیسیده تحلیف قنور و مستأجرک تحلیفیه بدأ

اولنور . هر قنغیسی نکول ایدر ایسه نکولیله الزام
قیلنور وایکیسی دخی یمن ایدر ایسه حاکم عقد اجاره یی
فسخ ایلر

مدته یاخود مسافده اختلاف ایتدکاری حالده دخی
حکم بو وجهله در شو قدر وارکه ایکسیسی دخی اقامه ینده
ایتدکاری تقدیرده مستأجرک ینده سیله حکم اولنور
و تحالف صورتده موجرک تحلیفیه بدأ ایدیاور
۱۷۸۰ ماده

مدت اجاره نك انقضا سندن صکره موجر و مستأجر ماده
آنفده بیان اولندیغی اوزره اختلاف ایتسه لر تحالف
یوقدر سوز مع الیمن مستأجر کدر
۱۷۸۱ ماده

مدت اجاره ائاسنده موجر و مستأجر اجرتک مقدارنده
اختلاف ایتسه لر تحالف جاری اولوب باقی مدت حقتده
عقد اجاره فسخ اولنور یکن مدتک حصه سنده دخی سوز
مستأجرک اولور
۱۷۸۲ ماده

مشتري ینده مبيع تلف یاخود مانع رد اولور برعیب
حادث اولدوقدن صکره متبایعان اختلاف ایتسه لر تحالف
یوقدر انجق مشتري تحلیف اولنور

۱۷۸۳ ماده

اجل دعوا سنده یعنی مؤجل اولوب اولما مقده و شرط
خیارده و ثمنک کلیسنی یا بعضیسنی قبضده تحالف
اولیوب بو اوچ صورتده دخی منکر اولان تحلیف
قلنور

اراده سنیه تاریخی فی ۲۶ شعبان سنه ۱۲۹۳

عن اعضاء شورای دولت امین القتوی معارف ناظری

سیف الدین السید خلیل اجد جودت

رئیس ثانی محکمه تمیز رئیس مجلس تدقیقات شرعیه

السید اجد حللی و مجلس انتخاب احکام

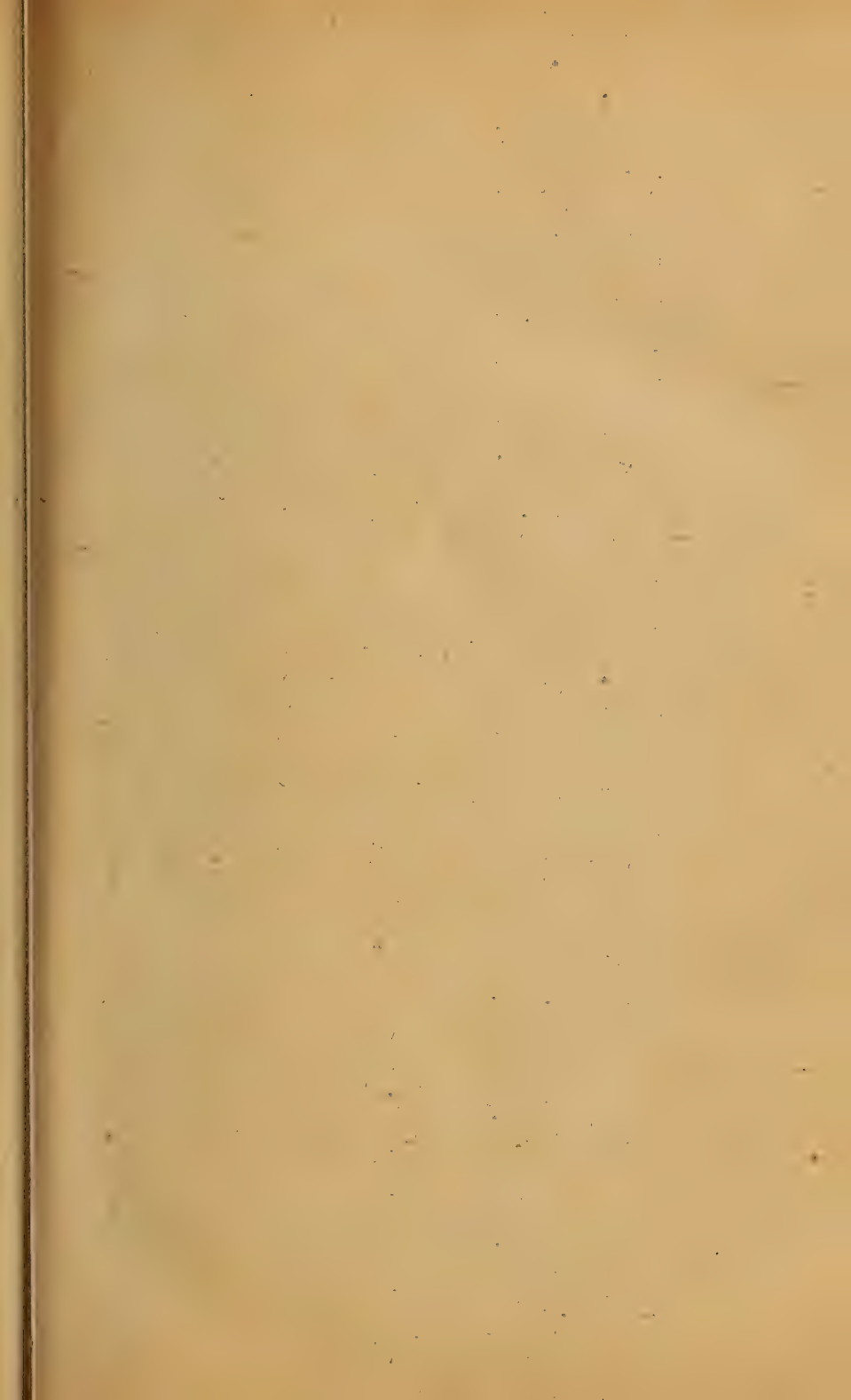
السید اجد خلوصی

مشتشار مفتش اوقاف قاضی دار الخلافه العلیه

عمر حللی اجد خالد

اعلامات شرعیه مبینی معاوینی

عبد الستار



— ❦ كتاب القضا ❦ —

✽ صورت خط همايون ✽

(موجبنجه عمل اولنه)

(كتاب سادس عشر)

(قضا حقنده اولوب بر مقدمه ايله درت بابي مشتملدر)

(مقدمه)

(بعض اصطلاحات فقهييه بيانده در)

۱۷۸۴ ماده

قضا . حكم و حاكمك معنارينه كلور

۱۷۸۵ ماده

حاکم . بين الناس وقوعبولان دعوى ومخاصمه بي احكام
مشروعه سنه توفيقاً فصل وحسم ايچون طرف سلطانيدن
نصب وتعيين بيور يلان ذاتدر

۱۷۸۶ ماده

حکم . حاکمک مخصوصه بي قطع وحسم ايلسيدر . بودخی

ايکی قسمدر

قسم اول . حاکمک حکم ايتدم ادا اولنان شییء
ويپر ديمک کبی سوزلر ايله محکوم بهی محکوم عليهه
الزام ايتسی یعنی لازم قیلسيدر ايشته بوکا قضاء الزام
وقضاء استحقاق دینلور

قسم ثانی . حَقِّک یوقدر منازعه دن بمنوعه سین دیمک کبی
سوزلر ایله حاکمک مدعی بی منازعه دن منع ایتمسیدر
بوکا دخی قضاء ترک دینلور.

۱۷۸۷ ماده

محکوم به . حاکمک محکوم علیه الزام ایلدیکی شیدر
که قضاء الزامده مدعینک حقی ایفا ایتسی وقضاء ترکده
مدعینک منازعه دن واز کچمسیدر

۱۷۸۸ ماده

محکوم علیه . علیه حکم اولنان کسنه در

۱۷۸۹ ماده

محکوم له . لهسنه حکم اولنان کیمسه در

۱۷۹۰ ماده

تحکیم . خصمینک خصومت ودعوالرینی فصل ایچون
رضالریله آخر کیمسه بی حاکم اتخاذ ایتلرندن عبارتدر
اول کیمسه به فتمتین ایله حکم ومیمک ضمی و خانک فتمی
وکاف مشدده مفتوحه ایله محکم دینلور

۱۷۹۱ ماده

وکیل مستخر . محکمه به احضار اولنه میان مدعا علیه
حاکم طرفندن نصب اولنان وکیلدر

(باب اول)

(حکامه دائر اولوب درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(حاکم اوصافی بیاننده در)

ماده ۱۷۹۲

حاکم . حکیم فهیم مستقیم و امین مکین متین اولمیدر

ماده ۱۷۹۳

حاکم . مسائل فقهیه و اصول محاکمه واقف

ودعاوی واقعه‌یی انلره تطبیقا فصل و حسمه مقتدر

اولمیدر

ماده ۱۷۹۴

حاکم تمیز تامه مقتدر اولسی لازمدر

بناء علیه صغیر و معتوه و اعمی و طرفینک صوت قویلرینی

ایشیده میده جک مرتبه صاغر اولان کسمندنک قضاسی

جاز دکلدز

(فصل ثانی)

(حاکم آدابی بیاننده در)

ماده ۱۷۹۵

حاکم . مجلس محاکمه الش و یرش و ملاطفه کبی

مهابت مجلسی ازاله ایده جک افعال و حرکاتدن اجتناب
ایتملیدر

۱۷۹۶ ماده

حاکم . ایکی خصمدن هیچ بر یسنک هدیه سنی قبول ایتمز

۱۷۹۷ ماده

حاکم متخاصمیندن هیچ بر یسنک ضیافتنه کیتمز

۱۷۹۸ ماده

اشای محاکمه ده حاکم طرفیندن یا لکز بر یسنی خانه سانه
قبول ایتمک و مجلس حکمه بر یله خلوت و یا خود ایکی سندن
بر یسنه ال یا کوز و یا باش ایله اشارت ایتمک و یا انلردن
بر یسنه کیرلو لاقردی یا خود دیکرینک بیلمدیکی لسان ایله
سوز سولمک کبی تهمت و سوء ظنه سبب اوله بیله جک
حال و حرکته بولنماملیدر

۱۷۹۹ ماده

حاکم بین الخصمین عدل ایله مأموردر
بناء علیه طرفیندن بری هر نقدر اشرافدن و دیگری آحاد
ناسدن اولسه بیله حین محاکمه طرفینی او تورتمق
و کندولره احاله نظر و توجیه خطاب ایتمک کبی محاکمه
متعلق معاملاتده تمامیله عدل و مساواته رعایت ایتمسی
لازمدر

(فصل ثالث)

(حاکم وظائفی بیانده در)

۱۸۰۰ ماده

حاکم . طرف سلطانیدن اجرای محاکمه و حکمه
و کیلدر

۱۸۰۱ ماده

قضا . زمان و مکان ایله و بعض خصوصاتک استثناسیله
تقید و تخصص ایدر

مثلا بر سنه مدت ایله حکمه مأمور اولان حاکم انجق
اوسنه ایچنده حکم ایدر اول سنه نك حلولندن اول
ویامرو رندن صکره حکم ایده مز . و کذا معین بر قضاده
حکم ایتمک اوزره نصب اولنان حاکم اول قضانک هر
محلنده حکم ایدر اما دیگر قضاده حکم ایده مز .
و بر محکمه معینه ده حکم ایتمک اوزره نصب اولنان حاکم
انجق اول محکمه ده حکم ایدوب دیگر محله حکم ایده مز .
و کذاک مصلحت عامه ملاحظه عادل سنه بناء فلان خصوصه
متعلق دعوی استماع اولنیه دیو امر سلطانی صادر اولسه
حاکم اول دعوی استماع و حکم ایده مز و یا خود بر
محکمه حاکمی بعض خصوصات معینه استماعنه مأذون

اولوبده ماعداسنی استماعه مأذون اوله اول حاکم انجق
مأذون اولدیغنی خصوصاتی استماع و حکم ایدر ماعداسنی
استماع و حکم ایده من . و کذلک بر مجتهدک بر خصوصده
رأی ناسه ارفق و مصلحت عصره اوفق اولدیغنه بنشاء
انک رأیله عمل اولتمق اوزره امر سلطانی صادر اولسه
اول خصوصده حاکم اول مجتهدک رأینه منافی دیگر بر
مجتهدک رأیله عمل ایده من ایدر ایسه حکمی نافذ اولماز
۱۸۰۲ ماده

بر دعوائی معاً استماع و حکم ایتمک اوزره نصب اولنان
ایکی حاکمکن یالکیز بریسی اول دعوائی استماع و حکم
ایده من ایدرسه حکمی نافذ اولماز (۱۷۶۵) ماده یه باق
۱۸۰۳ ماده

متعدد حاکمی اولان بلدهده خصمیندن بریسی بر حاکمک
و دیگرکی او بر حاکمک حضورنده مرافعه اولمق ایستیوب
بووجهله بینلرنده اختلاف واقع اولسه مدعی علیهک
اختیار ایلدیکی حاکم ترجیح اولنور
۱۸۰۴ ماده

بر حاکمک عزلی و قوعبولوب فقط بر مدت خیر عزل
کندیوه و اصل اولامغله اول مدته بعض دعوائی استماع
و فصل ایتمش اولسه صحیح اولور

اما خبر عزلك و وصولندن صكره و وقوعبولان حكمى

صحیح اولماز

۱۸۰۵ ماده

حاكم اكر نصب و عزل نائبه مأذون ايسه ديكر كيسه يني
 كندوسنه نائب نصب و انى عزل ايده بيلور دكل ايسه
 ايده مز و كندوسنك معرول يافوت اولسيلاه نائبى منعزل
 اولماز (۱۴۶۶) ماده يه باق

بناء عليه بر قضائك حاكى وفات ايتد كده برينه ديكر حاكم
 كلنجه يه دك اول قضاده و وقوعبولان دعوا يي حاكم متوفانك
 نائى استماع و حكم ايده بيلور

۱۸۰۶ ماده

حاكك استماع ايلديكى بينه ايله نائى و نائبك استماع
 ايلديكى بينه ايله كندوسى حكم ايده بيلور
 شو يله كه حاكم بر دعوى حقدده بينه استماع و نائبه اخبار
 ايلسه نائى اعاده بينه ايتكسزين حاكك اخبار يله حكم
 ايده بيلور و حكمه مأذون اولان نائب بر خصوصده
 بينه استماع ايدوبده حاكه انها ايلسه حاكم اعاده بينه
 ايتكسزين نائبك انها سيلاه حكم ايده بيلور اما حكمه
 مأذون اولميو بده انجق تدقيق و استكشاف اچون بينه

استماعه مأمور اولان کیمسه نیک انهاسیله حاکم حکم
ایده مبوب بالذات استماع بینه ایتیمی لازمدر
۱۸۰۷ ماده

بر قضا حاکمی بشقه بر قضا داخلنده کی اراضی دعواسنی
استماع ایده بیلور . فقط کتاب دعواده بیان اولندیغی
وجهله حدود شرعیه سنک بیانی لازم کلور
۱۸۰۸ ماده

محکوم له حاکم اصول و فروغندن بری وزوجه سی
وحکم اولنه جق مالدی شریکی واجیر خاصی و حاکم
انفاقیه تعیس ایدر آدمی اولماق شرطدر
بناء علیه حاکم بونلردن برینک دعواسنی استماع ایله
لهسیه حکم ایده من
۱۸۰۹ ماده

بر بلده حاکمک یاخورد ماده آنفده مذکور منسوبانندن
برینک اول بلده اهالیسنندن برکسننه ایله دعواسنی
اولدیغی صیرتده اول بلده ده دیگر حاکم وار ایسه
انک حضورنده مرافعه اولررلر
واکر اول بلده ده دیگر حاکم یوق ایسه طرفین کندی
رضالیه نصب ایده جکبری حکمک یاخود اول حاکم
نائب نصبنه مآذون اولدیغی تقدیرده طرفندن منصوب

نائبك و يا خود جو وارده كي ديكر بر قضا حاكمك
حضورنده مرافعه اولورلر

و طرفين بو صورتلردن برينه راضي اولمقلري صورته
طرف سلطانيدن مولى استدما ايدرلر
۱۸۱۰ ماده

حاکم رؤیت دعواده الاقدم فالاقدم قاعده سنه رعایت
ایتملیدر

فقط و رودی مؤخر اولان بر دعوانك تعجیلی ایجاب حال
و مصلحتدن کورلدیکی حالده انك رؤیتنی تقدیم ایلر
۱۸۱۱ ماده

حاکم لدی الحاجه آخردن استفتا ایتسی جائزدر
۱۸۱۲ ماده

حاکم . غم و غصه و اچلق و غلبه نوم کی صحت تفکره
مانع اوله بیله جک بر عارضه ایله ذهنی مشوش اولدیغی
حالده حکمه تصدی ایتملیدر
۱۸۱۳ ماده

حاکم مرافعاتده اجرای تدقیقات ایتکله برابر ایشی
سورنجمهده بر اقاملیدر
۱۸۱۴ ماده

حاکم محکمه یه سجلات دفتری وضع ایدوب و بره جکی

اعلامات و سنداتى حيله و فساددن سالم اوله بيله جك
منتظم بر صورتده اول دفتره قيد و تحرير وانك حفظنده
دقت و اعتنا ايدر . و كندوسنك عزلى و قوعبولدوقده
يا بالذات و يامينى واسطه سيله سيجلاتى خلفى اولان حاكه
دور و تسليم ايلر

(فصل رابع)

(صورت محاكمه يه دائر در)

۱۸۱۵ ماده

حاكم محاكمه يي علنا اجرا ايدر . فقط قبل الحكم نه وجهله
حكم ايديله جكنى افشا ايتمز

۱۸۱۶ ماده

طرفين لاجل المحاكمه حضور حاكه كلد كارنده حاكم اولا
مدعى يه دعواسنى تقرير ايتديرر . و اكر اولجه دعواسى
تحرير اضبط اولنمش ايسه قرائت ايله مضمونى كندوسنه
تصديق ايتديريلور و ثانيا مدعا عليه ي استجواب ايلر .
شويله كه مدعى سندن شو و جهله دعوى ايديور نه دير سين

ديو سؤال ايدر

۱۸۱۷ ماده

مدعى عليه اقرار ايدر ايسه حاكم انى اقراريله ازام
ايدر . و اكر انكار ايدرسه حاكم مدعين بينه ايستر

۱۸۱۸ ماده

مدعی بالبینه دعواسنی اثبات ایتدیگی صورتده حاکم
انک اوزرینه حکم ایلمر . واثبات ایده مدیگی صورتده
بریمین حقی قالمغله طالب اولور ایسه حاکم انک طلبی
اوزرینه مدعی علیه یمین تکلیف ایلمر

۱۸۱۹ ماده

مدعا علیه یمین ایدرسه یاخود مدعی یمین ویردیرمز ایسه
حاکم مدعی بی مدعا علیه معارضه دن منع ایلمر

۱۸۲۰ ماده

مدعا علیه یمیندن نکول ایدرسه حاکم نکولیه حکم ایلمر
ونکولیه حکم ایتدکدن صکره یمین ایدرم دیسه ارتق
التفات اولتماز

۱۸۲۱ ماده

اصولنه موافق و شبهه تزویر و تصنیعدن سالم اوله رق
بر محکمه حاکمی طرفندن ویریلان اعلام و سندک بلا بینه
مضمونیه عمل و حکم جائزدر

۱۸۲۲ ماده

مدعی علیه بروجه بالالدی الاستجواب لاونعم بر جواب
ویرمیویده سکوتنده اصرار ایلمر ایسه سکوتی انکار عد
اولنور

و كذلك اقرارده ایتیم انکارده ایتیم دیو جواب ویررسه
بوجوابی دخی انکار عد اولنور وایکی صورتده دخی
مدعیدن بروجه بالاینه طلب قیلنور

ماده ۱۸۲۳

مدعی علیه اقرار یا انکار ایده جک یرده مدعینک
دعواسنی دفع ایده جک بر دعوی در میان ایتدکده کتاب
دعواده و کتاب بینانده بیان اولنان مسائله توفیقا معامله
اولنور

ماده ۱۸۲۴

طرفیندن بریسی افاده سنی تکمیل ایتدکجه دیگرکی افاده یه
تصدی ایده منز ایده جک اولور ایسه حاکم طرفندن منع
اولنور

ماده ۱۸۲۵

طرفیندن لسان بیلیان کسنه نك افاده سنی ترجمه ایچون
محکمه ده موثوق و مؤتمن ترجمان بولندیریلور

ماده ۱۸۲۶

اقربا بیننده وقوع بولان و یا خود طرفینک صلحه رغبتلری
مأمول اولان مختصمه ده حاکم برویا ایکی دفعه طرفینه
مصالحه بی توصیه و اخطار ایدر موافقت ایدرلر ایسه

کتاب صلحه مندرج اولان مسأله توفیقا مصالحه ایدر
و موافقت ایتزلر ایسه محاکمه بی اتمام ایلر

ماده ۱۸۲۷

حاکم محاکمه بی اتمام ایتدکدنصکره مقتضاسنی حکم
و طرفینه تفهیم ایلر واسباب موجبہ سبیلہ برابر حکم
و تبیهی حاوی بر اعلام تنظیم ایدوب محکوم ایهسه
ولدی الايجاب بر نسخہ سنی دخی محکوم علیه اعطا ایدر

ماده ۱۸۲۸

حکمک سبب و شرطری تمامیلہ بولندقدنصکره حاکمک
حکمی تأخیر ایتیمی جائز دکلدور

(باب ثانی)

(حکمه دائر اولوب ایکی فعلی مشتملدر)

(فصل اول)

(حکمک شرطی بیاننده در)

ماده ۱۸۲۹

حکمه سبق دعوی شرطدر

شویله که حاکمک حقوق ناسه متعلق بر خصوصی حکم
ایتمی اول امرده اول خصوصی بر کیسه نک آخر کسنه دن
دعوی ایتسیله مشروطدر

دعوی سبق ایتمدن وقوعبولان حکم صحیح اولماز
ماده ۱۸۳۰

حین حکمده طرفینک حضوری شرطدر
یعنی طرفین بلمواجبه محاکمه ایدلد کدنصکره حکم
اولنه جنجی وقت مجلس حکمده حاضر اوللمری لازمدر
فقط برکیسه دیکرندن برخصوصی دعوی ایدوبده مدعا
علیه دخی اقرار ایتد کدنصکره قبل الحکم مجلس حکمدن
غائب اولسه حاکم انک غیابنده اقرارینه بناء حکم
ایده ییلور

کذلک مدعا علیه مدعینک دعواسنی انکار ایدوبده مدعی
بلمواجبه مدعاسنه اقامه بینه ایتد کدنصکره قبل التزکیه
والحکم مدعا علیه مجلس حکمدن تغیب ایلسه حاکم انک
غیابنده بینه بی تزکیه و حکم ایده ییلور

ماده ۱۸۳۱

مدعا علیه وکیلی مواجهه سنده اقامه بینه اولندقدن
صکره مدعا علیه بالذات مجلس حکمه حاضر اولسه
حاکم اول بینه ایله مدعا علیه اوزرینه حکم ایده ییلور
و بالعکس مدعی علیه مواجهه سنده اقامه بینه اولندقدن
صکره وکیلی مجلسه حاضر اولسه حاکم اول بینه ایله
وکیلیک اوزرینه حکم ایده ییلور

۹۵۰
ماده ۱۸۳۲

جمله ورثه به خصوصت توجه ایدن دعوا ده ورثه دن
بر ینک مواجهه سنده اقامه یننه اولنوبده قبل الحکم
غائب اولسه حا کا اول یننه ایله احضار اولنان دیگر
وارث اوزر یننه حکم ایده بیلور اعاده یننه به حاجت
یوقدر

(فصل ثانی)

(حکم غیابی بیانده در)

ماده ۱۸۳۳

مدعینک طلب واستدعاسی اوزر یننه حا کم طرفدن مدعا
علیه محکمه به دعوت اولنور
معذرت مشروعه سی اولدیغی حالده محکمه به کلکدن
و وکیل کوندر مکدن امتناع آیدر سه بالا جبار محکمه به
احضار قیلنور

ماده ۱۸۳۴

مدعا علیه محکمه به کلکدن و وکیل کوندر مکدن
امتناع ایدوبده جلب واحضاری قابل اولدیغی تقدیرده
مدعینک طلبیه محکمه به مخصوص اولان ورقه دعوتیه
آرو آرو کونلرده اوچ دفعه کندویه کوندر یلرک
محکمه به دعوت و کلدیگی صورتده حا کم ا کا بروکیل

نصیبه مدعینک دعوی و بینہ سی استماع ایده جگنی
کندویہ تفہیم ایلر • بونک اوزرینہ مدعا علیہ
ینہ محکمہ یہ کلز و وکیل کوندرمز ایسہ حاکم انک
حقوقنی محافظہ ایده جگ بر کیسہ یی اکا وکیل نصب
ایدوب وکیل مز بور مواجہہ سندنہ مدعینک دعوی
و بینہ سی استماع و تدقیق ایدرک مقارن صحت اولدیغی
تین ایدرسہ بعد الثبوت حکم ایدر

۱۸۳۵ ماده

برمنوال مشروح واقع اولان حکم غیابی مدعی علیہ

تبلیغ ایدیلور

۱۸۳۶ ماده

غیابا علیہنہ حکم اولنان کیسہ محکمہ یہ حاضر
اولوبده مدعینک دعواسنی دفعہ صالح بردهوایہ تشبث
ایدر ایسہ استماع و ایجابی وجهله فصل اولنور •
دعوائی دفعہ تشبث ایتدیکی و یا ایدوبده دفعہ صالح
اولدیغی تقدیرده حکم واقع انفاذ اجرا قیلنور



(باب ثالث)

(دعوانك بعد الحكم رؤيتى حقه در)

ماده ۱۸۳۷

اصول مشرعه سنه موافق يعنى حكمك سبب و شرط لى
موجود اوله رق حكم و اعلام اولن ان دعوانك تكرار
رؤيت و استماعى جائز اولماز

ماده ۱۸۳۸

بر دعوى حقه لاحق اولان حكمك اصول مشرعه سنه
موافق اولمديغنى محكوم عليه ادما و عدم موافقت جهتنى
دخلى بيان ايدوبده استيناف دعوى طلبنده بولنديغنى
حاله و قوعبولان حكم لى التحقيق اصول مشرعه
سنه موافق ايسه تصديق اولنور دكل ايسه استيناف
قيلنور

ماده ۱۸۳۹

بر دعوى حقه لاحق اولان حكمه محكوم عليه قناعت
ايتيوبده اول حكمى حاوى اولان اعلامك تميرنى طلبنده
بولنديغنى حاله لى التدقيق اصول مشرعه سنه
موافق ايسه تصديق قيلنور دكل ايسه نقض اولنور

۱۸۴۰ ماده

دفع دعوی قبل الحکم صحیح اولدینگی کبی بعد الحکم
دخی صحیح اولور

ایناه علیه بر دعواده محکوم علیه اولان کیسه اول دعوی
دفعه صالح بر سبب سرد و بیان ایله دفع دعوی اداسنده
و اناده محاکمه طلبنده بولندیگی حالده محکوم لهک
مواجهه سنده اشبو ادعاسی استماع و بو خصوص حقدنه
محاکمه لری اجرا اولنور

مثلا بر کیسه دیگر کسیه نک یدتصرفنده اولان بر خانه
پدرندن کندویه موروث اولدیغنی دعوی و اثبات
ایدوبده حاکم دخی حکم ایتدکنصکره اول کیسه نک پدری
اول خانه بی مقدا ذی الیدک پدرینه صتامش اولدیغنی
مبین برسند معمول به ظهور ایتدکده ذی الیدن دعواسی
استماع ایله اثبات ایلدیگی تقدیرده حکم اول منتقض و اول
کیسه نک دعواسی مندفع اولور

مصمم

(باب رابع)

(تحکیمه دائر مسائل بیاننده در)

۱۸۴۱ ماده

حقوق ناسه . تعلق مال دعواالزنده تحکیم جائز هور

۱۸۴۲ ماده

محکمک حکمی انجق کندوسنی تحکیم ایدن خصمین
حقنده و تحکیم ایتدکری خصوصده جائز و نافذ اولوب
انلردن بشقه سنه تجاوز ایتمز وانلرک خصوصات سائره سنه
دخی شامل اولماز

۱۸۴۳ ماده

محکمک تعددی جائز در

یعنی بر خصوصه ایکی یا خود دها ز یاده کیمسه نک حکم
نصب اولنمی جائز در

مدعی ومدعا علیه طرفلرندن برر حکم نصب ایتسه لر
جائز اولور

۱۸۴۴ ماده

بر وجه بالا محکمک متعدد اولدقلری صورتده هپسه نک
رأیی متفق اولوق لازمدر . یالکز بریسی حکم ایده مز

۱۸۴۵ ماده

حکمک طرفیندن تحکیمه مأذون ایتسه لر دیگر بر کیمسه پی
تحکیم ایده بیلور لر دکل ایتسه لر ایده مز لر

۱۸۴۶ ماده

تحکیم بر وقت ایله تقیید اولندقه اول وقتک مرور یله
زائل اولور

۶۵۰
مثلا فلان کوندن برآيه قدر حکم ايتمک اوزره نصب
اولان حکم انجق بو برآي ايچنده حکم ايده بيلور اول
ايک مرورنده حکم ايده مز ايدرسه حکمي نافذ اولماز

۱۸۴۷ ماده

محکمک حکمندن اول طرفيندن هر بری آني عزل
ايده بيلور

شوقدر وارکه طرفين آني تحکيم ايده طرف سلطانیدن
منصوب و نائيب نصبنه مأذون اولان حاکم دخي آني
مجيز اولسه حاکم آني استخلاف ايتمش اولمسيله اول محکم
بز حاکمک نائيب منزله سننده اولور

۱۸۴۸ ماده

حاکمک قضايری داخلنده کی اهالينک جوله سی حقنده
حکمری نسل که لازم الاجرا ايسه محکمک دخي انلری
تحکم ايده حقهنده و محکوم اولدقلى خصوصده حکمری
اولوجهله لازم اولور

بناء عليه حکمر اصول مشروعده موافق اوله رق
حکم ايتدکدن صکره طرفيندن هيچ بریسی اول حکمی
قبولدن امتناع ايده مز

۱۸۴۹ ماده

محکم حکمی طرف سلطانیدن منصوب حاکم مرض
اولندقدہ موافق اصول ایسہ قبول وتصدیق ایلر
• دکل ایسہ نقض ایلر

۱۸۵۰ ماده

طرفین احکام مشروعہ سنہ توفیقاً حکمہ مأذون
قیلدقلمی محکمیری لدی التمسیب صلحا تسویہ یه دخی
مأذون ایسہ لر محکمیرک صلحا تسویہ لری معتبر اولور
• شویله که طرفیندن بری محکمیردن برینی و دیگری دخی
اوبرینی منازع فیہ اولان خصوصک اولوجهله صلحا
تسویہ سنہ دخی توکیل ایدوبده انلری دخی کتاب صلحه
مندرج اولان مسألہ بالتوفیق صلحا تسویہ ایسہ لر اشبو
صلح و تسویہ بی طرفیندن بری قبولدن امتناع ایده مز

۱۸۵۱ ماده

برکیمه تحکیم اولنماش اولدیغی حالده ایکی کشی
بیننده کی دعوایی فصل ایتدکن صکره طرفین اکاراضی
وانک حکمنی مجیز اولسہ لر حکمی نافذ اولور (۱۴۵۳)
ماده یه باق

ارادة ستيه تاريخي في ٢٦ شعبان سنه ١٢٩٣

عن اعضاء شوراي دولت امين الفتوى معارف ناظري

سيف الدين السيد خليل احمد جودت

رئيس ثاني محكمة تمير رئيس مجلس تدقيقات شرعيه

السيد احمد حلي ومجلس انتخاب حكام

السيد احمد خلوصي

مستشار مفتش اوقاف قاضي دار الخلافه العمليه

عمر حلي احمد خالد

اعلامات شرعيه ميمزي معاوني

عبد الستار

(مجله احكام عدليه دن كتاب بينات حقنده بعض)

(ووصايای شامل مذکره عدليه)

مجله احكام عدليه نك اون بشنجی كتابی اولان كتاب
بينات بوكره رهين حد ختام اوله رق با اراده سنیه
جناب پادشاهی طبع و نشر قلندی

مجله مذکورہ نك نشر اولنان اون درت كتابی محاکم
شرعیہ نو جهله معمول به ایسه محاکم نظامیہ ده دخی
سیاق مطرد اوزره دستور العمل اولق امر طبیعیدر

ذکر اولنان كتاب بینات دخی کرک محاکم شرعیہ ده
و کرک محاکم نظامیہ ده مرعی الاجرا اولق لارم کلور
چونکه كتاب مزبور درت بانی مشتمل اولوب . برنجیسی

شهادت و تواتر . ایکنجیسی حجج تحریریه و قرینه قاطعه
اوچنجیسی یمین . در دنجیسی ترجیح بینات ایله تحالف .
حقنده در ابواب ثلثه اخیره حقنده بر ديه جك اولیوب

علی الخصوص یمین حقنده محاکم نظامیہ ایچون بر نظام
اولدیغی جهتله محاکم نظامیہ نك یمین بانه شدت احتیاجی
وار در مناحث سائر هیه دخی بالجمله محاکم نظامیہ نك

احتیاجی در کار در

شهادت بخشه کلنجه بیع و شرا حقنده شاهد استماعی

تجارت قانوننامه سنده مندرج اولدیغی حالده هنوز
 کیفیت استماعنه دار بر نظام یا پلامشدر شو حالده باب
 اولک دخی علی العموم محاکم نظامیه مرجع اولسی
 امر طبیعیدر شو قدر وار که تجارت قانوننامه سنده
 مصرح شاهد استماعی خصوصی محکمه نك تنسیبینه
 معلق اوله رق مندرجدر و شرکت و پولیچه کبی نیجه
 مواد تجاریه و التزام و ملترملر بیننده عقد شرکت مثلاً
 بک چوق معاملات نظامیه هب سندات و اوراق معتبره
 ایله اجرا اولندرق بولردن متحدت دعاوی و منازعاتک
 محاکم نظامیه ده حین رؤیتنده یا لکز سنداتنه اعتبار
 اولنمق معروف و مرعیدر و تجار بیننده معروف اولان
 شی مشروط حکمنده اولمق دخی مجله نك مقدمه سنده
 مندرج اولان اصول فقهیه دندر

بناء علی ذلک بومثلاً معاملاتک شهادت اوزرینه بناسی
 قابل اولدیغی کبی تجارت محکمه لرده شاهد استماعی
 محکمه نك تنسیبینه معلق اوله رق جریان ایده یله جکدر .
 کتاب مذکور ده شهادت بحثی ایسه اطلاق اوزره
 مندرج اولدیغندن و سندات اوزرینه تعامل جاری اولان
 خصوص لرده ینه سندا اتمق امر ضروری بولندیغندن

محاکم نظامیہ دہ و علی الخصوص تجارت محکمہ لرنده
نه درلو بخصوص لرنده وقاج غروشہ قدر دعوالرنده
شاهد استماع اولنه جفنه دائر بر نظام یا بلیق لازمهٔ حالدن
کور یلور انجق بو نظام یا بلنجه یه قدر محاکم نظامیہ دہ
کافی السابق شاهد استماع اولنان دعوالرنده شاهد استماع
اولنه رق خصوصات سائرده کما کان بینۂ تحریریه اراشمی
ومواد سائرده اشبو کتاب بیناتک احکام مندرجه سنه
تمامیله توفیق معامله اولشمی لازمهٔ دن اولغله محاکم
نظامیہ یه بو یولده تبلیغات اجراسی خصوصی دخی امر
وفرمان جناب شهنشاهیدن بولندیغندن اولوجهله ایفای
مقتضاسی خصوصنه همت

فی ۹ ذی القعدة سنه ۱۲۹۳

بلايينه مضمونيه عمل و حکم جائز اوله ييله جک
صورتده سندات شرعيه نك تنظيمه دائر تعليمات

سنيه در

برنجی ماده براسندما محکمه به حواله اولنوب طرفین
محکمه به کادکارنده کرک مدعی و کرک مدعی علیه
شخصی محکمه جه مجهول بولنديغی واقعه اولنان دعوی
کندی دعوالری اولديغنه دلالت ايدر يدلرنده اوراق
معتبره بولنديغی و ياخود دعواده همان يکديکرینی
تصدیق ايدرك بر صنيعه شائبه سی حس اولنديغی
تقدیرجه شخصلرینی واسم و شهرتيله صنعت و مأموریت
و محل اقامتلینی تعريف ایچون محله لری مختارلرندن و ياخود
تابع اولدق لری اصناف کتخداسندن و یا آمر و ضابطلرندن
و منسوب اولدق لری دوائر ورؤسا طرفلرندن برقطعه
علم و خبر کتوريله جکدر

ایکنجی ماده وکالت تسجیلنه مخصوص اولق اوزره
محکمه ده برجریده طوتيله جقدر طرفیندن بری تسجیل
وکالت ایده جک اولدقده نه صورتله و کیمی توکیل ایتدیکنی
حاکم و یا ناایب حضورنده تقریر ایدوب تقریری عینيله
تسجیل جریده سنه یازیلوب کندوسنه امضا و تمهیر

۲۱۲
ایتدیریله جک واکر کندوسنک یازوسی یوق ایسه انک
امر وانجاییله دیکری تحریر ایدوب زیرینی کنندی
مهری و یا اشارت مخصوصه سبیله تصدیق ایتدکن
صکره تقریر وکالت حاکم و یا نائبدن قنغیسی حضورنده
وقوعبولمش ایسه اول دخی امضا و تمهیر ایدو جکدر
و حین تسجیلده موکلک بابا و دده سنک اسمی دخی سؤال
اولنهرق جریده یه قید اولنه جقدر.

اوچنجی ماده ماده آنفدهه بیان اولندیغی وجهله
بر محکمه حاکم و یا نائی حضورنده وکالت تسجیل
و جریده مخصوصه سنه تحریر اولندقدن صکره محاکمه
ختم بولقسزین اول حاکمک عزل و یاوقاتی وقوع
بولدیغی تقدیرجه موکل تکرار حاکم لاحق حضورنده
تسجیل وکالته محتاج اولیوب جریدهده مسطور اولان
قید موجبجه حاکم لاحق خصم مواجهه سنده وکیلک
و کالتیله حکم ایدوب مرافعه یی رؤیت و استماع
ایدو پیلور.

دردنجی ماده ضبط دعوی موقعنده ضبط کاتبی
طرفینک افاده لرینی کمال مرتبه دقتله استماع و تأیید
مدما ضمنده ابراز ایدو جکری اوراق و سنداتی لایقیله

۶۱۳
مطالعہ ایتدکد نصکرہ طرفینک اسم و شہرت و محل
اقامت لری و شخص لری تعریف اولتمش ایسہ معرف لری نک
اسم و شہرت و صورت افادہ لری نی و ابراز اولنان
سندات و اورا فک خلاصہ لری نی عادی ورقہ اوزرینہ
ضبط و تحریر ایڈہ جکدر

بشجی مادہ مادہ آنفہدہ بیان اولنان ضبط دعوی
طرفینک اکلا یہ یسلہ جکی آچق بر عبارہ ایلہ یازیلہ جقدر
التبجی مادہ دعوی ضبط اولندقد نصکرہ ضبط کاتبی
طرفین ایلہ برابر مستشاری اولان محکمہ لردہ مستشار
حضورینہ مستشاری اولیمان محکمہ لردہ حاکم و یانائی
حضورینہ کیروب ضبطی قرائت ایدر و بعد القرائہ
صورت ضبط طرفینک افادہ لری نہ موافق اولوب
اولدیغنی مستشار و یا حاکم و یانائی آرو آرو
طرفیندن سؤال ایلہ طرفیندن هر بری صورت ضبطک
افادہ سنہ موافق اولدیغنی تصدیق ایدر ایسہ درحال
واکر تصدیق ایتیمو بدہ ضبطدہ بر سهو و یا نقصان
وقوعندن و یا خود محاکمہ جہ لزومی اولان بعض شیلرک
سؤال و جوابی ضبط و تحریر اولنماسندن طولایی
ضبطک تصحیحہ لزوم کوریلور ایسہ تصحیح ایدلدکن

صکره محکمه به مخصوص اولان ضبط جریده سنه قید
اولندرق زیری طرفینه امضا و تمهیر ایتدیرله جکدر
ضبط جریده سنده حک و سلنتی وقوعبولیه جقدر
یدنجی ماه ضبط برمنوال محرر جریده مخصوصه سنه
تحریر و طرفینه امضا و تمهیر ایتدیرلدکن صکره
درسه ایتده صدرین دآره لرنده مستشار و یا معاون
و استانبول باب محکمه سنده مستشار بولندیقنی حالده
معاون و مشاور لرندن بری محکمه تفتیشده مستشار
بولندیقنی تقدیرده محکمه ننگ میر اولی و محاکم ساره ایله
علی العموم طشره محکمه لرنده حاکم و یا نایب و باش کاتبی
ضبطک زیرینی تصدیقا امضا و یا مهر ذاتیلرله تمهیر
ایده جکدر

سکزنجی ماده محاکمه به مباشرت اولندقدن صکره
محاکمه ننگ ختامنه دکن اول محاکمه به متعلق جریان
ایده جک بالجمله معاملات و تحقیقاتک جریان
سالف البیان ضبط جریده سنه دعوانک ضبطی زیرینه
خلاصه وجهله قید و تحریر اولندجغنی مثلوه محاکمه ننگ
رنکی دکشوبده طرفینک افاداتنه بعضی عباره علاوسی
لازم کلدیکی تقدیرده ضبطی امضا و تمهیر ایدن مأمورلر

معرفتیله طرفین حضورنده ترقیم و علاوه اولنه رق زیرینی
طرفین و اهمیتتی اولدیغنی حالده مأمورلر دخی امضا
و تمهیر ایده جککدر

طبقوزنجی ماده طرفیندن برینه شاهد اقامه سی لازم
کادکده اولا شاهدلری اولوب اولدیغنی کندوسندن
سؤال اولنور شاهدلری اولدیغنی بیان و تقریر ایتدیگی
حالده کیملر ایدوکی واسم و شهرتلی وانلردن ماعدا
شاهدلری اولوب اولدیغنی و اولدیغنی تقدیرده انلرک اسم
و شهرتلی صوریلور کرک شاهدلری حقنده واقع اوله جق
افاداتی و کرک اصلا شاهدلری اولدیغنی سویلدیکی حالده
افادات و افعه سی ضبط جریده سنه قیدیه کندوسنه امضا
و تمهیر ایتدیریه جککدر

اوننجی ماده بر محاکمه فصل اولندقدنه وجهله حکم
اولندیغنی و حکمک اسباب موجبده سی خلاصه وجهله
ضبطده شرح و یریلوب وزیر حاکم طرفیندن تمهیر
ایدیلوب بعده اعلام مسوده سی قله انور
اون برنجی ماده ضبط کاتبی محکمه یه مخصوص اولان
ضبط جریده سندن صورت ضبطی عینیه کندو
جریده سنه نقل و تحریر ایدوب اندن تقریر ایدر و محکمه یه

مخصوص اولان جریده محکمه نك بر مأمّن محلانده حفظ
 اولنوب لازم کلدبکه اخراج اولنه جقدر محکمه ده
 دعاوینک کثرتی نسبتند محکمه به مخصوص متعدد ضبط
 جریده لری طوتیلور

اون ایکنجی ماده جریده ده محرر صورت دعوی
 اساس طوتیلورق اعلام مسوده سی اصول صک اوزره
 قلمه النور حین تسویدده صورت ضبطک بعض عبارلرنده
 قاعده صک اوزره محو واثبات جائز ایسه ده اساس
 مسئله جه تعیر اولماق شرطدر طرفیندن بری اصلا
 شاهدلری اولدیغنی افاده ایتدیکی صورته افاده
 مذکوره سی عینله اعلامه درج اولنوب اقامه بینهدن
 اظهار عجز تعبیرله اکتفا اولنمیه جقدر

اون اوچنجی ماده ضبط کاتبی اعلام مسوده سی قلمه
 الدقندن صکره مسوده اولاصدرین واستانبول باب
 محکمه لرنده وقایع کاتبی و محکمه تفتیشده ممیز اول
 طرفلرندن تصحیح وبعده مستشار طرفندن دخی تدقیق
 و صورت ضبطه توفیق اولنهرق تصحیح وامضا وضعیه
 حا که تقدیم اولنور محاکم ساره ده محکمه نك باش کاتبی
 وار ایسه انک طرفندن مسوده تصحیح اولنهرق حا که

۹۵۷
تقدیم اولنور یوق ایسه ضبط کاتبی مسوده بی بالذات
حاکم تقدیم ایدر غلطه و خواص رفیعہ محکمہ لری
کبی مرکز نائی بولنان محکمہ لردہ نائب مستشار و ظائفی
ایفا ایدہ جکدر مسوده حاکم تقدیم او مسدقده بعدالمنظر
والتدقیق کشیده ایدہ جکی یازیلہ موجبہ اعلامی تحریر
اولنه جقدر

اون دردنجی ماده بر وجه مشروح اعلام یازاردقن
صکره ضبط کاتبی اسمنی ظهر اعلامه تحریر و مسوده بی
تدقیق و امضا ایدن مأمور لر ترتیب سابق اوزره اعلامی
دخی مطالعه و ظهرینی امضا و یا تمهیر ایدوب بعده اعلام
حاکم تقدیم اولنور

اون بشنجی ماده حاکم دخی مطالعه ایتدکنصکره
سجمله قید و مقابله اولنه دیو اعلامک ظهرینه یازوب
مقیده کوندرر مقید دخی سجمله قید و مقابله ایدوب و مقابله
ایتدیکنی ظهر اعلامه شرح و یروب زیرینی تمهیر و حاکم
اعاده ایتدکنصکره حاکم اصول و جهله اعلامی تمهیر ایدر
اون التنجی ماده طشره یه کوندرملک اوزره در سعادت
محاکنندن تنظیم اولنه جق و کالت مجتارندن بالاده بیان
اولنان اصول تمامیلہ اجرا اولنه جقدر

اون يدنجی ماده طشه حکامی وکالت تقدیرینی
قضا داخلنده ایسه اول قضانک بدایت محکمه سنده
ومرکز لوا اولان قضاده ایسه لوا بدایت محکمه سنده
کرسی ولایتده ایسه استیناف محکمه سنده اله جقدر

اون سکزنجی ماده بر وجه محرر موکلک تقریری
النقدن صکره صورت تقریری عینله جریدهیه قید
وتحریر اولوب موکله مهر و یا امضا و یا اشارت
مخصوصه ایله تصدیق ایتدیردکن صکره اصول
موضوعه سنه توفیقا وکالت حجتی تنظیم و تمهیر اولنور

اون طقوزنجی ماده حاکم طرفندن برمنوال محرر
تنظیم قلن ان حجت شرعیه ده بیان اولندیغی اوزره
وکالت تقریرینک کندو حضور لرلنده و قوعبولدیغی
حین تقریرده حاضر بولنان اعضا بامضبطه تصدیق
ایده جک و بوتصدیق مضبطه سی قضا بدایت محکمه سندن
اعطا قلنش ایسه اول قضانک ملحق بولندیغی ولایت
استیناف محکمه سندن و یاخود لوا بدایت محکمه سندن
تصدیق اولنه جقدر .

یکرنجی ماده موکلک شخصی مجهول بولندیغی

تقدیر چه برنجی ماده ده بیان اولند یعنی وجهله شخصی
تعریف ایندیله جکدر

یکرمی برنجی ماده طشره ده تنظیم اولنان وکالت
جتلرینک کافی السابقی فتوا خانه دن تدقیق و تطبیق
اجرا اولنده یعنی کبی بعدما طشره یه کوندر ملک اوزره
در سعادت محاکمندن ویریلان وکالت جتلرینک مهری
مطابق ایدوکی ظهرینه فتوا خانه دن شرح ویریله جکدر
یکرمی ایکنجه ماده بشقه بلده یه کوندر ملک اوزره
وراثت و وصایت کبی موادک ثبوتنی حاوی سند شرعی
تنظیمی لازم کلدکده طشره حکامی اون یدنجی ماده
موجبجه مواد مذکوره بی بدایت یا استیناف محکمه لرنده
استماع و فصل ایدر و طشره ده تنظیم اولنده جق وکالت
جتلری حقنده بیان اولنان اصول بو مثالو سند شرعی
حقنده دخی بخاری و معتبر در

یکرمی اوچنجی ماده مأمور و امنار سالیله محکمه
استماع قلنه جق خصوصاتی تحریر ایچون محکمه ده بر ویا
بر قاج خصوص جریده لری طوتیله جقدر و بو جریده لر
ضبط جریده لری کبی حفظ اولنوب خصوصه کیدملک لازم
کلدکده مأموره ویریله جکدر فصل دعوی و تسجیل وکالت

واقرار و وقف و وصیت و مخانعه و تطلیق و کشف و تقسیم
عقار و صلح و ابرا و اخبار ملک و تصرف و طرفیندن برینی
تحلیف کبی خصوصات ایچون حاکم طرفندن مأذوناً بر محله
ویا بر قریه یه اعزام قلنان مأور اول محله و یا قریه ده مختاران
واهلیدن بر قاچ ذاتی جلب و جمع ایله بر مجلس عقد ایدوب
خصوصات واقعه یی استماع و بعده خصوص جریده سنه
قید و تحریر و وزیرینی مجلسک انعقادینه باعث اولان
اصحاب مصالحه و حین استماعده حاضر بولنان ذواته مهر
و یا امضا و یا اشارت مخصوصه لریله تصدیق ایتدیردکن
صکره مختار مهریله دخی تمهیر ایتدیروب بعده کندویه
ترفیق ایدیلان امنایله برابر حاکمه انها ایده جکدر
خصوصه محکمه کتبه سندن اهلیت و استقامتی مجرب
و معلوم اولان ذات تعیین ایدلملیندر

یکرمی در دنجی ماده بر حجتک مضمونیه حکم اولنوب
موجبجه اعلامی تنظیم اولندقدده اول حجت محکمه د
الیقونیلوب دفتر سجلا تک حفظ اولندیغی محلده حفظ
اولنه جقدر حجتلریله برابر طشره دن ورود ایدن تصدیق
مضبطلری دخی حجتلری کبی حفظ اولنه جقدر

یکرمی بشنجی ماده اشبو نظامنامه یه بوفیقماً تنظیم

واعطا قلنمان سندات شرعيه نك مضمونى خصم طرفدن
اينكار اولندقدر مجله احكام عدليه نك ۱۱۳۸ و ۱۸۲۱
ماده لرى منطوقلرنجه حكام شرعيه سندات مذ كوره نك
بلا بينه مضمونيله حاكم ايده ييلور فقط لى التديق
بر اعلام و يا حجت و يا بر قيدده تزوير و تصنيع شائبه سى
حس اولنديغى تقدير جه حاكم اول اعلام و حجت و قيدك
بلا بينه مضمونيله حاكم ايتيوب مضمونه بينه طلب ايدر

في ۴ جادى الاولى سنه ۱۲۹۶

(تعليم اصول تحليف)

مدعا عليهه يمين وير ملك لازم كلديكى حالده دعوانك
رؤيت اولنديغى محكمه ده ياخود محكمه طرفندن
== و ندريلان نائب حضورنده خصمى دخى حاضر
اولنديغى حالده يمين ايتيريلور
شويله حاكم ياخود نائبي مسئله يى تصوير ايدرك
بو خصوصه يمين ايدر ميسين ديو مدعا عليهدن سوال
ايدوب او دخى اوت ايدرم ديدكدن صكره يمينك شكل
و كيفيتنى تصوير ايدرك مجله احكام عدليه نك بيك

یدیوز قرق دردنجی ماده سی حکمنجه (والله) دیو

الله تعالی حضرتلر ینک اسمنه قسم ایتدیرر

والله یرنده (بالله) یاخود (تالله) دینلک دخی جائز

اولور فارسجه ده (بخدا سوکند میخورم) وترجه

(اللهم اند اچیورم) تعبیرلری دخی یمیندر

تحلیفک اصولی مجله احکام عدلیه ده مسطور ایسه ده

بونى بر مرتبه دها ایضاح ایچون ز یرده بعض امثله

ایراد اولنده جقدر فقط ابتدا بوکا دائر بر وجه اتی

بعض مواد اساسیه بیان قلند جقدر

مدعی ادعا ایدوبده مدعا علیهک انکار ایتدیکی نه ایسه

انک اوزرینه یمین و یرنک لازم کاور ادعا وانکار

اولنان شی اگر مدعا علیهک کندو فعلی ایسه بتانه

و اگر غیرینک فعلی ایسه عدم علمه یمین و یریلور

مجله احکام عدلیه ننگ (۱۷۴۸) ماده سنه باقی و برده

یمین یاسیبه و خود حاصله یعنی مدعینک حاصل دعواسی

اوزرینه اولور ایشته بووجهله دخی یمین ایکی قسمه

تقسیم ایدیلور

شویله که مدعینک دعواسیله مدعا علیهک انکار بنده نظر

اولور اگر مدعی جهت بیان ایتکسزین برحق یاخود

مجله احکام عدلیه ننگ ینک التی یوز یتمش سکزنجی ماده سی

حکمنجه ملک مطلق دعواسنی ایدوبده مدعا علیه دخی
 انک بود دعواسنی انکار ایدرسه حاصله یمین ویریلور
 واکر مدعی جهت بیان ایدرک برحق یاخود ملک بسبب
 دعوی ایدوبده مدعا علیه انک حاصل دعواسنی انکار
 ایدرسه کنذک حاصله یمین ویریلور اما مدعا علیه جهت
 ویاسبی انکار ایدرسه او حالده سببه یمین ویریلور نه کیم
 کیفیت امثله آتیه دن متضح اولور

(بتاته تحلیف حقناده بعض امثله)

مدعی مدعا علیه دن جهت بیان ایتکسزین سنده شو قدر
 غروش اله جغم وار در انی ایسترم دیو دعوی ولدی
 الاستجواب مدعا علیه انکار ایدوبده مدعی اثباتدن
 اظهار عجز ایله اکا یمین ایتدیرمک ایستدکده حاکم اکا
 (و الله بنم بو آدمه او قدر غروش بورچم یوقدر) دیو
 یمین ایتدیررکه حاصله تحلیف دیمک اولور

(صورت اخری)

مدعی مدعا علیه دن اولان معلوم الحدود بر عقار
 حقناده بو عقار بنم ملک مدر سن اکا بغیر حق وضع ید
 ایدورسین اندن کف یدایت دیوعوی ولدی الاستجواب
 مدعا علیه انکار ایدوبده مدعی اثباتدن اظهار عجز ایله

اكا يمين ايتدرمك ايستدكده حاكم اكا (والله اول عقار
 بو آدهك ملكي دكلدر) ديو يمين ايتديرر و بو دخی
 حاصله تخليف قبيلندن اولور

(ديكر مسئله)

مدعی جهت قرضدن سنده شو قدر غروش اله جغم وار
 انی ایسترم دیو دعوی ایتدکده اکر مدعا علیه بورجم
 یوقدر دیو حاصل دعوی انکار ایدر ایسه حاکم اكا
 كذلك (والله بنم اكا او قدر غروش بورجم یوقدر)
 دیو حاصله یمين ايتديرر و اکر مدعا علیه بن اندن او قدر
 غروش استقراض ایتدم دیو جهتی انکار ایدر ایسه
 اول حالده حاکم اكا (والله بن بو آدمدن او قدر غروش
 استقراض ایتدم) دیو سببه یمين ايتديرر

(ديكر صورت)

مدعی مدعا علیه یبنده بولنان معلوم الحدود بر عقار
 حقنده فلان تاریخده سن بو عقاری اون بیک غروش بدل
 مقابلنده بکا صاتدک بن دخی اشترا ایتدم اول جهتدن
 بو عقار بنم ملکدر اون بیک غروشی اله بو عقاری
 بکاتسلیم ایت دیو دعوی ایتدکده اکر مدعا علیه بو عقار
 سنک ملکدکلدر دیو حاصل دعوی انکار ایدر

ایسه حاکم اکا (والله بو عقار بو آدمک ملکی دکادر)

دیو حاصله یمین ایتدیر

وا کر مدعا علیه بن بو عقاری سکا صاتمدم دیو سببی انکار

ایدر ایسه اول حالدہ حاکم اکا (والله بن بو عقاری بو آدمک

صاتمدم) دیو سببہ یمین ایتدیر

(مسئلهٔ آخری)

مدعی مدعا علیہدن سن بنم فلان کسننه ذمتده فلان

جهتدن اله جق حقم اولان شوقدر غروشک اداسنه انک

امر یله کفیل اولشیدک بناء علیه کفالتک حسبیلہ

سنده او قدر غروش حقم اولغله انی سندن ایسترم دیو

دعوی ولدی الاستجواب مدعا علیه انکار ایدرک مدعی

اثباتدن عجز ایله اکا یمین ایتدیرمک ایستدکده حاکم

اکا (والله بو آدمک بیان وادما ایلدیکی کفالت جهتدن

بنده او قدر غروش حتی بو قدر) دیو یمین ایتدیر

(مسئلهٔ آخری)

مدعی مدعا علیہدن سنک ذمتکده ثمن مبيع اوله رق شو

قدر غروش اله جق حقم اولوب حتی اول جهتدن او قدر

غروش بورجک اولدیغنی اقرار دخی ایتشیدک دیو دعوی

ولدی الاستجواب مدعا علیه انکار ایدوبده مدعی کرک

۲۷۶
اصل دینی و کرم مدعا علیہک انی اقرار ایتدیکنی اثباتدن
اظہار عجز ایله اکا یمن ایتدیرمک ایستدکده اقراره یمن
ویرلیوب مالہ یمن ویریلور شویله کہ مدعا علیہہ (والله
بنم بو آدمه او قدر غروش بورجم یو قدر) دیو یمن
ایتدیریلور

(عدم علمه تحلیف حقنہ بعض امثله)

برکیمسه جهت بیان ایتدیرمک بر متوفانک ترکه سندن شو قدر
غروش اله جق دعوی ایدوبده اثباتدن اظہار عجز ایله
متوفانک وارثه یمن ایتدیرمک ایستدکده حاکم انی عدم
علمه تحلیف ایدر شویله کہ (والله بن مورثمک بو آدمه
او قدر غروش بورجی اولدیغنی بیلم) دیو یمن ایتدیر
(صورت اخری)

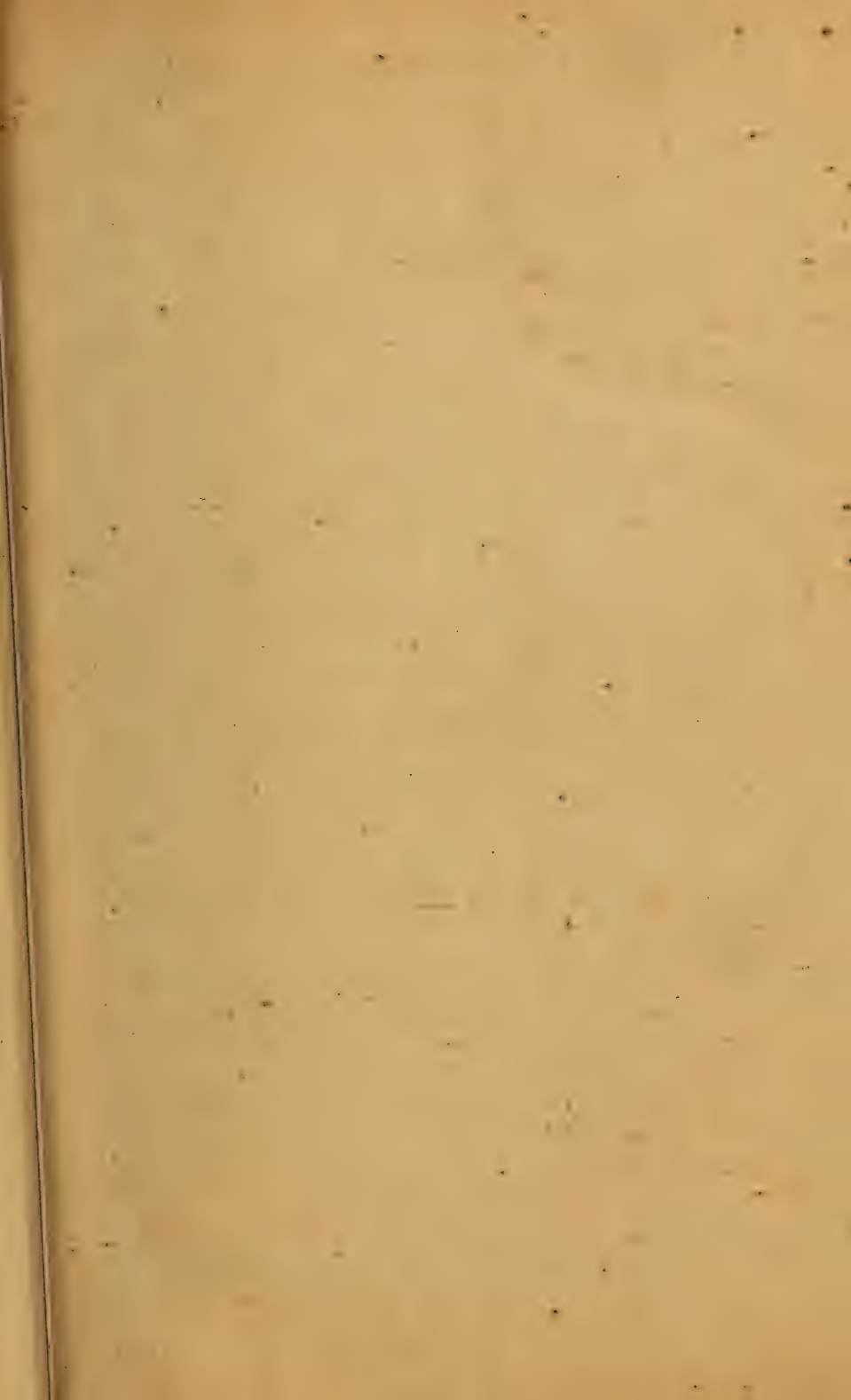
مدعی فلان کسمنه حیاتده ایکن فلان تارینجده بندن شو قدر
غروش استقراض ایله امورینه صرف ایدوب حالا حقم
اولغله ترکه سندن ایسترم دیو دعوی ولدی الانکار اثباتدن
اظہار عجز اولوبده متوفانک وارثه یمن ایتدیرمک
ایستدکده وارث اکر مورثمک اکا بورجی اولدیغنی
انکار ایدر ایسه حاکم اکا (والله مورثمک بو آدمه او قدر
بورجی اولدیغنی بیلم) دیو یمن ایتدیر

واگر استقراضی انکار ایدر ایسه حاکم اکا (والله مورثکم
 بو آدمدن او قدر غروش استقراض ایتدیکنی بیلم) دیو
 یمین ایتدیر

(دیگر صورت)

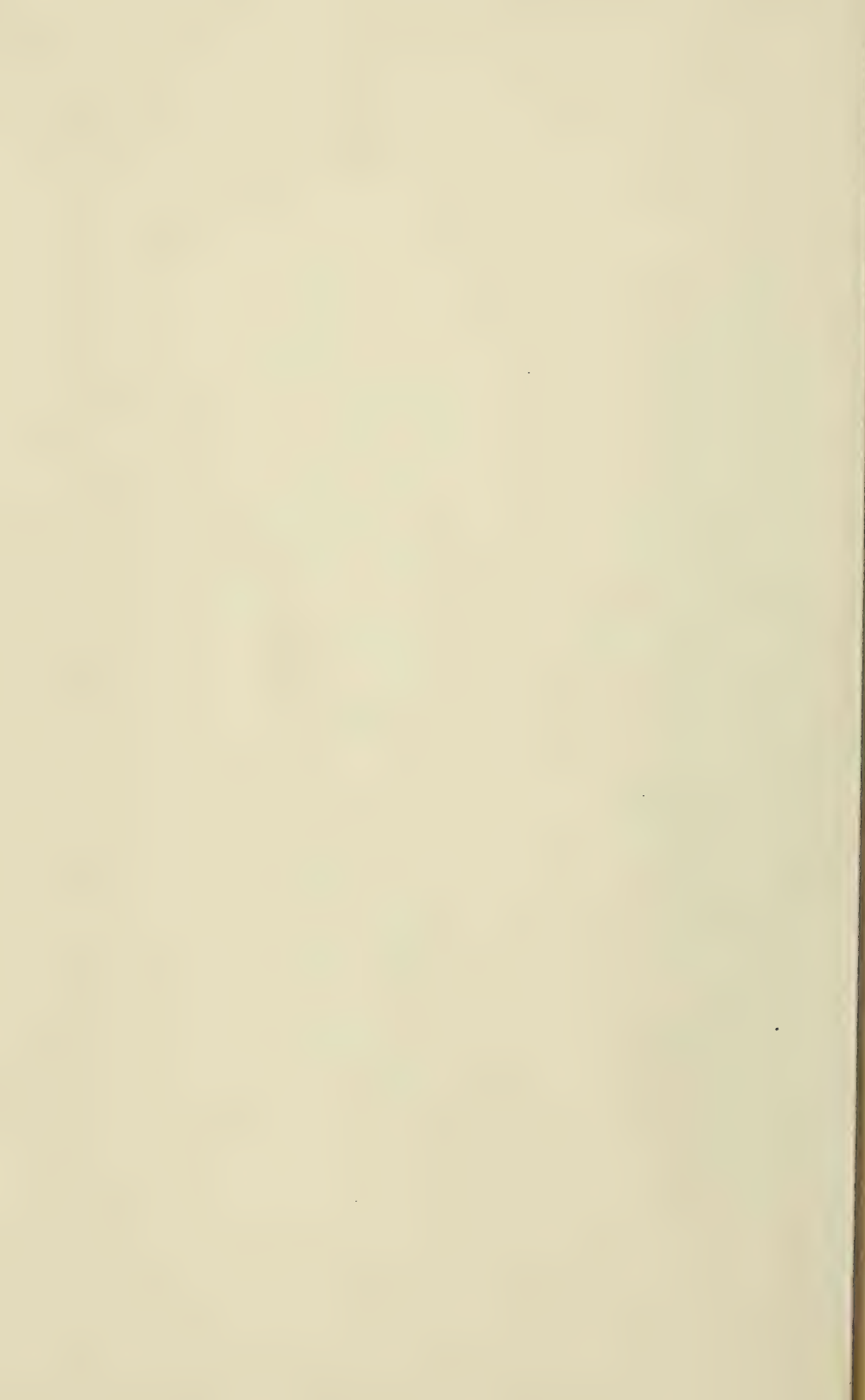
بر آدمک بر شخصدن اشترا ایلدیکی عقاری دیگر کسینه
 اول عقاری دهها اول بن او شخصدن اشترا ایتشدم دیو
 دعوی ایدویده اثبات ایده مدیکی جهته اول آدمه یمین
 ایتدیرمک ایستدکده حاکم اول آدمی عدم علمه یعنی
 کندوسندن اول بو عقاری اول کسندنک اشترا ایلش
 اولدیغنی بیلمدیکنه تحلیف ایدر شوایله که (والله بن
 بو آدمک بو عقاری بندن اول اولی شخصدن صاتون
 الدیغنی بیلم) دیو یمین ایتدیر

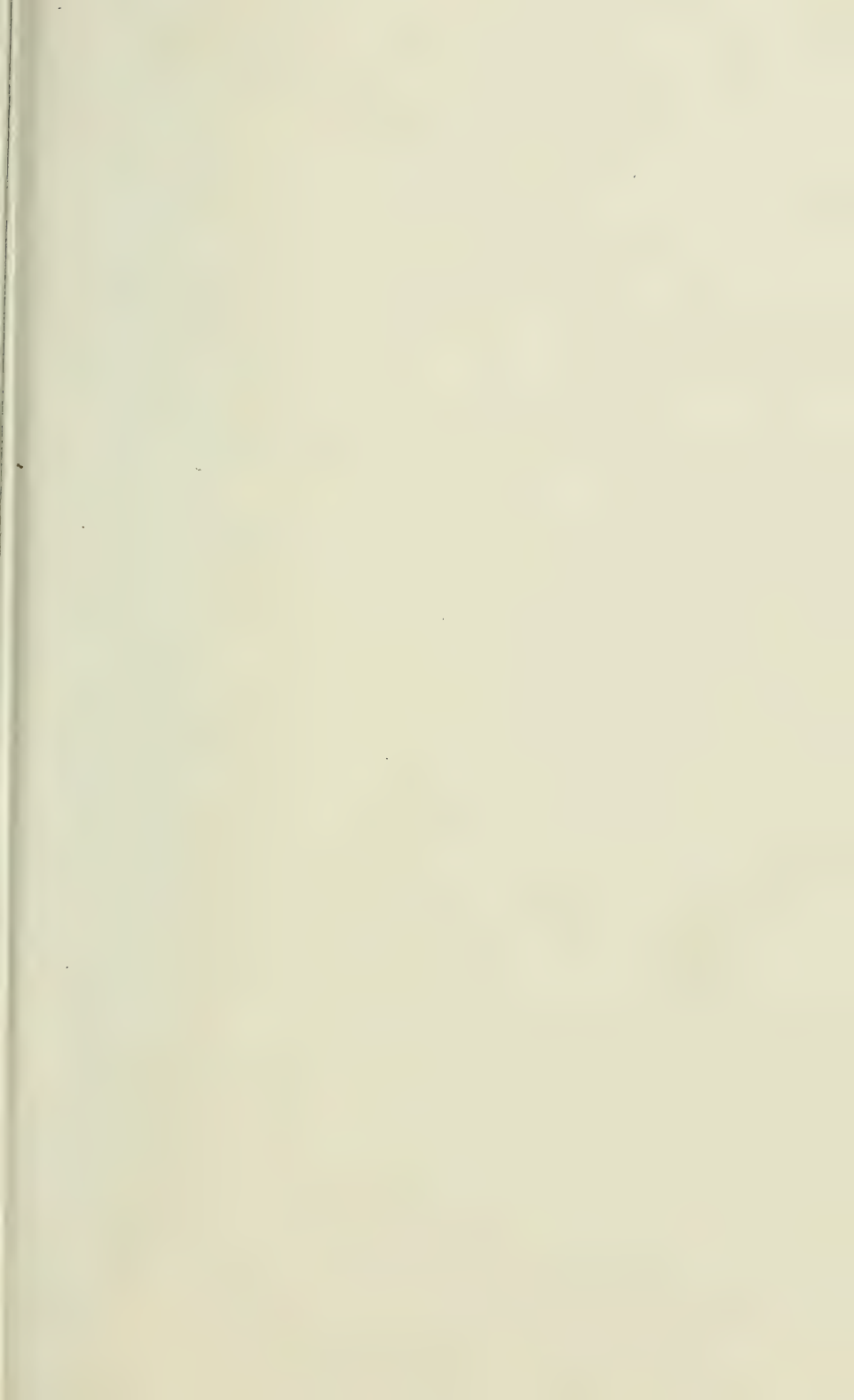
بالاده مذکور اولان صورتلر هب مدعینک طلبی اوزرینه
 ویریلان یمینلره مشالدر اما مدعینک طلبی اولقسزین
 حاکم طرفندن یمین ویریلان صورتلر مجله احکام عدایه نک
 بیکی یوز قرق التجی ماده سنده مسطور اولغله
 انلردن بحثه حاجت کورلماشدر

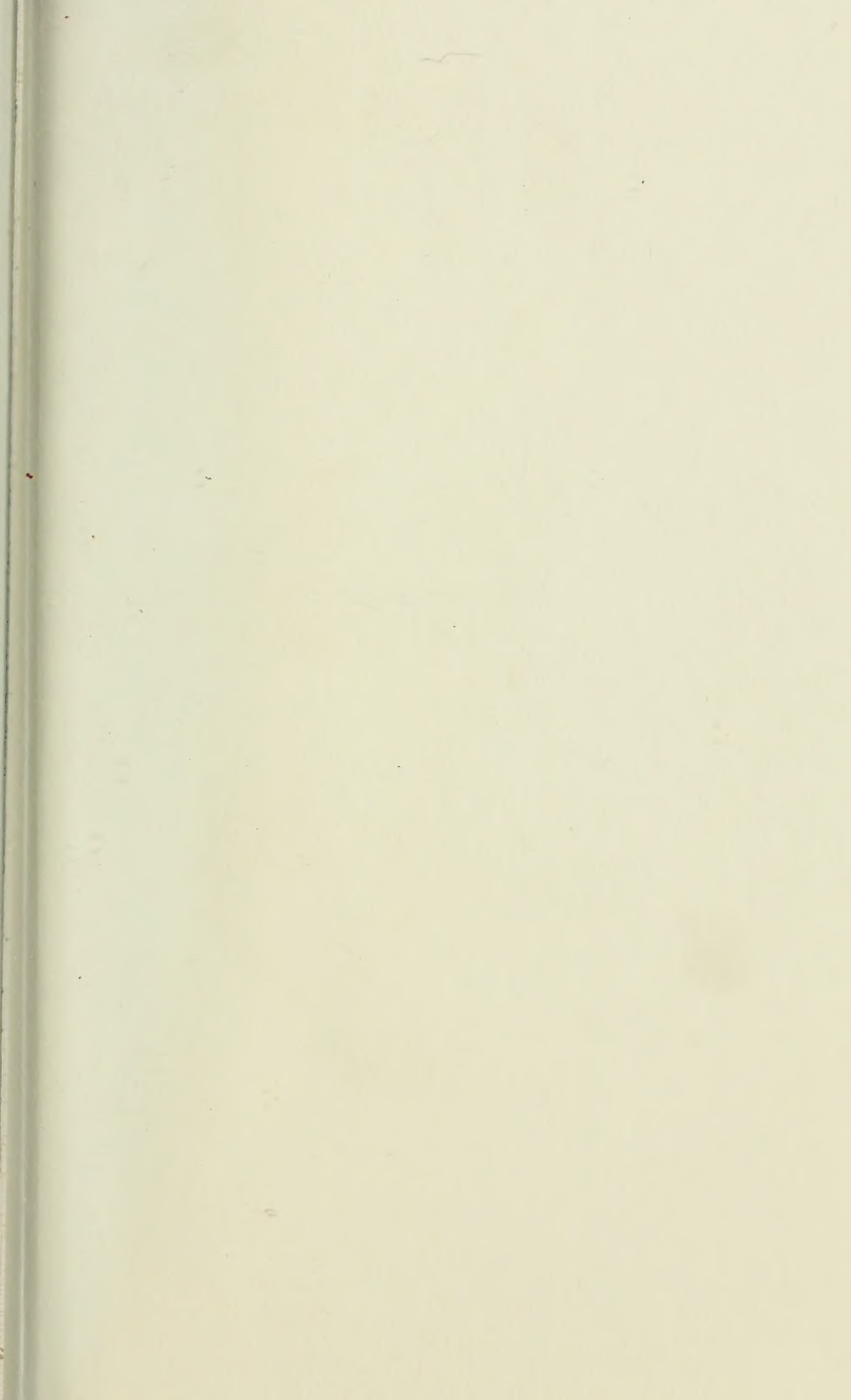


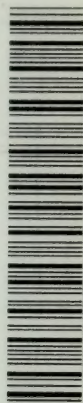


16









3 1761 06739238 1